



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



راهنمای برگزاری مراسم نیمه شعبان

#کرونا

بسی از نویسندگان و ماسکن حضرت علی (ع)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهنمای برگزاری مراسم نیمه شعبان

نویسنده:

جمعی از نویسندگان و عاشقان حضرت ولی عصر (عج)

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۲	راهنمای برگزاری مراسم نیمه شعبان
۲۲	مشخصات کتاب
۲۲	طرح ۱: برگزاری مراسم نیمه شعبان
۲۲	اشاره
۲۴	۱ - کمپین سفره
۲۵	۲ - کمپین شکر (و شهادت اقرار)
۲۶	۳ - کمپین عیدی (عیدی بین قرآن)
۲۶	۴ - تهیه ی بسته های مناسب فرهنگی و ارسال به شاگردان مدارس:
۲۶	۵ - حضور در درب اصلی بیمارستان ها و تقدیر از کادر درمان :
۲۷	۶ - تبلیغ در آسانسور منازل
۲۸	۷ - استوری ها و استتوس های سریالی
۲۸	۸ - تهیه ی بسته های هدیه
۲۸	۹ - ارسال اس ام اس :
۲۸	۱۰ - تشویق سازمان ها و موسسات دولتی یا خصوصی :
۲۹	۱۱ - مسابقه جذاب با هدایای جذاب به صورت مجازی:
۲۹	۱۲ - تماس صوتی (تلفنی ، واتس آپ یا سایر امکانات) :
۲۹	۱۳ - معرفی کتاب های مهدوی :
۳۰	۱۴ - رستوران ها و فست فود ها :
۳۰	۱۵ - همراهی با شرکت های دلپوری:
۳۰	۱۶ - هدیه و تقدیرازماموران پست ، کارمندان بانک ها و نیروهای پلیس :
۳۰	۱۷ - ارسال و پست هدیه های مناسب برای اقوام یا دوستان :
۳۱	۱۸ - تشکیل کمپین های مجازی :
۳۱	۱۹ - اجرای برنامه های زنده ، با اطلاع رسانی قبلی :

۳۱	۲۰- اجرای برنامه ی میزها به صورت مجازی :
۳۱	۲۱- استفاده از بنردر خیابان ها :
۳۲	۲۲- تابلو مصورها در سطح شهر و نقاط پر رفت و آمد
۳۲	۲۳- خانواده هایمان را بیشتر امام زمانی کنیم
۳۲	۲۴- کمک به روزمزدها و کارگران منازل :
۳۲	۲۵- ضبط و پخش سخنرانی های کوتاه :
۳۲	۲۶- هدیه به همسایه ها :
۳۳	۲۷- درست کردن کلیپ :
۳۳	۲۸- روزشمار مهدوی
۳۳	۲۹- ارسال ویدیو های تصویری برای اقوام و دوستان
۳۳	۳۰- تولید پادکست های مذهبی :
۳۳	۳۱- نوشتن جملات کوتاه و همراهی آن با عکس و تصویر :
۳۶	طرح ۲ : طرح بزرگ هر نفر ۵۰ خدمت
۳۶	اشاره
۳۶	مقدمه:
۳۹	بخش اول
۴۰	بخش دوم
۴۰	بخش سوم
۴۱	بخش چهارم
۴۵	طرح ۳ : محتوایی برای جشن های نیمه شعبان
۴۵	پیشگفتار
۴۹	مقدمه
۴۹	اشاره
۴۹	ضرورت تعظیم شعائرالله درقرآن
۵۰	تکریم نیمه شعبان و ایمان به غیب
۵۱	تکریم نیمه شعبان، همان تکریم رسول الله است

- ۵۲ چگونه نیمه شعبان بهتری برگزار کنیم؟
- ۵۲ اشاره
- ۵۲ ۱ - دقت کنیم خدمتی را که برای نیمه شعبان انتخاب می کنیم در حد و اندازه های خودمان باشد!!!
- ۵۲ ۲ - برای نیمه شعبان چند انتخاب داریم:
- ۵۳ ۳ - همه ما قبول داریم که: -
- ۵۴ ۴ - شیطان در نیمه شعبان نیز فعال است!
- ۵۴ ۵ - هدف اصلی برگزاری جشن یا برنامه مان را مرور کنیم!
- ۵۵ ۶ - در طول برنامه تمسک به امام عصر را فراموش نکنیم.
- ۵۵ ۷ - تا قبل از نیمه شعبان فرصت خوبی برای خودسازی داریم.
- ۵۶ ۸ - گروه های هدف برنامه هایمان را بشناسیم.
- ۵۶ ۹ - صدقه برای سلامتی امام زمان علیه السلام
- ۵۷ ۱۰ - اطرافیان و خانواده را فراموش نکنید.
- ۵۷ ۱۱ - به اصل مشارکت دقت داشته باشیم.
- ۵۹ ۱۲ - کیفیت کارتان را بالا ببرید!
- ۵۹ ۱۳ - هدف تان از برگزاری برنامه در نیمه شعبان چیست؟
- ۶۰ ۱۴ - قانع نباشیم!
- ۶۱ ۱۵ - در برنامه هایمان به چه موضوعاتی پردازیم!
- ۶۱ ۱۶ - در برنامه هایمان به چه موضوعاتی پردازیم!
- ۶۲ ۱۷ - قبل از آغاز فعالیت در نیمه شعبان استغفار کنیم.
- ۶۳ ۱۸ - به چه موضوعاتی در نیمه شعبان پردازیم؟
- ۶۳ ۱۹ - مراسم و برنامه های نیمه شعبان صرفاً یک فعالیت آموزشی نیستند!!
- ۶۳ ۲۰ - برای دست یابی به اهداف جشن و برنامه هایمان در نیمه شعبان از امام زمان علیه السلام گدایی کنیم.
- ۶۴ ۲۱ - به همکارانمان در مراسم نیمه شعبان یاد آوری کنیم
- ۶۴ ۲۲ - در نیمه شعبان به چه موضوعاتی پردازیم؟
- ۶۵ ۲۳ - کلاس درس یا مجلس نیمه شعبان؟
- ۶۵ ۲۴ - شایسته است که برنامه ی ما در نیمه شعبان یک یا چند دست آورد زیر را داشته باشد:

- ۶۶ ۲۵ - یادمان باشد: -
- ۶۶ ۲۶ - شکرگزار باشیم. -
- ۶۶ ۲۷ - چه کسانی را به برنامه نیمه شعبان دعوت کنیم؟ -
- ۶۷ ۲۸ - در هنگام دعوت به جشن یا برنامه نیمه شعبان هم می توانیم موثر باشیم! -
- ۶۸ ۲۹ - فعالیت و کار در نیمه شعبان هدف نیست!! -
- ۶۸ ۳۰ - برنامه ریزی داشته باشیم. -
- ۶۸ ۳۱ - در برنامه های نیمه شعبان چه اهدافی را دنبال کنیم؟ -
- ۷۰ ۳۲ - به مردم بگوییم: -
- ۷۱ ۳۳ - یک تحذیر! -
- ۷۲ ۳۴ - به امامت امام زمان علیه السلام و دعا برای ایشان بیشتر بپردازیم! -
- ۷۲ ۳۵ - به این نکته دقت کنیم: -
- ۷۳ ۳۶ - یک موضوع جالب برای سخنرانی -
- ۷۴ ۳۷ - دعوت از دیگران جهت بهره مند شدن از برکات امام زمان علیه السلام توسط مخاطبین، نتیجه یک برنامه نیمه شعبان شایسته و عالی است. -
- ۷۴ ۳۸ - نتیجه یک برنامه ایده آل چیست؟ -
- ۷۵ ۳۹ - چند نکته: -
- ۷۵ ۴۰ - یک تذکر: -
- ۷۶ ۴۱ - برای مخاطبین مان بعد از نیمه شعبان، برنامه داشته باشیم. -
- ۷۶ ۴۲ - یک نکته: -
- ۷۶ ۴۳ - در نیمه شعبان به حقوق دیگران توجه داشته باشیم! -
- ۷۷ ۴۴ - شأن امام زمان علیه السلام را حفظ کنیم. -
- ۷۸ ۴۵ - برای تامین هزینه جشن نیمه شعبان برنامه داشته باشیم. -
- ۷۹ ۴۶ - قرار است بعد از جشن نیمه شعبان چه اتفاقی بیفتد؟ -
- ۷۹ ۴۷ - برای خودمان یا برای امام زمان علیه السلام؟ -
- ۸۰ ۴۸ - برای دعوت حرفه ای عمل کنیم! -
- ۸۱ ۴۹ - به این نکات دقت کنیم: -
- ۸۱ ۵۰ - نمایشگاه کتاب و محصولات فرهنگی -

۸۲	بخش اول: شرح سناریوی جشن
۸۲	اشاره
۸۲	جشن کودک و نوجوان
۸۳	نمونه ای از این قوانین شامل:
۸۶	جشن اولیا
۸۶	بخش دوم: جزئیات مبسوط اجرا
۸۶	«سؤالات نیمه شعبان»
۸۶	سؤالات گروه سنی ۵ - ۱۰ سال
۸۷	سؤالات گروه سنی ۱۱ - ۱۵ سال
۸۷	سؤالات گروه سنی ۱۶ - ۱۸ سال
۸۹	سؤالات اولیا
۹۰	«سرود، اشعار و دکلمه»
۹۰	اشعار گروه کودک
۹۰	اشاره
۹۰	« اشعار دسته اول»
۹۵	« اشعار دسته دوم»
۱۱۱	« اشعار دسته سوم»
۱۱۴	اشعار گروه نوجوان و جوان
۱۱۴	شعر درباره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۱۲۴	سرود شاد نیمه شعبان
۱۳۱	بحرِ طویل میلاد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۱۴۱	لینک صوتی دکلمه و سرودهای زیبا
۱۴۱	در وصف حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مناسبت جشن نیمه شعبان:
۱۴۲	سرود ولادت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) + لینک صوتی
۱۴۴	ولادت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) + لینک صوتی
۱۴۹	مسابقات

- ۱۴۹ اشاره
- ۱۵۰ مسابقات « ۱ »
- ۱۵۰ گروه سنی ۵ الی ۹ سال
- ۱۵۲ گروه سنی ۱۰ الی ۱۴ سال
- ۱۵۳ گروه سنی ۱۵ الی ۱۸ سال
- ۱۵۵ گروه سنی ۵ الی ۹ سال
- ۱۵۷ مسابقات « ۲ »
- ۱۵۸ گروه سنی ۵ الی ۹ سال
- ۱۶۰ گروه سنی ۱۰ الی ۱۴ سال
- ۱۶۴ مسابقه «کدوم تصویر ، کدوم جمله؟»
- ۱۶۴ مناسب برای گروه سنی ۸ الی ۱۰ سال
- ۱۶۸ «تاکشو و نمایش نامه»
- ۱۶۸ ۱ - تاک شوهای نوشته شده توسط اعضای گروه
- ۱۶۸ اشاره
- ۱۶۸ تاک شو کمتر خطا کنیم (گروه کودک)
- ۱۷۱ تاک شو جشن تولد علی (گروه کودک)
- ۱۷۳ تاک شو فال سفارشی (گروه نوجوان)
- ۱۷۴ ۲- تاک شو گروه کودک (۷ - ۱۲ سال):
- ۱۷۴ اشاره
- ۱۷۴ تاک شو مجری با گلدونه
- ۱۸۳ نمایش خورشید پشت ابر
- ۱۹۵ نمایش شهر رنگین کمان
- ۲۰۱ نمایش انتظار
- ۲۱۱ نمایش آرزوی بزرگ
- ۲۱۷ نمایش معلم
- ۲۲۸ ۳- تاک شو گروه نوجوان (۱۲ - ۱۸ سال) و جوانان (۱۹ - ۲۳ سال)

- ۲۲۸ تاک شو بزرگترین آرزو
- ۲۳۳ تاک شو دلت را به من بسپار
- ۲۴۱ تاک شو در قالب پرسش و پاسخ
- ۲۴۴ ۴ - تاک شو گروه بزرگسال (اولیا)
- ۲۴۴ سناریو برای جشن میزها
- ۲۴۴ اشاره
- ۲۴۵ مبحث ۱ : تذکر به محبت امام زمان علیه السلام
- ۲۵۱ مبحث ۲ : اضطرار و دعای همگانی برای ظهور آن حضرت
- ۲۵۱ داستان ۱ : روز حادثه
- ۲۵۲ داستان ۲ : دردهای یک انار
- ۲۵۲ اشاره
- ۲۵۸ ضمائم سناریو:
- ۲۵۸ ضمیمه ۱ : کلیپ سخت ترین شغل دنیا
- ۲۵۸ ضمیمه ۲ : ماجرای قوم حضرت یونس علیه السلام در قرآن و روایات:
- ۲۵۸ آیات قرآن
- ۲۵۹ ماجرای نزول عذاب بر قوم حضرت یونس
- ۲۶۱ ضمیمه ۳ : ماجرای انار و تشریف محمد بن عیسی بحرینی
- ۲۶۶ ضمیمه ۴ : روایت امام رضا علیه السلام در معرفی امام
- ۲۶۶ ضمیمه ۵ : تشریف سید بن طاوس در سرداب مقدس سامرا
- ۲۶۷ ضمیمه ۶ : ماجرای بیمار شدن رُمیله از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۲۶۸ ضمیمه ۷ : توقیع امام زمان علیه السلام خطاب به شیخ مفید در خصوص رسیدگی ایشان به شیعیان
- ۲۶۹ ضمیمه ۸ : حدیث امام صادق علیه السلام به زید شَ حَام در خصوص دلسوزی ایشان به شیعیان
- ۲۶۹ ضمیمه ۹ : احادیث پناه و کھف بودن امام
- ۲۷۰ ضمیمه ۱۰ : آیه قرآن پیرامون اینکه با خواست و تلاش مردم، خداوند مقدرشان را تغییر میدهد.
- ۲۷۰ ضمیمه ۱۱ : حدیث امام رضا علیه السلام پیرامون لزوم همراهی عمل با زبان
- ۲۷۱ ضمیمه ۱۲ : توقیع امام زمان علیه السلام به اسحاق بن یعقوب و توصیه به دعای بر فرج

- ضمیمه ۱۳ : حدیث امام صادق علیه السلام پیرامون ماجرای قوم بنی اسرائیل و دعا برای حضرت موسی علیه السلام - - - - - ۲۷۱
- ضمیمه ۱۴ : توقیع امام زمان علیه السلام خطاب به شیخ مفید و دعوت آنها به اتحاد بر وفای به عهد - - - - - ۲۷۲
- ضمیمه ۱۵ : قصیده سید حلاوی و توصیه امام زمان علیه السلام به دعای بر فرج - - - - - ۲۷۳
- ضمیمه ۱۶ : ماجرای دو تشریف خدمت امام زمان علیه السلام و تذکر به اینکه مردم برای ایشان دعا نمی کنند - - - - - ۲۷۳
- ضمیمه ۱۷ : احادیث مربوط به ناگهانی بودن ظهور - - - - - ۲۷۴
- ضمیمه ۱۸ : نگاهی آماری به پیشرفت های بشر - - - - - ۲۷۵
- تاک شو غربتِ خانگی - - - - - ۲۷۵
- تاک شو کوه نوردی - - - - - ۲۷۷
- « مطالب آموزشی » - - - - - ۲۸۱
- آموزش مفهوم انتظار - - - - - ۲۸۱
- داستان تولد امام زمان علیه السلام (برای گروه کودک) - - - - - ۲۸۹
- بخش سوم: محتوای نیمه شعبان (برای مجریان، مخصوص اولیاء) - - - - - ۲۹۱
- نام، کنیه و القاب حضرت - - - - - ۲۹۱
- نامه های حضرت - - - - - ۲۹۱
- حرمت تسمیه - - - - - ۲۹۲
- کنیه ها و القاب - - - - - ۲۹۲
- خانواده حضرت - - - - - ۲۹۶
- مادر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - - - - - ۲۹۶
- اشاره - - - - - ۲۹۶
- الف- کنیز برگزیده - - - - - ۲۹۷
- اشاره - - - - - ۲۹۷
- وفات آن بانو - - - - - ۳۰۳
- ب- ماجرای ولادت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - - - - - ۳۰۳
- اشاره - - - - - ۳۰۳
- ولادت امام زمان - - - - - ۳۰۵
- زمان ولادت - - - - - ۳۰۵

- ۳۰۸ مکان ولادت - - - - -
- ۳۰۸ شرح ماجرای ولادت - - - - -
- ۳۱۰ مخفی بودن ولادت - - - - -
- ۳۱۱ مخفی بودن ولادت - - - - -
- ۳۱۲ شاهدان ولادت - - - - -
- ۳۱۲ گزارش های اهل سنت - - - - -
- ۳۱۲ آگاهی شیعیان از ولادت - - - - -
- ۳۱۴ واکنش بنی عباس - - - - -
- ۳۱۵ ج-زیارت نرجس خاتون - - - - -
- ۳۱۵ اشاره - - - - -
- ۳۱۶ پدر امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) - - - - -
- ۳۱۸ اوضاع سیاسی، اجتماعی عصر امام عسکری «علیهم السلام» - - - - -
- ۳۱۹ بخشی از فعالیت‌های امام حسن عسکری «علیهم السلام» - - - - -
- ۳۱۹ ۱- رساله ها و نامه ها - - - - -
- ۳۲۰ ۲- تأسیس حوزه علمیه - - - - -
- ۳۲۰ ۳- مبارزه با انحرافات و شبهات - - - - -
- ۳۲۱ ۴- ساماندهی و تقویت سازمان و کالت - - - - -
- ۳۲۱ ۵- توجه ویژه به شیعیان - - - - -
- ۳۲۱ ۶- زمینه سازی برای ورود شیعه به عصر غیبت - - - - -
- ۳۲۱ اشاره - - - - -
- ۳۲۲ امام حسن عسکری «علیه السلام» در همین راستا اقداماتی انجام دادند؛ نظیر: - - - - -
- ۳۲۲ الف) مطلع کردن شیعیان نسبت به تولد فرزندش مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف - - - - -
- ۳۲۲ ب) ارجاع سؤالات افراد به فرزندش - - - - -
- ۳۲۳ ج) کاهش ارتباط مستقیم با شیعیان - - - - -
- ۳۲۳ د) دعا برای ولی امر منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف - - - - -
- ۳۲۳ اعمال و فضیلت نیمه شعبان - - - - -

- ۳۲۳ فضیلت نیمه شعبان
- ۳۲۵ اعمال نیمه شعبان
- ۳۲۶ محل زندگی حضرت
- ۳۲۶ اشاره
- ۳۲۸ در دوران غیبت صغری
- ۳۲۸ در دوران غیبت کبری
- ۳۳۲ مکان های خاصی که حضرت در آنها حضور می یابند
- ۳۳۲ مدینه و پیرامون آن (رضوی)
- ۳۳۲ مکه و اطراف آن (ذی طوی)
- ۳۳۲ اشاره
- ۳۳۲ در دوران ظهور
- ۳۳۴ حضور هرساله در حج و عرفات
- ۳۳۵ مسجد کوفه،سپهله،کربلا و نجف اشرف
- ۳۳۵ خصوصیات حضرت
- ۳۳۵ اوصاف ظاهری
- ۳۴۱ اوصاف اخلاقی و دینی
- ۳۴۳ ترس از خدا
- ۳۴۴ زهد
- ۳۴۴ لباس حضرت
- ۳۴۶ سلاح حضرت
- ۳۴۸ چهره شناسی امام
- ۳۵۱ اشاره ای به معجزات و کرامات حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۳۵۱ سخن گفتن پرنده
- ۳۵۲ جوشش آب و آذوقه از زمین
- ۳۵۲ طی الارض و نداشتن سایه
- ۳۵۲ وسیله ی انتقال

- ۳۵۴ کندی حرکت زمان
- ۳۵۵ قدرت تکبیر
- ۳۵۷ عبوراز آب
- ۳۵۷ شفای بیماران
- ۳۵۸ عصای موسی در دست
- ۳۵۸ ندای ابر
- ۳۵۸ منبع مقاله:
- ۳۵۸ شباهت های امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به انبیاء الهی
- ۳۵۸ اشاره
- ۳۵۹ شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت محمد صلی الله علیه و آله
- ۳۵۹ شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت ابراهیم علیه السلام
- ۳۶۰ شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت موسی علیه السلام
- ۳۶۰ شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت عیسی علیه السلام
- ۳۶۰ شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت نوح علیه السلام
- ۳۶۰ شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت یوسف علیه السلام
- ۳۶۱ شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت اسماعیل علیه السلام
- ۳۶۱ شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت آدم «علیه السلام»
- ۳۶۱ شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت صالح علیه السلام
- ۳۶۲ شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت ایوب علیه السلام
- ۳۶۲ شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت یونس علیه السلام
- ۳۶۲ شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت داوود «علیه السلام»
- ۳۶۲ شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت هارون علیه السلام
- ۳۶۲ شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت شعیب «علیه السلام»
- ۳۶۲ آثار و برکات امام زمان (علیه السلام) در دوران غیبت
- ۳۶۲ اشاره
- ۳۶۵ وجوه تشبیه امام (علیه السلام) به خورشید

- ۳۶۸ نقل ماجرای از نصرت و دستگیری امام زمان «علیه السلام»
- ۳۷۰ نقل ماجرای درباره آگاهی حضرت از احوالات ما -
- ۳۷۲ طول عمر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۳۷۲ اشاره
- ۳۷۲ امکان طول عمر در قرآن
- ۳۷۳ امکان طول عمر در روایات
- ۳۷۳ اشاره
- ۳۷۴ امکان عقلی
- ۳۷۴ امکان علمی
- ۳۷۶ امکان عملی
- ۳۷۶ از منظر علوم تجربی
- ۳۷۷ در منابع امامیه
- ۳۷۸ در منابع اهل سنت
- ۳۷۸ کتب آسمانی
- ۳۷۸ (۱) قرآن کریم در قرآن کریم
- ۳۷۹ (۲) کتب آسمانی اهل کتاب
- ۳۷۹ طول عمر در تاریخ بشر
- ۳۷۹ نتیجه:
- ۳۸۰ در نمونه های تاریخی
- ۳۸۰ اعجاز در عمر طولانی حضرت حجت
- ۳۸۱ دیدگاه علامه طباطبائی
- ۳۸۱ ارتباط با حضرت
- ۳۸۱ اشاره
- ۳۸۱ روایات دسته اول:
- ۳۹۱ روایات دسته دوم:
- ۳۹۳ روایات دسته سوم:

- اتصال وصیت از آدم علیه السلام و خالی نبودن زمین از حجت تا قیامت ۳۹۹
- منجی گرایی در ادیان زرتشت، یهود و مسیحیت ۴۰۱
- پیشینه بحث منجی-گرایی ۴۰۲
- نجات بخشی در ادیان (زرتشت، یهود، مسیحیت) ۴۰۳
- منجی در آیین زرتشت ۴۰۶
- سوشیانت ۴۰۷
- موعودباوری در آیین یهود ۴۱۱
- اشتیاق به مسیح موعود ۴۱۱
- مسیح پسر داوود ۴۱۱
- بنده خدا ۴۱۲
- پسر انسان ۴۱۲
- منجی گرایی در آیین مسیحیت ۴۱۵
- ویژگی یاران سوشیانت ۴۱۸
- خصوصیات یاران منجی موعود چنین است: ۴۱۸
- خصوصیات یاوران منجی در آیین یهود و مسیحیت ۴۱۸
- جمع بندی و نتیجه-گیری ۴۱۹
- امامت از دیدگاه شیعه دوازده امامی با تکیه بر براهین عقلی و نقلی و قرآنی ۴۲۱
- مفهوم شناسی امام در شیعه ۴۲۳
- تعریف اصطلاحی امام ۴۲۴
- امامت از نگاه عقل و نقل ۴۲۵
- اشاره ۴۲۵
- ۱) هَلِ الْإِمَامُ مُضْرُورٌ الْوُجُودُ؟ ۴۲۶
- ۲) عَلَّتْ غَايَةُ نَصْبِ إِمَامٍ ۴۲۸
- ۳) كَيْفَ الْإِمَامُ (صفات امام) ۴۲۹
- ۴) مَنْ الْإِمَامُ؟ (شخص امام بعد از پیامبر کیست؟) ۴۳۳
- امامت در آینه آیات و روایات ۴۳۵

- ۴۳۸ احادیث در باب امامت عامه
- ۴۳۸ امامت خاصه در اصول کافی
- ۴۳۸ اشاره
- ۴۳۹ (۱) عصمت امامان در اصول کافی
- ۴۴۰ (۲) علم امامان در اصول کافی
- ۴۴۴ امامت خاصه در قرآن و سایر کُتب روایی
- ۴۴۴ اشاره
- ۴۴۴ (۱) آیه مباهله
- ۴۴۶ (۲) آیات ۳ و ۶۷ سوره مائده
- ۴۴۹ احادیث ویژه در اثبات امامت خاصه (امامت اهل بیت، علیهم السلام)
- ۴۴۹ اشاره
- ۴۴۹ (۱) حدیث غدیر
- ۴۵۰ (۲) حدیث تقلین
- ۴۵۲ (۳) حدیث منزلت
- ۴۵۴ جایگاه امام زمان در قرآن و روایات
- ۴۵۴ در قرآن:
- ۴۵۴ اشاره
- ۴۵۵ آیاتی که بر ضرورت وجود امام تأکید دارد:
- ۴۵۵ آیاتی که بشارت به حکومت صالحان و مؤمنان بر روی زمین میدهد:
- ۴۵۶ در روایات:
- ۴۵۶ اشاره
- ۴۵۶ روایتی از نصّ خداوند تعالی درباره قائم «علیه السلام»
- ۴۵۸ روایتی از پیامبر اکرم «صلی الله علیه وآله»
- ۴۵۸ اخبار پیامبر اکرم از وقوع غیبت قائم «علیه السلام»
- ۴۵۹ روایات فاطمه زهرا «علیهم السلام» از حدیث صحیفه اینکه دوازدهمین آنها قائم «علیهم السلام» است
- ۴۶۰ روایات امام عسکری «علیه السلام» در باره امام دوازدهم «علیه السلام» و غیبت او

- ۴۶۲ امام زمان علیه السلام وارث غدیر
- ۴۶۲ مهدی «عج» دامه دهنده راه امیرالمومنین «علیه السلام»:
- ۴۶۲ عاقبت عدم شناخت امام زمان «عج»
- ۴۶۳ علت تأخیر ظهور
- ۴۶۳ ظهور بگفته محقق می شود
- ۴۶۵ پس علائم حتمی ظهور چه می شود؟
- ۴۶۷ یأس از ظهور یک لحظه هم پذیرفته نیست
- ۴۶۹ مقصود از اصلاح امر حضرت مهدی «علیه السلام» در یک شب
- ۴۷۰ هفت طرح سخنرانی برای جشن های نیمه شعبان
- ۴۷۰ اشاره
- ۴۷۱ مقدمه
- ۴۷۲ طرح اول: وجوب معرفت امام زمان «علیه السلام»
- ۴۷۲ اشاره
- ۴۷۲ بخش دوم: مفهوم روایت
- ۴۷۳ بخش سوم: بیان اشتراک اعتقاد به امام مهدی علیه السلام در بین مذاهب اسلامی
- ۴۷۳ بخش چهارم: امام زمان «عج» و کیست؟
- ۴۷۵ طرح دوم: ظهور امام زمان ع شرط برپایی قیامت
- ۴۷۵ بخش اول مهدویت: اعتقاد مهم اهل سنت
- ۴۷۵ بخش دوم: روایت ابن مسعود درباره ظهور امام زمان «عج»
- ۴۷۶ بخش سوم: چرا قیامت بدون ایشان نخواهد بود؟
- ۴۷۷ بخش چهارم: گفتگو درباره ی وظایف ما در پیوند و تمسک به امام زمان «عج»
- ۴۷۷ طرح سوم: مدینه ی فاضله
- ۴۷۷ بخش اول: اعتقاد منجی در ادیان غیر وحیانی
- ۴۷۸ بخش دوم: اعتقاد منجی در ادیان الاهی
- ۴۷۹ بخش سوم: فصل مشترک همه ی ادیان
- ۴۷۹ بخش چهارم: برتری اعتقاد به منجی در تشیع

- ۴۸۰ بخش پنجم: وصف امام زمان ع و وظائف مردم نسبت به ایشان
- ۴۸۰ طرح چهارم: مفهوم انتظار
- ۴۸۰ بخش اول: انتظار منجی در همه ی ادیان و مذاهب وجود دارد.
- ۴۸۰ بخش دوم: انتظار در مذهب شیعه
- ۴۸۱ بخش سوم: حقیقت این انتظار چیست؟
- ۴۸۲ بخش چهارم: عوامل انتظار
- ۴۸۲ بخش پنجم: آثار انتظار
- ۴۸۳ طرح پنجم: دست آوردهای ظهور امام زمان «عج»
- ۴۸۳ بخش اول: معرفی سرانجام صالحان از قرآن
- ۴۸۳ بخش دوم: بیان اهدافی که این آیه برای حاکمیت امام زمان «ع» برشمرده است:
- ۴۸۴ بخش سوم: وظیفه ما در اجرایی شدن و تقریب به این اهداف چگونه است؟
- ۴۸۴ طرح ششم: مفهوم غیبت
- ۴۸۴ بخش اول: بیان اهداف
- ۴۸۴ بخش دوم: مفهوم نیست در آیات و روایات
- ۴۸۵ بخش سوم: غیبت ایشان به چه معانی نادرست است؟
- ۴۸۶ بخش سوم: معنای درست غیبت
- ۴۸۷ بخش چهارم: بیان فوائد امام غایب
- ۴۸۷ طرح هفتم: مهمان سفره صاحب الزمان «عج» هستیم.
- ۴۸۷ بخش اول: خصوصیات امام زمان «عج»: نگاه شیعه
- ۴۸۸ بخش دوم: داستان روایت امام صادق «علیه السلام» خطاب به ابوحنیفه
- ۴۸۹ بخش سوم: داستان ملاقاسم علی رشتی و تشریف او در قبرستان تخت فولاد
- ۴۹۰ بخش چهارم: نتیجه گیری
- ۴۹۱ برخی شبهات و سؤالات مهدویت «با پاسخهای ارزشمند جناب دکتر قندهاری»
- ۵۰۳ ملحقات
- ۵۰۳ نواب خاص امام زمان «عج»
- ۵۰۳ ابوعمر و عثمان بن سعید عمروی

- ۵۰۵ ابوجعفر فرزند عثمان بن سعید عمروی
- ۵۰۶ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی
- ۵۰۸ ابوالحسن علی بن محمد سمری
- ۵۱۰ توقیعات امام زمان «عج»
- ۵۱۲ موضوع بندی توقیعات:
- ۵۱۲ اعتقادی
- ۵۱۳ فقهی
- ۵۱۳ اموال رسیده به امام
- ۵۱۴ تکذیب مدعیان
- ۵۱۴ کرامتها و دعاها
- ۵۱۵ آخرین توقیع امام زمان «عج» به نایب چهارم:
- ۵۱۶ درباره مرکز

راهنمای برگزاری مراسم نیمه شعبان

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: راهنمای برگزاری مراسم نیمه شعبان / جمعی از نویسندگان و عاشقان حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) [و دیگران]

مشخصات نشر: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۴۴۱ق = ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ص ۴۲۵

یادداشت: کتابنامه

موضوع: مهدویت -- مقاله ها و خطابه ها

موضوع: محمد بن حسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- مقاله ها و خطابه ها

رده بندی کنگره: ۱۳۷۲ ۳م/BP۲۲۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

ص: ۱

طرح ۱: برگزاری مراسم نیمه شعبان

اشاره

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم با سلام و احترام خدمت دوستان بزرگوار سال هاست که به عنایت مولایمان صاحب العصر والزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، بهره مند بوده ایم از نعمت خدمت گذاری، ویژه در ایام مبارک نیمه ی شعبان! به خوبی آگاهیم که همه عزیزان به جهت تلاقی بهار با این میلاد از مدت ها قبل برنامه ریزی های مفصلی داشته اند، اما حال که این مهمان ناخوانده؛ و یروس کرونا به جان مردممان افتاده و امکان برپایی مراسم های نیمه شعبان نیست، بر آن شدیم برای حفظ و تبلیغ نام و یاد مولایمان، راهکارهایی را به در خواست دوستان ارائه دهیم در ابتدا یادمان باشد هر تهدیدی را می توان به عنوان فرصت در نظر گرفت، فرصتی جدید برای خدمت گذاری، چراکه هدایت خواستن از امام عصر علیه السلام و تمسک به ایشان و دعای بر فرج زمان خاصی ندارد و "هر زمانی" زمان مناسب محسوب میشود چرا که نیازه هدایت خواهی از امام عصر عج یک نیاز ملموس است و اینکه حضرت در دوران غیبت در فشار هستند یک حقیقت موجود. بدین سان فقط نباید خود را ملزم به برپایی برنامه های نیمه بدانیم بلکه موظفیم تلاش کنیم در کنار این برنامه ها مباحثی مناسب را با مداخل متفاوت و جذاب به مردم منتقل کنیم و خواهش میکنیم از واژه ی جشن به خاطر بار معنایی خاصش در این ایام استفاده نکنیم و به جای آن از مراسم نیمه ی شعبان و یا رویداد نیمه شعبان استفاده کنیم باسپاس از

همراهی شما ، راهکارهایی را برای برپایی مراسم نیمه شعبان در شرایط موجود بیان می کنیم :

۱- کمپین سفره

سفره شمارو یاد چی میندازه ؟ یاد غذا ، یاد هفت سین ، یاد سفره ی عقد ؟ تاحالا فکر کردین سفره چه کاربردی داره ؟ درسته ، باعث میشه غذا یا وسایل روی زمین نریزه ، اما یه کاربرد ویژه ی دیگه ای هم داره باعث میشه دورهم جمع بشیم ! یه نقش هایی برای سفره هممون میدونیم مثل نریختن وسایل اما به یه نقش هایی هم شاید اگاه نبودیم مثل دورهم جمع کردن ما ! میخوایم بگیم امام عصر مثل همین هستند گاهی متوجه کارهایی که برای ما میکنند هستیم مثلا- در توسلاتمون و گاهی متوجه نیستیم که چقدر بهمون عنایت دارند سفره ها مارو فیزیکی دورهم جمع میکنند ، و باعث گرم تر شدن کانون خانواده هامون میشن ، حالا- اگه از خانواده ها بخوایم با هم برای فرج دعا کنن بیشتر به هم نزدیک میشن یا اگه هرکدوم جدا جدا اقدام کنند و هر کدوم حاجات های خودشون رو بخوان ؟ از طرف دیگه ، وقتی دور سفره ی غذا نشستیم ، اگه کسی ازما چیزی رو بخواد حتما به دستش میرسونیم ، و چقدر خوبه اگر سر سفره ی محبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف جمع بشیم و برای هم بهترین هارو بخوایم ، مثلا بگیم یا صاحب الزمان ، این دوست من خیلی خوبه اما اگر این صفت نیک رو هم داشته باشه عالی میشه به خودشم بگیم که چنین درخواستی از حضرت براش کردیم ، که اگر این صفت

رو داشته باشی خیلی بهتر میشه بیاین به یه زاویه ی دیگه هم فکر کنیم ؛ آدم دوست داره تو سفره غذاهای متنوع باشه ، میشه در بستر محبت امام عصر هم همین کارو کرد ، یه ماه روی پرهیز از دروغ رو بخوایم و روش کار کنیم یه ماه روی صبر حالا ما تو این کمپین چی میخوایم بگیم ؟ میخوایم بگیم وقتی سرسفره ای جمع شدیم ؛ سفره رو بهانه کنیم برای از امام زمان گفتن ، که هر نعمتی سر این سفره هست به بهانه ی وجود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ، و سفره ها بهانه ای هستند برای نشر محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۲- کمپین شکر (و شهادت اقرار)

این روزهای کرونایی و این خانه نشین شدن های اجباری ، در کنار تمام بدی هایش، یک حسن بزرگ داشت ؛ " دیدن نعمت ها " این که فهمیدیم چه بی حد دارای نعمت بودیم و امروز حسرتش را میخوریم ، نعمت آسوده بیرون رفتن ، خرید کردن ، سفر رفتن، دورهم جمع شدن ، دست دادن و بسیار بسیار نعمت های دیگر ، حال این روزها همه اقرار میکنیم به اشتباهاتمان به ندیدن نعمت ها ، میخوایم در این کمپین ؛ شکررا تمرین کنیم ، شکر تمام آن چیزهایی که هنوز هست و عادی می پنداریم شان ، جزیی نگر شویم اما بازهم ممکن است نعمت هایمان را نفهمیم ، نبینیم . باید از خود حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف بخوایم که نعمت هایمان را به ما نشان دهند ، خود حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف بینایمان

۳- کمپین عیدی (عیدی بین قرآن)

یکی از شادی های عید ، عید دیدنی رفتن و عیدی گرفتن بود ، حال که مجبوریم به خانه نشینی و محرومیم از دید و بازدید ، میتوانیم ۵ صفحه از قرآن را به صورت هدفمند انتخاب کنیم (این صفحات با تامل و توسل اساتید انتخاب شده) و استیکرهای رنگی در هر صفحه قرار دهیم ، در تماس های مجازی ؛ (یا حتی تلفنی) قرآن هایمان را به دوستان و اقوام نشان دهیم و بگوییم یک صفحه از این ۵ صفحه ی منتخب ، انتخاب کن ، یا یک رنگ را انتخاب کن ، بعد باز کنیم و پول نقدش را به عنوان هدیه و عیدی برایش کنار بگذاریم (یا برایش کارت به کارت کنیم) و بعد پیام آیه ی مورد نظر را به او بگوییم.

۴- تهیه ی بسته های مناسب فرهنگی و ارسال به شاگردان مدارس:

این طرح برای دوستانی در نظر گرفته شده است که هر سال توفیق اجرای برنامه های نیمه شعبان را در مدارس داشته اند ، در خاطر داشته باشیم لزوما بسته های فیزیکی مدنظر ما نیست و میتوانیم از بسته های مناسب مجازی مثل خرید کتاب های اینترنتی و هدیه دادن آن ها هم استفاده کنیم ، از همین نکته ی اول متذکر میشویم برای هر نوع هدیه به صورت خارجی رعایت نکات بهداشتی واجب است ؛ مثلا قرار دادن پدهای الکی تک نفره در هر بسته نکته : سعی ما در برگزاری و تکیه بر برنامه های مجازی است.

۵- حضور در درب اصلی بیمارستان ها و تقدیر از کادر درمان :

به جهت تشکر از جامعه پزشکی و پرستاری در شرایط سخت فعلی، میتوانیم پک هایی مناسب برای آن ها تهیه کنیم و درب بیمارستان به نگهبان یا به مسئول ارتباطات تحویل

دهیم، گفتگو و توجیه این بزرگواران بسیار مهم است که با ما و با هدف ما هم فضا و هم باور شوند، بسیار زیبا خواهد بود اگر گلی هم همراه بسته یا بروشور یا کارت تبریکمان باشد. تقدیم حس قدر شناسی برای عزیزانی که جانشان را برای شفای مردم فدا میکنند، بسیار لازم و ضروری است در این باب اگر پزشک یا پرستاری را میشناسیم، میتوانیم با او صحبت تبلیغی کنیم، که زحماتشان را به نیابت از حضرت عج انجام دهند، که اگر ما همراهشان نیستیم اما حضرت علیه السلام در تمام لحظات سخت همراهشان هستند و ناظر و شاهد بر سختی های کارشان می باشند.

- تکمله: اگر برای دوستان مقدور بود، می توان کارت هایی لمینیت شده (به جهت امکان ضد عفونی) با محتوایی مهدوی برای بیماران هم تدارک دید. به واقع در حال بیماری همه ما به دنبال پناه هستیم به دنبال مامنی برای نجات، در حال بیماری بسیاری از پرده ها به لطف خدا کنار میروند و این نوشته ها تذکری مناسب میشود به حضور و دستگیری حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف، " این کار یقیناً موثر خواهد بود"، این که تنها نیستیم و او مارا یاری خواهد، فقط کافی است بخواهیم

۶- تبلیغ در آسانسور منازل

در آسانسور منازلمان یک نوشته قرار دهیم جهت تبریک میلاد حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ میتواند یک تبریک ساده باشد یا یک سلام و یا متنی کوتاه برای ارتباط با امام عصر علیه السلام همراه با بسته های شکلات فروشگاهی (شکلات باز هرگز قرار ندهیم)، حواسمان

باشد در تمام هدایا باید موارد بهداشتی را اعمال کنیم

۷- استوری ها و استتوس های سریالی

از چند روز (۳ تا ۱۰ روز) قبل از نیمه شعبان با استوری ها و متن هایی هدفمند مردم را به یاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بیندازیم ، حواسمان باشد "تولید محتوا" کنیم نه فقط تبریک عید و روزشمار آن . مردم با تذکرات ما به حضرت نزدیک می شوند

۸- تهیه ی بسته های هدیه

برای پاکبانان ، پمپ بنزینی ها ، حراست های کوچه یا شرکت هایمان و موارد مشابه در این کار متن هایی خاص برای ارج نهادن تلاش این بزرگواران در نظر گرفته می شود و سعی بر آن است که مخاطب متن های ما؛ فرزندان این عزیزان باشند، که حس تقدیر و ارزشمندی این بزرگواران در دید فرزندانمان به چشم آید.

برفرض مثال : میدونی اگر پدرت یه شب کارشون رو انجام ندن چقدر چهره ی شهر زشت و آلوده میشه و

۹- ارسال اس ام اس :

در این سبک ما پرهیز می کنیم از ارسال تبریکات متداول ، بلکه سعی بر خلق موضوع های جدید داریم ، متن هایی خلاقانه ، مثلا : امسال قصد دارم برای بهتر بودنم با دستگیری یا صاحب الزمان عج ، خوش خلق تر باشم ، یک سال خوش خلق تر ، نیمه شعبان مبارک !

۱۰- تشویق سازمان ها و موسسات دولتی یا خصوصی :

هر کدام از ما در مکانی مشغول به کار هستیم ، با خودمان فکر کنیم چه کاری می توانیم بکنیم ، این که متنی تهیه کنیم برای راهرو ها یا آسانسورها یا متنی برای پیامک به همه ی کارمندان یا مدیر آن سازمان یا موسسه را تشویق کنیم برای ضبط فیلمی دو دقیقه ای ، برای

ص: ۷

تبریک عید و نیمه شعبان با آرزوی سلامتی برای کارکنانشان .

این ها همه پیشنهادهایی است برای تبلیغ این ایام و این میلاد اما هر کدام توانایی های ویژه ای داریم در مکان هایی که هستیم خودمان خالق وضعیت جدید باشیم ، و یادمان باشد هر زمانی زمان مناسب ، برای گسترش نام حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف است

۱۱- مسابقه جذاب با هدایای جذاب به صورت مجازی:

سعی کنیم از مسابقات کلاسیک پرهیز کنیم مثلا بخواهیم خاطره شان را از آخرین باری که کمک حضرت رو درک کردند بیان کنند یا بیا بیا از قابلیت های شبکه های مجازی استفاده کنیم مثل نظر سنجی ها و رای گیری های در اینستاگرام مثلا بنویسیم : من امام زمان را دوست دارم چون ... با چهار گزینه صحیح که مخاطب خودش به فراخور حس خویش یکی را انتخاب کند

۱۲- تماس صوتی (تلفنی ، واتس آپ یا سایر امکانات) :

هر سال برای دعوت جشن هایمان ، با بزرگوارانی تماس می گرفته ایم ، امسال که امکان برگزاری جشن های عمومی نیست باز هم با آن ها تماس بگیریم و بعد از تبریک عید ، بگوییم به یمن حضرت به یادشان هستیم هر چند امکان دعوتشان را نداریم و یا با کسانی تماس بگیریم که مدت هاست از آن ها بی خبریم یا با آن ها قهریم ، فقط کافی است نگاهی به لیست مخاطبین بلند بالای در گوشی هایمان بیندازیم .

فقط فکر کنیم اگر دوستی بعد از سال ها صدای مارا به دلیل تبریک نیمه شعبان بشنود چقدر تاثیرگذار است ، تمام این اعمال را به نیابت از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام دهیم متوجه معجزه ی کلامان خواهیم شد

۱۳- معرفی کتاب های مهدوی :

معرفی کتاب

ص: ۸

ها و ویژه به صورت مجازی باشد، یا خریدن و هدیه دادن کتاب های اینترنتی مهدوی، ارسال پادکست های کتاب های مذهبی، و یا کتاب های غیر مذهبی خوب و امید دهنده، مثل کتاب های داستانی ویژه یا کتاب های مهارتی خوب (تنوع عناوین کتاب ها، با گزینش صحیح آن ها میتواند مخاطبین بیشتری را با ما همراه کند، تاکید میکنیم، انتخاب آگاهانه ی کتاب ها)

۱۴- رستوران ها و فست فود ها :

هنوز با وجود بیماری کرونا، رستوران هایی هستند که هم چنان مشتری دارند، با هماهنگی با مدیر رستوران به سر میزها برویم و با فاصله ی مقرر و رعایت نکات بهداشتی، چند دقیقه ی کوتاه با آن ها درباره ی امام عصر علیه السلام صحبت کنیم و یا هدیه یا گل به آن ها بدهیم (تمام هدیه ها همراه با دستمال و پد الکلی تک نفره باشد)

۱۵- همراهی با شرکت های دلیوری:

با شرکت هایی که کار ارسال کالا-را انجام میدهند و یا حتی با مغازه هایی چون سوپرمارکت های بزرگ صحبت کنیم؛ تا در بسته های ارسالیشان کاغذهایی با محتوای مهدوی، که ما در اختیارشان گذاشته ایم، قرار دهند، این کار مستلزم توجه کامل مدیران مسئول این شرکت ها یا فروشنده هاست که خودشان هم پیوند برقرار کنند با امر تبلیغ، یعنی خودشان مبلغ شوند

۱۶- هدیه و تقدیراز ماموران پست، کارمندان بانک ها و نیروهای پلیس :

این که در شرایط سخت بازهم آنها مشغول کار هستند مارا موظف میکند برای ابراز تقدیربه نحو مهدوی تکمله: به جهت تفاوت در سبک شغل های مختلف، آن هارا در این متن به چهار دسته تقسیم کرده ایم

۱۷- ارسال و پست هدیه های مناسب برای اقوام یا دوستان :

مثلا برای بچه ها لوازم نقاشی

، برای خانم های سن دار جانماز ، هدیه دادن همیشه موجب افزایش محبت است ویژه اگر رنگ مهدوی داشته باشد (به نکته آخر متن ، درباره ی بسته های پستی حتما توجه کنید)

۱۸- تشکیل کمپین های مجازی :

در فضای مجازی کمپین هایی تشکیل دهیم برای دعوت به یک کار نیک یا پرهیز از یک صفت یا کار بد یا انجام یک مهارت مثلا کمپین پرهیز از خشم ؛ به مناسب میلاد مهربانترین خلق !

۱۹- اجرای برنامه های زنده ، با اطلاع رسانی قبلی :

مثل تئاتر های آنلاین ، مثل سخنرانی و مداحی های آنلاین برای روز نیمه در بسترهای مناسب و پرطرفدار مثل لایو اینستاگرام ، یا آپارات ، یاموردی مشابه نکته ی مهم : برای اجرای برنامه های زنده چند لایه تماس با مخاطبین برای خودمان تعریف کنیم . اول تماس تلفنی و دعوت به برنامه ، دوم فرستادن تکس واتس آپی (ارتباط با بستری متفاوت) جهت یاد اوری برنامه و در آخر اجرای خود برنامه ی زنده

۲۰- اجرای برنامه ی میزها به صورت مجازی :

با برنامه ی اسکایپ یا با برنامه ی وبکس یا استفاده از برنامه های مشابه میتوانیم اجرای میزها را داشته باشیم ، اجرای میز در این ایام به وسیله ی اسکایپ تجربه شده و بازخورد بسیار مناسبی هم داشته است

۲۱- استفاده از بنر در خیابان ها :

با جملاتی متفاوت ؛ میتواند هم سلام به حضرت باشد هم شان دستگیری یا توسل حضرت را نمایان کند ! جملاتی مثل :

-بازهم مثل همیشه مراقبمان باش ، که گفته ای : انا غیر مهملین لمراعاتکم - پشتم به وجودت گرم است ، کهف حصین ! (میتوانیم از ترجمه استفاده کنیم ، این ها فقط نمونه بود ، در صورت نیازو درخواست محتوا در اختیارتان قرار خواهد گرفت)

۲۲- تابلو مصورها در سطح شهر و نقاط پر رفت و آمد

مثل بیمارستانها، که حاوی متن هایی کوتاه و امیدوار کننده باشد

۲۳- خانواده هایمان را بیشتر امام زمانی کنیم

این زمان، بهترین زمان برای بودن با خانواده است و غافل نشویم از انجام کارهای کوچک اما پر تاثیر، مثل؛ سلام دادن هر صبح به امام عصر همراه فرزندانمان، دعا کردن های کوتاه، ذکر داستان های مهدوی، خوش خلقی بودن به خاطر حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف، همه ی این ها محتاج توجه و ابتکارهای رفتاری ماست با توسل به خود حضرت.

یادمان باشد؛ خودمان و خانواده هایمان محتاج شنیدن این واقعیت ها هستیم، مناسب باور مخاطبمان حرف بزنیم طوری که از ما گریزان نشوند و بگویند:

باز هم حرف تکراری! بلکه آن چنان رفتار ما تاثیر گذار باشد که بگویند: چقدر به این مطالب احتیاج داشتیم

۲۴- کمک به روزمزدها و کارگران منازل:

در این ایام اگر کارگری روزمزد را می شناسید، بسته های آذوقه با تبریک عید نوروز و نیمه شعبان بسیار تاثیر گذار خواهد بود، استعدا داریم به فکر قشر ضعیف با حفظ شانسان باشید نکته: در این رابطه می توانید به فتاوی مراجع بزرگوار خودتان نیز مراجعه کنید، برفرض مثال آیت الله سیستانی در سایت خودشان اعلام کرده اند می توانید نیمی از سهم امام را برای درمان یا جلوگیری از ابتلای سایرین به این بیماری اختصاص دهید

۲۵- ضبط و پخش سخنرانی های کوتاه:

سخنرانی های ۱ تا ۵ دقیقه ای بسیار پرکاربرد و پر طرفدار است، از اساتید و بزرگانی که مقبولیت عمومی دارند خواهش کنیم برای ضبط این برنامه ها اقدام کنند

۲۶- هدیه به همسایه ها:

برای میلاد باسعادت حضرت حجت علیه السلام، هدیه

هایی را تدارک ببینیم ، مثل سی دی های سخنرانی یا مولودی ، کتاب های مهدوی و یک شاخه گل (بهتر است سایر کتاب های خوب هم باشد)

۲۷- درست کردن کلیپ :

حتما نیاز به ساخت کلیپ های حرفه ای نیست ، هرچند اولویت با آن هاست ، اما میتوانیم در این زمان کوتاه ، کلیپ های ساده و تاثیر گذار مهدوی درست کنیم

۲۸- روزشمار مهدوی

منظورما درست کردن روزشمار محتوایی است نه فقط ذکر ۵ روز مانده تا نیمه شعبان

۲۹- ارسال ویدیو های تصویری برای اقوام و دوستان

میتوانیم همیشه تماس تصویری بگیریم اما کمی خلاقانه تر عمل کنیم ؛ با تصویر خودمان با رعایت نکات دنیای مجازی ، میتوانیم کلیپ های کوتاه و متفاوت درست کنیم با ذکر نام مخاطب هایمان برای تبریک این میلاد (می تواند با ذکر خاطرات خوب و شخصی مخاطب هایمان باشد) و از دستگیری و عنایت های حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف به خودمان بگوییم

۳۰- تولید پادکست های مذهبی :

میتوانیم حتی در این مدت محدود پادکست های خوبی را برای انتشار ضبط کنیم ، فقط کمی همت می خواهد ، شاید همه همیشه حوصله ی مطالعه نداشته باشند اما شنیدن پادکست همیشه جذاب است و مخاطبین میدانند اگر امروز گوش نکنند روزهای دیگر و در فرصت های بعد گوش خواهند کرد

۳۱- نوشتن جملات کوتاه و همراهی آن با عکس و تصویر :

فقط خواهش میکنیم از محتوای کلیشه ای ، شروع متن کلیشه ای و استفاده از عکس های تکراری پرهیز کنید ، مثل پست های اینستاگرامی یا واتس آپ چند نکته مهم را به عنایت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با هم مرور کنیم:

-هرکاری برای مراسم نیمه شعبان انجام میدهیم ، هرکدام از این سی و یک کار و یا

کارهای خلاقانه ی خودتان، باید درون مایه اش تاکید بر دعای بر فرج مولایمان باشد و یا شان کمک خواستن و نصرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را به صورت پررنگ داشته باشد، تمام این برنامه ها برای ارتباط مخاطب ما، با حضرت است -در مواردی که امکان صحبت هست یا امکان متنی طولانی تر حتما اصل را بر تصحیح یک صفت یا رفتار بگذاریم که مخاطب ما تصمیم بگیرد یک رفتار خوب مبتنی بر رفتار اهل بیت علیهم السلام را انجام دهد یا یک رفتار نکوهیده را ترک کند -در موارد مطروحه ی بالا، وقتی از واسطه ای میخواهیم کاری برای ما انجام دهد، مثلا بسته های هدیه را برای تحویل ببرد، باید حتما با او وارد گفتگو بشویم و او را متذکر حضرت بکنیم -در این روزها که کرونا همه گیر تر شده باید در روابطمان بهداشت به صورت پررنگ تعریف شود، یعنی هم بهداشت را رعایت کنیم و هم به مخاطبمان نشان دهیم که ما پایبند به نکات بهداشتی هستیم حال به دو صورت؛ یا قرار دادن پد الکلی در بسته هایمان یا ظاهر خودمان با دستکش و امثالهم و یا با حرف زدن پیرامون بهداشت روانی، یعنی نداشتن استرس و نگرانی که ما امام عصری داریم که هر لحظه حواسشون به ما هست و نباید وارد فضای نگرانی بشویم چرا که استرس خودش موجب ضعف سیستم ایمنی بدن میشود، توصیه کنیم در نگرانی هایشان با افراد مطلع و معتمد صحبت کنند و چه کسی معتمد تر از مولایمان؟ تکمله مهم

: این برگه را بنویسیم و روی پک های هدیه قرار دهیم : طبق نظر سازمان بهداشت جهانی ، نامه ها و بسته های پستی تحت ریسک ویروس نیستند و طبق بررسی های انجام شده ویروس کرونا مدت زمان طولانی روی اشیایی مثل نامه یا بسته باقی نمی ماند (این به معنای قرار ندادن پد های الکلی تک نفره در بسته ها نیست) -جاهایی که ارتباط اولیه نمی تونیم داشته باشیم حتما ارتباط ثانویه را حفظ کنیم ، مثلا در اسانسور محل کارتون شکلات گذاشتن برای مخاطب عام ، آمادگی ذهنی داشته باشیم که اگر کسی گفت چه کار خوبی ! بتونیم با اون فرد وارد مکالمه بشیم حتی به قدر یک جمله ، مثلا بگوییم ؛ عنایتی از حضرت در زندگیم داشتیم و این شکلات ها به خاطر عرض ارادت من هست ! در معنای دیگر دنبال باز خورد مخاطب باشیم ؛ اگر باز خوردی داشت ، جملات صحیح مهدوی داشته باشیم و اگر باز خوردی نداشت از او پیگیری کنیم ، مثلا استتوس منو دیدی ، به نظرت خوب بود ؟ دوست داشتیم ایجاد ارتباط کنه با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ، موفق بودم ؟ -نکته ی بسیار مهم ؛ تمام این کارها را به نیابت از خود حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام دهیم -سعی کنیم کارهایمان خلاقانه باشد ، این را هم از خود حضرت باید بخواهیم ، بخواهیم ایده ها و کلامی به ما بدهند که موجب جذب مخاطب شود ، آن هم نسل جدید که بسیار متفاوت از نسل های قبل هستند ، و یقین داشته

باشیم اگر از حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف ، کمک بخواهیم یقیناً دستمان را در این کار میگیرند -در پکیج هایی که به گروه های مختلف می دهیم ویژه مشاغلی که شاید در وهله ی اول خیلی به نظر مهم نرسند ، حتما نامه هایی برای فرزندان این بزرگواران در بسته های هدیه قرار دهیم ، نامه هایی از مهم بودن کار این عزیزان ، باید تلاش کنیم فرزندان را قدردان زحمات والدینشان کنیم ، این قدر دانی موجب رضایت والین میشود و این رضایت عاملی برای نزدیکی به ظهور توصیه هایی برای خدمت گزاران :

دوستان بزرگوار برای ارتقای سطح علمی خودمان برای آمادگی بیشتر برای مواجه شدن با شرایط متفاوت مثل شرایط این روزها ؛ مطالعات گسترده تری داشته باشیم در زمینه های خلاقیت و حل مسائل به روش خلاقانه و سایر کتاب های توصیه شده ی اساتید ، تا بتوانیم با تمسک و توسل به حضرت علیه السلام راهکارهای بیشتری برای خدمت گذاری داشته باشیم.

طرح ۲: طرح بزرگ هر نفر ۵۰ خدمت

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم المستغاث بك يا صاحب الزمان! "طرح بزرگ هر نفر ۵۰ خدمت"

مقدمه:

خورشید نیمه شعبان غروبی ندارد! دوستداران امام زمان علیه السلام! من و شما و همه ی شیعیان و نیز بسیاری از مردم جهان روزهای سخت و طاقت فرسایی را سپری می کنیم. بیماری کشنده ی کرونا موجب اضطراب و نگرانی در بین هموطنان و دوستان و آشنایمان شده و خانه نشینی همراه با استرس را بر همه تحمیل کرده است.

مردم در این شرایط علاوه بر آگاهی های بهداشتی و درمانی نیاز بیشتری به پناهگاه معنوی دارند

ص: ۱۵

و به گفته ی همه ی پزشکان، داشتن روحیه قوی، موثرترین عامل در جهت عدم پیشرفت این ویروس خطرناک و افزایش قوای ایمنی در بیماران است و طبیعی است که ایجاد پیوند معنوی مردم با امام عصر علیه السلام می تواند بر توان روحی مردم بیفزاید و آنان را در این معرکه قوی تر نگاه دارد و در این میان، نیمه شعبان امسال مانند همه سال های گذشته می تواند فرصت بیشتر ارتباط قلبی مردم با امام زمان علیه السلام را فراهم آورد. پس وظیفه ی آنانی که در ایام نیمه شعبان خدماتی را در این راستا انجام می داده اند سنگین تر از قبل به نظر می رسد.

همه می دانیم که انجام مراسم دسته جمعی در این شرایط ممکن نیست و فعالیت های عمومی مانند برگزاری جشن با جمعیت زیاد در خانه ها و مساجد و هیئت ها و حسینیه ها و اجرای مراسم در ادارات و پارک ها ومقدور نمی باشد و از سوی دیگر، وظیفه مهم این است که چراغ نیمه شعبان هرگز نباید رو به افول برود.

حال تکلیف مهم امسال همه ی خدمتگزاران ساحت مقدس امام زمان علیه السلام بسیار روشن است و آن چیزی نیست جز این که با اتخاذ روش ها و راهکارهای متفاوت، یاد و نام امام زمان علیه السلام را و اهمیت روز بزرگ نیمه ی شعبان را، در جامعه و در خانواده و در بین اطرافیانمان زنده نگاه داریم.

البته ما معتقدیم که هر شیعه ای "تاکید می کنیم که هر شیعه ای" می تواند در این راستا و در جامعه ی

اطرافش نقشی را ایفا کند و این کار با توجه به پیشنهادات پیش رو (حتی کسانی که تخصص ویژه ای ندارند) به راحتی انجام پذیر است و وظیفه ی ما (علاوه بر کارهایی که خودمان انجام می دهیم)، راهنمایی دیگران به این کارها و خدمات است و امید که این خدمات موجب کاهش غربت از مولایمان شود و توجه همگانی را به ایشان بیشتر جلب کند. اما چگونه و با چه روش هایی؟ چیزی است که در این مجموعه تقدیم خواهیم کرد.

مجموعه ی پیش رو می کوشد تا راهکارهای این وظیفه را در اختیار همه ی خدمتگزاران و دلباختگان و دوستدارن یاری و نصرت امام زمان علیه السلام قرار دهد. این مجموعه شامل چهار بخش است:

در بخش اول به این موضوع اشاره شده است که فعالیت های خدمتگزاران نیمه شعبان به چهار نتیجه منتهی خواهد شد که به ترتیب اولویت بیان شده اند. باید توجه داشت که فعالیتی که منتج به الویت اول شود نتیجه ی بهتری در بر دارد اما با توجه به محدودیت های ذکر شده در سال جاری اگر فعالیتی انجام شود که اثر کمتری داشته باشد نیز نباید حذف شود و با توجه به امکانات موجود پذیرفتنی و قابل احترام است.

بخش دوم اعمالی را معرفی می کند که یکی از هدف های اصلی ماست و موجب نهادینه شدن این اعمال در مخاطبان است.

بخش سوم محور های فعالیت های نیمه شعبان را بیان می کند.

و نهایتاً بخش چهارم به کارها و خدماتی را که امسال (با توجه به محدودیت ها) می توان انجام داد می

اگر به کارهای بخش چهارم دقت کنیم متوجه خواهیم شد که هر یک از ما و کسانی که دغدغه بزرگداشت امام زمان علیه السلام در نیمه شعبان را دارند می توانیم به تنهایی چند کار و عمل از اعمال پیشنهادی را انجام دهیم. به عنوان مثال دعوت از دیگران به برگزاری یک جشن خانوادگی با شرکت (فقط) اعضای خانواده کار سخت و زمان بری نیست و هر کس می تواند به تنهایی بیست یا سی یا پنجاه کار ریز و درشت از این مجموعه را انجام دهد. پس باید به زحمت کشان آستان مقدس نیمه شعبان عرض کرد که امسال اگر چه فعالیت ها از سطح جامعه به فضای درون خانه ها برده شده و محدود گشته اما با تعدد بیشتر و دعوت به کثرت این خدمات می توانیم چراغ نیمه شعبان را در این شرایط دشوار زنده نگاه داریم. انشاءالله به امید آن که ظهورش، غم و اندوه را از دل حضرت ولی عصر علیه السلام و شیعیان حضرتش بکاهد. آمین

بخش اول

یادمان باشد برنامه های تبلیغی در نیمه شعبان به ترتیب اولویت و اهمیت چند نوع هستند :

یا موثرند به حدی که در مخاطب موجب تغییر اندیشه یا رفتار می شوند.

یا معنوی اند که اعمال و اذکار و احیا گرفتن در شب نیمه شعبان و نماز های مستحبی مخصوص این ایام و ... از این دسته اند.

یا تعظیم شعائرند مانند پرچم زدن و آذین بندی کوی و محله و

و یا خدمات تبلیغی اند مانند دادن شیرینی و شکلات و نذورات به بهانه

امسال نیمه شعبان با توجه به مشکلات خانه نشینی عمومی و تاکید بر عدم حضور در مجالس عمومی، شایسته است که برای روشن نگاه داشتن چراغ نیمه شعبان هر کدام از چهار نوع خدمت تبلیغی را که می توانیم انجام دهیم و به دیگران نیز توصیه کنیم.

بخش دوم

چه کارهایی پیوند ما را با امام زمان علیه السلام محکم می کند؟ چنانچه می خواهیم فعالیت های ایام نیمه شعبان، پیوند مخاطبانمان با امام زمان علیه السلام را بیشتر کند شایسته است که خدماتمان در نیمه شعبان به یکی یا چند نتیجه ی زیر بیانجامد.

* دعا برای امام عصر علیه السلام * صدقه * تبلیغ و ترویج یاد و نام امام زمان علیه السلام در بین مردم.

* انجام کارهای خیر به نیابت از ایشان.

* ترک معاصی در جهت رضایت امام عصر علیه السلام.

* سلام صبحگاهی و روزانه به ایشان.

بخش سوم

فعالیت های تبلیغی در نیمه شعبان چنانچه بر محور موضوعات زیر باشد موثرترند و ماندگاری بیشتری خواهند داشت و موجب معرفت بیشتر مخاطبین خواهد بود.

* توجه دادن مردم به امامت امام زمان علیه السلام.

* توجه دادن به این موضوع که امام زمان علیه السلام در شادی های ما شاد و در گرفتاری ها کنار ما هستند.

* توجه با این اصل که امام زمان علیه السلام زنده هستند.

* توجه دادن به دعا و دعای مستمر برای امام زمان علیه السلام.

* دعا برای امام عصر علیه السلام دو سو دارد، دعا برای فرج و دعا برای

سلامتی ایشان.

* مردم را به امام زمان دعوت کنیم تا تمسک به ایشان را یاد بگیرند.

* امام زمان علیه السلام غریب هستند و ما می توانیم با این کارها یاری شان کنیم.

* نذر برای امام زمان علیه السلام.

* در گرفتاری ها از امام زمان بخواهیم.

* محبت به امام عصر علیه السلام و خواص آن.

* انتظار.

* صبر و استقامت شیعه در دوران غیبت.

* امام زمان علیه السلام ما را می بینند.

* بیان فضایل و ویژگی های امامتی امام زمان علیه السلام.

* یاری کردن امام عصر علیه السلام.

بخش چهارم

در نیمه شعبان امسال چه کارهایی انجام بدهیم؟ دعوت از دیگران جهت بهره‌مند شدن از برکات امام زمان علیه السلام و نیمه شعبان! هر شیعه که نعمت وجود امام عصر را درک کرده و حلاوت معرفت و محبت او را چشیده باشد، به سادگی میتواند وجود این نعمت را به دیگران خبر دهد و از آنها دعوت کند که با کاری کوچک، توجه امام زمان را به خود جلب کند.

* برگزاری سخنرانی مجازی.

* برگزاری مراسم دعای مجازی زنده.

* برگزاری جشن مجازی.

* ترغیب دیگران برای تهیه هدیه در نیمه شعبان برای اطرافیان.

* دعوت از دوستان و آشنایان جهت حفظ چند روایت راجع به امام زمان علیه السلام و انجام مسابقه بین آنان.

* دعوت از دیگران جهت هدیه کردن برخی از اعمال به امام عصر علیه السلام.

* ایجاد انگیزه در افراد به خواندن کتاب های

مناسب و مفید پیرامون امام عصر علیه السلام در ایام خانه نشینی.

* دعوت از دیگران به فرستادن و ختم صلوات و قرائت آیت الکرسی جهت سلامتی و خوشنودی امام زمان علیه السلام.

* برگزاری هر خانواده یک جشن یا مراسم خصوصی در منزل.

* هدیه دادن کتاب مناسب در این ایام و برگزاری مسابقه.

* مقداری از هزینه ی خرید نان محله را در اختیار نانوايي محل قرار دادن و در کنارش نوشته ای تبلیغی برای مخاطبین آماده کردن.

* بردن نان تازه برای همسایه ها در صبح نیمه ی شعبان و تذکر به این موضوع که امروز مانند هر روز مهمان امام زمان علیه السلام هستید و

.....

* دقت بیشتر در ترک معصیت و انجام مستحبات در آن ایام به منظور خوشنودی امام زمان علیه السلام.

* تقدیم هدیه های مناسب به همسایگان و اقوام و همکاران به همراه گفتگوی موثر یا نوشته ای تاثیر گذار حضوری یا مجازی.

* تکریم آنانی که نامشان مهدی و مهدیه و و یا اسامی و القاب دیگر امام زمان علیه السلام است.

* تغییر آهنگ پیشواز گوشی همراه خود و تشویق دیگران به این کار.

* پوشیدن لباس نو و تشویق دیگران به این کار .

* احیا گرفتن در شب نیمه ی شعبان با آداب مخصوص آن شب و دعوت دیگران به این مهم.

* ترغیب دیگران به خواندن دعاهاى مربوط به امام عصر علیه السلام در نماز و سایر وقت ها.

* ارسال پیامک روزشمار تا نیمه ی شعبان و دادن پیام های

تبلیغی.

* تشویق اطرافیان به چراغانی کردن پشت پنجره های منازل.

* چراغانی کردن محله و کوچه و تشویق دیگران به این کار.

* تبریک تلفنی و گفتگوی مستقیم با اقوام و دوستان با سناریو های آماده شده ی از قبل.

* تشویق دوستان و اقوام به بیعت با حضرت ولی عصر علیه السلام در روز نیمه ی شعبان و آماده سازی و ارسال متن بیعت برای آنان.

* اگر کسی هنری دارد مثلا خوشنویس است میتواند یک یا چند اثر برجسته راجع به امام عصر علیه السلام بنویسد و اگر طراح است در موضوعات مرتبط با ایشان طرحهای زیبا بکشد و یا اگر شاعر است شعری محکم و موثر بسراید و اگر نویسنده است کتابی در این باره بنویسد و آن را در فضای مجازی با دیگران به اشتراک بگذارد.

* برگزاری مسابقات پیامکی و واتساپی و تلگرامی بین گروه های مختلف مخاطبین مثلا با موضوع دلنوشته ای برای امام عصر علیه السلام و یا هر موضوعی دیگر و دادن جوایز و اعلام نفرات برتر در گروه ها و کانال ها.

* ارسال کارت تبریک با پست و تشویق دیگران به این کار با متن های تبلیغی و موثر.

* دعوت از اطرافیان برای شرکت در دعای همگانی برای فرج و سلامتی امام زمان علیه السلام ، هر کس در خانه ی خود و در یک ساعت خاص و یا یک روز از قبل تعیین شده .

* یاری و کمک به شیعیان بخش مهمی از دغدغههای امام عصر علیه السلام است. شیعیان، خانواده ی امام زمان به شمار

می آیند. آن حضرت ایشان را مانند فرزندان خود دوست میدارد، به واسطه ی گرفتاری آنها اندوهگین می شود و از بابت پیروزی و نجات آنان شاد میگردد و کمک به آنها به منزله ی یاری و کمک به حضرتش محسوب می شود. در نیمه شعبان می توانیم به مستمندان و گرفتاران و نیازمندان به نیت شادی امام زمان علیه السلام کمک کنیم و دیگران را نیز به این کار با اهمیت دعوت کنیم.

* دعوت اطرافیان به حفظ زیارت آل یاسین و یا دعای ندبه و و دادن جوایز به مخاطبین موفق.

* هر کسی با هر مقام و مرتبه ی اجتماعی و با هر سطح سواد و در هر شغل و حرفه ی میتواند نام و یاد حضرت ولی عصر علیه السلام را زنده کند و به اقتضای شغل خود دیگران را به مسیر مهر ورزی به امام علیه السلام و ارتباط با آن حضرت بکشانند، مثلا: راننده های که در مسیر محل کار تا منزلش، همشهریان خود را سوار کند و به جای کرایه از آنان بخواهد که برای سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام صلوات بفرستند و

* ارسال داستان های کوتاه و تاثیر گذار مهدوی در فضای مجازی.

* ترغیب دوستان و آشنایان به دادن صدقه بیشتر در ایام نیمه شعبان به نیت سلامتی امام زمان علیه السلام.

* دعوت به تغییر پروفایل ها به پروفایل های مهدوی دوستان و آشنایان در ایام نیمه ی شعبان .

* دعوت اطرافیان به تمسک ویژه و اختصاصی به امام زمان علیه السلام در ایام نیمه شعبان .

سخنی با خدمتگزاران عزیز الزاماتی که قبل از هر چیز خوب است به آنها توجه کنیم:

۱- اولین نکته ی ما این است. عظمت کار را بیابیم. بدانیم کجا ورود کرده ایم. برای چه شخصی قدم برمیداریم. این بسیار ما را عوض خواهد کرد. دیدگاه ما را تغییر خواهد داد. خسته نمیشویم. دل شکسته نمیشویم. زود به ما بر نمیخورد. قهر نمیکنیم.

بحث بین ما پیش نمی آید. عنایت فرمودید با جان و دل میآییم. برای مولایمان قدم بر میداریم.

۲- دومین الزام که ما باید در آن رعایت کنیم خلوص در نیت است. نیت باید خالصا لله باشد. میخوام اینجا اینو عرض کنم، شاید خیلی از برنامه هایی که ما در روزهای اول در ذهنمون برای غدیر برنامه ریزی میکنیم؛ در آخر میبینیم که غدیر گذشت و اجرا نشد. شاید قرار بود پنج سخنرانی انجام بشه (مریض شدم) ونشد. اما اگه نیت خالصا لوجه الله، خالصا لمولی امیر المومنین علیه السلام باشد، تمام آنها در نامه عمل ما ثبت و ضبط میشود. اگر در کارهای غدیر غیر امیر المومنین علیه السلام آمد وسط خراب میشود و کار می پوسد.

۳- سومین الزام از الزامات برنامه ی غدیر را در اصول کافی مصطفوی باب تعجیل در کار خیر، جلد سوم میخوانیم. روایت هشتم این باب را من انتخاب کردم. ائمه اهل بیت ما میفرمایند، وقتی میخواهی قدمی برداری، کاری را میخواهی انجام دهی زود باش. معطل نکن. این دست آن دست نکن. حرکت کن. سریع باش. چرا؟ چون شیطان با تمام قدرتش از زمانی که تو نیت کردی کار را انجام

بدهی، نیت کردی وارد بشوی به سیل خدمتگزاران غدیر، اولین کسی که از اولین لحظه، تلاش میکند که نگذارد که شما کارت را انجام دهی شیطان است. راهکارهایش را هم به ما گفته‌اند. خلوص در نیت. حضور شیطان را متوجه بودن.

جلوگیری کنیم از این که شیطان بخواهد ورود به کار پیدا کند. یکی از آنها تعجیل است. کار را عقب نیندازیم.

۴- الزام چهارم «جلوگیری از ورود حرام به کار» است. برادر من! خواهر من! شأن کار امیر المؤمنین و غدیر را حفظ کنید. این در شأن نام مولا نیست که در کوچکترین لحظه ای از لحظات برنامه، یک حرام صورت بگیرد. این همان جایی است که شیطان ورود پیدا میکند، کار ما را خراب میکند.

کار امیر المؤمنین علیه السلام هر چه باشد از سر ما و اجداد ما بالاتر است. از سرمان هم زیاد است. گاهی اوقات بعضی ها از ما هنوز غرورهایی داریم در خودمان، باید بریزیم آنها را دور.؟ برای چه کسی داری قدم بر میداری؟ متوجه هستی عزیزم؟! ۵- الزام پنجم، باید دقت کنیم. کار برای امیر المؤمنین علیه السلام، در عین اینکه کار برای غدیر و صاحب غدیر و مولای غدیر از اهم فرائض است، در رأس امر به معروف و نهی از منکر است؛ اما در احکام کار برای امیر المؤمنین علیه السلام جزء مستحبات است. ما باید متوجه باشیم به واجبات ضرر نزنیم. این خیلی مهم است. تا ساعت ۲ بعد از نصف شب می مانیم، برای غدیر کار می کنیم، بعد ساعت ۳ می رسیم خانه، خسته ایم، حال نداریم، نماز صبحمان قضا

می شود. می رویم مشغول برنامه می شویم، از ظهر داریم کار می کنیم، شب اجرا داریم، یک دفعه یادمان می رود نماز ظهر و عصرمان را بخوانیم. کارمان خراب می شود.

این بسیار نکته مهمی است. بسیار نکته مهمی است! پدر مریض داریم، الان وقت دکتر دارد، وسط برنامه ات هستی. به شما زنگ زده است که بیا من را به دکتر ببر؛ باید بلند شوی پدرت را ببری دکتر. این را امیرالمومنین (علیه السلام) از شما می خواهد؛ کار امیرالمومنین هم لنگ نمی ماند. خیالت راحت باشد. یک نفر انجامش می دهد. شما آمدی کار کنی، می گویی من حاضرم بیشتر وقت بگذارم. بله ۲ روز، ۳ روز، هم ممکن است شما نرسی؛ غذا بپزی، از جایی غذا برای خانواده ات تهیه کنی ولی اینگونه نباشد که از وظایف زناشویی مان، از واجبات فقهی مان، از فرائض مان، از واجبات اخلاقی مان، بخواهیم بزنیم. اگر اینها را مرتب و منظم انجام دادی، شاگرد زرنگی. حالا برو و برای غدیر هم کار کن.

۶- الزام ششم که می خواهم عرض کنم، این است. خودتان را به سختی نیندازید. میزان توان خودتان را در نظر بگیرید .

۷- الزام هفتم ما مداومت بر کار است. مداومت بر کار؛ وقتی یک کاری را قبول کردیم، رفتیم، قدم برداریم برای غدیر، کامل به وظیفه مان عمل کنیم.

۸- الزام هشتم را با عنوان "توسل به صاحب غدیر امیرالمومنین و امام زمان علیه السلام در خدمتگزاری" عرض می کنم. همه این کارها را انجام دادیم و دقت کردیم، حالا به جایی می رسیم می بینیم کار سخت

است. برویم سراغ صاحب غدیر و بگوئیم ”يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعِهِ مُرْجَاهٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ“ .مولای من روزگار غریبی است. عده ای به یاد افتادند نام شما و جد شما را در بزرگترین عید الهی تعظیم ببخشند. این از غربت غیبت است که من سراپا تقصیر روسیاه، من سراپا گناه روسیاه بخوادم قدمی برای غدیر بردارم! من کجا علی امیرالمومنین علیه السلام کجا؟ من کجا ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف کجا؟ من روسیاه برای ولیعصر جارو کنم؟ این غربت ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است! او ملائک به درخانه اش هستند. اولوالعزم ها آرزوی خدمتش را داشته اند .

من سراپا تقصیر آمده ام ورود پیدا کرده ام به یک وادی بسیار عظیمی؛ چون کسی نبود! غریب بود آقام! آمدم ورود پیدا کنم به یک کاری. حالا- توش موندم. ای آقای من! ای مولای من! میشود دست من را بگیری؟ میشود نیتم را خالص کنی؟ میشود فکرم را باز کنی؟ اثر به کارم بدهی؟ اثر به کمالم بدهی؟ اثر به کلامم بدهی؟ بیانم را زیبا کنی؟ اجرایم را خوب کنی؟ آقایان! خانم ها! خدمتگزاران! فرهیختگان! من و شما آمده ایم کارگر یک آقای شده ایم.. آقایان برای کار غدیر میخواهید حرکت کنید با نیت از در بیاید بیرون. با وضو حرکت کنید. بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَىٰ مَلِّهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، بگوئید.

بفهمیم کار را. توسل پیدا کنیم. توفیقش را عنایت کن. باور بفرمائید آقا کرامت میفرمایند. دستگیری میکنند. مولای ما ما را رها نمیکند. تک تک

برنامه ها از مد نظر مبارکشان خواهد گذشت. تایید میفرمایند. دعا میفرمایند انشاءالله، اگر که آن الزامات قبلی را رعایت کنیم.

مقدمه

اشاره

بطور کلی مطالب گردآوری شده زیر، در خصوص برگزاری جشن نیمه شعبان در مدارس و سایر فضاها برای سه گروه سنی کودک (۷-۱۲ سال)، نوجوان (۱۳-۱۸ سال) و اولیاء تدوین و گردآوری شده است. امید است که مورد استفاده خدمتگزاران عزیز امام زمان علیه السلام واقع گردد و إن شاء الله مقبول خداوند متعال و مولایمان قرار گیرد.

ضرورت تعظیم شعائرالله در قرآن

یکی از پرسش هایی که همواره ذهن برخی را به خود مشغول مینماید این است که، چرا میبایست روزهای خاصی را جشن گرفته و به تکریم و تعظیم آن مشغول شویم؟ خداوند درباره فلسفه تعظیم و تکریم چنین روزهایی مطالبی را در آیات قرآن بیان کرده است. در یکی از این دسته آیات میتوان به آموزه هایی اشاره کرد که خداوند نسبت به تعظیم و تکریم شعائرالله و یا ایام الله بیان فرموده است. خداوند در قرآن میفرماید:

این که هرکسی شعائر الهی را بزرگ دارد به درستی که چنین اعمالی از؛ «ذلک و من یعظم شعائرالله فانها من تقوی القلوب» تقوای قلوب است. حج آیه ۳۲ در آیه ۵ سوره ابراهیم میفرماید «و لقد ارسلنا موسی بایاتنا ان اخرج قومک من الظلمات الی النور و ذکر هم بایام الله ان فی ذلک لآیات لکل صبار شکو» در این آیه خداوند پیروزی بر فرعون و رهایی از ظلم و ستم او را به عنوان ایام الله معرفی کرده است و از مؤمنان میخواهد

ص: ۲۸

که این روز را گرامی داشته و آن را یاد کنند؛ زیرا بزرگداشت چنین روزهایی در حقیقت، پاسخی است به محبت و فضل الهی که ایشان را از بلا رهایی داده و از بند بردگی بشر نجات داده و به آنان استقلال و آزادی را هدیه نموده است.

همچنین در روایتی ایام الله اینگونه بیان شده است:

امام صادق علیه السلام، از پدرش نقل کرده است که فرمود: ایام الله، سه روز است: روزی که قائم علیه السلام قیام میکند و یوم الکزه (روز رجعت) و روز قیامت. (خصال، ص ۱۰۸، ح ۷۵؛ ینابیع الموده، ص ۴۲۴)

تکریم نیمه شعبان و ایمان به غیب

یکی از کارکردها و آثار تکریم و تعظیم اعیادی چون نیمه شعبان، تاکید مومنان به مسئله غیب است.

یکی از مسایل غیب و بلکه مهمترین غیب، غیبی افزون بر قیامت و رجعت و مانند آن، غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که در روایات نبوی و علوی و دیگر معصومان علیهم السلام مطرح شده است. کسیکه به بزرگداشت و تعظیم شعائر نیمه شعبانی میپردازد در حقیقت باور خویش را به غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شکل علنی و عینی بازگو میکند.

در آیات قرآن از جمله آیه ۱۵۳ سوره انعام، برای صراط مستقیم نشانه هایی بیان شده است که یکی از مهمترین آنها، پیروی از راه پیامبر در میدان عمل و حضور است.

درواقع کسیکه بخواهد در عمل نشان دهد که در مسیر صراط مستقیم گام برمیدارد میبایست از عمل پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیروی کند و گرنه در راه وی بودن لقلقه زبانی بیش نیست. کسیکه

ایمان به غیب امام زمان دارد و بر این باور است که آن حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زاده شده است و در جهان موجود است و در پرده غیبت است، میبایست در عمل هم این باور را نشان دهد .

تکریم نیمه شعبان، همان تکریم رسول الله است

بزرگداشت نیمه شعبان در حقیقت عمل و نشان دادن ایمان واقعی به آموزه های وحیانی و نبوی درباره وجود و ظهور امام زمان علیه السلام و ایجاد حکومت جهانی عدالت محور اوست .

در اینجا تکریم از امام غایبی که از چشمها نهان است در حقیقت اعلان این مطلب است که ما بر چیزی که ندیده ایم به سبب بیان پیامبر (صلی الله علیه و آله) بدان باور داشته و در عمل آن را نشان میدهیم .

دوم اینکه هرجایی که انسان گرفتار تشکیک و تردید شده است بایستی بر آن تأکید شود تا تردیدها از میان برود. در جایکه حتی برخی از شیعه نماها در به دنیا آمدن ایشان تشکیک میکنند و یا برخی از مسلمانان این مسئله را باور ندارند. تکریم و تعظیم و برپایی جشن های بزرگ و باشکوه برای اعلان جهانی تولد وی و برگزاری جشن میلادش میتواند بر ایمان ما و دیگران بیافزاید .

به هر حال میبایست بر تکریم و تعظیم این روز بیش از پیش تلاش کرد و آن را به جشن میلادی جهانی تبدیل نمود و هر کوی و برزنی را آذین بست و به یاد او یاد کرد نشانه ای بزرگ از خدا را در دلها زنده نمود. این جشن ها در حقیقت تذکره به آیه عظیم خداوندی، بقیه الله فی الارضین

است .

چگونه نیمه شعبان بهتری برگزار کنیم؟

اشاره

علاوه بر آن مطمئنا امام زمان علیه السلام نیز از این کار بیشتر خوشحال می شوند.

حال آیا کارهای کمی را رها کنیم؟ جواب روشن است: خیر!! کارهای کمی که دیگران به خوبی از عهده آن بر می آیند را به مردم عادی تر بسپاریم.

علی رغم این که کارهای کمی تعطیل نشده اند، به کارهای کیفی نیز توجه شده است.

بهتر است قبل از نیمه شعبان کارها و خدماتمان را بر این اساس طبقه بندی کنیم تا امسال بهره وری بیشتری داشته باشیم.

موفق باشید.

۱ – دقت کنیم خدمتی را که برای نیمه شعبان انتخاب می کنیم در حد و اندازه های خودمان باشد!!!

یعنی: شایسته نیست که شخصی پس از بیست سال درس و تعلیم و تربیت، در نیمه شعبان به کارهایی بپردازد که از یک آدم معمولی هم بر می آید. مثلا بسته بندی نقل و شکلات کار خوبی است.

اما!! این کار را می توانیم به دیگران محول کنیم زیرا بسته بندی تخصص ویژه ای نمی خواهد و حتی چند کودک نیز می توانند از پس این مسئولیت برآیند.

پس اگر نذری داریم، اگر سنت سالیانه ای داریم، اگر برنامه ای را چندین سال اجرا می کنیم؛ بهتر است این کار را به دیگران محول کنیم (البته با هدایت ما) تا خودمان برای کار آفرینی دیگری در زمینه نیمه شعبان آماده شویم.

با این کار؛

* توان مان را دو چندان کرده ایم!

* دیگران را به خدمتگزاری امام عصر علیه السلام راهنمایی و موفق نموده ایم!

۲ – برای نیمه شعبان چند انتخاب داریم:

ص: ۳۱

* خدماتی را انتخاب کنیم که کمیت زیادی دارند ولی عمیق نیستند و کیفیتشان زیاد نیست.

مثلا: پخش چند هزار پوستر در سطح شهر کمیت زیادی دارد اما معلوم نیست اثر عمیقی بر مخاطب داشته باشد.

این جور فعالیت ها معمولا دهان پر کن هستند و ما را ارضا کاذب می کنند و نیز به نیروی متخصص و تحصیل کرده ای با سابقه نیاز ندارند.

* کارهایی که عمق بیشتری دارند و چه بسا کمیت نداشته باشند.

مثلا: گفتگوی مؤثر با یک یا چند نفر و تأثیر بر فکر و اندیشه آنها! این نوع فعالیت ها معمولا کمیت زیادی ندارند و چه بسا دشوار هم باشند و حتی وقت زیادی از ما هم ببرد و اگر کسی از ما بپرسد:

در نیمه شعبان چه کردی؟ پاسخ ما مانند پخش پوستر دهان پر کن نیست، اما همه می دانیم که هدایت دیگران، کاری است بسیار با اهمیت که در روایات از آن به عنوان ارزشمندترین کار یاد شده، و این نوع کارها معمولا علی رغم این که ظاهر چشمگیری ندارند اما بسیار کیفی هستند و هدایت یک فرد می تواند باقیات صالحاتی نیکو برایشان باشد.

۳ - همه ما قبول داریم که:

امام زمان علیه السلام فقط امام نیمه شعبان نیستند!! بلکه امام همه ی زمان ها می باشند.

پس ایام و برنامه های نیمه شعبان فرصت مناسبی هستند که دیگران را که مخاطبان شده اند، از دست ندهیم و رهایشان نکنیم.

شایسته است که برنامه های نیمه شعبان را به شکلی طراحی کنیم که با مخاطبینمان زمینه ارتباط بعدی را نیز فراهم

آوریم تا یاد و نام امامی را که در نیمه شعبان به آنان هدیه کرده ایم در بقیه ایام سال در دلشان زنده نگاه داریم. به نظر شما با چه تکنیک هایی می توانیم ارتباط مان با مخاطبین را حفظ کنیم؟ و هدایتگریمان ادامه دار باشد؟

۴ - شیطان در نیمه شعبان نیز فعال است!

به همکارانمان در جشن ها و یا هر برنامه ای که داریم این نکته را یادآور شویم که:

* نیت های مان را از وسوسه های شیطان دور کنیم.

* در طول برنامه مراقب رفتارمان باشیم.

* در طول برنامه ها خودمان را سفیر امام زمان علیه السلام بدانیم.

* در کارهای دسته جمعی گذشت داشته باشیم.

* برای دور شدن از شیطان، به کهف حصین امام عصر علیه السلام پناه ببریم. شیطان معمولاً برای کارهای اساسی سرمایه گذاری بیشتری میکند مراقب باشیم خودنمایی و ریا به درونمان رسوخ نکند.

....و

۵ - هدف اصلی برگزاری جشن یا برنامه مان را مرور کنیم!

هدف شما از برگزاری مراسم نیمه شعبان چیست؟ * خوشنودی امام عصر علیه السلام.

* اعتلای نام و یاد ایشان.

* آشنا کردن دیگران با این گوهر فراموش شده.

* توجه مخاطبین به این که دعای آنان در امر فرج امامشان تاثیر دارد.

* تذکر به این که امام عصر علیه السلام زنده هستند و در زندگی شیعیانشان تاثیر مستقیم دارند.

پس : مراقب باشیم شام، دکور، پذیرایی و چیز هایی از این قبیل هدف نیستند. بلکه وسیله اند. یادمان باشد این وسایل را تبدیل به هدف نکنیم.

۶ - در طول برنامه تمسک به امام عصر را فراموش نکنیم.

یادمان باشد تمسک یعنی همراهی آن به آن، یعنی رها نکردن امام زمان علیه السلام حتی برای یک لحظه.

فرض کنیم در دره ای عمیق به ریسمانی محکم آویزان شده ایم. اگر لحظه ای ریسمان را رها کنیم چه خواهد شد؟ تمسک یعنی چسبیدن و رها نکردن و همراهی همیشگی به این ریسمان و جبل الاهی که خداوند آن را بسیار مطمئن و محکم قرار داده است. ریسمانی که اگر از او جدا شویم خود را به ورطه عمیق گمراهی انداخته ایم.

پس شایسته است که ما در طول برنامه نیز مانند بقیه ساعات عمر و زندگیمان متمسک به امام عصر علیه السلام باشیم.

برای این کار:

* برنامه را با دعای فرج آغاز کنیم.

* دعای مان را با وضو و رو به قبله و با توجه بخوانیم.

* همکارانمان را به این موضوع متذکر کنیم.

* دعا را حتی المقدور دسته جمعی بخوانیم.

* تا می توانیم حتی برای لحظه ای از یاد حضرت ولی عصر علیه السلام غفلت نکنیم.

* درباره مفهوم تمسک به همکارانمان توضیح دهیم تا آنان نیز با معرفت بیشتری توفیق این کار را داشته باشند.

۷ - تا قبل از نیمه شعبان فرصت خوبی برای خودسازی داریم.

برای این که خدمتگزاری لایق باشیم، تمرین کنیم که:

* چشمان پاکی داشته باشیم.

* هر صدایی را نشنویم.

* هر کلامی را به زبان نیاوریم.

* واستغاثه به امام عصر علیه السلام را بیشتر کنیم. (دعای استغاثه به امام عصر) * هر روز عهدمان را با ایشان تکرار و تجدید کنیم.

* توفیق خدمت در نیمه شعبان

را هر روز از امام زمان علیه السلام تمنا کنیم.

* و برای تاثیر گذاری بر مخاطبینمان از امام عصر علیه السلام گدایی کنیم.

* اوقات بطالت مان را کمتر کنیم تا مصداق بطلین نباشیم. (امام سجاد علیه السلام فرمودند: دعای بطلین مستجاب نمی شود) و...

۸ - گروه های هدف برنامه هایمان را بشناسیم.

* گروه نخست: امام زمان علیه السلام مخاطب اول ماست.

ما برای خوشنودی ایشان خدمت می کنیم و برای اعتلای نام ایشان جشن می گیریم. رضایت امام زمان علیه السلام اصلی ترین هدف ماست.

* گروه دوم: خودمان هستیم.

این برنامه ها در روحيات ما، در موفقیت مادی و معنوی ما و در زندگی ما تاثیر مستقیم دارد. پس یادمان نرود که خود ما نیز از این خوان نعمت بی بهره نیستیم و برای خودمان برنامه داشته باشیم.

* گروه سوم: دست اندر کاران جشن و برنامه.

برای همکارانمان بی برنامه نباشیم. آنها هر چه بیشتر معرفت به امام عصر علیه السلام پیدا کنند و هرچه بیشتر دانش خدمتگزاری را بدانند و هرچه بیشتر آداب کار جمعی را بدانند و موفقترند و بیشتر بهره معنوی خواهند برد.

* گروه چهارم: مخاطبین و دعوت شدگان برنامه هستند.

پس دیدیم که ما در جشن و برنامه هایمان فقط نباید برای گروه چهارم یعنی مخاطبین فکر و سرمایه گذاری کنیم و اگر به خودمان و همکارانمان نیز نگاهی هدفمند و برنامه مدار داشته باشیم بهره وری مان بیشتر و امام عصر علیه السلام خوشنودتر خواهند بود.

۹ - صدقه برای سلامتی امام زمان علیه السلام

* و از همین امروز تا نیمه شعبان،

برای سلامتی امام زمان علیه السلام صدقه بدهید و این کار را در طول روز چند بار انجام دهید.

* قبل از برگزاری مراسم برای توجه بیشتر امام عصر علیه السلام این کار را در دستور کارتان قرار دهید.

* و در باره فلسفه صدقه برای سلامتی امام زمان علیه السلام همکارانتان را توجیه کنید.

۱۰ - اطرافیان و خانواده را فراموش نکنید.

دوستانی که کارهای مربوط به نیمه شعبان را از مدت ها قبل برنامه ریزی می کنند و یا مسئولیت برنامه های زیادی را بر عهده می گیرند باید به این نکته دقت کنند:

* از رسیدگی به خانواده خود غفلت نکنیم. زیرا فعالیت در نیمه شعبان یک مسئولیت است و مسئولیت در قبال خانواده نیز جایگاه خود را دارد. پس باید مراقب باشیم که هرگز یکی را به بهانه دیگری فدا نکنیم.

* می توانیم برای همسر و فرزندانمان نیز برنامه داشته باشیم. به این معنا که آنان را نیز در کارها و خدماتمان سهیم کنیم و یا برنامه ای در خور و شأن آنها طراحی کنیم.

* برای دیگر اعضای خانواده مانند برادر و خواهر و یا وابستگان و اقوام نیز می توانیم برنامه ریزی داشته و از استعداد و توان آنان در راه خدمت به مولای غریبمان استفاده کنیم.

۱۱ - به اصل مشارکت دقت داشته باشیم.

مشارکتی که مورد نظر ماست یعنی همراهی و همیاری با دیگران و استفاده از توان و امکانات آنان در جهت اهداف مراسم نیمه شعبان! ما می توانیم از مشارکت دو گروه استفاده کنیم:

* گروه اول: مشارکت با دوستان خودمان این گروه افراد

خودی هستند که با اهداف ما و شکل کار ما آشنایی دارند و دغدغه یاری امام زمان علیه السلام در وجودشان هست.

معمولا این گروه با کوچکترین توجیهی با ما همراه می شوند. اگر به اطرافمان نگاهی بکنیم بسیارند کسانی که در سر سودای یاری امام زمان علیه السلام را دارند اما برنامه و با امکانات منسجمی برای این کار ندارند. ما می توانیم از مشارکت فکری و عملی و مالی و دانش مهدوی آنان به خوبی بهره ببریم. افراد جلسات دینی که در طول هفته می رویم، دوستانی که سالیان گذشته با آنان جلسه کاری و درسی داشته ایم، خانواده ایشان و با خانواده خودمان می توانند مخاطبین ما در این گروه باشند.

* گروه دوم: مشارکت خارجی با افراد و گروه های هم سو معمولا افراد و گروه ها و موسسات و ادارات و مدارس و مراکز زیادی در کشور امام زمان علیه السلام هستند که یا به اجرای برنامه در مراسم نیمه شعبان تمایل دارند و یا به انجام آن مبادرت می کنند. عموما این گروه از فقر فرهنگی و عدم طرح و ایده مناسب رنج می برند در حالی که از نظر بودجه مالی و پرسنلی و امکانات سخت افزاری غنی هستند. ما می توانیم با این گروه مشارکت داشته باشیم و با برقراری ارتباط با آنان به راحتی ایشان را در مسیر خدمت و نصرت بهتر و بیشتر امام زمان علیه السلام قرار دهیم.

این کار سختی نیست و با کمی ابتکار و به سادگی دست یافتنی است. به اطرافیانمان (دوستان، خواهر، برادر، اقوام، همکاران و ...) که نگاه کنیم هر

کدام در محیط شغلی و تحصیلی و خانوادگی شان می توانند این کار را انجام دهند. کافی است به آنان پیشنهاد دهیم که آیا مایلند در نیمه شعبان و در محیط پیرامون شان، چراغ نیمه شعبان را روشن کنند؟ و پس از آن با ایده ها پیشنهادهاى بسيارى که در طول ساليان خدمت فرا گرفته ايم ايشان را راهنمايى و يا به يکى از دوستانى که سابقه کارشناسى در اين موضوع را دارد هدايتش کنيم. محل کار خودمان نيز از اين قاعده مستثنى نيست و نبايد آن را فراموش کنيم. اگر ارتباطات گذشته مان را در ذهن مرور کنيم به راحتى مى توانيم زمينه مشارکت هاى جديدى را فراهم کنيم.

آيا براى مشارکت ايده ديگرى در ذهن داريد؟

۱۲ - كيفيت کارتان را بالا بريد!

يکى از روش هاى كيفى تر کردن برنامه ها اين است که اگر هر سال برنامه ايبى را اجرا مى کنيد، سعى کنيد براى تغييرات مثبت در برنامه تان وقت بگذاريد. به عبارت ديگر به وضعيت موجود و يا سال گذشته قانع نباشيد و براى تحقق شرايط بهتر تلاش کنيد.

يکى از آسيب هاى جدى در برنامه هاى نيمه شعبان، انجام برنامه هاى تکرارى است که از روى عادت و به طور معمول انجام مى شوند.

عادت ؛ تمرکز را کم مى کند. خلاقيت را دور مى سازد. کسالت آور است.

پس براى تغيير عادت جسارت داشته باشيد و از دل مردگى و سکون بپرهيزيد.

۱۳ - هدف تان از برگزاري برنامه در نيمه شعبان چيست؟

* خوش گذشتن به مخاطبين؟

ايجاد فضاي مفرح و شاد به طوري که مخاطب بداند

ص: ۳۸

که برنامه های مذهبی فقط عزاداری و گریه نیستند و دادن هدیه های گران قیمت و شام و نهار فوق العاده و یا تفکراتی از این نوع هدف نیستند و تمرکز بر این موضوعات هدف نهایی ما را تحت الشعاع قرار می دهد و علاوه بر آن، توقع مخاطب را نیز بالا می برند و در سال های بعد ناگزیرمان می کنند که بیشتر وقتمان را برای طمطراق برنامه مان تلف کنیم.

ایجاد فضای مفرح، شام و غذا، دکور، هدیه و ... در حد معقول لازمند اما هرگز هدف نیستند.

* هدف ما هدایت مخاطبین به دامان پر مهر امام زمان است.

دوستداری، مودت، معرفت و یاری امام عصر علیه السلام، دعا گویی بر فرج و سلامتی ایشان ایجاد پیوند قلبی با امام زمان علیه السلام و خارج کردن ایشان از غربت، از اهداف اصلی ما در برنامه های نیمه شعبان می باشند.

برای نیل به این هدف ؛ اول با مجریان و همکارانمان و سپس با سخنران و مجری برنامه و مسئول دکلمه و مدیحه خوان و گروه سرود، از قبل صحبت کنیم و آنان را توجیه کنیم که چه می خواهیم. حتی موضوع را می توانیم مشخص کنیم تا آن عزیزان در مسیر طراحی شده حرکت کنند. برای این هدف برنامه ریزی کنیم و آثار چشمگیر هدایتی آن را ببینیم.

۱۴ - قانع نباشیم!

بعضی از دوستداران امام زمان علیه السلام تنها با یک کار در نیمه شعبان قانع می شوند.

* بعضی با یک سخنرانی راضی می شوند.

* برخی فقط پول دادن و هزینه کردن برای جشن ارضایشان می کند.

*

عده ای، همین که منزل و یا هر امکان دیگری را برای جشن اختصاص دهند از تلاش و کار دست می کشند.

* اما عده ای همیشه عطش خدمت دارند و هرگز از نوکری مولایشان سیراب نمی شوند. اینان انگار گمشده ای دارند که تنها در یک یا دو فعالیت پیدایش نمی کنند. این گروه مانند جوانان خستگی ناپذیرند و مانند با تجربه ها از همه استعدادشان بهره می برند و همیشه به تناسب استعداد و بضاعت شان از حداکثر توانمندی در این مسیر بهره می برند.

یکی از خصوصیتی که در این گروه نهادینه شده است، این است که قانع نیستند و چون پیشرفت کار امام زمان علیه السلام را می خواهند و این کار را از بهترین خصائل معنوی و الهی می دانند هرگز دست از کار و فعالیت برای مولایشان نمی کشند.

۱۵ - در برنامه هایمان به چه موضوعاتی نپردازیم!

برخی از مباحث در موضوع مهدویت ثمره زیادی ندارند.

* مثلاً محل سکونت امام عصر علیه السلام و یا موضوع ازدواج و فرزندان ایشان از مباحثی هستند که جذابیت ظاهری زیادی دارند اما کم فایده هستند و ما را از مسائل مهمتر باز می دارند.

در ضمن این گونه موضوعات بستری برای ورود خرافات و یا اطلاعات غیر مستند هستند.

شایسته است؛ ما که وظیفه خود را در زمینه تبلیغ و اعتلای نام و یاد امام زمان علیه السلام می شناسیم در این باره دقت کنیم و از طرح مسائلی از این دست پرهیز کنیم.

۱۶ - در برنامه هایمان به چه موضوعاتی نپردازیم!

* خواندن و نوشتن چند روایت در

علائم ظهور و تطبیق ناصواب آن با روزگار فعلی اتفاقی است که در جامعه مجازی و غیر آن، کمابیش مطرح می گردد. پرداختن به مباحثی از این دست، برای عوام که از دانش مهدوی به شکل همه جانبه و وسیع برخوردار نیستند، آثار و آسیب هایی دارد. توقیت یکی از این آسیب هاست. نومی و یأس پس از گذشت زمان و عدم وقوع ظهور، آسیب دیگر این مسئله است. بی اعتقادی به روایات و حتی اصل ظهور به دلیل عدم تحقق تطبیق ها آسیب جدی دیگر این موضوع است. انتخاب موضوعات برنامه های نیمه شعبان دقت بیشتری می طلبد.

۱۷ - قبل از آغاز فعالیت در نیمه شعبان استغفار کنیم.

در قرآن کریم می خوانیم:

« فقلت استغفروا ربکم إنه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا ویمددکم بأموال وبنین ویجعل لکم جنات ویجعل لکم أنهارا » از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است، تا بر شما از آسمان باران پی در پی فرستد و شما را به اموال و پسران یاری کند و برایتان باغها قرار دهد و نهرا برای شما پدید آورد.

استغفار آثار بسیاری دارد. به تعبیر امام رضا علیه السلام استغفار بهترین عبادت است.

پس ما می توانیم آثار و برکات این بهترین عبادت را متوجه برنامه هایمان در نیمه شعبان بکنیم.

اگر استغفار کنیم خداوند برکاتش را شامل ما، برنامه نیمه شعبانمان، همکارانمان و مخاطبین مان خواهد کرد و تأثیر کلام و سرود و روایت و مدح و نوشته و دیگر کارهای ما را افزون خواهد نمود.

امتحان کنیم !!

۱۸ - به چه موضوعاتی در نیمه شعبان بپردازیم؟

معمولاً- موضوع غربت ائمه علیهم السلام حس غیرت دینی را در ما احیا می کند. غربت امام حسین علیه السلام سال هاست احیاگر عاشورا است و غربت امام عصر علیه السلام نیز از موضوعاتی است که باید در دل شیعیان زنده بماند.

متأسفانه توده مردم کمتر با این موضوع آشنایی دارند و بر ماست که درباره این موضوع به تمام و کمال بپردازیم تا مردم برای آن غریب دوران دعا کنند. از سویی دیگر قبل از برنامه هایمان نیز تذکر به غربت امام عصر علیه السلام می تواند هم خودمان را و هم همکارانمان را بیش از گذشته متذکر این موضوع نماید که با سوز دل بیشتری امام غریبان را یاری کنیم.

۱۹ - مراسم و برنامه های نیمه شعبان صرفاً یک فعالیت آموزشی نیستند!!

مراقب باشیم! جشن نیمه شعبان کلاس درس نیست و علاوه بر هدف افزایش دانش مخاطبین، هدف های دیگری را نیز دنبال می کند.

* افزایش معرفت مخاطبین * ایجاد پیوند قلبی با امام عصر علیه السلام در مخاطبین * ایجاد شور و تحرک در یاری نمودن آن بزرگوار * ایجاد تغییر در میزان توجه مخاطبین نسبت به امام زمان علیه السلام * احساس مودت بیشتر با آن حضرت از اهداف ما هستند. پس جشن و برنامه نیمه شعبان را با کلاس درس و آموزش اشتباه نگیریم!!

۲۰ - برای دستیابی به اهداف جشن و برنامه هایمان در نیمه شعبان از امام زمان علیه السلام گدایی کنیم.

* برای مخاطبین دعا کنیم.

* برای همکارانمان دعا کنیم.

* برای خودمان دعا کنیم.

تا امام زمان علیه السلام به فعالیت ما در

۲۱ - به همکارانمان در مراسم نیمه شعبان یاد آوری کنیم

* چه چیزهایی ما را از امام زمان علیه السلام دور می کنند: بی توجهی به نماز و نماز اول وقت، معصیت، غیبت های دسته جمعی و شوخی ها و لودگی و ...

* چه چیزهایی ما را به امام زمان علیه السلام نزدیک تر می کنند: دقت در احکام نماز، دقت در رفتار و حسن اخلاق، توجه به اداب دینی و ...
نکته های دیگری را که در این دو موضوع می دانیم به این نکات اضافه کنید.

۲۲ - در نیمه شعبان به چه موضوعاتی بپردازیم؟

یکی از آسیب های جدی در مباحث مهدوی بحث غیبت امام زمان علیه السلام است! مردم عامی غیبت امام زمان علیه السلام را به معنای عدم حضور تلقی می کنند. آنها می پندارند که خداوند امام زمان علیه السلام را در مکانی دور ذخیره نموده و ایشان کوچکترین فعالیتی در هدایت و دستگیری و کمک به مردم ندارد، تا وقتی که خداوند متعال به او اذن و اجازه ظهور دهد!! شایسته است در نیمه شعبان به این آسیب جدی بپردازیم و به مردم بگوییم:

* غیبت امام زمان علیه السلام به معنای نبودن و حضور نداشتن نیست.

* غیبت امام عصر علیه السلام به این معناست که او هست و حضور دارد ولی ما او را نمی شناسیم.

* اگر باور کنیم که هست؛ او را فعال و دست اندرکار و مؤثر بدانیم.

* اگر غیبت را نبودن فرض کنیم؛ یعنی او را کارا و مؤثر نمی دانیم.

* بسیاری از افرادی که

در طول زندگی روزمره می بینیم را نمی شناسیم. غیبت امام زمان علیه السلام هم همین گونه است.

* حضور با ظهور تفاوت دارد. یعنی امام زمان علیه السلام حاضر هستند اما ظاهر نیستند.

پس غیبت یعنی حضور داشتن، بدون شناخته شدن!!

۲۳ - کلاس درس یا مجلس نیمه شعبان؟

بعضی از دوستان حضرت ولی عصر علیه السلام مجلس نیمه شعبان یا سخنرانی آن را با کلاس درس اشتباه می گیرند.

* توجه به نیاز مخاطبین و دانش مذهبی و سن و سال و توانایی درک مطلب آنان، از اصول اولیه برگزاری یک جشن نیمه شعبان است. اگر مردم عادی را به برنامه نیمه شعبان دعوت کرده ایم یادمان باشد که مخاطبین و مدعوین ما دانشجوی علوم دینی و یا درس آموخته کلاس های تخصصی دینی نیستند.

* از نوشتن و نصب احادیث عربی بدون ترجمه در محل جشن پرهیز کنیم.

* و از بیان احادیث عربی بدون توجه به ترجمه اجتناب نماییم.

* از گفتن کلمات ادبی دشوار و تعابیر سنگین و اصطلاحات تخصصی دینی برای عموم پرهیز کنیم. یادمان نرود که برنامه ما محل مانور علمی و یا آموزشی نیست! * حفظ شادابی (مقصود شادی تنها نیست) از بدیهیات اولیه یک جشن و برنامه نیمه شعبان است.

۲۴ - شایسته است که برنامه ی ما در نیمه شعبان یک یا چند دست آورد زیر را داشته باشد:

مخاطب؛

* پس از برنامه قلبا ، یک قدم خودش را به امام زمان علیه السلام نزدیک تر احساس کند.

* برای سلامتی امامش صدقه دهد.

* در دلش احساس دوست داری و مودت بیشتری با او

ص: ۴۴

داشته باشد.

* بخواهد کاری برای امام زمان علیه السلام انجام دهد.

* برایش دعا کند.

* طعم شیرین نتیجه‌ی حضورش در برنامه را به دیگران انتقال دهد.

۲۵ - یادمان باشد:

* در مجلس نیمه شعبان گناه نکنیم: دروغ، غیبت، نگاه حرام، خلف وعده، بی توجهی به حقوق دیگران، تهمت، اختلاف و ...

* مجلس نیمه شعبان محل رنجش از همکارانمان نیست.

* مجلس نیمه شعبان محل مسابقه و رقابت بین ما و همکاران، بین ما و گروه‌های شیبه ما نیست، بلکه محلی است برای همکاری و تعاون برای ایجاد پیوند و دوستی بیشتر با امام زمان علیه السلام. پس هر کس در این کار با ما هم مسیر باشد، به سویش دست دوستی و یاری دراز می‌کنیم.

* از شوخی زیاد در طول مراسم پرهیز کنیم. مخصوصاً در زمان‌هایی که با مخاطبین ارتباط داریم و در معرض نگاه آنان هستیم به این موضوع دقت بیشتری داشته باشیم.

* در کار جمعی گذشت داشته باشیم.

* برای کار و خدمت به امام عصر علیه السلام فداکاری داشته باشیم و خود خواه نباشیم.

* توقعمان از دیگران را به حداقل برسانیم.

* به همکارانمان در جشن و برنامه به چشم دوستداران امام زمان علیه السلام نگاه کنیم. بدین ترتیب شخصیت آنان در نظرمان والا جلوه خواهد کرد.

۲۶ - شکرگزار باشیم.

از خداوند و از امام زمان علیه السلام تشکر کنیم که در این مسیر راهنمایی شده و قدم برداشته ایم.

۲۷ - چه کسانی را به برنامه نیمه شعبان دعوت کنیم؟

* برای انتخاب مدعوین دغدغه داشته باشیم.

* انتخاب

ص: ۴۵

مدعوین مسئله مهمی است و در تاثیرگذاری برنامه اثر مستقیم دارد.

* دعوت دوستان خودی که بارها در جشن ها شرکت کرده اند و به شکل حرفه ایی از این جشن به آن جشن می روند، آورده زیادی ندارد.

* حتی المقدور افرادی را دعوت کنیم که در یک رده سنی با یک گروه مخاطبین تعریف شوند. این کار شاید در ابتدا کمی سخت به نظر بیاید اما تاثیر شگرفی در نتیجه برنامه خواهد داشت.

* و در دعوت افراد به برنامه به تعریف ایتم آل محمد صلی الله علیه و آله توجه داشته باشیم؛ این عده در فرمایش امام عسکری علیه السلام کسانی هستند که از امام زمانشان دور افتاده اند! * در حقیقت، دعوت، اولین گام آشنایی مخاطبین با امام زمان علیه السلام است. پس خود دعوت موضوعیت دارد و برای آن برنامه داشته باشیم و مهندسی شده به این موضوع نگاه کنیم و پردازیم.

۲۸ – در هنگام دعوت به جشن یا برنامه نیمه شعبان هم می توانیم موثر باشیم!

به این معنی که: هدف از برنامه نیمه شعبان آشنا نمودن و ایجاد پیوند قلبی مخاطبین با امام زمان علیه السلام است. برای نیل به این هدف نباید محدود به زمان جشن و برنامه مان شویم. ما به راحتی می توانیم از همان ابتدا و در مرحله دعوت کارمان را شروع کنیم و با رفتار سنجیده و سناریو و دیالوگ از قبل طراحی شده به گونه ای از دیگران دعوت کنیم که تحت تاثیر قرار بگیرند و برای حضور در برنامه مشتاق شوند. بدین گونه زمینه هدایت بیشترشان در برنامه را فراهم

آورده ایم.

۲۹ – فعالیت و کار در نیمه شعبان هدف نیست!!

* تعجب نکنید!! بعضی وقت ها آن قدر در کار و فعالیت نیمه شعبان غرق می شویم که اصلا یادمان می رود که برای چه در این جایگاه هستیم و امام زمان علیه السلام را فراموش می کنیم.

* گاه و بیگاه این نکته را به همکارانمان نیز تذکر دهیم.

یادمان باشد که باید این چراغ همیشه روشن باشد!

۳۰ – برنامه ریزی داشته باشیم.

هر کار و فعالیتی با برنامه ریزی بازدهی بیشتری خواهد داشت. برای برنامه ریزی بهتر به این نکات دقت کنید:

برنامه ها را به سه بخش زیر تقسیم کنید:

۱- قبل از برنامه

۲- حین برنامه

۳- بعد از برنامه

* انتخاب سبک و شیوه اجرای برنامه

* دعوت موثر و آگاهانه

* انتخاب همکاران بر اساس نیازهای برنامه

* انتخاب همکاران بر اساس توانایی های آنان

* زمان بندی برنامه

* دقت به اصل مخاطب شناسی در برنامه ریزی

* آموزش به همکاران (در صورت نیاز)

* تقسیم کار مناسب بین افراد و عدم انباشتگی بر یک یا چند نفر

* توجه به نظم و پرهیز از بی نظمی

* پرهیز از اجرا فقط با تکیه بر تجارب قبلی

۳۱ – در برنامه های نیمه شعبان چه اهدافی را دنبال کنیم؟

چهار هدف را در نظر داشته باشیم:

* مخاطبین بدانند امام زمان دارند!! تعجب نکنید! بیشتر مردم یادشان رفته که امام زمانی هست و ایشان امامشان هستند!!! اگر این حس در زندگی روزمره شیعیان جاری شود که امامی دارند، دلسوز و آگاه و حکیم و دست اندرکار

ص: ۴۷

و... نگاه و باورشان و نوع ارتباطشان با امام زمان علیه السلام متفاوت خواهد بود و در زندگیشان تاثیر چشمگیری خواهد داشت.

* مخاطبین امامشان را بشناسند!! معرفت و شناخت امام عصر علیه السلام از اصلی ترین معتقدات یک شیعه اثنی عشری است. به حدی که هر کس از این جایگاه دور بماند به مرگ جاهلیت مرده است. مخاطبینمان را از این معرفت بی بهره نگذاریم.

* مخاطبین از امام زمان علیه السلام یاری بخواهند.

ارتباط قلبی با امام زمان، طلب یاری از ایشان، توسل و تمسک به آن وجود عزیز از وظایف شیعیان در دوره غیبت است.

در نیمه شعبان برای دست یابی به این هدف باید تلاش کنیم.

* مخاطبین امام زمان علیه السلام را یاری کنند.

اگر مدعوین برنامه های نیمه شعبان برای امام زمان علیه السلام دعا کنند و یا برای ایشان نذر کنند و یا برایشان هزینه کنند و یا برای سلامتی شان صدقه بدهند و یا کار خیری انجام دهند و یا سفر زیارتی به نیابت ایشان بروند و یا طعم دوستی با ایشان را به دیگران توصیه کنند و یا برای رضایت ایشان کارهای خیر انجام دهند و یا برای کسب رضای ایشان از گناه پرهیز کنند و یا در کارهای خوب برای ایشان سهم معنوی قرار دهند و... ، یعنی امامشان را یاری کرده اند.

وزهی سعادت برای آنانی که در نیمه شعبان به یک یا چند هدف از اهداف یاد شده دست پیدا کنند.

۳۲ - به مردم بگوییم:

یادتان باشد امام زمان علیه السلام زنده اند!! موضوع امام حی همواره مورد توجه بزرگان شیعه بوده

است. این موضوع استراتژیک آن قدر اهمیت دارد که در روایات شیعه، «لو لا الحجه لساخت الارض»: نبود امام در هر زمان را مساوی با نابودی کره زمین دانسته و فرموده اند باور به حی و زنده بودن امام عصر علیه السلام آورده های زیادی برای شیعیان و مخاطبین ما خواهد داشت. از جمله این که:

* امام زنده در جامعه حضور دارد.

* امام زنده در جامعه فعال است.

* پیامبر صلی الله علیه و اله در غدیر دست مردم را در دست امام زنده ی آن زمان گذاشتند.

* امام زنده نتیجه پیام غدیر است.

* وظایف امامت در هر زمان بر دوش امام زنده آن زمان است. پس هدایتگری و راهنمایی امام زمان علیه السلام در دوران غیبت تعطیل بردار نیست و ایشان مانند پدران بزرگوارشان در زمان امامتشان پناه شیعیانسان هستند و همه ی کمالات امامتی در عصر غیبت، در ایشان وجود دارد.

۳۳ - یک تحذیر!

در جشن ها و مراسم نیمه شعبان مراقب باشیم که ما تبدیل به یک گروه حرفه ایی مجری برنامه های نیمه شعبان نشویم!! همان گونه که هدف گزاری کرده ایم: آمال و آرزوی ما از اجرای مراسم نیمه شعبان؛

* کسب رضایت آن بزرگوار

* ایجاد پیوند قلبی مردم با ایشان

* دعا گویی بیشتر برای ایشان

* خدمت به آن عزیز و... است.

پس باید مراقب باشیم که مخاطبین مان در مراسم این گونه برداشت نکنند که ما یک گروه حرفه ایی هستیم که شغلمان برگزاری جشن های مناسبتی است. آنان باید روحیه خدمت به امام زمان علیه السلام و شیفتگی به

آن بزرگوار را در رفتار ما ببینند و اگر مراسم و برنامه هایمان با کیفیت بالایی برگزار می شود فقط به سبب ارادتمان به ایشان است و جنبه شغلی و حرفه ایی ندارد.

۳۴ – به امامت امام زمان علیه السلام و دعا برای ایشان بیشتر بپردازیم!

امام عسکری علیه السلام فرمودند: برای او غیبتی خواهد بود که در آن زمان مردم هلاک خواهند شد؛ مگر آنان که بر امامتش استوار باشند و برای فرجش دعا کنند.

* مقصود از باورمندی به امامت همان است که مردم بدانند ایشان زنده هستند، ایشان در عین این که از چشم مردم غیبت دارند اما حضور دارند، به شیعیانشان توجه ویژه دارند و امامی دلسوز و پناه خداوند بر مردم می باشند.

* دعای بر فرج امام زمان علیه السلام علاوه بر آن که ممکن است موجب گشایش و فرج ایشان شود، امام زمان علیه السلام را نیز خوشحال می کند و در زندگی دعا کنندگان نیز تاثیرات چشمگیری خواهد داشت.

در مراسم و جشن های نیمه شعبان بر این دو موضوع استراتژیک سرمایه گذاری کنیم.

۳۵ – به این نکته دقت کنیم:

عموم شیعیان در دل خود به امام زمان علیه السلام محبت دارند، اما بیشتر آن ها توفیق یاری آن حضرت را ندارند. چه بسا بسیاری از شیعیان اصلا نمی دانند که باید امامشان را یاری کنند.

پس: شایسته است که در برنامه ای که سخن از یاری امام زمان علیه السلام می کنیم به این موضوع نیز توجه داشته باشیم که اقسام یاری و انواع و شکل های مختلف آن را برای مخاطبین و مدعوین

و البته با رعایت اصل مخاطب شناسی، بگوییم و برای این موضوع راهکارهایی ارائه کنیم.

۳۶ - یک موضوع جالب برای سخنرانی

به این فرمایش حضرت علی علیه السلام دقت کنیم:

إن الله -تبارک و تعالی- إطلع إلى الأرض فاختارنا، و اختار لنا شيعه، ينصروننا، ويفرحون لفرحنا ويحزنون لحزننا، و يبذلون أموالهم وأنفسهم فينا، أولئك منا والينا ...

خدای تبارک و تعالی در زمین نگریست، پس ما را برگزید و سپس شیعیانی برای ما انتخاب نمود که یاری مان کنند. آنان در شادی های ما شادمانند و در اندوه ما اندوه زده و سوگوارند و اموال خود را در راه ما هزینه می کنند. آنان از مایند و به سوی ما بر می گردند.

در این پیام حضرت علی علیه السلام؛ چهار ویژگی برای شیعیان بیان نموده اند:

* ينصروننا؛ ما را یاری می کنند.

* يفرحون لفرحنا، در شادی ما شادند.

* يحزنون لحزننا؛ در اندوه ما، اندوهگین هستند.

* يبذلون أنفسهم وأموالهم فينا؛ جان ها و اموالشان را در (راه) ما فدا می کنند.

و پس از آن، دو پاداش برای کسانی که دارای چنین صفاتی اند تعیین کرده اند که هر یک از آن پاداش ها به تنهایی ارزشمند ترین پاداش ها هستند.

* « أولئك منا؛ آنان از ما هستند » اولین پاداش سعادتى بالاتر از این نیست که ما از ائمه عليهم السلام باشیم.

* « والينا؛ به سوی ما می آیند » دومین پاداش این سخن امام علیه السلام بدان معناست که این شیعیان روز قیامت نیز با ما خواهند بود و چشم امیدشان به سوی ماست و این

مقام بسیار بلند و ارزشمندی است.

در سخنرانی نیمه شعبان و مجالس گفتگو درباره امام عصر علیه السلام، می توانیم از این فرمایش حضرت علی علیه السلام بهره ببریم و پلی به سوی ارتباط قلبی بیشتر و یاری امام غریب مان بزنیم.

۳۷ - دعوت از دیگران جهت بهره مند شدن از برکات امام زمان علیه السلام توسط مخاطبین، نتیجه یک برنامه نیمه شعبان شایسته و عالی است.

نتیجه یک فعالیت موثر و شایسته در نیمه شعبان این است که پس از مراسم، مخاطبین ما متوجه نعمت امام عصر علیه السلام شوند و حلاوت دوستی ایشان را بچشند و تصمیم بگیرند که این نعمت را به دیگران نیز انتقال دهند و از اطرافیان خود دعوت کنند که با توسل و تمسک به امام زمان علیه السلام از عنایات او بهره مند شوند. همان طور که آنان دارویی مفید را به دیگران توصیه می کنند، باید کیفیت برنامه ما به حدی باشد که پس از برنامه، لذت مودت و محبت امام زمان را که خود در این مراسم چشیده اند به دیگران نیز هدیه کنند.

۳۸ □ نتیجه یک برنامه ایده آل چیست؟

اگر مهمان یا مخاطب ما، پس از نیمه شعبان؛ * تابلویی از نام امام خود به جهت ابراز ارادت در خانه یا محل کار یا اتومبیلش نصب کرد؛ * اگر به هنگام ذکر نام ایشان با احترام از آن حضرت یاد نمود و بر او درود و صلوات فرستاد؛ * برخاست و دست بر سر نهاد و ادای احترام کرد؛ «قائم» اگر به هنگام بردن نام خاص ایشان یعنی لقب * اگر برای

ص: ۵۲

ایشان از سر سوز دعا کرد؛ * اگر در روزهای منسوب به ایشان همچون نیمه شعبان، روزهای جمعه و عید غدیر با برگزاری یا مشارکت در مراسم ویژه، او را به دیگران یادآور شد؛ ما به بسیاری از اهدافمان در اجرای مراسم نیمه شعبان دست یافته ایم! و باید بسیار خوشحال باشیم که برنامه استاندارد را برگزار کرده ایم و اگر چنین نشد؛ باید برای چنین شدنش برنامه ریزی و تلاش کنیم.

۳۹ - چند نکته:

یادمان باشد:

* ما نیامده ایم فقط اطلاع رسانی کنیم، بلکه آمده ایم تا در مخاطبینمان تغییر ایجاد کنیم.

* کیفیت بر کمیت ارجحیت دارد. تعداد جمعیت و مخاطبین و حجم و میزان پیام ها و برنامه ها معیار اصلی نیستند.

* تاثیر گذاری بر مدعوین یعنی کیفیت خوب! این نکته را فراموش نکنیم.

* نگاه جدی به اصل هدایت و هدایتگری از اصلی ترین مصادیق کیفیت یک برنامه خوب نیمه شعبان است.

* در اختیار نهادن دانش مهدوی به مخاطبین کافی نیست و باید گرد و غبار از فطرت آنان پاک شود و درونشان نیز جلا یابد.

۴۰ - یک تذکره:

به این حقیقت متذکر باشیم که برای هدایت دیگران در نیمه شعبان نیاز به کمک والای بی نهایت مطلق یعنی حجت خداوند داریم و نه اتکا به کمترین فضیلت های خود!! دانش من، تجربه من، وقت گذاری من، سخنرانی من، تلاش های من، صدای من، برنامه خوب من و ... همه و همه نتیجه ی لطف و منت خداوند متعال است. اگر پیوند معنوی با مولای توانمند معصوم مان نداشته باشیم و با اتکا به آن بزگوار

ص: ۵۳

حرکت نکنیم و از سرچشمه زلال آن آقای بزرگوار بهره نبریم، به بیراهه رفته ایم.

۴۱ – برای مخاطبین مان بعد از نیمه شعبان، برنامه داشته باشیم.

یکی از نتایج مناسب و موفق در مراسم نیمه شعبان این است که بتوانیم برای چند نفر از مدعوین تشکیل جلسه مستمر دهیم. این کلاس ها می تواند بستری باشد که دیگران نیز با امام زمان علیه السلام آشنا شوند و بیشتر از قبل و در طول سال، آیین خدمتگزاری به امام زمان علیه السلام را فراگیرند.

۴۲ – یک نکته:

به این موضوع فکر کنیم:

آیا برنامه و مجلس نیمه شعبان ما طوری هست که اگر امام زمان علیه السلام به مجلسمان بیایند، با ما همنشین شوند و نظر لطفی داشته باشند؟ یا فضا را آن گونه طراحی کرده ایم که خانم ها و آقایان به راحتی با هم اختلاط دارند!! و به بهانه این که باید فضای جشن را شاد و امروزی کنیم، قلب مهربان امام زمان علیه السلام را به درد آورده ایم؟ و به راحتی و متاسفانه در فضایی مذهبی زمینه ی معصیت دیگران را فراهم کرده ایم؟ آیا ظاهرمان آن طوری هست که مورد قبول و رضایت امام زمان ارواحنا فداه باشد؟ و خلاصه این که آیا روش ما همانگونه است که امام عصر علیه السلام می پسندند؟

۴۳ – در نیمه شعبان به حقوق دیگران توجه داشته باشیم!

دقت کنیم که به حقوق دیگران، اطرافیان محل برنامه، همسایه ها و کسانی که در مسیر جشن و برنامه مان تردد می کنند احترام بگذاریم. یادمان باشد بعضی از مراسم به جای آنکه

باعث خیر و رحمت باشند، باعث ایجاد مزاحمت می شوند. شاید کسی در منزل بیماری داشته باشد که صدای نامتعارف بلندگوی جشن ما آزارش دهد. ناراحتی دیگران، هم بی احترامی به حق الناس است و هم این که عده ایی را به امام زمان علیه السلام بدبین می کند و این مسئله با اهداف برنامه ما در نیمه شعبان مغایرت دارد.

بهتر است برای انتخاب محل برنامه و سواست به خرج دهیم و هر پیشنهادی را برای اجرا نپذیریم، اما اگر برنامه ما با حقوق دیگران تزامم داشت، قبل از اجرای جشن:

* از همسایه ها مودبانه برای اجرای برنامه اجازه بگیریم.

* با آنان محترمانه برخورد کنیم .

* آنان را نیز به جشن دعوت کنیم.

* از هدایا و خوراکی های برنامه آنان را بی نصیب نگذاریم.

* در راه پله ها و جلوی در و اماکنی که دیگران حقوقی دارند سر و صدا نکنیم.

* در مسیر تردد عمومی و خصوصی دیگران مزاحمت ایجاد نکنیم.

* از تجمع و ایستادن دسته جمعی در این گونه اماکن پرهیزیم.

و خلاصه این که یادمان نرود نیمه شعبان فرصتی برای تبلیغ امام زمان علیه السلام است و این فرصت را به تهدید مبدل نکنیم.

۴۴ – شأن امام زمان علیه السلام را حفظ کنیم.

معمولا هر مجلسی نشان دهنده شخصیت صاحب مجلس است. وقتی برای امام زمان علیه السلام برنامه ای تدارک دیده ایم باید شأن امام مان را در نظر بگیریم.

* دقت در رفتار

* دقت در گفتار

* پرهیز از شوخی های زیاد و نابجا

* پوشش و لباس متعارف

* معصیت نکردن

* توجه به حقوق دیگران

* پرهیز از بی برنامه‌گی و شلختگی

* اجتناب از سر و صدای زیاد

* پرهیز از تجمع غیر ضروری

* توجه به بزرگترها

و ...

از ابتدایی ترین آداب مراعات جشن صاحب الزمان علیه السلام است.

۴۵ - برای تامین هزینه جشن نیمه شعبان برنامه داشته باشیم.

طبیعتاً هر جشن و برنامه ای هزینه هایی دارد. در این موضوع به نکات زیر دقت داشته باشیم:

جو گیر نشویم. برای هزینه ها، برنامه داشته باشیم و فکر نکنیم زیاد هزینه کردن نشانه ارادت بیشتر به امام زمان علیه السلام است.

* دیگران را با توفیق هزینه کردن برای امام زمان علیه السلام آشنا کنیم و آنان را از این فرصت محروم نکنیم.

* عزتمندانه حرکت کنیم.

* مراقب باشیم که برای تامین هزینه ی جشنمان گدایی نکنیم. امام زمان علیه السلام راضی به ذلت ما در مقابل دیگران نیستند.

* خرج های غیر لازم را حذف کنیم.

* برای این کار لازم است قبل از جشن، هزینه های احتمالی را لیست کنیم و برایشان الویت بندی داشته باشیم. در صورت کسر بودجه می

توانیم الویت های آخر را حذف کنیم.

* پست نباشیم.

* در خرج کردن برای ضروریات، ممسک نباشیم و خست به خرج ندهیم. یادمان باشد در نقطه تعادل حرکت کنیم.

* فردی را به عنوان مدیر مالی انتخاب کنیم و در این انتخاب دقت داشته باشیم که او تندرو و یا کندرو نباشد.

* پول جشنمان را پول امام زمان علیه السلام بدانیم و در نگهداری و حراست از اموال اماممان بکوشیم.

۴۶ - قرار است بعد از جشن نیمه شعبان چه اتفاقی بیفتد؟

قرار است بوسیله جشن نیمه شعبان، توجه ما و مخاطبینمان به امام زمان علیه السلام از محدوده زمان و مکان نیمه شعبان فراتر برود. یعنی:

* امام زمان علیه السلام فقط امام نیمه شعبان نیست.

* دوستداری و علاقمندی به امام زمان علیه السلام در بقیه ایام سال تعطیل نمی شود.

* یاد امام زمان علیه السلام در طول ۳۶۵ روز سال باید در قلب همه ی شیعیان زنده بماند.

* رابطه با امام زمان علیه السلام باید دائمی باشد و بعد از نیمه شعبان قطع نشود.

نتیجه این که، برنامه ایی موفق است که به ایجاد پیوند دائمی مخاطبانش با امام زمان علیه السلام ختم شود.

۴۷ - برای خودمان یا برای امام زمان علیه السلام؟

برای نیمه شعبان در روایات اعمال متفاوتی بیان شده اند.

برخی از این اعمال شخصی و انفرادی اند و بهره ی آن بیشتر متوجه شخص می شود و برخی دیگر جمعی هستند و از عواید آن دیگران نیز بهره می برند.

مثلاً انجام مراسم احیا و زیارت قبر مطهر سیدالشهدا علیه السلام و خواندن دعای کمیل از جمله اعمالی هستند که بیشتر جنبه ی شخصی دارند. ولی برنامه جشن نیمه شعبان که زمینه معرفت و ارتباط قلبی و پیوند بین شیعیان و امامشان را محکم تر می گرداند از توصیه های جمعی در ایام نیمه شعبان است.

البته توفیق انجام بسیاری از این اعمال شخصی مانند غسل نیمه شعبان و زیارت امام حسین علیه السلام و دعای کمیل مانع کار جمعی نیستند. اما اگر ناگزیر از یکی از این دو انتخاب باشیم

چه خواهیم کرد؟ برای خودمان قدم بر می داریم؟ یا برای امامان؟ به این روایت که از پیامبر نقل شده است دقت کنیم:

ایمان کسی کامل نمی شود مگر آنکه من (پیامبر صلی الله علیه و اله) را بیشتر از خودش دوست بدارد، و فرزندان من (پیامبر) را نیز از فرزندان خودش بیشتر دوست بدارد.

تمرین کنیم که؛ امام زمان یعنی فرزند پیامبرمان را بیشتر از خودمان دوست داشته باشیم.

۴۸ - برای دعوت حرفه ای عمل کنیم!

* مدعوین را لیست کنیم

* به ظرفیت مکان جشن و تناسب آن با مدعوین دقت داشته باشیم.

* از میان آنان عده ای که به ما نزدیک ترند و آمادگی همکاری دارند را برای کمک به اجرای مراسم انتخاب کنیم.

یادمان باشد، همه ی کارها را خودمان نباید انجام دهیم.

بهتر است که به دیگران نیز توفیق خدمت به حضرت ولی عصر علیه السلام را هدیه بدهیم.

معمولا عموم افراد از این پیشنهاد استقبال می کنند و خودشان را در حین اجرای برنامه و پس از آن به امامشان نزدیکتر حس می کنند.

استعداد و توانایی همکارانمان را شناسایی و از آن در جهت اجرای بهتر برنامه استفاده کنیم.

قبل از برنامه همکارانمان جدید را با اهداف جشن توجیه و آشنا کنیم.

* سرانه هزینه های احتمالی هر نفر را محاسبه کنیم و سپس با توجه به میزان بودجه، تعداد مدعوین مان را تعیین کنیم.

* دنبال تجمل نباشیم و مطمئن باشیم که یک برنامه با کیفیت و دارای محتوای خوب و معنوی بیشتر از ریخت و پاش و تجمل، بر مدعوینمان تاثیر دارد.

* برای مدعوین دعا کنیم و از امام زمان علیه السلام بخواهیم توجهات بیشتری به آنان نمایند.

یادمان نرود که هدایت به دست خداست و ما فقط باید وظایفمان را به نحو احسن انجام دهیم. در حقیقت فکر نکنیم که مدعوین تحت تکفل ما هستند و هدایتشان به دست ماست.

۴۹ – به این نکات دقت کنیم:

* همه ی بخش های برنامه را لیست کنیم.

* برای همه ی بخش ها زمان بندی داشته باشیم.

* قبل از اجرای نهایی، هر بخش را حداقل یک بار تمرین کنیم.

* همه ی همکارانمان را با ترتیب و زمان بندی و شکل برنامه ها آشنا و توجیه کنیم.

* استرس نداشته باشیم.

* به همکارانمان استرس وارد نکنیم.

* منظم و با حوصله و متانت مدیریت کنیم.

* در صورت امکان برای هر قسمت از برنامه مسئول تعیین کنیم.

۵۰ – نمایشگاه کتاب و محصولات فرهنگی

* ایجاد نمایشگاه کتاب و وسایل فرهنگی به غنای محتوای برنامه ما کمک خواهد کرد.

برای این کار لازم نیست چند صد عنوان محصول فرهنگی را عرضه کنیم. کافی است چند محصول متناسب با مدعوین را انتخاب کرده و برای معرفی آنان برنامه ویژه داشته باشیم.

یک نمایشگاه فرهنگی ایده آل، به تنهایی می تواند بسیاری از اهداف برنامه ی ما را تامین کند و مخاطب با آشنایی با کتاب و محصولات فرهنگی بیشتر از قبل احساس تقرب به امام عصر علیه السلام نماید.

برای معرفی و تبیین محصولات، فردی را انتخاب کنیم که خوب سخن بگوید و محصولات را قبلاً مطالعه کرده باشد و در مسیر اهداف جشن یعنی تقرب به

امام زمان علیه السلام و ایجاد پیوند با ایشان سخن بگویند.

هر کتابی که در حوزه مهدوی نگاشته شده، لزوماً در مسیر اهداف برنامه‌ی ما نیست. به این موضوع دقت کنیم که کتاب و محصولات فرهنگی باید در مخاطب احساس نزدیکی و محبت بیشتر به امام زمان علیه السلام نماید و یا معرفت او را نسبت به حضرتش بیشتر کند و یا پاسخگوی نیازهای اعتقادی اش باشد و یا در رفع شبهات ذهنی او کمک نماید.

به محل اجرای نمایشگاه کتاب و محصولات فرهنگی دقت ویژه داشته باشیم و برای رفع تکلیف جای نامناسبی را به آن اختصاص ندهیم.

بخش اول: شرح سناریوی جشن

اشاره

بطور کلی بهتر است که برنامه اولیا به صورت مجزا از فرزندانشان برگزار گردد (به جهت استفاده بیشتر هر دو گروه). بدین منظور برنامه اولیا در کلاسهای مدرسه و جشن کودکان در حیاط و یا سالن اجتماعات مدرسه میتواند برگزار گردد. در این بخش تنها ترتیب اجراها بیان شده است و نمونههای اجرایی بطور مبسوط در بخش دوم آورده شده است که میتوانید رجوع نمایید.

همچنین روندی که بیان خواهد شد کاملاً پیشنهادی و قابل جابه‌جایی و تکمیل میباشد.

جشن کودک و نوجوان

آغاز مراسم میتواند با پخش یک کلیپ مرتبط همراه یک سرود یا قرائت دکلمهای توسط مجریان و یا حتی خود دانش آموزان، شروع گردد.

پس از آن زمان سلام و احوالپرسی و تبریک عید مجریان به مخاطبان است.

توجه: ایجاد کشش و جذابیت و انتقال انرژی خوب در مرحله اول بسیار اهمیت دارد، چرا که همراهی بچه‌ها تا انتهای برنامه منوط به آن خواهد بود.

همچنین برای حفظ تمرکز و توجه جمع در طول اجرا، ابتدا

ص: ۶۰

مجری میتواند قوانین و راهکارهایی را با بچه ها در میان گذارد تا هر زمان که در طول برنامه مهمه و یا عدم تمرکز ایجاد شد؛ از آن راهکارها بهره برد (مناسب گروه سنی کودک).

نمونه ای از این قوانین شامل:

۱- وضع کردن قراردادی بازیگونه با بچه ها برای ساکت کردن و تشویق کردن آنها (مناسب گروه سنی کودک):

مثلا- مجری قرار بگذارد که وقتی دستش را به علامت سکوت بالا برد، به سرعت همه ساکت شوند. یا اینکه مجری کارت سبز و قرمزی در جیب داشته باشد. هر زمان کارت قرمز نشان داد، یعنی همه ساکت شوند و هر کسی سکوت نکرده باشد باخته و اگر کارت سبز نشان داده شد یعنی همه باید دست بزنند و با صدای بلند خوشحالی کنند (که می بایست در ابتدای برنامه مانند یک بازی جذاب، چند مرتبه با بچه ها تمرین شود که در طول برنامه استفاده شود).

۲- کارت آفرین: کسانی که تا انتهای برنامه به دلیل همراهی و سکوت بتوانند سه ستاره آفرین دریافت کنند، جوایزی داده شود.

توجه: در طول برنامه دائما سعی گردد که از خود بچه ها کارها و جوابهایی خواسته شود که علاوه بر تخلیه انرژی کودکان، به جذابیت برنامه نیز افزوده گردد. (نمونه ای از این سرودهای سوال و جواب گونه در قسمت سرودها به صورت مبسوط ذکر شده است، که میتوانید رجوع نمایید).

« تاک شوی مجری و گلدونه »

*یک نمونه از روند تاک شویی کامل برای اجرای برنامه، به همراه سرود و مسابقه و ... تحت عنوان در ادامه آورده شده است که میتوانید به آن مراجعه نمایید.

بنا علی هذا بعد

ص: ۶۱

از سلام و تبریک و بیان قوانین، با طرح چند سوال درباره این روز و امام زمان علیه السلام برنامه ادامه می یابد.

(که نمونه ی سوالات به تفکیک گروه سنی در بخش دوم ذکر شده است) در این مرحله کسانی که پاسخ دهند توسط دوستانشان تشویق شده و جوایزی دریافت میکنند. (که البته پاسخ به سوالات سخت تر میتواند جایزه هم داشته باشد.) در اینجا نوبت اجرای یک تانگو زیبا است. تانگوهای متعددی در بخش دوم آورده شده است که از جمله موارد پیشنهادی از این میان، برای گروه کودک عبارتاند از:

- تانگو شوی آرزوی بزرگ

- تانگو شوی مجری و گلدونه

- تانگو شوی باران

- تانگو شوی جلو خطا را بگیریم

- تانگو شوی پدر مهربان

- تانگو شوی جشن تولد

و...

و از جمله موارد پیشنهادی برای گروه نوجوانان:

- تانگو شوی فال سفارشی

- تانگو شوی گمگشته

- تانگو شوی یک شعر ناتمام

- تانگو شوی سایه‌های در کمین

و...

و از جمله موارد پیشنهادی برای گروه جوانان:

- تانگوشوی وکیل

- تانگو شوی دادگاه (طنز)

- تانگو شوی خیمه خاموش و...

و از جمله موارد پیشنهادی برای اولیا:

- نمایش گمارده

- نمایش امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

- نمایش نه آن سوی ابر

و...

در مرحله بعد، اجرای سرودی توسط یک گروه دعوت شده و یا توسط دانش‌آموزان مدرسه (اگر مقطع ابتدایی هستند) را داریم.

پس از اتمام سرود، مجری یک شعر که با همخوانی بچه‌ها همراه است را میخواند (برای گروه کودک، به قسمت اشعار دسته اول رجوع شود) و برای نوجوان در این بخش میتوان یک مولودی

ص: ۶۲

یا دکلمه و ... خواند.

سپس مسابقه ای برگزار شود. انواع این مسابقات به تفکیک گروه سنی در زمینه های ورزشی، هنری، هوشی و مذهبی در ادامه آمده است.

مرحله بعدی، اجرای نمایش توسط دانش آموزان است که نیاز به تمرین قبلی دارد. (خاص گروه کودک). از جمله:

- نمایش شهر رنگین کمان (پیشنهاد ویژه)

- نمایش خورشید پشت ابر سپس مجریها مطالب آموزشی در مفهوم انتظار یا داستان تولد حضرت را بیان میکنند که محتوای آن در ادامه ذکر گردیده است.

در ادامه، مسابقه دیگری برگزار شود (رجوع شود به بخش مسابقات).

و نهایتا با یک کلیپ یا نوایی مناسب برنامه را به انتها رسانده و در بین آن دعای فرج بصورت دسته جمعی خوانده شود، از جمله:

نوای نگار صبح (شامل: دکلمه، سرود، دعای فرج) در اختیارتان قرار خواهد گرفت.

جشن اولیا

برنامه اولیا بطور مجزا در کلاس های مدرسه برگزار میشود. به این صورت که مجریان آقا برای پدرها و مجریان خانم برای مادرها، محتوایی در زمینه نیمه شعبان را بیان میکنند. که این محتواها مفصلا در بخش سوم ذکر شده است.

همچنین میتوان بروشوری درباره روش های تربیتی فرزند محب ویا بروشوری درباره افزایش معرفت به امام زمان علیه السلام تهیه نمود و بعد از صحبت با آنها پخش کرد.

یا میتوان سؤالات تستی ای از محتوای صحبت مجریان تهیه نمود و در آخر بین اولیا توزیع کرد و جوایزی هم برای برندگان تدارک دید.

بخش دوم: جزئیات مبسوط اجرا

«سؤالات نیمه شعبان»

سؤالات گروه سنی ۵ - ۱۰ سال

۱. ما شیعیان، چند امام داریم؟

۲. امام دوازدهم چه نام دارند؟

۳. کدام امام ما در غیبت هستند؟

۴. نام مادر امام زمان علیه السلام

چیست؟

۵. نام پدر امام زمان علیه السلام چیست؟

۶. امام زمان علیه السلام در کجا متولد شدند؟

۷. امام زمان علیه السلام در چه روز و چه ماهی متولد شدند؟

۸. تعداد یاران امام عصر علیه السلام چند نفر است؟

سؤالات گروه سنی ۱۱ - ۱۵ سال

۱. امام زمان علیه السلام در چه سالی متولد شدند؟

۲. امام زمان علیه السلام در چه سنی به امامت رسیدند؟

۳. امام زمان علیه السلام از کدام شهر ظهور میکنند؟

۴. نام اصلی امام زمان علیه السلام چیست؟

۵. سه لقب از القاب حضرت مهدی علیه السلام را نام ببرید؟

۶. آیا زمان ظهور حضرت مشخص است؟ چه کسانی آن را میدانند؟ (اشاره به روایت کذب الوقتون)

۷. امام زمان علیه السلام در زمان چه حکومتی متولد شدند؟

۸. کدام پیامبر است که بعد از ظهور امام زمان علیه السلام پشت سر حضرت نماز می خواند؟

۹. علت غیبت امام دوازدهم چیست؟

۱۰. مشهورترین لقب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟ مهدی

۱۱. القاب مهدی و قائم به چه معناست؟

سؤالات گروه سنی ۱۶ - ۱۸ سال

۱. عسکر به چه معناست؟

۲. در زمان غیبت صغری برکات امام از چه طریقی به ما میرسد؟

۳. معنی کلمه ظهور چیست؟

۴. غیبت صغری چند سال طول کشید؟

۵. اولین اقدام حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور چیست؟

۶. امام زمان علیه السلام هنگام ظهور با چه کسانی می‌جنگند؟ چگونه و با چه سلاحی می‌جنگند؟

۷. در قرآن به کدام لقب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، اشاره شده است؟ بقیه الله

۸. نَوَاب اربعه چه کسانی بودند؟

۹. چرا ما به امام و راهنما نیاز داریم؟

ص: ۶۴

۱۰. معنای رجعت در زمان ظهور امام زمان علیه السلام چیست؟

۱۱. امام زمان علیه السلام در کجا زندگی میکنند؟ آیا از احوال ما آگاه هستند؟

۱۲. پنج نشانه حتمی قبل از ظهور چیست؟

۱۳. چند راه ابراز ارادت و ادای وظیفه جهت تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام را بیان کنید؟

۱۴. چرا حضرت مهدی علیه السلام مؤکداً به ما سفارش کردند که: برای فرج من زیاد دعا کنید؟

سؤالات اولیا

۱. مخفیانه بودن ولادت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همانند کدام پیامبر است؟

۲. کدام شب برای امامان همانند شب قدر برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) است؟ شب نیمه شعبان.

۳. شباهت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با حضرت ابراهیم علیه السلام در چیست؟

۴. شباهت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با حضرت عیسی علیه السلام در چیست؟

۵. کدام یک از دو امام علیهما السلام همانند امام مهدی علیه السلام در کودکی به مقام امامت رسیدند؟

۶. طبق روایات، هر کس بمیرد و امام زمان خودش را شناسد؛ به چه نوع مرگی از دنیا می‌رود؟

۷. بهترین عمل در شب میلاد حضرت چیست؟

۸. چرا در روایات انتفاع از امام زمان علیه السلام را به انتفاع از خورشید پشت ابر، تعبیر کرده اند؟

۹. نشانه های امام بر حق و حجت خدا چیست؟

۱۰. در آیه «بِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ» . منظور از ۴۵ /سوره حج؛ چیست؟

۱۱. طبق آیه ۵ /سوره ابراهیم؛ ایام الله، چه روزهایی می باشد؟ روز قیام قائم، روز قیامت، روز رجعت.

۱۲. چگونه در زمان غیبت درباره امور دینی باید کسب تکلیف کنیم؟ به چه کسانی میتوانیم رجوع کنیم؟

۱۳. آیا انبیاء گذشته نیز غیبتی همچون صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) داشته اند؟ نامشان را بیان کنید.

۱۴. چرا حضرت از مکه ظهور میکنند؟

۱۵. منظور از دجال چیست؟

۱۶. شب نیمه شعبان بعد از کدام شب، افضل شبهاست؟ شب قدر

۱۷. نام صلواتی که قرائت آن از طرف امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عصرهای جمعه توصیه شده، چیست؟

«سرود، اشعار و دکلمه»

اشعار گروه کودک

اشاره

از اشعار و سرودهای زیر میتوان در اثنای برنامه استفاده نمود: (خاص کودک و یا نوجوان)

- اشعار دسته اول: به صورت دو طرفه، یعنی همراه تشویق و همخوانی بچه ها میباشد.

- اشعار دسته دوم: شعرهایی که مجریها میخوانند و یا برای جذابیت بیشتر این اشعار میتوان بعضی را توسط خود بچه ها به اجرا درآورد که البته نیاز به تمرین از قبل دارد.

- اشعار دسته سوم: شعرهایی که میتوان آنها را به صورت مولودی خواند.

«اشعار دسته اول»

(۱)

* با جواب دادن بچه ها خوانده بشه

امید آخر کیه؟ او حضرت مهدی

اقا و سرور کیه؟ او حضرت مهدی

از همه بهتر کیه؟ او حضرت مهدی

منجی دنیا کیه؟ او حضرت مهدی

دوست شما ها کیه؟ او حضرت مهدی

یوسف زهرا کیہ؟ او حضرت مہدی

پناہ عالم کیہ؟ او حضرت مہدی

صاحب این زمان کیہ؟ او حضرت مہدی

یاور مہربان کیہ؟ او حضرت مہدی

(۲)

* با جواب دادن بچه ها خوانده بشه

غنچه ی لب های تان-خوشکل و خندان شده-نیمه ی شعبان شده (۲)

ص: ۶۶

شب شده مانند روز-روشن و تابان شده-نیمه ی شعبان شده (۲)

چهره ی صحرا و دشت-شاد و درخشان شده

خنده به لب های ما-آمده مهمان شده

به از این روز نو-لحظه ی باران شده

نیمه ی شعبان شده (۶)

غصه و غم پر کشید-موقع درمان شده-نیمه ی شعبان شده (۲)

سختی دوری تو-راحت و آسان شده-نیمه ی شعبان شده (۲)

دشمن سر سخته تو-زار و پریشان شده

راضی و خوشنود و شاد-خالق رحمان شده

غرق نشاط و سرور-کشور ایران شده

مهدی موعود ما-صاحب دوران شده

منتظران را بگو-لحظه ی پیمان شده

نیمه ی شعبان شده (۶)

(۳)

* با جواب دادن بچه ها خوانده بشه

(در موقعیتی که مجری از تولد امام زمان حرف میزند و با کودکان میخوانند برای امام زمان تولد بگیرند.)

دوباره شور و خنده-به باغ خانه دادی

رسیده جشن شادی-تولدت مبارک

دوباره کوچه ها شد-نظافت و چراغان

رسیده ماه شعبان-تولدت مبارک

رسیده بوی نرگس-به کوچه های روشن

گرفته قلب دشمن- تولدت مبارک

بگو بگو ندارم- نه غصه و نه دردی

رسیده ماه مهدی- تولدت مبارک

(۴)

* با جواب دادن بچه ها خوانده بشه

آی بچه های با صفا بله

کوچولوهای با وفا بله

امید سرزمین ما بله

بچه ی خوب نماز خونہ بله

نماز رو با ناز می خونہ نخیر (با علاقه می خونہ)

شماها روزه می گیرین ؟ بله

روزه رو با زور می گیرین ؟ نخیر

خدا شما رو دوست داره ؟ بله

مسلمونا رو دوست داره ؟ بله

بچه مسلمونید شما ؟ بله

دوستای شیطونید شما ؟ نخیر

خدا شما رو دوست داره ؟ بله

ص: ۶۷

شما خدا رو دوست دارید؟ بله

پیامبر ا رو دوست دارید؟ بله

اماماتون رو دوست دارید؟ بله

امام زمان رو دوست دارید؟ بله

امام زمان هم شما گل های قشنگ را خیلی دوست داره.

(۵)

* با جواب دادن بچه ها خوانده بشه

اون کیه وقتی بیاد؟-دنیا می شه گلستان-« مهدی صاحب زمان »

اون کیه وقتی بیاد؟ دردارو کرده درمان-« مهدی صاحب زمان »

اون کیه وقتی بیاد؟ کافر می شه پریشان-« مهدی صاحب زمان »

اون کیه وقتی بیاد؟ دوست می شه با فقیران-« مهدی صاحب زمان »

اون کیه وقتی بیاد؟ پر می شه مهر و احسان-« مهدی صاحب زمان »

اون کیه وقتی بیاد؟ ظالم می شه هراسان-« مهدی صاحب زمان »

(۶)

(بازی شعرگونه ما گلیم ما شیعه ایم)

بچه ها مثل عمو زنجیر باف دست های خودشون رو به هم می دهند و در حالی که مجری ها شعر زیر را میخوانند بچه ها می چرخند و کارهایی که برایشان توضیح داده می شود انجام می دهند .

ما گلیم-ما شیعه ایم-اماماممون رو دوست داریم

اگر که اونو شناسیم-نادون می شیم-روی زمین ولو می شیم (روی زمین می افتند)

اگر که اونو شناسیم-مهدوی می شیم-مهدوی می شیم (به هوا می پرند)

(۷)

(این دو بیت شعر میتواند شعار بین مجری و کودکان باشد)

یار امام زمان-فکرای خوب میکنه

دلش همیشه پاکه-کارهای خوب میکنه

« اشعار دسته دوم »

(میتوان گروه سرودی از خود بچه ها آماده کرد برای خواندن سرودهای زیر)

(۰)

* شعر امانت الهی

* (سروده یکی از دوستان، برای گروه کودک)

ص: ۶۸

یه روز علی کوچولو، گرفته بود کتابی

کتابی به امانت ، از دوست و هم کلاسی

قول داد علی به دوستش، برگردونه کتابو

همین فردا به زودی، درینگ درینگ

بعد از زنگ مدرسه ، علی در راه خانه

گرفت کتابو در دست ، تا برسد به خانه

بچه ها آی بچه ها ، هوا چه ابری شده

بارونگرفته نم نم ، نکنه کتاب خیس بشه

علی با آشفتگی بغل کرده کتابو ، چون علی در امانت نمیکنه خیانت

بارون هنوز میبارید ، مردی به تندی دوید

از بس که تند میدوید، علی رو اصلا ندید

علی کوچولوی ما ، افتاد زمین بچه ها

اما کتاب سالم بود، چون بغل علی بود

علی رسید به خونه، بی عذر و بی بهونه

به مادرش سلام داد ، از ماجرا خبر داد

مادر صدآفرین گفت، علی رو نکته ای گفت

نکته ای از امانت ، امانت الهی

علی که با تعجب، به مادرش گوش میداد

خیلی سریع بی دریغ، از مادرش میپرسید

مادر به او جواب داد، از امانت خبر داد

اگه گفتید بچه ها، چه پاسخی به او داد

امانت الهی، همان امام عصر است

امام قائم ما، حاضر و ناظر به ما

تو سختیها پشت ما، تو غصهها دوست ما

در همه ی لحظه ها، رفیق و غمخوار ما

باید برای حضرت، دعا کنیم شب و روز

تا یکی از جمعه ها، ظهور کند زود زود

(۱)

نیمه ی شعبان شده-شکوفه باران شده

حضرت نرجس خاتون-خوشحال و خندان شده

بوی گل و گلابه-چشمه عجب پر آبه

هزار هزار فرشته-زمین مثل بهشته

بچه ها جون بهاره-غم دیگه جا نداره

مهدی زهرا اومد-منجی دل ها اومد

ص: ۶۹

امام خوب عسکری-با دیدن گل نبی
به خنده گفت: تو سروری-اهل جهان را رهبری
با صد درود و صد سلام-همه می گیم با یک کلام
خوش آمدی به دنیا-فرزند خوب زهرا (بار ۳)

(۲)

سلام سلام بچه ها-سلام سلام غنچه ها
روی زمین زیبا-یه گوشه ای همین جا
امام آخر ما-آقا و سرور ما
مهدی صاحب زمان-رهبر کل جهان
مارو نگاه می کنه-همش دعا می کنه
او صاحبِ زمونه-اما چرا پنهونه
چون بیشتر آدم ها-غافل از یاد خدا
با کارهای زشتشون-شدند اسیر شیطان
آقا امام زمان-یار همه شیعیان
وقتی که زشتی رو دید از دست آنها رنجید
گفت که هنوز یار ندارم عاشق و غم خوار ندارم
بیاید با هم یار بشیم محب و دلدار بشیم
با هم بخونیم دعا همه بخوایم از خدا
عجل فرجه عجل فرجه

(۳)

من یار مهربانم من صاحب زما نم
اگر می خواهی بدونی امام شیعیانم
حضرت عسکری بود بابای مهربانم
سیدّه نرجس خاتون مادر خوش نشانم
آورده است به دنیا در نیمه شعبانم
من مهدی و هادیم حجّت این زمانم

(۴)

آی پسر آی دختر دعا کنید پیش خدا
ابر سیاه کنار بره تموم شه انتظار ما

(۵)

بچه های نازنین باید اینو بدونید
تا که عقب نمونید حضرت صاحب الزمان
عزیز ما شیعیان کمک می خواد بچه ها
باید آماده باشید که یار آقا باشید
یار امام زمان کارهای خوب میکنه
پیش همه عزیزه بله عزیزان من
باید که بیدار بشیم به نزد آقا بریم
دلمونو پاک کنیم دنیا رو آباد کنیم

ص: ۷۰

تو يک گل معطري يا مهدي يا مهدي
 از همه گلها بهتري يا مهدي يا مهدي
 تو گل خوب نرگسي يا مهدي يا مهدي
 خوشبوتري. از اطلسي يا مهدي يا مهدي
 امام باغ و شبنمي يا مهدي يا مهدي
 براي من تو همدمي يا مهدي يا مهدي
 تويي تو يار و ياورم يا مهدي يا مهدي
 دستي بکش روی سرم يا مهدي يا مهدي
 يا مهدي يا مهدي يا مهدي يا مهدي

هو هو، صدا مياد صدای چي؟ چي چي، صدا مياد صدای چي؟
 قطار قطار فرشته تو آسمون نوشته صل علي محمد صلوات بر محمد
 هو هو صدا مياد صدای چي؟ چي چي صدا مياد صدای چي؟
 قطار قطار ستاره تو آسمون مي تابه مي گه بيشر از همه امامها رو دوست داره
 چيک چيک صدا مياد صدای چي؟ چيک چيک صدا مياد صدای چي؟
 دونه دونه بارون مي چيکه از آسمون مي گه امروز، عيده واسه بچه مسلمون
 چيک چيک صدا مياد صدای چي؟ چيک چيک صدا مياد صدای چي؟
 گنجيش که تو گلستون مي خونه شاد و خندون مي گه مبارک باشه عيد همه شيعيون

مژده مژده بچه ها
عید اومده غنچه ها
شده نیمه ی شعبان
به دنیا اومد امام
امام مهربونی
اون مرد آسمونی
همون که با ظهورش
دنیا میشه نورانی
بیا بید بیا بید بچه ها
وقت نماز و دعا
ظهور حضرتش را
همه بخوایم از خدا

(۹)

سلام سلام سلام بچه ها
سلام سلام سلام غنچه ها
روی زمین زیبا
یه گوشه ای همین جا
امام آخر ما
آقا و سرور ما
مهدی صاحب زمان

ص: ۷۱

رهبر کل جهان

مارو نگاه می کنه

همش دعا می کنه

او صاحبِ زمونه

اما چرا پنهونه

چون بیشتر آدم ها

غافل از یادخدا

با کارهای زشتشون

شدند اسیر شیطون

آقا امام زمان

یار همه شیعیان

وقتی که زشتی رو دید

از دست آنها رنجید

گفت که هنوز یار ندارم

عاشق و غم خوار ندارم

بچه ها بیدار بشیم

با هم دیگه یار بشیم

با هم بگیریم حرف خوب

انجام بدیم کار خوب

با هم بخونیم دعا

همه بخوایم از خدا

و عجل فرجهم و عجل فرجهم

(۱۰)

سلام من به مهدی و به قلب آسمانیش
سلام من به پاکی و به لطف و مهربانیش
سلام من به لحظه ای که می رسد ظهور او
سلام من به لحظه ای که میرسد عبور او
سلام من به بوسه ای که میرسد به دست او
سلام من به حضرتی که داده مهر و آبرو
سلام من به قد او سلام من به قامتش
سلام من به دست او به قدرت امامتش

(۱۱)

ابتدا مجری توضیح دهد: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرمایند:

وقتی که او بیاید، پرندگان در لانه های خود جشن می گیرند و ماهی های دریا شاد می شوند و چشمه ها پر آب می شوند و زمین چند برابر گذشته دانه می رویاند.

وقتی که او بیاید: دیگر کسی درمانده و فقیر نخواهد بود. مردم برای صدقه دادن به دنبال نیازمندان می گردند و پیدا نمی کنند.

به هر کس که می خواهند صدقه بدهند می گوید: لازم ندارم، بی نیازم. اکنون شعر خوانده میشود:

حکومتی پر از عدل

برپا میشه تو دنیا

باهم دیگه دوست می شن

روی زمین آدمها

دیگه کسی فقیر نیست
همه می شن مثل هم
اون روز چه روز خوبی است
تو دنیا دیگه غمی نیست
تا زمان ظهور هست
شعار هر مرد و زن
عَجَلِ عَلِيٍّ ظُهُورِكَ
یا حجه بن الحسن

(۱۲)

دست میزنند همه
با شادی و همهمه
که آمده به دنیا
تنها گل فاطمه (سلام الله علیها)
او پسر عسکری
بر همه ما ولی
او آخرین امام و
او جانشین نبی (صلی الله علیه و آله)
اکنون شده او پنهان
با دعای شیعیان
ظهور کند به جهان
رهبر مستضعفان

(۱۳)

آید امام غایب

در انتظار اویم

در یاد و فکر ماهست

من بی قرار اویم

جانم فدای مهدی

آن وارث پیمبر

در پنج سالگی شد

ایشان امام و رهبر

(۱۴)

دکلمه کودکانه در مورد امام زمان

امام زمان دوست دارم

من نو گل باغ توام

چه روز خوبی من دارم

منتظر یه عیدی ام

با اینکه سن من کمه

بودن تو حس می کنم

از بچگیم تا به حالا

یه عمره که منتظرم

مهدی جونم دوست دارم

من کوچولو منتظرم

(۱۵)

مژده مژده بچه ها

عید اومده غنچه ها

شده نیمه شعبان

اومد امام زمان

امام مهربونی

اون مرد آسمونی

همونیکه با ظهورش

دنیا میشه نورانی

بیاید بیاید بچه ها

وقت نماز و دعا

ظهور حضرتش را

همه بخوایم از خدا

(۱۶)

مانند خورشید در پشت ابری

هم با شهامت هم کوه صبری

هم پاک و زیبا هم مهربانی

یعنی امام و صاحب زمانی

هر روز و هر شب در یاد مایی

هم با محبت هم با دعایی

ص: ۷۳

آن چهره ات را میدیدم ای کاش

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خوبم در قلب من باش

(۱۷)

یازده امام معصوم

شهادت شدن چه مظلوم

ولی به امر خدا امام آخر ما

از چشم مردم بد

غایب شد و نیامد

هزار و چندین ساله

شیعه در انتظاره

بالاخره یه روزی

میشه وقت پیروزی

مهدی ظهور می کنه

دشمن و دور می کنه

جهان می شه پرازگل

نرگس و یاس و سنبل

ما بچه های شیعه

دعا کنیم همیشه

با هم بگیریم خدایا

بیار امام ما را

ای گل گل ها سلام

مهدی زهرا سلام

آقای مهربونم دردو بلات به جونم

مکه ای، کربلایی نمیدونم کجایی

اما تا زنده هستم منتظرت نشستم

دوستت دارم همیشه دلم برات تنگ میشه

بچه های نازنین

باید اینو بدونید

تا که عقب نمونید

حضرت صاحب الزمان

عزیز ما شیعیان

کمک می خواد بچه ها

باید آماده باشید

که یار آقا باشید

یار امام زمان

کارهای خوب میکنه

پیش همه عزیزه

بله عزیزان من

باید که بیدار بشیم

به نزد آقا بریم

دلایمونو پاک کنیم

دنیا رو آباد کنیم

(۲۰)

حالا که با هم جمع شدیم

پروانه و شمع شدیم

دستامونو بالا کنیم

رو به سوی خدا کنیم

بگیم خدای مهربون

مهدی مارو برسون

(۲۱)

دست می زنند همه با شادی و همهمه

که آمده به دنیا تنها گل فاطمه (سلام الله علیها)

او پسر عسکری بر همه ی ما ولی

او آخرین امام و او جانشین نبی (صلی الله علیه و آله)

اکنون شده او پنهان با دعای شیعیان

ص: ۷۴

(شعر نیمه شعبان پیش دبستانی)

مانند خورشید

در پشت ابری

هم با شهامت

هم کوه صبری

هم پاک و زیبا

هم مهربانی

یعنی امام و

صاحب زمانی

هر روز و هر شب

در یاد مایی

هم با محبت

هم با دعایی

آن چهره ات را

می دیدم ای کاش

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خوبم

در قلب من باش

« اشعار دسته سوم »

(شعرهایی که می توان به عنوان مولودی خواند)

به به گل آمد

مولود نرگس آمد

به به خوش آمد

به به خوش آمد

(بخواهید که بچه ها تکرار و همراهی کنند.)

ماه ماه در آمد

نیمه شعبان آمد

به به خوش آمد

به به خوش آمد

غم غم سر آمد

منجی عالم آمد

به به خوش آمد

به به خوش آمد

خوش آمد خوش آمد

مهدی موعود آمد

به به خوش آمد

به به خوش آمد

خوش آمد خوش آمد

بهار مهدی آمد

به به خوش آمد

به به خوش آمد

خوش آمد خوش آمد

مهدی ما خوش آمد

به به خوش آمد

به به خوش آمد

به به گل آمد

مولود نرگس آمد

به به خوش آمد

به به خوش آمد

(بخواهید که بچه ها تکرار و همراهی کنند .)

ماه ماه در آمد نیمه شعبان آمد

به به خوش آمد به به خوش آمد

غم غم سر آمد منجی عالم آمد

به به خوش آمد به به خوش آمد

خوش آمد خوش آمد مهدی موعود آمد

به به خوش آمد به به خوش آمد

خوش آمد خوش آمد بهار مهدی آمد

به به خوش آمد به به خوش آمد

ص: ۷۵

خوش آمد خوش آمد

مهدی ما خوش آمد

به به خوش آمد

به به خوش آمد

(۲)

دست بزیم ما حالا دست ها رو ببریم بالا یک دو سه یک دو سه خوشحالی کنیم حالا

مثل ماهی دریا پایین و بالا می ریم به عشق دیدن تو از اینجا اونجا می ریم

چشم ها رو می بندیم باز می کنیم دوباره شاید که ببینیم عکس تو ستاره

دست بزیم ما حالا دست ها رو ببریم بالا یک دو سه یک دو سه خوشحالی کنیم حالا

یا مثل یک پرند تو آسمون می شینیم شاید که از اون بالا صورتت رو ببینیم

از دریا می پرسیم از شبنم و سپیده از باد و از نسیم چه کسی تو رو دیده

دست بزیم ما حالا دست ها رو ببریم بالا یک دو سه یک دو سه خوشحالی کنیم حالا

اگر که سال دیگه کنار تو بشینیم یک دامن از شقایق برای تو می چینیم

وقتی که بیایی فصل ها همه بهاره زمین و آسمون پر می شه از ستاره

دست بزیم ما حالا دست ها رو ببریم بالا یک دو سه یک دو سه خوشحالی کنیم حالا

پروانه ها برسید از ابر و باد و بارون از دشت یاس و لاله یا سبزی بهارون

کی داره نشونی از یار بی نشونه (۲) بی گل روی او دنیا مثل زندونه (۲)

اشعار گروه نوجوان و جوان

شعر درباره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

مادرم می گوید یک نفر در راه است

از صدای پایش دل من آگاه است

وقتی او می آید فاصدک می خندد

ص: ۷۶

راه های غم را بر همه می بندد
ابرها می بارد چشمه ها می جوشد
هر درختی در باغ رخت نو می پوشد
مادرم می گوید روی ماهش زیباست
گر چه از او دوریم او همیشه با ماست

ای زمین سامره طور تجلاً خوانمت
یا بهشت حضرت باری تعالی خوانمت
سرزمین مکه یا گلزار بطحا خوانمت
جبهه هفت آسمان با عرش اعلا خوانمت
کعبه ی پیغمبران یا طور سینا خوانمت
قبله ی امید فرزندان زهرا خوانمت
هر چه هستی طور دل سینای جان میدانمت
زادگاه مهدی صاحب زمان میدانمت

نو عروس فاطمه امشب محمد زاده ای
دختر شاهنشاه رومی و احمد زاده ای
اختر برج ولایی، ماه امجد زاده ای
هیکل توحید یا روح مجزّد زاده ای
عابدی معبود و یا عبدی مؤید زاده ای
پای تا سر مظهر دادار سرمد زاده ای
انیا را، اولیا را، جان جان است این پسر

مصلح کل مهدی صاحب الزمان است این پسر

--

کودکی نورس میندارش که پیر آدم است

رهنمای آدم است و مقتدای عالم است

انبیا را اوّل است و اولیا را خاتم است

هم خطاب مبرم است و هم کتاب محکم است

هم بدرد جان دوا هم زخم دل را مرهم است

نوح دل، یوسف لقا، موسی بیان، عیسی دم است

شیعه تنها مصلح کلّ بشر میدانندش

عالم خلقت امام منتظر میدانندش

--

نرگس امشب تا سحر با مرغ شب بیدار باش

صبحدم چشم انتظار وعده ی دیدار باش

دیده بگشا در تماشای رخ دلدار باش

در رخ دلدار محو جلوه ی دادار باش

شاهد لبخند گل در دامن گلزار باش

در نشاط و شور و شادی باغبان را یار باش

ص: ۷۷

شب دعایت روح را غرق حلاوت میکند

صبح مهدی در برت قرآن تلاوت میکند

—

ای عروس فاطمه ام العلوم الکامله

ای جهان قربان حملت ای به مهدی حامله ای

تو را سادات زن های بهشتی قابله

خیز از جا و بجا آور نماز نافله

نور شد بین تو و چشم حکیمه فاصله

کاروان دل به پا آمد امید قافله

حبذا یار آمده یار آمده یار آمده

یوسف گم گشته ی زهرا به بازار آمده

—

نرگس! امشب موسی با نور طور آورده ای

یا مگر داوود دیگر با زبور آورده ای؟

آدم است این یا ملک یا آنکه حور آورده ای

یا به دامن مظهر الله نور آورده ای؟

آفرینش را به شوق و وجد و شور آورده ای

سید الاشهاد را بدر البدور آورده ای

از زمین یک آسمان توحید داری در بغل

ماه دورت گردد و خورشید داری در بغل ...

زلفت اگر نبود، نسیم سحر نبود

گمراه میشدیم نگاهت اگر نبود
مهر شما به داد تمنای ما رسید
ورنه پل صراط، چنین بی خطر نبود
تعداد بی نظیریتان روی این زمین
از چهارده نفر به خدا بیشتر نبود
پیراهن، اشتیاق نسیمانه ای نداشت
تا چشم های حضرت یعقوب تر نبود
بی تو چه گویمت که در این خاک سرزمین
صدها درخت بود ولیکن ثمر نبود ای
آخرین بهار چرا دیر کرده ای؟
ای مرد با وقار چرا دیر کرده ای؟
این جشن ها برای تو تشکیل میشود
این اشکها برای تو تنزیل میشود
وقتی برای آمدنت گریه میکنیم
چشمانمان به آینه تبدیل میشود
بوی خزان گرفته ی پاییز میدهد
سالی که بی نگاه تو تحویل میشود
ایمان ما که اکثرا از ریشه ناقص است

با مقدم ظهور تو تکمیل میشود

تقویم را ورق بزن و انتخاب کن

این جمعه ها برای تو تعطیل میشود

ای آخرین بهار چرا دیر کرده ای؟

ای مرد با وقار چرا دیر کرده ای؟

باز هم جشن نیمه ی شعبان

بیت ها رخت نو به تن دارند

قلم من به زحمت افتاده

واژه ها شوق پر زدن دارند

باز هم جشن نیمه ی شعبان

السلام علیک یا خورشید چله ی انتظار

سر آمد از سر خمره نور میجوئید

باز هم جشن نیمه ی شعبان همه ی شهرمان چراغانیست

عطر عود و گلاب می آید چقدر حیف شد که آقا نیست

باز هم جشن نیمه ی شعبان

ما به دنیا عجیب دل بستیم

لااقل به بهانه ی این جشن

دو سه روزی به یادتان هستیم

باز قدسی نفسان زمزمه پرداز شدند

به سوی سامره آماده پرواز شدند

چهره ها با گل لبخند همه باز شدند
بلبلان چمن حُسن در آواز شدند
نور شادی به زمین و به فلک موج زند
از فلک تا به زمین فوج ملک موج زند
باز هم شاهد غیبی به شهود آمده است
پیک شادی به سلام و به درود آمده است
چه وجودی است که اکنون به وجود آمده است
این خبر چیست که جبریل فرود آمده است
محشری گشت پیا گر که قیامت کردند
همه درهاله ای از نور اقامت کردند
نوری از بیت ولایت شده پیدا امشب
که از او گشته جهان غرق تجلا امشب
همه عالم شده چون وادی سینا امشب
مات از این نور بود دیده موسی امشب
عشق پرسید چرا همه برپا شده است

همه گفتند که مهدی است هویدا شده است

بر همه خلق جهان خیر کثیر آمده است

سوره ی نور خداوند قدیر آمده است

به محمد به علی باز نظیر آمده است

هاشمیون همه را ماه منیر آمده است

او بود جنت ما، کعبه ی ما، مقصد ما

خال رخساره ی او شد حجرالاسود ما

هستی از یمن قدومش ز غم آزاد بود

خرم از جلوه او گلشن ایجاد بود

این همان وعده موعود و خداداد بود

هر که شد منتظر مقدم او شاد بود

آری ای اهل ولا موسم دیدار شده

آیت نصر من الله پدیدار شده

چه بیقرار دلم میل سامرا کرده

خدا به حضرت نرگس پسر عطا کرده

حریم کوچک سرداب، عرش اعلا شد

نگار آمد و لبخندها شکوفا شد

سلام من به کسی که ز کاخ رم آمد

به ریسمان محبت اسیر آقا شد

خدا چه بخت بلندی به او عطا فرمود

ز راه دور رسید و عروس زهرا شد

عروس خانه غریب و امام خانه غریب
چقدر شادی این خانواده زیبا شد
نشسته یک پدری کنار گهواره
ترنم لب او نغمه های لالا شد
شهادتین به لب های او چه دیدن داشت
در ابتدا جلواتش شبیه عیسی شد
همه ذخیره ی حق در میان گهواره است
عصا بدست نگهبان خانه موسی شد
صدا صدای رسول خداست می آید
طنین یارب او مثل پور لیلا شد
ستاره ی سحر خانواده سر زده است
خلاصه ی همه ی اهل بیت آمده است

امشب خیر ز عالم بالا رسیده است
زیباترین ستاره ی دنیا رسیده است
امشب حکیمه باش و بین پور عسکری
با هیبت و شمایل طاها رسیده است
در او خلاصه گشته خصال پیمبران

موسی رسیده است، مسیحا رسیده است

جبریل با هزار فرشته از آسمان

کرده نزول، بهر تماشا رسیده است

سر را بُرید یوسف کنعان به جای دست

وقتی شنید یوسف زهرا رسیده است

امشب دلم به مأذنه اینگونه داد آذان

عَجَّلْ عَلَيَّ ظُهُورَكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ

سرود شاد نیمه شعبان

باغ دل بهار، گل نرگس شده

گل نرگس امشب، گل مجلس شده

حجت داور مهدی

وارث حیدر مهدی

بر همه یاور مهدی

خوش آمدی خوش آمدی یابن الزهرا

آرزوی عترت قدمت مبارک

عطر و بوی قرآن ز دمت مبارک

امید قرآن مهدی

کمال ایمان مهدی

جمال سبحان مهدی

خوش آمدی خوش آمدی یابن الزهرا

همه سر نهادند به ارادت تو

دل فاطمه شاد به ولادت تو

کل ولایت مهدی

بحر عنایت مهدی شمس هدایت

مهدی خوش آمدی خوش آمدی یابن الزهرا

همه محور رویت، همه خاک کویت

بسته آفرینش، دل به تار مویت

سرّ نهانی مهدی

نور عیانی مهدی

قبله جانی مهدی

خوش آمدی خوش آمدی یابن الزهرا

ای تمام دینم در رهت نشینم

تا گلی ز باغ عارضت بچینم

جانم فدایت مهدی

منم گدایت مهدی

محو ندایت مهدی

خوش آمدی خوش آمدی یابن الزهرا

تا رسد ز کعبه مزده ظهورت

یاوران آیند همه در حضورت

آل پیمبر مهدی

زهرای اطهر مهدی

ندا دهد سر مهدی

خوش آمدی خوش آمدی یابن الزهرا

نغمه ی نمازت کی به گوشم آید

تا به تو مسیحا اقتدا نماید

امید طاها مهدی

امام عیسی مهدی

رهبر موسی مهدی

خوش آمدی خوش آمدی یابن الزهرا

مهر درخشان

اومده بالا

خورشید عالم

یوسف زهرا

شده روشن چشم عالمین از دیدن این آقا

ص: ۸۱

نور ذات خدا رسیده رسیده

مرغ دل به هواش پریده پریده

بر دل عاشقا امیده امیده

یاسیدی، اباصالح

یاسیدی، اباصالح

اباصالح اباصالح اباصالح

تو آسمونا

هلهله برپاس

یوسف زهرا

ماه دل آراس

حُجَّتُ اللّٰهه و این آقا منجی کُلّ دنیاس

مژده عاشقی رسیده رسیده

نور حق ز افق دمیده دمیده

نازش و خالقش خریده خریده

یاسیدی، اباصالح

یاسیدی، اباصالح

اباصالح اباصالح اباصالح

نیمه ی ماه شعبان، دلبرم آمد دنیا

منتقم آل الله، مهدی آل طه

گلپسر حیدری، ثمر حیدری، قمر حیدری

ابا صالح، مولای من، یابن الحسن

سر زده مهر لطف و بخشش و غفران عشق

سوره نور و رحمت، آیهی قرآن عشق

امشبی ای با وفا، به من بی نوا

بده یک کربلا، ابا صالح

مولای من، یابن الحسن

به نیمه شعبان

شده جهان گلشن

یا حضرت نرجس

چشمان تو روشن

آقای من مولا

مولای من مولا

یابن الحسن مولا

یابن الحسن مولا

وصال تو آقا

دعای دیرینم

ولایتت باشد

تمام آیینم

ایمان من مولا

قرآن من مولا

یابن الحسن مولا

یابن الحسن مولا

روشن شده عالم

همه ز نور تو

ره رهایی ها

باشد ظهور تو

أُمید من مولا

خورشید من مولا

يابن الحسن مولا

يابن الحسن مولا

ای دیدگان ما

خاک درت آقا

آماده جنگیم

در لشگرت آقا

دلدار من مولا

سالار من مولا

يابن الحسن مولا

يابن الحسن مولا

عید نجات بشر آمد

حجّت ثانی عشر آمد

مهدی موعود

حجت معبود

عید میلادت مبارک

کرده جهان بوی خدا حس

از نفست ای گل نرگس

مسیح عالم

قبله آدم

عید میلادت مبارک

بر لب تو ذکر خداوند

بر لب زهرا گل لبخند

یوسف زهرا

ص: ۸۲

امید دلها

عید میلادت مبارک

تو آرزوی شهادی

منقتم خون خدایی

امید احمد

روح محمد

عید میلادت مبارک

ای مه دلربای بابا

قرآن بخوان برای بابا

امام قرآن

تمام قرآن

عید میلادت مبارک

حیدر و احمد به تو نازند

آل محمد به تو نازند

تو جان جانی

جان جهانی

عید میلادت مبارک

بحرِ طویل میلاد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

کشتی برده فروشان ز ره دور عیان است

که بر عرشه آن بانوی مُلک دو جهان است

بگو فخر زنان است

بگو مادر مولای زمان است

بُود منتظر مقدم او بُشر سلیمان که به عنوان کنیزش بخرد

تا ببرد بر ولی قادر مَنان

حسن عسکری آن یازدهم اختر تابان ولایت

به کف بُشر یکی نامه از آن شمس هدایت

که ز اسرار خدا داشت حکایت

نگه دخت یشوعا چو بر آن نامه بیفتاد

قرار از کف خود داد و ببوسید و روی چشم نهاد و گُل لبخند به لب گفت که: این نامه یار است

خطش را خیر از وصل نگار است

سپس گفت که: ای بُشر، مپندار کنیزم

که زده فاطمه گلبوسه به پیشانی و خوانده است عزیزم

شرفم بس که عروس علی و فاطمه ام

داده خداوند به من این شرف و قدر و بها را.

منم از نسل یشوعا که همان دختر شاهنشاه رومم

چه بسا ماهوشانی که ز عزّت همه بودند کنیزم

چه بسا سروقّدانی که به محفل همه بودند غلامم

دو پسر عمّ که مرا شیفته بودند و ز من خواستگاری بنمودند

کشیشان همه انجیل گشودند

یکی را به سر تخت نشانند

گُل و لاله فشانند

که داماد نگوینخت به کام اجل خویش نگون شد ز سر تخت

شب آمد به سر دست و قضا چشم مرا بست

که در عالم رؤیا نگه افتاد مرا بر رخ زیباپسری

نخل شرف را ثمری

صُنْع خدا را اثری

دیده به ماه رخ زیبایش گشودم

ز کفم رفت همه بود و نبودم

که ندا داد رسول مدنی احمد خاتم که: آلا عیسی مریم

چه شود دخت یشوعای تو را بر پسرم عقد ببندم

لب جانبخش گشودند

یکی خطبه سرودند و مرا عقد نمودند بر آن شمس ولایت

که عیان دیدم از طلعت نورانی او روی خدا را.

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی بود

ولی حیف که بیدار شدم

سخت گرفتار شدم

شب همه شب در تب و در تاب شدم

شمعصفت آب شدم

تا که شبی فاطمه آمد ز ره لطف به خوابم

نگهی کرد به چشمان پر آبم

به ادب بوسه به دستش زدم و روی قدمهاش فتادم

ز فراق رخ جانان به شکایت دو لب خویش گشودم

که: به دادم برس ای عصمت دادارِ ودودم

غم دوری گرامی پسرت کشت مرا

فاطمه فرمود: چگونه پسرم پیش تو آید

به تو این بخت نشاید

مگر آیین نصاری بگذاری

و به اسلام بیاری سر تسلیم و رضا را.

من در آن عالم رؤیا

لب جانبخش گشودم

به خدا و به رسول و به علی بود درودم

چو شهادت به لب آوردم و اقرار نمودم

گل لبخند به گلزار رخ فاطمه دیدم

که گشود از گرم آغوش و مرا در بغل خویش گرفت و به رُخم بوسه زد و گفت: از امشب تو عروس منی ای پاکسرشتم

به تو تبریک که هر شب پسرم

پیش تو آید

من از امشب همه شب لاله ز باغ رخ او چیدم و در خواب ورا دیدم و تا داد مرا وعده دیدار

به چشم و دل بیدار

که در سلک کنیزان ببرم روی به بیتالحریم یار

خوشا حال تو ای بشر

که مأمور شدی از طرف حجّت دادار

بر این کار

منم همسر آن نور دل احمد مختار

کز آن سید ابرار

بیارم به جهان منتقم خون تمام شهدا را.

چهارده شب چو گذشت از مه شعبان

مه عترت

مه قرآن

چه مبارک سحری بود

بگو نخل و لا را ثمری بود

بگو بحر کرامت گهری داشت

بگو شمس ولایت قمری داشت

بگو نرگس زهرا پسری داشت

بگو مصلح کل بشری داشت

جهان دادگری داشت

خبر ز آمدن حجّت ثانیعشری داشت

که شد دیده نرگس دل شب باز ز رؤیا به دوصد ناز

وضو ساخت

و استاد سحرگه به نماز شب و آیات خدایش به لب افتاد

به تاب و تب و از درد

گل انداخت عذارش

ز کف افتاد قرارش

صلوات ملک از اوج فلک گشت نثارش

به رُخش جلوه بدر و به لبش سوره قدر و نفسش کرد معطر همه امواج فضا را.

ناگهان دید حکیمه که شد آن حجره

پراز نور

به شوق و شعف و شور

روان گشت حضور قمر برج ولایت

حسن عسکری آن مهر فروزان هدایت

به ادب گفت که: ای جان دو عالم به فدایت

شده در پرتو انوار نهان

نرجس پاکیزهلقایت

گل لبخند حسن باز شد و گفت که: ای عمه پاکیزهسرشتم

گل خوشبوی بهشتم

به ادب رو به سوی حجره نرجس

گل زهرا ثمرم

ص: ۸۵

همسر نیکو سیرم

سر زده قرص قمرم

یافت ولادت پسرم

آمده نور بصرم

رفت حکیمه به سوی حجره نرجس

نگه افکند به خورشید رخ حجّت سرمد

گل نورسته احمد

مه اثنی عشر آل محمد

لب جانبخش گشوده

سخن از وحی سروده

به لبش نام خداوند و رسول و علی و حضرت زهرا و حسین و حسن و باز علی باز محمد پس از آن جعفر و موسی و رضا گفت

محمد و علی گفت و حسن گفت

سپس نام ز خود بُرد

ندا داد به هر نسل و زمان اهل ولا را.

ندا داد منم مهدی موعود

منم حجّت معبود

منم مصلح عالم

منم منجی آدم

منم وارث پیغمبر خاتم

منم حجّت سرمد

منم عبد مؤید

منم حیدر و احمد

منم نجل محمّد

منم آن منتقم خون خدا

طالب خون شهدا

زاده مصباح هدی

صاحب عمّامه پیغمبر و تیغ علی و چادر زهرا

جگر پاک حسن

جامه خونین حسین

دست ابالفضل علمدار

منم وارث پیشانی بشکسته زینب

شود آن روز که از پرده غیبت به درآیم

به سوی کعبه بیایم

برسد بر همه خلق ندایم

که من ای منتظران، مهدی موعود شمایم

پس از آن ره به سوی شهر مدینه بگشایم

حرم فاطمه را بر همه عالم بنمایم

کنم آغاز از آن جا سفر کربولا را.

گل احمد

گل زهرا

گل نرگس

گل امید حسن

یوسف زهرا

ولی الله معظّم

دُر دریای کرامت

قمر برج امامت

ز خداوند و رسولان و امامان و همه منتظران باد سلامت

همه مشتاق پیامت

همگان منتظر صبح قیامت

تو شه ارض و سمایی

تو فقط منتقم خون خدایی

تو امید دل مایی

ص: ۸۶

حجرالاسود و حجر و حرم و زمزم و مسعى و صفا

مروه همه چشم به راهت

همه مشتاق نگاهت

چه شود تا که ببندى به حرم قامت و با نغمه قد قامتت از خلق برد « انا المهدیات » آید ز فلک عیسی مریم

که به تو روی نیاز آرد و پشت سر تو باز نماز آرد و فریاد هوش

جهان جمله شود گوش

آلا کوه فراق به سر دوش

شود تا که کنم شاهد وصال از دو لب ت نوش

دعا کن که دعاها به اجابت برسد بهر ظهورت

تو بیایی

تو بیایی

گره از کار فرو بسته عالم بگشایی

تو بیایی

تو بیایی

که دل از عالم و آدم بر بیایی

تو بیایی که کنی زنده ز نو دین رسول دو سرا را.

به خدا ای پسر فاطمه تنها نه حرم منتظر توست

عرب تا به عجم منتظر توست

به خون پسر فاطمه سوگند که بر گنبد زرین حسین بن علی سید احرار

عالم منتظر توست

نه اسلام که ابناء بشر منتظر توست

زمان منتظر توست

جهان منتظر توست

نبی منتظر توست

علی منتظر توست

بیا فاطمه بیش از همگان منتظر توست

حسین و حسن و زینب و هفتاد و دو تن منتظر توست

خدا را

خدا را

که آن گنبد ویران شده و قبر پدر منتظر توست

بیا ای شرف شمس رسالت

به خداوند قسم دیر شده صبح وصال

همه چشماند چو که بیایی و ببینند به مرآت رُخت آئینه پنج تن آل عبا را. (غلامرضا سازگار) « میثم »

لینک صوتی دکلمه و سرودهای زیبا

در وصف حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مناسبت جشن نیمه شعبان:

<https://www.yjc.ir/fa/news/5612387/>.D8

ص: ۸۷

B۳٪ D۸٪ B۱٪ D۹٪ ۸۸٪ D۸٪ AF-٪D۹٪ ۸۸-٪D۸٪ AF/DA/A۹٪ D۹٪ ۸۴٪ D۹٪ ۸۵٪ D۹٪ ۸۷٪ E۲٪ ۸۰٪ ۸C/D۹٪ ۸۷٪ D۸٪ AV٪ DB٪ ۸C-٪D۸٪ B۲٪ DB٪ ۸C/D۸٪ A۸٪ D۸٪ AV-٪D۸٪ A۸٪ D۸٪ B۱٪ D۸٪ AV٪ DB٪ ۸C-٪D۹٪ ۸۸٪ D۹٪ ۸۴٪ D۸٪ AV٪ D۸٪ AF/D۸٪ AA-٪D۸٪ AV٪ D۹٪ ۸۵٪ D۸٪ AV٪ D۹٪ ۸۵-٪D۸٪ B۲٪ D۹٪ ۸۵٪ D۸٪ AV٪ D۹٪ ۸۶٪ D۸٪ B۹-٪D۸٪ AF/D۸٪ AV٪ D۹٪ ۸۶٪ D۹٪ ۸۴٪ D۹٪ ۸۸٪ D۸٪ AF

سرود ولادت امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) + لینک صوتی

شور و شادی به پا ، شد به بزم ولا

در شب نیمه ی ماه شعبان مژده ای عاشقان ، نور حق شد عیان

میدرخشد چو خورشید تابان

آمد مهدی ، دلبر مه جبین

چراغان شد ، آسمان و زمین

خوش آمدی مولا روحی فداک

متی متی ترانا ونراک

**

آمده وارث ، پاک خون خدا

مُرشد خضر و یار مسیحا

قبله اهل دل ، رهبر مقتدر

یاور شیعیان ، در دو دنیا

سامرا شد ، غرق شادی و شور

بیت نرگس ، گشته وادی طور

خوش آمدی مولا روحی فداک

متی متی ترانا ونراک

**

ای ولی خدا ، قطب عالم تویی

مقتدای همه ، یابن زهرا

ص: ۸۸

وصی مصطفی ، هستی مرتضی

دلبر فاطمه ، یابن طاها

اباصالح ، گل پیغمبری

یابن الحیدر ، پسر عسکری

خوش آمدی مولا روحی فداک

متی متی ترانا ونراک

دانلود صوت سرود از لینک زیر:

<https://emam8.com/article/404737/D9%20%28%20AA%20%D9%20%28-%20D8%20B3%20D8%20B1%20D9%20%28%20D8%20AF-%20D9%20%28%20DB%20%28C%20%D9%20%28%20D9%20%28-%20D8%20B4%20D8%20B9%20D8%20A8%20D8%20A7%20D9%20%28-%20D8%20A8%20D9%20%28-%20D9%20%28%20D8%20B1%20D8%20A7%20D9%20%28-%20D8%20B3%20D8%20A8%20DA%A9-%20D8%20B3%20D9%20%28%20D8%20AA%20DB%20%28C-%20D8%20B2%20DB%20%28C%20D8%20A8%20D8%20A7-%20D8%20B4%20D9%20%28%20D8%20B1-%20D9%20%28-%20D8%20B4%20D8%20A7%20D8%20AF%20DB%20%28C-%20D8%20A8%20D9%20%28-%20D9%20BE%20D8%20A7-%20D8%20B4%20D8%20AF-%20D8%20A8%20D9%20%28-%20D8%20A8%20D8%20B2%20D9%20%28-%20D9%20%28%20D9%20%28%20D8%20A7-.html>

ولادت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) + لینک صوتی

ای عاشقان تبریک ، نیمه ی شعبان شد

شامل این عالم ، الطاف یزدان شد

از کرم صورت آفرین

آمده مُنْجی آخرین

زمقدم پور فاطمه

سامره گشته خُلد برین

مژده مژده که آمد مهدی (۲)

مولا مولا خوش آمدی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

زین مولد چون گل ، سامره شد گلشن

ز مقدم مهدی ، چشم حسن روشن

شامل عالم لطفِ اِلاه

سپهر دین را آمده ماه

بر این گل آل فاطمه

عالم هستی بُوَد پناه

مژده مژده که آمد مهدی (۲)

مولا مولا خوش آمدی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

بر کودک دلبنده ، نرجس زند لبخند

زین گل زهرایی حسن شده خُرسند

گل ز گلستان دین رسید

مظهر حیّ مُبین رسید

گل بریزید زیر قدماش

بر شیعه حبلُ المتین رسید

مژده مژده که آمد مهدی (۲)

مولا مولا خوش آمدی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

گل ز چمن واشد ، عسکری بابا شد

ز مقدمش عالم ، امشب چه زیبا شد

گل حسن فخر عالمه نور دل و دیده ی همه

آمده از لطف سرمدی منتقم خون فاطمه

مژده مژده ، که آمده مهدی (۲)

دل‌های ما امشب ، غرق تولاً شد

نور دل زهرا ، کعبه ی دلها شد

شادی نمائید ای عاشقان رُخسار مهدی شده عیان

شیعه بگو از دل و زبان لبیک یا صاحب الزمان

مژده مژده ، که آمده مهدی (۳)

بهرخزان ما ، امشب بهار آمد

منتظران تبریک ، بر همه یار آمد

امید عالم رسیده است مُنجی خاتم رسیده است

بر همه هستی زلطف حق لطف دمام رسیده است

مژده مژده ، که آمده مهدی (۳)

ماه حجازی تو ، روح نمازی تو

بر اهل دل مولا ، محرم رازی تو

همنام جدت پیمبری

خوی و خصال تو حیدری

چون جدّ مظلوم خود حسین

از همه عالم دل می بری

مژده مژده که آمده مهدی (۳)

ص: ٩٠

پیچیده در عالم ، عطر و بویت مهدی

امشب بود مولا، دلها سویت مهدی

ذکر لب عاشقان پاک

یوسف زهرا روحی فداک

آرزوی شیعه صبح و شام

متی ترانا مولا نراک

مژده مژده که آمده مهدی (۳)

ای یوسف زهرا ، قبلگه دلها

نام قشنگ تو ، ذکر همه لبها

یا بن الایات و بیئات

یا بن طاها و المحکمت

یا بن یس و الذاریات

یا بن الطور و العادیات

مژده مژده که آمده مهدی (۳)

ای حیدر ثانی، خورشید تابانی

بر شیعه ی حیدر، آرامش جانی همیشه

مهمان توایم

شامل احسان توایم

شکر خدا در تمام عمر

ریزه خورِ خان توایم

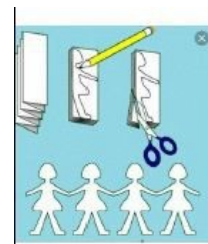


مسابقات « ۱ »

گروه سنی ۵ الی ۹ سال

مسابقه مذهبی:

–رنگ آمیزی با موضوع نیمه شعبان و امام زمان علیه السلام



مسابقه هنری:

–ساخت ریسه های رنگی و نصب آنها (کاردستی)



-ساخت دست بند با نِیهای رنگی و بند.

مسابقه ورزشی:

-صندلی بازی (برنده)

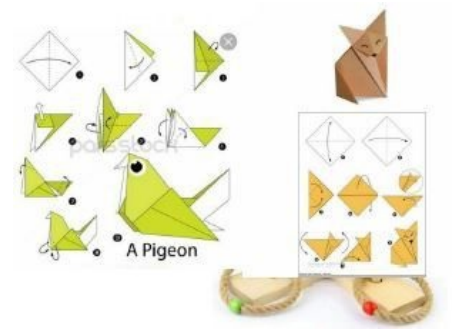
-پرتاب حلقه در استوانه کسی است که حلقه های بیشتری

ص: ۹۱

در استوانه بیاندازد.



گروه چند نفره) - مسابقه چیدن ۲ پازل بزرگ (در دو - مسابقه با توپ



گروه سنی ۱۰ الی ۱۴ سال

مسابقه مذهبی:

- نامه نوشتن برای امام زمان علیه السلام



مسابقه هنری:

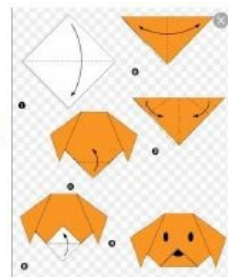
- آموزش یک اوریگامی با کاغذ و مسابقه در سرعت ساخت آن.

مسابقه ورزشی:

- مسابقه دو در بازه زمانی معین از نقطه ۱ به نقطه ۲ و برداشتن توپ ها و بازگشت به نقطه ۱ (برنده کسی است که توپ های بیشتری در این مدت آورده باشد).



زنی، طناب زنی



حلقه

گروه سنی ۱۵ الی ۱۸ سال

تستی از مطالب مذکور (تاک شو) در جشن



مسابقه مذهبی:

-تهیه سوالات

مسابقه هنری:

-ساخت اشکال مختلف با سیم مفتول



ساخت دست بند یا بند کفش

روی دستورالعمل

از



مسابقه ورزشی:



-مسابقه توپ زنی با توپ و راکت تنیس (بین چند نفر)
-چیدمان دومینو بر روی مسیرهایی که بر قطع کاغذ چاب شده (گروهی)



مسابقات اولیا:

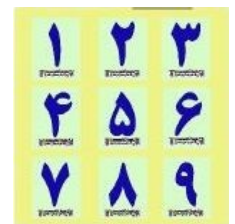


مسابقه مذهبی:

انتخاب شماره ای از میان کارت های سوالات مذهبی و پاسخ به جواب آنها. (مسابقه دو نفره است، به این صورت که هریک از شرکت کنندگان به نوبت سوالی را انتخاب و پاسخ دهند.)

مسابقه هنری:

ساخت وسایل مختلف با چوب کبریت و چوب بستنی و مقوا و ... (این مسابقه می تواند به صورت فراخوانی از قبل باشد و بهترین کارها برندگان مسابقه اعلام شوند)



تصویر



مسابقه ورزشی و فکری:

-توپ انداختن داخل تور بسکتبال

-حل جدول اعداد (هر یک از شرکت کنندگان در زمان معین فرصت حل جدول را خواهد داشت)

-برج هیجان



-دارت : زدن توپ به مرکز صفحه دارت چاپ شده بزرگ

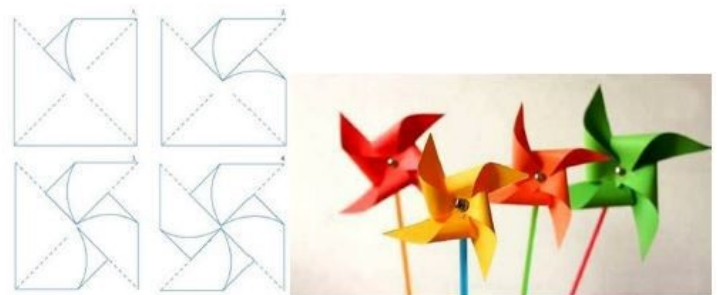
تصویر



گروه سنی ۵ الی ۹ سال

مسابقه هنری:

-ساخت فرره های رنگی که میتوان توسط آن زیبایی بصری بیشتری هم به جشن بخشید.



-ساخت گل نرگس با کاغذ و کاغذ رنگی، گلبرگها از کاغذ سفید باشند و بلافاصله بعد از برش آنها از بچه ها بخواهیم هر کدام دعایی کنند و مربی دعاها را بر هر یک از گلبرگها بنویسد. در آخر این گلها را به ریسمانی چسبانده و درجایی که در

دید باشد نصب کنند و به بهترین دعاها جوایزی داده شود.



بعد مجری برای بچه ها توضیح میده که دلیل اینکه ما به امام زمانمون میگیم "گل نرگس" چیه؟؟ هم چون اسم مامان ایشون نرجس خاتون بوده, هم چون گل نرگس تو زمستون و سرما و از زیر برف ها بیرون میاد و به ما مژده بهار و سرسبزی و زندگی دوباره رو میده, مثل امان زمان که تو جهان پر از ظلم و سختی میان و با اومدنشون همه جا آروم و قشنگ و با صفا میشه .

مسابقه مذهبی:

-رنگ آمیزی مهدوی



تصویر



Safinsh.kinikablog.com



Safinsh.kinikablog.com

تصویر



مسابقه مذهبی:

۱-چیدن پازل: با طرح مرتبط با جشن که میتواند به صورت گروهی برگزار گردد و سرعت عمل تعیین کننده برنده باشد.

مسابقه هنری:

۱-نقاشی با چشم بسته: همزمان چندین بچه یک تصویر مشخص مثل خانه، ماشین و... با چشمان بسته شده ترسیم میکنند.

(زیباترین نقاشی برنده مسابقه است)

۲-حدس تصویر: دو گروه دو نفره تشکیل داده، یک نفر از هر گروه تصویری که مجری به او میگوید بر روی تخته وایت برد رسم میکند و هم گروهی او باید حدس بزند. (هر گروه زودتر جواب دهد برنده شده)

مسابقه ورزشی:

۱-وسایل لازم: یک شرشره تزئینی(در صورت کوتاه بودن دو تا که به م متصل شده اند) و ۲ مداد یا خودکار.

شرح بازی: مدادها به دو سر شرشره وصل میگردد و مرکز آن نیز به نحوی مشخص گردد. دو کودک در دو سمت ایستاده و همزمان شروع به

ص: ۹۳

پیچاندن مدادها میکنند (برنده کسی است که زودتر به مرکز برسد)

۲- وسایل لازم:

۲ لوله مقوایی با طول حدود ۷۰ سانت و قطر حداقل ۵ سانت (میتوان از لوله میانی طاقه پارچه ها استفاده کرد و باید آنها را از قطر دایره نصف کرد که مانند ناودانی نیم دایره شکل شود، پس نهایتاً ۴ لوله نیم دایره‌ای داریم) و دو توپ تخم مرغی سبک، یک سبد

شرح بازی: ۲ گروه ۴ نفره تشکیل داده، هر دو نفر ابتدا و انتهای لوله ها را میگیرند و مجری توپ را ابتدای لوله ها قرار میدهد. بچه ها باید با کنترل دست توپ را به لوله بعدی که لب به لب هم قرار گرفته اند منتقل کنند و بلافاصله بعد از انتقال توپ به لوله دوم، دو نفری که لوله اول را گرفته اند سریعاً جلوی لوله دوم رفته و همین طور ادامه میدهند تا توپ به سبد برسد. اگر توپ در طول مسیر به زمین افتاد باید توپ را بردارند و ادامه دهند. نهایتاً هر گروهی که زودتر توپ را در سبد انداخت برنده است.

۳- وسایل لازم: یک پارچه به عرض سین (به عنوان دیوار)، تعدادی بادکنک بزرگ باد شده یا توپ سبک متوسط.

شرح بازی: دو نفر دیوار پارچه‌ای را نگه داشته (خود مجریان هم میتوانند نگه دارند) و بچه ها در دو گروه دو طرف دیوار قرار میگیرند. در زمان مشخص که همراه با تشویق تماشاچیان است، بادکنک را به سمت زمین گروه مقابل میاندازند. با اتمام زمان هر گروهی که بادکنک کمتری در زمینش باشد، برنده است.

۴- وسایل لازم: بادکنک،

یک پارچه بزرگ رنگی.

شرح بازی: ابتدا نام هر کودک روی یک بادکنک با مازیکی نوشته شود و بعد بچه ها دور پارچه جمع شده و آن را بگیرند، سپس همگی شروع به تکان دادن پارچه میکنند. (میتوان سرودهایی هم خواند و محیط را شادتر کرد) در این زمان بادکنک هایی به اطراف می افتند. صاحب آخرین بادکنکی که باقی بماند برنده مسابقه است.



گروه سنی ۱۰ الی ۱۴ سال

مسابقه مذهبی:

۱- هدف: افزایش اطلاعات بچه ها در رابطه با امام عصر علیه السلام.

وسایل لازم: ۱۲ سوال در رابطه با امام زمان همراه که بر روی کارت هایی نوشته شده اند.

وهمینطور جواب های مربوط به ۱۲ تا سوال که بر روی کارت ها دیگری نوشته شده اند.

پیشنهاد: کارت ها به صورت رنگی بوده و پرس شده باشند چون قرار است دست بچه های زیادی باشد.

شرح بازی: دو گروه تشکیل میدهم با اعضای ۳ نفره.

۱۲ کارت مربوط به سوال را به یک گروه میدهم و از اعضای گروه میخواهیم که بین خودشان تقسیم کنند (هر نفر ۴ سوال) و همین طور ۱۲ کارت جواب را هم به گروه مقابل به همین شکل.

حال به گروهی که سوال ها را در دست دارد میگوییم به نوبت یکی از ۴ سوالی را که در دست دارد بخواند. در همین حال ۳ نفر گروه مقابل باید بین ۴ کارتی که در دست دارند آن جوابی که به نظرشان درست است را اعلام کنند.

اگر پاسخ صحیح بود ۱ امتیاز به آن تیم و اگر ناصحیح ۱ امتیاز برای تیم مقابل میشود.

نکته: اعداد

ص: ۹۵

فقط برای بهتر متوجه شدن دوستان است و قابل تغییر به شرط رعایت مقیاس ها است.

مسابقه تمرین تمرکز:

۱- تکرار عبارات جالب: تعداد شرکت کنندگان میتواند متغیر باشد. هر یک از بچه ها میبایست عبارات مشابه عبارات زیر را با سرعت و پشت سر هم تکرار نمایند: (برای جذابیت این مسابقه مجری نقش بسزایی خواهد داشت.)

- سه دزد بزدزد رفتن بز دزدی به دزد بزدزد دوزب دزدید ولی دو دزد بزدزد به بز دزدیدند دو دزد بزدزد به به دزد بزدزد گفتن ما که دوتا دزد بزدزدیم به بز دزدیدیم اما تو که به دزد بزدزدی دو بز دزدیدی (این عبارت را یک بار از روی کاغذ سریع بخوانند)

- امشب شب سه شنبه اس، فردا شنبه سه شنبه اس. این سه سه شب، اون سه سه شب، هر سه سه شب سه شنبه اس . (۳ بار)

- چه ژست زشتی. (۵ بار)

- قوری گل قرمزی. (۵ بار)

۲- پانتومیم (برای ۱۲ سال به بالا):

دو گروه سه نفره تشکیل داده و به یک نفر از هر گروه کاغذی که موضوع پانتومیم روی آن نوشته شده میدهیم (موضوع میتواند یک روایت کوتاه یا یک ضرب المثل نیز باشد، در این صورت میتوان موضوع را روی کاغذ کوچکی نوشت و درون بادکنک باد شده گذاشت، با ترکاندن بادکنک ها به نوبت و حدس جواب پانتومیم به جواب میرسند). گروهی که زودتر به جواب رسید برنده است.

مسابقه ورزشی:

۱- هدف: آموزش تاثیر اتحاد و یکدل و یک مسیر بودن.

وسایل لازم: ۲ _ ۴ یا ۵ عدد بسته به طول چوب طناب به

ص: ۹۶

طول تقریبا ۴۰ سانت لازم داریم که این طناب ها را به صورت طولی بر روی چوب محکم میندیم.

دو گروه ۴ یا ۵ نفره انتخاب میکنیم (بسته به تعداد شرکت کنندگان) و چوب ها را به صورت دو به دو مقابل هم قرار میدهم و نقطه ی آغازی و پایانی در نظر میگیریم.

از شرکت کنندگان میخواهیم با هم گروهی خود پاهایشان را بر روی چوب ها قرار دهند به طوریکه برای مثال: پای راست نفر اول در داخل طناب چوب سمت راست و پای چپش داخل طناب چوب مقابل قرار گیرد و همین طور تا نفر آخر.

بعد از شروع مسابقه شرکت کننده ها باید با حرکت دادن پاهای خود به طور یکدست و گروهی به سمت خط پایان حرکت کنند. (هر گروه که زودتر به خط پایان رسید برنده اعلام میشود).

۲- وسایل لازم: دو صندلی، دو سبد، بادکنک به تعداد بچه ها.

شرح بازی: ۲ گروه ۲ یا ۳ نفره تشکیل داده. ۲ صندلی در یک سمت سن و دو سبد طرف دیگر سن قرار میدهم. روی هر صندلی ۴ یا ۶ لیوان یکبار مصرف کاغذی قرار میدهم و به هر کودک یک بادکنک (که سفت نباشد، راحت باد شود) میدهم.

مسابقه اینگونه است که بچه ها بدون استفاده از دست، بادکنک را در دهان خود بگذارند و با این حالت بادکنک را درون لیوان قرارداده و در آن فوت کنند تا حدی که بادکنک به دیواره لیوان بچسبد. بعد سریعا به سمت دیگر سن رفته و لیوان را درون سبد رها کنند. (هر گروهی که در زمان معین تعداد بیشتری لیوان آورد برنده است).

- وسایل لازم: نان خامه ای بزرگ به تعداد بچه ها.

شرح بازی: از بچه ها می‌خواهیم که دستشان را پشتشان نگه دارند و تنها با دهان شروع به خوردن شیرینی کنند. هر کس که زودتر تمام کند برنده است.

۴- وسایل لازم: قاشق به تعداد شرکتکننده ها، توپ پینگ پونگ به همان تعداد.

شرح بازی: یک مسیر مشخص کرده (میتواند مارپیچ باشد) و از بچه ها بخواهید توپ را درون قاشق بگذارند و بعد یا توسط یک دست و یا توسط قرار دادن انتهای قاشق در دهان، توپ را بدون افتادن بر زمین به مقصد برسانند.

گروه سنی ۱۵ الی ۱۸ سال مسابقه هنری:

۱- آموزش دستبند با مهره. (دخترانه) هدف: آموزش یک مهارت به بچه ها.

آموزش درست کردن جاسوئیچی و یا مگت و یا گل سرو.....به وسیله نم.

مسابقه ورزشی:

۱- دارت: دو گروه دو نفره تشکیل داده، که هر گروه بیش از ۲ نفر عضو داشته باشد. دو صفحه دارت لازم است. بچه ها در دو صف ایستاده و به نوبت از فاصله معین، دارتی پرتاب می کنند. (هر گروهی که امتیاز بیشتری آورد برنده است). توجه:

برای جذابیت در مسابقات ورزشی، مجری میتواند نقش بسزایی داشته و با ایجاد هیجان و تشویق بچه ها، گرمی و جذابیت خاصی به فضا بخشد.

مسابقه «کدوم تصویر، کدوم جمله؟»

مناسب برای گروه سنی ۸ الی ۱۰ سال

ابتدا می بایست ۹ تصویر مختلف بر روی دیواری نصب شود. هر یک از ۳ مجری یک جمله را قرائت میکنند و آنگاه هر یک از ۳ کودک به ترتیب جمله

ص: ۹۸

ی خوانده شده را با یکی از تصاویر مرتبط میکند و شماره زیر تصویر صحیح را بیان میکند، هر کدام که در آخر پاسخ درست بیشتری داده باشد، برنده است. در صورت تساوی امتیازها به همه یک هدیه کوچک داده شود.

جمله ها به شرح ذیل هستند:

- ۱- وقتی او بیاید حیوانات هم، به هم ظلم نمی کنند و اهلی می شوند.
 - ۲- او مثل خورشید پنهان در پشت ابر است.
 - ۳- وقتی او بیاید همه شاد و خوشحال می شوند.
 - ۴- پناه بردن به او مثل سوار شدن به کشتی است در دریای طوفانی.
 - ۵- امام رضا علیه السلام در وصف امامان می فرمایند: امام برای تشنگی، آب گوارا است.
 - ۶- امام چشمه جوشان است.
 - ۷- وقتی او بیاید همه جا زیبا و گلستان می شود.
 - ۸- امام همدم و دوست بچه ها است.
 - ۹- امام پدر مهربان است.
- تصاویر مرتبط به ترتیب ذیل است:

تصویر



تصویر



تصویر



تصویر



تصویر



تصویر



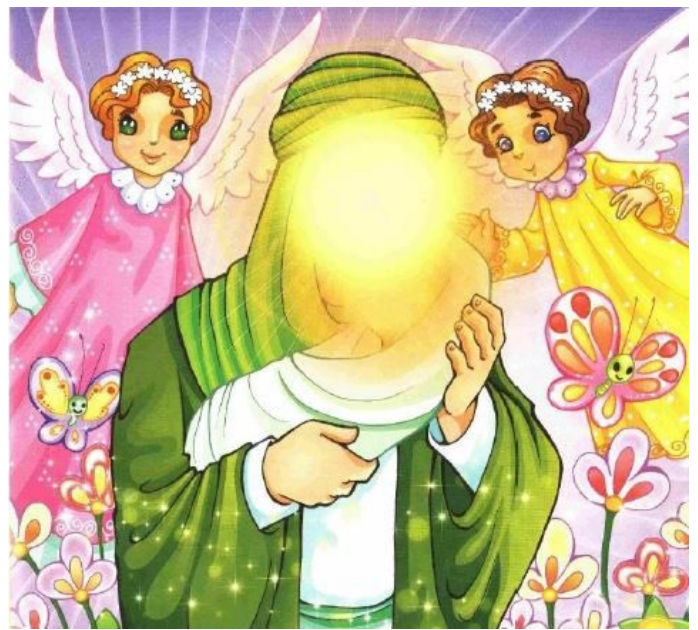
تصویر



تصویر



تصویر



«تاکشو و نمایش نامه»

۱ - تاک شوهای نوشته شده توسط اعضای گروه

اشاره

- تاک شو کمتر خطا کنیم (گروه کودک)

- تاک شو پدر مهربان (گروه کودک)

- تاک شو جشن تولد علی (گروه کودک)

- تاک شو فال سفارشی (گروه نوجوان)

تاک شو کمتر خطا کنیم (گروه کودک)

<p>زیر صدا</p> <p>نیاز به زیر صدای خاصی ندارد</p> <p>نیاز به زیر صدای خاصی ندارد</p>	<p>احمد: سلام احمد خوبی؟</p> <p>مهدی: سلام. ممنون تو خوبی؟</p> <p>احمد: نه راستش خیلی خوب نیستم.</p> <p>مهدی: ا چرا</p> <p>احمد: راستش تو رته که داشتم میومد به جشن اینجا یه موتوری با سرعت از کنارم رد شد.</p> <p>مهدی: چیزیت نشد؟</p> <p>احمد: نه ولی خیلی ترسیدم.</p> <p>مهدی: خداروشکر که سالمی. مگه اونجا چراغ راهنما نداشت؟</p> <p>احمد: نه نبود</p> <p>مهدی: خب تو حتما باید از خط عابر پیاده رد می شدی.</p> <p>احمد: آخه من حواسم جمع بود.</p> <p>مهدی: همیشه فکر کن ممکنه راننده اشتباه کنه تو باید از کسی یا چیزی کمک بگیری. اینا رو آقا پلیسه وقتی اومد تو مدرسه بهمون گفت.</p> <p>احمد: چه جالب ما هم یه معلم داریم که حرفاش شبیه همین آقا پلیس ست که میگی.</p> <p>ولی اون میگفت باید همیشه مواظب خودمون باشیم. که سالم بمونیم. ممکنه بعضی وقتا حواسمون نباشه. ولی نه وقتی از خیابون رد میشیم. همیشه همیشه باید مواظب باشیم.</p> <p>احمد: مگه میشه؟ اونوقت چراغ راهنما رو همیشه چجوری با خودمون ببریم همه جا؟</p> <p>مهدی: نه نه گفت مثلا اگه بخوای از خیابون رد شی باید دست مامان بابا رو بگیری</p> <p>احمد: خب اگه نخوام از خیابون رد شیم چی؟ یعنی همیشه چجوری سالم بمونیم؟</p>
--	---

	<p>مهدی:گفت میتونیم دستمونو بذاریم تو دست امام زمان اون میتونه همه جا باهامون باشه حتی وقتی مامان بابا نیستن و ما تنهایییم.این جوری می تونیم همیشه سالم بمونیم. شاید</p> <p>احمد:چه جالب...وقتی کسی همیشه باهامونه نزدیک ترین دوستمونه مگه نه؟؟</p> <p>مهدی:راست میگی احمد،بهش فکر نکرده بودم. حتی منو تو که با هم خیلی دوستیم همیشه همیشه با هم نیستیم. خوبه که آدم یه دوست همیشگی داشته باشه.</p> <p>احمد: میدونی مهدی، بعضی وقتا که تو نیستی و میخوام یه چیز مهمی رو به یه دوست بگم ناراحت میشم که باید صبر کنم تا ببینمت. پس اینجوری از این به بعد میتونم به امام زمان بگم، اون دوست جدید منه.</p> <p>مهدی: آره آره. اون دوست جدید هر دومونه احمد.</p> <p>احمد: یه دوست صمیمی (با خنده و خوشحالی)</p> <p>مهدی: تازه دوستی که همیشه باهامونه.</p> <p>احمد: (در حالی که به مهدی دست می دهد میگوید): ما الان شدیم یه گروه دوستیه سه نفری: من و تو و امام زمان.</p> <p style="text-align: center;">پایان</p>
--	--

تاک شو پدر مهربان (گروه کودک) تصویر

	<p>پدر مهربان</p> <p>علی : وای دوباره صبح شد ، روز از نو روزی از نو چقدر دلم میخواد یازم بخوام وایای خدا پدر علی : پسرم !؟ سلام علی جان صبح بخیر سریع تر حاضر شو که منتظرتم</p> <p>علی : باشه بابا در مسیر مدرسه بابا به علی میگوید:پسرم خیلی سرحال نیستی حالت خوبه؟؟؟ علی: خوبم ، چیزی نیست بابا :نکنه مریض شدی پسرم !؟ علی:نه خالم خوبه نگران نباشید،من دیگه باید برم الان زنگ مدرسه میخوره</p> <p>حیاط مدرسه----- درینگ درینگ ناظم: دانش آموزان گرامی لطفا تو صف های خودتان بایستید هادی:سلام علی صبح بخیر علی:سلام(بی حال می گوید) هادی:علی حالت خوب نیست؟ علی:خالم خوبه فقط یکمی خسته ام ناظم:بچه ها سکوت کنید دوستتون میخواد دعای فرج بخونه علی در دلش میگوید: ای بابا خستمون کردید،بذارید بریم دیگه،دعای فرج چیه دیگه!!!</p>
<p>زیرصدا</p> <p>صدای زنگ (ساعت)</p> <p>نیاز به زیر صدای خاصی ندارد</p> <p>صدای هیاهو</p>	

ناظم: دانش آموزای عزیز به ترتیب وارد کلاس هاتون بشید

در کلاس درس -----» برپا، برجا

آقا معلم: سلام بچه‌ها، حالتون چطوره؟ صحبتون بخیر باشه

معلم پای تخته مینویسد بسم الله الرحمن الرحيم

هادی: آقا اجازه، امروز درسمون در مورد چیه؟

معلم: خب هادی جان حالا که اینقدر عجله داری از خودتو شروع میکنیم

درس امروز ما در مورد مهربان ترین پدر دنیاست

ناک شو جشن تولد علی (گروه کودک)

<p>زیر صدا</p> <p>نیاز به زیر صدای خاصی ندارد</p>	<p>علی: (در ذهنش فضای خونه رو شرح میده) آهای که چقدر خوشحال بودم آخه همه جای خونمون چراغونی شده بود و دیوارهای خونمون پر از بادکنک های رنگی . هادی دوستم این طرف ریسمون رو گرفته بود به دیوار بزنه رضا هم اونطرف ریسمون رو</p> <p>• بوی خوش کیکی که مامانم درست کرده بود تمام خونه رو گرفته بود.</p> <p>احمد و محمد داشتند باهم دیگه شوخی میکردند و هی تو سر و کله هم میزدند غرق فکر بودم که یکدفعه رضا از پشت زد رو شونه هام و گفت:</p>
<p>نیاز به زیر صدای خاصی ندارد</p>	<p>رضا: میدونی کادو برات چی خریدم ؟ علی(در ذهنش گفت) راست می گفت از همه ی اینها بگزریم خیلی منتظر بودم که ببینم این همه کادوهایی که برای من آوردن چی هستش ولی خب از اونجایی که رضا بهترین دوستم بود میدونستم که بهترین کادویی که خوشحالم میکنه رو از اون بگیرم .</p>
<p>صدای هیاهو</p>	<p>رضا: خوشحالت علی امروز هم شمع های روی کیک رو فوت میکنی و هم کلی کادو میگیری</p> <p>علی گفت : اشکالی نداره که وقتی کیک تولد رو آوردن با هم دیگه آرزو میکنیم وشمع هارو باهم فوت میکنیم (رضاهم خوشحال شد و خندید)</p>
<p>نیاز به زیر صدای خاصی ندارد</p>	<p>رضا: علی بیا به همه بگیم تا قبل اذان تولد رو بگیریم چون بعد اذان تو مسجد مراسم جشن هست و پیام میاد دنبال منم باید برم.</p> <p>علی گفت: چه جشنتی؟ رضا گفت : مگه نمیدونی امشب نیمه شعبان هست ؟</p>
<p>نیاز به زیر صدای خاصی ندارد</p>	<p>علی رفت به سمت مادرش و گفت :مامان چرا امشب رو تو مسجد جشن میگیرن؟</p> <p>مامان: پسرم امشب شبی است که حضرت مهدی علیه السلام ، امام دوازدهم همه ما متولد شده اند.</p> <p>علی با خود میگوید:</p> <p>یکدفعه تا مامانم حرفش تموم شد با خودم فکر کردم که چقدر جالبه که تولد من با ایشان در یک روز است. خیلی شناختی راجع به امام دوازدهم نداشتم اما خیلی حس خوبی داشتم که تولدم با ایشان در یک روز است. زود دویدم دنبالشون و گفتم صبر کنین منم میام.</p>

	<p>صدای هیاهو و صلوات</p>	<p>رضا : باشه پس سریع تولد رو بگیریم و بریم. علی: بعد تولد با رضا و بابای رضا با هم به مسجد رفتیم علی باخود فکر میکند و به رضا میگوید :راستی رضا الان که به جشن تولد برای امام دوازدهم میرویم باید با خود چه کادویی ببریم ؟ رضا: امممم، منم نمیدونم. مش رمزون در مسجد: هر روز صبح که از خواب بیدار میشوید به حضرت سلام بدهید و برای ظهور و سلامتی ایشان دعای فرج بخوانید . علی و رضا هر دو بعد از حرف مش رمزون به یکدیگر نگاه کردند و یک صدا با هم گفتند: حتما بهترین کادو برای حضرت همین هست</p>
--	-------------------------------	---

تاک شو فال سفارشی (گروه نوجوان)

تصویر

زیرصدا	فال سفارشی
صدای شهر و همهمه	<p>باران شدید تر شد این آسمون هم انگار میدونه دقیقا کی باره که بتونه حالتو بیشتر بگیره. دقیقا وقتی داشتیم از خیابون ولیعصر میرفتیم سمت دانشگاه یه تاکسی رد شد و تا میتونست سر تا پامونو خیس کرد. تا می شد کتشف شدیم به زمین و زمان لعنت فرستادم و خیس شدنم سر بارون خالی کردم.</p>
ترمز ماشین	<p>علی: بابا آرام باش. بارون دیگه. مگه گلی که از آب میترسی؟ (و شروع کرد به خندیدن.)</p>
همهمه شهر	<p>رضا: منم یه پوز خندی زدم که مثلا آره تو خوبی.</p> <p>(تا دانشگاه پیاده رفتیم. قرار بود برای حذف اضطراری با آموزش صحبت کنیم.)</p>
خنده و صحبت(دانشگاه)	<p>علی: تو هم ما رو کشتی با این دانشگاه لومدنت. کی میخوای درستو تموم کنی؟</p> <p>رضا: تموم میکنم تو نگران من نباش</p> <p>(علی زودتر از من رفت تو آموزش و سرشو از اتاق آورد بیرون و گفت:</p>
خنده و صحبت(دانشگاه)	<p>علی: نیا بابا نیا آقای کاظمی رفته استراحت. تایم استراحت.</p> <p>رضا: ای بابا این آقای کاظمی هم که همش تو تایم استراحت (تشتیم رو نیمکت راهرو ساعت ۱۲ بود. به علی گفتیم:</p>
خنده و صحبت(دانشگاه)	<p>رضا: همیشه مامان این ساعت برای نماز آماده می شد. نماز و روزش همیشه سر جاش بود. به من میگفت حواسم به نماز باشه میگفت هر وقت دلم گرفت یه کسی هست که صدامو میشنوه و میتونم رازای دلمو بهش بگم. میگفت غایبه ولی هست.</p>
خنده و صحبت(دانشگاه)	<p>علی: خب حرفاشو باور داری؟ واقعا فکر میکنی کسی هست که باشه صدامونو بشنوه؟</p> <p>رضا: نمیدونم حرفاشو خیلی جدی نمیگرفتم. شاید چون هیچوقت امتحان نکردم. از وقتی مامان رفته دیگه یادم نمیداد نماز خونده باشم. تقریبا یه ماهی شده که تنهام گذاشته.</p> <p>علی: خدا رحمتش کنه داداش</p> <p>رضا: ممنون</p>

تصویر

		<p>(علی آموزشو نگاه کرد و گفت آقای کاظمی داره به تو اشاره میکنه .بیا مثل اینکه با کارت موافقت شده.)</p> <p>از دانشگاه که اومدیم بیرون قرار بود تاکسی بگیریم ولی علی گفت هوا خوبه بیا تا پارک دانشجو پیاده بریم.توراه بودیم و من مدام به حرفای مامان که تو ذهنم بود فکر میکردم.یعنی واقعا کسی هست که میتونم باهاش حرف بزنم و درد دل کنم؟ بخصوص الان که مامان نیست؟ از علی خداحافظی کردم .</p> <p>با صدای یه بچه به خودم اومدم که میگفت:</p> <p>فال فروش:اقا اقایه فال بدم؟</p>
صدای شهر و همهمه		
صدای شهر و همهمه		<p>-نه</p> <p>سفارشیه ها مرغ عشقم براتون انتخابش میکنه .بدم؟بدم؟</p>
صدای شهر و همهمه		<p>-ای بابا باشه بده</p> <p>-پس نیت کن</p>
		<p>فالو باز کردم احساس کردم قبل از اینکه بخوام باهاش حرف بزنم تون خودش این فالو برام میخونه:</p>
صدای شهر و همهمه		<p>ای صاحب فال :کسی هست که خیلی دوستت داره. ناراحتیت ناراحتش میکنه و براش سخته ببینه تو زندگیت سختی میکشی.</p> <p>چقدر به دلم نشست یاد کسی افتادم که مامان میگفت میتونه رفیقم باشه.</p> <p>احساس کردم این نوشته رو خودش برام نوشته.چندبار خوندمش. ارومم کرد.</p> <p>سرمو گرفتم بالا و به اسم خیابون نگاه کردم که برام عادی شده بود .خیابان ولیعصر عج</p>

۲- تاک شو گروه کودک (۷ - ۱۲ سال):

اشاره

- تاک شو مجری با گلدونه

- نمایش خورشید پشت ابر

- نمایش شهر رنگین کمان

- نمایش انتظار

- نمایش آرزوی بزرگ

- نمایش معلم

تاک شو مجری با گلدونه

مجری با بچه ها سلام و احوالپرسی میکند و بعد از ان میلاد امام دوازدهم حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به آنها تبریک می گوید، گلدونه (یک شخصیت نمایشی برای جذب کودکان است) گوشه صحنه نشسته و چیزی نمی گوید .

مجری: گلدونه تو نمی خواهی چیزی به بچه ها بگی؟

گلدونه: مثلاً چه چیزی؟

مجری: سلام، احوال پرسی، عید و تبریک بگی، بچه ها منتظرن.

گلدونه: نه مجری:

یعنی چی نه؟ چرا نه؟

گلدونه: نمی خواهم دیگه، خودتون بگید، خودتون با بچه ها حرف بزنید.

مجری: بچه ها انگار گلدونه ناراحته، یعنی از چی ناراحت شده، چرا نمی خواهد حرف بزنه، گلدونه به عمو بگو اخه چی شده که انقد دلخوری؟

گلدونه: اخه عمو، منم دلم می خواهد پیام مثل شما برنامه اجرا کنم، با بچه ها حرف بزنم ولی شما همش خودت اجرا می کنی، چون من کوچولو ام.

مجری: اهان، پس دلت می خواهد مجری بشی، اره؟

گلدونه: اره خب، منم دلم می خواهد مثل شما مجری بشم.

مجری: خیلیم خوبه، آفرین، اصلاً می خواهی برنامه امروز رو تو اجرا کنی، بچه ها مثلاً امروز گلدونه مجریه، منم گلدونه ام، خوبه بچه ها؟؟!!

گلدونه: من؟! من اجرا کنم عمو؟! آخه من خجالت می کشم عمو! (و دایم پشت مجری قایم

ص: ۱۰۰

قصه میگه، اخه مامانم میگه امام زمان ما زنده اس و یه روزی ظهور می کنه، اون روز همه ادم های خوب، خوشحال میشن، من بعضی وقتا با خودم میگم، وقتی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان دنیا چه شکلی میشه! راستی عمو، واقعا وقتی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور میکنن، دنیا چه شکلی میشه، اصلا مگه الان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کجان؟

مجری : عمو جون، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) الان هم پیش ما هستند، منتهی ما نمی تونیم ایشون رو ببینیم ، اصلا بگذار یه نقاشی نشون تو و بچه ها بدم . مجری نقاشی شب تاریک رو نشون میده و از بچه ها می خواهد توضیح بدن که چه چیزهایی در تصویر میبینن و از کجا فهمیدن که شب هست، بعد از اون مجری تصویر روز رو نشون میده و ازشون می خواهد که توضیح بدن، و اینکه از کجا فهمیدن که روز هست.

و ادامه می دهد: آفرین بچه ها، چون خورشید داشت فهمیدیم روز هست، چون نور داشت، چون همه جا روشن بود، بچه ها امامای ما هم مثل نور هستند، همه جارو روشن می کنند، وای بچه ها اینجارو ببینید باد داره با خودش ابرارو میاره تو نقاشیمون، بچه ها الان که ابر اومده تو نقاشی، الان شبه یا روزه؟

* آفرین هنوزم روزه، چون همه جا روشنه، وای بچه ها یکی از ابرا داره میاد رو خورشیدمون، بچه ها الان شبه یا روزه؟ آفرین، هنوزم روزه، چون هنوزم همه جا روشنه، حتی اگر خورشید ما پشت ابر باشه، بچه ها امام زمان جونمون مثل این خورشیده، پشت ابره و ما نمی تونیم ایشون رو ببینیم ولی

و دعوا/ دنیا گلستون بشه (شعرهای دیگه هم میتوان خواند)

مجری : افرین گلدونه, چه شعر قشنگی خوندی, بچه ها تشویقش کنید. گلدونه من امروز می خواهم به تو یک جایزه بدهم .

گلدونه : چون مجری خوبی بودم؟

مجری : هم به خاطر اون, هم به خاطر یه چیز دیگه, گلدونه دوست داری قهرمان بشی؟

گلدونه : بعله, وای خیلی زیاد

مجری : قهرمان ها همیشه یه تاج قشنگ روی سرشون می گذارند, به خاطر همین هم با بقیه فرق می کنند , حتما یه دلیلی هم داره که با بقیه فرق می کنند دیگه , مگه نه؟ حالا از امروز قراره تو هم فرق بکنی, قراره قهرمان بشی, قراره یه تاج خوشگل روی سرت بزاری.

گلدونه : مگه من چه فرقی با بقیه دارم که قراره قهرمان بشم و تاج روی سرم بگذارم؟

مجری : فرق تو با اون هایی که تاج ندارن اینه که با این اجرایی که کردی به من ثابت کردی امام زمان رو دوست داری, و دوست داری کمک کنی تا ایشون زودتر ظهور کنند, یعنی دوست داری بشی جزو یاران امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف), یار کوچولو .

گلدونه : اخجون, اخجون

مجری : اره بچه ها جون, امروز قراره گلدونه خانوم تاج مهدی یاری را روی سرش بگذاره ...

گلدونه : تاج مهدی یار دیگه چیه؟

مجری : , تاج یاری امام زمانمون دیگه, ما باید طوری باشیم که حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما رو به عنوان یار قبول کنن, و چون امام زمانمون خیلی خوبن, هر کی هم یار ایشون باشه خیلی خوبه, مثل قهرمان ها ادم مهمی میشه, همین میشه که ما به تاجمون افتخار

ص: ۱۰۴

می کنیم.

گلدونه : خب عمو من باید چکار کنم تا امام زمان من رو یار خودش بدونه؟

مجری : عمو باید کار های خوب بکنی, کارهایی که خدا دوست داره, و وظیفه ما اینه که برای امان زمانمون دعا کنیم, همیشه به یادش باشیم, چون که او همیشه به یاد ماست و برای ما دعا میکنه, حضرت مهدی تمام کارهای خوب و بد مارو می بیند و از کار های بدمون دلگیر میشه و از کار های خوب ما خوشحال میشود, چون او خیلی مارو دوست داره و دلش می خواهد که شیعیانش همیشه خوب بمانند. بچه ها شما میدونید باید چه کار هایی بکنیم تا این تاج بیاد روی سر ما تا ما مثل قهرمان ها بشیم, بشیم یار کوچولوی امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف)?

(بچه ها به کمک هم کار های خوب و بد را می گویند .)

مجری : بچه ها شما هم امام زمانتون رو دوست دارید؟

بچه ها : بعمعه

مجری : معلومه که دوست دارید و گرنه که روز تولد ایشون جشن نمی گرفتید. دوست دارید شما هم تاج روی سرتون بگذارید؟ دوست دارید شما هم مثل گلدونه بشوید یار کوچک امام زمان؟ حالا برای تنوع نوبت یه بازی هست با عنوان: دادن اعمال خاص به اعداد خاص، که در نهایت باید یک حدیث رو بچه ها یاد بگیرند و بخوندند.

بازی به این شرح است که مجری با شعر از بچه ها میخواهد که کارهایی رو انجام دهند.

(میتوان تصویر حدیث را قبل از برنامه بین بچه ها پخش کرد)

مجری: بچه های گل حالا میخوایم با هم یه بازی کنیم

ص: ۱۰۵

و به حدیث قشنگ از امام زانمون یاد بگیریم. همه آماده اید؟

بچه ها: بللله.

مجری:

وقتی می گم یک و یک و یک، بیر بالا وقتی می گم دو و دو و دو؛ بشین و پاشو وقتی می گم سه و سه و سه؛ چرخ چرخ چرخ وقتی می گم چهار چهار چهار؛ حدیث رو بخوان (۲) لا ناسین لذكرکم (۵)

تصویر



بعد از اتمام شعر معنی آن را هم به بچه ها بگوید.

(معنی: امام زمان مهربون هیچ وقت یاراشونو فراموش نمی کنند.)

در ادامه مجری براشون توضیح می دهد که تاج ها نگین ندارد و خودشون باید به عنوان کاردستی تاج ها رو با تلق های بریده شده تزئین کنند. بعد از درست کردن کاردستی تاج و تاج گذاری تک تک بچه ها، همه دست هم رو می گیرند و بالا می برند و این شعر رو می خونند:

ما گلیم ما سنبلیم / ما یاران کوچولویم

تاج داریم و تاج داریم

امامون رو دوست داریم

اگه که کار خوب کنیم / قهرمان میشیم، قهرمان میشیم

اگه که کار بد کنیم / نادون میشیم روی زمین ولو میشیم

تصویر



مسابقه رمز گشایی بچه ها باید دو عبارت از حدیث امام باقر(علیه السلام) رو کامل کنند :

_____ ، _____ دین است .



لذا، ابتدا یه شبه خیمه ساختیم، توجه بچه ها رو به ستون اون جلب کردیم، آزمایش کردیم که اگر ستون بیفته چی میشه و به اذعان خود بچه ها، همه چیز فرو می ریزه .



در مرحله ی بعد، بچه ها باید پازل حدیث امام زمان

(عجل الله تعالى فرجه الشريف) که روی گل نرگس نوشته شده بود رو درست می کردند و اما این حدیث نورانی :

امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) می فرمایند :

هیچ چیز مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی مالد، پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال .

حالا باید بچه ها رمز گشایی حدیث امام باقر علیه السلام رو انجام می دادند.

امام باقر علیه السلام می فرمایند : نماز، ستون دین است. (۱) عمود خیمه، اگر محکم و استوار باشد، میخ ها و طناب های آن سودمند است ولی اگر مایل شود، میخ و طناب سودی ندارد .

نماز عمود دین است، مثل عمود خیمه.

نمایش خورشید پشت ابر

در روایتی از امام زمان علیه السلام در پاسخ به پرسش های اسحاق بن یعقوب چنین آمده است :

«و أما وجه الانتفاع بی فی غیبتی فکالاتنفاع بالشمس إذا غیبتها عن الأبصار السحاب» :

«... و اما کیفیت نفع بردن به وسیله ی من در زمان غیبتم به مانند نفع بردن به واسطه ی خورشید است هنگامی که ابرها او را از دیدگان مستور می نمایند.»

بحار الأنوار ، ج ۵۳ ، ص ۱۸۰ ، ح ۱۰



شرح نمایش:

(این نمایش دارای هفت شخصیت میباشد. مناسب برای گروه سنی کودکان)

زنبور عسلی توی اتاقش خواب است. خورشید پشت پنجره است و با یکی از اشعه هایش صورت زنبور عسلی را قلقلک می دهد و او رامی خنداند تا بیدار شود. زنبور عسلی از خواب بیدار می شود و با خوشحالی پنجره را باز می کند و به خورشید خانم سلام می کند. و می خواند:

ص: ۱۰۷

سلام خورشید زیبا

مهربونی بی صدا

نورت قشنگ و تابان

در دامن آسمان

شادم کردی مهربان

تو هستی عین مامان

راهو نشونم می دی

وقتی که تو نور می دی

خدا کنه بمونی

ای شاه آسمونی

مورچه وقتی دارد دانه جمع می کند صدای زنبور عسلی را می شنود. با خنده می گوید:

هه هه! چه چیز! زنبور عسلی یه چی می گیا! خورشید که همیشه نمی تونه پیش ما بمونه. خورشید برای همه است. نه تنها جنگل ما. باید روشن کنه اون ، همه جا رو زنبور جون! زنبور عسلی:

آخه دوستش دارم من!

خیلی بازی دارم من.

وقتی می ره شب می شه

خوابم میاد نمی شه؛

بازی کنم و شادی

شهد بخورم زیادی

تاریکی رو دوست ندارم

بداخلاقی دوست ندارم

هر وقت که هست تو آسمون

بازی می شه خیلی آسون

راهو نشونم می ده

وقتی که اون نور می ده

ای شاه آسمونی

خدا کنه بمونی

و در حالی که دارد شعرش را می خواند، می رود توی خانه.

مورچه: عجب زنبوریه ها! چه آرزوهای عجیبی داره! می خواد همیشه روز باشه. هیچ وقت خورشید خانوم نره.

خرس در حالی که آمده لب چشمه آب بخورد، صدای مورچه راد می شنود و می گوید:

چی؟ می خواد همیشه روز باشه؟ هیچ وقت خورشید خانوم نره؟ آخه چجوری؟ مگه می شه؟ کفشدوزک که گوشه ای داشت کفشش را می دوخت می گوید:

من همیشه شبا صدای گریه زنبور کوچولو رو می شنوم می شنوم که می گه خورشید جونم! زود برگرد. تنهام ندار زود برگرد.

راستش دل منم برای خورشید تنگ می شه. وقتی نیست تازه

ص: ۱۰۸

می فهمم چه نعمت بزرگی رو از دست دادم.

مورچه: بله! وقتی خورشید هست خیلی بهتر دونه پیدا می کنم. همه جا روشنه و همه چیز خوب دیده می شه.

خرس: منم راحت زیر نور خورشید گرم و نرم می شم و می خوابم.

و خوابش می برد و هر کدام از حیوانات سراغ کار خودشان می روند. زنبور عسلی با خوشحالی فراوان از خانه بیرون می آید و می گوید:

سلام خورشید زیبا

جنگل و سنگ و دریا

گل های شاد و قشنگ

درختای رنگارنگ

سلام مورچه سلام خرس

سلام کفشدوزک فرز

من هم اومدم جنگل

گل بخورم بشه عسل

(با ریتم آهنگ عروسک قشنگ من قرمز پوشیده)

خورشید خانوم مهربون چقدر قشنگه

وقتی میاد به آسمون دنیا قشنگه

خورشید خانوم جون! چه مهربونی

قول بده به من، پیشم بمونی

خوش اومدی خورشید خانوم به جنگل ما

قول بده که یه وقت نری از جنگل ما

و شروع به خوردن گل می کند. بعد می رود سراغ خرس که خوابیده و می گوید:

وا! خرس مهربون! خرس مهربون! بایک گل دماغ خرس را قلقلک می دهد. خرس دماغش را می خاراند و با دستش گل را پس می زند و

رویش را می کند آن طرف و می خوابد.

زنبور عسلی: ای بابا! چقدر می خوابی؟ پاشو بابا. پاشو بریم بازی.

خرس: بذار بخوابم زنبور کوچولو! برو با مورچه بازی کن.

زنبور عسلی: مورچه کار داره. باید دونه جمع کنه.

خرس: خب با کفشدوزک بازی کن.

زنبور عسلی: اونم داره کفش می دوزه. وقت این کارا رو نداره.

خرس: اااه! نمی دونم.

ص: ۱۰۹

خوب فکر کن. یه هم بازی پیدا کن.

زنبور عسلی: آها! الان خوب فکر می کنم یه هم بازی خوب پیدا می کنم.

بعد می رود و یک بادکنک می آورد و باد می کند و بادکنک را می ترکاند و خرس از خواب می پرد.

خرس: ایا! چی بود؟ چی شد؟ بند دلم پاه شد.

داشتم یه خواب می دیدم. یه خواب خوب می دیدم. اما یهو چطور شد؟ زنبور عسلی می خندد و می گوید:

هیچی نبود خرسی جون! فکر کردم و فکر کردم. دوستمو پیدا کردم.

خرس: دوستت کیه؟ ترکید؟ زنبور عسلی: نه بابا! بادکنک ترکید. دوستم خوابش ترکید. خنده خرس: ها؟ ای ناقلا زنبوری! صبر کن تا بگیرم. مگه دستم بهت نرسه. ای زنبور بلا! با خنده و شادی و شیطونی دنبال بازی و قایم باشک بازی می کنند.

در حین بازی به مورچه برخورد می کنند که دارد دانه می برد.

ناگهان مورچه زمین می خورد و خودش و دانه به هوا پرت می شوند. زنبور عسلی می رود و به مورچه کمک می کند تا بلند شود و دانه اش را دوباره بردارد. کمی بعد، به کفشدوزک برمی خورند. کفش کفشدوزک می پره هوا. خرس کمکش می کند و کفش را می گیرد و به کفشدوزک می دهد. بعد خرس لب رودخانه می رود و به صورتش آب می زند و می گوید:

آه! چقدر خسته شدم.

زنبور عسلی روی تخت می افتد و می گوید: آخیش! چقدر خوش گذشت.

و خوابش می برد.

خرس می آید سمت زنبور کوچولو به او نگاه می کند که خوابیده.

خرس: ای

ص: ۱۱۰

مگس: آی خبر! خبر! خبر!

خبر دارم براتون

خورشید خانوم طفلکی

گیر کرده پشت ابرا

زنبور عسل بیا بیا

بیا بریم به کندو

خرس بیا مورچه بیا

آی کفشدوزک کجایی؟

همه بیاین همه بیاین

بریم پیش بابایی

همه دور مگس جمع می شوند و او می گوید:

گذاشته برا همه

بابا زنبور جلسه

مکان این جلسه

هست کنار چشمه

همه حیوانات به همراه مگس از صحنه خارج می شوند. بابا زنبوری تخته وایت بردش را جایگزین می کند کنار چشمه. مامان زنبوری هم صندلی ها را می چیند.

همه

ص: ۱۱۱

حیوانات به سمت چشمه می روند. بابا و مامان زنبوری هم آن جا منتظرند. وقتی همه نشستند، بابا زنبوری می گوید:

حیوانات جنگل! همگی توجه کنید! همان طوری که ملاحظه می کنید، اتفاق ناراحت کننده ای در جنگل افتاده.

همه حیوانات با هم پیچ پیچ می کنند: بله! بله! آه! خورشید خانم! آره! دیگه خیلی روشن نیست آسمون.

بابا: همه در این جلسه جمع شده ایم تا با هم هم فکری کنیم که در این شرایط سخت که خورشید خانم رفتند زیر ابر، چه کارهایی می تونیم انجام بدیم. لطفا هر کی نظر خودشو بگه.

زنبور عسلی با گریه می گوید: اجازه! هیچ کاری نمی شه کرد.

خرس: چرا بابا! خیلی هم خوبه. می ریم می خوابیم.

مورچه: ای بابا! چی چی بریم بخوابیم؟ یه عالمه کار دارم. همه دونه ها رو زمین مونده.

کفشدوزک: موافقم. کفش های پاره مشتری هارو چیکار کنم؟ مامان زنبوری: بابا زنبوری! اجازه؟ بابا زنبوری: بله! جانم! بفرماید.

مامان زنبوری: به نظرم ما باید یه کاری کنیم تا خورشید خانوم از پشت ابر برگرده.

مگس: ای بابا! مامان زنبوری! ما هر چی هم بال بزیم که دستمون به خورشید نمی رسه بیاریمش بیرون از پشت ابر.

خرس: مگس راست می گه. بیای از همین نور پشت ابر خورشید استفاده کنیم و هر کسی کار خودشو انجام بده.

زنبور عسلی: نه! خورشید پشت ابر نه! خورشید باید وسط آسمون باشه. باید همه خورشیدو ببینن.

بابا زنبوری: زنبور کم! اون موقع که خورشید وسط آسمون بود کسی بهش توجهی نکرد. حالا- که رفته پشت ابر می فهمیم چقدر آسمون بدون خورشید بی صفاست.

مامان

زنبوری: آقا زنبوری! قبول! درسته که قدرش رو ندونستیم اما شاید بشه یه کاری کرد.

همه حیوانات: مثلاً چه کاری؟ مامان زنبوری: بیاین همه مون مثل خورشید مهربون بشیم. بعد هم با دعاهای زیاد از خدای مهربون بخوایم که خورشید زود بیاد.

مگس: مثلاً چیکار کنیم؟ چطوری دعا کنیم؟ مامان زنبوری: معلومه با صلوات. این دعا یادت میاد زنبور عسلی: بله! صلوات. همون که خیلی شیرینه روی دل ها گل می چینه خرس: همون که عسل رو شیرین می کنه تاریکی رو بیرون می کنه بابا زنبوری روی تابلو می نویسد و می گوید:

آفرین مامان زنبوری! راه خوبیه. صلوات! بعد از دعا و صلوات چیکار کنیم؟ مورچه: مهربونی زیاد کنین مورچه رو آزار نکنین کفشدوزک: به کفش ما دست نزنین کفشدوزک رو دست نزنین خرس: بذارین یه خرس بخوابه بیچاره خواب نداره مامان زنبوری: به مامان و بابا کمک کنین.

بابا زنبوری: به به! چه راه حل های خوبی! همینا خوبه.

آخه خورشید خانم مهربونه

مهربونی خوب می دونه

اگه ما هم مثل اون بشیم

خورشید بشیم، مهربون بشیم

همه با هم دوست بشیم

نور می دیم تا آسمونا

دور می کنیم تاریکی

قوی تر می شیم از ابرا

ابرا رو دور می کنیم

خورشیدو زود میاریم

پاشین همه برین دنبال مهربونیاتون.

زنبور عسلی همه صندلی ها را جمع می کند. مورچه می رود دنبال دانه. می افتد. زنبور عسلی کمکش می کند تا بلند شود و دانه اش را روی دوشش می گذارد. کفشدوزک می خواد نخ را توی سوزن کند و نمی تواند. زنبور عسلی کمکش می کند و سوزن را نخ می کند. برای

خرسی غسل می برد و او را ناز می کند تا بخوابد. برای مامان و بابا زنبوریش چایی می برد. در حین انجام این کارها مرتب به آسمان نگاه می کند. با صدای تگرگ ابرها به هم می خورند و باران می گیرد.

حیوانات همگی دستهایشان را به سمت آسمان می برند) به حالت دعا(و از باران لذت می برند. صدای باران تمام می شود. ابرها کنار می روند. در این حین حیوانات دست های هم را محکم می گیرند و به آسمان بالا می برند تا خورشید می آید وسط آن ها، جلوی صحنه و می گوید:

آی شیعه ها مسلمونا

آسمون شهر شما

هزار و چندین ساله

خورشید پشت ابره

خورشید شهر شما

پشت ابر غیته

مهدی صاحب زمان

منتظر امته

هرچند که او نور می ده

از پشت ابر تیره

ولی شما نمیبینید

قدر اونو نمی دونید

او همه جا حضور داره

اما آقا یار نداره

مولای ما سرباز می خواد

همیار اسلام می خواد

همیار قرآن می خواد

منتظره منتظره

آی بچه های مهربون

شیرین و خیلی خوش زبون

بیاین با هم دعا کنیم

رو به سوی خدا کنیم

بگیم خدای مهربون

امام ما رو برسون

مهدی بیا مهدی بیا

نمایش شهر رنگین کمان

(نمایش دارای ۹ شخصیت میباشد و میتوان از خود بچه ها برای اجرای آن کمک گرفت)



راوی: یه شب وقتی همه رنگ ها خواب بودن(ابتدا بازیگران رنگها باید خواب باشند)، رنگ سیاه بیدار شد و همه جا رو سیاه کرد. صبح شده بود اما چون همه جا تاریک بود هیچ کس متوجه نشد که

ص: ۱۱۴

روز شده.

رنگ قرمز از جاش بلند شد و بقیه ی رنگ ها رو بیدار کرد و بهشون گفت: دیشب که خواب بودن، رنگ سیاه همه جا رو رنگ کرده و به خاطر همین همه جا تاریکه.

راوی: خلاصه رنگ ها دور هم جمع شدن و فکرهاشون رو روی هم ریختن و به این نتیجه رسیدن که با رنگ سیاه مبارزه کنن تا بتونن دوباره رنگ روشنی و روز رو ببینن.

رنگ قرمز جلو اومد و گفت:

من رنگ قرمز هستم

هیچ رنگی نیست رو دستم

می رم به جنگ سیاه

تا بدونه کی هستم به سمت رنگ سیاه حرکت کرده و می گوید:

آهای آهای رنگ سیاه

بیرون بیا از توی چاه

می خوام باهات بجنگم

تا بدونی برنده ام

رنگ سیاه در جواب می گه:

بگو تا بگم کی هستم

رنگ سیاه من هستم

قوی و پر زور هستم

خودم یکه و تنها

می رم به جنگ رنگ ها

(رنگ قرمز و رنگ سیاه، با هم بصورت ظاهری میجنگند. رنگ سیاه به رنگ قرمز غلبه می کنه و برنده می شه.)

رنگ سیاه که از برنده شدن خودش خیلی خوشحاله بادی به غب غب می اندازه و می گه:

دیگه کی می خواد بجنگه؟؟

فکر می کنه زرنکه؟

رنک آبی جلو میاد و می گه:

من رنک قرمز هستم

هیچ رنگی نیست رو دستم

می رم به جنگ سیاه

تا بدونه کی هستم من آبی خوشرنگم به رنک آسمونم به رنک آب دریا می شویم سیاهی ها آهای سیاه بد رنک بیا تو با من بجنگ رنک آبی و رنک سیاه، با هم می جنگند.

ص: ۱۱۵

رنگ سیاه به رنگ آبی غلبه می کنه و برنده می شه.

رنگ سیاه که از برنده شدن خودش خیلی خوشحاله می گه:

دیگه کی می خواد بجنگه؟

فکر می کنه زرنگه؟

رنگ سبز جلو میاد و می گه:

من رنگ سبز هستم

هیچ رنگی نیست رو دستم

می رم به جنگ سیاه

تا بدونه کی هستم

منم منم رنگ سبز

رنگ جنگل و درخت

رنگ خوب و تازگی

رنگ روح و زندگی

آهای سیاه مغرور

اینقدر زن حرف زور

منم از تو زرنگ تر

برنده و پیروزتر

رنگ سبز و رنگ سیاه، با هم می جنگند. رنگ سیاه به رنگ سبز غلبه می کنه و برنده می شه.

رنگ سیاه که از برنده شدن خودش خیلی خوشحاله میگه:

دیگه کی می خواد بجنگه؟؟

فکر می کنه زرنگه؟

راوی: بعد از اینکه رنگ سبز هم مغلوب می شه و کاری از دستش برنمیاد، رنگ ها به این فکر میافتن که باید راه حل جدیدی برای شکست دادن رنگ سیاه پیدا کنند. همه ی رنگ ها دور هم جمع می شن و یه جلسه می دارن و توی اون جلسه هر کدوم از رنگ ها چیزی رو

پیشنهاد میدن.

رنگ زرد می گه:

من از همه قوی ترم ، من باید به جنگ سیاه می رفتم.

رنگ بنفش گفت:

دیدی که هر کدوم از رنگ ها رفتن، موفق نشدن، اینجوری نمی شه باید به فکر درست و حسابی کنیم.

رنگ نیلی می گه:

یعنی ما هفتا رنگ، همگی با هم نمی تونیم از پس یه رنگ سیاه بر بیایم؟ رنگ نارنجی، یکهو یه جرقه به ذهنش

ص: ۱۱۶

می رسه و با شادی می گه:

آفرین، آفرین به تو رنگ نیلی چه حرف خوبی زدی؛ رنگ نیلی درست می گه. ما باید با هم متحد بشیم، یعنی یه جوری با هم دوست بشیم که هیچ چیز و هیچ کس، نتونه دوستی بین ما رو به هم بزنه.

راوی: خلاصه همه ی رنگ ها با هم متحد می شن و به جنگ رنگ سیاه می رن و می گن:

آهای آهای رنگ سیاه بیرون بیا از دل چاه می خوایم با هم بجنگیم تا بدونی برنده ایم (بعد هر هفتا رنگ، با رنگ سیاه می جنگند و رنگ سیاه رو شکست می دن.) و در آخر همه ی رنگ ها با هم شعر زیر رو با ریتم آهنگ عروسک خوشگل من، هم خوانی میکنند:

هفت رنگ رنگین کمونیم تو آبی آسمونیم روز شد نگاه کن روز شد نگاه کن با هم دیگه مهربونیم خوشحال و شاد و خندونیم روز شد نگاه کن روز شد نگاه کن «با سیاهی جنگیدیم سیاهی رو شکست دادیم حالا توی آسمون فقط هست رنگین کمون (۲) نه دیگه شکست می خوریم نه دیگه دعوا می کنیم» تو دل بچه های خوب شادی بر پا می کنیم « (۲) امام زمانِ خوبِ من بهترینی تو قلبِ من ما هستیم یار تو ما هستیم یار تو امام خوب، مولای من نازنین محبوبِ من ما هستیم یار تو ما هستیم یار تو خدا کنه ظهور کنی بدی ها رو تو دور کنی « سیاهی رو شکست بدی ما بچه ها رو شاد کنی (۲) ما با هم دوستی می کنیم به همه

ص: ۱۱۷

کمک می کنیم «برای ظهور تو همگی دعا می کنیم» (۲) راوی: خب دوستای خوبم، بیاین ما هم متحد شیم، با همه مهربون باشیم، به همه کمک کنیم تا بتونیم ظلم و سیاهی رو شکست بدیم و یار آقامون امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بشیم تا امام و مولامون ظهور کنه و دنیامون گلستون شه.

نمایش انتظار

شخصیت ها :

۱ = ملیکا ۲ = زهرا ۳ = ریحانه ۴ = لیلا (شخصیتها میتواند پسر باشد)

(صحنه اول بچه ها در حال تزیین، ملیکا در حال بادکنک باد کردن، ریحانه در حال خطاطی، زهرا بالای چهار پایه در حال بستن ریسه و کاغذ رنگی، لیلا وارد میشود)

لیلا: بچه ها! میبینم که در حال چایی شیرین بازی در آوردنید! خانومای لیموشیرین خسته نباشید ایابید بوق فیل خریدم.

(بچه ها نگاه کوتاهی میاندازند و مشغول کار خود میشوند لیلا با دهان پر به ریحانه نگاه میکند)

لیلا: بابا خوش خط! خود کشی نکن! خانوم عسگری همینجوری قبولت داره!

(ملیکا به سمت خوراکی می آید و یک ممت پفیلا بر میدارد لیلا روی دستش میزند)

لیلا: چه خبرته! مگه ما هویجیم؟ ماهم هستیما!

(ملیکا با دلخوری دو سه عدد بر میدارد و به سمت بادکنک ها بر میگردد، زهرا به سمت لیلا نگاه میکند)

زهرا: لیلا از خدا عوض بگیری مادر نمونی لای در (باعتاب) پاشو بیا کمک! نشستی می لومونی؟

لیلا: ناخن شصت پام می خاره نمیتونم!!!

زهرا: جنابعالی همیشه از زیر کار در میری!

ریحانه: به به چه خطی شد بچه ها! فرشچیان باید بیاد شاگردی! (لیلاهیجان زده بلند میشود)

چی؟ چی گفتی؟ جون ملی یه بار دیگه بگو! ملیکا: جون خودت!

یلا: فرشچیان؟ عزیزم فرشچیان که خطاط نیست انیشتن خطاط بود فرشچیان برق رو اختراع کرده.

ریحانه: برو بابا ببین کی داره منو مسخره می کنه هندونه!

ملی: بچه ها! به خدا الان هوا تاریک میشه! اما هیچ کاری نکردیم! پس فردا نیمه شعبانه زود باشید شب شد الان آقای سیروسی همه مون رو بیرون میکنه.

ریحانه به سمت بادکنکها میرود: ملی جون یک ساعته چهار تا بادکنک داری باد میکنی... اه اه اینا خیسن! تفی ان! با بادکنک ها دوش گرفتی؟

ریحانه برمیگردد: من میرم کار خودمو انجام میدم! بهتره!

ملی: راست میگی نفس داری بیا خودت باد کن، گر بیل زنی (یادش رفته) سر خود دوا نمودی! (خنده شدید همه بچه ها)

ریحانه: عزیزم شما ضرب المثل نگو خودتو خسته نکن! فهمیدیم!

لیلا: راستی خانوم رضایی کجا رفته؟ زهرا: رفته برام تور سبز بیاره بزنم این بالا! (زهرا به طرف بچه ها برگشته و با هیجان میگوید)

زهرا: راستی بچه ها گفتم بهتون؟ خانوم حسینی اصلا اجازه نمیداد که ما بیاییم، میگفت برام مسئولیت داره، پنجشنبه بعد از ظهر بچه ها بیان مدرسه برای تزئین، ولی خانوم رضایی راضیش کرد گفت خودم باهاشونم! ملیکا: زهرا ولی خیلی پیشنهاد مسخره ای دادی؛ روز تعطیل من با بدبختی از مامانم اجازه گرفتم؛ تازه اگه تو هفته بود بچه های دیگه هم کمک میکردن! لیلا: کم غر بزن ملی خودتم دوست داشتی!

ریحانه: تقصیر خودتونه دیگه! اگه تنبلی نمیکردید و قرار دیروز رو کنسل نمیکردید الان اینجا تزئین شده بود، منم تو خونه لم داده بودم جلو تلویزیون.

(لیلا روبه سمت زهرا میکند) زهرا بیا پایین یه چیزی بخورغش نکنی! نی قلیون! الان ترک بر میداری!

زهرا: من دستام کثیفه بیار بذار دهنم!

لیلا: نه بابا؛ کمتر بخور نوکر بگیر! (ناگهان صدای مهیب و پشت سرش صدای ریختن خاک و بعد شیشه)

(زهرا از روی چهار پایه می افتد بعد به سرعت با درد پشت زیر میز پناه میگیرد و یا امام زمان میگوید ریحانه به سرعت کنج دیوار رفته مینشیند و کیفی که کنارش افتاده را روی سر میگذارد و مدام میگوید زلزله زلزله لیلا تمام پفیلاها را میریزد و به سرعت به زیر میز کنار زهرا خودش را به زور جامی کند و میگوید ای خدااااا بعد کنار زهرا میگوید من جام نمیشه برو کنار ملیکا گنج شده و در حال جیغ کشیدن اول کنار میز میروم و چون پر است به سمت پنجره میروم مینشینم دستهایم را روی سرش میگذارم همزمان صدای شکستن شیشه و فریاد بلند ملیکا)

(صدای قطع میشود ریحانه به سمت در میدود زهرا و لیلا در حال بیرون آمدن از زیر میز گیر کرده اند)

زهرا: اون هیکتو بکش کنار له شدم!

(ریحانه در حال باز کردن در زهرا و لیلا نیز به او می پیوندند، سهیلا با مشت به در می کوبد و خانوم رضایی را صدا میکند لیلا بچه ها را کنار میزند)

زهرا به سرعت کنار در رفته و ریحانه را کنار میزند: بزار برم می خوام برم بیرون!

لیلا: برید کنار خودم باز میکنم! (بایهیکلش به در می کوبد)

زهرا: همیشه گیر کرده پشتش آوار ریخته! (ملیکا بلند شده و به سمت در میروم و وسط کلاس می افتد صدایش بلند میشود آی پام آی پام بچه ها متوجه ملیکا شده و بر میگردند زهرا به سرعت پیش ملیکا می نشیند)

زهرا: چی شده ملی؟ پات چی شده

؟وای بریده داره خون میاد!

ریحانه:باشیشه بریده خیلی زیاد بریده؟ بینم

زهرانه:نه کمه! ولی باید جلوی خونریزی رو بگیریم!

ریحانه:نشکسته؟

زهرانه:بابا توام! ریحانه خطاب به ملیکا:ملی درد داری؟

لیلا:پ نه په داره سنگگک درست میکنه هی تکون می خوره!

ریحانه:بروبابا

ملیکا:فکر کنم شکسته! نمیتونم پاموتکون بدم!

زهرانه:تکون نده! بچه ها یه پارچه بدید ببندم پاش جلو خونریزی رو بگیرم!

لیلا:ببخشید خانوم دکتر چند متر می خواستید؟ قواره ایه!! ریحانه:مسخره اچه وقته شوخی کردنه؟(بلند شده دنبال پارچه میگردد) لیلاشاکی میشود:آخه پارچه مون کجا بود؟یه چیزی میگه ها (ریحانه یادش می افتد به سمت کیفش رفته شالی را در می آورد و به زهرانه میدهد زهرانه شروع می کند به بستن پای ملیکا)

زهرانه:ملی جون آخه اینهمه مانور زلزله گذاشتن تو مدرسه بعد تو میری زیر پنجره پناه میگیری؟ دانشمند!

ریحانه:همینو بگو مثل اون دختره که چند سال پیش از ترس زلزله خودشو از پنجره طبقه سوم پرت کرد پایین ،اینم رفته زیر پنجره شیشه ها بریزن روش (همه می خندند)ریحانه ادامه میدهد:بین خدا خیلی بهت رحم کرد ممکن بود خیلی بد تر بشه (در همین حال لیلا به سمت پنجره رفته و سعی می کند سنگها را تکان بدهد و دوباره به سمت در رفته و تلاش میکند)

لیلا:اصلا نمیشه هیچ رادرویی نیست! ملیکا:وای زنده به گور شدیم! آخ پام! خانوم رضایی رو صدا کنید!

لیلا:فکر کنم اونم گیر کرده وگرنه تا الان میومد دنبالمون!

ریحانه:نه خدا نکنه!سقه سیاه!

لیلا:بچه ها اگه پس لرزه بیاد چی؟

ملی:وای نه خدایا بدبخت شدیم چه کار کنیم؟

ریحانه:بچه ها بیاین باهم بریم ببینیم چه

کار همیشه کرد.

(ریحانه به سمت در می‌رود و با لایلا- تلاش می‌کنند در را باز کنند، زهرا چکش را روی زمین می‌بیند بلند میشود چکش را بر می‌دارد و با چکش به لولای در میکوبد)

زهرا: بچه‌ها پیچ گوشتی نیست پیچاشو در آرم؟

لایلا: چرا عزیزم! پیچ گوشتی چیه دریل و چسب برق هم داریم نمیخوای؟

ریحانه: فکر میکنی خیلی شیرینی زاغارت! (زهرا بر میگردد لایلا گشتی زده و میگوید اینجا هیچی نیست)

ملیکا: بچه‌ها زلزله چند ریشتری بود؟ ممکنه خونه هامون رو هم خراب کرده باشه؟

لایلا: ملی جون شما نگران نباش این زلزله ای که من دیدم فقط با مدرسه ما کار داشت اونم فقط با این کلاس که ما چهارتا توشیم، الانم خانوم رضایی رفته خونه شون شام درست کنه!

ریحانه: ولی بچه‌ها ملی راست میگه! مامان بابا هامون چی؟ وای خدایا!

زهرا: بچه‌ها بیاید دعا کنیم هیچ اتفاقی نیفتاده باشه همه سالم باشن! ریحانه: اصلا آقا جون یه چیزی! از کجا معلوم زلزله بود؟ شاید یه چیز دیگه بود! ملی: مثلاً چی بود؟

ریحانه: نمیدونم مثلاً یه اتفاقه...

لایلا حرفش را قطع کرده: آره بابا من میگم اصلا زلزله نبود بچه‌های کلاس بالامسابقه دو داشتن ولی احتمالاً جوگیر شدن پرش با فیل انجام دادن!

زهرا: لایلا خوبی؟ معلوم هست چی میگي؟ چرا فکر میکنی خیلی بامزه ای! لواشک! ملیکا: بچه‌ها امداد گرا برای کمک اول میرن سراغ خونه‌ها، مردمو نجات بدن، من میدونم کسی سراغ مدرسه نمیداد، پنج شنبه بعد از ظهر فکر میکنند اینجا خالیه! ریحانه: خانوم رضایی که خبر داره!

ملیکا: آگه اتفاقی براش افتاده باشه چی؟؟؟

زهرا: خدایا خودت کمک کن! (ریحانه زیر لب دعا میخواند

ص: ۱۲۲

و زهرا پیش ملیکا می نشیند) زهرا: چاره ای نداریم باید منتظر شیم، شاید یکی بیاد مارو نجات بده! (ریحانه به سمت میز رفته و می نشیند)

ملیکا: تا کی منتظر شیم؟ دیگه فایده نداره من میدونم تا مارو پیدا کنند اسکلت شدیم! (بچه ها ساکت میشوند حرف ملی روی آنها تاثیر گذاشته و کم کم امید به آمدن منجی را از دست میدهند) لیلا جو کلاس را عوض میکند: بچه ها بگذریم از این حرفها شما گشنه نیستید؟ من خیلی گشمنه (دست روی دل میگذازد و به سمت پفیلاهای ریخته شده میرود)

لیلا: حیف باشه! همش خاکی شد این چه وقته زلزله بود (یک پفیلا را فوت کرده میخورد)

ریحانه: بچه ها یه راه حل! بیاید با آتیش علامت بدیم!! (همه میخندند)

لیلا: چی؟ علامت بدیم به کی؟ به چی؟ مگه پیک نیکه می خوایم جوجه کباب درست کنیم؟

زهرا: تازه وقتی مارو پیدا کردن به جای آوار مبینن از خفگی مردیم. مثل اون بنده خدا که داشت میسوخت، می خواستن خاموشش کنن، یکی اومد با بیل ناکتش کرد! (همه می خندند)

ریحانه: بچه ها ولی بی شوخی شاید آقای سیروسی رفته باشه دنبال کمک!!

ملیکا: ولی من مطمئنم ما زنده به گور شدیم تا چند ساعت دیگه یکی یکی.....

لیلا: ملی تا زنده به گور نشدیم می خوام یه اعترافی بکنم، دیروز دسته کيفتو من کندم، ولی به جون خودم عمدی نبود تا گرفتمش کند می خواستم پرت کنم برای زهره! ملی: پس چرا من ازت پرسیدم صداشو در نیاوردی؟ لیلا: خونسرد پفیلا دیگری می خورد: خب الان که گفتم ملیکا: واقعا که باید یکی برام بخری.

لیلا: میبرم برات درست میکنم عمدی نبود که!! ریحانه به سمت زهرا: زهرا حالا که حرف به اینجا کشید

تو هم منو ببخش!! زهرا: تو چی خراب کردی؟

ریحانه: هیچی زبانو از رو دستت تقلب کردم! زهرا: واقعا که! مطمئن باش به خانم سهرابی میگم! ملیکا: اگه زنده موندیم، هر کاری دوست داشتید بکنید!

زهرا: هر کاری که نه! ملی جون (زهرا بلند میشود ماژیک را بر می دارد و شروع میکند به نوشتن)

زهرا: من سعی میکنم از این به بعد ملیکا رو مسخره نکنم بهت نمیگم ملی گیجه!!

ملیکا: خسته نباشی! دستتون درد نکنه! لیلا: مردم از گشنگی! کاش زنگ میزدیم پیتزا فروشی پیتزای... گوشت با.. پنیر و سبزیجات می آوردن!

ریحانه: بی زحمت خواستی سفارش بدی بگو چهارتا نوشابه هم بیارن! زهرا باخنده: تگری باشه!

ملیکا: آی پام آخ.. آخ چی کنم؟ اینارو ببین فکر شکمشونن! ریحانه به سمت ملیکا رفته و میگوید: ملی پات چه جوریه؟ خونش بند اومد؟

ملیکا: آره فکر کنم! ولی خیلی میسوزه! تازه با اون شال جنابعالی اگه عفونت نکنه شانس آوردم!

ریحانه: بیا و خوبی کن شال به اون قشنگی تازه خونمی ام شد!

لیلا: یافتم! یافتم! ملیکا: چی شد؟ در باز شد؟ کسی اومد؟ چی پیدا کردی؟

لیلا: نه بابا میگم مثل اون فیلمه بود که با یه قاشق زمینو کندن و از زندان فرار کردن، ما هم یه چیزی پیدا کنیم دیوار و سوراخ کنیم و بریم

بیرون، ولی پوستر نداریم بزیم دیوار که!

زهرا: عزیزم! قاشق که نداریم ولی کلنگ هست بدم خدمتون؟ یه وقت تعارف نکنی ها سوپرمن! ریحانه موهایش را جمع میکند: این موهارو

با زحمت اینجوری بسته بودم بین چی شد؟ بچه ها گیر سرمو ندیدید؟

ملیکا: تو این خاک و خل چه چیزهایی میخوای؟ حتما یه ربع دیگه دنبال سشوار میگردی!

لیلا: بچه ها! وجدانا خیلی گشمنه، هیچی نیست بخوریم؟ معده درد گرفتم!

هرا: خدا کنه زودتر نجات پیدا کنیم و گرنه لیلا خیلی گشنه اش بشه مارو به جای ساندویچ خورده! ریحانه: جزیره آدم خوارها! نه نه مدرسه آدم خوارها! لیلا: اکسیژنم داره تموم میشه! باور کنید دیگه نفسم بالا نیاد! زیاد نفس نکشید اکسیژن تموم میشه ها!

ریحانه: چشم! چشم! می خوام هر نیم ساعت یک بار نفس بکشیم؟

ملی: واقعا اکسیژن تموم بشه که خفه شدیم خدایا

زهرا: خیلی زودتر از تموم شدن اکسیژن ... از بوی جورابه‌های جنابعالی خفه میشیم! ریحانه به سمت پای ملی آمده بو میکند و می گوید: اه اه راست میگه زهرا! واقعا فکر کنید بچه ها! خبر امشب بیست و سی: چهار دختر دانش آموز که از زلزله جان سالم به در برده بودند، از بوی جوراب همگی خفه شدند، یادشان گرامی و جورابه‌هایشان شسته باد (همه می خندند ملی جوراب هایش را بو می کند و می گوید: بی مزه ها)

لیلا: بچه ها واقعا شوخی نمی کنم من نفسم بالا نمی اد، مثلا من تازه قلبمو عمل کردم! اکسیژن می خوام!

زهرا: لیلی جون به جای قلبت باید چربیهای دلتو عمل می کردی، قلبت خود به خود خوب میشد (زهرا ناگهان ناراحت میشود و میگوید وای قول داده بودم مسخره نکنم)

لیلا: تو هم باید دماغتو عمل... (سرفه میکند و تند تند نفس میکشد) ریحانه به طرف لیلا رفته مانند کسی که تسلیم شده میگوید: لیلا خوبی؟ خدایا (فکر می کند)

لیلا: هر وقت من سرفه می کنم مامانم خیلی میترسه بدو بدو برام شربت گلاب میاره، (مکث) بچه ها من خیلی مامان بابامو اذیت کردم ... معلمها... همه رو اذیت کردم کاش میشد از شون معذرت خواهی

کنم!

ملیکا: نه اینکه ما رو هیچ اذیت نکردی؟ آره جون خودت فقط مامان بابا و دیرها توخانوم! تو خوب!

زهرا: راست میگه دیگه دیروز کی بود چغولی مارو به خانوم سهرابی خیلی بد شد! آبرومون رو بردی! (لیلا به سختی نفس میکشد)

ریحانه: بچه ها حالا- که وقته این حرفا نیست همدیگه رو ببخشید تموم شه! ریحانه جلوی زهرا و ملی زانو زده: آه بانوی من! مرا عفو کنید استدعا دارم!

زهرا: بیخ نکنی آلاسکا!

لیلا: ریحانه پاشو برام یه چیزی بنویس! ریحانه به سمت تخته میرود و به لیلا میگوید: خب بگو چی بنویسم؟

لیلا: از این به بعد من تلاش میکنم مایه آزار کسی نباشم! بچه ها همه دست میزنند و هر یک جمله ای می گوید: تحول لیلا! خدا کنه! امیدواریم! یعنی میشه! (لیلا به شدت سرفه میکند بچه ها نگران می شوند)

ملیکا: خدایا... هیچ راهی نیست؟ چه کار کنیم؟

ریحانه: خدایا کمک کن (مکث) ما داشتیم برای نیمه شعبان اینجا رو تزیین میکردیم، یا امام زمان کمکمون کن، چند ساعته منتظریم! (سکوت)

زهرا: بچه ها همیشه که فقط دعا کنیم و منتظر باشیم در آسمون باز شه، فرشته ها بسیج شن بیان کمک، خودمون هم باید یه کاری بکنیم!

لیلا: راست میگه باید یه کاری بکنیم بفهمن ما زنده ایم! ملی: چه کار کنیم؟ مورش بزیم؟ پشت پنجره ها که کلی آوار هست، در هم که باز همیشه میخواید بشیم گوریل انگوری سقف رو برداریم!

زهرا: خوبه سقف نریخت رو سرمون! ولی بچه ها نگاه کنید چه ترک هایی برداشته!

ریحانه: بچه ها همیشه میگفتن مدرسه ما ضد زلزله است! چقدر هم که ضد زلزله است ملیکا: دیگه نگفت اگه زلزله ده ریشتری هم بیاد هیچیش

ص: ۱۲۶

زهر! بچه ها بسه! چقدر شوخی! چقدر مسخره بازی! زندگیمون شده همین! شب مسخره! روز مسخره! تو زلزله مسخره! بابا بیاین به کم جدی باشیم

ریحانه: زهر! راست میگه الکی داریم دور خودمون میچرخیم و هی به هم تیکه می اندازیم، یادمون رفته باید به جوری از اینجا خلاص شیم
ملیکا: بچه ها بیاید همه با هم کمک بخواهیم! بلاخره یکی صدامونو میشنوه! بیاید بیاید همه باهم .. یک... دو... سه (همه: کمک کمک کمک کمک ملی با تاخیر! ناگهان لیلا نفسش بند می آید، می نشیند و مدام سرفه میکند، زهر! و ریحانه به کمکش میروند لیلا چی شد؟ حالت خوبه؟ ریحانه با ترس زیاد به طرف در میروند و محکم به در می کوبند)

ریحانه: کمک هیچ کس صدای مارو نمیشنوه! کمک کمک ما زنده ایم کمک (باگریه)

(ریحانه پشت در مینشیند ملیکا نیز شروع به گریه می کند زهر! شروع میکند به خواندن دعای فرج و بقیه هم یکی یکی به او میپیوندند و همه باهم شروع میکنند به خواندن دعای فرج) (سکوت)

ریحانه: بچه ها! گوش کنید! یه سرو صدایی میاد!

لیلا: راست میگی؟ (گوش میدهد) آره بچه ها صدا میاد فکر کنم او مدن دنبال ما

زهر! بیاید دوباره صدا کنیم یک دو سه کمک... کمک... کمک

خانوم رضایی: بچه ها شما اونجا هستید؟ حالتون خوبه؟

ریحانه: خانوم رضاییه! خانوم رضاییه!

زهر! خانوم رضایی ما گیر افتادیم

خانوم رضایی: همه سالمید؟ حالتون خوبه؟

ریحانه: لیلا حالش خوب نیست، ملی هم زخمی شده!

زهر! ما منتظرتون بودیم پس کجا بودید؟ شما حالتون خوبه؟ طوری نشدید؟ (صدای جابه جایی سنگها و همهمه زیاد با صدای خانوم رضایی قاطی میشود)

ملیکا: زهر! احوالپرسی رو بذار کنار بگو زودتر مارو نجات بدن! (پرده در

حال بسته شدن همه بلند میشوند و خود را آماده میکنند)

ریحانه: بچه ها ماتوم خیلی خاکی و کثیف شد (شروع به تکاندن ماتوم می کند)

لیلا: بچه ها تزیینات نصفه مون، الان در باز شه خانوم رضایی میگه این چند ساعت اینجا چی می کردید؟

زهرا: تا در باز بشه خوبه بادکنک هارو باد کنیم؟

لیلا: زهرا بپرس خانوم رضایی خوراکی موراکی چی داره؟

ملی: لیلی داشتی فیلم بازی میکردی؟ تا به دقیقه پیش که نفست بالا نمیومد؟ حالا چی شد؟

ریحانه: بچه ها در باز شد و با خوشحالی بیرون میرود بقیه هم همینطور زهرا برمیگردد و سایلش را بردارد چشمش به تابلو می افتد کمی مکث میکند و به سمت تابلو میرود و ماژیک را برداشته مینویسد مرا عهدهی است با جانان..... و از صحنه خارج میشود.

نمایش آرزوی بزرگ

قاصدک با سرعت زیاد همراه باد پرواز کرد تا به خانه زهرا رسید. زهرا در حیاط خانه شعر می خواند و بازی می کرد. باد ملایمی وزید و قاصدک را همراه با خود به حیاط آورد. زهرا با دیدن قاصدک دست هایش را به آسمان برد و آن را گرفت.

از قاصدک پرسید: با این عجله کجا می روی؟ قاصدک گفت: من به دنبال آرزوی بزرگ می گردم. زهرا، بزرگ ترین آرزوی تو چیست؟ زهرا کمی فکر کرد و یادش آمد که چقدر مامان و بابایش را دوست دارد و گفت: من آرزو می کنم پدر و مادرم همیشه سالم باشند.

قاصدک گفت: چه آرزوی خوبی! اما فکر نمی کنی که ممکن است آرزویی بزرگتر هم وجود داشته باشد؟ من باید زود تر بروم تا آرزوی بزرگ را پیدا کنم.

زهرا گفت:

ص: ۱۲۸

من هم خیلی دوست دارم بدانم آرزوی بزرگ چیست. هر موقع آن را پیدا کردی به من هم خبر بده. پروانه زیبایی روی یکی از گل‌های حیاط نشسته بود و صدای قاصدک را شنید. او گفت من هم دوست دارم همراه تو بیایم تا باهم آرزوی بزرگ را پیدا کنیم. پس باهم پرواز کردند و همراه باد رفتند. رفتند بالای بالا، در آسمان آبی، کنار ابرهای سفید.

از آن بالا تمام شهر پیدا بود. همین طور که پرواز می کردند با صدای سوت آقای پلیس سر جای خودشان ایستادند و پایین تر آمدند. سلام کردند و گفتند: خسته نباشید. ما دنبال بزرگ ترین آرزو هستیم. آرزوی بزرگ شما چیست؟ آقای پلیس کمی فکر کرد و گفت: آرزوی من این است که روزی برسد که دیگر هیچ دزدی وجود نداشته باشد، هیچ جا جنگ نباشد و همه در آرامش باشند.

پروانه و قاصدک با هم گفتند: چه آرزوی خوبی! اما ما دنبال یک آرزوی بزرگ هستیم که کامل ترین آرزو باشد.

ناگهان صدای ترمز یک ماشین و صدای جیغ دختر بچه ای توجه همه را جلب کرد. هر سه به طرف دختری دویدند که گوشه خیابان افتاده بود. لباسهای دختر بچه خاکی شده و گل‌هایی که در دست داشت همه وسط خیابان ریخته بود. آقای پلیس ماشین‌ها را متوقف کرد تا پروانه و قاصدک بتوانند تمام گل‌ها را جمع کنند و عده ای هم برای کمک آمدند تا دختر گل فروش از جایش بلند شود. اما ظاهراً پاهای دختر بچه آسیب دیده بود و نمیتوانست بلند شود. آمبولانس را خبر کردند تا او را به بیمارستان برسانند.

صدای آژیر آمبولانس به گوش

رسید. بی بی بو پروانه و شاپرک همراه دختر گل فروش سوار آمبولانس شدند. آن ها اشک های دختر را پاک کردند و گفتند: خیابان برای بچه ها خیلی خطرناک است. تو وسط چهارراه چه کار داشتی؟ دختر گل فروش گفت: من یک مادر بیمار و یک برادر کوچک دارم. باید کار کنم تا بتوانم برای آنها غذا، لباس و دارو تهیه کنم. پروانه گفت: ما به دنبال آرزوی بزرگ هستیم. بزرگ ترین آرزوی تو چیست؟ دختر گل فروش گفت: من آرزو دارم روزی برسد که هیچ انسان نیازمندی نباشد تا مجبور شود به جای درس خواندن و بازی کردن در کنار خیابان از مردم پول بگیرد.

پروانه و قاصدک گفتند: چه آرزوی خوبی! اگر ما آرزوی بزرگ را پیدا کنیم، آرزوی تو، مادر و برادرت هم برآورده می شود.

دختر گل فروش با شنیدن این خبر تمام درد و غصه هایش را فراموش کرد. از ته دل خندید. خوشحال شد و گفت:

پس قول بدهید که وقتی آرزوی بزرگ را پیدا کردید به من هم خبر بدهید. وقتی به بیمارستان رسیدند پرستارها بهتر است از راننده ، کمک کردند و دختر گل فروش را برای درمان همراه خود بردند. قاصدک به پروانه گفت آمبولانس بپرسیم. شاید بتواند کمک کند. هردو از پنجره آمبولانس به داخل ماشین رفتند ، سلام کردند و از راننده پرسیدند: بزرگترین آرزوی شما چیست؟ راننده آمبولانس فکر کرد و گفت: من هر روز آدم هایی که بیمار شدند یا تصادف کردند را به بیمارستان می رسانم تا حالشان خوب شود. آرزو می کنم که همه بیمارها خوب شوند و هیچ وقت هیچ کس مریض نشود. قاصدک

و پروانه گفتند: چه آرزوی خوبی! اما ما دنبال یک آرزوی خیلی بزرگ هستیم. آن، مادر تمام آرزو هاست. از راننده آمبولانس تشکر کردند و رفتند. همان لحظه راننده آمبولانس سرش را از پنجره ماشین بیرون آورد و گفت: راستی، وقتی آرزوی بزرگ را پیدا کردید به من هم خبر بدهید.

دوباره همراه باد پرواز کردند. رفتند و رفتند تا رسیدند به یک جنگل سرسبز و زیبا. از بالای جنگل می گذشتند که صدای کمک! کمک! از دور به گوش رسید. صدا نزدیک و نزدیک تر شد، پرنده کوچک با بال های زیبای با تلاش زیاد پرواز می کرد و به سرعت بال هایش را باز و بسته می کرد تا از دست عقاب بزرگ، رنگارنگ شکاری فرار کند. او به سمت درخت پر شاخ و برگی رفت و در سوراخی پنهان شد.

پروانه و قاصدک هم از ترس عقاب در میان شاخ و برگ های درخت پنهان شدند. بال های عقاب بسیار بزرگ بود و شاخ و برگ های درخت نگذاشتند که عقاب پایین بیاید. پس او پرواز کرد و رفت. پرنده بیچاره که نجات پیدا کرده بود، خیالش راحت شد. نفس عمیقی کشید و از هوش رفت.

قاصدک و پروانه کمی آب به او دادند. پرنده به هوش آمد. از او پرسیدند: حالت خوب است؟ پرنده که تند تند نفس می کشید و نمی توانست درست صحبت کند گفت: آره_ خوبم_ خدا را شکر_ نجات _ پیدا_ کردم. اگر این درخت نبود_ که الان ناهار امروز عقاب بودم. آرزو می کنم_ یک روز برسد که همه حیوانات با هم دوست باشند و مجبور نباشیم همیشه از ترس

حیوانات شکاری فرار کنیم.

قاصدک و پروانه دوباره یاد آرزوی بزرگ افتادند و به پرنده گفتند: ما دنبال یک آرزوی بزرگ هستیم. تو نمیدانی آن آرزو چیست؟ در همان لحظه درخت بزرگ تکان محکمی خورد و سرفه ای کرد و گفت:

اگر درخت ها نباشند که پرنده ها خانه ای برای زندگی پیدا نمی کنند و جایی برای پنهان شدن ندارند. آرزوی بزرگ این است که هیچ درختی خشک نشود. من آرزو میکنم همیشه همه جا سر سبز و پر از درخت باشد. حرف درخت تمام نشده بود که آب زیادی به صورت همه شان پاشیده شد.

رودخانه بعد از اینکه با خیس کردن همه بلند خندید و توجه همه را به خود جلب کرد، گفت: اگر من نباشم تمام درخت ها خشک می شوند و همه تشنه می مانند. من آرزو می کنم که هیچ وقت رودخانه ها، چشمه ها و دریاها خشک نشوند.

پروانه و قاصدک گفتند: آرزوی هر سه شما خیلی خوب است اما، ما به دنبال آرزویی هستیم که اگر برآورده شود همه آرزوهای دیگر هم برآورده می شوند. تا دیر نشده برویم و آرزوی بزرگ را پیدا کنیم. پروانه و قاصدک که حسابی خسته شده بودند، برای استراحت کنار حوضی پر از ماهی گلی های قرمز نشستند.

قاصدک گفت: من که حسابی خسته ام و دیگر حوصله گشتن ندارم. چرا هرچه می گردیم هیچ کس از این آرزو خبر ندارد؟ پروانه گفت: من هم همین طور. از بس که بال زده ام بالهایم حسابی درد گرفته است.

پیرزن مهربانی کنار حوض روی تخت چوبی نشسته بود. توی

دستش یک تسیح داشت و آرام آرام صلوات می فرستاد. او رو به پروانه و قاصدک کرد و گفت: چه خبر شده؟ چرا این قدر ناراحتید؟ قاصدک و پروانه سلام کردند و گفتند: خاله پیرزن ما راه های زیادی را به دنبال آرزوی بزرگ رفتیم اما آن را پیدا نکردیم. آن آرزو خیلی بزرگ است. آن قدر که همه آرزوها درون آن جا می شوند. اگر آرزوی بزرگ برآورده شود، آرزوی زهرا، راننده آمبولانس، آقای پلیس، دختر گل فروش، پرنده رنگارنگ، درخت، رودخانه و همه بچه ها و پدر و مادرها برآورده می شود. شما می دانید آن آرزو چیست؟ خاله پیرزن گفت: البته که میدانم. من هر روز منتظر این آرزو هستم.

پروانه و قاصدک با خوشحالی گفتند: ما منتظریم، لطفا زودتر بگویید.

خاله پیرزن با مهربانی گفت: عجله نکنید. کنارم بنشینید. این دو تا شکلات را بگیرید و بخورید و به حرف هایم خوب گوش بدهید. یک زمانی می رسد که تمام آرزوها برآورده می شود. راننده آمبولانس چی می خواست؟ روزی که دیگر هیچ کس مریض نشود و هیچ بیماری وجود نداشته باشد. آرزوی دختر گل فروش؛ آن زمان آدم نیازمند فقیری وجود ندارد، همه جای دنیا امن و امان می شود و هیچ دزدی وجود نخواهد داشت. آرزوی آقای پلیس هم برآورده می شود. حتی حیوانات هم با هم دوست می شوند، همه با هم مهربان اند و همه جا سرسبز و زیبا می شود. دیگر هیچ غم و غصه ای نمی ماند. خنده بر لب همه ی آدم ها می نشیند، مثل شما دو نفر که الان شاد و خندان شدید.

آن زمانی است که یک

آقای خیلی مهربان از راه می رسد و دنیا را زیبا می کند. می دانید این آقای مهربان کیست؟ ایشان امام مهدی علیه السلام امام دوازدهم ما هستند و آرزوی بزرگ هم ظهور ایشان است. اما....

اما خدای مهربان این آرزو را هنوز برآورده نکرده است. چون تعداد کسانی که این آرزو را می دانند، زیاد نیست. باید همه با هم دعا کنیم تا ایشان خیلی زود بیایند.

پروانه گفت: من خبر آرزوی بزرگ را به تمام پروانه و گل ها می رسانم و از همه آنها می خواهم تا برای ظهور امام زمان دعا کنند.

قاصدک هم گفت: من هم به تمام قاصدک ها خبر می دهم تا به هر شهر و هر خانه ای که پرواز کردند آرزوی بزرگ را به گوش تمام مردم برسانند.

خاله پیرزن گفت من هم یک هدیه ویژه دارم که فقط می توانم آن را به افراد خاصی بدهم. به آنهایی که برای آمدن امام زمان علیه السلام دعا می کنند و خبر آرزوی بزرگ را به گوش همه می رسانند. به این ترتیب خاله پیرزن، نشان ویژه پیام رسان ظهور را به گردن قاصدک و پروانه انداخت.

نمایش معلم

قصه گو: یکی بود یکی نبود توی این دنیای بزرگ و رنگارنگ و جور و جور توی یک شهر بزرگ مدرسه ای بود. توی اون کلاسی بود چند تا شاگرد و آقا معلمی خوب و مهربان دانا و آگاه صمیمی و دلسوز.

حاضر غایب آقا معلم :

ناصر محبی حاضر

حسن وفایی حاضر

خسرو اختری حاضر

فرهاد کیهانی حاضر

قصه گو: آقای معلم به

ص: ۱۳۴

خاطر علم زیادی که داشت همه چیز را میدونست همه شاگردان را خوب میشناخت از حال همشون خبر داشت به همه سوالات جواب میداد هر کس هر چی میخواست برایش فراهم میکرد برای آنها که از کلاس عقب بودند صبوری میکرد با کمال خشنودی و آرامش به آنها کمک میکرد تا خودشان را به کلاس برسانند و آنها را که خوب پیش میرفتند به خوبی اداره میکرد. دوست داشت همه بچه ها حسابی درس بخوند پیشرفت کنند قبول بشند و به کلاسهای بالاتر بروند او سعی و تلاش خود را در این کار میکرد از هیچ چیزی دریغ نداشت او حتی توی خونه هم که بود به فکر مدرسه و بچه ها بود همیشه برایشون دعا میکرد علاوه بر آنکه معلم درسی بچه ها بود معلم اخلاقشان هم بود او خیلی بچه ها رو دوست داشت خیلی زیاد شاید از خودشان ، هم بیشتر از هر فرصتی استفاده میکرد که بچه ها رو آگاه کنه مثلا روز اول آقا معلم :

بچه ها امروز میخوام یک بحث اساسی داشته باشیم ببینید بچه ها یک سوال از شما میکنم خوب فکر کنید وبعد جواب مرا بگویید ما اصلا دین را قبول داریم یا نه؟

ناصر: بله آقا داریم فرهاد: نه آقا قبول نداریم

حسن: شک داریم آقا خودمان هم نمیدانیم ...

خسرو: چی؟ چی؟ دین دیگه چیه؟ ما که قبول نداریم او رو

آقا معلم: خب ما اگر شک داریم یا قبول نداریم که کار یک کار بنیادی است به صرف گفتن دیگران نمیتوانیم قبول داشته باشیم. اولاً اصول و پایه های دین که توحید و

معاد و نبوت و عدل و امامت، باشد را باید تحقیق کنیم.

ایا تا حالا شده که در یک بیابان گیر کنید هیچ راه به جایی نداشته باشید، یکه و تنها راه نجاتی را نیابید. بیابان تاریک و پروحشت و پر جانور خوفناک آنجا که امیدتان از همه چیز قطع میشود یک امید در دلتان زنده است و هیچ وقت قطع نمیشود. آن امید خداست که در دل انسان همیشه زنده است و ما معتقد به ان خداییم اینجا خدا. را وجدان کردیم و در دل به او ایمان آوردیم، حالا باید تسلیم شویم، تسلیم محض اوامر و نواهی الهی در مرحله اول که مرحله قبول است هیچ اجباری نیست ولی وقتی که فهمیدید و به شما ثابت شد و ایمان آوردید دیگر جای شک و تردید نیست. واجبات دین به صورت یک واجب مقدس و محترم باید انجام بگیرد. مثلا ببینید کسانی که خارج از کشور رفته اند دیده اند که آنها هر یک شبه به کلیسا میروند و اعمال دینی و مذهبی را در کمال تقدس و احترام انجام میدهند ولی اگر ما بخواهیم امثال این کارها را بکنیم مسخره میشویم و به ما عقب افتاده میگویند.

خسرو: تازه آقا منگل هم میگویند و مسخره بازی میکنند و ادامه میدهد که بچه ها ما چرا جواب سلام این بیچاره را نمیدهید اشاره به شصت پایش که از سوراخ جوراب درآمده میکند.

فرهاد: از جا بلند میشود و طرف شصت پا خم میشود و سلام و علیک گرمی با شصت پای خسرو میکند و مینشیند و بچه ها هم میخندند.

قصه گو: بله این هم از بچه

ص: ۱۳۶

های کلاس آنقدر بچه های نادان و ناسپاس و بیخبر نا پخته زیاد دیده اید آدمهای غافل آدمهایی که دل به دنیا بسته اند آدمهایی که طمع دارند و حسودند منکرند ریاست طلبند بخیل و ...

بعضی از بچه ها هم که شورش و را در آورده بودند مخصوصا کاری میکردند که آقا معلم را ناراحت کنند آزارش بدهند دلش را بشکنند وای وای زمانی که معلم درس میداد توی سرو کله هم میزدند سر و صدا میکردند ماش: به پس سر هم میزدند و وقتی که معلم شروع به پند و اندرز میکرد مسخره بازی میکردند ببینید اینجا بچه ها باید کارهایی که قصه گوش شرح میدهد تا آنجایی که میشود انجام دهند و حسابی کلاس را شلوغ کنند.

روز دوم: آقا معلم: بچه ها توی خیابانها این خطوط برق را دیده اید؟

خسرو: آقا اجازه همانها که کلاغ رویشان مینشینند؟

حسن: آقا چرا برق آنها را نمیگیرد؟

فرهاد: چونکه آنها سیاه هستند حسن: نه بیچاره برق که به سفید و سیاه کاری نداره خسرو: پس چونکه نوک دارند ادا درمی آورد و شروع به قارقار میکند آقا معلم: بچه ها گوش کنید اصلا موضوع اینها نیست ببینید وقتی که برق در نیروگاه تولید میشود چهارصد هزار ولت است آیا ما از این برق قوی میتوانیم استفاده کنیم و مثلا لامپ را با آن روشن کنیم؟

ناصر: نه آقا اصلا نمیشود و لامپ میترکد خسرو: چرا آقا یک لامپ بزرگ (دستهایش را بازی میکند و بزرگی لامپ را نشان میدهد) را روشن میکند بچه ها میزنند زیر خنده آقا معلم: پس باید آن نیروی

زیاد کم شود سر راه این برق ترانس میگذارند که به دویست و سی هزار ولت تبدیل شود و باز آن را به شصت و سه هزار ولت و دوباره به بیست هزار و خلاصه در مرحله آخر به دویست و بیست ولت منزل تبدیل میشود فرهاد (با تعجب):

آقا مگه کلاس برق داریم که این چیزها را میگویید

آقا معلم: نه بچه ها مثال زدم برای آنکه ببینید هر کس آن قدرت و توانایی را ندارد که مستقیم خدا به او فرمان دهد و وحی برساند بلکه خدا کسانی را قرار داده است که مجموعه دین مورد رضایت را به او یاد داده که آنها را به مردم برسانند. ما وقتی تسلیم خدا شویم و اسلام آوردیم و مومن شدیم باید نبوت را هم بپذیریم و در مقابل آن تسلیم شویم

حسن: آقا نبوت چیست؟

خسرو: ای خاک عالم که نمیدانی خوب یک قنادی توی هفت حوض است که اسمش نبوت است

حسن: آهان همان که بستی های خوبی داره؟ خاک بر سر خودت

فرهاد: آقا ما بریم آب بخوریم تازه یک کاردیگه هم داریم

ناصر: بچه ها گوش کنید اقا چی میگه برای شما داره درس میده بی ادب ها همش مسخره بازی میکنند که چی؟

خسرو به او دهن کجی میکند و با دفتر توی سرش میزند

آقا معلم: آنچه نبی خدا آورده، نگهدارنده و تبیین کننده و توضیح دهنده میخواهد.

ابتدا خود رسول خدا دین را برای مردم بیان کردند سپس جانشین های پیامبر که معصوم بودند، به امامت رسیدند تا مردم را راهنما باشند. آنها حجت های خدا بر

روی زمین هستند و اینو بدونین که زمین هیچ وقت از حجت خدا خالی نمیشود در حال حاضر حجت خدا غایب است، ولی او بر ما آگاه است، مانند پدر دلسوز، آقا صاحب الزمان ما را دوست دارند، خودشان گفته اند که ما همیشه به یاد شما هستیم شما هم برای فرج ما دعا کنید و اکثر الدعای به تعجیل الفرج.

بچه های من، آقا مثل خورشید پس ابر هستند، ما او را نمیبینیم ولی از همه نعمت های وجودش استفاده میکنیم بچه ها او را دوست داشته باشید و همیشه از او کمک بخواهید، آقا مادرشان را خیلی دوست دارند او را به مادرشان قسم بدهیم و ازشان بخواهیم که دستتان را بگیرد و راهنماییتان کند

قصه گو: بچه ها کم کم خیلی چیزها یاد میگرفتند اونها فهمیدند که توحید چیست نبوت یعنی چه امامت یعنی چه و یک روز دیگر معلم مهربان برای اونها از عدل و معاد گفت نگاه کنید

ناصر: آقا این درسته که جزای همه کارهای ما در همین دنیاست یا روز قیامت و دنیای آخرت هم هست؟

فرهاد: با این سوالهایت خود شیرینی نکن بابا حوصله امون سر رفت

حسن: میخواد بگه ما هم بله

خسرو: امل بیچاره روز قیامت چیه دیگه کی از اون دنیا اومده؟ همه این حرفها بیخود است اصلا دلیل بودن روز قیامت چیست

آقا معلم: یکی از دلایل عدل خدا معاد است، معاد یعنی بازگشت، انسان در این دنیا کارهای خوب بد بسیاری میکند مثلاً هیتلر که قاتل هزاران نفر است یا کسی که بمب اتمی را ساخته و یا خلبانی که آنرا پرتاب

کرده این هارا چه طوری میتوان مجازات کرد؟ چگونه مجازاتی با کشتن هزاران نفر برابری میکند؟

خسرو: آقا اول باید دارشان زد بعد تیر بارانشان کرد بعد خفه شان کرد

حسن: ایا بسه دیگه چه قدر حرف میزنید اخه مگه میشه یک نفر رو چند بار کشت؟

خسرو: چرا نمیشه؟ خوبم میشه تا چشمت در بیاد و دوباره شکلک در میاورد

ناصر: آخر چه طور ادم مرده پوسیده....دوباره زنده میشود؟

آقا معلم: بله عزیزم چرا نمیشود؟ همان طور که خداوند از یک سلول، انسانی مثل ما خلق کرده، روز قیامت هم میتواند ما را زنده کند. از اول چه کسی ماها رو به وجود آورد؟ همونی که از اول ما را خلق کرد پس از مرگ دوباره ماها را زنده می کنه.

با پذیرفتن عدل الهی لاجرم باید معادی باشد بازگشتی باشد که نتیجه کامل اعمال در انجا به انسان داده شود، تو این دنیا کسی که هزار نفر را کشته باشه نمی شه هزار بار کشت، ولی در قیامت اون فرد قاتل به سزای کامل جنایت هاش می رسه . بچه ها ما در این دنیا مرتب در حال امتحان هستیم خدا مارا افریده که امتحان کند و . ببیند کی کار درست انجام میده؟ و به ما اختیار و قدرت داده که کار درست انجام دهیم یا غلط

خسرو: آقا ترو خدا انقدر حرف امتحان نزنید دل اشوبه گرفتم اصلا داره حالم به هم میخوره ...

فرهاد: راست میگي بابا حالا امتحان چی هست فیزیك یا شیمی آقا ناراحت (بچه ها همه ساکت و حالت ادمی که دارد به خود میاید)

بچه ها دیگه شورشو در آوردید واقعا که در خوابید خواب غفلت کاشکی خواب واقعی بود شما خودتان را به خواب زدید کسی که خواب است هر چه هم که خواب عمیق باشد میشود او را بیدار کرد ولی کسی که خودش را به خواب زده هرگز بیدار نمیشود شما خودتان میخواهید که ندانید، انگشت توی گوشتان کردید تا نشنوید، تصمیم گرفتید و با اختیار انتخاب جهل را برگزینید بدانید که هر چه میکنید به خودتان میکنید قصه گو: فردای آن روز همه حاضر بودند جز آقا معلم. غیبت معلم اول زیاد به چشم نمیخورد اما بعد از همه شیطونی ها و ... کم کم حوصله شان سر رفت. تا حتی خسرو بعد از چند دقیقه با ناصر شروع به صحبت کرد. . واقعا حوصله مان سر رفت چه قدر جای آقای معلم خالیه فرهاد گفت راست میگویی من هم حوصله ام سر رفت حسن گفت اصلا کاشکی آقا معلم بود اگر دعوا من هم میکرد ناراحت نمیشدیم ناصر: دیدید حالا- اون موقعی که بود به حرفهای او گوش نمیکردیم حالا پشیمانی چه فایده ای دارد خسرو گفت: مثل این که این دفعه را راست میگویی. همه به خسرو چشم غره میروند

خسرو: خب چه خبر تونه موقع شیطونی از خدا میخواین شیطونی کنین و بخندین حالا که همتون توی تله گیر کرده یقه منو گرفتین اصلا مگه من مجبور تون کردم به حرف من گوش کنید خودتون از خدا میخواستین که از درس و معلم فرار کنید البته من هم همینو میخواستم.

حسن: خیلی بد شد خیلی از این بد تر نمیشد و به طرف ناصر برمیگردد و خطاب به

او میگوید تو از همه ما بهتر به درسها گوش میکردی و علمت هم بیشتر از ماست و از ما بیشتر میدانی بگو ببینم که باید چه کار کنیم

ناصر: راستشو بخواین من هم خیلی فکر کردم و یک راه چاره هم به فکر رسید ولی تا شما خودتان نمیخواستین فایده ای نداشت که بهتون بگم بچه ها من یک نامه به اقا معلم نوشتم گوش کنید بچه ها: پس بیا اینجا ایستا بخون تا خوب بشویم با سلام خدمت آقا معلم:

آقا ما شاگردان کلاس شما میخواستیم یک نامه بنویسیم و از شما خواهش کنیم که برگردید چون همگی پشیمان هستیم اما قبل از نوشتن نامه به یاد قضیه ای افتادیم که بدتر داغ دلمان را تازه کرد. نبودن شما جای خالی شما و دلتنگی ما برای شما مارا به یاد غصه بزرگ خود شما انداخت حالا میفهمیم که چرا این قدر دلتان برای حضرت ولی عصر میسوزد حالا میفهمیم که چه طور غیبت آن حضرت شما را آزار میدهد ما نمیدانیم که شما الان در چه حالی هستید. اگر دلتان از این میسوزد که ما نافرمانیم و به خاطر بدیهایمان مجبور شده اید مارا ترک کنید حتما دل امام زمان هم از اینکه همه آدمها نافرمانی میکنند گناه میکنند او را یاری نمیکنند و باعث طولانی شدن غیبتش میشوند میسوزد و این غصه از غصه ما بزرگتر است پس ما برای شما نامه نمینویسیم که ما را ببخشید و به کلاس باز گردید بلکه نامه ای به صاحب و آقای شما صاحب ما صاحب العصر والزمان مینویسیم.

السلام علیک یا بقیه الله

ص: ۱۴۲

خطاها و کفران نعمت ها از شما عذر میخواهیم یا ، ندانم کاری ها ، ما بچه شیعه های شما بابت همه گناه ها بقیه الله .

ما قدر شما را ندانسته ایم که اگر قدر شما را میدانستیم و گوش به فرمان شما بودیم این قدر غیبت طولانی نمی شد و ظهور مبارکتان به تأخیر نمی افتاد ولی ما با خودخواهی هایمان با پیروی کردن از خواهش های نفسانی از وجود شما استفاده نکرده ایم احترام شما را نگه نداشتیم و دل شما را سوزانده ایم اشک شما را در آورده ایم، ولی شنیده ایم که شما برای شیعیان گنهکارتان دعا فرموده اید، برای ما گنهکاران استغفار فرموده اید . و از خدا خواسته اید که شیعیان شما و گنهکاران شما را در جهنمی قرار ندهد آقا با این که شما خود غایب نشده اید و این ما هستیم که شما را وادار به غیبت نموده ایم باز این قدر به فکر مان هستید فراموشمان نمیکنید برایمان استغفار میفرمایید، بله ما بدیم و شما آقای مهربان و دلسوز ما هستید حالا میفهمیم که چه قدر بد کرده ایم به دنبال خوشی های ظاهری خنده های بچه گانه، زندگی کردن پوچ بی حاصل بوده ایم چون ما کفران نعمت وجود شما را میکنیم، لذا نمیتوانیم از شما خوب بهره ببریم به جای آنکه ، به شما دل بدهیم به بیگانه دل داده ایم .

به جای آنکه دست به دامان بشویم دست به شیطان داده ایم .بله آقا درست است که ما بدیم و ناسپاس ولی شما بزرگوارید اگر ما قدر شما را نمیدانیم شما که

ص: ۱۴۳

جهالت ما را میدانید .

درمانده ایم، سرگردانیم مانند کسانی که در بیابان گم شده اند و هر کدام از یک، یا امام زمان ما بیچاره ایم، طرف میرویم و خودمان هم نمیدانیم که به کجا میرویم و به کجا خواهیم رسید اگر شما پناهمان ندهید دستمان را به طرف چه کسی دراز کنیم؟ اگر شما ما را از درگاهتان برانید، گرگ های جهالت و معاصی ما را تکه پاره میکنند.

یا امام زمان . آقا معلم میگفت که شما به مادرتان حضرت زهرا سلام الله علیها علاقه فراوانی دارید از شما میخواهم که به خاطر مادر جوان از دست رفته تان مادر پهلو شکسته تان از سر تقصیر ما بگذرید و به ما رحم کنید و خودتان از خدا بخواهید که دوران غیبتتان به سر آید ما هم قول میدهیم که دیگر نوکران خوبی برای شما باشیم و فرماتتان را به دیده منت بخریم و برای ظهور شما دعا میکنیم از خدا میخواهیم که گره غیبت شما گشوده گردد و مصیبت غیبت شما خاتمه یابد .

ان روز دلها ارام میگردد که بدانیم قلب رئوف شما از ما راضی است و از خدا روزی را طلب میکنیم که روز ظهور شما باشد چشم به راه جمعه ای هستیم که شما را با خود میاورد و چشم به راه شما هستیم تا دلها به نورتان منور گردد چشم مان به جلالتان روشن شود و سرمان گرمی دستان مهربان . شما را احساس کند

عزیزم کاسه چشمم سرایت***میان هر دو چشمم جای پایت

از ان ترسم که غافل پا گذاری***نشیند تیر مژگانم به پایت

ص: ۱۴۴

ناک شو بزرگترین آرزو

[این محتوا برای برنامه ای با قالب «میز» طراحی شده است. طبیعی است که برای اجرای آن در دیگر قالبها باید تغییراتی در آن ایجاد کرد.]

در ابتدا، مجری پس از پذیرایی مهمانان، بر سر میز آنها میرود و بعد از سلام و احوالپرسی و تبریک عید، از آنها دعوت میکند که یک گفتوگوی کوتاه با هم داشته باشیم. (قاعدتا نحوه ی بیان این جملات در کلاس و پارک با هم متفاوت است. مجری باید این تفات را درک کند و ادبیات مناسب را به کار ببرد.)

گفت و گو را اینگونه آغاز می کنیم:

* اجازه بدید گفتوگو رو با یه سؤال آغاز کنیم. بذارید ذهنمون پرواز کنه. میخوایم کمی خیالپردازی کنیم.

* فرض کنید الان امکانی وجود داره که هر کدوم از ما اگر یه آرزو کنیم، این آرزو برآورده میشه.

* آرزویی کنیم که با برآورده شدن اون یه آرزو، بتونیم خوشبختی رو ببینیم. خب، چه آرزویی میکنید؟ (این سؤال از مخاطبان پرسیده شود.)

* جوابهایی که ممکنه بشنویم:

* پول زیاد، خونه، ماشین، همسر خوب، سلامتی و ...

* خیلی خب! اینها همه آرزوهاییه که من هم دنبالشون هستم و دوست دارم داشته باشم: پول زیاد، خونه ی بزرگ، سلامتی و خیلی چیزهای دیگه.

* ولی من و شما فقط فرصت یه آرزو داریم! اگر پول زیاد داشته باشم و خدایی نکرده سلامتی رو نداشته باشم و با پول هم نتونم سلامتیم رو به دست بیارم،

با اون پول خوشبختی معنا داره؟! اگر سلامتی داشته باشم ولی تو فقر زندگی کنم، می تونم بگم زندگی لذتبخشی دارم؟! و مثال هایی اینچینی.

* پس خوب که نگاه میکنیم، میبینیم منو شما برای اینکه حس خوشبختی داشته باشیم، باید مجموعه ای از آرزوهایمون رو برآورده شده ببینیم تا بتونیم بگیم: « آخیش! زندگی خوبی دارم! خوشبختم! »

* ولی یه سؤال: همیشه ما از خدا یه چیزی بخوایم، یه آرزویی داشته باشیم که با برآورده شدن اون یه آرزو، تمام خوشبختی رو حس کنیم؟!

* چرا همیشه! هیچ وقت دست خدا رو بسته نبینیم!

* این سؤالی که پرسیدم رو از خودم نگفتم. جالبه بدونین خیلی سال پیش، مَث لا چند سال پیش؟ (منتظر جواب میشویم) بله... ۱۵ قرن پیش، یه روز یه فردی، پیروانش رو جمع کرد و از اونها همین سؤال رو پرسید:

* اگر یک آرزو داشته باشید که من از خدا بخوام که براتون برآورده کنه، چی میخواید؟!

* جالبه که اونها هم جوابهایی شبیه به ما دادند. یکی خونه ی خوب خواست، یکی مَرکب (همون ماشین خودمون)، یکی پول، یکی سلامتی و ...

به نظرتون این آدم کی بوده که میتونسته آرزوهای پیروانش رو از خدا بخواد و خدا هم بهشون بده؟ (منتظر جواب مخاطب میمانیم). بله... پیامبر اکرم بودند؛ چون اونقدر پیش خدا اعتبار داشتند که خدا جوابشون رو بده.

* بعد از اینکه همه آرزوهایشون رو گفتند، پیامبر با یه حالت افسوسی فرمودند: من شما رو بشارت میدم به آرزو و دعایی که اگر اویس اینجا بود، از خدا میخواست! * جالب شد، نه؟! اویس کیه؟

(منتظر جواب مخاطب می‌شویم) (اگه مخاطب داستان اویس رو کامل گفت، فقط یه بار داستان رو سریع مرور میکنیم).

* بله... اویس مسلمان شده ای بود که در زمان پیامبر زندگی میکرد و بدون اینکه پیامبر رو دیده باشه، ایمان آورده بود و شوق زیادی برای دیدار پیامبر داشت؛ ولی چون مادر پیری داشت که نیاز به نگهداری داشت و دور از شهر مدینه زندگی میکرد، توفیق دیدار پیامبر نصیبش نشده بود.

* حتی یه بار مادرش بهش اجازه داد که یه صبح تا عصر به مدینه بره تا پیامبر رو ببینه و برگرده؛ ولی متأسفانه اون روز، پیامبر در مدینه نبودند و اویس چون به مادرش قول بازگشت داده بود، بدون اینکه پیامبر رو ملاقات کنه، از شهر خارج شد و برگشت.

* چند سال گذشت و مادرش از دنیا رفت. اویس هم عزم سفر به مدینه کرد تا خدمت پیامبر برسه. همین که وارد مدینه شد، خبر وفات پیامبر رو شنید! خیلی آشفته و ناراحت شد! اویس که یه عمر در آرزوی دیدن پیامبر بود، حالا با خبر وفات پیامبر مواجه شده بود! اهالی مدینه وقتی نام این غریبه رو شنیدند، یاد حرف پیامبر افتادند و همه دورش جمع شدند. این اسم براشون آشنا بود. میخواستن ببینن اون کیه که پیامبر اینجوری ازش یاد کرده بود. داستان رو براش تعریف میکنن که خلاصه روزی پیامبر اینجوری ما رو بشارت دادند به آرزویی که تو اگه اونجا بودی، از خدا طلب میکردی! اویس! تو در اون لحظه، از خدا چی میخواستی؟

* به نظر شما، اویس چه جوابی به اونها داد؟ (منتظر جواب مخاطب

* اویس ابتدا از جواب طفره رفت؛ ولی وقتی با اصرار اون ها مواجه شد، گفت: من اگه در بین جمع شما بودم و پیامبر اینجوری منو مخاطب قرار میداد، فقط یه چیز از خدا میخواستم! آرزو میکردم که خدا زندگی در کنار شخصی مانند پیامبر رو هیچ وقت از من نگیره! کسی که من هرچی میخوام، میتونه برام از خدا طلب کنه!

* حالا سؤال اینجاست: اگه اویس در زمان ما بود، چه آرزویی میکرد؟ (منتظر جواب مخاطب میشویم.)

* زندگی در کنار کسی مانند پیامبر و از جنس پیامبر!

* اویس اگه در میان ما بود، زندگی در کنار کسی رو میخواست که امروز از جنس پیامبره، از نسل پیامبره، از فرزندان پیامبره، حی و حاضر و ناظر در میان ماست.

* کسی که ما به اسم «امام زمان» ایشون رو میشناسیم.

* کسی که مانند پیامبر یکی از بارزترین صفاتشون «رحمه للعالمین» هست .

* دو نفر تو این عالم هستند که فقط این صفت رو خدا بهشون داده: یکی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، یکی هم امام عصر (علیه السلام).

* به این دو بزرگوار میگن رحمه للعالمین! یعنی خورشیدی که بر همه چیز و همه کس میتابه؛ کوچک و بزرگ، بد و خوب! به همه محبت میکنه و همه از وجودش استفاده میکنن؛ چه بدونن، چه ندونن؛ چه بخوان، چه نخوان. البته خب اگه بخوان، طبیعتا استفادهی بیشتری هم میرن.

* کسی که اگه حاجت و آرزوت رو در خونه اش ببری، نمیگه غریبه اومده! مثل یه پدر آغوشش رو برات باز میکنه.

*

و کدوم پدر مهربونی رو میشناسید که فرزندش کمک و نیاز و گرفتاریای داشته باشه و اون پدر قدمی براش برنداره؟! چه برسه به امام زمان ما که پدری مهربون برای همه ی ماهاست و پیش خدا کلی حرمت و اعتبار داره و خدا هیچ وقت دعاش رو بیجواب نمیذاره.

* پس ما هم کسی رو داریم که هر وقت حاجتی رو به در خونه اش ببریم، خیالمون راحته که اون کسیه که میتونه رنگ خوشبختی رو به زندگیمون ببخشه.

* بیایم خدا رو شاکر باشیم به خاطر وجود این نعمت بزرگ تو زندگیمون.

* بیایم شکر این نعمت رو اینجوری بجا بیاریم که ما هم قدمی برای امام زانمون برداریم؛ ما هم کاری کنیم که این از پدر مهربانتر، دلش به وجود ما گرم بشه.

* چه قدر خوبه که بتونیم یه کاری بکنیم که همیشه به یادشون باشیم و فراموششون نکنیم.

* بیایم سعی کنیم که برای سلامتی و رفع گرفتاری اماممون دعا کنیم. ما برای رفع گرفتاریهای خودمون و عزیزانمون معمولاً چی کار میکنیم؟ (از مخاطب سؤال میپرسیم). بله... صدقه میدیم، دعا میکنیم، کمک میکنیم و... .

* حالا بیایم دل امام زمان رو شاد کنیم. شک نکنید که هر قدمی که برای بزرگترین جوانمرد این عالم برداریم، اون هم جواب مهربانی رو با بزرگواری و جوانمردی میده. حالا چه پیشنهادی دارید؟ (منتظر جواب مخاطب بمانیم).

* (با توجه به پاسخ های مخاطب، او رو به انجام دادن همان پیشنهادها تشویق کنیم). پس از این به بعد، سعی میکنیم که ... را انجام بدیم.

* در آخر هم بیایم یه کاری کنیم

که توجه خودمون به امام زمان رو به اون حضرت بیشتر نشون بدیم. بیایم هدیه ی ما برای امام زمان، دعا و صدازدن خالصانه و از ته دلمون برای سلامتی گشایش در امر ظهور مولا مون باشه.

* همه با یه صلوات، از خدا بخوایم که با او مدن حضرت، همه ی مشکلات و سختیها هرچه زودتر حل بشه! اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم!

ناک شو دلت را به من بسپار

* ما آدمها، برخورد هایمان نسبت به بسیاری از اتفاقها مشترکه. چون حس های مشترک زیادی نسبت به موضوعات مختلف داریم.

* همین حس های مشترک هست که خیلی وقتها موضوع اصلی گفتگوهای ما در جمع های مختلف می شه. به قول معروف سر صحبت باز می شه.

* در فضاهای مجازی معمولا یکسری متنها را می بینیم که خیلی جالب هستند. مثلا یکی از آنها در مورد همین حس های مشترک ما بود:

* مثلا همه تجربه کردیم:

* چقدر لذت بخشه وقتی صبح از خواب بیدار بشی بعد ساعت رو که نگاه می کنی می بینی، هنوز ۲ ساعت زمان داری که بتوانی بخوابی!

* یا وقتی دست می کنی تو جیب شلواری که مدتی بود نپوشیده بودی، یک دسته پول پیدا می کنی که اصلا یادت نبوده!

* یکسری اتفاقات هم هست که برعکس اینهاست ولی باز همه ما نسبت به آنها حس های مشترک داریم.

* مثل حس بریدن انگشت با کاغذ! سوسکی که با دمپایی کشتیش ولی هنوز داره دست و پا می زنه! در کنسرو قوطی نیمه باز و اینکه می

دن به تو که بازش کنی! کلاغی که زل می زنه تو چشمهات و نمی پره و حس می کنی هر آن می خواد به تو حمله کنه! حسی که می خواهی توی خواب فریاد بزنی ولی صدات در نمی آد! و ...

* اینها مزاح بود برای اینکه کمی فضایمان عوض بشه! * اما دیدید که ما خیلی حس های مشترکی با هم داریم. بعضی از این حسها هست که شاید کمتر در مورد آنها با هم گفتگو می کنیم.

* حس هایی که شاید همه می ترسیم با آنها مواجه بشیم.

* ترس از برخورد با اتفاقاتی که دستمان در آنها خالیه.

* راهی برای عبور از آنها را نداریم.

* اتفاقاتی که خیلی وقتها خواب رو از چشم ما می بره.

* اتفاقیایی که موجب می شه آرامش مان از دست بره و همه اش دلهره و استرس و ناآرامی و دل نگرانی داشته باشیم .

* و همه ی اینها بخاطر این هست که می دانیم از دستمان کاری بر نمی آید که بخواهیم خودمان از آن عبور کنیم.

* حس عمیق ترس و ناامنی!

* اجازه بدید چندتا مثال بزوم:

* مثل حس پدر و مادری که تمام زندگیشون رو وقف بچه هایشان کردند و بهترین امکانات رو برای آنها تهیه کردند و همیشه سعی داشتند آنها را از خطرات دور کنند، اما می دانند که یک روز این بچه در خانه را می بنده و می ره تو جامعه ای که معلوم نیست قراره چه بلایی سرش بیاد و آیا می تواند سلامت خودش را حفظ کند یا نه!

ترس از اینکه دل به کسی ببندی که او هیچ حسی نسبت به تو نداشته باشه!

* ترس از یک بیماری لاعلاج که اینبار شاید قراره نصیب من بشه و همه ی راه ها رو به روی من ببندده! * ترس از یک جنگ نا معلوم که می تونه همه ی آرزوهایمان را بر باد بده .

* ترس از آخرین نفس ها که نمی دانم در چه حال و روزی هستم و بعدش چه خواهد شد.

* ما داریم از حسی هایی صحبت می کنیم که به مرحله ای می رسیم و می بینیم دیگر از دست ما کاری بر نمی آید.

حسی که شاید با خودش ناامنی و دلشوره و ناآرامی می آره.

* کسی در بین جمع ما هست که حسی شبیه این را تجربه کرده باشه و بخواد با ما در میان بگذاره؟

* (از مهمان ها سوال می پرسیم که تجربیاتشان را با ما در میان بگذارند) * مرحله ی اول : آن حس ناامنی چه بوده؟

* مرحله ی دوم : برای رسیدن به آرامش در این بُرهه چه کردید؟

* در جمع بندی گفتگو به این می رسیم که وقتی حس ناامنی می کنیم به دنبال کسی یا جایی می گردیم که قلبمان را آرام کند.

* همانطور که در این گفتگو هم مشاهده کردید، ما همه تجربه کردیم که وقتی قلبمان نا آرام است، سراغ کسی یا جایی می گردیم که همنشینی با او حتی برای مدتی اندک آرامش را به قلب ما برگرداند.

* اجازه دهید به گونه ای دیگر نگاه کنیم.

* قلب ما باید

ص: ۱۵۲

آرام و در امنیت باشد تا ما بتوانیم در زندگی آرامش داشته و محکم حرکت کنیم. خوب این آرامش را در جایی که دستمان خالی است و دیگر کاری از ما بر نمی آید باید از بیرون از خودمان جستجو کنیم.

* پس بیایم ببینیم این قلب را به مزایده بگذاریم و ببینیم چه کسی آنرا به بهترین وجه و ارزش خریداری می کند.

* در مزایده هر کس پیشنهادی و در قبال دارایی ما می دهد و طبیعتاً ما بالاترین و بهترین پیشنهاد را انتخاب می کنیم.

من پیشنهاد ها را می گویم، شما بفرمایید که کدام گزینه برنده است!

* اولین پیشنهاد :

- دوست و رفیق : به نظر شما در قبال اینکه قلبم را به او بسپارم ، به من چه خواهد داد؟

- (مخاطب را راهنمایی می کنیم به سمتی که کمبودهای دل سپردن به دیگری را هم در کنار مزایایش بگوید.)

- مشاور : او چه؟ می تواند برای همیشه قلب من را آرام کند؟

- در اینجا هم مزایا و معایب گفتگو می شود.

- پدر و مادر : آنها چه؟ می توانند آرامش را به قلب ما هدیه کنند؟

- در اینجا پدر و مادر را به عنوان دریای آرامش و امنیت قلب معرفی می کنیم اما می دانیم که این آرامش تا وقتی در کنار آنها باشیم، وجود دارد، اگر آنها نبودند چه؟! اگر خود آنها نیاز داشتند که ما فرزندان به آنها کمی آرامش هدیه کنیم چه؟! و ...

- یک پیشنهاد دیگر هم هست. از کسی که می گوید، قلب تو آنقدر با ارزش

ص: ۱۵۳

است که فقط من می توانم بهای آنرا بپردازم و فقط من هستم که می توانم امن و امان و آرامش را به آن وارد کنم و آن جا خانه ی من است و از من اگر طلب کنی و قلبت را به من بسپاری امان همیشگی به آن خواهم داد.

* او می گوید قلب تو را من خلق کرده ام و فقط اگر آنرا به من سپردی آرامش جاودان خواهد داشت.

* و با زیباترین جملات گویا این معامله ی پر سود را تبلیغ می کند:

* هر کس که با تمام وجود قلب خود را به خدا تسلیم کند، پاداش این کار را خداوند خواهد داد و دیگر هیچ بیم و غم و اندوهی به قلب او راه نخواهد یافت. (بقره ۱۱۲)

* خداوند می گوید اگر به دیگری دل سپردی، صبر می کنم تا بفهمی که بهترین خریدار قلبت فقط من هستم و اگر آنرا به من سپردی دیگر نگران نباش، امن و امان و ایمان قلبت با من، تو فقط کاری را که من می گویم انجام بده.

نگران نباش، قلبت را به من بسپار!

* ما کی برای کارهایمان وکیل می گیریم؟

* در جایی که بلد نیستیم و نمی دانیم باید چه کنیم و توان انجام آن کار را نداریم.

* خداوند می گوید من را وکیل قرار بده برای تمام زندگیت. به من توکل کن من هر آنچه می خواهی به تو خواهم داد.

* و وقتی ما وکیل می گیریم، اگر گفت فلان کار را انجام بده، دیگر چون و چرا نمی کنیم و به

او اعتماد می کنیم و می دانیم که او می داند چه می کند.

* خداوند گفته به من توکل کن! قلبت را به من بسپار، آن کاری را که من می گویم انجام بده، سراغ آن کسی که من می گویم برو، آنجایی که من به تو پیشنهاد می دهم را انتخاب کن، بهترین ها را در این زندگی خواهی داشت.

* خداوند می گوید اگر این معامله را پذیرفتی و قلبت را به من سپردی و من را وکیل خود برای پیمودن راه پر پیچ و خم زندگی قرار دادی، تو را به خانه ای راهنمایی می کنم که از تمام صفات و خوبی های من بهره مند شوی. تو را به سوی صاحب خانه ای هدایت می کند که بارش صفات من را در آن خانه ی او خواهی یافت.

* مثال خداوند بسیار زیباست. می گوید مثل نور من، مثل چراغدانی است که در آن چراغی است که هیچ گاه خاموش نمی شود و هر که را که خدا بخواند از این نور بهره مند می سازد.

* این نور از چراغدان و خانه ای متصاعد می شود که در هر زمان هست و اگر بخواهی تجسم صفات خدا را ببینی فقط کافیت کنار صاحب این خانه قرار گیری.

* خداوند همه کار خود را با اسباب خود انجام می دهد.

* پس در هر زمان جانشینی در زمین قرار می دهد که سبب صفات الهی برای ما باشد.

* کسی که قرار است کار های خدا را در زمین انجام دهد.

* جانشین و خلیفه ی خدا کسی است که

قرار است کارهای خدا را در زمین انجام دهد.

* و اگر خواستی از کمالات خدا بهره مند شوی او هست که در کنارش خدایی کردن خدا را در زمین ببینی.

* امام رضا علیه اسلام در روایت مشهور خود بسیار زیبا این خانه ی امن الهی را توصیف می کنند.

* زمانی افرادی خدمت حضرت رسیدند و گفتند، مقام خلیفه الله آیا مقامی هست که بتوان از میان خود کسی را برای آن انتخاب کنیم؟!

* حضرت با حالتی جالب پاسخ دادند! به تعبیر ما پوزخندی زدند و گفتند شما چه می دانید این مقام چه مقامی است که می خواهید برای آن از بین خود کسی را انتخاب کنید. این مقام مقام کسی است که قرار است کارهای خدا را در زمین انجام دهد. این مقام مقام خلیفه ی خدا در زمین است. این مقام، مقام امام است و امام کسی است که خداوند همنشینی با او را تمام نعمت خود بیان کرده که اگر او را در زندگی خود داشتی بدان که از همه ی صفات نعمات خدا خود را بهره مند کردی.

* امام کسی است که امان الهی است. امام چراغی است روشن برای پیمودن مسیر زندگی، امام آبی است گوارا برای تشنگان و امام پدری است مهربان و یار و یآوری است همیشگی و همراه.

* خداوند کسی را برای ما و در کنار ما قرار داده که تنها با اوست که آرامش و امان الهی را می توانیم پیدا کنیم.

* آغوش پدرانه ی او و محبت مادرانه او و حمایت برادرانه ی اوست که هدیه ی جاودان

خدا برای ماست.

* و ما هم کسی را در کنار خود داریم که آغوش پدرانۀ اش همیشه برایمان باز است تا تمام محبت و امنیت و آرامش را اگر به آغوشش پناه ببریم، به ما هدیه کند.

* ما هم امام زنده و حاضری در کنار خود داریم که در کنار اوست که خدایی کردن خدا را می توانیم حس کنیم.

* ما هم امامی داریم از مادر دلسوزتر، که هر چقدر هم غفلت کرده و او را از یاد برده باشیم، او لحظه ای ما را از یاد نبرده و در تک تک قدمهای زندگی پشتوانه ما و همراه ماست.

* برای همین است که سید بن طاووس در سرداب مطهر صدای صاحب الزمان را اینگونه می شنود که خدایا از گناهان شیعیان من بگذر که آنها به پشتوانه ی محبت من است که گناه می کنند.

* امام زمان علیه السلام، آن تمام نعمتی است که خدا در زندگی ما هم قرار داده که اگر با او زندگی کنیم، خداوند تمام خوشبختی و آرامش ما را تا روز قیامت ضمانت کرده.

* و امروز که دور هم جمع شدیم به این نیت است که دوباره به هم بگوییم که ما کسی را در کنارمان داریم که موجب امن و آرامش قلبمان است، اگر دست در دست او قرار دهیم و حمایت و پشتیبانی او را حس کنیم.

* شرط دیار محبت است که مهربانی را با مهربانی پاسخ گفت. محبت را با محبت جبران کرد.

* امام زمان علیه السلام لحظه ای فرزندان خود را از یاد نمی برد؛ آیا ما هم اینگونه ایم؟

* امام علیه السلام برایمان پدری می کند، آیا ما هم کاری می کنیم که پدر به وجودمان افتخار کند؟

* امام دعاگوی ما فرزندانش هست، آیا ما هم رفع گرفتاری غربت صاحب الزمان را از خدا طلب می کنیم؟ بیایم در ایام میلاد این هدیه ی ویژه الهی، محبتش را با محبت پاسخ گوئیم و ما هم قدمی برای کمتر شدن سختی های او در دوران تنهایی و غربتش برداریم.

اللهم عجل لولیک الفرج.

ناک شو در قالب پرسش و پاسخ

۱ - چرا امام زمان را بشناسیم؟

برای خوب بودن باید خوبی را شناخت و معرفت پیدا کرد. برای شناخت جواهر باید معرفت به جواهر داشت. اگر جواهر را بشناسی ارزشش را می دانی و از آن فایده فراوان خواهی برد. امام زمان ولی خداست. تمام اولیاء پیشین خدا از دنیا رفته اند. امام زمان یکی از بهترین های خداست که در زمان ما زندگی می کند که شناخت و معرفت او ما را به اقیانوسی از فضائل و امکانات آشنا می کند. شناخت او، راهی گسترده را در سیر هدایت و رستگاری برایمان باز می کند.

۲ - چرا امام زمان خود را به ما معرفی نمی کنند؟

در طول تاریخ ما انسانها همیشه این بوده که ارزش این بزرگواران را که اولیاء الاهی و انسان های کاملی بودند را نشناخته بلکه آنها را با آزارها و اذیتها رنجانده ایم. خدا این ذخیره ی آخرین را که بقیه الله است یا به تعبیر دیگر بقیه وجودی گذشتگان است ذخیره کرده است. تا اولاً ما را در عرصه این دنیا

ص: ۱۵۸

با همه ادعاها ببیند و ما ببینیم چند مرده حلاجیم!! ثانیاً آن بزرگوار را حفظ کند تا در موقعیت ممتازی ظهور کند. اصلاً یکی از فلسفه های غیبت و پنهان زیستی امام زمان همین مطلب است که خود را معرفی نمی کند تا ما قدرش را بشناسیم و در زمان دیدارش به خود آییم.

۳- چرا خدا امام زمان را برای ما قرار داده است؟

خدا برای هدایت انسانها و دستگیری آنها، بزرگی که دارای عبادت بسیار و پاکی فراوان است، برگزیده و او را پرچم راهنمایی و هدایت و معلم پاکی ها قرار داده است. او نه تنها دستگیر و هدایتگر است که سرپرست و راهنمای مهمی است که ما را به سر منزل مقصود می رساند. هیچ در راه مانده ای نمی تواند خود را بی نیاز از آن وجود کامل و عالم و عابد و مظهر پاکی ها بداند.

اما مهم در این فرایند این است که آن وجود پاک، بسان پرچمی بلند، راهنمای انسانهایی است که تحت سوای آن پرچم قرار گیرند. باید هر انسانی به سوی او برود و در مسیر او گام بردارد تا بتواند به سر منزل مقصود برسد.

۴- بهره مندی ما از امام زمان را به چه می توان تشبیه کرد؟ به ما در متون دینی گفته اند که او مانند افتابی است که در روز، پشت ابری پنهان شده است. اما آفتاب در روز ابری، نور خود را به همه جا می رساند. مردمان از نور و روشنایی و گرمای خورشید با وجود ابر بهره می برند. کنایه مطلب این است که امام زمان، مایه بهره مندی انسانها می باشد و نورش منقطع نیست.

ص: ۱۵۹

۵- چرا باید برای امام زمان دعا کنیم و خیرات بدهیم؟

هرکس از حق دیگری خیر خواهی کند، خود نیز از این خیر خواهی منتفع می شود. دعا کردن برای دیگری یا خیرات برای دیگران به نحوی نشان از روحیه بزرگی و ایثار نزد دعا کننده و خیرات دهنده است. از سوی دیگر خدا در مقابل این عمل ایثارگرانه به خیرات دهنده و دعا کننده توجه بسیار می کند. لذا قرآن می گوید: هر کس برای دیگری حسنه ای بخواهد خودش از آن حسنه نصیبی خواهد برد. (سوره نساء آیه ۸۵) از سوی دیگر، هر انسانی که بداند دیگری برایش کار خیر و یا دعای خوبی انجام داده حتی در کمترین سطح باشد، در پی جبران خواهد بود. حال امام زمان که فردی کریم و راد مردی با معرفت است بداند برایش خیراتی دادید یا دعایی کردید یقیناً در پی جبران خواهد آمد و بدیهی است جبران او بسیار والاتر و برتر از کار ما خواهد بود.

۶- ارتباط معنوی با امام زمان چرا باید برای ما مهم باشد؟

زیرا امام زمان صاحب بهترین عبادت ها است. قرآن به پیامبر اسلام می گوید: برای امتت دعا کن زیرا باعث آرامش آنان می شود. امام زمان جانشین و قائم مقام پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. دعای او و عبادتش در جامعه نور و معنویت برپا می کند. نور خورشید تابش دارد اما اگر یک گیاه سبز از آن نور بهره بگیرد رشد می کند و بارور می شود. بهره

گیری از معنویت این بزرگ و در معرض دعای او قرار گرفتن بهره مندی وجود و نورانیت هدایت را برای ما به ارمغان می آورد.

- تاک شوی گمگشته

- نمایش یک شعر ناتمام

- نمایش سایه‌های در کمین

- نمایش وکیل (جوانان)

- نمایش دادگاه (جوانان)

- نمایش خیمه خاموش (جوانان)

۴- تاک شو گروه بزرگسال (اولیا)

سناریو برای جشن میزها

اشاره

روند برنامه بدین ترتیب است که دوستان تیم دعوت، از رهگذران و عابران دعوت میکنند تا دقایقی از وقت خود را در یک برنامه ی ویژه به مناسبت نیمه شعبان با یک پذیرایی مختصر صرف کنند. پس از ورود مهمانان به سالن، مسئولین خوش آمدگویی سالن، از آنها استقبال کرده، و پس از توضیح مختصری درباره کلیت برنامه، به تناسب سن و فضای آنها (دوستانه، خانوادگی، دانشجویی و...) ایشان را به سمت یکی از میزها هدایت میکنند. آنگاه یکی از دوستان تیم پذیرایی، برای مهمانان پذیرایی های در نظر گرفته شده را میبرد. با انتخاب مسئول نظارت سالن و مجریان، به تناسب فضای مهمانان آن میز، یکی از مجریان محترم، پای میز رفته و پس از ذکر سلام و تبریک عید، بحث خود را آغاز میکند.

پیش از اجرا، سه پاکت در اختیار مجریان محترم قرار میگیرد که حاوی متونی داستانی برای آغاز گفتگو می باشند و مهمانان برنامه بر اساس نام این داستانها (که بر روی پاکتها نوشته شده است) یکی از آنها را انتخاب میکنند. این داستان منتخب ترجیحا توسط یکی از

مهمانان یا در صورت نیاز توسط خود مجری قرائت شده و پس از آن مجریان با توجه به سیر بحث پیشنهادی در حد بیست الی سی دقیقه پیرامون آن گفتگو مینمایند. متن این پاکتها و سیر بحث های پیشنهادی در ادامه آمده است.

حتما عنایت داشته باشید که برای جلوگیری از طولانی شدن میزها اگر سؤال یا بحث خاصی طی اجرای میزها مطرح شد، مجریان محترم آن را به میز پرسش و پاسخ ارجاع دهند.

ضمایم مورد نیاز در سیر بحث ها (شامل آیات، روایات، مدارک و ...) در فایلی جداگانه در اختیار مجریان محترم قرار میگیرد.

موضوع این طرح:

موضوع اصلی این طرح، دو محور می باشد: یکی تذکر به محبت امام زمان علیه السلام و دیگری اضطراب و دعای همگانی برای ظهور آنحضرت. در این راستا، سه داستان به عنوان متن پاکتها در نظر گرفته شده است: یکی از آنها با عنوان و «درخت و پسرک بازیگوش» داستانی ادبی در موضوع محور نخست (محبت امام زمان) و دو داستان دیگر با عناوین «روز واقعه» و «دردسرها یک انار» از وقایع تاریخی مستند و در جهت محور دوم (اضطراب و دعای همگانی برای ظهور) میباشند.

مبحث ۱: تذکر به محبت امام زمان علیه السلام

* تاک شو درخت و پسرک بازیگوش

درخت سیب تنومندی بود و پسر بچه کوچکی. این پسر بچه خیلی دوست داشت با این درخت سیب مدام بازی کند. از تنه اش بالا رود و تابی بخورد و از سیب هایش بچیند و در سایه اش بخوابد.

زمان گذشت... پسرک بزرگتر شد و دیگر به درخت اعتنا نمیکرد. دیگر

ص: ۱۶۲

دوست نداشت با او بازی کند. فقط گه گاهی زیر سایه درخت می نشست و استراحت میکرد.

درخت سیب به پسرک گفت: چرا دیگر با من بازی نمیکنی؟ پسر جواب داد: من دیگر بچه نیستم که بخواهم با درخت بازی کنم و از آن بالا بروم! بزرگ شده ام! دنبال کارهای مهمتری هستم؛ ولی افسوس سرمایه ای ندارم. چه کنم؟ درخت گفت: من پولی ندارم ولی تو میتوانی سیب های مرا بچینی، بفروشی و سرمایه خود کنی.

پسر تمام سیب های درخت را چید و در بازار فروخت. درخت باز تنها ماند و غمگین شد. مدت ها به همین شکل گذشت تا اینکه روزی پسرک که حالا جوانی شده بود با اضطراب سراغ درخت آمد.

درخت از او پرسید: چرا غمگینی؟ بیا و در سایه ام بنشین. خوب شد که آمدی؛ وقت هایی که نیستی، خیلی احساس تنهایی میکنم.

پسر جواب داد: ازدواج کرده ام و دیگر فرصت خیلی از کارها را ندارم. فکرم مشغول است؛ هنوز برای خانواده ام سرپناهی پیدا نکرده ام. چه کنم؟ درخت گفت: من خانه ای ندارم که به تو بدهم؛ اما میتوانی با شاخه ها و تنه ام برای خودت خانه بسازی. پسر با شاخه ها و تنه درخت، خانه ای برای خود ساخت. درخت که فقط کنده ای از آن به جا مانده بود، تنها ماند و باز از پسر خبری نشد.

سالها گذشت... پسر، پیر و غمگین و خسته، دوباره به سراغ درخت آمد.

درخت که دیگر جانی نداشت با بی رمقی از پسر پرسید: چه شده که باز غمگینی پسر؟ ای کاش میتوانستم کمکت کنم؛ اما دیگر

نه سیبی دارم، نه شاخه و تنه ای و نه حتی سایه ای برای نشستنت.

پیرمرد گفت: این بار نیامده ام که از تو چیزی بخواهم؛ فقط آمده ام کنارت بنشینم.

مادر پیر و خسته، با صدای خشدار گفت: سالها چشم به راهت بودم، بنشین پسر.

قدر آینه بدانیم چو هست***نه در آنوقت که افتاد و شکست

پس از قرائت داستان، مجریان محترم نظرات مهمانان را در خصوص این داستان و برداشت هایشان در حد چند دقیقه جویا می شوند و سپس آنها را جمع بندی کرده و بحث خود را با دعا و طلب خیر و آمرزش برای پدر و مادر (چه آنها که زنده اند و چه آنها که از دنیا رفته اند) آغاز میکنند و به زحمات بدون چشمداشت و از سر محبت پدرها و مادرها در خصوص فرزندانشان اشاره میکنند.

در اینجا می توان به محتوای کلیبی اشاره کرد که اخیرا در ایام روز مادر در شبکه های مجازی پخش شده بود (پیرامون یک مصاحبه شغلی برای یک کار طاقت فرسا بود که در پایان آن، متقاضیان کار متوجه می شدند اینها اوصاف مادران است) سپس با اشاره به داستان قرائت شده بیان می شود که درخت داستان ما، پدرها و مادرهایی هستند که از صمیم قلب و وجود، فرزندان خود را دوست میدارند و برایشان هر کاری انجام میدهند؛ و پسرک که شخصیت اصلی داستان بود هم فقط زمان گرفتاری ها و مشکلات سراغ درخت میرفت و از او کمک میخواست؛ یک بار پول نداشت، یک بار خانه نداشت، یک بار هم حال و حوصله نداشت و خسته بود.

آنگاه به

ص: ۱۶۴

این نکته تذکر داده میشود که اگر ما به خودمان مراجعه کنیم، چه احساسی به ما دست میدهد وقتی کسی فقط در زمان مشکلات و گرفتاری هایش به یاد ما می افتد، تلفن میزند و سراغ ما را میگیرد؟! و در مقابل وقتی کسی بدون اینکه کار و مشکلی داشته باشد، و بلکه تنها از سر محبت و دوست داشتن، سراغ ما را میگیرد، به دیدن ما می آید و جویای احوال ما میشود، چه احساسی پیدا می کنیم؟ این دو دسته رفتار در خصوص پدر و مادر نیز وجود دارد و نوع اول رفتار ممکن است باعث دلگیری آنها از فرزندانشان هم بشود.

سپس اشاره میشود که پدر و مادرها با وجود تمام زحماتی که برای فرزندان کشیده اند و محبتی که به آنها دارند، توقعی جز اینکه فرزندان به آنها سری بزنند و هر از گاهی احوالشان را جویا بشوند، ندارند و با همین کار به ظاهر کوچک بسیار خوشحال میشوند.

برای بیان بهتر این مطلب میتوان اشاره کرد که در ایام روز پدر و مادر در تلویزیون دیده ایم که با دوربین به خانه ی سالمندان میروند و با پدر و مادرهایی که احتمالاً دلخوری هایی هم از فرزندانشان دارند، گفتگو و مصاحبه می کنند و وقتی از آنها میپرسند که شما چه آرزویی دارید، خیلی از آنها آرزویشان این است که فرزندانشان به دیدنشان بیایند و سری به آنها بزنند. و میبینیم زمانی که فرزندان به دیدن این پدر و مادرها می آیند تا چه اندازه خوشحال میشوند، گویی که دنیا را به آنها داده اند .

محبت این پدر و مادرها

به قدری زیاد است که حتی اگر فرزندان به آنها سری هم نزنند، با وجود اینکه دلگیر و ناراحت میشوند، باز برای فرزندانشان دعا و طلب عاقبت به خیری و سلامتی دارند.

در اینجا میتوان متن داستان را به همه مخاطبان یادآوری کرد که درخت به پسرک میگوید: «خوب شد که آمدی؛ وقتی که نیستی، خیلی احساس تنهایی میکنم» یا انتهای داستان که مادر پیر و خسته به فرزندش میگوید: «سالها چشم به راهت بودم، بنشین پسر!» پس از ذکر این نکات مقدماتی، مجریان محترم صحبت های خود را پیرامون محبت پدر و مادر و سراغ گرفتن از آنها با بهره بردن از شعر انتهای داستان جمع بندی میکنند که:

قدر آینه بدانیم چو هست *** نه در آن وقت که افتاد و شکست

برای این امر میتوان این طور بیان نمود که بیاییم تا زمانی که این فرشتگان آسمانی در زندگی ما هستند، قدر زحماتشان را بدانیم و با سر زدن و صحبت کردن و پرسیدن حالشان، گوشه ای از محبت هایشان را پاسخ دهیم. و حتی اگر از دنیا رفته اند و در دل خاک آرمیده اند بر سر قبرهایشان برویم، چرا که پدر و مادرهای در دل خاک آرمیده هم منتظر فرزندانشان هستند که بیایند و برایشان خیرات بکنند، و به همسایگان خود نیز بابت این که فرزندانشان به دیدنشان آمده مباحثات می کنند.

تا اینجا از نظر مهمانان ممکن است صحبت های مجریان به پایان رسیده باشد، اما مجریان محترم با اشاره به حدیث حضرت رضا علیه السلام در خصوص امام «الامام الانیس الرفیق و الوالد الشفیق و الاخ الشفیق و

الام البره بالولد الصغیر» بیان میکنند که امام زمان پدری مهربان و مادری دلسوز نسبت به طفل شیرخوار هستند و از ناراحتی‌ها و گرفتاریهای شیعیان و فرزندان خود ناراحت می‌شوند.

همچنین میتوان با توضیح حال و روز، اضطراب و ناراحتی مادر و پدرها در زمان بیماری فرزندانشان، بیدارماندن به هنگام تب و تشنج آنها و درماندگیشان در زمان گرفتاری‌های فرزندان وقتی کاری از دستشان برای کمک به آنها ساخته نیست، اشاره کرد و این موارد را نیز شرح و بسط داد.

درخصوص امام زمان علیه السلام مجریان محترم میتوانند برای نمونه به یک یا دو مورد از احادیث ذکر شده در این باب اشاره کنند.

«ان شیعتنا منا، خلقوا من فاضل طینتنا» همچون ماجرای تشریف سید بن طاوس در سرداب سامرا و دعا و استغفار امام زمان علیه السلام برای شیعیان.

«...انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم و لو لا ذلک لنزل بکم والواء واصطلمکم العداء» تویح امام زمان علیه السلام به شیخ مفید در خصوص رسیدگی آنحضرت به شیعیان.

«یا رمیله، لیس من مؤمن یمرض الا مرضنا بمرضه، و لا یحزن الا حزنا بحزنه...»

داستان بیمار شدن رمیله از اصحاب امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

و یا حدیث امام صادق علیه السلام: «والله انا أرحم بکم منکم من انفسکم» آنگاه مجریان محترم با اشاره به اینکه محبت امام زمان علیه السلام بسیار بیشتر از محبت پدر و مادر خود ماست، و اینکه والدین چه توقعی از فرزندان دارند؛ متذکر کوتاهی‌های ما در حق ایشان شده و بیان می‌کنند که امام زمان علیه

السلام نیز منتظر هستند تا ما که ایشان را از یاد برده ایم دوباره متوجهشان شده، صبح ها به ایشان سلام بدهیم، جویای احوالشان باشیم، برای سلامتی‌شان دعا کنیم و فقط در نیمه شعبان به یادشان نباشیم بلکه در تمام سال یادشان رازنده نگاهداریم. که اگر ما یک قدم به سویشان برداریم، ایشان دهها قدم بر میدارند .

عمریست که از حضور او جا ماندیم***در غربت سرد خویش تنها ماندیم

او منتظر است تا که ما برگردیم***ماییم که در غیبت کبری ماندیم

در پایان مجریان با بیان اینکه ایام نیمه شعبان و ایام میلاد امام زمان علیه السلام است از مهمانان می‌خواهند که بیاییم به مناسبت میلاد این پدر مهربان هدیه ای به ایشان بدهیم و چه هدیه ای بهتر و ارزشمندتر از هدیه ای که خود آنحضرت دوست دارند و از ما نیز آن را خواسته اند و آن دعا برای فرج ایشان است. (و اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج)

اشاره ای نیز میتوان داشت به این نکته که محبت آنحضرت به قدری است که حتی دعای برای فرج را هم برای خودشان نخواسته اند و آن را برای حل مشکلات و گرفتاری های ما طلب کرده اند.

مبحث ۲: اضطرار و دعای همگانی برای ظهور آن حضرت

داستان ۱: روز حادثه

اوه اوه چه هوایی! چه طوفانی شده است! باید سریعتر در و پنجره ها را تا باد آنها را از جایشان نکنده است محکم کنم. تا به حال چنین تندباد مهیب و ابرهای تیره‌ای ندیده بودم. نکنند این شروع همان اتفاقی است که او میگفت؟ اگر واقعا حرف های او درست باشد چه باید بکنیم؟

سراسیمه

ص: ۱۶۸

به بیرون دوید. خشکش زد. آسمان بالای سرش پر شده بود از پرنده هایی که فرار را بر قرار ترجیح داده بودند و با سر و صدای خود، جامانده ها را خبر میکردند. دیدن این اوضاع و احوال در هم، نگرانی هایش را بیشتر کرد.

به ابرهای تیره ی، تازه متوجه شد که بقیه هم مانند او از ترس از خانه هایشان بیرون زده اند. همه هراسان و وحشت زده بالای سرشان مینگریستند و مبهوت به یکدیگر که چه اتفاقی دارد می افتد؟! نگاه مردم به دنبال کسی میگشت که جواب سؤالهایشان را بداند. اما نفس ها در سینه ها حبس شده بود و همه در دل خدا خدا میکردند. در میان هم همه ها، یکی که انگار جواب این سؤالها را میدانست، فریاد زد:

شک نکنید!! این همان عذابی است که یونس بارها وعده داده بود و ما مسخرهاش میکردیم! ولی هنوز هم دیر نشده و « میتوان کاری کرد! باید به خودمان بیاییم. این گرهی کور جز با سخنان یونس باز نمیشود و چاره ی کار همان حرف های اوست که ...» میگفت .

و خدا مهربانتر از آن بود که جواب این جماعت درمانده را ندهد و امروز هم....

داستان ۲: درسهای یک انار

اشاره

امشب شب سوم است و مهلت آخر. دو روز از فرصتی که از پادشاه خواسته بودیم تا جوابش را بدهیم، گذشته است و هنوز هم هیچ که هیچ. نه پاسخی یافته ایم و نه فکرمان به جایی قد میدهد. آخر ببین چگونه یک انار برای ما دردسر شده است؟ اگر جواب را نیابیم، باید همه مان بگذاریم

ص: ۱۶۹

و از دیار آباء و اجدادیمان برویم، و گرنه این پادشاه، با آن وزیر خبیثی که من میشناسم، خون همه ما را در شیشه خواهند کرد. دو نفری هم که دو شب قبل آمده بودند تا جواب را بیابند، که دست خالی بازگشتند. خدایا! امشب امیدمان را نا امید نکن...

مرد تنها وسط بیابان با خودش اینگونه نجوا میکرد که صدای قدم های کسی را از دور شنید.

- ای جوان، تک و تنها، وسط این بیابان چه میکنی؟ آن هم این موقع شب؟ - جوان گفت: حتما کاری داشتهام که آمدهام دیگر. برو ای غریبه. خدا روزیات را جای دیگری حواله کند.

- غریبه گفت: خب کارت را بگو، شاید بتوانم کمکی بکنم.

- جوان باز گفت: چه میگویی؟! دلت خوش است! کار ما از این حرفها گذشته است که تو بخواهی کاری بکنی!! الان، امید شهری به من است و من، امیدم به دیگری.

- غریبه گفت: خب شاید آن دیگری من باشم. چه کسی را اینجا صدا میزدی؟ - جوان که حالا با دقت بیشتری به غریبه نگاه میکرد، گفت: آن کسی که صدایش میزدم، خودش، هم دردم را می داند، و هم درمانش را.

- غریبه گفت: راست گفتی! درد تو آن اناری ست که پادشاه به شما شیعیان نشان داده است، و بر رویش شهادتین باطل نقش بسته و شما مانده اید که این انار دیگر چیست؟! - جوان گفت: خب، لابد از شهر رد شدهای و خبرها به گوشت رسیده است.

- غریبه گفت: ای محمد بن عیسای بحرینی! ما این دو شب، اضطراب و نگرانی شما شیعیان را دیدیم

و صدای ناله ها و دعاهایتان را شنیدیم. این هم جوابتان: «فردا صبح به شهر میروی و با پادشاه شرط میکنی که جواب را فقط در خانه ی وزیر بگویی! و مبادا که وزیر زودتر از شما وارد منزل شود. آنگاه این گونه عمل کن که می گویم...»

پس از قرائت داستان «دردسره های یک انار» یا «روز حادثه» که هر دو تا نقطه ی اوجشان در متن پاکت قرار گرفته اند، مجریان محترم به مهمانان توضیح میدهند که ادامه ی داستان را چند دقیقه ی دیگر بیان خواهند کرد اما پیش از آن صحبت مختصری با مهمانان دارند.

سپس بیان میشود که در این داستان شاهد بودیم چالشی برای شخصیت های ماجرا به وجود آمد، چیزی که برای همه ی ما هم پیش آمده است. آنگاه از مخاطبان پرسیده میشود که شیوه ی ما انسان ها در برخورد با این چالش ها چیست و معمولاً چه میکنیم؟

پس از گرفتن چند نظر مختصر از مهمانان، توضیح داده میشود که روش عمومی ما در برخورد با چالش ها این گونه است که با تکیه بر توان، دانش، مهارت، تجربه و تلاش خود، اقدام به حرکت و حل مشکلات میکنیم.

و البته همانطور که همه اذعان دارند، این روش در طول هزاران سالی که از عمر بشر گذشته است، با پیشرفت علم و تکنولوژی موفق به حل مشکلات بسیاری شده و رفاه و آسایشی نسبی را برای ما به ارمغان آورده است که شاید فراتر از آرزوهای پیشینیان ما نیز بوده باشد. مجریان میتوانند با اشاره به دستاوردهایی همچون درمان و ریشه کن کردن بیماری ها،

ص: ۱۷۱

ارتقای سطح کیفی زندگی و آسایش، تسهیل و کوتاه شدن مسافرت ها، تسهیل راههای ارتباطات، بهبود وضع تغذیه، بالابردن سطح دانش عمومی و ... این بخش از پیشرفت های بشر را برای مخاطبان شرح دهند. (آمارهای این بخش در ضمیمه آمده است.) آنگاه مجریان روی دیگر این سکه را به مخاطبان نشان می دهند که حاکی از عدم توانایی این روش در حل بسیاری از مشکلات حداقل تا زمان حاضر بوده است، علیرغم تمام نتایج مثبتی که پیش از این داشته است. و بیان میشود که گرچه رشد علم و فناوری بسیاری از مشکلات ما را حل کرده است، اما هنوز هم بسیاری از مسائل و مشکلات اساسی بشر (شامل جنگ و کشتار، فقر و گرسنگی، بیماری و بیسوادی، مشکلات اخلاقی و ...) حل نشده باقیمانده است و بلکه این پیشرفت تکنولوژی خود منشاء مشکلات جدیدتری هم شده است که عوارض جانبی این پیشرفت ها بوده است. اشاره ی مجریان محترم به چند نمونه از مشکلاتی که امروزه بشر با آن دست و پنجه نرم می کند و بیشتر وجود نداشته اند، همچون مقاوم شدن باکتری ها و ویروس ها در برابر داروها و آنتی بیوتیک ها، افزایش وحشتناک وسعت و قدرت تخریب جنگ افزارها و سلاح های کشتار جمعی، بحران های زیست محیطی همچون کمبود آب، خشکسالی، افزایش آلاینده ها، گرم شدن زمین و افزایش سطح آب اقیانوس ها، سرقت اطلاعات شخصی و داراییهای افراد از طریق فضای مجازی، کاهش ارتباطات عاطفی و معضل افسردگی و .. میتواند در روشن شدن موضوع برای مخاطبان مفید باشد. (آمارهای این بخش نیز در ضمیمه آمده است. دقت

فرمایید که در هر دو بخش مثبت و منفی پیشرفت تکنولوژی نگاه ما به عموم بشر و کره زمین می باشد، نه یک منطقه ی خاص جغرافیایی یا یک کشور) سپس مجریان در جمع بندی این روش به این نکته متذکر میشوند که با وجود اینکه ممکن است روزی برسد که بشر بتواند با این پیشرفت ها تمام مشکلات خود از جنگ و فقر و گرسنگی و بیماری و ... را حل کند، ولی حتی دانشمندان نیز نمیتوانند زمانی را برای آن روز پیشینی کنند زیرا این مسیر بر پایه ی آزمون و خطا بنا شده است. به تعبیر دیگر بشر در این راه با تکیه بر توان و دانش خود راه حل هایی را آزموده و مسیرهای بهتر را انتخاب میکند. اما چه کسی میتواند بگوید با این مسیر چه زمانی تمام مشکلات بشر خاتمه می یابد و به سر منزل مقصود میرسد؟

آیا عمر من و شما یا حتی بچه ها و نوه های ما به دیدن آن روزگار قد خواهد داد؟ در ادامه مجریان محترم مسیر دیگری را که شخصیت های داستان بر مبنای عقل و اخبار انبیاء انتخاب کردند و با آن به نتیجه ی مطلوب رسیدند را برای مهمانان بیان می کنند. بدین ترتیب که در این داستان قوم حضرت یونس (یا شیعیان بحرین) که دچار مشکل شده بودند، راه دومی را انتخاب کردند؛ چون فرصتی برای آزمون و خطا نداشتند و اگر راه حلی پیدا نمیکردند در طوفان و تندباد (یا توسط پادشاه بحرین) از بین میرفتند. آنها به خودشان آمدند و به کسی مراجعه کردند که درد و درمان

ص: ۱۷۳

را با هم میداند و به نیازهای بشر از خود او آگاه تر است و بر حل مشکلاتش از همه تواناتر. لذا همگی دست به دعا برداشتند و از صمیم قلب از خداوند خواستند تا آنها را از این مشکل نجات دهد. آنگاه مجریان محترم انتهای داستان قرائت شده را نیز برای مهمانان بیان می کنند. (انتهای داستان در ضمایم آمده است.) آنچه که در اینجا و پس از بیان داستان باید مورد تأکید قرار بگیرد این است که در هر دو داستان مردم با حال اضطرار و درماندگی به درگاه خداوند آمدند، و به صورت جمعی و همگانی، یک دل و یک صدا طلب راه نجات نمودند و اینکه خداوند متعال کریم تر و رحیم تر از آن است که اگر مردم همگی دست به دعا بردارند و از او کمک بخواهند پاسخ آنها را ندهد.

در تکمیل این مطلب مجریان می توانند از آیات و روایت مرتبطی که در ضمایم آمده است بهره ببرند. من جمله این که خداوند در قرآن بیان فرموده است که اگر امتی میخواهند خداوند وضعشان را تغییر دهد نباید بنشینند و دست روی دست بگذارند (ان الله لا یغیر ما بقوم حتی ینظروا ما بانفسهم) و اینکه هنگامی که مردم دست به دعا بردارند و از خداوند کمک بطلند خداوند قطعاً پاسخ آنها را خواهد داد (ادعونی استجب لکم). مجریان میتوانند در پایان این سیر بحث اگر داستان قوم حضرت یونس علیه السلام قرائت شده داستان انار را نیز مطرح کنند و اگر داستان انار قرائت شده داستان قوم بنی اسرائیل و دعای دسته جمعی آنها برای ظهور

منجیشان را که سبب کوتاه شدن دوران غیبت حضرت موسی علیه السلام گشت، بیان نمایند و در ادامه ی آن حدیث امام صادق علیه السلام را که فرمودند شیعیان نیز باید همین طور برای ظهور امام زمان علیه السلام دعا نمایند. همچنین میتوان از حدیث امام زمان علیه السلام درباره ی دعا (و اکثروا الدعاء بتعجيل الفرج فان ذلك فرجکم) و توقیع آنحضرت به شیخ مفید (و لو ان اشیاعنا وفقهم الله لطاعته علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تأخر عنهم الیمن بلقائنا...) نیز بهره برد.

در انتها از مهمانان میز خواسته میشود تا همچون قوم حضرت موسی و یونس علیهما السلام دست به دعا برداشته و از خداوند بخواهیم آن نجات دهنده پنهان از نظر را آشکار کند تا با ظهورش، زمین گلستان گردد. چرا که گشایش امور ما به همین خواسته گره خورده است.

ضمایم سناریو:

ضمیمه ۱: کلیپ سخت ترین شغل دنیا

کلیپ سخت ترین شغل دنیا لطفا این کلیپ را که پیرامون محبت بدون چشم داشت مادران می باشد، در آدرس زیر مشاهده بفرمایید:

<https://goo.gl/hKEbx6>

ضمیمه ۲: ماجرای قوم حضرت یونس علیه السلام در قرآن و روایات:

آیات قرآن

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ (۹۶) وَ لَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۹۷) فَلَوْ لَا كَانَتْ قُوَّةٌ أَمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ (۹۸) در حقیقت کسانی که سخن پروردگارت بر آنان تحقق یافته ایمان نمی آورند. هر چند هرگونه آیتی بر ایشان بیاید، تا وقتی که

ص: ۱۷۵

عذاب دردناک را ببینید. چرا هیچ شهری نبود که [اهل آن] ایمان بیاورد و ایمانش به حال آن سود بخشد؟ مگر قوم یونس که وقتی [در آخرین لحظه] ایمان آوردند، عذاب رسوایی را در زندگی دنیا از آنان برطرف کردیم و تا چندی آنان را برخوردار سازیم. (سوره یونس آیات ۹۶ تا ۹۸)

ماجرای نزول عذاب بر قوم حضرت یونس

علی بن ابراهیم قمی از ابن ابی عمیر از جمیل نقل میکند: حضرت اباعبدالله امام صادق علیه السلام به من فرمود: خداوند عذاب را از هیچ قومی برطرف نساخت، مگر قوم یونس و جریان به این صورت بود که یونس علیه السلام آنها را به اسلام فراخواند اما آنها ابا کردند، پس یونس تصمیم گرفت آنها را نفرین کند. در میان آنها دو مرد عابد و دانشمند زندگی می کردند که نام آن عابد ملیخا و روبیل بود. مرد عابد یونس را بر نفرین قوم ترغیب میکرد اما مرد دانشمند او را از این عمل نهی مینمود و میگفت:

قومت را نفرین نکن، چون خداوند با اینکه دوستدار هلاک بندگان خود نیست دعای تو را اجابت می کند، اما یونس قول عابد را پذیرفت و قول دانشمند را قبول نکرد و قومش را نفرین نمود، خداوند هم به او وحی نمود که عذاب در چه سالی و در چه ماهی و در چه روزی روی میدهد. وقتی زمان عذاب نزدیک شد، یونس به همراه مرد عابد از میان قوم خارج شد، ولی مرد عالم در میان قوم باقی ماند، وقتی روز عذاب فرا رسید مرد عالم به مردم گفت: ای قوم به

درگاه الهی پناه ببرید و تضرع کنید شاید به شما رحم کند و عذاب را از شما برطرف سازد، مردم گفتند: چه کنیم؟ عالم گفت: بسوی بیابان بروید و میان زنان و کودکان جدایی افکنید و شتران ماده را از کوزه هایشان جدا کنید و میان گاوها و بچه هایشان و بچه هایشان نیز چنین کنید، سپس به دعا و گریه و تضرع پردازید. مردم هم رفتند و چنین کردند، ضجه زدند و گریستند تا خداوند به آنان رحمت نمود و عذاب را از ایشان بر طرف نمود و بر کوه ها وارد کرد در حالیکه عذاب به آنها خیلی نزدیک شده بود. بعد از آن حضرت یونس علیه السلام به میانشان بازگشت تا ببیند خدا چگونه آنها را هلاک نموده است، که دید مزرعه داران در زمین هایشان زراعت می کنند. به آنها گفت: چه بر سر قوم یونس آمد؟ آنها که یونس را نمی شناختند، گفتند: یونس آنها را نفرین نمود، خداوند هم دعای او را اجابت کرد و نشانه های عذاب هم بر آنها ظاهر شد اما آنها اجتماع کرده و گریه و زاری نمودند و به درگاه الهی دعا کردند، پس خداوند هم به آنها رحمت نمود و عذاب را از آنها بر طرف کرد و بر کوه ها نازل نمود، و اکنون آنها در طلب یونس هستند تا به او ایمان بیاورند... (بحار الأنوار ط - بیروت)، ج ۱۴، ص ۳۸۱) امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند از قومی عذابی را رد نکرد بعد از آنکه بر آنها نازل شده بود مگر قوم یونس. پرسیدند

آیا نزدیک سر ایشان شده بود؟ فرمود: بله آنقدر نزدیک سر ایشان رسیده بود که دستشان به آن میرسید... (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۴، ص ۳۸۶)

ضمیمه ۳: ماجرای انار و تشریف محمد بن عیسی بحرینی

و دیگر حکایتی است که یکی از افاضل کرام و ثقات اعلام به من خبر داد. او میگفت: شخصی که من به او اطمینان دارم این حکایت را از کسی که او را موثق میدانست و بسیار میستود، نقل کرد و گفت: موقعی که شهر بحرین در تصرف فرنگیان بود، شخصی از مسلمین را به حکومت آنجا گماشتند تا موجب آبادی بیشتر آنجا شود و بهتر بتواند به وضع اهالی رسیدگی کند. این والی مردی ناصبی بود. به علاوه وزیری داشت که تعصبش از وی بیشتر بود و دشمنی خود را نسبت به اهل بحرین که دوستدار اهل بیت بودند، اظهار میکرد، و برای نابودی و زیان رساندن به آنها حیلها مینمود. یک روز وزیر در حالی که اناری در دست داشت نزد والی رفت و انار را به او داد. که بر روی پوست انار نوشته شده بود: لا اله الا الله، محمد رسول الله، ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله. والی وقتی به دقت آن را نگریست، دید که این عبارت به طور طبیعی روی پوست انار نوشته شده، بطوری که احتمال اینکه ساخته دست بشر باشد وجود نداشت و از این ماجرا در شگفت ماند! والی به وزیر گفت: این دلیل روشن و برهان محکمی است بر ابطال مذهب رافضی ها (شیعیان) نظر تو درباره مردم بحرین

ص: ۱۷۸

چیست؟ وزیر گفت: اینها جماعتی متعصب می باشند و دلائل را انکار میکنند، پس خوب هست تا آنها را حاضر نمایند و این انار را به آنها نشان داده، اگر پذیرفتند و به مذهب ما درآمدند شما ثواب فراوان برده اید، و چنانچه نپذیرفتند و همچنان بر گمراهی خود باقی ماندند، آنها را در قبول یکی از سه راه مخیر گردان؛ یا حاضر شوند با ذلت و خواری- مثل یهود و نصاری- جزیه بدهند، و یا جوابی برای این دلیل روشنی که نمی توان آن را نادیده گرفت بیاورند، و یا اینکه مردان آنها کشته شوند و زنان و اولاد ایشان اسیر گردند و اموالشان را به غنیمت گیریم. والی رأی وزیر را مورد تحسین قرار داد و به دنبال علما و افاضل و نیکان و نجبا و بزرگان شیعه بحرین فرستاد و آنها را احضار نمود و انار را به آنها نشان داد و گفت: اگر جواب کافی و قانع کننده ای نیاورید یا باید کشته شوید و اسیر گردید و اموالتان ضبط شود، و یا همچون کفار جزیه بپردازید.

آنها چون انار را دیدند سخت متحیر گشتند و نتوانستند جواب شایسته ای بدهند، رنگ صورتشان پرید و بندهاشان به لرزه افتاد.

سپس بزرگان آنها به والی گفتند: ای امیر سه روز به ما مهلت بده شاید بتوانیم جوابی که مورد پسند واقع شود بیاوریم و گر نه هر طور میخواهی میان ما حکم کن. والی هم به آنها مهلت داد، رجال بحرین در حالی که هراسان و مرعوب و متحیر بودند، از نزد والی بیرون آمده، در مجلسی جمع شدند و به مشورت پرداختند.

رای همه بر این متفق شد که از میان صلحا و زهاد بحرین، ده نفر و از میان آن ده نفر هم سه نفر را انتخاب کنند. چون چنین کردند به یکی از آن سه نفر گفتند تو امشب را به بیابان برو و خدا را عبادت نما و به امام زمان استغاثه بگو و یاری بخواه! که او حجت خدا بر ماست شاید علت این مساله را بر ما روشن سازد. او هم رفت و تمام شب را به حال تعیّد و خشوع بیتوته کرد و خدا را می خواند و گریه میکرد و از امام فریادرسی میخواست تا اینکه صبح شد. ولی چیزی ندید پس برگشت و جریان را به آنها اطلاع داد.

شب دوم هم نفر دوم آنها رفت و او نیز مانند شخص نخست برگشت و خبری نیاورد و بر اضطراب و پریشانی و جزع آنها افزود.

آنگاه نفر سوم را که مردی پاک سرشت و دانشمند بود و نامش محمد بن عیسی بود، خواستند و او شب سوم را با سر و پای برهنه روی به بیابان نهاد. آن شب، شب تاریکی بود. محمد بن عیسی تمام شب را مشغول دعا و گریه و توسل بخدا بود برای رهائی شیعیان و رفع این بلا از آن ها و همچنین به حضرت صاحب الزمان علیه السلام استغاثه نمود.

در آخر شب ناگاه دید مردی او را مخاطب ساخته و میگوید: ای محمد بن عیسی! چه شده که تو را به این حالت میبینم، و برای چه به این بیابان آمده ای؟ گفت: ای مرد مرا به حال خود واگذار. من برای

کار بزرگ و مطلب مهمی بیرون آمده ام که آن را جز برای امام خود نمی گویم، و ناراحتی خودم را تنها نزد کسی که بتواند آن را برطرف نماید اظهار میکنم. گفت: ای محمد بن عیسی! صاحب الامر من هستم. حاجتت را بگو، گفت: اگر تو صاحب الامر می باشی داستان مرا میدانی و نیازی نداری که من آن را شرح بدهم. فرمود: آری تو بخاطر مشکلی که انار برای شما ایجاد کرده و مطلبی که بر آن نوشته شده، و تهدیدی که والی نموده است به بیابان آمدهای! محمد بن عیسی وقتی این را شنید به طرف او رفت و عرض کرد: آری ای آقای من! شما میدانید که ما چه حالی داریم شما امام و پناهگاه ما می باشید و قادر هستید که این خطر را از ما برطرف سازید. حضرت فرمود: ای محمد بن عیسی! وزیر ملعون درخت اناری در خانه خود دارد. هنگامی که این درخت میوه داد، قالبی از گل به شکل انار در دو نصف ساخته و درون هر نصفی از آن قسمتی از آن کلمات را نوشته است، آنگاه آن قالب گلی را روی انار نهاده و در وقتی که انار کوچک بود توی آن گذاشته و آن را محکم بسته است. آنگاه به مرور که انار بزرگ شده آن نوشته در پوست انار تأثیر بخشیده تا به این صورت درآمده است! فردا صبح نزد والی برو و به او بگو: جواب تو را آورده ام ولی بر او جواب را آشکار مکن مگر در خانه وزیر. وقتی به خانه وزیر رفتید به سمت راست خود نگاه

کن که اتاقی را میبینی. آنگاه به والی بگو: جواب تو در همین اتاق است.

وزیر میخواهد از نزدیک شدن به اتاق سر باز زند ولی تو اصرار کن و راضی به جلوتر رفتن او نشو و هنگامی که داخل شد تو هم داخل شو و او را تنها مگذار تا مبادا از تو جلو بیافتد! هنگامی که وارد اتاق شدی در دیوار آن سوراخی میبینی که کیسه سفیدی در آن است. آن را بردار، در آن قالب گلی انار که برای این حیل خود ساخته است، میبینی. سپس آن را جلو والی نهاده و انار را هم در آن بگذار تا حقیقت مطلب برای او روشن گردد! همچنین ای محمد بن عیسی به والی بگو: ما معجزه دیگری هم داریم و آن اینکه داخل این انار جز خاکستر و دود چیزی نیست، اگر میخواهی صحت آن را بدانی به وزیر امر کن آن را بشکند وقتی وزیر آن را شکست دود و خاکستر آن به صورت و ریش او میپاشد. وقتی محمد بن عیسی این سخنان را از امام شنید بسیار مسرور گردید و دست مبارک امام را بوسید و با مژده و شادی پیش مردم برگشت.

چون صبح شد پیش والی رفتند و محمد بن عیسی همه آنچه را که امام دستور داده بود عمل کرد و همه آنچه را حضرت به او گفته بودند به آنها خبر داد، سپس والی رو کرد به محمد بن عیسی و پرسید چه کسی این را به تو خبر داد؟ گفت: امام زمان ما و حجت خدا بر ما. پرسید امام شما کیست؟ او هم یک

ص: ۱۸۲

یک ائمه را به وی معرفی کرد تا به امام زمان صلوات الله علیه رسید. والی گفت: دستت را دراز کن تا من گواهی دهم که نیست خدائی مگر خداوند یگانه و اینکه محمد بنده و پیامبر اوست. و خلیفه بلافضل بعد از او امیرالمؤمنین علیه السلام است آنگاه اقرار به تمام ائمه تا آخر آنها نمود و ایمانش نیکو گشت. سپس دستور داد وزیر را به قتل رساندند و از مردم بحرین معذرت خواست و نسبت به آنها نیکی نمود و آنها را گرامی داشت. ناقل حکایت گفت:

این حکایت نزد اهل بحرین مشهور و قبر محمد بن عیسی در آنجا معروف است و مردم به زیارت آن می روند. (۱)

ضمیمه ۴: روایت امام رضا علیه السلام در معرفی امام

امام رضا علیه السلام فرمودند: امام مونس مهربان و پدر دلسوز و برادر همسان و مادر نیکوکار نسبت به فرزند کوچک و پناه بندگان در گرفتاری سخت هست... (الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۱، ص ۲۰۰، ح ۱)

ضمیمه ۵: تشریح سید بن طاوس در سرداب مقدس سامرا

از قول سید بن طاوس نقل شده است که: در سحرگاهی در سرداب (سامرا) این مناجات را از حضرت صاحب الزمان علیه السلام شنیدم: خدایا! شیعیان ما از پرتو انوار ما و باقیمانده طینت ما آفریده شده اند. آن ها گناهان زیادی به اتکای محبت و ولایت ما مرتکب گشته اند. اگر آن گناهان در ارتباط با تو (حق الله) است، از آن ها در گذر که در این صورت ما را راضی کردهای و اگر میان خود ایشان (حق

ص: ۱۸۳

۱- (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵۲، ص ۱۷۸)

الناس) هست، خود بین آن‌ها را اصلاح کن و از خمسی که حق ماست به آن‌ها بده تا راضی شوند و آنان را در بهشت وارد ساز و از آتش جهنم نجات ده و ایشان را با دشمنان ما در عذاب و غضب خود جمع نفرما.

نقل دیگر: خدایا همانا شیعیان ما از باقی مانده طینت ما خلق شده اند و به ماء ولایت ما عجین شده اند. گناهانی را که ایشان با اتکا بر حب و ولای ما انجام داده اند در روز قیامت ببخش و به واسطه اکرام مقام ما، ایشان را به خاطر آن گناهانی که مرتکب شده اند گرفتار مساز و آنها را در مقابل دشمنان ما مؤاخذة نفرما و اگر ترازوی اعمالشان سبک است آن را به اضافی نیکی های ما سنگین بگردان. (۱)

ضمیمه ۶: ماجرای بیمار شدن زمیله از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام

شخصی به نام رمیله می گوید: در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام سخت بیمار شدم تا آنکه در روز جمعه قدری احساس سبکی کردم. با خود گفتم: بهتر از هر چیزی این است که آبی بر روی خود بریزم و بروم پشت سر امیرالمؤمنین نماز بخوانم. همین کار را کردم، آنگاه به مسجد رفتم. وقتی آن حضرت بالای منبر رفتند، حال من دوباره سخت شد. وقتی امیرالمؤمنین از مسجد برگشتند و داخل دارالحکومه شدند، من همراه ایشان داخل شدم. ایشان به من فرمودند: ای رمیله! دیدم به خودت می پیچیدی؟ عرض کردم: بلی! جریان بیماری خود را برای ایشان تعریف کردم و انگیزه حضور خود را در نماز بیان داشتم. ایشان فرمودند:

ای

ص: ۱۸۴

۱- (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵۳، ص ۳۰۲، حکایت ۵۵)

رميله، هيچ مومني بيمار نمي شود، مگر اينكه ما هم به خاطر او بيمار مي شويم، غمگين نمي شود مگر اينكه ما هم در غم او غمگين مي شويم، هيچ دعائي نمي كند مگر آنكه به دعاي او آمين مي گوييم، سكوت نمي كند مگر آنكه ما برايش دعا مي كنيم. عرض كردم: اي اميرمومنان، فدايت كردم؛ اين گفته شما حتما مربوط به كساني هست كه با شما در اينجا (دارالحكومه) هستند. (يعني كسانيكه شما آن ها را مي بينيد و از حالشان باخبريد) پس در مورد آن كساني كه در ديگر جاهاي زمين هستند چطور؟ امام عليه السلام در جواب فرمودند:

اي رميله، هيچ مومني در شرق و غرب زمين از ما پنهان نيست. (۱)

ضميمه ۷: توقيح امام زمان عليه السلام خطاب به شيخ مفيد در خصوص رسيدگي ايشان به شيعيان

امام زمان عليه السلام در توقيعي خطاب به شيخ مفيد مي فرمايند: از تمام حوادث و ماجراهائي كه بر شما مي گذرد كاملا مطلع هستيم و هيچ چيز از اخبار شما بر ما پوشيده نيست. از خطاها و گناهاني كه بندگان صالح خداوند از آنها دوري مي كردند ولي اكثر شما مرتكب آن شديد نيز باخبريم. از عهدشكني ها و پشت سر گذاشتن عهد و پيمان ها با اطلاعيم. گويي اينها از لغزش هاي خود خبر ندارند. ما هرگز امور شما را مهمل نگذاشته و شما را فراموش نمي كنيم و اگر اينچنين نبود مصائب و حوادث بر شما نازل مي شد و دشمنان شما را از بين مي بردند... (۲)

ص: ۱۸۵

۱- (بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلي الله عليهم، ج ۱، ص ۲۶۰)

۲- (بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۵۳، ص ۱۷۵)

ضمیمه ۸: حدیث امام صادق علیه السلام به زید شَ حَام در خصوص دلسوزی ایشان به شیعیان

زید شحام روایت می کند: امام صادق علیه السلام به من گفت:

چند سال داری؟ گفتم: این مقدار. فرمود: در عبادت خدایت بکوش و توبه ات را تجدید نما. پس گریستم. حضرت پرسید: چه چیزی تو را گریانند؟ گفتم: خبر مرگ مرا دادی. فرمود: خوشحال باش؛ چون از شیعیان ما هستی و با ما در بهشت خواهی بود. صراط و میزان و حساب شیعیان به دست ماست. و به خدا سوگند! ما به شما از خودتان دلسوزتر هستیم و من به درجه تو در بهشت و رفیقت حارث بن مغیره نضری نگاه میکنم. (۱)

ضمیمه ۹: احادیث پناه و کهف بودن امام

هر کس که به دامن شما در آویزد بدامن لطف خدا در آویخته است. شما ناید ... همان دری که مردم در ورود به آن آزمایش میشوند.

هر کس که بسوی شما آمد نجات یافت، و هر کس که بسوی شما نیامد هلاک شد... هر کس که از شما جدا شد گمراه شد، و هر کس که بشما تمسک نمود رستگار شد، و هر کس که بشما پناه برد ایمن شد، و هر کس که شما را تصدیق کرد سالم ماند، و هر کس که دست به دامن شما زد هدایت یافت. هر که پیروی شما کرد مأواش بهشت است. و هر که مخالفت شما کرد جایگاهش جهنم است. (۲) حضرت باقر علیه السلام فرمودند:

ای مردم، اهل بیت پیامبر شما ... همان رحمت پیوسته و کهف حصین (غار پناه) برای مومنان هستند و نور دیدگان رهیافتگان و نگهدارنده کسانی اند که به آنان پناه برند و مایه امنیت کسانی هستند که از آنها کمک می

ص: ۱۸۶

۱- (الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۷۱۴، ح ۱۰؛ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۷، ص ۳۴۳، ح ۳۳)

۲- (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳؛ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۹، ص ۱۲۹)

خواهند و مایه نجات کسانی هستند که از آنها تبعیت کنند... رستگار می شود کسی که به ایشان متمسک باشد و کسی که از آنها روی گرداند از دین خارج است و کسی که ملازمانش گردد به آنها می پیوندند و آنها بایی هستند که به وسیله آن آزمون شوند، هر که به سوی آن بیاید نجات یابد و هر که ابا کند گمراه شود. (۱) ابو الوفاء شیرازی می گوید که در خواب رسول الله را دیدم که به من فرمودند: چون امر بر تو بسیار سخت شد به حجت (امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) استغاثه نما که او به فریادت می رسد و او فریاد رس و کهنی است برای کسانی که به استغاثه برند. پس بگو: یا مولای یا صاحب الزمان انا مستغیث بک. (۲)

ضمیمه ۱۰: آیه قرآن پیرامون اینکه با خواست و تلاش مردم، خداوند مقدرشان را تغییر میدهد.

لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءَ فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ (۱۱) همانا خداوند حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند، و چون خداوند برای قومی بدی خواهد، هرگز آن را بازگشت نباشد و غیر از او برای ایشان حمایت گری نیست. (سوره رعد آیه ۱۱)

ضمیمه ۱۱: حدیث امام رضا علیه السلام پیرامون لزوم همراهی عمل با زبان

حضرت رضا فرمودند: هفت چیز بدون هفت چیز دیگر مسخره است؛ هر که با زبان استغفار کند ولی

ص: ۱۸۷

۱- (تفسیر فرات کوفی، ص ۳۳۷؛ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۶، ص ۲۵۵، ح ۳۱)

۲- (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵۳، ص ۳۲۴)

قلبا پشیمان نباشد خودش را مسخره کرده؛ هر که از خدا توفیق بخواهد و کوشش ننماید خودش را مسخره کرده؛ هر که در طلب احتیاط باشد ولی باکی نداشته باشد خودش را مسخره نموده؛ هر که از خدا بهشت بخواهد ولی بر گرفتاریها صبر نکند خودش را مسخره کرده؛ و هر که بخدا پناه برد از آتش جهنم ولی ترک شهوات دنیا را ننماید خودش را مسخره کرده؛ و هر که خدا را یاد کند ولی برای دیدارش سبقت نگیرد خودش را مسخره کرده است.

ضمیمه ۱۲: توقیع امام زمان علیه السلام به اسحاق بن یعقوب و توصیه به دعای بر فرج

امام عصر علیه السلام در ضمن توقیعی مفصلی به اسحاق بن یعقوب در مورد دعا بر تعجیل فرج چنین بیان فرموده اند:

... برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید که فرج شما در همین هست .. (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲ ، ص ۴۸۳ ، ح ۴) عبارات توقیع نشان میدهد که منظور از کلمه "الفرج" در کلام حضرت، فرج نهایی و پایان یافتن غیبت ایشان هست. مشارالیه کلمه "ذلک" میتواند به دعا کردن یا زیاد دعا کردن باشد. بنابراین معنای "فان ذلک فرجکم" در حالت اول اینچنین هست: دعا کردن برای تعجیل فرج، فرج شماست. در حالت دوم یعنی زیاد دعا کردن برای تعجیل فرج، فرج شماست. در حالت دوم چون "ذلک" اسم اشاره به بعید هست بنابراین مرجع دورتر میتواند محتمل تر باشد.

ضمیمه ۱۳: حدیث امام صادق علیه السلام پیرامون ماجرای قوم بنی اسرائیل و دعا برای حضرت موسی علیه السلام

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

ص: ۱۸۸

... چون بنی اسرائیل از ظلم و ستم فرعون به ستوه آمدند، به درگاه الهی روی آورده، چهل صبح نالیدند و دعا کردند. (تا اینکه خداوند متعال درخواست آنان را اجابت فرمود) و به حضرت موسی و هارون وحی نمود تا آنها را از ظلم فرعون خلاصی بخشند و ۱۷۰ سال از زمانی را که قرار بود حضرت موسی بعد از آن زمان به نجات بنی اسرائیل بشتابد از آنان برداشت. آنگاه امام صادق، فرمودند: همین طور شما نیز اگر چنین کنید (یعنی همگی به درگاه خدا بنالید و دعا نمایید) خداوند به کار ما گشایش خواهد داد (و فرج ما را خواهد رسانید). و اما اگر این چنین نکنید، این امر (غیبت) تا نهایت خود طول خواهد کشید. (تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۲۵، ح ۱۳؛ بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵۲، ص ۱۳۱، ح ۳۴)

ضمیمه ۱۴: توقیع امام زمان علیه السلام خطاب به شیخ مفید و دعوت آنها به اتحاد بر وفای به عهد

این نامه که در اوایل دوران غیبت کبری برای شیخ ابوعبدالله محمد بن نعمان ملقب به شیخ مفید - از بزرگترین فقهای تاریخ شیعه - شرف صدور یافته است. جالب توجه هست که حضرت در این نامه همان مقدار از غیبت (یعنی ۹۰ سال تا زمان شیخ مفید) را تاخیر یاد کرده اند و در بخشی از این نامه ماجرای را برای شیعیان یادآور میشوند:

ص: ۱۸۹

ضمیمه ۱۵ : قصیده سید حلاوی و توصیه امام زمان علیه السلام به دعای بر فرج

سید حلاوی (سید حیدر بن سلیمان حلی حسینی (۱۳۰۴ - ۱۲۴۶ ق) شاعر شهیر عراق)، قصیده‌ی شکوائیه‌های گفته بود و در آن خطاب به صاحب الزمان ارواحنا فداه عرضه داشت: یابن العسکری، تا کی پنهانی؟ شیعه در رنج و زحمت هستند و همه گرفتاری شیعیان و درد و رنج و شکنجه و مصائب آنها را بر شمرده بود... و این قصیده را در چندین مجلس خوانده بود. شبی، یکی از خوبان و پاکان در نجف اشرف خدمت امام زمان علیه السلام مشرف شد که حضرت به او فرمودند به سید حیدر بگو: سید! این قدر دل مرا مسوزان، این قدر گرفتاری شیعیانم را مشمار، دلم از شنیدن آنها کباب میشود. (فان الامر لیس بیدی؛ یعنی ظهور به دست من نیست)، کار دست خداست. بگو: دعا کنید و از خدا فرج مرا بخواهید تا خدا فرج مرا برساند؛ دست مرا باز کند تا گرفتاری دوستانم را برطرف نمایم.

ضمیمه ۱۶ : ماجرای دو تشریف خدمت امام زمان علیه السلام و تذکر به اینکه مردم برای ایشان دعا نمی کنند

مرحوم حاج محمدعلی فشنیدی میگوید: در مسجد مقدس جکران، اعمال را به جا آورده بودم و با همسر می آمدم. دیدم آقای نورانی داخل صحن شده‌اند و قصد دارند به طرف مسجد بروند. با خود گفتم: این سید نورانی در این هوای گرم تابستان، از راه رسیده و تشنه است. ظرف آبی به دست ایشان دادم. پس از آشامیدن ظرف آب را پس دادند. گفتم: آقا شما دعا کنید و فرج امام زمان را از خدا بخواهید تا امر ظهور نزدیک شود. فرمودند: شیعیان ما به اندازه آب خوردنی ما را نمیخواهند! اگر ما را

بخواهند، دعا میکنند و فرج ما میرسد. (شیفتگان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۱۵۵)

ضمیمه ۱۷: احادیث مربوط به ناگهانی بودن ظهور

عبدالعظیم حسنی نقل می کند که خدمت حضرت جواد رسیدم ... پس فرمودند: ای ابوالقاسم، همانا قیام کننده ی از ما همان مهدی ست که در دوران غیبتش باید انتظار او را کشید... همانا خداوند تبارک و تعالی امر (ظهور) او را در یک شب اصلاح می کند، همان گونه که امر کلیمش حضرت موسی (علیه السلام) را اصلاح نمود؛ آنگاه که رفت تا برای خانواده اش آتشی به دست آورد، پس بازگشت در حالی که پیامبر فرستاده شده بود. سپس فرمودند: برترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است. (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۱) اباصلت هروری از دعبل خزاعی نقل می کند که برای مولایم حضرت رضا (علیه السلام) قصیده ام را سرودم ... پس فرمودند: ... پدرم از پدرش از پدرانش روایت کرده اند که به پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفته شد: ای رسول خدا، قائم از فرزندان شما چه زمان ظهور می کند؟ حضرت فرمودند: مثل او چون مثل الساعه (قیامت) است که وقت آن را جز خداوند نمی داند، جز این نیست که ناگهانی بر شما می آید. (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۵، ح ۳۵) ام هانی از حضرت باقر (علیه السلام) نقل می کند که فرمودند: ... (شهاب) شکافنده در شب تاریک (امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) همچون سنگ آسمانی ظاهر می شود. (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۴، ص ۷۸، ح ۱۸)

ص: ۱۹۱

این فایل را که پیرامون پیشرفت های بشر و عوارض جانبی آن ها می باشد، در آدرس زیر مشاهده بفرمایید:

<https://goo.gl/DZDhyg>

[UNESCO, ۲۰۱۴ [http://unesdoc.unesco.org/images/0023/002351/235120m.pdf

World Health Organization WHO, ۲۰۱۸ [http://who.int/en/news-room/fact-sheets/detail/poliomyelitis

Huffington Post, ۲۰۱۴ [https://www.huffingtonpost.com/eric-holt-gimenez/world-hunger_b_۱۴۶۳۴۲۹.html

World Tourism Organization UNWTO, ۲۰۱۵ [http://media.unwto.org/press-release/۲۰۱۵-۰۱-۲۷/over-۱۱billion

[Bill Gates [https://insidebitcoins.com/news/bill-gates-almost-everyone

تاک شو غربت خانگی

گاهی اوقات پیش می آید که انسان از شهر و دیار خود بیرون می رود و به میان جمعی که با آنان آشنایی ندارد، قدم می گذارد، این تنهایی او را آزار می دهد. نه آن جمع او را می شناسد و نه او آنان را، از دوستان و همرازان خود دور است. به گاه نیاز، آنان که به حکم قرابت به حل مشکل او می شتافتند، حضور ندارند. احترامی را که در جمع نزدیکان داشت اینجا ندارد. اختلاف زبان و فرهنگ او را آزار می دهد. هر کسی به کار خویش مشغول است و ... هریک از اینها در جاتی از رنج را به دنبال دارد.

اما اگر همین اتفاق در شهر و محل سکونت او پیش بیاید درد آن بیشتر و رنجش دو چندان است. چراکه انتظار آن است انسان در شهر خود آشنایی داشته باشد تا دل تنگ نگردد و به رنج نیفتد. و هر چه این دایره تنگ تر گردد، بار غربت سنگین تر و غم آن جانکاه تر میشود .

اوج این رنج آن جاست که انسان در میان همسر و فرزندان خود یعنی در خانه ی خویش دچار تنهایی

شود که این بسیار محنت زا است. فرد تأمین معاش اعضای خانواده ی خود را عهده دار باشد و در انجام این امر به جد بکوشد؛ اما آنان نه تنها از در سپاس و تشکر از او بر نیایند، بلکه اساساً وی را تحویل نگرفته و محلی از اعراب برای وی قائل نباشند. سهل است که اصلاً فراموش کنند که آب و نان ایشان را چه کسی تأمین می کند و با بی خبری بخورند و بیاشامند و برخیزند و به کنجی خزند.

متأسفانه شخصیت های الهی و امروزه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به این نوع غربت دچار هستند.

بگذریم از اینکه بسیاری حتی متذکر به وجود ایشان نیستند. یا آنان که به این حقیقت آگاه هستند جز شناخت شناسنامه ای ایشان آن هم گاهی ناقص بهره ای ندارند. بلکه در میان معتقدان به آن حضرت شئون و اوصاف ایشان مغفول مانده است.

اگر یک دانشمند فیزیک را به جمعی دعوت کنید و از او راجع به پیچیده ترین مسایل فیزیکی سوال نکنید، آیا او غریب نمانده است؟ اگر از محضر یک متخصص علوم تربیتی بهره علمی وافر نبرید او غریب نمانده است؟ اگر از یک قهرمان ورزشی رژیم ورزشی و تغذیه ای او را فرا نگیرید او غریب نمانده است؟ اگر از دانش یک مهندس با تجربه در توسعه تکنولوژی استفاده نشود، آیا او غریب نمانده است؟ امام زمان (علیه السلام) چقدر در میان معتقدان خویش به اوصاف و کمالاتش مشهور است؟ الان در فضاهای دانشگاهی اینکه رتبه علمی استاد به تایید کدام دانشگاه رسیده باشد، بسیار حائز اهمیت است. این استاد از دانشگاه

برکلی مدرک گرفته یا کالج حرفه و فن تانزانیا! بر اوصاف حضرت ولی عصر(علیه السلام) مهر تایید خداست با نشان اعلا درجه کیفیت.

اگر این را دانستیم برای علم به او مراجعه می کنیم. برای وسعت اخلاق به او مراجعه می کنیم. برای رزق پاکیزه به او مراجعه می کنیم. برای رهایی از مشکلات به او مراجعه می کنیم. و به این ترتیب دو مقصود همزمان محقق می شود: رفع غربت خانگی امام عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) و قرار گرفتن ما بر مدار پیشرفت و تعالی.

ناک شو کوه نوردی

مجریان محترم در ابتدا با پرسیدن سوالی مبنی بر اینکه: (آیا اهل کوه رفتن هستید؟ برای یک کوه پیمایی خوب به چه چیزهایی نیاز است؟) بحث را آغاز نموده و برای مهمانان توضیح می دهند که انسان برای آنکه یک کاری را شروع کند و با موفقیت از مبدا به مقصد برسد نیاز به یک سری ابزارهای بیرونی و درونی دارد.

آنگاه با آوردن مثال هایی، به بیان اهمیت وجود امکانات برای هر کاری می پردازند. به طور مثال یک کوهنورد برای آنکه بتواند قله بلندی را فتح کند، نیاز به کفش کوه، عصا، کوله و کاپشن خوب و با کیفیت دارد. نیاز به چادر و آذوقه دارد. نیاز به بیسیم و وسایل ارتباطی دارد.

یک فوتبالیست اگر کفش و لباس خوب داشته باشد، اینها باعث میشوند که بیشتر بدود، بهتر بازی کند و توانمندی هایش بیشتر دیده شود. اگر در یک کشور، پول و امکانات خوب و پیشرفته در اختیار دانشمندان و مهندسان بگذارند، سرعت رشد و پیشرفت دانش و فناوری در آن کشور دو چندان میشود.

اینها نمونه هایی از ابزار و توانمندی های بیرونی هستند.

سپس مجریان محترم سوال میکنند که: (آیا صرف داشتن امکانات باعث تضمین موفقیت در هر کاری است؟) و پس از گفت گویی درباره سوال، این نکته را یادآور می شوند که امکانات خوب شرط لازم است، اما کافی نیست. اگر بهترین توپ و کفش و زمین را در اختیار کسی بگذارند که فوتبال بلد نیست نمیتواند گل بزند. کسی که ترس از ارتفاع دارد و از نظر فیزیک بدنی ضعیف است، حتی با بهترین ابزار و لوازم موجود در بازار هم نمیتواند قله را فتح کند. روانشناس ها اسم این توانمندی درونی را میگذارند استعداد، هوش، نبوغ و امثال آن.

مجریان محترم برای بیان بهتر موضوع، توجه مهمانان را به شرایط فعلی نظام آموزشی کشور جلب میکنند که ایران بیش از ۵ برابر کشورهای پیشرفته جهان دانشگاه دارد. چرا که قریب به اتفاق پدر و مادرهای ایرانی، تنها راه موفقیت فرزندانشان را در تحصیلات آکادمیک و دانشگاهی میبینند و امروزه موسسات و مراکز مختلفی وجود دارند که انواع و اقسام تست و آزمون های شخصیتی را برگزار میکنند تا درون شما را به شما نشان دهند و به شما بگویند که در چه رشته تحصیلی ای باید درس بخوانید، چه ورزشی انجام دهید و یا چه شغلی باید داشته باشید. این موسسات از شما پول میگیرند و استعداد شما را برای شما کشف می کنند.

آنگاه به این نکته تذکر داده می شود که همه ی کارهایی که ما انسانها در طول زندگیمان انجام میدهیم، اعم از درس خواندن، کار کردن، تفریح کردن و حتی خوردن و خوابیدن،

ص: ۱۹۵

بخشی از یک امر مهم به نام زندگی است. یک جاده پر رمز و راز که با تولد شروع میشود و خط پایان آن مرگ است. طی کردن این مسیر مثال همان بالا رفتن از کوه است و دست خالی ممکن نیست.

نیاز به ابزار و امکانات درونی و بیرونی دارد. آن امکان درونیای که انسان از آن برای تشخیص درست و غلط زندگی، استفاده میکند؛ عقل است.

سپس مجریان برای روشنتر شدن موضوع؛ عقل را به چراغ خودرویی که در یک جاده تاریک حرکت میکند تشبیه می کنند که راه را روشن میکند و مسیر پیش رو را به راننده نشان میدهد که به چاه نیافتد و این نکته را یاد آور می شوند که داشتن چراغ برای طی مسیر کفایت نمیکند. راه که روشن شد و دو راهیها نمایان شدند، این تازه اول سردرگمی است. کدامین جاده را باید انتخاب کرد؟ هر تصمیم اشتباهی میتواند منجر به سقوط در دره و نابودی شود. لذا این راننده نیاز به یک امکان بیرونی به نام راهنما دارد.

در قسمت انتهایی باید ذهن مهمانان را به این نکته معطوف کرد که خدایی که این جهان را آفریده، در وجود انسان عقلانیت را قرار داده است. در کنار این عقلانیت، دین را فرستاده تا نقشه راه باشد و در کنار این نقشه راه، معلمش را هم فرستاده تا در فهم مسیر دچار ابهام و کج فهمی نشویم. خداوند هیچ گاه انسانها را بی رهبر و راهنما رها نکرده و هیچ وقت زمین از حجت خدا خالی نبوده است. و سپس تذکری به وجود امام زمان مان در

این دوران داده و می گویند که رهبر و راهنمای امروز ما انسانها، بزرگ مرد مهربانی است به نام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

بیش از هزار سال است امام مردمان دنیاست. تنها زندگی می کند. نماینده خدا روی زمین است. مانند پدری مهربان ما را دوست دارد. مثل خورشید پشت ابر نور لطفش بر ما می تابد. شاید هر کدام از ما بارها او را دیده باشیم اما نمیشناسیمش. او حواسش به احوالات ما هست، اما ما او را فراموشش کرده ایم. در میان این هیاهوی روزگار و این همه گرفتاری و مصائب این دنیا و در لایه لای اخبار داغ ارز و سکه و سیاست، آیا شده فکر کنیم که پس حجت خدا چه می شود؟ او کجاست؟ آیا اگر بود دنیا به این روز می افتاد؟ آیا آنقدر که نتایج فلان اتفاق و مذاکره را دنبال میکنیم، نگران نبودن صاحبمان هم هستیم؟ فکر نمی کنید وقت آن رسیده که خدا بوسیله ظهور امام عصر (ارواحنا فداه) دنیا را از این شرایطی که بشر برای خود درست کرده نجات دهد؟ پس بیاید از خدا بخواهیم آن راهنمای زندگی ما را برساند، آن پدر مهربانی که دست ما را در این آشفته بازار دنیا می گیرد و به سعادت و خوشبختی می رساند. آن کسی که در میان ما هست، ما و گرفتاریهای ما را می بیند و صدای ما را می شنود. پس ما می توانیم از او در زندگی کمک بخواهیم و او نیز ما را دوست دارد و به ما کمک می کند ان شاء الله.

(همچنین میتوانید به

ص: ۱۹۷

فایل‌های PDF که با همین عناوین هستند، رجوع نمایید: - نمایش گمارده - نمایش نه آن سوی ابر - نمایش امام مهدی علیه السلام - نمایش میثاق با منتظر - نمایش یک انتظار خسته

« مطالب آموزشی »

آموزش مفهوم انتظار

بچه های خوب سلام! حال شما خوب است؟ امیدوارم در همه حال موفق و پیروز باشید. با یک صلوات برای سلامتی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برنامه را شروع میکنیم: « اللهم صل علی محمد و آل محمد » به این شعر توجه کنید.

شب چی میشه؟ تموم میشه روز چی میشه؟ پیدا میشه

حق چی میشه؟ بر پا میشه***ظلم چی میشه؟ رسوا میشه

وقتی که شب تموم میشه***وقتی که روز پیدا میشه

وقتی که حق بر پا میشه***کی رهبر دنیا میشه؟!

حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)***رهبر خوب و مهربان

دشمن کل ظالمان***و حامی مبارزان

صاحب زمان چه وقت می آید؟***رهبر ما چه وقت می آید؟

وقتی خدا به او بگه***که بهر ما ظاهر بشه

خیلی ممنون. حالا من خطه ایی در تابلو میکشم. شما با وصل کردن خط ها به هم کلمه مورد نظر را به دست آورید.

۱۱۱ ← امام

آفرین، احسنت، دوستان را که کلمه مورد نظر را به دست آورد، خوب تشویق کنید: طیب طیب الله زنده باشی انشاءالله بله، کلمه مورد نظر ما « امام » است. بچه های خوب! آیا میدانید این اعداد چه ربطی به امامان : دارد.

۱۲-۱۱-۱

بله آفرین، ۱۲ نفر امام داریم. آفرین ۱۱ نفر از امامان شهید شدند و ۱ امام هم زنده است.

آن امام که زنده است، اسمش چه هست؟ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) من اعدادی را در تخته

نوشته ام. شما آن را با صدای بلند بخوانید. اگر این عددها را با دقت به هم وصل کنید، یک کلمه به دست می آید.

۱۰۰۱۱۱۱۱

حالا من مقداری به شما کمک میکنم تا شما خوب تشخیص دهید.

غیبت

بله، کلمه مورد نظر ما «غیبت» است.

بچه ها معنای غیبت در باره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را می دانید؟ شما اگر به این تصاویر خوب دقت کنید، معنای غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را میفهمید. (۱)



آفرین بر همه شما که خوب توضیح دادید.

آیا خورشید اگر پشت ابر باشد، میگوییم خورشید نیست و یا اگر شب باشد، میگوییم خورشید وجود ندارد؟ همه میدانیم که شب باشد یا روز، ابر باشد یا نباشد، خورشید وجود دارد.

حالا من یک حدیث در تابلو مینویسم. شما دو کلمه عالم و خورشید را به آن اضافه کنید و حدیث را کامل کنید.

امام مثل..... است که برای تمام..... میدرخشد.

امام مثل خورشید است که برای تمام عالم میدرخشد (۲).

همان طور که بودن خورشید در پشت ابر، برای هیچ کس قابل انکار نیست، وجود امام علیه السلام در عالم آفرینش و برای تک تک انسانها، قابل انکار نیست.

حُب با این توضیحات و تصاویر چه کسی از شما معنای غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را فهمید؟ درود بر شما! طیب طیب الله زنده باشی انشاء الله امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به معنای نبود امام نیست، بلکه غیبت، تنها آشکار نبودن امام است. مثل خورشید «غیبت» پس معلوم شد که در تصویر بالا که در پشت ابر است.

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم مثل خورشید است که پشت ابر مانده است، ولی گیاهان و موجودات عالم از آن استفاده می برند.

بله بچه ها! خورشید چون حقیقتش

ص: ۱۹۹

۱- مربی عکس کوه و ابر و خورشید را در تابلو می کشد.

۲- الامام كالشمس الطالعه للعالم (علی بن موسی الرضا علیه السلام) بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۳، باب ۴.

نور افشانی است، حتی اگر در پس ابرها هم باشد، عالم را با نورش و گرمایش بهره مند می کند، به طوری که روز ابری، هرگز مانند شب تاریک نیست، گرچه با روز آفتابی فرق دارد. درست به همین دلیل است که وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «چگونه مردم از امام غایب و پنهان بهره میبرند؟» فرمود: «همان گونه که از خورشید، زمانی که در پس ابرها قرار میگیرد، بهره مند میشوند (۱)».

حالا- که فهمیدیم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وجود دارد و همیشه در کنار ما هست و ما در تمام شبانه روز از آن امام بهره میبریم، یک وظیفه مهم در مقابل امام داریم. برای آن که بدانید وظیفه ما چیست، به کارتی که در دست من است خوب دقت کنید. (۲)

احسنت، دوستان را تشویق کنید.



طیب طیب الله، با امام باشی انشاء الله، زنده باشی انشاء الله

بله، کلمه مورد نظر ما انتظار است.

بچه های خوب! آیا میدانید معنای انتظار چیست؟ انتظار به معنای چشم به راه بودن می باشد. (۳) بچه های خوب و دوست داشتنی! چشم به راه بودن خالی که به درد نمیخورد. من یک جمله هم به آن اضافه میکنم. چشم به راه بودن زمانی معنا دارد که همراه با دوست داشتن باشد تا برای ما دارای فایده باشد.

مثلا کسی را که دوست دارید و منتظرش هستید و برای آمدن او لحظهشماری میکنید، ولی شخصی را که دوست ندارید، اگر هم بیاید شما زیاد خوشحال نمی شوید.

انتظار دو گونه است: من فقط حرف اول رامینویسم. شما کلمه کامل را برای من بیان کنید.

خ - ب

ص: ۲۰۰

۱- بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۶، باب ۱.

۲- مربی قبلا دو تا کارت را آماده کرده یکی سفید و دیگری کلمه انتظار را بر روی آن نوشته مثل کارت های بالا مرحله به مرحله به بچه ها نشان میدهد و در هر مرحله مربی پاسخ دانش آموزان را می شنود.

۳- فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۲۳۹، چاپخانه سپهر.

بل از این که شما دو تا کلمه را تشخیص بدهید، یک مثال برای شما میزنم تا به راحتی کلمه ها را حدس بزنید.

مادر شما به مسافرت رفته است. شما و برادرتان در خانه هستید. تلفن زنگ میخورد. گوشی را برمیدارید. میفهمید که مادرتان است. بعضی از شما میگویند که خانه را خوب تمیز کنیم، ولی بعضی از شما میگویند که رها کنید. مادر می آید و خودش خانه را تمیز میکند. حالا شما بگویید کدام یک از بچه ها کار درست انجام می دهند؟ با توجه به این مثال انواع انتظار را در تابلو نوشتیم. برای ما بگویید خ - خوب - ب << بد <<

حالا من در باره دو نوع انتظار مقداری توضیح میدهم و شما هم خوب گوش کنید

خوب: انتظار خوب و سازنده وسیله حرکت دهنده برای تلاش و کوشش است و به انسان نیرو و روحیه میدهد. در انتظار خوب، انسان همی شه آماده باش است و تلاش می کند که به وضعیت بهتر برسد. انسان منتظر، هر لحظه احتمال میدهد که امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور می کند و او در مقابل کارها باید جوابگو باشد. بنابراین به وظایف خود خوب عمل میکند.

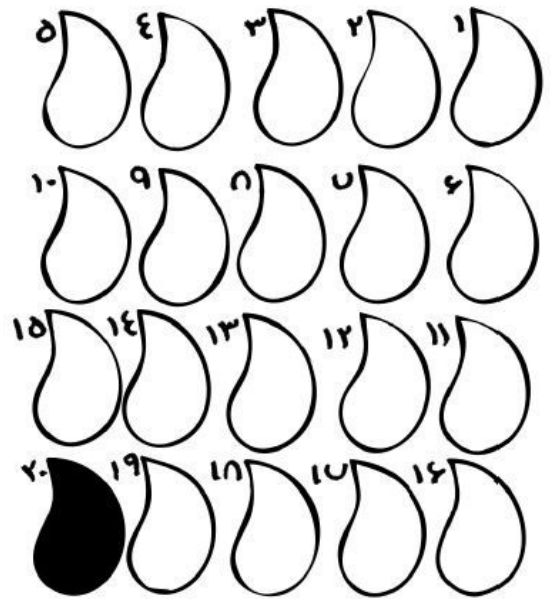
بد: در انتظار بد، مردم اعتقاد دارند که اگر امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیاید خودش همه چیز را درست میکند. بنابراین به وظایف خود، مثل امر به معروف و نهی از منکر عمل نمیکنند و آمدن امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بزرگترین وسیله برای دفاع از کار خود و بزرگترین راه برای توجیه کارهای بد خود میدانند. آنان میگویند که نجات بشر فقط در آخرالزمان انجام میشود و

نه الان؛ آن هم به دست خود امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و نه هیچ کس دیگر.

کسانی که این گونه فکرها را به وجود می‌آورند، یا افراد ساده و جاهلی هستند که به دنبال ثروت و مقام هستند و در جامعه ناامیدی و دلمردگی را به وجود می‌آورند. یا افرادی متحجری می‌باشند که به اسلام ضربه‌های سنگینی وارد میکنند.

حالا که انواع انتظار را دانستیم ما باید جزء کدام قسم باشیم؟ آفرین «انتظار خوب»، تلاش کنیم و به وظایفمان عمل کنیم.

آیا می‌دانید انتظار چه فضیلت‌هایی دارد؟ من جدولی را در تابلو می‌کشم. جواب سؤال‌ها را در خانه‌های مربوطه قرار می‌دهم.



۱- نیمه بازی در والیبال را چه میگویند؟ ست (۱۶)

۲. نام دیگر بازرگان چیست؟ تاجر (۸، ۱۸، ۱۴ و ۱۰)

۳. نماز به وقت خواندن را چه میگویند؟ ادا (۴، ۱۹ و ۱۵)

۴. منبع باران در آسمان کدام است؟ ابر (۱۷، ۱۱ و ۲)

۵. کدام کلمه به معنی پاکیزگی است؟ نظافت (۵، ۱۳، ۱ و ۶ و ۹)

۶. مغز تمام عبادتها چه نام دارد؟ دعا (۱۹، ۷ و ۱۲)

۷. یازدهمین حرف فارسی کدام حرف میباشد؟ ز (۳)

خیلی ممنون حالا حرف اول را بنویسید و چهار تا چهار تا بشمارید تا تمام حروف جدول تمام شود. آن گاه حرفهای به دست آمده را کنار هم قرار دهید تا پیام

جدول که یکی از فضایل انتظار است به دست آورید.

پیام: حضرت محمد صلی الله علیه و آله . « انتظار فرج از عبادات است » :

می فرماید آفرین بر شما! که پیام جدول را به دست آوردید. امیدوارم شما هم از منتظران واقعی امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشید. انشاءالله ما هم منتظر واقعی امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشیم و کارهای خوبی را باید برای آمدن آن امام مهربان انجام دهیم.

چه کسی میداند باید برای آمدن امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه اعمالی را انجام دهیم تا از منتظران واقعی امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشیم؟ برای این که جواب این سؤال را بدهیم سراغ یک مسابقه میرویم.

سه نفر از شما میتواند در مسابقه شرکت کنند.

به هر کدام سه کارت میدهم که حروف به هم ریخته را در کارتها نوشته ام. شما با این حروف به هم ریخته کلمه های مورد نظر را به دست بیاورید و در جای خالی قرار دهید.

ش	ا	خ	ت	ن
ق	ح	ق	و	
ص	ق	ه	د	
ی	ا	د		د
ا	ع	ا	ت	ا
ا	م	ه	د	.
و	ا	ج	ا	ت
ب				

درود بر شما که کلمه ها را تشخیص دادید.

حُب حالا نوبت این است که کلمه ها را در جاهای خالی قرار دهید (۱).

بله بچه ها! هر چیزی آداب و راه و روشی دارد. انتظار امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم آدابی دارد و منتظران واقعی امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم باید دارای این صفات باشند.

۱ . ما باید نسبت به امام دارای کافی باشیم.

۲ . همیشه به امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشیم.

ص: ۲۰۳

۱- مربی جمله های زیر را بر روی تخته مینویسد تا دانش آموزان جاهای خالی را کامل کنند. جواب جاهای خالی عبارتند از: شناخت، یاد، صدقه، دعا، حقوق، واجبات، آماده، اتحاد، اطاعت.

۳. هر روز برای سلامتی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بدهیم

۴. بعد از نمازها برای تعجیل فرج و سلامتی امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ... کنیم.

۵. در تمام کارها باید..... دیگران را رعایت کنیم.

۶. سعی کنیم از کارهای بد و حرام دور بمانیم و دینی را انجام دهیم.

۷. برای آمدن امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ... باشیم.

۸. و با هم بودن شیعیان را سر لوحه زندگی خود قرار دهیم.

۹. از مراجع تقلید و ولی فقیه که از نایبان امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند، ... کنیم.

حالا خیلی از شما ممنونم که کلمهها را درست کردید و در جای خود قرار دادید.

در پایان برای ظهور و فرج امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همه باهم دعای امام زمان را میخوانیم.

ره توشه راهیان نور

تابستان ۱۳۸۹

داستان تولد امام زمان علیه السلام (برای گروه کودک)

مجری تعریف میکند :

گل‌های من امروز می‌خواهم قصه امام زمان که اسمش مهدی هست رو براتون تعریف کنم. مامان‌های شما الان وقتی می‌خواهند نی نی کوچولو به دنیا بیاورند کجا می‌روند؟ بله به بیمارستان می‌روند. بچه‌ها، اما حدود ۱۴۰۰ سال قبل که هنوز بیمارستان وجود نداشت مامانها نی نی هاشون رو توی خونه به دنیا می‌آوردند. مادر امام زمان نرجس خاتون هستند ایشان وقتی می‌خواستند مهدی رو به دنیا بیاورند امام یازدهم امام حسن عسگری رفتند و به عمه حکیمه

ص: ۲۰۴

خاتون اطلاع دادند تا ایشان بیایند و به نرجس خاتون کمک کنند.

عمه حکیمه آمدند و کمک کردند و یک نی نی کوچولوی خوشگل و زیبا به دنیا آمدند و او را داخل پارچه سفید و نرم گذاشتند. عمه حکیمه آمدند داخل حیاط که دست هایشان را کنار حوض آب بشورند، در همین موقع یک پرنده خیلی خوشگل و زیبا که بال های نرم و سفیدی داشت و بوی خیلی خوبی می داد را دیدند، خیلی تعجب کردند چون تا حالا چنین پرنده ای ندیده بودند. رفتند که به امام حسن خبر بدهند که تعداد پرنده ها زیاده تر می شد، یکی از پرندها که خوشگل تر از همه بود وارد اتاق نرجس خانم شد و مهدی کوچولو را برداشت برد و از آنجا رفتند. امام حسن که وارد اتاق شد دید نرجس خانم گریه می کنند و می گویند پرنده ها مهدی را با خودشان بردند. امام حسن لبخند می زدند و می گفتند که آنها فرشته بودند که مهدی را با خودشان بردند، نرجس خانم باز گریه می کردند و می گفتند مهدی گرسنه می شود، غذا می خواهند. امام حسن گفتند که آنها مواظب مهدی هستند، تازه چند وقت دیگر او را به پیش ما می آورند. بله بچه ها، همین طور هم شد، چند وقت دیگر فرشته ها او را آوردند، اما دوستان شیطان که نمی خواستند ما امام داشته باشیم تا مواظب ما باشد، امام زمان را اذیت می کردند، برای همین باز خدا فرشته ها را فرستاد تا امام را نزد خودشان

ص: ۲۰۵

بیرند. بچه‌ها فرشته‌ها هر هفته پیامها و کارهای ما را نزد امام می‌رسانند اگر ما کار خوب انجام داده باشیم امام زمان خوشحال می‌شوند ولی اگر کار بدی انجام داده باشیم امام زمان ناراحت می‌شوند و غصه می‌خورند. بچه‌های عزیز اگر امام زمان بیایند ما هر چیزی که دوست داریم داشته باشیم می‌تونیم داشته باشیم، حیوانات وحشی به ما کاری ندارند و ... همه جا پر از خوبی میشه. بچه‌ها برای اینکه امام زمان بیایند ما باید کارهای خوب انجام بدهیم، حرف‌های خوب بزنیم و همیشه برای آمدن امام زمان دعا کنیم برای همین همیشه بعد از صلوات بر پیامبر و خانواده شون برای آمدن امام زمان دعا می‌کنیم و می‌گوئیم:

و عجل فرجهم.

حالا بیاید همه با هم دستمونو بلند کنیم و دعا کنیم ***خدای مهربونم امام زمان ما رو هر چه زودتر برسون.

بخش سوم: محتوای نیمه شعبان (برای مجریان، مخصوص اولیاء)

نام، کنیه و القاب حضرت

نامهای حضرت

در احادیث شیعه، برای امام دوازدهم نامهایی همچون محمد، احمد و عبدالله ذکر شده است. با این همه او در میان شیعیان بیشتر با مهدی شناخته میشود که از لقب‌های اوست. (۱) بر اساس احادیث متعدد، او همان پیامبر اسلام است. (۲) در برخی احادیث آمده است. «م ح م د» و منابع مکتوب شیعه مانند الکافی و کمال الدین، نام او با حروف جدا و به صورت (۳) این جدانویسی به سبب احادیث متعددی است که بردن نام او را ممنوع دانسته اند. (۴)

ص: ۲۰۶

۱- ۱. محمدی ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ۱۳۹۳ ش، ج ۲، ص ۲۸۳.

۲- ۲. حمدی ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ۱۳۹۳ ش، ج ۲، ص ۲۸۳.

۳- ۳. محمدی ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ۱۳۹۳ ش، ج ۲، ص ۲۸۹ - ۲۹۱.

۴- ۴. محمدی ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ۱۳۹۳ ش، ج ۲، ص ۲۹۷ - ۳۰۵.

حدیث فراوانی در منابع شیعه، بردن نام اصلی امام دوازدهم را منع کرده و حرام دانسته‌اند. (۱) دو نظریه مشهور درباره این روایات وجود دارد: نظریه نخست از آن کسانی مثل سید مرتضی، فاضل مقداد، محقق حلی، علامه حلی و چند عالم دیگر است که این حرمت را مخصوص زمان تقیه میدانند. در مقابل، میرداماد و محدث نوری این حرامبودن را در تمام دوران قبل از ظهور جاری دانسته‌اند. (۲)

کنیه‌ها و القاب

امام دوازدهم شیعیان، در منابع مختلف و ادعیه و زیارات با القاب و کنیه‌های بسیاری وصف شده است که مشهورترین القاب عبارت‌اند از: مهدی، صاحب الزمان، منتظر، حجت الله، بقیه الله، منتقم، موعود، خاتم الاوصیا، غائب، مأمول، مضطر و قائم.

مشهورترین کنیه‌ها عبارت‌اند از: ابوالقاسم، ابی‌صالح.

برای امام زمان (علیه السلام)، اسامی و القاب و کنیه‌های دیگری هم ذکر شده است؛ برای نمونه محدث نوری در کتاب نجم الثاقب به حدود ۱۸۲ حدود «نام نامه حضرت مهدی (علیه السلام)» نام و لقب اشاره کرده و در کتاب ۳۱۰ اسم و لقب برای امام آمده است. القابی که محدث نوری برشمرده چنین است: (۳)

ص: ۲۰۷

۱- ۵. طبسی، تا ظهور، ۱۳۸۸ ش، ج ۱، ص ۴۴.

۲- ۶. محمدی ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ۱۳۹۳ ش، ج ۲، ص ۳۱۱.

۳- طبسی نوری، النجم الثاقب، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۶۵ - ۱۶۵.

۱- احمد ۲- اصل ۳- اوقيدمو ۴- ايزد شناس ۵- ايزد نشان ۶- ايستاده ۷- ابوالقاسم ۸- ابوجعفر ۹- ابوعبدالله ۱۰- ابومحمد ۱۱-
ابو ابراهيم ۱۲- ابوالحسن ۱۳- ابوتراب ۱۴- ابوبكر ۱۵- ابوصالح ۱۶- امير الامر ۱۷- احسان ۱۸- اذن سامعه ۱۹- ايدى ۲۰- بقيه الله ۲۱-
بئر معطله ۲۲- بلد الامين ۲۳- بهرام ۲۴- بنده يزدان ۲۵- پرويز ۲۶- برهان الله ۲۷- باسط ۲۸- بقيه الانبياء ۲۹- تالى ۳۰- تائيد ۳۱-
تمام ۳۲- نائر ۳۳- جعفر ۳۴- جمعه ۳۵- جابر ۳۶- جنب يا جنب الله ۳۷- جوار الكنس ۳۸- حجه ۳۹- حق ۴۰- حجاب ۴۱- حامد ۴۲-
حمد ۴۳- حاشر ۴۴- خاتم الاوصياء ۴۵- خاتم الائمه ۴۶- خجسته ۴۷- خسرو ۴۸- خدا شناس ۴۹- خازن ۵۰- خلف يا خلف صالح
۵۱- خنس ۵۲- خليفه الله ۵۳- خليفه الاتقياء ۵۴- دابه الارض ۵۵- داعى ۵۶- رجل ۵۷- راهنما ۵۸- رب الارض ۵۹- زند افريس ۶۰-
سروش ايزد ۶۱- السلطان المامل ۶۲- سدره المنتهى ۶۳- سناء ۶۴- سيبيل ۶۵- ساعه ۶۶- سيد ۶۷- شماطيل

ص: ۲۰۸

٦٨ - شريد ٦٩ - صاحب ٧٠ - صاحب الغيبه ٧١ - صاحب الزمان ٧٢ - صاحب الرجعه ٧٣ - صاحب الدار ٧٤ - صاحب الناحيه ٧٥ - صاحب العصر ٧٦ - صاحب الكره البيضاء ٧٧ - صاحب الدوله الزهراء ٧٨ - صالح ٧٩ - صاحب الامر ٨٠ - صمصام الاكبر ٨١ - صبح مسفر ٨٢ - صدق ٨٣ - صراط ٨٤ - ضياء ٨٥ - ضحى ٨٦ - طالب التراث ٨٧ - طريد ٨٨ - عالم ٨٩ - عدل ٩٠ - عاقبه الدار ٩١ - عزه ٩٢ - عين يا عين الله ٩٣ - عصر ٩٤ - غايب ٩٥ - غلام ٩٦ - غيب ٩٧ - غريم ٩٨ - غوث ٩٩ - غايت الطالبين ١٠٠ - غايه القصوى ١٠١ - خليل ١٠٢ - غوث الفقراء ١٠٣ - فجر ١٠٤ - فردوس اكبر ١٠٥ - فيروز ١٠٦ - فرخنده ١٠٧ - فرج المؤمنين ١٠٨ - الفرج الاعظم ١٠٩ - فتح ١١٠ - فقه ١١١ - فيدموا ١١٢ - قائم ١١٣ - قابض ١١٤ - قيد ١١٥ - قسم ١١٦ - قوه ١١٧ - قاتل الكفره ١١٨ - قطب ١١٩ - قائم الزمان ١٢٠ - قيم الزمان ١٢١ - قاطع ١٢٢ - كاشف الغطاء ١٢٣ - كمال ١٢٤ - كلمه الحق ١٢٥ - كيقباد دوم ١٢٦ - كو كما ١٢٧ - كار ١٢٨ - لواء اعظم ١٢٩ - لنديطارا ١٣٠ - لسان الصدق ١٣١ - ماشع ١٣٢ - مهيد الاخر ١٣٣ - مسيح الزمان ١٣٤ - ميزان الحق ١٣٥ - منصور ١٣٦ - محمد ١٣٧ - نيه الصابرين ١٣٨ - منتقم ١٣٩ - مهدي ١٤٠ - عبدالله

ص: ٢٠٩

۱۴۱ - مومل ۱۴۲ - مدبر ۱۴۳ - ماء معین ۱۴۴ - مخیر بما یعلن ۱۴۵ - مجازی بالاعمال ۱۴۶ - موعود ۱۴۷ - مظهر الفصایح ۱۴۸ - مبلی السرائر ۱۴۹ - مبئی الایات ۱۵۰ - محسن ۱۵۱ - منعم ۱۵۲ - مفضل ۱۵۳ - منان ۱۵۴ - موتور ۱۵۵ - منتظر ۱۵۶ - مأمور ۱۵۷ - مقدره ۱۵۸ - مامول ۱۵۹ - مفرج ۱۶۰ - مضطر ۱۶۱ - من لم یجعل الله له شیئها ۱۶۲ - مقتصر ۱۶۳ - المصباح الشدید الضیاء ۱۶۴ - ناقور صور ۱۶۵ - ناطق ۱۶۶ - نهار ۱۶۷ - نفس ۱۶۸ - نور آل محمد (علیه السلام) ۱۶۹ - نور الاصفیاء ۱۷۰ - نور الاتقیاء ۱۷۱ - نجم ۱۷۲ - ناحیه مقدسه ۱۷۳ - واقید ۱۷۴ - وتر ۱۷۵ - وجه ۱۷۶ - ولی الله ۱۷۷ - وارث ۱۷۸ - هادی ۱۷۹ - ید الباسطه ۱۸۰ - یمین ۱۸۱ - وهوه ل ۱۸۲ - یعسوب الدین.

استفاده « مهدی » نام و القاب امام دوازدهم شیعیان در منابع اهل سنت نیز آمده است؛ هرچند در این منابع، بیشتر از عنوان در منابع اهل سنت بهندرت یافت میشود. « قائم » شده و القاب و ویژگی های دیگر، کمتر ذکر شده است. لقب (۱) برخی از القابی که در منابع اهل سنت آمده عبارتاند از:

مهدي هذه الامه، المهدي في الأرض والمهدي في السماء، مهدي الخير، مهدي عبد الله، الإمام، آخر الأئمة، خليفة الله، خليفة بنی هاشم، خليفة، ولی الله، الأمير، أمير الطائفه، أمير الناس، خيره الله في خلقه، خير امه محمّد، خير الناس، خير أهل الأرض، ذخيره الأنبياء، يعسوب الامه، الرجل الصالح،

ص: ۲۱۰

خانواده حضرت

مادر امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

اشاره

تنها همسر امام حسن عسکری (علیه السلام) کنیزی است به نام نرجس که مادر امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) می باشد. او را به نام های دیگری از جمله : ملیکه ، ریحانه و سوسن نیز خوانده اند. این بانو از زنان بزرگ اسلام بوده و همین فضیلت او را کافی است که مادر بقیه الله الاعظم حضرت ولی عصر (عجل الله تعالى فرجه الشريف) باشد.

*راوی گوید: در خدمت امام علی بن ابی طالب علیه السلام بودیم . وقتی امام حسن (علیه السلام) به طرف حضرت علی (علیه السلام) آمد آن حضرت می فرمود:

مرحبا به فرزند رسول خدا(صلی الله علیه و آله)! و هنگامی که امام حسین (علیه السلام) به طرف آن حضرت می آمد می فرمود: پدرم به فدایت ای فرزند بهترین کنیزان ! به امام عرض شد:

ای امیرمؤمنان ! شما را چه می شود که این جملات را به امام حسن و امام حسین علیهما السلام می فرمایید. فرزند بهترین کنیزان کیست ؟ امام فرمود: او گم گشته موعود حجه بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین (علیه السلام) است .
(۱)

*امام علی (علیه السلام) در ضمن خطبه ای دیگر نیز از امام زمان به (فرزند بهترین کنیزان) تعبیر کرده است . (۲)

*امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمود: امام قائم ، نهمین فرزند از برادرم امام حسین (علیه السلام) فرزند سید کنیزان است . (۳)

از امام هشتم پرسیدند: قائم شما اهل بیت کیست ؟ فرمود:

ص: ۲۱۱

۱-۱ . بحارالانوار، ج ۵۱ ، ص ۱۱۰ □ ۱۱۱

۲-۲ . بحارالانوار، ج ۵۱ ، ص ۱۲۱ □

۳-۳ . بحارالانوار، ج ۵۱ ، ص ۱۳۲ □

علامه مجلسی در بحارالانوار چنین آورده است : بشر بن سلیمان برده فروش از نسل ابو ایوب انصاری گوید: روزی امام هادی (علیه السلام) مرا احضار کرد و فرمود: ای بُشر! تو از فرزندان انصار هستی و دوستی ما در بین شما انصار نسل به نسل منتقل شده و شما مورد اعتماد ما اهل بیت پیامبر هستید. امروز می خواهم تو را به فضیلتی مفتخر سازم و سزّی را بر تو آشکار کنم که به واسطه آن بر دیگران برتری یابی و آن ماءموریت خرید کنیزی است .

سپس حضرت نامه ای به خط رو می نوشت و کیسه ای حاوی ۲۲۰ دینار به من داد و فرمود: به بغداد برو و نزدیک ظهر، فلان روز در گذرگاه فرات حاضر شو. وقتی قایق های حامل کنیزان نزدیک شد، از دور عمر بن یزید برده فروش را زیر نظر بگیر تا وقتی که کنیزی را برای فروش عرضه کند که دو لباس از حریر پوشیده و از اینکه او را در معرض دید مردم قرار دهند یا مشتریان به او دست بزنند امتناع می کند و فریاد او از پس پرده نازکی که در پیش اوست شنیده می شود که به زبان رومی گوید: وای از اینکه حجاب من هتک شود! سپس یکی از مشتریان به عمر می گوید: من او را سیصد دینار می خرم ، چه اینکه عفاف

او رغبت مرا زیاد کرده است اما کنیز به زبان عربی به او می گوید: اگر در زئی حضرت سلیمان (علیه السلام) ظاهر شوی و حکومتی شبیه حکومت او داشته باشی ، در من هیچ رغبتی نسبت به تو نخواهد بود. عمر به آن کنیز می گوید: چاره چیست؟ سرانجام باید تو را بفروشم ولی کنیز گوید:

چرا عجله می کنی؟ من باید کسی را که به او وفا و امانتش راضی شوم ، بیابم .

در این هنگام تو بر عمر وارد شو و بگو: من با خود نامه ای از طرف یکی از اشراف دارم که به خط رومی نوشته شده و در آن کرم ، وفا و بزرگواری خود را شرح داده است . سپس نامه را به کنیز بده تا آن را ببیند و اگر راضی شد تو وکیل هستی که او را خریداری نمایی .

بشر گوید: دستور امام هادی (علیه السلام) را اجرا کردم و در زمان و مکان مقرر حاضر شدم و هم چنان که امام فرموده بود نامه را به کنیز دادم . وقتی که نامه را خواند بشدت گریست و به عمر گفت : مرا به صاحب این نامه بفروش و قسم های غلیظ و شدیدی یاد کرد که اگر مرا به او نفروشی خودکشی خواهی کرد. من و عمر در قیمت آن کنیز با هم صحبت کردیم تا به همان پولی که امام (علیه السلام) داده بود راضی شد و کنیز را تحویل داد.

کنیز را که خوشحال و خندان بود به حجره ای که برای اقامت گرفته بودم ، بردم . وقتی در حجره آرام گرفت ،

نامه امام هادی (علیه السلام) را در آورد و بویید و بوسید و بر چشمان خود مالید. من با تعجب گفتم: نامه ای که صاحبش را نمی شناسی می بوسی؟ کنیز گفت: ای عاجز کم معرفت! به مقام اولاد انبیا علیهم السلام، توجه داشته باش و حواست را جمع کن و بدان که من ملیکه، دختر (یشوعا) نوه پسری قیصر روم هستم و مادر من از فرزندان حواریین عیسی (علیه السلام) و منسوب به (شمعون) وصی حضرت عیسی علیه السلام است. جدم می خواست مرا به عقد برادر زاده خود در آورد، در حالی که من سیزده ساله بودم.

بدین منظور، از کشیشان از نسل حواریین و راهبان، سیصد مرد و از بزرگان، هفتصد نفر و از فرماندهان و رؤسای قبایل چهار هزار کس را جمع نمود و تختی از انواع جواهر ساخت. وقتی که برادر زاده اش بر آن تخت قرار گرفت و اسقفها انجیل ها به دست گرفتند که بخوانند، چهلچراغها و صلیبها سقوط کردند و تخت سرنگون گردید و برادر زاده قیصر نقش بر زمین شد.

رنگ از چهره اسقفها پرید و بدنهایشان به لرزه افتاد و بزرگ آنان به جدم گفت: این امر منحوس دلالت بر زوال زودرس مسیحیت دارد. قیصر دستور داد تا دوباره مجلس را آراستند و برادر زاده دیگرش را حاضر کردند و بر تخت نشانند که همان واقعه تکرار شد. مردم متفرق شدند و جدم غمگین و محزون به حرمسرا داخل شد. من آن شب در عالم رؤیا دیدم که حضرت مسیح و شمعون و عده ای از حواریین در جایگاه جدم اجتماع

کردند و منبری از نور که به آسمان سر می کشید در جای همان تخت ، نصب نمودند و پیامبر اسلام و وصی و دامادش امام علی ابن ابی طالب و جمعی از فرزندانش حاضر شدند و پیامبر خطاب به حضرت مسیح (علیه السلام) فرمود: ما به خواستگاری ملیکه خاتون دختر و صیی شما شمعون آمده ایم تا او را برای فرزندم امام حسن عسکری (علیه السلام) عقد کنیم .

حضرت مسیح رو به شمعون کرد و فرمود: شرافت به تو روی آورده است . پس نسل خود را به نسل پیامبر وصل کن . شمعون قبول کرد و سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر آن منبر نشست و خطبه خواند و مرا برای فرزندش عقد بست و حضرت مسیح و ائمه و حواریون شهادت دادند.

وقتی که از خواب بیدار شدم از ترس ، خواب خود را برای کسی نقل نکردم . محبت ابی محمّد در قلبم آن چنان شعله ور بود که مرا از خوردن و آشامیدن باز داشت و جسمم نحیف شد و همچون بیمار در بستی افتادم . پزشکان روم را بر بالین من حاضر ساختند ولی کاری از دستشان ساخته نبود. وقتی جدم از معالجه مایوس شد گفت : ای نور دیده ! آیا خواسته ای در این دنیا داری ؟ از او خواستم که اسیران مسلمان را از زندان آزاد کند تا شاید حضرت مسیح و مادرش مرا شفا دهند. وقتی جدم این کار را کرد من بناچار اظهار بهبودی کردم و مقداری طعام خوردم و او نیز خوشحال شد و اسیران را احترام کرد. ! پس از گذشت ده شب حضرت زهرا سلام الله علیها

را در خواب دیدم که همراه حضرت مریم و هزار نفر از حوریان بهشتی به دیدنم آمدند. حضرت مریم آن بانو را به من معرفی کرد و من به حضرت زهرا (س) متوسل شدم و از بی توجهی حضرت عسکری (علیه السلام) گلایه کردم. حضرت زهرا (س) فرمود: تا زمانی که مشرک ، و بر مذهب مسیحیت که مورد انزجار خواهرم مریم بنت عمران است باشی ، پسرم ابا محمد به دیدن تو نخواهد آمد. اگر مایل به زیارت ابا محمّد هستی ، باید شهادتین را بر زبان جاری کرده ، ایمان بیاوری . شهادتین را گفتم و حضرت زهرا (س) مرا به سینه خود چسبانید و فرمود: منتظر زیارت ابا محمد باش که من او را پیش تو خواهم فرستاد.

از خواب بیدار شدم و امید زیارت ابا محمد (علیه السلام) را داشتم . شب بعد او را در خواب دیدم و به او گفتم : ای محبوب من ! پس از آنکه مرا اسیر محبت خود کردی ، با مفارقت خود بر من جفا کردی . ابا محمد علیه السلام فرمود: دیر آمدن من تنها به خاطر شرک تو بود اینک هر شب مراملاقات خواهی کرد تا وقتی که خداوند در ظاهر ما را به یکدیگر برساند و از آن به بعد از من جدا نشد.

بشر پرسید: چگونه اسیر شدی ؟ جواب داد: شبی ابا محمد به من فرمود: بزودی جدت لشکری برای نبرد با مسلمان ها اعزام می کند، تو بطور ناشناس در بین کنیزان و خدمتکاران ، خود را جا بزن و از فلان راه برو. من دستور حضرتش را اجرا کردم و اسیر

مسلمانان شدم تا به اینجا رسیدم و کسی نمی داند که من دختر پادشاه روم هستم . بیرمردی که من در سهم او بودم از نام من سؤال کرد و من خود را نرجس نامیدم . او گفت : این نام کنیزان است . بشر با تعجب پرسید: چگونه عربی را بخوبی تکلم می کنی ؟ در حالی که رومی هستی ؟ نرجس گفت : پدرم چون برای تربیت من اهمیت زیادی قائل بود از این رو، معلمانی برای من گمارد تا به من عربی بیاموزند.

بشر نرجس را خدمت امام هادی علیه السلام آورد. وقتی بر امام وارد شدند، امام فرمود: چگونه خداوند ذلت نصرانیت و عزت اسلام و شرافت پیامبر و اهلبیتش را به تو نشان داد؟ عرض کرد: چطور برای شما وصف کنم چیزی را که خود، داناترید. سپس آن حضرت فرمود: می خواهم تو را اکرام کنم ، آیا به هزار دینار باشد یا مژده به شرافت ابدی ؟ عرض کرد: به فرزندم مژده ام ده . امام فرمود:

مژده باد به فرزنددی که جهان را پس از آنکه از ظلم و جور پر شده است از عدل و داد پر کند، از نسل همان کس که پیامبر در شب فلان از ماه فلان از سال فلان تو را برای او عقد بست .

سپس امام حسن عسکری به حکیمه خاتون (دختر امام جواد) ماءموریت داد که آداب اسلامی را به آن بانو بیاموزد.^(۱)

پس از اینکه مادر امام زمان برای یادگیری آداب ، احکام و معارف اسلامی به خانه حکیمه خاتون تشریف

ص: ۲۱۷

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۶ با دخل و تصرف .

برد، نسبت به آن بانو به دیده احترام نگریست و او را احترام کرد و حکیمه خاتون نیز با تمام توان در تعلیم او کوشید. پس از مدتی، روزی امام حسن عسکری (علیه السلام) به خانه عمه اش حکیمه خاتون تشریف برد و در آنجا با نرجس خاتون روبه رو و به آن بانو خیره گردید. حکیمه خاتون که متوجه شد گفت: اگر وی را می طلبید، او را به خدمت شما بفرستم. امام فرمود: نگاه من از روی تعجب بود زیرا بزودی حق تعالی از او فرزند بزرگواری به دنیا خواهد آورد که جهان را پر از عدل و داد می کند.

حکیمه خاتون خدمت امام هادی (علیه السلام) مشرف شد و تقاضا کرد که نرجس خاتون را به خانه امام حسن عسکری (علیه السلام) بفرستد. امام هادی (علیه السلام) ضمن موافقت خطاب، به حکیمه خاتون فرمود: ای بزرگوار صاحب برکت! خداوند می خواهد تو را در چنین ثوابی شریک گرداند و بهره عظیمی از خیر و سعادت بر تو کرامت فرماید که تو را واسطه چنین امری کرده است. (۱)

وفات آن بانو

وی در زمان امام حسن عسکری (علیه السلام) دارفانی را وداع گفت. (۲) قبر او در سامرا پشت قبر آن حضرت است.

ب- ماجرای ولادت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

اشاره

حکیمه خاتون چنین نقل می کند: روزی خدمت امام حسن عسکری (علیه السلام) شرفیاب شدم. امام تقاضا کرد که افطار در خدمت آن حضرت باشم و مژده ولادت حضرت حجت رابه من داد. من قبول کردم و به اتاق نرجس خاتون رفتم. سلام کرده و نشستم و ضمن احوالپرسی بدو گفتم:

ص: ۲۱۸

۱- منتهی الامال، ج ۲، ص ۴۸۱، با دخل و تصرف.

۲- بحار الانوار ج ۵ ص ۵

تو بانوی من و بانوی خانواده منی . نرجس از گفته من تعجب کرد و گفت : چه می گویی ؟ گفتم : دخترم ، امشب خداوند فرزندی به تو عطا خواهد کرد که آقای دنیا و آخرت است .

بعد از فراغت از نماز و افطار همگی خوابیدیم . نیمه شب برای نماز شب برخاستم و نماز شب خواندم . او نیز برخاست و نماز شب به جا آورد. از اینکه آثار وضع حمل هنوز ظاهر نشده بود، تردید کردم که شاید، وضع حملی در کار نباشد که ناگاه امام حسن عسکری از اتاقش با صدای بلند فرمود: عمه عجله مکن که تولد او نزدیک است ! من به خواندن سوره سجده مشغول شدم که در این بین درد زایمان بر نرجس خاتون عارض شد. و مولود امام حسن عسکری علیه السلام پا به عرصه وجود نهاد. مولود مبارک را به امام دادیم . سپس آن حضرت دستور داد که او را پیش مادرش ببریم تا به مادر سلام کند. وقتی آن حضرت را به مادرش دادیم سلام کرد و مادر، او را در آغوش گرفت .(۱) حکیمه خاتون گوید: امام حسن عسکری پس از ولادت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن بزرگوار را به (روح القدس) سپرد و خطاب به او که با ملائکه به صورت پرندگان ظاهر شده بودند فرمود: این فرزند را ببر و حفظ کن و هر چهل روز یک بار او را پیش ما بیاور. سپس خطاب به فرزند خود فرمود: تو را به آن کسی که مادر موسی ، فرزندش را به

ص: ۲۱۹

او سپرد می سپارم . نرجس خاتون از فراق فرزند گریان شد. امام فرمود: آرام باش و بدان که شیر خوردن از غیر پستان تو بر او حرام است و به تو باز می گردد؛ همچنان که موسی به مادرش باز گشت . حکیمه خاتون سؤال کرد که این پرنده چه بود؟ فرمود: روح القدس بود. (۱)

یکی از خدام امام حسن عسکری گوید: امام (علیه السلام) برای همسرش جریاناتی را که پس از وفاتش پیش خواهد آمد و مشکلاتی را که برای خانواده اش فراهم می کنند نقل کرد و نرجس خاتون از امام تقاضا کرد که دعا کند خداوند مرگ او را قبل از شهادت امام قرار دهد.

ولادت امام زمان

زمان ولادت

درباره سال ولادت امام زمان اختلاف است.

ص: ۲۲۸

۱- بحارالانوار ج ۵۱ ص ۱۴

بخشی از منابع کهن به تاریخ تولد او نپرداخته اند و آن را مخفی دانسته اند^(۱). اما روایات بسیاری از شیعه و برخی از اهل سنت، سال ولادت امام دوازدهم شیعیان را ۲۵۵ق^(۲) یا ۲۵۶ق^(۳) دانسته اند.

درباره ماه تولد امام نیز اختلافاتی وجود دارد؛ اما قول مشهور ماه شعبان است و بسیاری از منابع کهن شیعه نیز همین ماه را بیان کرده اند^(۴). در عین حال برخی از منابع شیعه^(۵) و سنی^(۶) ماه رمضان و برخی از منابع اهل سنت^(۷) ماه ربیع الاول و ربیع الثانی را ذکر کرده اند.

منابع تاریخی درباره روز تولد امام دوازدهم، گزارش های مختلفی دارند که در میان آنها، روز نیمه شعبان گزارش معروف و مشهور است^(۸). در میان عالمان شیعی، کلینی، مسعودی، شیخ صدوق، شیخ مفید،

ص: ۲۲۹

۱-۳. مقدسی، بازپژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان (علیه السلام)، ص ۵۵۵؛ اشعری، المقالات و الفرق، ۱۳۶۱ش، ص ۱۰۳؛ نوبختی، فرق الشیعه، ص ۱۱۲ ۱۰۸؛ ابن خشاب، تاریخ موالید الائمة و وفیاتهم، ۱۴۰۶ق، ص ۲۰۰-۲۰۱.

۲-۴. سلیمان، درسنامه مهدویت، ص ۱۹۲. رجوع کنید به: طوسی، کتاب الغیبه، ۱۴۱۱ق، ص ۲۳۱. مفید، الارشاد، بصیرتی، ص ۳۴۶.

۳-مقدسی، بازپژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان (علیه السلام)، ص ۵۵۵ - ۵۶۹. رجوع کنید به: کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۵ و ص ۵۱۴، ح ۱. صدوق، کمال الدین، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۴۳۰، ص ۴۳۲.

۴-۱. مقدسی، بازپژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان (علیه السلام)، ص ۵۹۳. رجوع کنید به: کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۱۴؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ۱۴۲۶ق، ص ۲۵۸؛ صدوق، کمال الدین، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۴۲۴، ۴۳۰ و ۴۳۲؛ مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ص ۳۳۹؛ طبری، دلائل الامامه، ۱۴۱۳ق، ص ۵۰۱؛ طوسی، کتاب الغیبه، ۱۴۱۱ق، ص ۲۳۹؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ۱۳۶۸ش، ص ۲۶۶.

۵-۲. صدوق، کمال الدین، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۴۷۴؛ طوسی، کتاب الغیبه، ۱۴۱۱ق، ص ۲۳۸.

۶-۳. ابن طلحه شافعی، مطالب السؤل، باب ۱۲، به نقل از اربلی، کشف الغمه، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۳۷.

۷-۴. ابن خلکان، وفیات الاعیان، الشریف الرضی، ج ۴، ص ۱۷۶.

۸-۵. مقدسی، بازپژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان (علیه السلام)، ص ۵۹۷.

شیخ طوسی، فتال نیشابوری، امین الاسلام طبرسی، ابن طاووس، ابن طقطقی، علامه حلی، شهید اول، کفعمی، شیخ بهایی و دیگران و در میان دانشمندان اهل سنت ابن خلکان، ابن صباغ مالکی، شعرانی حنفی، ابن طولون و دیگران این قول را گزارش کرده اند. همچنین شب جمعه اول ماه رمضان یا شب جمعهای از ماه رمضان در کتاب کمال الدین شیخ صدوق گزارش شده است.^(۱)

تاریخ هایی که منابع اهل سنت گزارش کرده اند چنین است:

روز نهم ربیع الاول (ابن خلکان، وفيات الاعیان، آبی تا]، ج ۴، ص ۱۷۶)، نوزدهم ربیع الاول (قاضی نورالله شوشتری در احقاق الحق، جلد ۱۳، صفحه ۸۹-۹۰، این قول را از کتاب وفيات الاعیان ابن خلکان نقل کرده است؛ در حالی که در وفيات آمده است: نهم ربیع الاول)، نهم ربیع الثانی (ابن طولون از اهل سنت این قول را به ابن ازرق نسبت داده است. در حالی که ابن خلکان، نخستین گزارشگر سخن ابن ازرق، در کتاب وفيات می گوید نهم ربیع الاول روز ولادت امام است، اول ماه رجب (آن را بیرجندی از ابن عیاش نقل کرده است. این گزارش در منابع متقدم موجود نیست. رجوع کنید به مقدسی، بازپژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان علیهم السلام، ص ۶۰۰)، ۲۳ ماه رمضان (آن را نخستین بار ابن طلحه شافعی نقل کرده است)، سوم شعبان و هشتم شعبان ابن خلکان، وفيات الاعیان، الشریف الرضی، ج ۴، ص ۱۷۶.

ص: ۲۳۰

۱-۶. این دو گزارش به عقید خدام نسبت داده شده که هر یک در نسخه ای از کتاب کمال الدین شیخ صدوق به ثبت رسیده اند (مقدسی، بازپژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان علیهم السلام، ص ۶۰۱؛ صدوق، کمال الدین، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۴۷۴)

مورخانی که در این باره سخن گفته اند، بر این مطلب اتفاق نظر دارند که امام زمان (علیه السلام) در خانه (۱) پدرش امام عسکری (علیه السلام) در سامرا به دنیا آمد و این خانه در کوچه ای جای داشت که نامش را «راضه» یا «وصافه» می گفتند. (۲) این خانه هم اکنون بارگاه امام هادی و امام عسکری (علیه السلام) است. (۳)

شرح ماجرای ولادت

نقل مشهور از شرح ولادت امام زمان (علیه السلام)، بر اساس روایت حکیمه خاتون عمه امام عسکری (علیه السلام) است. در بخش هایی از گزارش شیخ صدوق از سخنان حکیمه آمده است:

امام حسن عسکری مرا به نزد خود فراخواند و فرمود: ای عمه! امشب نزد ما باش که شب نیمه شعبان است و خدای تعالی امشب حجت خود را - که حجت او در روی زمین است - ظاهر سازد. گفتم: مادر او کیست؟ فرمود: نرجس.

ص: ۲۳۱

-
- ۱- ۱. صدوق، کمال الدین، ۱۳۹۵ق، ج ۲، باب ۴۲، ح ۱. طوسی، کتاب الغیبه، ۱۴۱۱ق، ص ۲۳۸.
 - ۲- ۲. مقدسی، بازپژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان (علیه السلام)، ص ۶۰۵. صدوق، کمال الدین، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۷۵.
 - ۳- ۳. مقدسی، بازپژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان (علیه السلام)، ص ۶۰۵.

گفتم: فدایت شوم! اثری از حمل در او نیست. فرمود: همین است که به تو می گویم گوید: آمدم و چون سلام کردم و نشستم، نرجس آمد، کفش مرا برداشت و گفت: بانوی من و بانوی خاندانم حالتان چطور است؟ گفتم: تو بانوی من و بانوی خاندان من هستی. انرجس از کلام من ناخرسند شد و گفت: عمه جان! این چه فرمایشی است؟ بدو گفتم: دختر جان! خدای تعالی امشب به تو فرزندی عطا فرماید که در دنیا و آخرت آقاست. نرجس خجالت کشید و حیا کرد. چون از نماز فارغ شدم، افطار کردم و در بستر خود خوابیدم. نیمه های شب برای ادای نماز برخاستم و آن را به جای آوردم؛ در حالی که نرجس خوابیده بود. برای تعقیبات نشستم و پس از آن نیز دراز کشیدم و هراسان بیدار شدم. او همچنان خواب بود. پس برخاست و نماز گزارد و خوابید.

حکیمه در ادامه گوید: بیرون آمدم و در جستجوی فجر به آسمان نگریستم. دیدم فجر اول دمیده است و او در خواب است. شک بر دلم عارض گردید. ناگاه ابومحمد از محل خود فریاد زد: ای عمه شتاب مکن که اینجا کار نزدیک شده است. گوید: نشستم و به قرائت سوره های الم سجده و یس پرداختم. در این میان او هراسان بیدار شد و من به نزد او پریدم و بدو گفتم: نام خدا بر تو باد. آیا چیزی احساس می کنی؟ گفت: ای عمه! آری. گفتم: خودت را جمع کن و دلت را استوار دار که همان است که با تو گفتم. حکیمی گوید: من و نرجس را

ضعفی فرا گرفت و به ندای سرورم به خود آمدم و جامه را از روی او برداشتم و ناگهان سرور خود فرزند نرجس را دیدم که در حال سجده بوده و مواضع سجودش بر زمین است. او را در آغوش گرفتم. دیدم پاک و نظیف است.

ابومحمد فرمود: ای عمه جان! فرزندم را به نزد من آورا او را نزد وی بردم و او دو کف دستش را گشود و فرزند را در میان آن قرار داد و دو پای او را به سینه خود نهاد. پس زبانش را در دهان او گذاشت و دستش را بر چشمان و گوش و مفاصل وی کشید.

سپس فرمود: ای فرزندم! سخن گوی. گفت: «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا رسول الله». سپس بر امیر مؤمنان سایر امامان (علیه السلام) درود فرستاد تا آنکه بر پدرش رسید و زبان در کشید. (۱)

مخفی بودن ولادت

خلفای بنی عباس بنا بر روایات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) می دانستند که دوازدهمین امام همان مهدی است؛ بنابراین مراقبانی بر امام حسن عسکری و منزل آن حضرت گماردند. مورخان گفته اند معتمد عباسی به قابله ها امر کرده بود تا وقت و بی وقت، سرزده وارد خانه سادات شوند - به ویژه خانه امام حسن عسکری (علیه السلام) - و درون خانه را بگردند و از حال

ص: ۲۳۳

۱- ۱. سلیمیان، درسنامه مهدویت (۱)، ص ۱۸۳. صدوق، کمال الدین، ۱۳۹۵ق، ج ۲، باب ۴۲، ح ۱. همچنین رجوع کنید به: طوسی، کتاب الغیبه، ۱۴۱۱ق، ص ۲۳۸. اربلی، کشف الغمه، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۴۹

همسر او باخبر شوند و گزارش دهند.^(۱) کنیزی به نام ثقیل که گویا برای حفظ جان امام زمان (علیه السلام) ادعای بارداری کرده بود، بازداشت شد و مدت دو سال تحت نظر قرار گرفت تا اطمینان به عدم بارداری وی حاصل شد و سپس او را رها کردند.^(۲)

ولادت امام زمان (علیه السلام) از عموم مردم پنهان نگه داشته شد. در روایات^(۳) نیز به این موضوع و دلیل آن اشاره شده است. امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: «در قائم ما سنت هایی از انبیا هست... و سنتی از ابراهیم.. و اما از ابراهیم پنهان بودن ولادت و کناره گیری از مردم...»^(۴)

همچنین امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «ولادت صاحب الامر بر این خلق پوشیده است تا اینکه ظهور کند؛ برای این که بیعت کسی بر گردنش نباشد».^(۵)

* شیخ مفید نیز معتقد است: «به دلیل مشکلات آن دوران و جستجوی شدید سلطان وقت و کوشش بی امان برای یافتن آخرین حجت خدا، ولادت آن حضرت بر همگان مخفی ماند».^(۶)

مخفی بودن ولادت

در تاریخ بی سابقه نیست، بلکه نقل شده است ولادت ابراهیم خلیل (علیه السلام) از ترس کشته شدن به دست پادشاه زمانش پنهانی بود^(۷) یا قرآن کریم در سوره قصص آیه ۷ تا ۱۳، در شرح ولادت موسی بن عمران (علیه السلام) به پنهانی بودن آن اشاره می کند.

ص: ۲۳۴

-
- ۱- ۲. سلیمیان، درسنامه مهدویت (۱)، ص ۱۸۶. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۳۵۳.
 - ۲- ۳. جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (علیه السلام)، ص ۵۶۹. صدوق، کمال الدین، ۱۳۹۵ق، ص ۴۷۳-۴۷۴.
 - ۳- ۴. برای دیدن این روایات رجوع کنید به: سلیمیان، درسنامه مهدویت (۱)، ص ۱۸۴.
 - ۴- ۵. سلیمیان، درسنامه مهدویت (۱)، ص ۱۸۴. صدوق، کمال الدین، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۵۶۷.
 - ۵- ۶. صدوق، کمال الدین، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۷۹.
 - ۶- ۷. جعفریان، حیات سیاسی و فکری امامان شیعه (علیه السلام)، ص ۵۶۷؛ مفید، الارشاد، بصیرتی، ص ۳۴۵.
 - ۷- ۸. سلیمیان، درسنامه مهدویت (۱)، ص ۱۸۵.

علاوه بر حکیمه خاتون، دو تن از کنیزان امام حسن عسکری به نام های ماریه و نسیم نیز از شاهدان ولادت او محسوب می شوند. شیخ طوسی و شیخ صدوق آورده اند: «نسیم و ماریه گویند: چون صاحب الزمان از رحم مادر به دنیا آمد، دو زانو بر زمین نهاد و دو انگشت سبابه را به جانب آسمان بلند کرد. آنگاه عطسه کرد و فرمود: "الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله". ستمکاران پنداشته اند که حجت خدا از میان رفته است. اگر برای ما اذن در کلام بود، شک زایل می گردید»^(۱).

گزارش های اهل سنت

در میان دانشمندان اهل سنت، برخی ولادت امام زمان را گزارش کرده؛ اما در مورد موعود بودن او سکوت کرده اند، مثل ابن اثیر (م ۶۳۰ق) در کتاب الکامل فی التاریخ^(۲)، ابن خلکان (م ۶۸۱ق) در کتاب وفيات الاعیان^(۳) و ذهبی (م ۷۴۸ق) در کتاب العبر. برخی دیگر علاوه بر گزارش کردن ولادت، به موعود بودن او نیز تصریح کرده اند، مثل ابن طلحه شافعی (م ۶۵۲ق) در مطالب السؤل^(۴) و ابن صباغ مالکی (م ۸۵۵ق) در الفصول المهمه^(۵).

آگاهی شیعیان از ولادت

پس از تولد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، برخی از شیعیان خاص

ص: ۲۳۵

-
- ۱- ۱. طوسی، کتاب الغیبه، ۱۴۱۱ق، ص ۲۴۴، ح ۲۱۱. صدوق، کمال الدین، ۱۳۹۵ق، ج ۲، باب ۴۲، ح ۵. همچنین رجوع کنید به: راوندی، الخرائج و الجرائح، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۷۵، ح ۲.
 - ۲- ۲. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۳۸۵ق، ج ۷، ص ۲۷۴.
 - ۳- ۳. ابن خلکان، وفيات الاعیان، الشریف الرضی، ج ۴، ص ۱۷۶.
 - ۴- ۴. شافعی، مطالب السؤل، ج ۲، ص ۷۹، باب ۱۲.
 - ۵- ۵. مالکی، الفصول المهمه، ص ۴۵۱.

و مورد اعتماد امام حسن عسکری (علیه السلام)، امام زمان (علیه السلام) را دیدند. شیخ مفید از اشخاصی مانند محمد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر (علیه السلام)، حکیمه دختر امام جواد (علیه السلام)، ابوعلی بن مطهر، عمرو اهوازی و ابونصر طریف، خادم خانه امام یازدهم (علیه السلام)، نام می برد که توانسته اند امام زمان (علیه السلام) را ببینند. (۱)

محمد بن عثمان عمری به همراه چهل نفر دیگر نزد امام حسن عسکری (علیه السلام) بودند. امام (علیه السلام) فرزند خود را به آنان نشان داد و فرمود: «این امام شما پس از من و جانشین من در میان شماست. از وی فرمان ببرید و در دین خود اختلاف نکنید که در این صورت هلاک می شوید و پس از این هرگز وی را نخواهید دید». (۲)

شبهه همین روایت را شیخ طوسی نقل کرده و از اشخاصی مانند علی بن

ص: ۲۳۶

۱-۶. مفید، الارشاد، ص ۳۵۰ - ۳۵۱؛ قندوزی، ینایع الموده، ص ۴۶۱.

۲-۷. «هذا إمامكم من بعدی و خلیفتی علیکم، أطيعوه ولا تتفرقوا من بعدی فی أديانکم لتهلکوا، أما انکم لاترونه بعد یومکم هذا» (صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۳۵۵، به نقل از: صدوق، کمال الدین، قندوزی، ینایع الموده، ص ۴۶۰؛ طوسی، الغیبه، ص ۷۱۲)

بلال، احمد بن هلال، محمد بن معاویه بن حکیم و حسن بن ایوب بن نوح نیز نام برده است. (۱) همچنین کلینی به نقل از ضوء بن علی عجلی روایت کرده که مردی از اهالی فارس گفته است: به منظور خدمت در منزل حضرت عسکری (علیه السلام) به سامرا رفتم و امام (علیه السلام) مرا مسئول خرید خانه کرد. روزی امام عسکری (علیه السلام) فرزند خود را (که در حدود دو سال داشت) به من نشان داد و فرمود: «هذا صاحبکم». ضوء بن علی اضافه می کند که آن مرد فارسی گفت پس از آن تا زمان رحلت امام حسن عسکری (علیه السلام)، آن کودک را دیگر ندیده است. (۲)

شیخ مفید نیز اشخاصی را از جمله أبوعمر، عثمان بن سعید السمان و پسرش أبوجعفر محمد بن عثمان را از کسانی می داند که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در زمان حیات پدرش دیده اند. همچنین اشخاصی از خاندان های بنی الرجا از نصیبین، و بنی سعید، و بنی مهزیار از اهواز، و بنی الرکولی از کوفه، و بنی نوبخت از بغداد و گروهی از اهالی قزوین و قم و منطقه جبال نیز امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در زمان حیات امام حسن عسکری (علیه السلام) دیده اند. (۳)

واکنش بنی عباس

پس از رسیدن خبر بیماری امام حسن عسکری (علیه السلام) به خلیفه وقت، المعتمد عباسی، وی پنج نفر از افسران مورد اعتماد خود را برای زیر نظر گرفتن امام (علیه السلام) به منزل وی فرستاد. همچنین المعتمد به قاضی القضاء خود دستور داد تا ده نفر از افراد مورد اعتماد خویش را مأمور مراقبت از امام (علیه السلام) قرار دهد. (۴)

امام حسن عسکری (علیه السلام) در وصیتش،

ص: ۲۳۷

۱- صافی گلپایگانی منتخب الاثر ص ۳۵۵

۲- الکافی ج ۱ - ص ۵۱۴

۳- مفید الفصول العشره کتابخانه اهل بیت ص ۸۰

۴- مفید الفصول العشره ص ۷۱ - صدوق کمال الدین و تمام النعمه کتابخانه اهل بیت ص ۴۷۴

تمام دارایی اش را به مادرش حدیث واگذار کرد که البته عباسیان اجازه ندادند تمام اموال به مادر برسد و نصف اموال را جعفر عموی امام زمان (علیه السلام) تصاحب کرد. (۱)

پس از وفات امام حسن عسکری (علیه السلام)، خلیفه عباسی گروهی را به خانه امام (علیه السلام) فرستاد و این گروه علاوه بر مهر و موم کردن خانه و اموال امام (علیه السلام)، به جستجوی فرزند وی پرداختند و زنان و کنیزان او را نیز از جهت بارداری مورد بررسی قرار دادند (۲) و کنیزی به نام ثقیل را که مشکوک به بارداری بود، به همراه خود بردند و به مدت دو سال تحت نظر داشتند و پس از آن وی را رها ساختند. (۳)

ج- زیارت نرجس خاتون

اشاره

زیارتنامه ای که برای این بانو ثبت شده است حکایت از بلندی مرتبه و عظمت شائن این بانوی بزرگ دارد.

ترجمه بعضی از فقرات این زیارتنامه که سید بن طاووس در مصباح الزائر نقل کرده بدین شرح است:

... سلام بر تو ای صدیقه طاهره ، سلام بر تو ای شبیه ما در موسی و ای دختر حواری حضرت عیسی و سلام بر تو ای پرهیز کار پاکیزه ، سلام بر تو ای راضیه مرضیه ، سلام بر تو ای وصف شده در انجیل و خطبه ازدواج خوانده شده به وسیله روح الامین. و ای کسی

ص: ۲۲۰

۱- مفید الفصول العشره ص ۶۹-۷۲

۲- کلینی کافی ج ۱-ص ۵۰۵-صدوق کمال الدین ص ۴۳

۳- صدوق کمال الدین ص ۴۷۳ - ۴۷۶

که پیامبر در وصلت فرزندش با تو رغبت کرد... سلام بر تو و بر روح و بدن پاکیزه ات شهادت می دهم که کفالت را بخوبی انجام دادی و امانت را ادا کردی و در راه رضای خدا کوشش و صبر نمودی و سر خدا را حفظ و ولی خدا را حمل کردی و در حفظ حجت خدا، نهایت سعی خود را نمودی و در وصلت نمودن با فرزند رسول خدا رغبت کردی در حالی که به حق آنها عارف و به صدقشان معتقد و به شائن و منزلتشان بینا و بر آنها مشفق و برگزیده هدایتشان بودی .

شهادت می دهم که عمر خود را با بینش صحیح گذراندی و به صالحان اقتدا کردی و راضی و مرضی و پرهیزکار و پاک دنیا را وداع نمودی ، خداوند از تو راضی باد و تو را راضی بگرداند و بهشت را جایگاه تو قرار دهد و ...[\(۱\)](#)

پدر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

امام حسن عسکری علیه السلام یازدهمین پیشوای شیعیان، و پدر بزرگوار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در سال / ۲۳۲ م چشم به جهان گشود، پدر بزرگوارش امام دهم حضرت هادی علیه السلام و مادرش، بانوی پارسا و شایسته «حدیث» یا «حدیثه»[\(۲\)](#) و در برخی منابع نامش را «سوسن»[\(۳\)](#) و «عسفان»[\(۴\)](#) یاد کرده اند.

از مشهورترین القاب امام عسکری علیه السلام می توان به «الصامت»، «الهادی»، «الرفیق»، «الزکی»، «النقی» و «الخالص» اشاره کرد [\(۵\)](#). «ابن الرضا» لقبی است

ص: ۲۲۲

۱-۱. مفاتیح الجنان، کتابفروشی محمد حسن علمی، ص ۱۰۱۷، عمده الزائر، سید حیدر کاظمی، ص ۳۳۱، بیروت .

۲-۲. الارشاد، شیخ مفید، ص ۳۳۵.

۳-۳. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۲۴۹

۴-۴. فرق الشیعه، نوبختی، ص ۱۰۵.

۵-۵. دلائل الامامه، محمد بن جریر طبری، ص ۲۲۳.

که امام جواد علیه السلام و امام عسکری علیه السلام هر دو به آن شهرت یافته اند.^(۱)

امام عسکری علیه السلام قریب به ۶ سال امامت مسلمین را عهده دار بودند و در طول این مدت نسبت به هدایت مردم و حفظ جان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زحمات زیادی را متحمل شدند.

حاکمان دوران امام عسکری علیه السلام که بیشترین فشار را به حضرت وارد می کردند، عبارتند از:

۱- المعتر بالله (۲۵۲-۲۲۵ه) ۲- المهتدی بالله (۲۵۵-۲۵۶ه) ۳- المعتمد بالله (۲۵۶-۲۷۹ه) امام علیه السلام در این دوران به صورت پنهانی و با اجرای اصل «تقیه»، با سیستم سازمان وکالت امور شیعیان را دنبال می فرمودند.

امام عسکری علیه السلام، در سال ۲۴۳ه با فشار متوکل عباسی به سامراء منتقل شد،^(۲) چون تصور عباسیان این بود که ممکن است امامان، همانند سایر علویان، با داشتن هوادارانی چند دست به قیام بزنند. لذا حضور آنها در مرکز خلافت، مانع از چنین اقدامی میشود. اقامت طولانی امام عسکری علیه السلام در سامراء جز نوعی بازداشت از طرف خلیفه

ص: ۲۲۳

۱- ۶. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۰، ص ۲۳۶.

۲- ۱. الارشاد، شیخ مفید، ص ۳۳۴.

قابل توجه نیست؛ به طوری که حضرت مجبور بودند هر دوشنبه و پنجشنبه به دارالخلافه رفته و حضور خود را اعلام نمایند.^(۱) از طرفی هم تنها پیروان و شیعیان خاص می توانستند با آن حضرت ارتباط داشته باشند.^(۲)

امام عسکری علیه السلام اگر چه بسیار جوان و تحت مراقبت جاسوسان و عاملان خلیفه بود ولی به دلیل موقعیت بلند علمی و اخلاقی شهرت فراوانی پیدا کرده بودند، حتی روزهایی که حضرت به مقر خلافت میرفت، در طول مسیر حضرت، که مملو از مردم و بسیار شلوغ بود، مردم به احترام ساکت می شدند و جمعیت با شور و شغف بسیار به امام علیه السلام اظهار ارادت می کردند.^(۳)

اوضاع سیاسی، اجتماعی عصر امام عسکری «علیهم السلام»

در این زمان شیعیان به صورت یک قدرت عظیم در عراق مطرح بود و علنا با حاکمان عباسی مخالفت می کردند و حاکمان عباسی نیز، توجه و فشار خود را معطوف امامان علیهم السلام شیعه و پیروان آنان کرده بودند. از یک سو عباسیان می دانستند که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در نسل امام عسکری علیه السلام خواهد بود لذا با گسترش جاسوسان خود مراقب وضع زندگی امام علیه السلام بودند؛ حتی در

ص: ۲۲۱

۱-۲. الغیبه، طوسی، ص ۱۲۹.

۲-۳. مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۵۳۳.

۳-۴. الغیبه، طوسی، ص ۱۲۹.

زمان معتز امام علیه السلام بازداشت و روانه زندان شده بود و به «سعید حاجب» مأموریت داده بود تا امام علیه السلام را به سوی کوفه ببرد و در بین راه حضرت را به شهادت برساند ولی پس از سه روز همراهان وی، خود او را به هلاکت رساندند.^(۱) «مهتدی» هم تصمیم به قتل امام علیه السلام گرفت ولی موفق به اجرای آن نشد.

از سوی دیگر، امام عسکری علیه السلام باید زمینه را برای امامت فرزندش و آمادگی مردم برای ورود به عصر غیبت را فراهم می کردند، که با فشار و محدودیت های حاکمان عباسی کار بسیار دشواری بود البته این زمینه سازی از قبل توسط امامان گذشته انجام گرفته بود ولی در زمان امام عسکری علیه السلام جلوه بیشتری می یافت زیرا امام علیه السلام با وجود تأکید بر تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، او را تنها به شیعیان و مریدان خاص نشان داده بود و تماس مستقیم شیعیان، با خود آن حضرت، روز به روز محدودتر و کمتر میشد.

بخشی از فعالیت های امام حسن عسکری «علیهم السلام»

۱- رساله ها و نامه ها

رساله ها و نامه هایی از امام حسن عسکری «علیهم السلام» در تاریخ ثبت شده است که آنها را برای شیعیان، برخی مناطق شیعه نشین، یا افراد عادی فرستاده اند حتی زمانی که در حصر عباسیان بودند و در نامه ها ضمن اشاره به معارف دینی و لزوم انجام احکام الهی، بسیاری از مسائل لازم و ضروری را یادآوری یا برانجام برخی کارها پافشاری کرده اند که برای نمونه، می توان از نامه امام عسکری علیه السلام به علی بن حسین بابویه اشاره نمود که امام در این نامه برای ایشان

ص: ۲۲۵

۱- بحار الانوار، مجلسی، ج ۵، ص ۳۱۳-۳۱۱.

دعا نمودند و خداوند دعای ایشان را مستجاب نموده و شیخ صدوق را به او عطا کرده است.^(۱)

۲- تأسیس حوزه علمیه

یکی از دغدغه های اصلی امامان شیعه حفظ شیعیان و تربیت نیرو بوده است امام عسکری «علیه السلام» با تأسیس مرکز علمی در پی تربیت نیرو بر آمده و شاگردان والامقام ورجمندی تحویل جامعه داده اند مانند احمد بن اسحاق قمی، عثمان بن سعید عمری، حسین بن روح (هر دو از نواب اربعه امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف») عبدا... بن جعفر حمیری مؤلف کتاب الغیبه و الحیره از کارگزاران نواب اول و دوم بوده است البته هدف امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف ضمن تشویق نشر دهندگان و نگهبانان فرهنگ اهل بیت «علیهم السلام»، آنان را به مناطق مختلف شیعه نشین اعزام کرده تا ضمن پاسخ گو بودن به شبهات، ارتباط با شیعیان را حفظ نمایند.

۳- مبارزه با انحرافات و شبهات

بخشی از فعالیت های علمی امام حسن عسکری «علیهم السلام» مربوط به موضع گیری های قاطع ایشان در برابر اندیشه های انحرافی صوفیان، واقفه، مفوضه و... بود که حضرت با صراحت موضع گرفته و ضمن باطل و دروغ دانستن آنان شیعیان را از

ص: ۲۲۴

۱- ۲. روضات الجنات، ج ۴، ص ۴-۲۷۳، محمد باقر خوانساری به کوشش اسدا... اسماعیلیان.

انحراف حفظ می نمودند و مناظره با کسانی که عقائد باطل داشتند و مردم را دچار شک و تردید می نمودند؛ مانند مقابله با راهب نصرانی و مناظره و گفت‌وگو با فیلسوف معروف عراقی بنام یعقوب بن اسحاق کندی.^(۱)

۴- ساماندهی و تقویت سازمان وکالت

این سازمان همان نظام ارتباط امام با شیعیان بود که از عصر امام صادق علیه السلام شکل گرفته و در طی دهها سال فعالیت مخفی خود را ادامه داده بود در زمان امام عسکری علیه السلام چون شیعه رفته رفته به عصر غیبت نزدیک میشد لذا امام عسکری علیه السلام راه را برای حرکت سازمان وکالت در مسیر خودش هموار نموده بود ایشان همانند پدر بزرگوارش وکلای ارشادی را برای نواحی مختلف نصب نموده تا بر کار سایر وکلا نظارت داشته باشند علاوه بر این عثمان بن سعید عمری را به عنوان وکیل الوکلای خود معرفی نمود تا همه وکلا به او مراجعه کنند.^(۲)

البته انجام تمام امور با تاکتیک و سیاست تقیه و رازداری صورت می گرفت.

۵- توجه ویژه به شیعیان

با اینکه امام عسکری علیه السلام تحت حفظ و نظارت مأموران عباسی بود و شیعیان تشنه دیدار آن حضرت بودند با این اوصاف حضرت به همه تأکید می کردند جهت حفظ اتحاد و انسجام میان شیعیان با سیاست تقیه از همدیگر محافظت نمایند و خودشان هم نسبت به حفظ شیعیان حساسیت ویژه ای داشتند. امام برای اینکه شیعیان شناخته نشوند به آنها دستور داد، در روزی که ایشان می خواهند برای دیدار با معتمد عباسی از منزل خارج می شوند به آن حضرت سلام نکرده حتی با دست به ایشان اشاره نکنند چرا که در امان نخواهند بود.^(۳)

۶- زمینه سازی برای ورود شیعه به عصر غیبت

اشاره

مسئله آماده سازی شیعه برای ورود به عصر غیبت و ایجاد ذهنیت لازم برای قبول مسئله غیبت و آمادگی برای دوری از امام معصوم علیه السلام و محرومیت از ارتباط مستقیم با او، امری بود که از عصر پیامبر اعظم صل الله علیه و آله و سلم شروع و در عصر هریک از امامان علیه السلام شیعه به طور مستمر ادامه یافت و هر امام شیعه به نوبه خود با توجه به نزدیک بودن عصر غیبت، نسبت به مسئله غیبت تأکید می فرمودند و از سوی دیگر نسبت به انکار وجود امام علیه السلام و انحراف

ص: ۲۲۶

۱- ۱. مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ج ۴، ص ۴۲۵، به کوشش محمد حسین دانش آشتیانی و سید هاشم رسول محلاتی.

۲- ۲. تاریخ عصر غیبت، پورسید آقایی، ص ۱۷۰. ۳. بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۶۹.

۳- بحارالانوار ج ۵۰ ص ۲۶۹

حاصل از غیبت امام معصوم علیه السلام به شیعیان هشدار می دادند.

امام حسن عسکری «علیه السلام» در همین راستا اقداماتی انجام دادند؛ نظیر:

الف) مطلع کردن شیعیان نسبت به تولد فرزندش مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از آن جا که به دلیل جاسوسان و دشمنان، ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بصورت مخفی انجام گرفته بود و بیم آن بود که شیعیان در شناخت آخرین حجت به گمراهی روند، لذا امام عسکری علیه السلام به طرق مختلف شیعیان را نسبت به وجود فرزندش مطلع می کردند.

احمد بن اسحاق که از بزرگان شیعه می باشد، می گوید خدمت امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم تا از ایشان در مورد امام بعد از ایشان سؤال کنم که آن حضرت با شتاب به درون خانه رفت و بازگشت در حالی که پسری سه سال که رویش مانند ماه تمام میدرخشید بر دوش خویش داشت (۱). همچنین محمد بن عثمان دومین نائب نقل می کند که به همراه چهل نفر از شیعیان نزد امام عسکری علیه السلام گردهم آمدیم و آن حضرت فرزندش را به ما نشان داد. (۲) گفتنی است که حضرت بارها برای فرزندش عقیقه (۳) نمودند تا ضمن اجرای برنامه و سنت اسلامی به دیگران بفهماند که از وی فرزندی باقی است.

ب) ارجاع سؤالات افراد به فرزندش

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام محل مراجعه سؤالات شیعیان و نمایندگان خود بود و حضرت برای آماده سازی شیعیان، برخی از سؤالات مراجعه کنندگان را به فرزندش محول می کردند؛ برای نمونه به روایتی اشاره می کنیم: سعد بن عبدالله قمی به همراه احمد بن اسحاق قمی نقل می کنند که نزد امام یازدهم علیه السلام شرفیاب شدیم

ص: ۲۲۷

۱- ۱. کمال الدین، صدوق، ج ۲، باب ۳۸، ح ۱، ص ۸۰

۲- ۲. کمال الدین، صدوق، ج ۲، باب ۴۳، ح ۲، ص ۱۶۲.

۳- ۳. قربانی کردن گوسفند و اطعام گوشت آن به محرومان

و سؤالات خود را با ایشان در میان گذاشتیم و حضرت به فرزندش اشاره کرد و فرمود: از نور چشم سؤال کن و فرزند حضرت رو به من کرده و فرمود: هر چه می خواهی سؤال کن (۱). به نوعی حضرت امام عسکری علیه السلام در پی معرفی جانشین خود بوده اند.

ج) کاهش ارتباط مستقیم با شیعیان

امام حسن عسکری علیه السلام چون در حصر و کنترل حکام عباسی بودند و هم به لحاظ آن که در عصری نزدیک عصر غیبت می زیستند، غالباً پنهان بوده و غالب امور و ارتباط آنان با شیعیان از طریق مکاتبات، توقیعات و وکلاء انجام می گرفت تا آنان آمادگی دوران غیبت را بیابند

د) دعا برای ولی امر منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف

حضرت امام عسکری علیه السلام در دعایی برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از خداوند برایش چنین دعا می کند: «... خداوندا او را از شر هر تجاوز کار و طغیانگر و از شر همه آفریدگانت نگه دار و او را از پیش رویش و از پشت سر و از سمت راست و چپش حفظ کن و او را نگهبان باش و از اینکه به او بدی برسد نگاهش دارد و در مورد او، پیامبرت و خاندان پیامبرت را نگاه دار و به سبب او عدالت را آشکار کن، با یاری ات او را پشتیبانی کن، یاورانش را یاری کن و...» (۲).

اعمال و فضیلت نیمه شعبان

فضیلت نیمه شعبان

در برخی روایات، شب نیمه شعبان پس از شب قدر برترین شب ها دانسته شده است.

روایات نقل شده از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان شیعه بر اهمیت شب زنده داری و عبادت در شب نیمه شعبان تأکید دارد؛ از جمله در روایتی آمده است: جبرئیل در شب نیمه شعبان پیامبر را از خواب بیدار کرد و ایشان را به برپایی نماز، قرائت قرآن، دعا و استغفار در این شب سفارش نمود (۳). در روایتی دیگر، یکی از همسران پیامبر

ص: ۲۳۸

۱- کمال الدین صدوق ج ۲ باب ۴۳ ح ۲۱ ص ۱۹۰

۲- مصباح المتهجد کفعمی ص ۳۹۹ جمال اسبوع سید بن طاووس ص ۲۹۶

۳- ۱. مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ ق ج ۹۸، ص ۴۱۳.

از عبادت خاص و سجده های طولانی و متعدد پیامبر در شب نیمه شعبان خبر داده است. (۱) در احادیثی از امام علی (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) نیز بر عبادت و انجام اعمال خاص شب نیمه شعبان تأکید شده است. (۲)

دستهای دیگر از روایات، حاکی از اهمیت نیمه شعبان به سبب تولد امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، آخرین حجت خدا بر مردم است. (۳)

روایات متعددی در اهمیت و فضیلت شب و روز نیمه شعبان وجود دارد. بخشی از فضیلت های این شب در ذیل آمده است:

گشایش درهای خشنودی، بخشش، روزی و نیکی در شب نیمه شعبان؛ (۴)

تقسیم روزی و ثبت شدن زمان مرگ انسان؛ (۵)

بخشیدن همه انسانها غیر از مشرک، قمارباز، فرد قطع رحم کرده، شراب خوار و فردی که بر انجام گناه اصرار می ورزد. (۶)

برترین شب ها پس از شب قدر. (۷)

ص: ۲۳۹

-
- ۱- ۲. سید بن طاووس، اقبال الأعمال، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، ص ۲۱۶-۲۱۷.
 - ۲- ۳. سید بن طاووس، اقبال الأعمال، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، ص ۵۴۰؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۹۴، ص ۸۴، ۸۵
 - ۳- ۴. سید بن طاووس، اقبال الأعمال، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، ص ۲۱۸، ۲۱۹
 - ۴- ۵. سید بن طاووس، اقبال الاعمال، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، ص ۲۱۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۹۸، ص ۴۱۳
 - ۵- ۶. سید بن طاووس، اقبال الاعمال، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، ص ۲۱۲؛ مجلسی، بحارالانوار، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۹۸، ص ۴۱۳
 - ۶- ۷. سید بن طاووس، اقبال الاعمال، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، ص ۲۱۶-۲۱۷.
 - ۷- ۸. سید بن طاووس ص ۲۰۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۹۴، ص ۸۵

غسل کردن که باعث تخفیف گناهان می شود.

احیاء این شب به نماز، دعا و استغفار.

خواندن دعای کمیل.

زیارت امام حسین (علیه السلام) که باعث بخشش گناهان می شود. بر اساس برخی از روایات، روح ۱۲۴ هزار پیامبر ایشان را در این شب زیارت می کنند. در شرایطی که امکان زیارت نیست به مکان بلندی رفته و به سمت راست و چپ نگاه کند سپس سر را به سمت آسمان بلند نموده و امام حسین را با این کلمات زیارت کند السلام علیک یا ابا عبدالله، السلام علیک و رحمه الله و برکاته.

خواندن دعای زیر که در حکم زیارت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَ مَوْلُودِهَا وَ حُجَّتِكَ وَ مَوْعُودِهَا، الَّتِي قَرَنْتَ إِلَى فَضْلِهَا فَضْلاً فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقاً وَ عَدَلاً لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ وَ لَا مُعَقَّبَ لَأَيَاتِكَ، نُورِكَ الْمَتَّلَقُ وَ ضِيَاؤُكَ الْمُشْرِقُ وَ الْعَلَمُ النُّورُ فِي طَحْيَاءِ الدِّيَجُورِ، الْغَائِبُ الْمَسْتُورُ جَلَّ مَوْلِدُهُ وَ كَرَّمَ مَحْتَدُهُ، وَ الْمَلَائِكَةُ شُهَدَاؤُهُ وَ اللَّهُ نَاصِرُهُ وَ مُؤَيِّدُهُ إِذَا آتَى مِعَادَهُ، وَ الْمَلَائِكَةُ أَمِدَادُهُ سَيِّفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُو وَ نُورُهُ الَّذِي لَا يَخْبُو وَ ذُو الْحِلْمِ الَّذِي لَا يَضِيْبُو مِيدَارُ الدَّهْرِ وَ نَوَامِيسُ الْعَصِيرِ وَ وُلَاةُ الْأَمْرِ وَ الْمُنزَلُ عَلَيْهِمُ الذِّكْرُ وَ مَا يَنْتَزِلُ فِي لَيْلِهِ الْقَدَرِ وَ أَصْحَابُ الْحَشْرِ وَ النَّشْرِ تَرَاجِمُهُ وَ حِيهِ وَ وُلَاةُ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ حَاطِمِهِمْ وَ قَبَائِمِهِمُ الْمَسْتُورِ عَنْ عَوَالِمِهِمْ، اللَّهُمَّ وَ أَدْرِكَ بِنَا أَيَّامَهُ وَ ظُهُورَهُ وَ قِيَامَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَ اقْرِنْنَا بِثَارِهِ، وَ اكْتُبْنَا فِي أَعْوَانِهِ وَ خُلَصَائِهِ، وَ أَحِينَا فِي دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ وَ بَصِيْحَتِهِ غَانِمِينَ وَ بِحَقِّهِ قَائِمِينَ وَ مِنَ الشُّوءِ سَالِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَ عِتْرَتِهِ النَّاطِقِينَ وَ الْعَنْ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ وَ أَحْكَمْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ.

* صلوات هر روز که در وقت زوال به خواندن آن سفارش شده است.

* خواندن دعای زیر که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در شب نیمه شعبان می خواندند :

اللَّهُمَّ اقسِم لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ مَعْصِيَتِكَ وَ مِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ رِضْوَانَكَ وَ مِنَ اليَقِينِ مَا يَهْوُنُ عَلَيْنَا بِهِ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا اللّهُمَّ اُمِّعِنَا بِاسْمَاعِنَا وَ ابْصَارَنَا وَ قُوَّتَنَا مَا اُحْيَيْتَنَا وَ اجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا وَ اجْعَلْ تَارَاتِنَا عَلَيَّ مَنْ ظَلَمْنَا وَ انصُرْنَا عَلَيَّ مَنْ عَادَانَا وَ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا اَكْبَرَ هَمِّنَا وَ لَا مَبْلَغِ عِلْمِنَا وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

. ذکرهای "سبحان الله"، "الحمد لله"، "الله أكبر" و "لا اله الا الله" صد مرتبه گفته شود.

خواندن نماز جعفر طیار.

خواندن چهار رکعت نماز، در هر رکعت حمد و توحید صد مرتبه پس از نماز دعای زیر خوانده شود:

اللَّهُمَّ اِنِّي اِلَيْكَ فَقِيرٌ وَ مِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ وَ بِكَ مُسْتَجِيرٌ اللّهُمَّ لَا تُبَدِّلْ اِسْمِي وَ لَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَ لَا تُجْهِدْ بِلَائِي وَ لَا تُشْمِتْ بِي اَعْدَائِي اَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ وَ اَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ وَ اَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخِطِكَ وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْكَ جَلَّ تَنَاوُكَ اَنْتَ كَمَا اُتِيْتُ عَلَيَّ نَفْسِكَ وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ فِيكَ.

* زیارت امام زمان که در هر زمان و مکان نیز استحباب دارد.

* روز نیمه شعبان دعا برای تعجیل امام زمان (علیه السلام).

محل زندگی حضرت

اشاره

آن حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تا روز شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) در منزل پدرشان در شهر سامرا بودند.

* حکیمه، عمه امام حسن عسکری (علیه السلام) چندین بار حضرت مهدی (علیه السلام) را پیش از شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) در خانه پدرش دیده بود و امام حسن عسکری (علیه السلام) در یکی از ملاقات های احمد ابن اسحاق با ایشان که در منزل آن حضرت (علیه السلام) بود، فرزند خود را به او نشان دادند. (۱)

* امام عسکری (علیه السلام) در حال احتضار به پیشکار خود به نام عقید فرمودند: "وارد اتاق شو، کودکی را در حال سجده می بینی، او را نزد من بیاور." (۲)

* در دوران غیبت صغری که حدود ۷۴ سال طول کشید، محل سکونت حضرت مهدی (علیه السلام) مشخص نبود. به نظر می رسد آن حضرت (علیه السلام) در عراق سکونت داشتند، زیرا چهار نایب خاص آن حضرت (علیه السلام) که با ایشان رابطه مستقیم داشتند، در عراق به ویژه در شهر بغداد می زیستند. و از اینکه نامه های مردم را می گرفتند و به حضرت (علیه السلام) می رساندند و جوابش را دریافت می کردند می توان حدس زد که حضرت (علیه السلام) محل سکونت خود را در جایی قرار داده بودند که امکان دسترسی نایبان و تماس با حضرتش آسان باشد؛ بدین جهت، جز این چهار نفر کسی از محل سکونت آن حضرت (علیه السلام) اطلاعی نداشت.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: برای قائم (علیه السلام) دو غیبت است، یکی از آن دو کوتاه و دیگری طولانی. در غیبت نخست کسی جای او را نمی داند، مگر شیعیان خاص او (به نظر می رسد منظور

ص: ۲۴۲

۱- (بشاره الاسلام، ص ۱۶۷)

۲- (کتاب الغیبه، ص ۱۶۵)

در دوران غیبت صغری

شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ق) در کتاب الارشاد، مفید، الارشاد، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۳۴۰ و طبرسی (متوفای ۵۴۸ق) در کتاب اعلام الوری (فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۵۹). و برخی دیگر از فقیهان و محدثان بزرگ شیعه و همچنین بسیاری از تاریخ نگاران، قول اول را پذیرفته و مدت غیبت صغری را ۷۴ سال ذکر کرده است.

در طول غیبت صغری، امام مهدی از طریق نایبان خاص خود با شیعیان در ارتباط بود و امور آنان را حل و فصل می کرد. این امور، علاوه بر مسائل عقیدتی و فقهی، شامل مسائل مالی نیز میشد.

در دوران غیبت کبری

امام مهدی (علیه السلام) از آغاز امامت خود در سال ۲۶۰ ه. ق ارتباط خود با شیعیان را محدود به ارتباط از طریق نمایندگان خاص خود کرده بود. آخرین نائب خاص، علی بن محمد سمري بود که در پانزدهم شعبان ۳۲۹ / پانزدهم ماه مه ۹۴۱ درگذشت.

یک هفته قبل از درگذشت او، توقیعی از سوی امام خطاب به وی صادر شد:

ای علی بن محمد سمري!... تو تا شش روز دیگر وفات خواهی کرد. پس کارهایت را تمام کن و به هیچ کس به عنوان جانشین خویش وصیت نکن زیرا اکنون غیبت دوم آغاز شده است، و ظهوری نخواهد بود تا زمانی که خداوند اجازه فرماید... کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۳۰؛ احتجاج، ج ۲، صص ۵۵۵-۵۵۶؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۶) پس از درگذشت سمري ارتباط از طریق نواب خاصه نیز خاتمه یافت و غیبت وارد مرحله

ص: ۲۴۳

ای جدید شد. این دوره از غیبت در منابع متأخر، غیبت کبری نامیده شده است. اکثر منابع شیعی سال وفات نایب چهارم را سال ۰۳۲۹ ق. میدانند، ولی شیخ صدوق و فضل بن حسن طبرسی آن را در سال ۰۳۱۸ ق. ثبت کرده اند. (صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۵۰۳، روایه ۳۲. طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۱۷). امام صادق (علیه السلام) به ابوبصیر فرمودند: والنعم المنزل طیبه. علامه مجلسی می گوید: همین جمله دلالت می کند که آن حضرت (علیه السلام) بیشتر در مدینه و اطراف آن می باشد. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۸) امام باقر (علیه السلام) به کوه طوی اشاره فرمودند. (تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶) با این وجود هیچ کس محل سکونت ایشان را نمی داند:

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: کسی بر محل سکونت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آگاهی نمی یابد، نه فرزندان او و نه شخص دیگری جز خدمتکار حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف). (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳) امام عصر (ارواحنا فدای) به ابراهیم بن مهزیار فرمودند: پدرم از من پیمان گرفته که در سرزمین پهناور و دور دست مسکن گزینم تا از نیرنگ های گمراهان و متمردان امت تازه به دوران رسیده و گمراه، نهان و مصون باشم. این پیمان مرا بر فراز تل های بلند و ریگزارها و سرزمین های مورد اطمینان افکننده است. (با خورشید سامرا، ص ۸۲) علامه مجلسی از علی ابن فاضل داستان ورودش به جزیره خضراء را نقل کرده است. گرچه علی بن فاضل در این جزیره موفق به دیدار امام زمان (علیه السلام) نشده است اما وی از ملاقات هایی که با برخی داشته، چنین استنباط

کرده است که این جزیره محل سکونت آن حضرت (علیه السلام) است. برخی با استناد به این ماجرا می‌خواهند بگویند محل سکونت امام زمان (علیه السلام) در همین جزیره است. برخی دیگر پا را فراتر نهاده با منطبق نمودن اوصاف جزیره خضراء که اطراف آن را آب‌های سفیدی گرفته است بر مثلث برمودا عقیده دارند که این مثلث محل زندگی امام زمان (علیه السلام) است و می‌گویند: کسی نمیتواند به آن محل برسد، زیرا هر چه قدرت‌های بزرگ تلاش کرده‌اند به آن برسند، بی‌نتیجه بوده است. (جزیره خضراء افسانه یا واقعیت، ص ۴۷) این نظریه صحیح نیست، زیرا اولاً کسی از محل زندگی امام عصر (ارواحنا فداء) اطلاع دقیقی ندارد، ثانیاً اصل ماجرای علی بن فاضل به دلیل تناقضاتی که در آن مشاهده می‌شود، مورد خدشه است و از اصل درستی برخوردار نیست تا چه رسد به انطباق برمودا بر آن جزیره مورد ادعا. علامه حسن زاده آملی می‌گوید: "مرحوم حاجی نوری راجع به جزیره خضراء روایتی نقل کرده است. یکی از فواید محضر شریف علامه شعرانی این است که ایشان باز حاشیه‌ای در اینجا دارند که ما آن حاشیه را در هزار و یک نکته آوردیم. ایشان می‌فرمود که جزیره خضراء الان هم هست. از بلاد اندلس است. جزیره‌ای است خیلی سبز و خرم. نوعاً جزیره‌ها خضراء هستند. ولی آن جزیره ویژگی خاصی دارد. مهدی فاطمی آن‌جا را پایتخت خودش قرار داد و محل حکومتش بود. بعد این مهدی فاطمی و جزیره خضراء، سرزبانها افتاد و دهان به

دهان نقل شد، و بعضی از این جهال نقله ، مهدی فاطمی را تبدیل کردند به حضرت مهدی بقیه الله (عج) و ایشان را در جزیره خضراء اسکان دادند. و جزیره خضراء را با مثلث برمودا ارتباط دادند. چه کارها کردند، چه چیزها دنباله این حرف آوردند و دیگران هم گرفتند این را در این کتاب و آن کتاب نوشتند. راجع به این مثلث برمودا که خیلی حرفش هست، هم همین طور. متأسفانه آقایان فرمایشی را که می شنوند اینها را می آورند اسناد می دهند به دین و آیین . به دین شریفی که یکپارچه برهان و عقل است: قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین.

برخی روایات جایگاه خاصی را برای امام زمان (علیه السلام) نام نمیرد، ولی از حضرت (علیه السلام) به عنوان فردی یاد می کند که با مردم و در میان مردم و با آنان حشر و نشر دارند و به گونه ای ناشناس زندگی می کنند.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: صاحب الامر شباهتی نیز به حضرت یوسف پیامبر(علیه السلام) دارد جای انکار نیست که خداوند با حجت خود همان کاری را انجام دهد که با یوسف انجام داد. صاحب الزمان(علیه السلام)، آن مظلوم حق از دست داده، در میان مردم رفت و آمد می کند و در بازار قدم می نهد و گاهی بر فرش منزل های دوستان می نشیند، لیکن او را نمی شناسند تا زمانی که خداوند به وی اذن دهد تا وی خود را معرفی کند، آن گونه که یوسف (علیه السلام) اجازه داد هنگامی که برادرانش گفتند: تو یوسفی؟ گفت: آری من یوسفم. (کتاب الغیبه، ص ۱۶۴) یکی از

مکان هایی که بنا بر روایت امام صادق (علیه السلام) حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آنجا حضور پیدا می کنند، صحرای عرفات است. امام زمان (علیه السلام) همه ساله در ایام حج در عرفات حضور پیدا می کنند.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: زمانی فرا می رسد که مردم امام زمان خود را نبینند امام (علیه السلام) آنها ایام حج آنها را می بیند ولی آنها او را نمی توانند ببینند. (کافی، ج ۱، ص ۳۳۷) بسیاری از علما در کربلا، نجف، کوفه، مدینه، مکه، مسجدالحرام و شهرهایی که دارای مکان های مقدس است، امام زمان (علیه السلام) را زیارت کرده اند.

مکان های خاصی که حضرت در آنها حضور می یابند

مدینه و پیرامون آن (رضوی)

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «ناچار برای صاحب الزمان، عزلت و غیبتی است و طیه (مدینه) خوب جایگاهی برای ایشان است». (کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۶، باب فی الغیبه).

مکه و اطراف آن (ذی طوی)

اشاره

از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «یکون لصاحب هذا الأمر غیبه فی بعض الشعاب، أوا أوماً بیده الی ناحیه ذی طوی...» (الغیبه النعمانی، ص ۱۸۲؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۵۰، ح ۵۵۹)؛ «صاحب الامر در یکی از این دره ها غیبتی خواهد داشت، سپس با دستش به بخشی از ذی طوی اشاره کرد».

در دعای ندبه می خوانیم: «لیت شعری این استقرت بک النوی بل ای ارض تقلک او ثری أبرضوی او غیرها ام ذی طوی»؛ اقبال الاعمال، ص ۲۹۸. «ای کاش می دانستم که در کدامین زمین قرار داری و کدام زمین یا خاک وجود نازنیت را بر خود حمل می کند؟ آیا در رضوی هستی یا در جای دیگر؟ آیا در ذی طوی هستی؟»

در دوران ظهور

در دوران ظهور، امام عصر

ص: ۲۴۷

(عجل الله تعالى فرجه الشريف) در مسجد سهله که دهها هزار پیامبر در آن نماز گزارده اند، اقامت دارند.

امام صادق (علیه السلام) به ابوبصیر فرمودند: ای ابامحمد! گویا آمدن حضرت قائم (عجل الله تعالى فرجه الشريف) به مسجد سهله را می بینم که همراه زن و فرزندان خود در آنجا اقامت می کنند. ابوبصیر می گوید: عرض کردم: آیا مسجد سهله منزل ایشان خواهد بود؟ حضرت فرمودند: آری این مسجد منزل ادريس (علیه السلام) است و خداوند پیامبری مبعوث نکرده مگر آنکه در آنجا نماز خوانده است. هر کس در این مسجد بیتوته کند، مانند آن است که در چادر و خیمه پیامبر (صلی الله علیه و آله) اقامت کرده است. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷) در پاسخ به این پرسش گفتنی است که نمی توان محل خاصی برای آن حضرت در نظر گرفت و منطقه و شهری را به عنوان محل سکونت او معرفی کرد.

اصولا «پنهان زیستی امام» ایجاب می کند که مسکن و مکان زندگی او، کاملا مخفی و ناشناخته بماند.

سدیر صیرفی از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «صاحب الامر» از این جهت با یوسف علیه السلام شباهت دارد که برادران یوسف - با اینکه عاقل و دانا بودند و قبلا هم با وی معاشرت داشتند - وقتی پیش او رفتند تا خودش را معرفی نکرد؛ او را نشناختند و با اینکه بین او و یعقوب علیه السلام، بیش از هیچده روز راه فاصله نبود، یعقوب از وی اطلاعی نداشت. پس چرا این مردم انکار می کنند که خداوند همین عمل را نسبت به حجت خویش صاحب الامر نیز انجام دهد؟ او نیز در بین مردم تردد می

کند و در بازار ایشان راه می رود و برفرش های آنان قدم می گذارد؛ ولی مردم او را نمی شناسند و به همین وضع زندگی می کند تا هنگامی که خداوند به او اذن معرفی به مردم را بدهد». (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۴؛ کمال الدین، ج ۲، ب ۳۳، ج ۲۱). آن حضرت برای انجام وظایف و تکالیف خود از مکانی به مکان دیگر می رود و براساس حکایات معتبره در شهرها و اماکن مختلفی دیده شده است. مدینه، مکه، نجف، کوفه، کربلا، کاظمین، سامرا، مشهد و قم، از جمله آن است.

و در بعضی از زمان ها و مناسبت ها در مکانی مقدس حضور دارد. در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود:

حضور هر ساله در حج و عرفات

از زمان ها و مکان هایی که امام در آن حضور مستمر و دائمی دارد، موسم حج و روز عرفه و در سرزمین عرفات است؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «يفقد الناس أممهم يشهد الموسم فيراهم ولا يرونه»؛ (منتخب الاثر، ص ۳۱۹). «مردم امام زمان خود را نمی یابند، او در موسم حج او در منا و عرفات [شرکت می کند و آنان را می بیند؛ ولی آنان او را نمی بینند]». امام رضا علیه السلام نیز می فرماید: «انه ليحضر الموسم فيقضي جميع المناسك...»؛ (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۵۲) «مهدی» در موسم حج حاضر می شود و همه اعمال را انجام می دهد و در عرفه نیز وقوف می کند و دعای مؤمنان را آمین می گوید».

محمد بن عثمان عمری، یکی از نوابان چهارگانه امام زمان

(عجل الله تعالى فرجه الشريف) می گوید:

به خدا سوگند: صاحب الزمان در موسم حج، همه ساله حضور می یابد و مردم را می بیند و می شناسد. مردم همه او را می بینند، اما نمی شناسند». (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۵۲)

مسجد کوفه، سهله، کربلا و نجف اشرف

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «گویا می بینم که قائم ما با خانواده اش در مسجد سهله اقامت گزیده است». بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۸۳، ح ۷۷۶. براساس حکایات معتبر، ملاقات بزرگانی چون مقدس اردبیلی، علامه بحر العلوم، شیخ محمد تقی آملی و... در مسجد سهله و کوفه صورت گرفته است. (ر. ک: توجهات ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشريف) به علما و مراجع، ص ۱۴۶ - ۱۵۵). از مجموع این روایات و حکایات معتبر، برداشت می شود که آن حضرت در شهرها و مناطق مختلف حضور دارد و محل زندگی ایشان، جای خاصی نیست. پس زندگی او به شیوه عادی و معمولی است؛ زیرا این گونه زندگی، حساسیت برانگیز نیست و برای آن حضرت نیز آسان تر و طبیعی تر است.

خصوصیات حضرت

اوصاف ظاهری

در برخی نقلها پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشريف) را شبیه ترین فرد به خود توصیف کرده است. (۱)

امام حسن عسکری (علیه السلام) هم چهره و اخلاق او را شبیه ترین به پیامبر دانسته. (۲)

از امام علی (علیه السلام) نقل است: هنگامی که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشريف) قیام می کند، سن او بین سی تا چهل سال خواهد بود. (۳)

امام حسن مجتبی (علیه السلام)، وی را جوانی کم سن تر از چهل سال

ص: ۲۵۰

۱- ۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ۱۴۰۵ق ج ۱، باب ۲۵، ص ۵۳۴ و ۵۳۵، ح ۱. و شافعی، عقد الدرر، ص ۴۵ و ۵۵.

۲- ۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ۱۴۰۵ق ج ۲، باب ۳۸، ص ۱۱۸، ح ۷

۳- ۳. شوشتری احقاق الحق، ۱۳۷۷ق ج ۱۹، ص ۶۵۴

معرفی کرده که دارای قدرتی بی پایان است. (۱) امام صادق (علیه السلام) او را در چهره جوانی کامل و معتدل توصیف می کند. (۲) علامه مجلسی در توضیح این روایت می نویسد: مراد از معتدل بودن این است که در سنین متوسط و یا آخر سنین جوانی است. امام رضا (علیه السلام) در روایتی، در پاسخ اباصلت هروی که از او درباره نشانه های امام مهدی هنگام ظهور پرسید، فرمود: «نشانه اش این است که در سن پیری است، ولی منظرش جوان است، به گونه ای که بیننده گمان می کند چهل ساله یا کمتر از آن است.»

*در کتاب مکیال المکارم، جمال و زیبایی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، یکی از ویژگی های او بیان شده و تأکید شده که مثل ماه می درخشد. (۳)

در نقل های مختلف جزئیات صورت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ذکر شده است. در روایتی پیامبر می فرماید: «مهدی از من است، پیشانی گشاده و بینی کشیده دارد.» (۴) در روایتی دیگر پیامبر، امام مهدی را دارای رنگ چهرهای عربی و اندامی اسرائیلی توصیف می کند که بر گونه راست او خالی است که همانند ستاره درخشان است. (۵)

- علامه مجلسی در توضیح این روایت گفته است: یعنی جسم او همانند فرزندان اسرائیل (یعقوب) است

ص: ۲۵۱

۱-۴. کمال الدین و تمام النعمه، ۱۴۰۵ق ج ۱، ص ۳۱۵.

۲-۵. مجلسی بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷.

۳-۱. موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۱۳۲.

۴-۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۹۰، ح ۲۰۰.

۵-۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۹۵، ح ۲۰۰.

در بلند قامتی و درشتی اندامی. قاضی نعمان مغربی نیز همین توضیح را در کتاب شرح الاخبار، ج ۳، ص ۳۷۸ آورده است.

* امام باقر (علیه السلام) از پدر و جدش روایت می کند که روزی امام علی (علیه السلام) در حالی که بالای منبر بود، فرمود: «از فرزندان من در آخرالزمان، مردی ظهور می کند که رنگ صورتش سفید متمایل به سرخی و سینه اش فراخ و شانه هایش قوی است و در پشتش دو خال است، یکی به رنگ پوستش و دیگری مشابه خال پیامبر (صلی الله علیه و آله)» (۱).

عمران پسر حصین می گوید: به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گفتم: این مرد (مهدی) را برایم توصیف کنم و شمه ای از حالات او را بیان فرما. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «او از فرزندان من است؛ اندامش چونان مردان بنی اسرائیل سخت و ستبر است؛ به هنگام سختی و گرفتاری امت من قیام می کند؛ رنگ چهره اش به عرب ها شباهت دارد؛ قیافه اش چون مرد چهل ساله می نماید؛ صورتش چون پاره ی ماه می درخشد؛ زمین را پر از عدل و داد می کند؛ آن گاه که آکنده از ظلم و ستم شود. بیست سال زمام امور را در دست دارد و همه ی شهرهای کفر، چون قسطنطنیه، روم و ... را می گشاید» (۲).

* امام حسن مجتبی (علیه السلام) می فرماید: «... خداوند عمر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در روزگار غیبت طولانی می گرداند. پس از آن با قدرت بی پایانش او را از چهره جوانی کم

ص: ۲۵۲

۱-۴. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه: منصور پهلوان، ۱۴۰۵ ق ج ۲، باب ۵۷، ص ۵۶۰، ح ۱۷۱.

۲-۵. ابن طاووس، ملاحم، ص ۱۴۲.

تر از چهل سال ظاهر می کند(۱)».

* امام صادق (علیه السلام) می فرماید: « زمانی که حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور می کند، مردم او را انکار می کنند و کسی بر او درنگ نمی کند؛ جز آنان که خداوند در عالم ذر(۲) از آنان پیمان گرفته است. آن حضرت در چهره ی جوانی کامل و موفق - معتدل - ظاهر می شود.(۳)

* امیر مؤمنان می فرماید: « هنگامی که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام می کند، سن او بین سی تا چهل سال خواهد بود.(۴)

* مروی می گوید: به امام رضا (علیه السلام) عرض کردم: نشانه و علامت قائم شما به هنگام قیام و ظهور چیست؟ امام فرمود: « نشانه اش این که سن حضرت زیاد است؛ ولی از نظر چهره جوان می نماید؛ به گونه ای که اگر کسی به او نظر کند، می پندارد او در سن چهل سالگی یا کم تر است. نشانه دیگرش این که گذشت روزگار او را پیر نمی کند تا زمانی که اجلش فرا رسد(۵)

* امام صادق (علیه السلام) می فرماید: « به طور

ص: ۲۵۳

۱-۶. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۵، کفایه الاثر، ص ۲۲۴؛ اعلام الوری، ص ۴۰۱؛ الاحتجاج، ص ۲۸۹.
۲-۱. عالم ذر - عالم پیش از آفرینش انسان ها بر روی زمین است که خداوند در آن عالم، از انسان ها درباره ی پروردگاری خودش اقرار گرفت؛ (وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ؛ ای رسول ما به یاد آور هنگامی که خدای تو از پشت تو فرزندان آدم، ذریه آنان را بر گرفت و آنان را بر خود گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند: بلی ما به خدایی تو گواهی می دهیم.) برخی مفسران گفته اند: مراد ظهور ارواح فرزندان آدم است در عالم روح و گواهی آنان به توحید خدا و پروردگاری او در عالم ملک و ملکوت تا آن که دیگر نگویند ما از این واقعه (قیامت یا یکتایی خدا) غافل بودیم؛ اعراف (۷) آیه ۱۷۲.

۳-۲. نعمانی، غیبه، ص ۱۸۸؛ عقد الدرر، ص ۴۱، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷؛ ینایع الموده، ص ۴۹۲.

۴-۳. احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۶۵۴

۵- کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۴؛ اعلام الوری، ص ۴۳۵؛ خرائج، ج ۲، ص ۱۱۷۰.

حتم، ولی خدا صد و بیست سال همانند ابراهیم خلیل عمر خواهد کرد و به چهره و رخسار جوانی کامل و سی ساله ظاهر خواهد شد(۱).

«مرحوم مجلسی می گوید: شاید مراد مدت حکومت و سلطنت حضرت باشد یا این که عمر حضرتش به همان مقدار بوده است؛ اما خداوند آن را طولانی کرده است.

مراد از کلمه موفق، معتدل بودن اعضاست و کنایه از این که در سنین متوسط و یا آخر سنین جوانی است.(۲).

ص: ۲۵۴

۱- ۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷

۲- ۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷.

* درباره ی سن حضرت به هنگام ظهور، اقوال دیگری نیز هست. ارطات می گوید: حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شصت ساله است. (۱) ابن حماد می گوید: حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هیجده ساله است. (۲)

* ابو بصیر می گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: از پدر شما شنیده ام که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سینه ای گشاده و کتف هایی باز و عریض دارد. حضرت فرمود: «ای ابا محمد! پدرم زره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را پوشید؛ ولی برایش بلند بود؛ به طوری که بر زمین می رسید. من نیز آن را پوشیدم؛ ولی بر قامت بلند بود؛ ولی آن زره بر قامت حضرت قائم چنان مناسب و اندازه است که بر بدن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) اندازه بود و قسمت پایین آن زره کوتاه است؛ به طوری که هر بیننده گمان می کند اطراف آن را گره زده اند. (۳)

ریان پسر صلت می گوید: به امام رضا (علیه السلام) عرض کردم: آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود: «من امام و صاحب امر هستم؛ ولی نه آن صاحب امری که زمین را از عدل و داد پر می کند؛ آن گاه که از ستم و بیداد پر شده باشد. چگونه می توانم صاحب آن امر باشم، در حالی که ناتوانی جسمی مرا می بینی؟

ص: ۲۵۵

۱- ۱. ملاحم، ابن طاووس، ص ۷۳، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۶

۲- ۲. ابن حماد، فتن، ص ۱۰۲.

۳- ۳. بصائر الدرجات، ج ۴، ص ۱۸۸؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۴۰ و ۵۲۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۹.

حضرت قائم کسی که وقتی ظهور می کند، در سن پیران است؛ ولی به نظر جوان می آید. اندامی قوی و تنومند دارد؛ به طوری که اگر دست را به سوی بزرگ ترین درخت دراز کند، آن را از ریشه بیرون می آورد و اگر میان کوه ها فریاد برآورد، صخره ها می شکنند و از جا کنده می شود. عصای موسی و انگشتر سلیمان همراه اوست. (۱)

اوصاف اخلاقی و دینی

اوصاف اخلاقی و دینی امام مهدی را به دو صورت می توان بررسی کرد:

۱- بر اساس روایاتی که وی را شبیه ترین به پیامبر اسلام می داند و با توجه به خصوصاتی که برای پیامبر در آیات و روایات ذکر شده، می توان خصوصیات اخلاقی و دینی امام مهدی را با آن توصیف کرد.

۲- شیوه دیگر، بررسی روایات مستقلی است که به بیان ویژگی های اخلاقی امام مهدی می پردازد. آنچه از مجموع اخبار و روایاتی که درباره ویژگی های اخلاقی و رفتاری امام مهدی (علیه السلام)، چه در روایات شیعه و چه اهل سنت آمده، این است که وی خاشع ترین فرد در

ص: ۲۵۶

۱- ۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸؛ اعلام الوری، ص ۴۰۷؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۱۴؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۲۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲؛ وافی، ج ۲، ص ۱۱۳؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۷۸.

برابر خدا و (۱) دانشمندترین و حکیم‌ترین مردم معرفی شده است. (۲)

امام حسین (علیه السلام) درباره وی می‌گوید: «مهدی را از روی آرامش و وقاری که دارد و همچنین دانش او به حلال و حرام و نیازمندی مردم به او و بی‌نیازی او از مردم می‌شناسید. (۳)

امام صادق (علیه السلام) وی را فردی در نهایت زهد معرفی کرده که پوشاک او سخت و خشن و خوراکش نان جو است (۴). وی بر کارگزاران دولت خود سخت گیر، و با مردم بسیار بخشنده و با مستمندان، مهربان است. (۵)

امام باقر (علیه السلام) وی را فردی معرفی می‌کند که به کتاب خدا عمل کرده و هیچ منکری را نمی‌بیند مگر آن که با آن مخالفت می‌کند. (۶)

امام رضا (علیه السلام) در بیان ویژگی کلی امام مهدی (علیه السلام) می‌فرماید: «او به مردم از خودشان سزاوارتر و از پدران و مادران شان برای آنها دل سوز تر است. او از همه مردم در برابر خدا، متواضع تر و در عمل به آنچه خود بدان فرمان می‌دهد، سختکوش تر و در دوری گزیدن از آنچه خود از آن نهی می‌کند، خوددارتر است. (۷)

همچنین امام رضا (علیه السلام) وی را داناترین و حکیم‌ترین، پرهیزگارترین بردبارترین، سخی‌ترین و عابدترین آنان توصیف می‌کند که فرشتگان با او سخن می‌گویند. (۸)

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مانند پیشوایان معصوم دیگر دارای کمالات اخلاقی ویژه ای است. از آن جا که معصومین (علیه السلام) انسان‌های کاملی هستند و از هر جهت اسوه و الگوی بشریت هستند، اخلاق نیکو را نیز در بالاترین حد دارا می

ص: ۲۵۷

۱- ۱. سید بن طاووس، ملاحم والفتن، ص ۷۳.

۲- ۲. مجلسی "بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۷۲، ح ۱۴.

۳- ۳. کامل سلیمان، یوم الخلاص، ۱۹۹۱م ص ۵۲

۴- ۴. مجلسی بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۵۹، و ج ۴۷، ص ۵۵.

۵- ۵. معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، مؤسسه معارف الاسلامی، ج ۱، ص ۲۴۲، ح ۱۵۲.

۶- ۶. کلینی "الکافی، ج ۸، ص ۳۹۶، ح ۵۹۷

۷- ۷. یزدی حائری الزام الناصب فی اثبات الحجة الغایب، ۱۴۲۲ق ص ۲۴.

۸- ۸. صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۳ق ج ۴، ص ۴۱۸.

حضرت رضا (علیه السلام) می فرماید: « مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) داناترین، بردبارترین و پرهیزگارترین مردمان است. او از همه ی انسان ها بخشنده تر، شجاع تر و عابدتر است. (۱)»

ترس از خدا

کعب می گوید: خشوع و ترس حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در برابر خداوند، مانند خشوع عقاب در برابر دو بالش است. (۲) شاید مقصود کعب این باشد که هر چند عقاب پرنده ای قدرتمند است، اما این نیرو بستگی تمام به میزان یاری بال هایش دارد؛ اگر بال ها لحظه ای او را یاری نکنند، از آسمان به زمین سقوط می کند. حضرت مهدی نیز هر چند قدرتمندترین رهبران الهی است، ولی این قدرت از ذات حق تعالی است. اگر خداوند، لحظه ای حضرتش را یاری نکند، توان ادامه ی فعالیت را ندارد. از این رو، حضرتش در برابر ذات الهی، کمال خشوع و ترس را دارد.

ص: ۲۵۸

-
- ۱- ۹. ینابیع الموده، ص ۴۰۱؛ اثبات الهده، ج ۲، ص ۵۳۷؛ احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۶۷.
 - ۲- ۱. ابن حماد، فتن، ص ۱۰۰؛ عقد الدرر، ص ۱۵۸؛ ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۳؛ متقی هندی، برهان، ص ۱۰۱.

* طبق نقل ابن طاووس (۱) خشوع حضرت در برابر خداوند به خشوع دو طرف انتهای نیزه تشبیه شده است. سرعت عمل و دقت نشانه گیری در کار نیزه بستگی به دو سر آن که همانند دو بال هستند، دارد و اگر یک سرش کج باشد، نیزه به خطا می رود.

شاید منظور این است که قدرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از خداوند است و بستگی تمام به یاری حق دارد. ضمن این که این روایت از معصوم نیست بلکه سخن کعب الاخبار است.

زهد

* امام صادق (علیه السلام) می فرماید: « چرا در ظهور حضرت مهدی تعجیل می کنید؟ خدا می داند که پوشاک او سخت و خشن، خوراکش نان جو و حکومتش، حکومت شمشیر است و مرگ در سایه شمشیر. (۲)»

* عثمان بن حماد می گوید: در مجلس امام صادق (علیه السلام) حاضر بودم که شخصی به حضرتش عرض کرد: علی بن ابی طالب لباسی سخت می پوشید که ارزش آن چهار درهم بود؛ اما شما لباس ارزشمندی بر تن دارید! حضرت در پاسخ فرمود: « علی (علیه السلام) در زمانی آن لباس را می پوشید که مورد انکار و اعتراض قرار نمی گرفت. بهترین لباس هر زمان، لباس مردم آن دوران است. هنگامی که قائم ما قیام کند، نظیر لباس علی (علیه السلام) را می پوشد و از سیاست و خط مشی آن حضرت پیروی می کند. (۳)»

لباس حضرت

روایات از لباس مخصوصی برای حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به هنگام ظهور یاد شده است؛ گاهی از پیراهن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و

ص: ۲۵۹

۱-۲. عن کعب: «المهدی خاشع لله کخشوع الزجاجة». ابن طاووس، ملاحم، ص ۷۳.

۲-۳. عن أبی عبدالله (علیه السلام): « ما يستعجلون بخروج القائم؟ فوالله ما لباسه إلا الغلیظ ولا طعامه إلا الجشب، و ما هو إلا السیف، و الموت تحت ظل السیف». نعمانی، غیبه، ص ۲۳۳ و ۲۳۴، با کمی تفاوت؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.

۳-۴. کافی، ج ۶، ص ۴۴۴، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۵۹، و ج ۴۷، ص ۵۵

سلم) سخن گفته شده و گاه از پیراهن یوسف (علیه السلام) به عنوان لباس حضرت به هنگام ظهور نام برده شده است.

* یعقوب پسر شعیب می گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «آیا نمی خواهی پیراهنی را که حضرت قائم به هنگام ظهور، بر تن دارد به تو نشان دهم؟» عرض کردم: البته مایلم آن را بینم. حضرت، صندوقچه ای را خواست و آن را گشود و از آن پیراهن کرباسی بیرون آورد و آن را باز کرد و در گوشه ی استین چپ آن لکه خونی بود.

امام (علیه السلام) فرمود: «این پیراهن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و در روزی که چهار دندان پیشین حضرت را در جنگ احد شکستند، آن را بر تن داشت و حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در حالی که این پیراهن را بر تن دارد، قیام می کند. من آن خون را بوسیدم و بر دیده ی خود

ص: ۲۶۰

نهادم، آن گاه حضرت لباس را پیچیده و برداشت. (۱)

* مفضل بن عمر می گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «می دانی پیراهن یوسف چه بود؟» گفتیم: خیر، فرمود: «چون برای ابراهیم (علیه السلام) آتش افروختند، جبرئیل برای او پیراهنی آورد و بر تن او پوشاند تا گرما و سرما به او آسیب نرساند و چون وفات او فرا رسید، آن را در جلد دعایی نهاد و به بازوی فرزندش اسحاق آویخت. او نیز آن را به یعقوب داد. آن گاه که یوسف متولد شد، یعقوب آن را در بازوی یوسف قرار داد. بر یوسف نیز حوادثی گذشت تا این که عزیز مصر شد. چون یوسف آن را در آن جا از جلد بیرون آورد، یعقوب (علیه السلام) بوی آن را شنید و این سخن خداوند در قرآن است که در حکایت یوسف از قول یعقوب می فرماید: «و من بوی یوسف را استشمام می کنم، اگر مرا به خطا نسبت ندهید (۲) و آن همان پیراهنی است که از بهشت فرود آمده است.

عرض کردم: قربانت گردم؛ آن پیراهن به دست چه کسی رسیده است؟ فرمود: «به دست اهل آن است؛ پیراهن همراه قائم ماست؛ آن گاه که ظهور کند». سپس فرمود: «هر پیامبری که دانش یا چیز دیگری را به ارث برده است، همه آنها به محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیده است. (۳)

سلاح حضرت

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام می کند و زمانی که مأموریت ظهورش فرا می رسد، شمشیری

ص: ۲۶۱

۱- ۱. نعمانی، غیبه، ص ۲۴۳؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۴۲، حلیه الابرار، ج ۲، ص ۵۷۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۵.

۲- ۲. یوسف (۱۲) آیه ۹۴.

۳- ۳. کافی، ج ۱، ص ۲۳۲؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

همراه دارد که به وی ندا می دهد: ای ولی خدا! قیام کن و دشمنان خود را بکش. (۱)

* امام صادق (علیه السلام) می فرماید: « حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به هنگام ظهور، پیراهن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را که در جنگ احد پوشیده بود و عمامه و زره آن حضرت را که بر قامت او آراسته است، می پوشد و ذوالفقار (شمشیر) پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را در دست می گیرد و شمشیر می کشد و در مدت هشت ماه از کشته ی بی دینان، پشته ها می سازد. (۲)

* جابر جعفی می گوید، امام باقر (علیه السلام) فرمود: « امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از مکه بین رکن و مقام به همراه وزیر و سیصد و اندی (سیزده) نفر از یارانش ظهور می کند؛ در حالی که عهد و دستور العمل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و پرچم و اسلحه آن حضرت با اوست.

ص: ۲۶۲

۱- ۴. کفایه الاثر، ص ۲۶۳؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۴۰۹؛ عوالم العلوم، بحرانی، ج ۱۵، بخش ۳، ص ۲۶۹؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۳۶.

۲- ۵. نعمانی، غیبه، ص ۳۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳؛ ر.ک: ارشاد، ص ۲۷۵.

آن گاه ندا کننده ای از آسمان مکه به نام و ولایت حضرتش ندا می دهد؛ به طوری که تمامی اهل زمین آن نام را می شنوند و اسم حضرت، اسم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است (۱).

چهره شناسی امام

یکی از ویژگی های امام معصوم و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این است که شخصیت درونی انسان ها را از چهره شان می شناسد و افراد صالح را از ناصالح تشخیص می دهد و مفسدان را با همان شناخت به سزای اعمالشان می رساند.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم، قیام می کند، احدی نمی ماند، مگر آن که حضرت او را می شناسد: که فردی صالح و نیک است یا منحرف و فاسد. (۲).

* نیز می فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، دشمنان ما را از چهره های شان می شناسد. آن گاه آنان را از پیشانی (سر) و پاهای شان می گیرد (و دستگیر می کند و خود با یارانش، آنان را با شمشیر به قتل می رسانند. (۳).

* معاویه ذهنی می گوید: امام صادق (علیه السلام) درباره ی آیه ای که مجرمین از چهره های شان شناخته می شوند، آن گاه از سر و قدم های شان گرفته می شوند، (۴) فرمود: «ای معاویه! دیگران درباره ی آن چه می گویند؟ عرض کردم: می پندارند که خداوند، روز قیامت، گناهکاران را از قیافه شان می شناسند و از موهای جلوی سر و پاهای شان می گیرند و آنان را در آتش می اندازد. امام فرمود: « خداوند چه

ص: ۲۶۳

-
- ۱- ۱. الأصول الستة عشر، ص ۷۹؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۸۸؛ بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۰۹، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۸.
 - ۲- ۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۱؛ خرائج، ج ۲، ص ۹۳۰؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۹۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۸ و ج ۵۲، ص ۳۸۹.
 - ۳- ۳. احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۵۷، ر.ک: نعمانی، غیبه، ص ۲۴۲؛ کنال الدین، ج ۲، ص ۳۶۶؛ ارشاد، ج ۳۶۵؛ اعلام الوری، ص ۴۳۳؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۵۶.
 - ۴- (يعرف المجرمون بسیماهم فیؤخذ بالتواصی والأقدام، (آن روز) بدکاران به سیمای شان شناخته می شوند. پس موی پیشانی آنان با پاهای شان بگیرند)؛ الرحمن (۵۵) آیه ۴۱

نیازی دارد که مجرمان را از چهره شان بشناسد و حال آن که آنان را آفریده است». عرض کردم: پس معنای آیه چیست؟ فرمود: «هنگامی که حضرت قائم قیام کند، خداوند به او علم سیماشناسی عطا می کند و حضرت دستور می دهد، کافران را از سر و پا گرفته و با شمشیر ضربات سختی بر آنان بزنند. (۱)

در آخرالزمان هر چند مردم برای روی کار آمدن دولتی قدرتمند و در عین حال پشتیبان ستمدیدگان، لحظه شماری می کنند، ولی به بسیاری از دولت هایی که روی کار می آیند، خوش بین نیستند و سخن هر حزب و گروهی را نمی پذیرند و اصولاً کسی را قادر نمی دانند که بتواند نظم را به جامعه ی جهانی بازگرداند و دنیای

ص: ۲۶۴

۱- ۵. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۶؛ ارشاد، ص ۳۶۵؛ إعلام الوری، ص ۴۳۲؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۵۶.

از این رو، مدعی بازگشت نظم به جامعه و گسترش امنیت در جهان، باید دارای توانی فوق توان دیگر انسان ها باشد و اثبات این مطلب نیاز به نشان دادن کرامات و کارهای خارق العاده دارد و شاید برای این است که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آغاز ظهور، دست به یک سلسله کرامات و معجزات می زند؛ به پرنده ی در حال پرواز اشاره می کند و او فوراً فرود می آید و در دست حضرت قرار می گیرد. چوب خشک را در زمین بایر فرو می برد و آن چوب بی درنگ سبز می شود و شاخ و برگ می دهد.

با این کارها به مردم ثابت می شود که سر و کار آنان با شخصیتی است که آسمان و زمین به امر خداوند در اختیار و تحت فرمان اوست. این کرامات نویدی برای مردمی است که سال ها و بلکه قرن ها خود را زیر فشار و قهر آسمان و زمین می دیدند. مردمی که از بالای سر، مورد تهاجم هواپیماها و موشک ها قرار گرفته، میلیون ها قربانی داده اند و قدرتی را نمی یافتند که مانع آن همه تجاوزات گردد.

مردمی که تا دیروز، چنان در قحطی به سر می بردند که حتی برای تهیه نیازهای اولیه زندگی، رنج ها و مشکلاتی را متحمل می شدند و در اثر خشکسالی و کمبود زراعت، در محاصره اقتصادی شدیدی قرار گرفته بودند، امروز در برابر شخصیتی قرار گرفته اند که با اشاره ای زمین را سبز و خرم می کند و

آب و باران را جاری می سازد.

مردمی که دچار بیماری های بی درمان شده اند، با کسی رو به رو می شوند که حتی بیماری های غیر قابل درمان را نیز علاج می کند و مردگان را زندگی می بخشد. این ها معجزات و کراماتی هستند که حکایت از توانایی، صداقت و حق بودن گفته های این رهبر کرامات مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گاهی برای رزمندگانش روی می دهد که بر ایمانشان می افزاید و اعتقادشان را استوارتر می گرداند و گاه برای دشمنان و یا تردید کنندگان است که سبب ایمان و اعتقاد آنان به حضرت می شود.

اشاره ای به معجزات و کرامات حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف

سخن گفتن پرنده

امیر مؤمنان (علیه السلام) می فرماید: « حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مسیر حرکت خود به یکی از سادات حسنی که دوازده هزار نفر رزمنده را به همراه دارد، برخورد می کند، حسنی در مقام احتجاج بر می آید و خود را سزاوارتر به رهبری می داند. حضرت در پاسخ او می گوید: « من مهدی هستم ». حسنی می رسد: آیا دلیل و نشانه ای داری تا با تو بیعت کنم؟ حضرت به پرنده ای که در آسمان در حال پرواز است، اشاره می کند و آن پرنده فرود می آید و در دستان حضرت قرار می گیرد. آن گاه به قدرت خداوند لب به سخن می گشاید و بر امامت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گواهی می دهد.

برای اطمینان بیشتر سید حسنی، امام (علیه السلام) چوب خشکی را به زمین فرو می برد؛ آن چوب سبز می شود و شاخ و برگ می

دهد. بار دیگر، پاره سنگی را از زمین بر می دارد و با یک فشار آن را خرد کرده، همانند خمیر نرم می کند.

سید حسنی با دیدن آن کرامات به حضرت ایمان می آورد. خود و همه ی نیروهایش تسلیم امام (علیه السلام) می شوند و حضرت او را به عنوان فرماندهی نیروی خط مقدم می گمارد. (۱)

جوشی آب و آذوقه از زمین

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «هنگامی که امام (علیه السلام) در شهر مکه ظهور می کند و قصد حرکت به کوفه را دارد، به نیروهایش اعلام می کند که کسی آب و غذا و توشه راه را با خود بر ندارد. حضرت (علیه السلام) سنگ موسی (علیه السلام) را که به وسیله ی آن دوازده چشمه آب زلال از زمین جوشاند، همراه دارد. در مسیر راه هر جا توقف می کنند، آن سنگ را نصب می کند و از زمین چشمه های آب می جوشد. هر کس گرسنه باشد با نوشیدن آن سیر می گردد و هر کس تشنه باشد، سیراب می شود. تهیه آذوقه و آب بین راه سپاهیان به همین ترتیب است تا هنگامی که به شهر نجف برسند؛ در آن جا با نصب آن سنگ، برای همیشه از زمین آب و شیر می جوشد که گرسنه و تشنه ای را سیر می کند. (۲)

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم ظهور می کند، پرچم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و انگشتر سلیمان و سنگ و عصای موسی همراه او خواهد بود. پس به امر حضرت در بین سپاهیان اعلام می شود که کسی زاد و توشه برای

ص: ۲۶۷

-
- ۱- ۱. عند الدرر، ص ۹۷، ۱۳۸، ۱۳۹، القول المختصر، ص ۱۹، الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۱۵۸.
 - ۲- ۲. بصائر الدرجات، ص ۱۸۸؛ کافی، ج ۱، ص ۲۳۱؛ نعمانی، غیبه، ص ۲۳۸؛ خرائج، ج ۲، ص ۶۹۰؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۸۴؛ بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۸۵ و ج ۵۲، ص ۳۲۴.

خود و علوفه برای چهار پایان بر ندارد. برخی از همراهان می گویند: او می خواهد ما را به هلاکت بیندازد و مرکب های مان را از گرسنگی و تشنگی نابود کند. اصحاب با حضرت حرکت می کنند. به اولین جایی که می رسند، حضرت سنگ را بر زمین می کوبد و آب و غذا برای نیروها و علوفه برای حیوانات بیرون می آید و از آن استفاده می کنند تا به شهر نجف می رسند. (۱)

طی الارض و نداشتن سایه

امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «هنگامی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند، زمین از نور خداوند روشن می شود و زمین زیر پای مهدی به سرعت حرکت می کند (و او با سرعت، مسیرها را می پیماید) و اوست که سایه نخواهد داشت. (۲)

وسيله ی انتقال

امام باقر (علیه السلام) به شخصی به نام سوره فرمود: « ذوالقرنین مخیر گردید که یکی از دو برادر سخت و رام را

ص: ۲۶۸

۱-۳. النعمانی، الغیبه، ص ۲۳۸؛ کمال الدین، ح ۶۷۰، بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۵۱؛ وافی، ج ۲، ص ۱۱۲.

۲-۴. کفایه الاثر، ص ۳۲۴؛ احتجاج، ج ۲، ص ۴۴۹؛ اعلام الوری، ص ۴۰۹؛ خرائج، ج ۲، ص ۱۱۷۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۳.

برگزینند. او ابر رام برگزید و ابر سخت برای حضرت صاحب (علیه السلام) ذخیره شد. «سوره پرسید: ابر سخت چیست؟ حضرت فرمود: « ابرهایی که در آن رعد و برق و آذرخش و صاعقه باشد. هر گاه ابری چنین بود، صاحب شما بر آن سوار است. بی شک او سوار بر ابر می شود و با آن به سوی آسمان بالا می رود و آسمان ها و زمین های هفت گانه را می پیماید؛ همان زمین هایی که پنج عدد آن مسکونی و دو تای دیگر ویران است. (۱)»

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: « خداوند، ذوالقرنین را در انتخاب بین دو ابر سخت و رام مخیر کرد. او ابر رام را برگزید و آن ابری است که رد آن رعد و برق موجود نداشت و اگر ابر سخت را بر می گزید، اجازه استفاده از آن را نداشت؛ زیرا خداوند، ابر سخت را برای حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ذخیره کرده است. (۲)»

کندی حرکت زمان

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: « چون امام زمان (علیه السلام) ظهور کند، به سوی کوفه حرکت می نماید. در آن جا هفت سال حکومت می کند که هر سال آن برابر ده سال از سالیان شماسست. پس از آن، خداوند هر چه اراده کند، انجام می دهم. گفته شد چگونه سال ها طولانی می شود؟ امام فرمود: « خداوند به منظومه (و فرشته اداره کننده ی آن) دستور می دهد که از سرعت خود بکاهد. از این رو، روزها و سال ها طولانی می شود. » گفته شد: می گویند اگر کم ترین تغییری در

ص: ۲۶۹

-
- ۱- ۱. مفید، اختصاص، ص ۱۹۹، بصائر الدرجات، ص ۴۰۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.
 - ۲- ۲. اختصاص، ص ۳۲۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۲ و ج ۲۷، ص ۳۲؛ غایه المرام، ص ۷۷.

حرکت آنها پدید آید، آنها به هم می ریزند و فاسد می شوند. امام فرمود: « این سخن افراد مادی گرا و کافر به خداست؛ ولی مسلمانان (که عقیده به خداوند گرداننده ی آنها دارند) چنین سخنی را نمی توانند بگویند. (۱)

قدرت تکبیر

کعب درباره ی گشودن شهر قسطنطنیه به دست مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می گوید: حضرت، پرچم را به زمین فرو می برد و به سوی آب می رود تا برای نماز صبح وضو بگیرد؛ آب از حضرت دور می شود. امام (علیه السلام) پرچم را بر می دارد و به دنبال آب حرکت می کند تا آن که از آن ناحیه می گذرد. آن گاه پرچم را در زمین فرو می برد و سپاهیان را فرا می خواند و می فرماید: «ای مردم! خداوند دریا را برای شما شکافت؛ هم چنان که آن را برای بنی اسرائیل شکافت». پس سپاهیان از دریا می گذرند و رو به روی شهر قسطنطنیه قرار می گیرند. سپاهیان ندای تکبیر سر می دهند و دیوارهای شهر به لرزه در می آید.

بار دیگر تکبیر می گویند و دوباره دیوارها می لرزد. بار سوم که صدا به تکبیر بلند می کنند، دیوارهایی که میان دوازده برج مراقبت هستند، فرو می ریزند. (۲)

ص: ۲۷۰

۱-۳. مفید، ارشاد، ۳۶۵، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷؛ الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۴۰۰.

۲-۱. عقد الدرر، ص ۱۳۸.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «... حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جلوی قسطنطنیه فرود می آید. در آن روزگار، آن دژ، هفت دیوار دارد. حضرت هفت تکبیر می گوید و دیوارها فرو می ریزد و با کشتن تعداد بسیاری از رومیان، آن جا به تصرف حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در می آید و گروهی نیز به اسلام روی می آورند. (۱)

امیر مؤمنان (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: «... سپس حضرت مهدی و یارانش به حرکت خود ادامه می دهند و بر هیچ دژی از دژهای رومیان نمی گذرند، مگر آن که با گفتن «لا إله إلا الله» دیوارهای آن فرو می ریزد تا آن که در نزدیکی شهر قسطنطنیه فرود می آیند. در آن جا چند تکبیر می گویند و ناگهان خلیجی که در مجاورت آن شهر است، خشک می شود و آب هایش در زمین فرو می رود و دیوارهای شهر نیز فرو می ریزد. از آن جا به سوی شهر رومیه حرکت می کنند و چون به آن جا می رسند، مسلمانان سه تکبیر می گویند و شهر چون رمل و شن نرم - که در برابر تندبادها قرار گرفته باشد از هم می پاشد (۲)

* نیز آن حضرت می فرماید: «... مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به پیشروی خود ادامه می دهد تا این که به یکی از شهرهای مشرف به دریا می رسد. لشکریان حضرت تکبیر سر می دهند و در پی آن دیوارهای شهر از هم گسیخته شده، فرو می ریزند (۳).

ص: ۲۷۱

۱-۲. قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): «فینزل المهدی علی بابها- قسطنطنیه - ولها یومئذ سبعة أسوار. فیکبر المهدی سبع تکبیرات کل سور منها. فعند ذلک يأخذها المهدی و یقتل من الروم خلقا کثیره. و یسلم علی یدیه خلق کثیر». العلل المتناهیة، ج ۲، ص ۸۵۵؛ عقد الدرر، ص ۱۸۰. البته از این تعبیرات در کتاب های ما کمتر دیده می شود و معمولاً در کتاب های عامه است.

۲-۳. عقد الدرر، ص ۱۳۹.

۳-۴. الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۱۶۱.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: « پدرم فرمود: هنگامی که حضرت قائم قیام کند. سپاهیان را به شهر قسطنطنیه می فرستد. آن گاه که به خلیج برسند، جمله ای بر روی پاهای خود می نویسند و از روی آب می گذرند. رومیان چون این معجزه و عظمت را می بینند، به یک دیگر می گویند: وقتی سپاهیان امام زمان این چنین باشند، خود حضرت چگونه خواهد بود. از این رو، درها را بر روی آنان می گشایند و سپاهیان حضرت وارد شهر شده، در آن جا فرمانروایی می کنند. (۱)

شفای بیماران

امیر مؤمنان (علیه السلام) می فرماید: «.. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرچم ها را به اهتزاز در می آورد و معجزات خود را آشکار می کند و به اذن خداوند چیزهایی را از نیستی به وجود می

ص: ۲۷۲

۱- ۵. نعمانی، غیبه، ص ۱۵۹؛ دلائل الامامه، ص ۲۴۹، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۷۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵.

آورد. بیماران دچار پیسی و خوره را شفا می دهد و مردگان را زنده، و زندگان را می میراند. (۱)

عصای موسی در دست

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «عصای موسی متعلق به آدم بوده است که به شعیب (پیامبر) رسیده و پس از او به موسی بن عمران داده شده است. آن عصا نزد ماست و به تازگی که من آن را دیدم، هنوز سبز بود؛ مانند روزی که از درخت جدایش کردند. چون از آن عصا سؤال شود، سخن می گوید و آن برای قائم ما آماده است و آن چه موسی با آن کرد، حضرت قائم نیز با آن انجام می دهد و هر چه بدان عصا دستور داده شود، انجام می دهد و هر جا افکنده شود، جادوها را می بلعد. (۲)

ندای ابر

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «.. حصرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخر الزمان ظهور می کند. بر سر آن حضرت ابری در حرکت است و هر جا برود، آن ابر نیز می رود تا حضرت را از تابش خورشید حفظ کند و با صدایی رسا و آشکار، ندا می دهد، این مهدی است. (۳)

* سرانجام طبق فرموده ی امام صادق (علیه السلام): « هیچ معجزه ای از معجزات پیامبران و اوصیا نمی ماند، مگر آن که خداوند عزوجل آن را به دست قائم ما انجام می دهد تا حجت بر دشمنان تمام گردد (۴)

منبع مقاله:

طبسی، نجم الدین؛ (۱۳۸۵)، دولت موعود، قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ ششم.

شبهات های امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به انبیاء الهی

اشاره

ص: ۲۷۳

۱- ۱. الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۱۶۹

۲- ۲. کمال الدیم، ج ۲، ص ۶۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۸، ۳۵۱؛ کافی، ج ۱، ص ۲۳۲.

۳- ۳. الصادق (علیه السلام): « یظهر فی آخر الزمان علی رأسه غمامه تظله من الشمس، تدور معه حیثما دار، تنادی بصوت فصیح هذا المهدي ». تاریخ موالید الأئمه، ص ۲۰۰؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۵؛ صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۶۰؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۴۰؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۶۱۵؛ نوری، کشف الاستار، ص ۶۹

۴- الاربعون، ص ۶۷؛ خاتون آبادی، اربعین، ص ۶۷؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۷۰۰.

شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت محمد صلی الله علیه و آله

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی از فرزندان من است، اسم او اسم من، کنیه اش کنیه من، و از نظر خلق و خلق، شبیه ترین مردم به من است. (۱) امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: اما شباهت آن حضرت به جد بزرگوارش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله آن است که با شمشیر قیام کرده و دشمنان خدا و رسول و ظالمین و طاغوتیان را کشته و به وسیله شمشیر و افتادن ترس در دل دشمنان یاری شده و هرگز پرچم او شکست خورده بر نمی گردد. (۲)

شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت ابراهیم علیه السلام

حضرت امام زین العابدین علیه السلام در روایتی می فرمایند: «اما من ابراهیم فخفاء الولاده و اعتزال الناس (۳)» اما سنت ابراهیم علیه السلام در آن حضرت مخفی بودن ولادت و عزلت او از مردم است.

و از امام صادق علیه السلام روایت شده است: ابراهیم علیه السلام در یک روز به قدری رشد می کرد که دیگران در یک

ص: ۲۷۴

۱- ۱. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، نشر ایران نگین، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲- ۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق، ج ۵۱، ص ۲۱۲. عن کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۷.

۳- ۳. امین الاسلام، فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۳۲۲.

هفته رشد می کنند و در یک هفته به قدری رشد داشت که دیگران در یک ماه رشد می نمایند و در یک ماه به قدری که دیگران در یک سال (۱) قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز چنین بود چنانکه در خبر حکیمه رضی الله عنها آمده است (۲)

مشابهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت موسی علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمودند: اما شباهت او به موسی علیه السلام طولانی بودن ترس و غیبت آن حضرت و مخفی بودن ولادتش و سختی شیعیانش از اذیت و آزارها و خواری ها بعد از غیبت آن حضرت است تا آنکه خداوند اجازه ظهور و یاری و پیروزی او بر دشمنانش را صادر نماید. (۳) و حضرت امام زین العابدین علیه السلام در قسمتی از یک روایت می فرمایند: «و اما من موسی فالخوف و الغیبه» و اما سنت از موسی علیه السلام ترس و غیبت است. (۴)

شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت عیسی علیه السلام

امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند: اما شباهت آن حضرت به عیسی علیه السلام اختلاف مردم درباره اوست که عده ای می گویند هنوز به دنیا نیامده و گروهی می گویند فوت کرده و عده ای دیگر می گویند کشته شده و به دار آویخته شده است. (۵)

مشابهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت نوح علیه السلام

امام زین العابدین علیه السلام می فرمایند: «فی القائم سنه من نوح و هو طول العمر» (۶) در قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سنتی از حضرت نوح علیه السلام است و آن طول عمر است.

شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت یوسف علیه السلام

ابو بصیر از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: حضرت قائم علیه السلام شباهتی به حضرت یوسف دارد، راوی می گوید عرض کردم آن چیست؟ فرمود سرگردانی و امام محمد باقر علیه السلام (۷) در قسمتی از روایت دیگری می فرمایند: همانگونه که امر حضرت

ص: ۲۷۵

۱-۴. بحار الانوار، همان، ج ۱۲، ص ۱۹.

۲-۵. بحار الانوار، همان، ج ۵۱، ص ۲۷.

۳-۶. بحار الانوار، همان، ج ۵۱، ص ۲۱۲، عن کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۷.

۴-۷. اعلام الوری، همان، ج ۱، ص ۳۲۲.

۵-۸. بحار الانوار، همان، ج ۵۱، ص ۲۱۲، عن کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۷.

۶-۹. و اعلام الوری، همان، ج ۱، ص ۳۲۲.

۷-۱۰. بحار الانوار، همان، ج ۵۱، ص ۲۲۴، عن غیبه الطوسی.

یوسف از پدرش با وجود نزدیکی بودن مسافت بین آن حضرت و پدر و خاندانش پوشیده بود مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز با وجود نزدیکی به شیعیان از آنان مخفی هستند. (۱) یوسف زیباترین اهل زمان خود بود و روایت های بسیاری نیز بر زیبایی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دلالت دارد. (۲)

شبهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت اسماعیل علیه السلام

خداوند تبارک و تعالی همان گونه که به ولادت اسماعیل علیه السلام بشارت داده است به ولادت و قیام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز بشارت داده است. (۳) همانگونه که برای حضرت اسماعیل چشمه زمزم از زمین جوشید برای قائم علیه السلام نیز آب از سنگ سخت خواهد جوشید. (۴)

شبهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت آدم «علیه السلام»

همانگونه که خداوند آدم را خلیفه خود در تمام زمین قرار داد و او را وارثان ساخت و چنین فرمود: «انی جاعل فی الأرض خلیفه» (۵) همانا من در زمین جانشینی قرار میدهم حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نیز وارث زمین و خلیفه خود در زمین قرار خواهد داد چنانکه از حضرت ابی عبدالله صادق علیه السلام مروی است که در تفسیر آیه «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الأرض» (۶) خداوند به کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند وعده داده که آنان را در زمین خلافت بخشد، فرمود: او قائم و اصحابش می باشند و هنگام ظهور در مکه در حالی که دست بر صورت می کشد می گوید:

الحمد لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الأرض» سپاس خداوندی که وعده اش را درباره ما راست گردانید و زمین را به میراثما در آورد. (۷)

شبهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت صالح علیه السلام

صالح علیه السلام از قومش غایب شد و پس از آنکه به سوی آنها بازگشت عده کثیری او را انکار کردند. همانا مثل

ص: ۲۷۶

۱- ۱۱. بحار الانوار، همان، ج ۵۱، ص ۲۱۲، عن کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۷.

۲- ۱۲. بحار الانوار، همان، ج ۵۱، ص ۹۱.

۳- ۱۳. مکیال المکارم، همان، ج ۱، ص ۳۶۶.

۴- ۱۴. برگرفته از روایتی از امام باقر (علیه السلام) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱، و غیبت نعمانی، ص ۲۳۸، محمد بن ابراهیم نعمانی، تحقیق علی اکبر غفاری.

۵- ۱۵. بقره: ۳۰.

۶- ۱۶. نور: ۵۵.

۷- ۱۷. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۴۶، سوره زمر آیه (۷۴)، به نقل از مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۴۹.

قائم علیه السلام نیز مثل صالح است چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده اند. (۱)

شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت ایوب علیه السلام

حضرت امام زین العابدین علیه السلام در قسمتی از روایتی می فرمایند: اما من ایوب فالفرج بعد البلوی (۲) اما سنتی از ایوب علیه السلام که در امام مهدی علیه السلام است فرج بعد از گرفتاری است.

شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت یونس علیه السلام

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند: اما شباهت او به یونس بن متی بازگشت او از غیبت به صورت جوان بعد از پیری و کهولت سن است. (۳)

شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت داوود علیه السلام

از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: چون قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام کند، در میان مردم به حکم حضرت داوود حکم می فرماید و نیازی به شاهد و بینه ندارد. (۴)

شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت هارون علیه السلام

هارون علیه السلام از راه دور سخن حضرت موسی علیه السلام را می شنید و بالعکس.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: هنگامی که قائم علیه السلام ما به پاخیزد خداوند عز و جل در گوشها و چشمان شیعیان ما خواهد افزود به طوری که بین آنها و حضرت قائم علیه السلام پیکی نخواهد بود، با آنها سخن می گوید و آنها میشنوند، و به او نگاه می کنند، در حالی که در جای خودش باشد. (۵)

شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت شعیب علیه السلام

شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به حضرت شعیب «علیه السلام» از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که: شعیب علیه السلام قوم خود را به سوی خدا دعوت کرد تا اینکه عمرش استخوان هایش کوفته شد. سپس از نظرشان غایب گشت و دوباره به صورت جوانی به سوی آنها بازگشت. (۲۳)

حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (۶) نیز به صورت جوانی ظهور خواهد کرد. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: آن که از چهل سال بیشتر داشته باشد صاحب این امر نیست. (۷)

آثار و برکات امام زمان (علیه السلام) در دوران غیبت

اشاره

زمانی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از آخرین وصی خود حضرت مهدی (علیه السلام) و غیبت طولانی آن حضرت سخن می فرمودند، از آن

- ١-١٨. كمال الدين، ج ١، ص ١٣٦،
- ٢-١٩. اعلام الوری، ج ١، ص ٣٢٢.
- ٣-٢٠. بحار الانوار، ج ٥١، ص ٢١٢، عن كمال الدين، ج ١، ص ٣٢٧.
- ٤-٢١. روضه كافي، ص ٥٠
- ٥-٢٢. بحار الانوار، ج ٥١، ص ٢٧.
- ٦-٢٣. مكيال المكارم، ج ١، ص ٣٠١.
- ٧-٢٤. بحار الانوار، ج ١٢، ص ٣٨٥.

حضرت سؤال شد: اگر امام و رهبر مردم از دیده‌ها غایب شود پس مردم چه بهره‌ای از او خواهند برد؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: بهره مردم از حضرت مهدی (علیه السلام) در زمان غیبت مانند بهره بردن از آفتاب پشت ابر می باشد. این روایت را امام سجاد (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) نیز با همین مضمون فرموده اند. و بعد از آن خود حضرت مهدی (علیه السلام) در جواب نامه اسحاق بن یعقوب که از آن، حضرت سؤالاتی کرده بود توسط دومین نایب خویش محمد بن عثمان چنین جواب دادند: «واما وجه الانتفاع بی فی غیبتی کالانتفاع بالشمس اذا غبتها عن الابصار السحاب» (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳). «بهره بردن از من در زمان غیبتم همانند بهره بردن از خورشید است هنگامی که از دیده‌ها در پشت ابرها مخفی شود». تشبیه وجود شریف و مبارک امام زمان (علیه السلام) به خورشید پشت ابر از جانب امامان معصوم (علیهم السلام) دلایل زیبایی دارد که با شناخت نقش خورشید در منظومه شمسی وجوه تشبیه بیشتر و بهتر شناخته خواهد شد. و البته به تعبیر استاد گنجی، تشبیه امام (علیه السلام) به خورشید از روی ناچاری بوده و از باب تشبیه معقول به محسوس است تا برای عموم مردم قابل فهم باشد و بتوانند درک کنند، و گرنه خورشید و تمامی کهکشان‌ها و عالم هستی ذره‌ای از شعاع نورانی وجود امام زمان (علیه السلام) است. بنابراین آنان که گمان می کنند چون امام (علیه السلام) چراغ هدایت است، برخوردار از نور وجودش در گرو دسترسی به اوست و چون

مؤمنان از فیض وجود مبارک ایشان در زمان غیبت محروم هستند، هیچ بهره ای نمی توانند از امام خویش ببرند سخت در اشتباه هستند. گرچه وجود امام (علیه السلام) در زمان حضور باعث مراجعه مردم به آن حضرت (علیه السلام) برای پاسخ به مسائل شرعی و مشکلات علمی و اجرای حدود و عمل به قوانین مقدس اسلام می باشد، اما اینها همه، بخش کوچکی از آثار وجود آن حضرت است و تأثیر امام معصوم (علیه السلام) در نظام آفرینش والاتر از آن است که به حساب آید و درک شود.

وجوه تشبیه امام (علیه السلام) به خورشید

به هر صورت تشبیه امام (علیه السلام) به خورشید دلایل فراوانی دارد که به برخی از آنها اشاره می شود. (علامه مجلسی در بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۳ و آیت الله جوادی آملی در کتاب امام مهدی (علیه السلام) موجود موعود، ص ۱۳۵ به برخی از این وجوه اشاره کرده اند).

۱. همان طور که خورشید محور منظومه شمسی است، امام زمان (علیه السلام) نیز محور عالم هستی و قطب عالم امکان است.

۲. وجود خورشید علاوه بر نورافشانی مستقیم باعث به وجود آمدن نیروی جاذبه، وزش باد، ریزش باران، رویش گیاهان و... است. وجود امام زمان (علیه السلام) نیز باعث وجود و ثبات آسمان ها و زمین، تدبیر امور عالم، هدایت ظاهری و باطنی موجودات و... می باشد. بوجوده ثبوت الأرض والسماء». (دعای عدیله، مفاتیح الجنان)؛ به وجود آن حضرت است که آسمان و زمین پابرجای مانده است.

۳. وجود ابر، خورشید را پنهان نمی سازد، چراکه خورشید بزرگ تر از آن است که لکه ای ابر بتواند او را مخفی سازد، بلکه ابر

تنها دیدگان مردم را می پوشانند. وجود مبارک امام زمان (علیه السلام) نیز بزرگ تر، والاتر و برتر از آن است که پرده غیبت بتواند او را محجوب سازد بلکه این پرده غیبت، دیدگان غفلت زده را پوشانده است.

۴. ابر، دیدگان زمینیان را از وجود خورشید مخفی ساخته اما آنان که توانایی حرکت بر فراز ابرها را دارند نظاره گر خورشیدند. همین طور وجود مبارک حضرت ولی عصر (علیه السلام) از چشم دنیاطلبان و خاکیان که ابر تعلقات دنیوی بر روی آن نشسته مخفی است، نه آنان که در آسمان معنویات و بر افلاک قدم نهاده اند.

۵. وجود ابر بر روی خورشید تنها مانع رسیدن نور خورشید به بخشی از زمین است و قسمت های دیگر زمین از نور مستقیم آن بهره مند می شوند. همین طور است وجود مبارک امام عصر (علیه السلام) که تنها عده ای از فیض دیدار او محروم هستند اما عده ای دیگر می توانند در زمان غیبت به محضر حضرتش شرفیاب شوند.

۶. خورشید از زمین و دیگر کرات و سیارات و ستاره ها بی نیاز است و همه آنها نیازمند او هستند. وجود مبارک امام زمان (علیه السلام) نیز از همه موجودات و مخلوقات بی نیاز است و همگی نیازمند فیض او هستند.

۷. دست بشر از رسیدن به خورشید کوتاه و از نابود ساختن آن کوتاه تر. همین طور ذهن بشر از رسیدن به مقام و جایگاه حضرت مهدی (علیه السلام) کوتاه و از نابود ساختن آن کوتاه تر است.

۸. بهره مندی هر خانه ای از خورشید به اندازه روزنه ای است که به سوی آن باز کرده باشد. بهره مندی از فیض وجود

امام زمان (علیه السلام) و نور معنوی آن حضرت نیز بستگی به مقدار معرفت هر شخص و به مقدار روزنه ای است که انسان در خانه دل خود برای حضرت (علیه السلام) باز کرده باشد.

۹. خورشید، همیشه و همه جا در حال نورافشانی است مگر برای کسانی که خود را در پشت دیوارهای ضخیم یا در قعر چاه ها مخفی کرده باشند. نور وجود امام (علیه السلام) در همه قلب ها و همه زمان ها و مکان ها در حال تابیدن است مگر آنان که خود را در پشت دیوار گناه و در قعر چاه معصیت گرفتار کرده باشند.

۱۰. خورشید، نور خود را در شب به ماه منعکس می کند تا در شب هم بتوان از نور او بهره برد. امام زمان (علیه السلام) نیز در عصر غیبت، نور وجود خویش را به نایبان خود منعکس کرده تا دیگران بتوانند از نور او بهره ببرند.

۱۱. نور و حرارت خورشید در مکان های مختلف و در کشورهای متعدد متفاوت است در برخی نقاط بیشتر و بهتر از نور و گرمای خورشید بهره می برند، ولی در برخی نقاط زمین بهره کمتری می برند. عنایات و توجه حضرت بقیه الله الاعظم (علیه السلام) به برخی کشورها و افراد، بیشتر و بهتر است و به برخی مکان ها کمتر است.

۱۲. هر چه اجسام صاف و شفاف تر باشند نور خورشید بیشتر و بهتر در آن ها تجلی و ظهور می کند و هر چه مردم خالص تر و شفاف تر باشند نور وجود آن حضرت (علیه السلام) در آنها بیشتر تجلی خواهد کرد. برخی وجوه تشبیه امام زمان (علیه السلام) به

خورشید پشت ابر را تا ۳۰ مورد نقل کرده اند).

نقل ماجرای از نصرت و دستگیری امام زمان «علیه السلام»

همه چیز دور سرم می چرخید. نمی دانم چه شد که ناگهان به زمین افتادم؛ چه نگاهی داشت! چه عظمتی بچه صلابتی! نفهمیدم چگونه فکر مرا خواند و فهمید برایش دعا می کنم؟! اصلاً مرا از کجا میشناخت؟ امن در تمام عمرم پا از اصفهان بیرون نگذاشته بودم و هیچ گاه به بغداد نیامده بودم؛ حالا دری به تخته ای خورده و چون زبان چرب و دلی نترس داشتم تجار اصفهان مرا هم آورده اند به دادخواهی نزد متوکل نمی دانستم قرار است این سفر اینقدر عجیب باشد.

می گفتند بزرگ رافضی هاست که این بار، متوکل قصد جان او را کرده. وقتی او را سوار بر اسب به این سو می آوردند، خیره به یال اسب، نه چپ را مینگریست، نه راست را به چهره ای نورانی چون خورشید داشت. تا نگاهم به او افتاد ناگهان محبتش در قلبم زبانه کشید و در دل شروع کردم به دعای خیر برای او، تا خدا شر ظالمی چون متوکل را از سر او کم کند.

نمی دانم چطور شد مقابلم که رسید ناگاه رو به سمت من کرد و گفت: خدا دعایت را مستجاب کند و عمرت را طولانی و مال و فرزندان را بسیار گرداند. و اکنون پس از گذشت سالها از آن ماجرا، عمرم از هفتاد گذشته و ده فرزند دارم، و غنی تر از من در کل اصفهان نمی یابی؛ تنها در منزل یک میلیون درهم ثروت دارم، غیر از آنچه خارج از خانه دارم و معتقد به امامت

کسی هستیم که از ضمیرم خبر داد و دعایش در حقم مستجاب شد.

در این سیر بحث می خواهیم به این مسأله اشاره کنیم که ائمه معصومین علیهم السلام و به خصوص حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، همه ی مردم را (چه بدانند و چه ندانند) هم چون فرزندان خود دوست می دارند و از ایشان در سختی ها و مشکلات دست گیری می کنند. پس بیایم اولاً- به این مسأله متذکر باشیم، ثانیاً در سختی های مادی و معنوی، در امتحانات و گرفتاری ها به آن حضرت متوسل شویم و در نهایت سپاس گزار الطاف و مراحم ایشان بوده و رابطه خود را با ایشان حفظ و تقویت کنیم.

و با بهره گیری از احادیثی دیگر در این باب، همچون حدیث حضرت رضا علیه السلام درباره ی شئون امام، ماجرای سید بن طاووس و سرداب سامرا و نیز توقیع حضرت امام زمان (علیه السلام) به شیخ مفید (که بیان گر آگاهی کامل آن حضرت به وضعیت شیعیان در ایام غیبت می باشد اشاره می کنیم که با وجود این که حضرت در دوران غیبت به سر می برند، ولی از وضعیت ما شیعیان کاملاً آگاهند و همچون پدری مهربان برای ما دعا کرده و حتی از خداوند طلب بخشش گناهان ما را می کنند.

پس از ذکر محبت و رأفت امام، به این مسأله اشاره می کنیم که امام به منزله ی پناه و کهنفی برای مردم حتی در زمان غیبت هستند تا در سختی های زندگی (اعم از امتحانات و ابتلائات) به ایشان

استغاثه نموده و متوسل گردند.

و در انتها متذکر می شویم که شایسته است برای قدردانی و تشکر از آن حضرت، برای حل بزرگترین مشکلشان که همان غیبت می باشد دعا کنیم و ظهور ایشان را از خداوند بخواهیم و بکوشیم ارتباط خود را با امام زمان حفظ کرده، متوجه حضور ایشان و زنده نگاه داشتن یادشان در قلب های خود باشیم.

نقل ماجرای درباره آگاهی حضرت از احوالات ما

رمیله یکی از دوستان و یاران امیرالمؤمنین بود . او داستان را اینگونه تعریف می کند:

چند روزی بود که حال خوشی نداشتم و سخت بیمار شده بودم. آنقدر ناخوش بودم که حتی نمی توانستم به مسجد بروم؛ بعد از چند روز بیماری روز جمعه احساس کردم تیم پایین آمده و حالم کمی بهتر شده . از طرفی بسیار دلتنگ امیرالمؤمنین شده بودم پس به هر سختی بود آبی به سرو صورتم زدم ، وضو گرفتم و تصمیم گرفتم برای ادای نماز به مسجد بروم تا به امامت امیرالمؤمنین نماز بخوانم ، همین کار را هم کردم بعد از نماز در حالیکه از مسجد خارج می شدم گرمای دستهای امیرالمؤمنین را بر شانه هایم احساس کردم و صدایی که با متانت مرا از پشت سر به نام خواند و فرمود :رمیله دچار تب شدیدی بودی ولی باز هم برای نماز جماعت به مسجد آمدی، متحیر و متعجب عرض کردم بله یا امیرالمؤمنین اما چگونه متوجه شدید؟ حضرت لبخندی زدند و فرمودند :ای رمیله هیچ زن و مرد مؤمنی نیست که بیمار شود مگر اینکه ما به خاطر بیماری او بیمار می شویم ، هرگاه محزون می شوند ما هم به غم

ص: ۲۸۴

او غمگین می شویم هر زمان دعا کند ما به او آمین می گوییم و هنگامی که ساکت باشد ما برای او دعا می کنیم.

گمان بردم که چون امیر المؤمنین من را می شناسد و نزدیک او هستم چنین می فرمایند پس پرسیدم یا امیر المؤمنین این گفته شما مربوط به کسانی است که اینجا هستند یعنی کسانی که شما آنها را می بینید و از حالشان باخبرید؟ پس در مورد دیگر افراد که در جاهای دیگر زمین ساکن هستند چه طور؟ حضرت با نگاه مهربان و متین همیشگی پاسخ دادند در هر کجا در شرق و مغرب مرد و زن مؤمنی باشد ما با او هستیم و احوال او از ما پنهان نیست.

داستان رمیله ، داستان احوال ما و فرزند امیر المؤمنین یعنی امام زمان (عج) است.

امام زمان خودشان در نامه ای (توقیعی) به شیخ مفید فرمودند [:إنا غیر مهملین لمراعاتهم ولاناسین لذکر کم] ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را فراموش نمی کنیم و از خاطر نمی بریم.

ما چقدر متوجه حضور این امام مهربان در زندگی مان هستیم؟ بین انواع و اقسام دعاها و خواسته هایمان که آمین امام زمان پشت سرش هست چقدر برای خود ایشان ، برای سلامتی و فرجشون برای رفع غم و اندوه و نگرانی از دلشان دعا می کنیم؟ حالا که می دونیم و مطمئن هستیم امام زمان ما را می بینند ، بیاین با هم یه قرار بگذاریم. می خواهیم از صحبت امام هادی علیه السلام کمک بگیریم.

در زمان امام هادی علیه السلام شخصی از یکی از شهرهای دور، نامه ای نوشت که آقا من دور از شما هستم گاهی حاجاتی دارم، مشکلاتی دارم، به هر حال چه کنم؟ حضرت در جواب ایشان نوشتند: [إن كانت لك حاجة فحرك شفتيك لت را حرکت بده، حرف بزنی، بگو، ما دور نیستیم و مشکل تو را حل می کنیم. (بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۳۰) پس ما هر وقت مشکلی داشتیم می تونیم رو به قبله کنیم و بعد از سلام به امام زمان با ایشان حرف بزیم حتی بهتر از همه اینکه برای خود امام زمان دعا کنیم و برای سلامتی شان صدقه بدهیم

طول عمر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

اشاره

شیعیان معتقدند که امام دوازده، حضرت مهدی علیه السلام عمری طولانی دارد و همچنان زنده خواهد بود تا هنگام ظهور فرا رسد و عدالت را در جهان بگستراند. اینکه امام دوازدهم علیه السلام چگونه عمری چنین طولانی دارد و آیا از نظر طبیعی ممکن است کسی بیش از هزار سال عمر کند، از دیرباز مسئله ای بوده است که علمای شیعه کوشیده اند بدان پاسخ دهند. طولانی بودن عمر امام زمان عجل الله فرجه الشریف همواره در طول تاریخ مورد سؤال بوده است. اما عمری که از قرنهای فراتر رود از دیدگاه های گوناگون، امری شدنی و ممکن است.

امکان طول عمر در قرآن

از آیات قرآن برمی آید که عمر طولانی برای انسان، ممکن است. قرآن از کسانی یاد می کند که قرنهای زیسته اند. درباره حضرت نوح علیه السلام

ص: ۲۸۶

می فرماید: «ما نوح را به سوی قومش گسیل کردیم او نهصد و پنجاه سال میان آنان زیست تا طوفان آنان را در گرفت در حالی که ستمگر بودند.» (۱) از این آیه شریف برمی آید که نوح علیه السلام نهصد و پنجاه سال میان قوم خویش زیسته است؛ اما این که چند سال پیش از رسالت زیسته است یا پس از طوفان و نابودی قوم چند سال زنده بوده است، قرآن از آن سخن نمی گوید. نیز قرآن درباره ماجرای حضرت یونس علیه السلام می فرماید: «اگر یونس از تسبیح کنندگان نبود، تا قیامت در شکم ماهی می ماند.» (۲) از این آیه می توان نتیجه گرفت که انسان به خواست خداوند می تواند قرن‌ها زندگی کند.

امکان طول عمر در روایات

اشاره

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است (۳) که نوح علیه السلام دو هزار و پانصد سال زیسته است. (۴) در برخی روایات آمده است که مهدی علیه السلام را سنتی هست از نوح که همان عمر طولانی است، (۵) حضرت خضر علیہ السلام نیز از دیگر اولیای الهی است که بنابر بسیاری از روایات نمرده و هم اکنون زنده است. قرآن ماجرای میان او و حضرت موسی علیه السلام را باز گفته است. (۶) در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است که او نخواهد مرد تا قیامت به پا گردد و در صورت دمیده شود. هر سال به حج میرود و در عرفه چون مؤمنین دعا می کنند، او آمین می گوید و خداوند او را مونس و یاور حضرت قائم علیه السلام

ص: ۲۸۷

۱-۱. عنکبوت سوره ۲۹، آیه ۱۴

۲-۲. اصفات سوره ۳۷، آیه ۱۴۴-۱۴۲

۳-۳. از مخشری، جارالله، الکشاف، ج ۴، ص ۶۲.

۴-۴. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۲۳.

۵-۵. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۲۲.

۶-۶. کهف اسوره ۱۸، آیه ۶۵-۸۲

درغیبت قرار داده است، (۱) در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره حکمت عمر طولانی خضر علیہ السلام آمده است که خداوند بدو عمر طولانی عطا کرد تا حجتی باشد بر مردم و کسی عمر طولانی حضرت حجت را انکار نکند. (۲) در روایتی آمده است که حضرت حجت عمری طولانی خواهد داشت و در همان حال، جوان و بانشاط خواهد بود؛ چنان که ابراهیم خلیل علیه السلام صد و بیست سال عمر کرد؛ ولی همچون جوانی نیرومند و سی ساله بود. حضرت قائم علیه السلام نیز به صورت جوانی نیرومند ظهور می کند و مردمان به انکار او برمی خیزند. (۳)

امکان عقلی

مقصود از این امکان، محال نبودن عمر طولانی از نظر عقل است. از نظر عقل، درازی عمر نیز با تناقض همراه نمی باشد و مانعی برای تحقق آن وجود ندارد، زیرا در مفهوم زندگی، مرگ زودرس نهفته نیست. همانند عدد ۳ نمی باشد که فرد است و زوج نشود. چون در این مورد تناقض لازم می آید. بر این اساس، ممکن است که برای انسان شرائط و محیطی پدید آید که سلولهای بدن پیوسته بازسازی شود. و اندامهای پشینه که دچار پیری و فرسودگی شده اند به تدریج در جریان خون حل و دفع شوند. لذا، از نظر عقل سالها زنده ماندن محال نمی باشد. (۴)

امکان علمی

امکان علمی بدین معناست که از نظر علم، سفر انسان به سیارات منظومه شمسی و دیگر منظومه ها مردود نیست و نظریه های علمی امکان زندگی دراز مدت را برای انسان

ص: ۲۸۸

۱- ۷. صافی، لطف الله، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۲۸۳.

۲- ۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۲.

۳- ۹. طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، ص ۴۲۰

۴- ۱۰. صدر، سید محمدباقر. جستجو پیرامون مهدی (عجل الله فرجه الشریف)، ص ۱۷ - ۱۸

نیز محال نمی‌داند. امروزه در کیهان‌شناسی، روانشناسی و سایر رشته‌های علمی هر روز نظریات استواری پدید می‌آید که با دلایل و شواهد بیشتر همراه می‌باشد. از این رو به لحاظ علمی در امکان زیست طولانی نیز تردید نمی‌توان کرد. که در اینجا به آن اشاره می‌گردد:

الف) برخی از محققان می‌گویند، ژنهایی را کشف کرده‌اند که عامل جاویدانگی سلول‌هاست. این ژنها می‌توانند سلولهای آسیب دیده را ترمیم کنند. آزمایشها بر حشرات که این ژنها در آنها فعال شده بود نشان داد که این جانداران بر اثر مرگ سلولی نمی‌میرند، بلکه تحلیل فیزیکی اندامها به مرگ آنها می‌انجامد. امید است با شناخت مکانیسم پیری، کیفیت زندگی سالمندان بهبود یافته و روند پیری کاهش پیدا کند. (۱) ب) پژوهشگران با آزمایش به روشی از ژن درمانی دست یافته‌اند که از تحلیل رفتن ماهیچه‌های بدن در اثر پیری پیشگیری می‌کند. و با این روش می‌توان حجم و قدرت ماهیچه‌ها را در زمان پیری و یا در بیماری‌های خاص، دوباره بدست آورد. (۲) ج) تاکنون تصور می‌شد که نقص در سیستم اعصاب برگشت‌ناپذیر است و بافتهای عصبی را نمی‌توان ترمیم کرد. لیکن محققان دریافته‌اند که سلولهای مغز بیشتر نیز می‌توانند با حضور خود را بازسازی کنند ولی این کار پیوسته در طول زندگی یک فرد انجام گیرد. (۳) د) تحقیق نشان داده است که مرگها در ۹۰ و ۱۰۰ سالگی بیشتر به خاطر کهولت نیست، به دلایل مشخص و عوارضهائی همانند سکتة مغزی، عفونت ریه، پوکی استخوان و... رخ می‌دهد و همچنین، ناامیدی در سالمندان احتمال مرگ زودرس را در آنها افزایش میدهد.

ص: ۲۸۹

۱- ۱۱. ماهنامه پیام زن، شماره ۹۲، ص ۹۴.

۲- ۱۲. ماهنامه دانشمند، شماره ۴۳۲، ص ۲۱. ۱۳

۳- ۱۳. ماهنامه دانشمند، شماره ۴۴۴، ص ۲۵.

و تحقیق روی ۷۹۵ مرد و زن ۶۴ تا ۷۵ ساله نشان دادند که ۲۹ درصد آنهایی که حالت یاس داشته نسبت به دیگران مرگ زودرس داشته اند. (۱)

امکان عملی

امکان عملی آن است که پدیده روزافزون علمی و تحقیقی همانند: سفینه های فضایی، دریایی، ژن شناسیها، اندامهای مصنوعی، رشد جانوران بیرون از رحم، و... زندگی اجتماعی را سازمان میدهد، که یک نوع از پیشرفت علمی است، در پرتو آن می توانیم درباره عمر مهدی عجل الله فرجه الشریف به بررسی بنشینیم... دیگر هیچ انگیزه ای برای شگفتیها باقی نمی ماند، مگر اینکه در دانش امام مهدی عجل الله فرجه الشریف شک کنیم و پیشی گرفتن علم او را بر کاروان دانش بشر بعید بشماریم... اگر همه اینها را باور داریم، چگونه برای خداوند بلند مرتبه دشوار می شماریم که مهدی عجل الله فرجه الشریف را بر دانش زمان پیشی دهد؟ چگونه است که طول عمری که خداوند به موعود منتظر عجل الله فرجه الشریف بخشیده، شگفتی می آورد، اما دگرگون کردن جهان و بنای از نوساختن بر مبنای تمدن بزرگ که به عهده آن حضرت گذاشته شده است را چگونه باید نظر داشت؟ (۲)

از منظر علوم تجربی

در روزگار ما، علوم تجربی طول عمر را برای انسان در شرایط مناسب، ممکن می دانند. دانشمندان علوم تجربی بر آنند که مرگ نیز همانند بیماریها است و علل و عوامل طبیعی دارد و اگر این عوامل باز شناخته شوند و از میان بروند، می توان برای مدتی طولانی، مرگ را به تأخیر انداخت. دکتر گیلورد

ص: ۲۹۰

۱- ۱۴. ماهنامه دانشمند، شماره، ۴۵۹، ص ۲۴.

۲- ۱۵. صدر، سید محمدباقر، جستجو پیرامون امام مهدی (عجل الله فرجه الشریف)، ص ۲۵-۱۹. ۱۶.

هاورز در این باره می نویسد: امروز علم پزشکی به کمک علم تغذیه، قیود و حدود عمر را برداشته و ما امروز بر خلاف اجداد و پدران خود می توانیم امیدوار باشیم که از عمر طولانی برخوردار خواهیم بود. پرفسور ایتنگر، از پیشروان دانش کریونیک انجماد بدن انسان می نویسد: به نظر من، با پیشرفت تکنیک ها و کاری که ما شروع کرده ایم، بشر قرن ۲۱ خواهد توانست هزاران سال عمر کند.

پزشکی انگلیسی می نویسد: برخی دانشمندان توانسته اند عمر حشره میوه را به نهمصد برابر افزایش دهند. از این روی، اگر عمر طبیعی انسان را هشتاد سال در نظر بگیریم، امکان افزایش آن تا هزار سال عملی به نظر می رسد، (۱) با بهره گیری از بهداشت و تغذیه مناسب و دستاوردهای علوم پزشکی، عمر انسان ها در اروپا نسبت به ق ۱۶ م. بسیار بیشتر شده است. و از بیست و یک سال به هفتاد سال رسیده است. (۲). بدین سان، عمر طولانی از نظر علمی ممکن است؛ چنان که دانشمندان معتقدند کوتاهی عمر نیازمند دلیل است نه بلندی آن

در منابع امامیه

امام سجاد علیه السلام می فرماید: سنتهایی از انبیاء گذشته در قائم به یادگار مانده است. از آدم و نوح علیه السلام طول عمر، از ابراهیم علیه السلام تولد پنهانی، از عیسی علیه السلام غیبت... (۳) و امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تعالی عمر بنده صالح خویش، خضر، را طولانی نکرد جز برای اینکه دلیلی بر طول عمر قائم عجل الله

ص: ۲۹۱

۱- ۱۶. قیام مهدی، ص ۵۳. ۱۷.

۲- ۱۷. قیام مهدی، ص ۴۸. ۱۸.

۳- ۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷

فرجه الشریف باشد. و از این رهگذر بهانه دشمنان را خنثی و حجت ایشان را قطع کند.^(۱) بسیاری از علمای شیعه فصلی از کتاب خویش را بدین مسئله اختصاص داده و درباره آن سخن گفته اند. شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمه فصلی با عنوان «المعمرون» گشوده و از کسانی نام برده است که عمر طولانی داشته اند و روایات اهل بیت علیهم السلام را در این باره نقل کرده است. شیخ طوسی نیز در الغیبه از این مسئله یاد کرده و بدان پاسخ گفته است. ^(۲) و ^(۳)

در منابع اهل سنت

ابن جوزی که از علمای معروف اهل تسنن و حنفی مذهب است، پس از بحث در حالت حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف و نقل روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره آن حضرت می گوید: این اعتقاد امامیه صحیح است که حضرت مهدی موجود زنده است و برای افرادی استدلال می کند که از عمر طولانی برخوردار بوده اند. مانند: خضر، الیاس، و هم چنین ذوالقرنین که در تورات آمده است. ۳۰۰۰ سال عمر کرد و هم چنین معمرینی در شمار عمرهای ۹۰۰، ۸۰۰، ۷۰۰ سال نیز در تاریخ آمده است. ^(۴) عبدالوهاب شعرانی، پس از آنکه از تولد آن حضرت در نیمه شعبان ۲۵۵، صحبت دارد، می گوید: او باقی است تا آنکه حضرت عیسی علیه السلام از آسمان نزول کند دیدار نماید. و عمر او تا زمان ما که ۹۵۸ هجری باشد ۷۰۶ سال است. ^(۵)

کتاب آسمانی

۱) قرآن کریم در قرآن کریم

نیز مواردی از عمرهای طولانی آمده که

ص: ۲۹۲

-
- ۱- ۱۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲
 - ۲- ۲۰. أصدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۵۵
 - ۳- ۲۱. طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، ص ۱۱۳-۱۱۵
 - ۴- ۲۲. ابن جوزی، سبط حنفی، تذکره الخواص الامه، ص ۳۶۵.۲۳
 - ۵- ۲۳. شعرانی، عبدالوهاب، الیواقیت و الجواهر، ص ۶۵.

به نمونه آن اشاره می گردد: حضرت نوح «علیه السلام»:

(نوح را به سوی قومش فرستادیم، ۹۵۰ سال در میان آنان درنگ کرد) (۱) و همچنین، حضرت یونس «علیهم السلام»: «اگر او از اهل تسیح نبودی تا قیامت وی را در شکم ماهی نگه می داشتم»، (۲) پس اگر زندگی در شکم ماهی تا قیامت امکان داشته باشد، در خشکی طبیعی است که امکان خواهد داشت.

۲) کتب آسمانی اهل کتاب

در میان خداپرستان و پیروان ادیان آسمانی، از اینکه طول عمر ممکن است اختلافی نیست. و در تمام کتب از عمر طولانی بسیار سخن به میان آمده است. از جمله در تورات است که کتاب مقدس یهودیان است از نظر مسیحیان نیز مورد اعتماد می باشد. و در آن شرح زندگی زیادی را اینگونه آورده است که جزء کسانی که عمرشان طولانی است اما، در ادیان گذشته سخن از طول عمر حضرت مهدی «عجل الله فرجه الشریف» نیست. بلکه سخن در مطلق درازی عمر و کسانی است که عمر فوق طبیعی و معمولی داشته اند. می گوید: «آدم» ۹۰۰ سال، «نوش» ۹۰۵ سال، «قینان» ۹۱۰، «متوشالچ» ۹۶۹، «المک» ۷۷۷ سال داشته و بعد از آن مرده اند. (۳) و هم چنین در انجیل که بعد از تورات بوده و از آن به عهد جدید یاد می کنند می گوید: ... انسانهای مادی بوده اند که ۲۰۰۰ سال داشته حداقل آن ۹۰۰ سال است که موارد متعددی را نشان میدهد. (۴)

طول عمر در تاریخ بشر

کهنسال ترین، انسانها آنچه در تاریخ آمده زیاد بوده اند که بالای ۵۰۰ سال داشته اند. (۵) (۶) و نمونه های دیگر اینکه «فیروزای» یکی از پادشاهان ۵۳۷، «ابوهبل، قس، اسقم» هر کدام ۶۷۰ سال، «مصرایم نوه نوح، ملک نوه ادریس هر کدام» ۷۰۰ سال و... داشته اند، (۷) هم چنین «ضحاک» ۱۲۰۰، «مهر کان» ۲۵۰۰، «عاد و لقمان» هر کدام ۳۵۰۰ سال عمر کرده اند و... (۸)

نتیجه:

آنچه که به عنوان نمونه و اختصار اشاره گردید، عمر طولانی نه از نظر عقل محال بود، و نه از نظر علمی آن

ص: ۲۹۳

۱- ۲۴. عنکبوت سوره ۲۹، آیه ۱۴

۲- ۲۵. صافات سوره ۳۷، آیه ۱۴۴-۱۴۲

۳- ۲۶. تورات، ترجمه فاضل خالقی، سیر پیدایش، باب ۵، آیات ۳۲-۵.

۴- ۲۷. انجیل، کتاب اعمال سولان، باب اول، آیات ۱۲-۱

۵- ۲۸. دخیل، علی محمد، الامام المهدی، ص ۱۴۶

۶- ۲۹. ادخیل، علی محمد، الامام المهدی، ص ۱۸۶ چ

۷- ۳۰. دایانا، اس، ودرف، چگونه می توان ۱۰۰ سال زندگی کرد، ترجمه لیلا مهرادبی، ص ۴۸.

۸- ۳۱. دایانا، اس، ودرف، چگونه می توان ۱۰۰ سال زندگی کرد، ترجمه لیلا مهرادبی، ص ۴۹

را نفی می کند، تاریخ، سنت و ادیان آسمانی نیز بر آن است که انسانهایی بوده اند که فوق عادت و عمر طبیعی همگان عمر داشته و زندگی کرده اند. فلذا طولانی بودن عمر امام زمان «عجل الله فرجه الشریف» از دیدگاه مسلمین از جهات مختلف امری کاملاً ممکن بوده و محال نمی باشد.

در نمونه های تاریخی

در این باره کتاب های فراوانی نگاشته شده است که از آن جمله است: المعمرون، تألیف هشام بن محمد بن سائب کلبی (م. ۲۰۴ ق.)؛ المعمرون والوصایا، تألیف ابوحاتم سهل بن محمد سجستانی (م. ۲۵۰ ق.)، المعارف، تألیف ابن قتیبه دینوری (م. ۲۷۶ ق.)؛ کمال الدین و تمام النعمه، تألیف شیخ صدوق (م. ۳۸۱ ق.)؛ الغیبه، تألیف شیخ طوسی (م. ۴۶۰ ق.)؛ تفسیر الجواهر، تألیف طنطاوی (معاصر)؛ نوید امن و امان، تألیف لطف الله صافی (معاصر).

گفتنی است که برخی از این آثار به صورت ضمنی بدین موضوع پرداخته و برخی ویژه این موضوع به تألیف درآمده اند. برخی از کسانی که عمر طولانی داشته اند، عبارت اند از: حضرت ابراهیم خلیل (علیه السلام) ۲۰۰ سال و بنا بر قولی ۱۷۵ سال، صفی بن ریاح ۲۷۰ سال، عمر بن جمه دوسی ۴۰۰ سال، لقمان بن عاد ۵۰۰ سال، سالم بن نوح ۶۰۰ سال، حضرت هود (علیه السلام) ۶۷۰ سال، آدم صفی الله (علیه السلام) ۹۳۰ سال، حوا همسر آدم (علیه السلام) ۹۳۱ سال، بخت النصر ۱۵۰۷ سال، حضرت نوح (علیه السلام) ۲۵۰۰ سال، لقمان حکیم ۴۰۰۰ سال. (۱) (۲)

اعجاز در عمر طولانی حضرت حجت

با این که طول عمر برای انسان ممکن است، در روزگار ما امری غیر عادی تلقی می شود به ویژه

ص: ۲۹۴

۱- ۳۲. اقیام مهدی، ص ۵۹ - ۵۸. ۳۳.

۲- ۳۳. محمدی مقدم، قربانعلی، آخرین امید، ص ۳۴۷-۳۵۲.

اگر به بیش از هزار سال برسد. متکلمان شیعه بر آن اند که طول عمر امام زمان «علیهم السلام» معجزه است.

دیدگاه علامه طباطبائی

علامه طباطبائی در این باره می گوید: «بنای اعتراض به طول عمر امام زمان علیه السلام از روی استبعاد است. البته عمر به این درازی و بیشتر از این، قابل استبعاد است؛ ولی هر کس به اخباری که در خصوص امام غایب از پیغمبر «اکرم صلی الله علیه و آله وسلم» و... ائمه اهل بیت «علیهم السلام» وارد شده، مراجعه نماید، خواهد دید که نوع زندگی امام غایب را به طریق خرق عادت معرفی می کنند. خرق عادت، غیر از محال است و از راه علم هرگز نمی توان خرق عادت را نفی کرد؛ زیرا هرگز نمی توان اثبات کرد که اسباب و عواملی که در جهان کار می کنند، تنها همان ها هستند که ما آنها را دیده ایم و می شناسیم و اسباب دیگری که ما از آنها خبر نداریم، یا آثار و اعمال آنها را ندیده ایم یا نفهمیده ایم، وجود ندارد. از این روی، ممکن است در فردی یا افرادی از بشر اسباب و عواملی به وجود آید که عمری بسیار طولانی هزار یا چندین هزار ساله برای ایشان تأمین نماید و از این جا است که جهان پزشکی تا کنون از پیدا کردن راهی برای عمرهای بسیار طولانی نومید و مأیوس نشده است.» (۱)

ارتباط با حضرت

اشاره

روایات ائمه اطهار (علیهم السلام) در مورد زندگانی حضرت مهدی (علیه السلام) در عصر غیبت، از نظر دلالت به طور کلی به سه دسته تقسیم می شود:

روایات دسته اول:

روایاتی است که از آن ها استفاده می شود که امام زمان (علیه السلام) به طور طبیعی و معمولی، اما به صورت ناشناس و با

ص: ۲۹۵

«خفای عنوان» در میان مردم و اجتماع می باشند و مردم را می بینند و می شناسند و مردم نیز حضرت را مشاهده می کنند، لکن آن حضرت را نمی شناسند.

اینک نمونه هایی از آن روایات را متذکر می شویم:

۱- سدید می گوید: «از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: «به تحقیق در صاحب این امر شباهتی از یوسف خواهد بود». عرض کردم: گویا شما از غیبت وی سخن می گوید؟ حضرت فرمود:

چرا این مردم خوک صفت، موضوع غیبت را انکار می کنند. مگر نمی دانند که برادران یوسف که عاقل و با خرد و فرزندان پیامبران بودند، هنگام ورود بر وی با او به گفتگو و داد و ستد پرداختند، اما او را نشناختند تا این که خود را به آنان معرفی فرمود. آن گاه یوسف را شناختند. پس چرا این امت حیران، انکار می کنند که خداوند در پاره ای از اوقات، حجتش را از آنان مستور بدارد؟... فما تنکر هذه الأمة أن يكون الله يفعل بحجته ما فعل بيوسف وأن يكون صاحبكم المظلوم، الممجود حقه، صاحب هذا الأمر يتردد بينهم، ويمشي في أسواقهم، ويطلب فرشهم ولا يعرفونه حتى يأذن الله له أن يعرفهم نفسه كما أذن ليوسف حين قال له إخوته: «أعنك لأنت يوسف قال أنا يوسف» (۱) پس چرا این امت انکار می کند که خداوند با حجت خویش همان کند که با یوسف کرد؟ یعنی صاحب شما که مظلوم است و حقتش را انکار می کنند، در بین امت رفت و آمد کند و در بازارشان راه رود و بر فرش هایشان قدم نهد. ولی او را نشناسند تا خدا به وی اجازه دهد که خود را به آنان معرفی کند همچنان که به یوسف اجازه داد در آن هنگام که

ص: ۲۹۶

برادرانش به وی گفتند: آیا تو یوسفی؟! فرمود بلی، من یوسف هستم» (۱) ۲- در حدیثی امام صادق (علیه السلام) شباهت آن حضرت را با یوسف پیامبر چنین بیان می فرماید:

«وَأما سنه من يوسف فالستر يجعل الله بينه وبين الخلق حجبا يروونه ولا يعرفونه» (۲).

«اما سنتی که از یوسف (علیه السلام) در صاحب این امر می باشد این است که خداوند بین او و سایر خلق، حجابی قرار می دهد که او را می بینند، ولی نمی شناسند» ۳- جناب محمد بن عثمان-نایب خاص حضرت در غیبت صغری - که از دیگران به حال امام (علیه السلام) آگاه تر است، می فرماید: «والله إن صاحب هذا الأمر ليحضر الموسم كل سنة فيرى الناس ويعرفهم ويروونه ولا يعرفونه» (۳) «سوگند به خدا! همانا صاحب این امر همه ساله در موسم حج حاضر می شود و مردم را مشاهده می کند و می شناسد و مردم نیز او را می بینند، اما نمی شناسند». از این دسته روایات که از نظر تعداد قابل ملاحظه است، نکاتی استفاده می شود:

نکته اول: امکان مشاهده حضرت مهدی (علیه السلام) این روایات بیانگر امکان مشاهده حضرت مهدی (علیه السلام) در غیبت کبری است. زیرا در آن ها تصریح شده است: «همان طور که امام (علیه السلام) مردم را مشاهده می کند، مردم نیز آن حضرت را می بینند، اما نمی شناسند».

نکته دوم: چگونگی ارتباط با امام زمان (علیه السلام) در غیبت کبری از این دسته روایات استفاده می شود که امام صادق (علیه السلام) مدت ها قبل از تولد حضرت مهدی (علیه السلام) با بهره گیری از قصه حضرت یوسف، مسئله امکان تشریف و ارتباط با آن حضرت را در عصر غیبت کبری، ممکن دانسته و کیفیت و

ص: ۲۹۷

۱- ۲. غیبت نعمانی، ص ۱۶۳، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۴.

۲- ۳. کمال الدین، ص ۳۵۱، ح ۴۶.

۳- ۴. کمال الدین، ص ۴۴۰، ح ۸

چگونگی آن را نیز بیان فرموده اند: آن جا که حضرت در بیان سنتی از یوسف در حضرت مهدی (علیه السلام)، فرمود: «خداوند بین او و خلق حجابی قرار می دهد که در عین حالی که وی را مشاهده می کنند، نمی شناسند». از جمله ای که در چند حدیث آمده است، استفاده می شود که همان طور که برادران یوسف (علیه السلام) در هنگام مواجه شدن با وی، او را نشناختند و به عنوان عزیز و پادشاه مصر او را صدا زدند و از حضرتش تقاضای کمک بیشتر کردند، حضرت مهدی (علیه السلام) نیز چنین حالتی دارند که در عصر غیبت کبری، امکان دارد افرادی با حضرت برخورد و مراوده داشته باشند و با وی گفتگو نمایند، اما او را نشناسند؛ همانند یوسف (علیه السلام) که حتی برادران وی بعد از آن همه برخوردهای متعدد که همراه با گفتگو و داد و ستدهای تجاری بود، یوسف (علیه السلام) را نشناختند، تا این که یوسف (علیه السلام) که به خوبی برادران را می شناخت، خطاب به آنان فرمود: «آیا دانستید که شما از روی جهالت با یوسف و برادرش چه کردید؟!» در این هنگام برادران یوسف متوجه شدند و گفتند: «آیا تو یوسفی؟!» فرمود: «من یوسفم و این هم برادرم» (۱). نتیجه این که، اگر چه تشریف به حضور امام زمان (علیه السلام) در عصر غیبت کبری، امری است ممکن، لکن باید دانست غالب کسانی که به این سعادت بزرگ دست یافته اند، در آن هنگام، حضرت را نشناخته اند، بلکه بعد از ملاقات با حضرت، طبق نشانه ها و شواهد، فهمیده اند که مورد عنایت خداوند قرار گرفته اند و لحظاتی را در حضور ولی خدا گذرانده اند. شاهد بر این موضوع، حکایات و قضایای فراوانی است که توسط افراد

ص: ۲۹۸

موثق و مورد اعتماد نقل گردیده است و به هیچ وجه قابل خدشه نیست. البته دانستن این مطلب نیز لازم است که در مواردی هم ممکن است بعضی از افراد در هنگام تشریف، التفات به آن داشته باشند، لکن این موارد بستگی به اجازه خداوند دارد که حضرت کسی را مورد عنایت خاص خودشان قرار دهند، اما در عین حال که الطاف و عنایات حضرت مهدی (علیه السلام) به شیعیان و ارادتمندانش فراوان است، لکن به جهت مصالح مهم تری که در کار است، در چنین مواردی که انسان هنگام برخورد و ملاقات با حضرت، ایشان را بشناسد اندک است. نکته سوم: امام زمان (علیه السلام) در دوران غیبت با مردم هستند این روایات ما را متوجه این امر می کند که بودن آن حضرت در بین مردم، تأثیر عمیق اخلاقی و معنوی در روحیه افراد متدین و مؤمن می گذارد. زیرا وقتی توجه داشته باشیم که حجت و ولی خدا بر اساس مصالح و حکمت هایی که بر ما پوشیده است از انظار غایب می باشد لکن غیبت آن حضرت به گونه ای نیست که به کلی از ما بیگانه و دور باشند، بیشتر به فکر خود سازی و اصلاح نفس خواهیم بود چنانکه در دعای شریف ندبه می خوانیم:

بنفسی أنت من مغیب لم یخل منا، بنفسی أنت من نازح ما نرح عناز جانم به فدای غایبی که از میان ما بیرون نیست! جانم به فدای دور از وطنی که از ما بر کنار نیست! این عبارت به خوبی دلالت دارد که امام زمان (علیه السلام) در بین مردم حضور دارند نه این که از میان مردم، خارج و دور باشند. بدیهی است

اعتقاد به ظهور ولی عصر(علیه السلام) با این باور که وی در زمان غیبت نیز در میان مردم است و از ما کنار نیست تأثیرات مثبت و سازنده ای دارد که به برخی از آثار سازنده انتظار از آثار مثبت و سازنده باور دینی انتظار در مورد ولی و حجت خدا این است که این اعتقاد-که ریشه در اعماق فرهنگ اصیل اسلامی دارد و از «قرآن و سنت» گرفته شده است-سبب اتحاد و قوت قلب و تصمیم گیری و اهتمام شدید افراد نسبت به انجام تکالیف و وظایف شرعی می شود و از سوی دیگر موجب خلوص نیت و تهذیب نفس و رشد اخلاقی در فرد و اجتماع می گردد. چنین اعتقادی با این نظریه که «غیبت، باعث تفرقه و ضعف و سستی در مردم می شود»^(۱) مغایرت اساسی دارد. زیرا این اعتقاد و باور دینی بهترین وسیله انذار نسبت به کارهای منفی و خلاف اخلاق است و مردم را از ارتکاب معاصی و گناهان باز می دارد. از سوی دیگر، اعتقاد به ظهور حضرت مهدی(علیه السلام) بهترین عامل تشویق و ترغیب به کارهای خیر و اعمال صالح به همین جهت است که در روایات منقول از پیامبر اکرم و ائمه اطهار (علیهم السلام)، انتظار از برترین اعمال شمرده شده است چنانکه پیامبر اکرم می فرماید:

«أفضل أعمال أمتی انتظار الفرج من الله عزّوجل»^(۲) بهترین اعمال امت من، انتظار فرج از سوی خداوند عز و جل است. بدون شک، انتظار فرج هنگامی از برترین عمل های امت خواهد بود که شخص منتظر سعی کند تمام اعمال و کردار خود را بر اساس موازین اسلام و بدون سهل انگاری انجام دهد. این جا است که باید گفت: کسانی که اسلام را طبق سفارش پیامبر از اهل

ص: ۳۰۰

۱-۶. چنانکه بعضی از ناآگاهان از اهل سنت - مانند طنطاوی در تفسیرش - نسبت به عقاید حقه شیعه امامیه پنداشته اند. به نقل از امامت و

مهدویت، ص ۴۳۲.

۲-۷. کمال الدین، ص ۶۴۴

بیت آن حضرت گرفته اند، هیچ مشکل فکری و عقیدتی نسبت به اعتقادات اسلامی ندارند. زیرا ائمه اطهار (علیهم السلام) در طول دو بیست و پنجاه سال بعد از پیامبر «صلی الله علیه و آله»، تمام مسایل اسلامی را با بهترین شیوه بیان فرموده اند و چیزی را ناگفته نگذاشته اند اما کسانی که دنبال بیگانگان رفته و بر کشتی نجات ننشسته اند، هیچ وقت نخواهند توانست طعم شیرین معارف اسلام و قرآن را بچشند. زیرا از پیامبر اکرم نقل شده است که فرمودند:

«مثل أهل بیتی کمثل سفینه نوح من توسل بهم نجی ومن تخلف عنهم هلك»^(۱) «مثل اهل بیت من، مثل کشتی نوح است؛ هر که متوسل به آن شد، نجات یافت و هر که از آن تخلف ورزید، هلاک گردید» آری! اگر طنطاوی وابن خلدون و امثال آن ها، موضوع انتظار ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) را از دیدگاه مبارک امام صادق علیه السلام می نگریستند، هیچ وقت مرتکب اشتباهاتی که آنان را بدنام ساخته است، نمی شدند و انتظار را عامل رکود نمی دانستند، بلکه منتظران را افرادی پر تلاش و فعال می دانستند همانگونه که امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «المنتظر للثانی عشر کالشاهر سیفه بین یدی رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) یذب عنه»^(۲) «منتظر امام دوازدهم حضرت مهدی (علیه السلام) -مانند کسی است که در رکاب پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) شمشیر کشیده، از آن حضرت دفاع می کند». از مفهوم این حدیث و احادیث دیگر به این مضمون، روشن می شود که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) نه تنها ایجاد ضعف در افراد نمی کند، بلکه موجب تحریک و آمادگی زیاد در آن ها می

ص: ۳۰۱

۱-۸. این حدیث را بیش از صد نفر از علماء اهل سنت در کتب معتبره خود نقل کرده اند. به نقل از شبهای پیشاور، ص ۲۲۶.

۲-۹. کمال الدین، ص ۶۴۷

شود. زیرا کسی که بخواهد در حضور شخصیتی مانند پیامبر گرامی، از اسلام و ارزش های والای آن دفاع کند و در راه خدا شمشیر بزند، باید آمادگی کافی داشته باشد. در روایت دیگری امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

«المنتظر لأمرنا كالمتشحط بدمه في سبيل الله» (۱) کسی که منتظر امر ما (قیام حضرت مهدی) علیه السلام باشد، مانند کسی است که در راه خدا در خون خویش بغلطد». از حدیث نیز به خوبی استفاده می شود که منتظرین واقعی امام زمان (علیه السلام) لحظه ای از تحرک و تکاپو در پیشبرد اهداف دین، باز نمی ایستند، بلکه همیشه سعی و کوشش می کنند که خود را بر اساس اسلام اصیل و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) آن چنان پرورش دهند که صلاحیت و شایستگی درک حضور حضرت را در زمان ظهور وی داشته باشند تا از مصادیق آیه کریمه زیر باشند ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي الصالحون (۲) «ما در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند گردید». این جا است که باید گفت: اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) آن چنان که در روایات اهل بیت (علیهم السلام) بیان گردیده است، رمز عدالت خواهی و وحدت کلمه در میان همه مردمان جهان در حکومت الهی آن بزرگوار است چنانکه امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به سؤال عمار ساباطی فرمود عمار از آن حضرت سؤال کرد یا بن رسول الله! در این صورت که عبادت در زمان دولت های باطل با ترس، برتر از عبادت در زمان ظهور دولت حق است، چرا ما آرزو کنیم که از اصحاب قائم (علیه السلام) در ظهور حق باشیم حضرت صادق در جواب

ص: ۳۰۲

۱- ۱۰. همان، ص ۶۴۵

۲- ۱۱. سوره انبیاء آیه ۱۰۵.

سبحان الله! آیا دوست ندارید که خداوند-به واسطه آن حضرت-دین حق و عدالت را در تمام بلاد دنیا آشکار گرداند و حال همه مردم بهبود یابد؟! و یجمع الله الکلمه ویؤلف بین قلوب مختلفه ولا یعصی الله عز وجل فی أرضه ویقام حدود الله فی خلقه، و یرد الله الحق إلی أهله فیظهره حتی لا یستخفی بشیء من الحق مخافه أحد من الخلق (۱) و خداوند - به واسطه حضرت مهدی (علیه السلام) - همه مردم را زیر پرچم توحید و کلمه «لا اله الا الله» جمع کند و بین قلب های پراکنده و مختلف، دوستی و اتحاد ایجاد کند و گناه را از روی زمین بر دارد و حدود و احکام خدا در میان خلق خدا اجرا گردد و حق به صاحبانش رسد تا آن را ظاهر کنند و چیزی از حق را به جهت ترس از مردم مخفی نکنند». به جرأت می توان گفت که ایمان و اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) - تنها منجی عالم بشریت - با توجه به شناختی که روایات اهل بیت و ائمه اطهار (علیهم السلام) به ما می دهد، نه تنها موجب تفرقه و ضعف و سستی در مسلمانان نمی شود بلکه رمز اتحاد و قدرت و شوکت مسلمانان در آن نهفته است. زیرا اعتقاد به آن، یعنی اعتقاد به حاکمیت تمام ارزش های اسلامی در سطح دنیا و آرزوی غلبه دین حق بر تمام ادیان باطل و اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (علیه السلام)، یعنی اعتقاد به تحقق وعده های الهی در پیروزی کامل اسلام بر تمام ادیان عالم همانطور که خداوند متعال می فرماید:

هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره

ص: ۳۰۳

علی الدین کله ولو کره المشرکون (۱) خدا کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر تمام ادیان غلبه و پیروزی بخشد، هرچند مشرکان کراحت داشته باشند. اینک از تمام کسانی که می خواهند با مسئله غیبت و ظهور و اهداف الهی آخرین ذخیره خدا، حضرت بقیه الله (علیه السلام) آشنا شوند، می خواهیم که سعی کنند این معرفت را از طریق قرآن کریم و روایات ائمه اطهار (علیهم السلام) - که معدن علوم پیامبر اسلام «صلی الله علیه و آله» و تمامی انبیای الهی هستند فراگیرند تا به حقیقت دست یابند و طعم شیرین ایمان را بچشند.

نتیجه از آنچه گفته شد چنین نتیجه می گیریم که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) و مسئله انتظار، در صورتی باعث رکود است که مفهوم آن تحریف شود همان طوری که بعضی از مخالفان و دشمنان اسلام آن را تحریف کرده و می کنند اما اگر این اعتقاد و باور دینی - که از مهم ترین مسایل اسلامی به شمار می رود - به مفهوم واقعی آن به جامعه اسلامی و بشریت تفهیم شود، بزرگ ترین عامل تربیت و خود سازی و تحرک و امید به آینده نورانی و روشن خواهد بود و از مدارک معتبری که این موضوع را تأیید می کند، روایتی است که در ذیل آیه کریمه زیر ذکر شده است: وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم (۲) «خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتما آنان را در این سرزمین جانشین (خود) قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین (خود) قرار داد، و

ص: ۳۰۴

۱- ۱۳. سوره صف، آیه ۹.

۲- ۱۴. سوره نور، آیه ۵۵.

آن دینی را که بر ایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، (تا) مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ آنانند که نافرمانند». از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) نقل شده است که فرموده اند: «این آیه درباره امام مهدی (علیه السلام) و اصحاب آن حضرت نازل شده است»^(۱) لذا تمام کسانی که منتظر چنین برنامه اصلاح گرانه به دست توانمند حضرت مهدی (علیه السلام) هستند، باید خودشان در عالی ترین سطح از حیث ایمان به خدا و رسول و انجام فرامین و دستورات اسلامی باشند.

حال باید به بد اندیشان گفت که این اعتقاد و باور دینی چگونه موجب سستی و تفرقه در میان مسلمانان می شود؟ و باید گفت که آنچه موجب تفرقه و سستی در بین مسلمانان می گردد، برداشت غلط و مغرضانه ای است که از سوی بی خبران از حقایق اسلام اظهار می گردد.

روایات دسته دوم:

از روایاتی که دلالت بر امکان ارتباط با امام زمان (علیه السلام) در غیبت کبری می کند روایاتی است که دلالت دارد بر این که در غیبت دوم و طولانی حضرت نیز کسانی هستند که علاوه بر ارتباط با آن حضرت، جا و مکان وی را نیز می دانند که دو نمونه از آن را ذکر می کنیم:

۱- عن إسحاق بن عمار قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): «للقائم غيبتان: أحدهما قصيره والأخرى طويله، الغيبه الأولى لا يعلم بمكانه فيها إلا خاصه شيعته والأخرى لا يعلم بمكانه فيها إلا خاصه موالیه»^(۲) «اسحاق بن عمار از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که حضرتش فرمود: برای قائم (علیه السلام)

ص: ۳۰۵

۱- ۱۵. به کتاب المحججه فیما نزل فی القائم (علیه السلام)، ص ۱۴۸ مراجعه شود.

۲- ۱۶. کافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

دو غیبت است که یکی کوتاه و دیگری طولانی است. در غیبت اول جا و مکان آن حضرت را جز خواص شیعیان وی کسی نمی داند و در غیبت دوم، جز موالیان خاص آن جناب کسی از جا و مکان او اطلاعی ندارد».

گرچه این روایت را در بحث های گذشته آوردیم، ولی به خاطر استفاده نکات دیگر، آن را ذکر نمودیم. از قسمت آخر روایت به خوبی استفاده می شود که در غیبت دوم نیز ارتباط با آن حضرت در شعاع و گستره ای کمتر از غیبت صغری وجود دارد و به طور کلی ارتباط قطع نیست و برای آن حضرت، خدمت کاران خاص و ویژه ای وجود دارد که از جا و مکان وی آگاه هستند. تذکر این نکته لازم است که این روایت، از نظر سند نیز صحیح است و تمام راویان آن از افراد برجسته شیعه می باشند (۱). ۲- مفضل از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که حضرت فرمود: «إن لصاحب هذا الأمر غیبتین، إحداهما تطول حتی یقول بعضهم: مات، وبعضهم یقول: قتل، وبعضهم یقول: ذهب، فلا یبقی علی أمره من أصحابه إلا نفر یرسیر، لا یطلع علی موضعه أحد من ولی ولا غیره إلا مولی الذی یلی أمره (۲)» برای صاحب این امر، دو غیبت است که یکی از آن دو به قدری طولانی می شود که بعضی می گویند: او وفات کرده است، و بعضی می گویند: کشته شده است، و بعضی می گویند: رفته است به طوری که کسی از اصحاب او بر اعتقاد به امامت وی باقی نماند، مگر افراد اندکی، و از مکان او کسی از دوست و غیر دوست آگاه نیست، جز موالی و خدمتکار آن حضرت». از این روایت هم استفاده می شود که اگر چه

ص: ۳۰۶

۱- ۱۷. به پاورقی ص ۹۱ همین کتاب مراجعه شود.

۲- ۱۸. غیبت نعمانی، ص ۱۷۲، غیبت طوسی، ص ۱۰۲.

بر اثر طولانی شدن غیبت دوم حضرت، بسیاری از معتقدین به امامت وی - جز عده کمی - دست از عقاید حقه خودشان بر می دارند و کسی هم از مکان آن حضرت مطلع نمی شود، لکن از آخر حدیث استفاده می گردد که باز هم موالیان و خدمت کاران برای حضرت وجود دارد که علاوه بر ارتباط با آن جناب، مکان وی را نیز می دانند. صاحب غیبت نعمانی (رحمه الله) بعد از نقل این حدیث می فرماید:

ولو لم یکن یروی فی الغیبه إلا هذا الحدیث، لکان فیه کفایه لمن تأمله: اگر در موضوع غیبت تنها همین روایت بود، برای کسانی که در معنی و مفهوم آن تأمل می کنند، کافی بود». نتیجه ای که از این روایات به دست می آید، این است که در غیبت کبری به طور کلی ارتباط آن حضرت با شیعیان قطع نیست و افرادی هستند که از برکت و فیض حضور حضرت برخوردارند، اگر چه تعدادشان اندک است. بنابراین، با توجه به این روایات و روایات دسته اول که بیانگر کیفیت حضور حضرت در جامعه بود و با توجه به قضایا و شواهد متقن تاریخی که در طول غیبت کبری برای عده بسیاری از بزرگان و معتمدان شیعه در رابطه با تشریف به حضور حضرت رخ داده است، نمی توان گفت که در غیبت کبری به طور کلی ارتباط بین آن حضرت و شیعیان قطع شده است.

روایات دسته سوم:

روایاتی است که از ظاهر آن ها استفاده می شود که آن حضرت در ایام غیبت با خفای شخصی زندگی می کنند و دیده نمی شوند و نیز نام حضرت هم برده نمی شود. اکنون ما روایات مزبور را

از منابع اصلی آن ذکر می‌کنیم و سپس توضیحات لازم را نسبت به هر کدام ارائه خواهیم کرد:

۱- از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرموده اند:

الخامس من ولد السابع يغيب عنكم شخصه ولا يحل لكم تسميته (۱) پنجمین نفر از فرزندان هفتمین امام، (کسی است که) شخص وی از شما غایب می‌شود و بردن نام او بر شما روا نخواهد بود. این روایت دلالت دارد که شخص حضرت از ما غایب می‌شود و بردن نام حضرت نیز برای ما حلال نیست اما از این که غیبت حضرت طوری باشد که هیچ ارتباطی برای هیچ کس با وی نباشد ساکت است. زیرا این روایت اصل مسئله غیبت را بیان می‌فرماید. بنابر این، روایات دیگری که دلالت دارد خواص از شیعیان در غیبت صغری و موالیان و خدمت کاران حضرت در غیبت کبری جای ایشان را می‌دانند و در دسته دوم به دو نمونه از آنها اشاره شد، منافاتی با این روایت ندارد. نتیجه این می‌شود که گر چه حضرت از انظار غایب هستند، لکن ممکن است در مواردی هم افرادی خاص حضرت را دیدار نمایند. مطلب دیگری که در مورد این روایت می‌توان گفت این است که بعضی از ناقلین آن مانند محمد بن سنان در علم رجال تضعیف شده است، چنانکه علامه در «خلاصه» می‌فرماید: محمد بن سنان از اصحاب امام هفتم و هشتم و نهم است، لکن هم ضعیف است و هم مورد طعن واقع شده است. مرحوم شیخ طوسی فرموده است: این مرد جدا ضعیف است و اعتماد بر او نمی‌توان کرد و آنچه به تنهایی نقل نموده باشد

ص: ۳۰۸

قابل التفات و توجه نیست. ابو عمرو کشی در کتاب رجال خود از فضل بن شاذان چنین نقل می کند: «لا أحل لكم أن ترووا أحاديث محمد بن سنان جایز نمی دانم برای شما که احادیث محمد بن سنان را روایت کنید». غضائری نیز از کتب فضل بن شاذان چنین نقل می کند: از دروغگوهای مشهور، محمد بن سنان است (۱). با توجه به سند روایت فوق که چنین فردی ناقل آن است هیچ وقت نمی توان به وسیله آن یک مطلب اعتقادی را اثبات یا نفی کرد. ۲ - ریان بن صلت از امام رضا (علیه السلام) چنین روایت می کند: سئل الرضا (علیه السلام) عن القائم (علیه السلام) فقال: لا یری جسمه ولا یسمی باسمه (۲). از امام هشتم درباره حضرت قائم (علیه السلام) سؤال شد. حضرت فرمود: شخص او دیده نمی شود و نام وی برده نمی شود».

این روایت، مطلق است و قابل تقیید می باشد و از جهت سند نیز مخدوش است. زیرا در سند آن جعفر بن محمد بن مالک می باشد که تضعیف شده است. در ترجمه وی آمده است: جعفر بن محمد بن مالک بن عیسی بن سابور ابو عبد الله کوفی در نقل حدیث ضعیف است. واحمد بن حسین گفته است که وی حدیث وضع می کرده و از افراد ناشناخته نیز روایت نقل کرده است. علاوه بر این، فاسد المذهب نیز بوده است. سپس اضافه می کند که نمی دانم به چه جهت علی بن همام و ابو غالب زراری از او روایت نقل کرده اند. علامه در «خلاصه» فرموده که او ثقة است، لکن اضافه می کند که وی را

ص: ۳۰۹

۱- ۲۰. جامع الرواه، ج ۲، ص ۱۲۴.

۲- ۲۱. اکمال الدین، ص ۶۴۸

تضعیف کرده اند و درباره مولد حضرت قائم (علیه السلام) اعجابی نقل کرده است و من نیز به روایت او عمل نمی کنم (۱). بنا بر این، به طور حتم حدیثی که از چنین فردی نقل شده باشد، عمل به آن درست نیست، به خصوص که روایت در رابطه با مسائل اعتقادی باشد.

۳- از داوود بن قاسم جعفری نقل شده که گفت: از امام هادی (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: «الخلف من بعدی الحسن فکیف لکم بالخلف من بعد الخلف؟ فقلت: ولم جعلنی الله فداک؟ قال: انکم لا ترون شخصه ولا یحل لکم ذکره باسمه» (۲).

«جانشین بعد از من، فرزندم حسن است. چگونه خواهید بود در زمان جانشین پس از وی؟ عرض کردم: جانم فدایت! به چه جهت؟ فرمود: زیرا شما شخص او را نمی بینید و بردن نام او برای شما جایز نیست». اطلاق این روایت نیز قابل تقیید است و با روایاتی که دلالت دارد بر این که حضرت را بعضی از افراد - اگر چه به طور ناشناس - می بینند یا روایاتی که دلالت دارد مکان آن حضرت را بعضی از افراد در غیبت کبری می دانند، تقیید می خورد. علاوه بر این، سند این روایت نیز به خاطر محمد بن احمد علوی مخدوش است و مرحوم آیه الله العظمی خوئی در «معجم رجال الحدیث» می فرماید: اگر چه جوهری بر وثاقت وی ذکر شده است لکن این جوهر، وثاقت وی را ثابت نمی کند (۳). گذشته از این در «کافی» چنین آمده است: علی بن محمد عمن ذکره، که معلوم نیست این فرد کیست. بنا بر این، استدلال به چنین روایتی، آن هم در مورد مسایل اعتقادی، صحیح نیست. زیرا یکی از راویان آن مجهول است.

۴- عبید بن زراره از امام صادق (علیه

ص: ۳۱۰

۱- ۲۲. جامع الرواه، ج ۱، ص ۱۶۰.

۲- ۲۳. کافی، ج ۱، ص ۳۳۲.

۳- ۲۴. معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۵۶

السلام) چنین روایت می کند:

«للقائم غبتان، يشهد في إحداهما المواسم، يرى الناس ولا يرونه» (۱).

برای قائم (علیه السلام) دو غیبت است که در یکی از آن دو، حضرت در موسم های حج حاضر می شوند و مردم را می بینند، لکن مردم ایشان را نمی بینند. این روایت با روایتی که از نایب دوم حضرت - محمد بن عثمان (قدس سره) که به طور حتم از دیگران نسبت به آن حضرت آگاه تر است - نقل گردید، معارض است، زیرا وی می فرماید: «یرونه ولا یعرفونه (۲)» او را می بینند و لکن نمی شناسند. همچنین با روایاتی که در آنها، زندگانی حضرت در غیبت کبری به زندگانی حضرت یوسف (علیه السلام) تشبیه می شود، معارض است. زیرا در آن روایات می فرماید: «یرونه ولا یعرفونه» (۳) علاوه بر همه این ها، این روایت فقط تشریف در زمان حج را نفی می کند نه همه زمان ها را. بنا بر این، با توجه به روایاتی که زندگانی حضرت مهدی (علیه السلام) را به زندگانی حضرت یوسف (علیه السلام) تشبیه فرموده بود و با توجه به روایاتی که دلالت بر امکان ارتباط برای بعضی از موالیان خاص حضرت دارد، برای توجیه روایت چهارم می توان گفت: گرچه زندگانی حضرت ولی عصر (علیه السلام) به صورت خفای شخصی در زمان غیبت، امری ممکن است لکن این طور نیست که حضرت در غیبت کبری به طور دائم بدین منوال زندگی کنند، بلکه در شرایط خاصی که زندگی معمولی و طبیعی برای حضرت ممکن نباشد ممکن است از طریق خفای شخصی استفاده کنند. با توجه به این که استفاده از طریق «خفای شخصی» معمولاً - ملازم با اعجاز است، می توان گفت حضرت به طور معمول و طبیعی

ص: ۳۱۱

۱- ۲۵. کافی، ج ۱، ص ۳۳۹.

۲- ۲۶. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۵۰.

۳- ۲۷. همان، ص ۲۲۴. ۲۸- سوره یس، آیه ۹.

از راه «خفای عنوان» به طور ناشناس در بلاد و شهرهای مختلف زندگانی می کنند و در مواردی هم ممکن است - در صورت لزوم - از راه اعجاز به صورت خفای شخصی زندگی نمایند نه این که به طور دائم و مستمر زندگی حضرت بدین گونه باشد.

این تذکر لازم است که زندگی کردن از راه خفای شخصی، منحصر به آن حضرت نیست بلکه پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» و ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز گاهی از این طریقه استفاده می کردند چنان که در آغاز هجرت پس از آنکه مشرکین نقشه قتل پیامبر را کشیدند و آن حضرت ناگزیر به ترک مکه شدند، به حضرت علی (علیه السلام) دستور فرمود که در جای ایشان بخوابد و خود شبانه از جلوی چشم مشرکین گذشتند و کسی از آن ها وی را مشاهده نکرد چنانکه قرآن کریم در این باره می فرماید:

(وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فأغشیناهم فهم لا یبصرون) (۱). «ما در پیش روی آنان (مشرکین) سدی و نیز در پشت سر آنان سدی قرار دادیم و چشمانشان را پوشاندیم، لذا آن ها نمی بینند».

بنابر این چنین نتیجه می گیریم که اگر در شرایطی برای پیامبر و امام لازم باشد و سلامتی ایشان بر خفای شخصی متوقف باشد، از این راه استفاده می کنند اما در غیر این صورت نیازی به بهره جستن از راه خفای شخصی نخواهد بود. زندگانی حضرت ولی عصر (علیه السلام) نیز چنین است و همان طور که توضیح داده شد و در ضمن نقل روایات بیان کردیم، در صورتی که برای حضرت امکان زندگانی معمولی با خفای عنوان - یعنی به طور ناشناس - در بلاد مختلف وجود

ص: ۳۱۲

داشته باشد، ایشان نیازی به استفاده از خفای شخصی ندارند. ن دارند. ن ها اشاره خواهد شد.

اتصال وصیت از آدم علیه السلام و خالی نبودن زمین از حجت تا قیامت

۱- مقاتل بن سلیمان از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود: رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» فرموده است:

من سید النبیین هستم و وصی من سید الوصیین است و اوصیای او سید اوصیایند. آدم علیه السلام از خدای تعالی درخواست کرد که وصی صالحی برای او قرار دهد، خدای تعالی به او وحی فرمود که من انبیا را به نبوت گرامی داشتم، سپس خلق خود را اختیار کردم و بهترین آنها را اوصیا قرار دادم. آدم علیه السلام گوید: ای پروردگار من! پس وصی مرا بهترین اوصیا قرار بده، خدای تعالی وحی فرمود که ای آدم به «شیث» وصیت کن و او همان هبه الله بن آدم است و آدم به شیث وصیت کرد و شیث به پسرش «شبان» وصیت نمود که او فرزند نزله حور است (۱) که خداوند او را از بهشت فرو فرستاد و او را تزویج شیث نمود و شبان به فرزندش «مجلث» وصیت کرد و او به «محقوق» و او به «غثمیشا» و او به «اخنوخ» که همان ادریس پیامبر باشد وصیت نمود و ادریس به «ناخور» و ناخور آن را به نوح علیه السلام تسلیم نمود و نوح به «سام» وصیت نمود و سام به «عثام» و او به برعیثا، او به «یافث» و او به «بره» و او به «جفیسه» (۲) و او به «عمران» و عمران آن را به «ابراهیم خلیل علیه السلام تسلیم نمود و ابراهیم به فرزندش «اسماعیل» وصیت کرد و او به «اسحاق» و او به «یعقوب» و او به «یوسف» و

ص: ۳۱۳

۱- فی بعض النسخ «هو ابن له من الحوراء».

۲- ۲ فی بعض النسخ و الفقیه «جنسیه». "ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین / ترجمه پهلوان ۱: ص ۴۰۱- ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۸۰
(۲) الصف: ۸ د ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین / ترجمه پهلوان ۱: ص ۴۱۹- ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ش.

او به «بثریا» و او به شعیب» و او به «موسی بن عمران و او به «یوشع بن نون و او به داود و او به «سلیمان» و او به «آصف بن برخیا و او به زکریا» و زکریا آن را به «عیسی بن مریم تسلیم نمود و عیسی به «شمعون» بن حمون الصفا وصیت کرد و او به «یحیی» بن زکریا و او به «منذر» و او به «سلیمه» و او به «برده»، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: و برده آن را به من تسلیم نمود و من آن را به تو ای علی، تسلیم خواهم کرد و تو آن را به وصی خود خواهی داد و وصی تو آن را به اوصیای تو که از فرزندان هستند خواهد سپرد یکی بعد از دیگری تا آنکه برسد به بهترین خلق زمین پس از تو، و محققا امت به تو کافر می شوند و اختلاف شدیدی در باره تو خواهند داشت کسی که بر تو ثابت باشد مانند همنشین من است و کسی که از تو کناره گیرد در آتش خواهد بود و آتش جایگاه کافران است. (۱)

۲- عمار بن موسی سباطی گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: از آنگاه که زمین بوده خالی از حجت نبوده است تا آنچه را از حق مردم نابود می کنند او زنده سازد، سپس این آیه را تلاوت فرمود: «می خواهند نور خدا را با دهانشان خاموش سازند و خداوند نور خود را کامل می سازد گرچه مشرکان را ناخوش آید» (۲). (۳)

ص: ۳۱۴

۱- ابن بابویه محمد بن علی کمال الدین / ترجمه پهلوان ۱ : ص ۴۰۱ - ایران قم چاپ اول ۱۳۸۰ ش

۲- الصف ۸

۳- ابن بابویه محمد بن علی کمال الدین / ترجمه پهلوان ۱ ص ۴۱۹ - ایران قم چاپ اول ۱۳۸۰ ش

۳- امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام روایت کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

در هر نسلی از امت من عادل از اهل بیت من وجود دارد که از این دین تحریف غلوکنندگان و نسبت ناروای باطلان و تأویل نادانان را نفی نماید، و ائمه شما رهبران شما به خدای تعالی هستند بنگرید که در دین و نمازتان از چه کسی پیروی می کنید؟^(۱)

۴- ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود: خداوند جلیل تر و بزرگ تر از آن است که زمین را بدون امام عادل و اگذار.^(۲)

منجی گرایی در ادیان زرتشت، یهود و مسیحیت

اصولاً اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار منجی (فتوریسیم) عقیده ای است که در کیشهای یهود، زرتشت، مسیحیت و مدعیان نبوت عموماً و دین مقدس اسلام خصوصاً، به مثابه یک اصل مسلم، مورد قبول واقع شده است. شور و التهاب انتظار موعود آخرالزمان، در تاریخ پرفراز و نشیب این ادیان موج می زند.

یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان در سراسر تاریخ محنت بار خود هرگونه خواری و

ص: ۳۱۵

۱- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین / ترجمه پهلوان ۱: ص ۴۲۰ - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ش.

۲- "ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین / ترجمه پهلوان ۱ ص ۴۳۵ - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ش.

شکنجه را به این امید بر خود هموار کرده اند که روزی «مسیحا» و یا «سوشیانت» خواهد آمد. در این جا سعی بر این است تا ضمن بررسی سیر اندیشه و اعتقاد به ظهور منجی در هر یک از ادیان فوق، به مشترکات آن اشاره نمود.

پیشینه بحث منجی-گرایی

در باب پیشینه تاریخی مهدویت بیان شده که علی رغم تاریخ بسیار طولانی آیین مزدیسنا، اگر تاریخ تولد زرتشت را قرن هفتم پیش از میلاد بدانیم، باید گفت که دین یهود پیش تر موضوع موعود آخرالزمان را وعده داده و اخبار زرتشت پیرامون این مطلب تازه نیست. اما در باب تاریخ و چگونگی تولد زرتشت اختلافات بسیاری وجود دارد و برخی حتی دوران حیات وی را تا یازده هزار سال قبل از میلاد ذکر کرده اند. به این لحاظ، آیین مزدیسنا در طرح مسئله موعود آخرالزمان می تواند بر دین یهود و البته اسلام پیشی گیرد. به هر صورت میتوان زرتشت را، حداقل در ایران، پیشگام اندیشه موعود آخرالزمان دانست و این را از موهبات و وی قلمداد نمود. در برابر، آیین اسلام که از پیشینه کمتری برخوردار است، در این زمینه وارث سایر ادیان مطرح-کننده بحث مهدویت قرار می گیرد. البته اسلام در موضع خودش، هم وام گیرنده این تفکر، هم مصلح و هم تکامل بخش آن بوده؛ اما این واقعیت انکارناپذیر است که اندیشه منجی آخرالزمان، زمانی توسط اسلام مطرح گردید که حداقل سه آیین عمده مزدیسنا، یهود و مسیحیت به تفصیل در مورد آن آگاهی داده بودند. از این رو، اسلام به نوعی در این مورد تصدیق کننده محسوب می شود نه مبدع.

در یک جمع بندی باید عنوان کنیم که آیین زرتشت، اندیشه موعود آخرالزمان را در محیطی عرضه نمود که هیچگونه ذهنیت قبلی در این باره وجود نداشت. اما دین اسلام در فضایی این نظریه را مطرح کرد که به واسطه وجود پیروان سایر ادیان، تا حدودی دورنمای فهم و پذیرش آن موجود بود و چه بسا همین امر اسباب حسن توجه غیر مسلمانان به این آیین را فراهم آورد. چرا که اخبار متواتر اسلامی در ادوار بعد، نه تنها منجیان آخرالزمان را تأیید و تصدیق کرد، بلکه اصولاً بر لزوم روشمند کردن این نظریه انگشت تأکید نهاد. (۱)

نجات بخشی در ادیان (زرتشت، یهود، مسیحیت)

همه ادیان جهان به گونه ای معتقدند که هرگاه بشر به لحاظ معنوی و اخلاقی پا در انحطاط و ورطه هلاک گذارد و از مبدأ هستی فاصله گیرد و جهان را تاریکی جهل، غفلت و ستم در بر گیرد، شخصیتی نجات دهنده ظهور خواهد کرد. در هر آیین به صورت رمز به حقایقی اشاره شده که با معتقدات آیینهای دیگری توافق و هماهنگی دارد. در آیین مزدیسنا هم اعتقاد به موعود نهایی و منجی آخرالزمان از عقاید رایج و استوار است و در متون مقدس زرتشتی (اوستا و کتاب روایی پهلوی) افزون بر بشارت و اشارت به ظهور رهاننده عدالت گستر، از تولد، ظهور، یاران و... او

ص: ۳۱۷

۱- علیرضا ابراهیم، مهدویت در اسلام و زرتشت، تهران، انتشارات باز، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۲۱-۲۲.

سخن گفته شده است. نجات بخشی در آیین زرتشتی، به عنوان موعود مزدیسنا مطالعه میشود. بیشتر زرتشتیان بر این عقیده اند که مطابق متون مقدس اوستا، فرد یا افرادی در آخرالزمان ظهور می کند و آیین گرفتار در رنج و محنت فراوان مزدیسنا را دوباره احیا خواهد کرد. (۱) نجات دهنده پایانی، بر مبنای معتقدات یهودیان، مسیح (ماشیح) است که جهان درخشان و باشکوه آینده را می سازد و اعتقاد بیشتر دانشمندان یهود بر این است که ظهور مسیح و فعالیت او برای بهبود وضع جهان و تأمین خواستها و نیازهای مردمان بخشی از نقشه های خداوند در آغاز آفرینش بوده است و لزوم وجود نجات بخشی که کسی جز مسیح نیست، پیش از آفرینش کائنات به ذهن خداوند خطور کرده است. (۲) مسیح نیز به اعتقاد مسیحیان آخرین نجات بخش است و در مورد آفرینش او به چنین اندیشه ای برخورد می کنیم. آنجا که عیسی (علیه السلام) با یهودیان گفت و گو می کند، ظاهراً به وجود خویش در آغاز آفرینش اشاره میکند. «یهودیان بدو (عیسی) گفتند: هنوز پنجاه سال نداری و ابراهیم را دیده ای؟ عیسی بدیشان گفت: آمین آمین به شما می گویم که پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود من هستم.» (۳) به اعتقاد همه یهودیان نجات دهنده انسانی است همانند دیگران. (۴) اما برخوردار از جلوه و جبروت خدایی است و جهان را با نور خودش، که جلوه ای از نور خداست، روشن خواهد کرد: «بار دیگر آفتاب در روز نور تو نخواهد بود و ماه با درخشندگی برای تو نخواهد تابید زیرا که یهود نور جاودانی تو و خدایت زیبایی تو خواهد بود.» (۵)

ص: ۳۱۸

-
- ۱-۲. ابراهیم پورداوود، سوشیانس، تهران، انتشارات فروهر، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۲؛ علی-اصغر مصطفوی، سوشیانت یا سیراندیشه ایرانیان درباره موعود آخرالزمان، تهران، ۱۳۶۱، صص ۹-۱۰.
 - ۲-۳. پیش از آنکه عالم هستی به وجود آید هفت چیز آفریده شد: تورات، توبه، باغ عدن [بهشت]، جهنم، اورنگ طلائی، بیت المقدس، و نام [ماشیح] همچنین اظهار نظر شده است: «در آغاز خلقت عالم، پادشاه ماشیح به دنیا آمد زیرا [لزوم وجود او] حتی پیش از آن که جهان آفریده ابراهام کهن، گنجینه ای از تلمود، ترجمه امیرفریدون گرگانی، تهران، اساطیر، چاپ اول،». شود، به ذهن خداوند خطور کرد ۱۳۸۲، ص ۳۵۲.
 - ۳-۴. انجیل یوحنا، باب ۸، بندهای ۵۶-۵۷.
 - ۴-۵. جملگی دانشمندان یهود درباره یک نکته متفق الرأی بوده اند و آن این است که ماشیح یک انسان خواهد بود که از طرف خداوند مأمور انجام وظیفه خاصی خواهد شد. تلمود در هیچ جا به این اعتقاد که ماشیح ممکن است یک ناجی و موجود فوق انسانی باشد اشاره نمیکند. گنجینه ای از تلمود، ص ۳۵۲.
 - ۵-۶. اشعیا نبی، فصل ۶۰، بند ۱۹.

برخی این ماسیح، یعنی نجات دهنده آخرین را همان داوود و یا از خانواده داوود و یا داوود دیگری می شمارند.^(۱) به اعتقاد مسیحیان و به اشاره های آشکار مطالب عهد جدید، نجات بخش پایانی همان عیسی مسیح است که بار دیگر زنده خواهد شد و جهان را از نابسامانی خواهد رهانید: «... و به شما می گویم که مرا دیگر نخواهید دید، تا وقتی آید که گوید مبارک است که به نام خداوندی آید.»^(۲) درباره قیامت مسیح پیش دیده گفت: «که نفس او در عالم اموات گذاشته نشود و جسد او فساد را نبیند، پس همان عیسی را خدا بر خیزاند و همه ما شاهد بر آن هستیم»^(۳) همچنین مسیح نیز چون یک بار قربانی شد تا گناهان را رفع نماید، بار دیگر بدون گناه برای کسانی که منتظر او می باشند، به جهت نجات ظاهر خواهد شد.^(۴) در اینکه منجی موعود چه کسی است اختلاف نظر وجود دارد. برخی منجی آخرین را داوود می شمارند و گروهی او را از خانواده داوود و گروهی می گویند که خداوند در پایان جهان داوود دیگری را برای نجات مردم می فرستد. هر چند در این مورد اختلاف نظر وجود دارد، ولی نکته حایز اهمیت این است که هر دو گروه مسیحیت و یهود در انتظار نجات بخشی جهان توسط انسانی که از قدرت الهی بهره مند شده باشد به سر می برند. در «حقوق نبی» می گوید: «اگرچه تأخیر نماید، برایش منتظر باش؛ زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود.»^(۵) در «اشعیاء نبی» می گوید: «اما آنانی که منتظر خداوند می باشند قوت تازه خواهند یافت و

ص: ۳۱۹

۱- ۷. کتاب هوشیاع، فصل ۳، بند ۵؛ کتاب مزامیر، مزمور ۱۸، بندهای ۴۹ و ۵۰؛ ارمیا، فصل ۳۰، بند ۹.

۲- ۸. انجیل لوقا، باب ۱۳، بند ۳۵.

۳- ۹. اعمال رسولان، باب ۲، بند ۳۱.

۴- ۱۰. رساله به عبرانیان، باب ۹، بند ۲۸.

۵- ۱۱. حقوق نبی، فصل ۲، بند ۲.

مثل عقاب پرواز خواهند کرد، خواهند دوید و خسته نخواهند شد.» (۱) در جای دیگر می گوید: «خوشا به حال کسانی که منتظر او باشند.» (۲) با یک جمع بندی به این نتیجه می رسیم که: ۱. نجات بشریت به یاری خداوند به دست انسانی الهی صورت می گیرد؛ ۲. همه انسانها باید در انتظار منجی بشریت باشند؛ ۳. منتظران نزد خداوند مقامی بالا دارند.

بنابراین، مذهب انتظار که در تمام ادیان آسمانی مشاهده می شود، خاص مسلمانان نیست و یک فلسفه مثبت است و این به خوبی نشان دهنده هدفداری افعال الهی است. اما تفاوت ادیان گذشته با اسلام در این است که انتظار مسلمانان یک عامل روحی و فکری و حرکت آفرین است. از منظر اسلام، هدف از خلقت که شناخت و بندگی خدای متعال است در مقام عمل و تحقق در یک کلمه خلاصه می شود و آن معرفت امام عصر می باشد؛ و تنها کسی به هدف از آفرینش خود رسیده است که به این مرتبه نائل شده باشد.

منجی در آیین زرتشت

از نگاه زرتشتیان، موعود مزدیسنا «سوشیانس» نامیده می شود. اینان منتظر سه موعود هستند و میان هر یک از آنها هزار سال فاصله قرار داده شده است. آنان طول جهان را دوازده هزار سال تقسیم کرده اند، که مجموعاً به چهار مقطع سه هزار ساله تقسیم می گردد. در چهارمین دوره سه هزار ساله، دهمین هزاره عهد سلطنت روحانی پیغمبر ایران، «زردتشت»، شمرده می شود. در آغاز هر یک از هزاره یازدهمین و دوازدهمین، دو تن از پسران زردتشت ظهور خواهند نمود. در انجام دوازدهمین هزاره، پسر سوم یعنی «سوشیانس» پدیدار گشته، جهان را نو

ص: ۳۲۰

۱-۱۲. اشعیاء نبی، فصل ۴۰، بند ۳۱.

۲-۱۳. همان، فصل ۳۰، بند ۱۸.

خواهد نمود، مردگان را بر می انگیزد و قیامت و جهان معنوی خواهد آراست (۱) و (۲) (به سه پسر زردتشت که در آخرالزمان تولد یابند، «سوشیانس» نام داده اند، گرچه به صورت خاص این اسم برای تعیین آخرین موعود تخصیص یافته است).

سوشیانت

منجی (های) موعود اوستا، که سوشیانس نام دارد، اغلب به معنای «رهاننده» تعریف شده است. (۳) این واژه در زبان پهلوی به صورت سوشیانت، و سوسوش آمده و از ریشه «سود» به معنای بهره و منفعت گرفته شده است.

واژه فارسی سود نیز از همین ریشه است. (۴) سوشیانت، صفت به معنای سودمند و سوددان است. این واژه در «گاتها» به دو صورت مفرد و جمع آمده است. زرتشت در گاتها (۵) چندین بار خود را در صیغه مفرد، سوشیانت یعنی رهاننده یا نجات دهنده نامیده است. از جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

کی خواهیم دریافت (فهمید) ای مزدا و ای اشاکه شما نسبت به کسی که در پی تباہ کردن من است، توانا و زبردستید؛ آنچه پاداش نیک نهاد است، باید به خوبی از آن اطلاع یابم؛ از این روی رهاننده (سوشیانت) را آرزوی آن است که از قسمت خویش باخبر باشد. (۶) این واژه در سه مورد نیز به صورت جمع آمده است، یکی از آنها اینکه: «ای اهورا مزدا! آن راه منش نیک که به من نمودی، همان راه آموزش رانندگان (سوشیانتها) است.» (۷) از این قطعات به خوبی دریافت می شود که عقیده به موعود آخرالزمان و اینکه کسی خواهد آمد، و جهان را از چنگال اهریمن خواهد رهانید و آدمیان را از یک زندگی بی گزند بهره مند خواهد ساخت، نزد

ص: ۳۲۱

۱- ۱۴.. مینوی-خرد، ترجمه احمد تفضلی، تهران، توس، چاپ سوم، ۱۳۸۰، پرسش ۱، بند ۹۵.

۲- ۱۵.. ابراهیم پورداوود، سوشیانس، صص ۲۱۷.

۳- ۱۶.. ابراهیم پورداوود، گاتها، تفسیر و توضیح انجمن زرتشتیان ایران، بمبئی، ۱۹۳۸، ص ۱۰۹.

۴- ۱۷.. علی اصغر مصطفوی، ص ۵۳.

۵- ۱۸.. سروده های زرتشت که به وسیله خود او املا شده است. احمد تفضلی، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران، سخن، ۱۳۷۶، ص ۳۵.

۶- ۱۹.. سپتمد گات، یسنا ۴۸، قطعه ۹؛ و نیز رک: وهشیتواشت گات، یسنا ۵۳، قطعه ۲؛ سپتمد گات، یسنا ۴۸، قطعه ۶؛ اشتود گات، یسنا ۴۵، قطعه ۱۱.

۷- ۲۰.. گاتها: یسنا ۳۴، قطعه ۱۳؛ ر.ک. یسنا ۴۶، قطعه ۳؛ یسنا ۴۸، قطعه ۱۲.

ایرانیان بسیار قدیم و شاید منسوب به خود مؤسس دین مزدیسناست. (۱) آنجا که در قسمتهای دیگر اوستا همانند گاتها، سوشیانت به صیغه جمع آمده، از آنان یاوران دین اراده شده است. به عبارت دیگر، پیشوایان کیش و جانشینان زرتشت و نیکان و پارسایانی که از آنان سودی آید و مردم را به راه راست راهنمایی کنند و مایه رستگاری باشند و دین مزدیسنا را بیارایند، سوشیانتها نامیده شده اند. (۲) در مواردی هم سوشیانت به صیغه جمع آمده و مقصود از آن سه موعود مزدیسنا یا سه پسران آینده زرتشت است که سرانجام هر یک ظهور خواهند کرد و بار دیگر آیین زرتشت را تازه می کنند و جهان فرسوده و ویران را آباد، تازه و خرم خواهد ساخت. (۳) در کتاب «زند» که از کتب مقدس زرتشتیان است، پس از آنکه مقداری پیرامون شیوع فساد در آخرالزمان گفت و گو می نماید و گوشزد می کند که غالباً قوت و شکوه با اهریمنان خواهد بود، می گوید:

آنگاه از طرف اهورا مزدا به ایزدان یاری می رسد، پیروزی بزرگ از آن ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند... بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، نبی آدم بر تخت نیک بختی خواهد نشست... (۴) «جاماسب» در کتاب معروف خود «جاماسب - نامه» از زرتشت نقل می کند که «از فرزندان دختر پیغمبر که «خورشید جهان» و شاه زمان نام دارد، کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشد.» (۵) همچنین در جای دیگر این کتاب می - خوانیم که: «مردی بیرون

ص: ۳۲۲

۱- ۲۱.. علی اصغر مصطفوی، سوشیانت یا سیر اندیشه ایران...، ص ۵۵؛ ابراهیم پورداوود، سوشیانس، ص ۱۰.

۲- ۲۲.. همان، ص ۵۵.

۳- ۲۳.. فروردین یشت، قطعه ۱۷؛ زامیاد یشت، قطعه ۲۲. اوستا، گزارش جلیل دوستخواه، تهران، مروارید، چاپ چهارم، ۱۳۷۷، دو جلدی.

۴- ۲۴.. زند بهمن سین، زند، تحقیق محمد تقی راشد محصل، تهران، معاصر، ۱۳۷۰، ص ۱۹.

۵- ۲۵.. جاماسبین لهراسب، جاماسب نامه، بمبئی، ۱۳۱۳ ق، صص ۱۲۱ ۱۲۲.

آید از زمین تازیان، از فرزندان هاشم مردی بزرگ -رو، بزرگ - تن و بزرگ ساق، و بر دین جد خویش باشد، با سپاه بسیار، روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پردازد کند.» (۱) وی در تعالیم خود می افزاید:

پیامبر عرب آخرین فرستاده است که از میان کوههای مکه ظاهر شود... از فرزندان پیامبر شخصی در مکه پدیدار خواهد شد که جانشین آن پیامبر است و پیرو دین جد خود می باشد. از عدل او گرگ با میش آب می خورد و همه جهان را به آیین مهر آزمای» خواهند گروید. (۲) البته قسمتی از پیش گوییهای دیگر زرتشت درباره ظهور و علائم آن در «بهمن پشت» آمده است. (۳) در آخرین بخش از کتاب «زندبهمن یسن» که شرح و تفسیر «اوستا» می باشد، از ظهور مصلح جهانی و منتهی شدن حکومت آن حضرت به رستاخیز سخن گفته است: «پس «سوشیانس» آفرینش را دوباره پاک بسازد و رستاخیز و تن پسین باشد.» (۴) و می گوید منظور از سوشیانس در اینجا آخرین نجات بخش دین زرتشتی است. (۵) هنگامی که گشتاسب در مورد کیفیت ظهور سوشیانس و چگونگی اداره جهان می پرسد، جاماسب حکیم، شاگرد زرتشت توضیح می دهد که: «سوشیانس» دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار گرداند.» (۶) از جمله مواردی که در اوستا، واژه سوشیانت مفرد آمده و از آن به ویژه واپسین موعود مزدیسنا اراده شده، از این قرار است: یسنا ۲۶ قطعه ۱۰؛ یسنا

ص: ۳۲۳

۱- ۲۶..همان .

۲- ۲۷..همان .

۳- ۲۸..نیز نامیده میشود، شامل یک رشته رویدادهایی است که راجع به آینده ملت و آیین ایران است، که «زند و هومن یسن» که بهمن یشت اهورا مزدا وقوع آنها را به زرتشت پیشگویی میکند. این کتاب توسط صادق هدایت از متن پهلوی به فارسی کنونی ترجمه شده است. صادق هدایت، زند و هومن یسن و کارنامه اردشیر بابکان، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۴۲.

۴- ۲۹..زند بهمین یسن، ص ۱۹.

۵- ۳۰..همان، ص ۱۵۰.

۶- ۳۱..جاماسبنامه، صص ۱۲۱ ۱۲۲.

۵۹ قطعه ۲۸، ویسبرد، کرده ۲، قطعه ۵ فروردین پشت، قطعه -های ۱۲۹ و ۱۴۵؛ زامیادیش، قطعه ۸۹؛ گشتاسب پشت، قطعه ۳۰؛ وندیداد، فرگرد ۱۹، قطعه ۵.

به هر حال تفسیر دقیق -تر سوشیانس را باید از بخشهای دیگر اوستا به دست آورد. در اوستای فعلی، رهانندگان در سه نفر خلاصه شده اند: ۱. اوخشیت ارته، کسی که قانون مقدس را می پروراند؛ ۲. اوخشیت نمنگه، کسی که نماز را بر پای می -دارد؛ ۳. استوت ارته، کسی که همه از یرتو او به زندگی فناپذیر می ترسند. (۱) البته در کتب روایی پهلوی برای نخستین موعود و دومین و سومین نامهای دیگری ثبت کرده اند. (۲) به تصریح اوستا (۳) زرتشت تجسم نیکی و خیر و کمال، بزرگترین سوشیانس است و واپسین نجات بخش نیست، بلکه به تصریح همین بخش، واپسین نجات بخشان، کسانی هستند که جهان را نو کنند و خلایق را پیرنشدنی و نامیرا، جاویدان و بالنده سازند. در آن هنگام مردگان دگر بار برخیزند و بی مرگی به زندگان روی آورد؛ سوشیانت پدیدار شود و جهان را به خواست خویش نو کند. (۴) ابراهیم پورداود از آنچه در این باره گذشت، نتیجه می گیرد که واژه سوشیانس در کاربردهای جمع خود در اوستای نو، شامل زرتشت و حامیان و یاوران و مبلغان و نوسازان و آرایندگان جهان پایانی است. بر اساس این مطلب به این نکته می -رسد که: ویژگی عمده آنان عبارت است از خردمندی، نیکوکاری، سودرسانی به همه موجودات، غلبه بر خصومت دیوها و مردم، و پاک کردن جهان از دروغ، ستایش پروردگار و آراستن معنوی. (۵) از توضیحات کتابهای روایی پهلوی پیرامون منجیان سه گانه آیین

ص: ۳۲۴

۱- ۳۲. ابراهیم پورداود، سوشیانس، ص ۱۵.

۲- ۳۳. ر. ک. علی اصغر مصطفوی، سوشیانت یا سیراندیشه...، صص ۶۳ ۶۴.

۳- ۳۴. یسنا ۴۶، قطعه ۳۱.

۴- ۳۵. زامیادیش، قطعه های ۹-۱۱

۵- ۳۶. ابراهیم پورداود، سوشیانس، صص ۱۰ ۱۸.

مزدیسنا به دست می آید که نبرد خیر و شر، نیکی و بدی به نوعی تقدیر خود اهورا مزداست و در این میان سه موعود آخرالزمان، سه نقطه اوج و در عین حال سه نقطه عطف دین زرتشتی شمرده می شوند. آنها طبق خیر و نیکی رفتار می کنند و در عمل آن را آموزش می دهند. آنها هستند که نماز و تحیات به آستان اهورا مزدا را به جای می آورند. آنان از دریاچه کیانسیه پا به عرصه زندگی نهاده و ضد اهریمن قیام می کنند، آفرینش او را در هم می شکنند و مردم را به راه راست می آورند و دین را گسترش می دهند؛ چنان که به آدمیان نیز راستی می بخشند. (۱)

موعودباوری در آیین یهود

اشتیاق به مسیح موعود

تعالیم انبیا در برافروختن آتش شوق و قیام مسیح در دل‌های قوم عهد عتیق تأثیر بسزایی داشت: «خدا قوم خود را در حالت نکبت و ذلت باقی نخواهد گذاشت؛ بلکه خود او کسی را مسح کرده، برای نجات مردم خواهد فرستاد.» از کتابهای نبوت معلوم می شود که آرزوی آمدن مسیح بر گرد سه محور اساسی می چرخید که البته این محورهای سه گانه به گونه ای مشخص از یکدیگر جدا نشده اند.

مسیح پسر داوود

برخی از انبیا مانند حزقیال و ملاکی، اعلام داشتند که خدا به زودی یک مسیح را از نسل داوود برای بازگرداندن شکوه بنی اسرائیل خواهد فرستاد. انتظار می رود که مسیح یادشده قوم را از دست حاکمان مشرک رهایی بخشد و قدرت شریعت خدا را برای گروه کوچکی که در زمان تنگی، وفادار و مطیع فرمان خدا باقی خواهد ماند، بسط و اعتلا ارزانی کند. در

ص: ۳۲۵

۱- ۳۷.ر.ک. دینکرد، کتاب هفتم، [درسنامه دین مزدایی]، ترجمه فریدون فضیلت، تهران، فرهنگ دهخدا، چاپ اول، ۱۳۸۱، فصل ۷، قطعات ۴۷ ۴۵.

این سلطنت (یا ملکوت) جدید، عدالت، نیکی به مستمندان و پرستش درست و خالصانه خدا حکم فرما خواهد بود. خدا نیز از طریق مسیح خویش، بر قوم خود حکومت خواهد کرد. برخی از انبیا مژده دادند که این سلطنت تنها برای یهود نیست، بلکه همه ملت‌های جهان از آن برخوردار خواهند شد. یک نویسنده یهودی درباره آمدن داوود می گوید:

«یک عقیده همگانی وجود داشت که حالت رفاه و آسایشی که به دست دارد پدید آمده، تا ابد پایدار خواهد ماند و ناتان نبی در پیشگویی خود مبنی بر جاودانگی تخت داوود این نظر را تأیید کرد. (۱) این باور بدان اندازه قطعی بود که گفته می شود خود داوود نیز آن را به پسرش سلیمان مژده داده است. (۲)

بنده خدا

اشعیای نبی از «بنده خدا» که خواهد آمد، سخن گفته است: وی به دور از قدرت نظامی و اقتصادی و هر شکوه ظاهری و نفوذ کلمه خواهد آمد. همچنین او از روی ایمان و تسلیم به اراده خدا، مخالف هر گونه شدت عمل، دارای صبر و بردباری برای تحمل دردها و ستمها خواهد بود و تحمل بار گناهان قوم خود، همچون وسیله ای برای نجات عمل خواهد کرد.

پسر انسان

این شخصیت پیچیده در کتاب دانیال آمده است. این کتاب به شیوه ادبی مکاشفات نوشته شده و فهم شیوه مذکور بسیار دشوار است؛ زیرا آشکال و رموز پیچیده و ناآشنایی در آن وجود دارد. ادبیات مکاشفه به دوره ای از تاریخ یهود تعلق دارد که قوم زیر ستم بود و به همین دلیل، آمل و آرزوهای خود را در قالب اشارات و رموز بیان می کرد. نوشته

ص: ۳۲۶

۱- ۳۸.. کتاب دوم سموئیل، باب ۷، بندهای ۱۲ ۱۶.

۲- ۳۹.. کتاب اول پادشاهان، باب ۲، بند ۴؛ جولوس کریستون؛ انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۲۰.

های مکاشفه از «روز خدا» سخن می گوید و اینکه خدا برای اصلاح مفاسد و محکوم کردن اشرار و رهایی بخشیدن به کسانی که بر ایمان خود استوار مانده اند در جهان وارد عمل می شود. به گفته ادبیات مکاشفه، به نشانه فرارسیدن روز خداوند پسر انسان از آسمان فرود خواهد آمد و ملکوت الهی را برپا خواهد ساخت. (۱) و (۲) در «سفر پیرایش» چنین آمده است:

خداوند بر ابراهیم ظاهر گشته و گفت: به ذریه تو این زمین را می بخشم، تمام این زمین را که می بینی به تو و ذریه تو تا به ابد خواهم بخشید. به سوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار، هر گاه توانی آنها را شمرد... ذریت تو نیز چنین خواهد بود من یهوه هستم که تو را از کلدانیان بیرون آوردم تا این زمین را به ارثیت تو بخشم. (۳) و نام تو بعد از این «آبرام» خوانده نشود بلکه نام تو «ابراهیم» خواهد بود زیرا که تو را پدر امتهای بسیار گردانیدم تو را بسیار بارور نمایم، و امتهای تو پدید آورم و پادشاهان از تو به وجود آیند و عهد خویش را در میان خود و تو، و ذریه بعد از تو استوار گردانم که نسلا بعد نسل عهد جاودانی باشد... اما در خصوص اسماعیل تو را اجابت فرمودم، اینک او را برکت داده بارور گردانم، و او را بسیار کثیر گردانم، دوازده رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی به وجود آورم... از ابراهیم امتی بزرگ و زور آور پدید خواهد آمد و جمیع امتهای جهان از او برکت خواهند یافت. (۴) در کتاب «اشعیاء نبی» می خوانیم: ... و نهالی از تنه پسی (۵) بیرون آمده، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خدا بر او قرار خواهد گرفت. مسکینان را به عدالت، داوری خواهد کرد، و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد... در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فساد نخواهد بود، زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد. (۶) بلکه نسلی از یعقوب و وارثی برای کوههای خویش از یهود به ظهور خواهم رسانید. و برگزیدگانم ورثه آن و بندگانم ساکن آن خواهند شد. و اما شما خطاب به یهود) که خداوند را ترک کرده و کوه مقدس را فراموش نموده اید. و مانده به جهت بخت مهیا ساخته و شراب خروج به جهت اتفاق ریخته اید، پس شما را به جهت شمشیر مقدر ساختم. و جمیع شما برای قتل خم خواهید شد... و اورشلیم را محل وجد خواهم و از قوم خود شادی خواهم کرد و آواز گریه و ناله بار دیگر در او شنیده نخواهد شد. (۷) در کتاب دانیال نبی می خوانیم: در آن زمان سرور بزرگ میکائیلی که از جانب پسران قومت (خطاب به حضرت دانیال) قائم است خواهد ایستاد... و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده اند، بیدار خواهند شد... و آنان که بسیاری را به راه عدالت رهبری می نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابدالآباد. اما تو ای دانیال کلام را مخفی دار و کتاب را تا آن زمان مهر کن بسیاری به سرعت تردد خواهند نمود. خوشا به حال آنان که انتظار کشند. (۸) و در کتاب «حقوق نبی» آمده است: «گرچه تأخیر نماید، برایش منتظر باش، زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد... بلکه جمیع امتهای را نزد خود جمع می کند و تمامی قومها را برای خویشتن فراهم می آورد». (۹) و (۱۰) در زبور داود که تحت عنوان «مزامیر» در لایه لای عهد عتیق آمده، نویدهایی درباره ظهور منجی موعود داده شده است. و می توان گفت: در هر بخشی از زبور اشاره ای به ظهور آن حضرت و نویدی از پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل حکومت واحد جهانی و... موجود است. جالب توجه اینکه مطالبی که قرآن کریم، پیرامون ظهور منجی از زبور نقل کرده، در زبور فعلی عینه موجود است و از تحریف مصون مانده است. قرآن کریم چنین می فرماید:

ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الأرض یرثها عبادی الصالحون (۱۱)؛ علاوه بر ذکر (تورات) در «زبور» نیز نوشتیم، بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد.

طبق روایت متواتر اسلامی، از طریق شیعه و سنی (۱۲)، این آیه مربوط به ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می-باشد. قرآن کریم این مطلب را از زبور نقل می کند و عین همین عبارت در زبور موجود است. در متن «زبور» آمده است:

زیرا که شریران منقطع خواهند شد، و اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند

ص: ۳۲۷

۱- ۴۰..رساله به عبرانیان، باب ۲، بندهای ۸۶.

۲- ۴۱..توماس میشل، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۳۷-۳۸.

۳-۴۲..سفر پیدایش، فصل ۱۲، بند ۷؛ فصل ۱۳، بند ۱۵؛ فصل ۱۵، بندهای ۸۵.

۴-۴۳..همان، فصل ۱۷، بندهای ۸۵ و ۲۰؛ فصل ۱۸، بند ۱۹.

۵-۴۴..یسی به معنی قوی، نام پدر داوود است. مسترهاکس، قاموس کتاب مقدس، تهران، اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۹۵۱.

۶-۴۵..کتاب اشعیا نبی، فصل ۱۱، بندهای ۱۰۱.

۷-۴۶..همان، فصل ۶۵، بندهای ۱۳۹ و ۱۸۲۰.

۸-۴۷..کتاب دانیال نبی، فصل ۱۲، بندهای ۵۱ و ۱۳۱۰.

۹-۴۸..کتاب حقوق نبی، فصل ۲، بندهای ۵۳.

۱۰-۴۹..برای اطلاعات بیشتر.ک. کتاب اشعیا نبی فصل ۱ و ۵۵؛ زکریا نبی، فصل ۱۴؛ سلیمان نبی، فصل ۲؛ حجی نبی، فصل ۲؛ حزقیال نبی، فصل ۲۱.

۱۱-۵۰..انبیاء:۱۰۵.

۱۲-۵۱..ر.ک. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵ ق، ج ۵۱، ص ۴۷؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ذیل آیه انبیاء: ۱۰۵؛ فخررازی، تفسیرالکبیر، ذیل آیه. آیات متعددی در قرآن مجید وارد شده است که پیشوایان دینی به مهدی موعود تفسیر کرده اند و در ضمن صدها حدیث، مشخصات آن حضرت را بیان نموده اند که از حوصله این نوشتار بیرون است. طالبین می توانند به کتاب ارزشمند «الشواهد التنزیل» عبیدالله بن عبدالله حسکانی و یا «المهدی فی القرآن» سیدصادق شیرازی مراجعه کنند.

شد، هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود، در مکانش تامل خواهی کرد و نخواهد بود و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد. زیرا که بازوان شریر شکسته خواهد شد و اما صالحان را خداوند تأیید می کند. خداوند روزهای کاملان را می داند و میراث آنها خواهد بود تا ابدالآباد. (۱) در جای دیگری می فرماید:... قومها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرش نمایند. صحرا و هرچه در آن است به وجد آید. آن گاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود به حضور خداوند. زیرا که می آید، زیرا که برای داوری جهان می آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد، قومها را به امانت خود. (۲) و (۳)

منجی گرایی در آیین مسیحیت

نویدهای موجود در اناجیل معتبر بدین صورت آمده است:

همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد... آن گاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد. و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال می-آید... آسمان و زمین زایل خواهد شد، اما سخن من هرگز زایل نخواهد شد، اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان، جز پدر من و بس. لهدا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید. (۴) اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خود آید، آن گاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و

ص: ۳۲۸

۱- ۵۲.. کتاب مزامیر، مزمو ۳۷، بندهای ۱۲۹ و ۱۸۱۷.

۲- ۵۳.. کتاب مزامیر، مزمو ۹۶، بندهای ۱۰ ۱۳.

۳- ۵۴.. نویدهای منجی در زبور بسیار فراوان است و در بیش از ۳۵ بخش از مزامیر ۱۵۰ گانه، نوید ظهور او است. برای اطلاعات بیشتر به متن مزامیر در عهد عتیق مراجعه کنید.

۴- ۵۵. انجیل متی، باب ۲۴، بندهای ۲۷، ۳۰، ۳۵، ۳۷، ۴۴.

جميع امتها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می کنند، به قسمتی که شبان میشها را از بزها جدا می کند. (۱) آن گاه پسر انسان را ببینند که با قوت و جلال عظیم بر آبرها می-آید، در آن وقت فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تا به اقصای فلک فراهم خواهد آورد... ولی از آن روز و ساعت، غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم، پس بر حذر و بیدار شده، دعا کنید، زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود. (۲) کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند، که چه وقت مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی-برید پسر انسان می آید. (۳) در انجیل یوحنا (بندهای ۱۲-۱۷) نویدهای جالب و جامعی درباره منجی و موعود آخرالزمان دارد. (۴) توضیح اینکه کلمه «پسر انسان» مطابق نوشته مسترهاکس آمریکایی در کتاب خود به نام قاموس کتاب مقدس، هشتاد بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) تکرار شده که فقط سی مورد آن بر حضرت عیسی (علیه السلام) قابل تطبیق می باشد (۵) و پنجاه مورد دیگر از نجات دهنده-ای سخن می گوید که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد، عیسی نیز با او خواهد آمد و او را جلال خواهد کرد و از ساعت و

ص: ۳۲۹

۱- ۵۶..انجیل متی، باب ۲۵، بندهای ۳۱، ۳۲.

۲- ۵۷..انجیل مرقس، باب ۱۳، بندهای ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۲.

۳- ۵۸..انجیل لوقا، باب ۱۲، بندهای ۳۵، ۳۶ و با همین مضمون انجیل لوقا، باب ۲۱، بندهای ۲۷، ۳۳، ۳۶.

۴- ۵۹..مکاشفه یوحنا، باب ۱۹؛ رساله دوم پطرس، باب ۳.

۵- ۶۰..مسترهاکس، قاموس کتاب مقدس، ماده «پسر خواهر» ۲۱۹

از کتب مقدس این چنین برداشت می شود که شخصی برای اصلاح جامعه بشری و تشکیل حکومت جهانی به عنوان نجات بخش و منجی خواهد آمد که همه انتظار او را دارند، چنان که از تمامی عبارات کتب مقدس استفاده می گردد. دیگر اینکه همه ملت‌های جهان و تمامی مردم دنیا از او پیروی می کنند و زیر نفوذ او خواهند رفت و او بر جهان حکومت خواهد کرد و رئیس جهان خواهد بود و سلطنت او در ربع مسکون مستقر خواهد شد. (۱) او از خود تکلم نمی کند و روی هوای نفس خود حرف نمی زند و بلکه طبق آنچه از خدای تعالی و پیامبران شنیده است سخن خواهد گفت. (۲) او وقتی بیاید مردم را به جمع راستیها هدایت خواهد نمود. (۳) او مردم را به عدالت ملزم می کند و خودش به عدالت داوری می کند. (۴) قبل از آمدن او دنیا پر از ظلم و جور می شود و سراسر جهان را ظالمین و ستمگران احاطه می کنند. (۵) وقتی او بیاید همه اضرار در کنار یکدیگر با صلح و صفا زندگی می کنند و حتی درندگان و حیوانات موذی کوچک ترین آسیبی به حیوانات اهلی نمی زنند. (۶) او قدرتمندترین ابرقدرتها را سرکوب می کند و به طور کلی اشرار را از بین می برد و اثری از آنها باقی نمی گذارد. (۷) بعد از ظهور او صالحان و صدیقان و حلیمان وارث زمین می شوند و جهان و آنچه در اوست به آنان تعلق خواهد گرفت. (۸) همه باید منتظر او باشند، زیرا وقت ظهورش مشخص نیست و حتی ملائکه آسمان هم نمی دانند و بالاخره جز خدای تعالی کسی از آمدنش اطلاع ندارد. بنابراین باید همه بیدار باشند و آمدنش را انتظار داشته باشند. (۹) همه چیز در اختیار او قرار خواهد گرفت و او بر ابرهای آسمان با قوت و جلال خواهد آمد. (۱۰)

ص: ۳۳۰

-
- ۱- ۶۱. چنان که از فصل ۴۹، بند ۱۰ سفر پیدایش و باب ۱۶ انجیل یوحنا و باب ۲۴ انجیل متی و مزمو ۹۶ زبور، بند ۱۳۹ استفاده میشود.
 - ۲- ۶۲. چنان که از انجیل یوحنا باب ۱۶ استفاده می شود.
 - ۳- ۶۳. چنان که از زبور داوود مزمو ۳۷ و کتاب دانیال باب ۱۲ استفاده میشود.
 - ۴- ۶۴. چنان که از کتاب اشعیا نبی و باب ۱۶ انجیل یوحنا و زبور داوود مزمو ۹۶ بندهای ۱۰ ۱۳ استفاده میشود.
 - ۵- ۶۵. چنان که از کتاب دانیال ۱۲ استفاده میشود
 - ۶- ۶۶. چنان که از کتاب اشعیا نبی باب ۱۱ استفاده میشود.
 - ۷- ۶۷. چنان که از زبور داوود مزمو ۳۷ استفاده میشود.
 - ۸- ۶۸. همان.
 - ۹- ۶۹. چنان که از انجیل یوحنا باب ۱۵ ۱۶ بند ۲۶ استفاده میشود
 - ۱۰- ۷۰. چنان که از انجیل متی باب ۲۴ بند ۲۷ استفاده میشود

او جهان را از معرفت خدای تعالی پر خواهد کرد و مردم دنیا همه خدانشناس خواهند شد.^(۱) و خلاصه وظیفه مردم در زمان غیبت او این است که برای ظهورش دعا کنند و همیشه منتظر او باشند، زیرا او ناگهانی خواهد آمد.^(۲) از آنجا که یاوران این موعود جهانی در حکومت ایشان را همراهی می کنند، بررسی کوتاهی از ویژگیهای این یاران خالی از لطف نیست.

ویژگی یاران سوشیانت

در متون مزدیسنايي از دو نوع بار برای موعود (های) آخرالزمان نام برده شده است: یارانی که در عصر ظهور زندگی می کنند و یاورانی که در زمانهای سابق رحلت کرده اند، و هنگام ظهور منجی زنده شده، او را یاری خواهند کرد. در متون پهلوی، دسته دوم را «جاودانیها» خوانده و از شماری افراد، پلان و پهلوانان تاریخی در جایگاه یاوران سوشیانس یاد کرده اند. شمار این افراد را پانزده مرد و پانزده زن دانسته و با احتساب زرتشت، از چهارده مرد یاد کرده اند. در حالی که یک مرد و پانزده زن به نام خوانده نشده اند.^(۳) این جاودانیها در هزاره سوشیانس پدید آیند و رستاخیز برانگیزانند و جهان جاودانی را بیاریند. به تصریح اوستای نو و متون پهلوی، ابدان گنهکاران و مجرمان همچون منافقان دوباره زنده نخواهد شد؛ اما پرهیزگاران به زمین باز آیند، نه به آن چهره که در گذشته اند و نه از آن آمیزه که پیش ساخته شدند؛ بلکه موجودات مادی از گل روشن و بدون تاریکی، آب بدون زهر، آتش بدون دود، و باد خوشبوی ساخته شده باشند.^(۴)

خصوصیات یاران منجی موعود چنین است:

«نیک اندیش، نیک گفتار، نیک کردار، هرگز سخن دروغ بر زبان نیاورند؛ قول خود را نمی شکنند و عفریت خشم از آنان می گریزد.»^(۵) افزون بر این فرشتگان مقرب الهی، هفت امشاسپند نیز در جایگاه یاوران سوشیانس مطرح شده اند.^(۶)

خصوصیات یاوران منجی در آیین یهود و مسیحیت

در عهدین برای یاران حضرت ویژگی خاصی بیان شده است:

در اشعای نبی می گوید:

علمی به جهت امتهای بعد برپا خواهد کرد و از اقصای زمین برای ایشان صفیر خواهد زد و ایشان تعجیل نموده، به زودی

ص: ۳۳۱

۱- ۷۱.. چنان که از انجیل یوحنا باب ۱۶ استفاده میشود

۲- ۷۲.. چنان که از انجیل مرقس باب ۱۳ استفاده میشود

۳- ۷۳.. ر.ک. بندهش ایرانی، ترجمه مهرداد بهار، تهران، توس، ۱۳۶۹ ش، ص ۱۲۸؛ اوستا، فروردینیش، بندهای ۱۲۰-۱۴۳.

۴- ۷۴.. ر.ک. دینکرد، کتاب هفتم، ص ۲۱۴.

۵- ۷۵.. اوستا، زامیادیش، قطعه ۹۵.

۶- ۷۶.. اوستا، هفتن یش، کوچک، قطعه ۱۲.

خواهند آمد و در میان ایشان احدی خسته و لغزش خورنده نخواهد بود و احدی نه پلکی خواهد زد و نه خواهد خوابید و کمربند احدی از ایشان باز نشده، دوال نعلین احدی گسیخته نخواهد شد که تیرهای ایشان تیر و کمانهای ایشان زده شده است، ایشان مثل شیر ماده و مانند شیران ژیان غرش خواهند کرد. (۱) در دانیال نبی می گوید: «در ایام این پادشاهان خدای آسمانها سلطنتی را که تا به ابد زایل نشود برپا خواهد نمود.» (۲) در مزموور می گوید: «چشمان خداوند به سوی صالحان است. چون صالحان فریاد برآورند، خداوند آنها را شنیده و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشد.» (۳) - در اشعای نبی آمده است: «ای رسولان تیزرو بروید نزد امت بلند قامت و براق، نزد قومی که از ابتدایش تاکنون مهیب بوده اند، یعنی امت زور آورنده و پایمال-کننده.» (۴) در جای دیگر می گوید: «دروازه را بگشایید تا امت عادل که امانت را نگه می دارند داخل شوند، طریق راستان استقامت است.» (۵) همچنین در بخشی دیگر بیان شده است: «اینک بعضی از جای دور خواهند آمد و بعضی از شمال و از مغرب؛ ای آسمانها ترنم کنید و ای زمین وجد نما و ای کوهها آواز شادمانی دهید؛ زیرا خداوند قوم خود را تسلی می-دهد.» (۶)

جمع بندی و نتیجه-گیری

هدف از مقایسه سیر اندیشه و اعتقاد نجات بخشی و تطور آن در هر یک از ادیان و همچنین برابری ادیان در اعتقاد به ظهور منجی، بیان این نکته نیست که دینی از دین دیگر در این مسئله خاص متأثر گردیده و یا بر آن تأثیر گذاشته است. آنچه در این جا مورد نظر میباشد این است

ص: ۳۳۲

۱- ۷۷.. کتاب اشعیاء نبی، فصل ۵، بندهای ۲ و ۲۷ ۲۹.

۲- ۷۸.. دانیال نبی، فصل ۲، بند ۴۴.

۳- ۷۹.. کتاب مزامیر، مزموور ۳۷، بندهای ۱۸ و ۳۹ ۴۰.

۴- ۸۰.. اشعیاء نبی، فصل ۱۸، بند ۲.

۵- ۸۱.. همان، فصل ۴۹، بندهای ۱۲ ۱۳.

۶- ۸۲.. همان، فصل ۴۹، بند ۱۳.

که موارد همانند یا مشترک ادیان کنار هم قرار گیرند و این نتیجه کلی به دست آید که اندیشه نجات بخشی و اشاره به موعودی که در پایان جهان خواهد آمد و نظامی همسان با دستورهای خداوند خواهد ساخت، در همه ادیان وجود دارد. اما اینکه این موعود کیست، چه موقع و کجا ظهور خواهد کرد، از جمله مسائل مورد اختلاف می باشد. آنچه مشترک است این است که نجات دهنده آخرالزمان از خاندان نبوت و دارای همه صفات پسندیده است. در همه ادیان نوعی اعجاز در مسائل مربوط به موعود دیده می شود. وصف جهان انتظار در ادیان گوناگون الگوی واحدی دارد؛ جامعه ای است که در زمینه های فردی، اجتماعی، سیاسی اقتصادی، علمی و فرهنگی به ابتذال کشیده شده، فساد و تباهی به اوج خود رسیده؛ آن گاه است که فرج نزدیک است.

اله سبب این همسانی این است که در همه دورانها و برای همه مردم، ستم، کینه و جنایت ناپسند بوده است. از این رو، انتظار جامعه ای بدون ظلم و تصور جامعه آرمانی از گذشته های دور تاکنون اندیشه بسیاری از دانشمندان و محققان بوده است. طرح این گونه مسائل از سوی دانشمندان گوناگون و ریشه یابی آن در ادیان مختلف مانند یهود، مسیحیت و زرتشت و حتی مسلکهای همچون برهما و بودا نشانه این است که زندگی در یک جامعه آرمانی خالی از ظلم و ستم ریشه در نهاد بشریت دارد. اما آنچه تمام این طرحها را غیرعملی نموده، این است که آنها واقع بینانه و همراه با ارائه روشن نیستند، بلکه فقط یک جامعه آرمانی را کاری از

واحد تحقیق، پژوهش و تولید محتوای گروه خدمت‌گزاران هانی بن عروه به تصویر کشیده اند نه راه و روش رسیدن به آن را. همچنین هدفهایی برای این طرحها تعیین نشده است تا بدان وسیله اراده و شور و خواست مردم را برانگیزد و آنان را به تغییر اوضاع و احوال موجود مایل گرداند. تنها طرحی که دارای این خصایص میباشد، اسلام است. جامعه‌ای که خداوند وعده فرموده است، جامعه‌ای است که افرادی عقاید، اخلاق و اعمال موافق با تعالیم و احکام اسلامی دارند. البته همان گونه که در متن ذکر شد، اندیشه مهدویت و وجود موعود برای اصلاح جهان تنها در آیین اسلام طرح نشده، بلکه بشارتی است که خدای متعال به همه انبیا داده است و تمامی ادیان توحیدی منادی این اندیشه بوده‌اند و آینده جهان را از آن صالحان خوانده‌اند و حاکمیت عدالت را بر سراسر گیتی حتمی قلم داد کرده‌اند.

گفتنی است که همه بشارتها، وعده‌ها و اشاره‌ها که در همه آیینها و دیانتها آمده است، نظر به قیام الهی آخرالزمان و حرکت بشری الهی مصلحی دارد که در پایان ادوار نبوت و در امتداد جریان دین اسلام، از داخل اسلام ظهور خواهد کرد. این است که هرگاه موعود گفته میشود، منظور موعود و منجی نهایی و منتظر آخرین است.

امامت از دیدگاه شیعه دوازده امامی با تکیه بر براهین عقلی و نقلی و قرآنی

امت اسلامی به طور کلی در این باب به دو فرقه بزرگ شیعه و اهل سنت منقسم شده که هر یک از این دو فرقه با وجود اختلافات درون گروهی، دو تفاوت جوهری با یکدیگر دارند. به باور جمیع فرقه‌های شیعه، امام باید منصوص باشد، یعنی شخص امام

باید از جانب خدا و رسول خدا تعیین شده باشد، چون عصمت در امام شرط است و شخص معصوم را فقط خدا و رسول خدا «صلی الله علیه و آله» می شناسد.

شیخ طوسی می فرماید: (امامت بعد از توحید مهم ترین مسأله دینی است، چه بدون شناخت و فهم جایگاه امام، توحید ناقص خواهد بود و جمیع دستاوردهای پیامبر اعظم «صلی الله علیه و آله» در معرض خطر و اضمحلال قرار خواهد گرفت) (طوسی، ۱۳۵۱: ۵۰) فیاض لاهیجی نیز در این باب گفته است: «جمهور امامیه، امامت را از اصول دین دانند، چون بقای دین و شریعت را به وجود امام موقوف دانند، چنان که ابتدای شریعت موقوف به وجود نبی است. پس حاجت دین به امام به سان حاجت دین به نبی است» (فیاض لاهیجی، بی تا: ۳۳۳) لیکن امامت از نگاه جمیع فرقه های اهل سنت، مقوم دین نباشد، بلکه مدیریت جامعه اسلامی است و چنین شخصی نیاز به عصمت ندارد و بدین جهت، با اجماع و بیعت تعیین میگردد.

فیاض لاهیجی در بیان باور ایشان میگوید: «امام الحرمین که از اعظم علمای اهل سنت است گفته است: «اگر از امام ظلم و جور ظاهر شود و با منع قولی منجز نگردد، هر آینه اهل حلّ و عقد را رسد که بر منع فعلی او اتفاق نمایند، گرچه نیاز به جنگ و ستیز باشد. شارح مقاصد گفته است: بی تردید مباحث امامت سزاوار است که جزء فروع دین باشد و اگر بخشی از امت امام را نصب نمایند، از عهده بقیه ساقط باشد، چون شارع فی الجملة قصد تحصیل آن دارد، لیکن به جهت شیوع عقاید روافض و خوارج، متکلمان امامت را به علم کلام ملحق کرده اند» (فیاض لاهیجی، بی تا: ۳۳۳) بدیهی است که باور امامیه اثنی عشری در باب امامت از جهات عدیده با باورهای فرقه های دیگر شیعه مثل

کیسائیه، زیدیه، اسماعیلیه و غیره متفاوت می باشد، گرچه در منصوص بودن امام فی الجمله اتفاق نظر دارند.

مفهوم شناسی امام در شیعه

راغب اصفهانی در باب معنی امام میگوید: «الإمامُ هُوَ الْمُؤْتَمُّ بِهِ إِنْسَانًا كَأَنَّ يَقْتَدِي بِقَوْلِهِ أَوْ فِعْلِهِ، أَوْ كِتَابًا أَوْ غَيْرَ ذَلِكَ، مُحِقًّا كَانَ أَوْ مُبْطِلًا، وَ جَمْعُهُ أَئِمَّةٌ. وَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (الإسراء/۷۱) أَى بِالَّذِي يَقْتَدُونَ بِهِ: امام یعنی مقتدا و کسی یا چیزی که بدو اقتدا کنند. ممکن است امام انسانی باشد که به قول و فعل او اقتدا نمایند و یا کتاب آسمانی و غیر آن باشد، حق یا باطل باشد و جمع امام، ائمه است. خداوند با توجه بدین معنی فرمود: روز قیامت هر کس را با امام و پیشوایشان خواهیم خواند» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵) واژه «امام» در قرآن مجید دوازده بار به صورت مفرد و جمع وارد شده که تا حدودی دارای همین معنی می باشد. کلمه امام دوبار در آیه ۱۲ و آیه ۴۱ سوره توبه و قصص آمده است، سه بار در آیات ۱۲، ۱۲، ۱۷ سوره های هود، احقاف و یس وارد شده، یک بار در آیه ۷۹ سوره حجر، یک بار در آیه ۷۴ سوره فرقان، دو بار در آیات ۷۳ و ۲۴ سوره های انبیاء و سجده «جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا»، یک بار در آیه ۵ سوره قصص، یک بار در آیه ۷۱ سوره اسراء و یک بار هم در آیه ۱۲۴ سوره بقره آمده است. در جمیع این آیات، گاه امام پیشوای پرهیزکاران و در خط نبوت است و گاهی دیگر، پیشوای تبهکاران و در خط شیطان است .

الشَّيْعَةُ مَنْ يَتَقَوَّى بِهِمُ الْإِنْسَانُ : شیعه کسانی باشند که رهبرشان را تقویت « : اما راغب اصفهانی شیعه را چنین معنی کرده است همان (. شیخ مفید نیز میفرماید : التَّشْيِعُ فِي أَصْلِ اللَّغَةِ هُوَ الْإِتِّبَاعُ عَلَيَّ وَجِهَ التَّدْيِينِ وَالْوَلَاءِ) « نمایند و

در خدمت او باشند لِلْمَثْبُوعِ عَلَى الْإِخْلَاصِ: شیعه بودن یعنی تبعیت و پیروی، همراه با باور دینی و محبت شدید، نسبت به متبوع خود. خداوند با توجه به همین معنی فرمود: «وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِأَبْرَاهِيمَ: ابراهیم از شیعیان نوح بود» (الصّافات/۸۳). بدیهی است که پیروی ابراهیم از نوح همراه محبت و باور دینی است و پیروی خشک زبردست از زبردست نمی باشد (ر.ک؛ شیخ مفید، ۱۳۷۱: ۳۶) طبق سخن شیخ مفید، شیعه به پیروان خاص اطلاق می شود که همراه محبت و باورمندی دینی است. با توجه بدین نکته، مطلق آورده شود، «شیعه» شیعه حاضر است هرچه دارد در راه رهبر محبوب خود فدا کند. نکته قابل توجه آنکه وقتی کلمه به پیروان حضرت علی و سایر امامان «علیهم السلام» اطلاق میگردد که معتقد به امام منصوب هستند و اگر مقصود جز این باشد، همراه مضاف الیه ذکر میشود: مثل شیعه آل امیه، شیعه آل عباس و... (ر.ک؛ همان).

تعریف اصطلاحی امام

هریک از فرقه های گوناگون اسلامی، امامت را طبق باور خود تعریف کرده اند. از آن میان فرقه دوازده امامی گرچه امامت را با تعبیر گوناگون تعریف نمود هاند، لیکن در سه نکته اتفاق نظر دارند که ذیلا بدانها اشاره خواهد شد. ابن میثم بحرانی میگوید: «الإمامة رياسة عامه في أمور الدين و الدنيا للإنسان الذي له الإمامة بالأصالة: امامت ریاست عام «مطلق» بالاصالة در جمیع امور دینی و دنیایی برای انسانی برگزیده از جانب خدا و رسول می باشد» (۱۳۵۵: ۱۷۴) سه نکته مورد اشاره در این تعریف گنجانده شده است: یکی ریاست عامه و ولایت مطلق امام در جمیع شئون دنیایی و دینی است. دو دیگر، برگزیدگی و منصوب بودن امام از جانب خدا و رسول «صلی الله علیه و آله» است. سوم آنکه این ریاست نیابت و خلافت بدون فاصله بعد از پیامبر «صلی الله علیه و آله» است. قید

اخیر، جهت اخراج نایبان خاصّ یا عامّی است که از جانب پیامبر تعیین می شدند.

شیخ طوسی در این باب می فرماید: «الإمامُ رَئِيسُ مُبْتَسِطٍ اليَدِ، يُرَدُّعُ الْمُعَادِيَيْنَ وَ يَنْتَصِفُ لِلْمَظْلُومِينَ مِنَ الظَّالِمِينَ: امام رئیس گشاده دستی است (دارای ولایت مطلق است) که از زیاده طلبی معاندان جلوگیری میکند و دادِ ستم دیدگان از ستمگران بستاند» (طوسی، ۱۳۵۱، ج ۱: ۶۰).
خواجه نصیر طوسی نیز در تعریف امامت می فرماید: «الإمامَةُ رِياسَةُ عَامَّةٍ دِينِيَّةٍ مُشْتَمِلَةٌ، عَلَى تَرْغِيبِ عُمُومِ النَّاسِ فِي حِفْظِ مَصَالِحِهِمُ الدُّنْيَا وَ الدُّنْيَا وَ زَجْرِهِمْ عَمَّا يَضُرُّهُمْ بِحَسَبِهَا: امامت ریاست عام و مطلق است که شامل واداشتن مردمان بر حفظ مصالح دینی و دنیایی شان می باشد و نیز بازداشتن مردم از کارهای خلاف مصالحشان که به دست امام صورت گیرد» (حلی و طوسی، ۱۳۶۰: ۷۷) علامه حلی نیز می فرماید: (امامت ریاست عامّه در امور دینی و دنیایی برای شخص وارسته ای از آدمیان به نیابت از پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» و انتخاب ایشان می باشد) (حلی، ۱۳۷۵: ۶۶). عبدالرزاق لاهیجی نیز می فرماید: «مراد از امامت نیست مگر ریاست عامّه مسلمین در امور دنیا و دین بر سبیل خلیفگی و نیابت از پیغمبر «صلی الله علیه و آله» (فتیاض لاهیجی، بی تا: ۳۲۹)

امامت از نگاه عقل و نقل

اشاره

فی الجمله، علمای شیعه مباحث عقلی امامت عامّه را در چهار مطلب منطقی و عقلی بیان داشته اند. ابن میثم بحرانی خلاصه این چهار مطلب را به طور تفصیل در قواعد المرام بیان فرموده که ذیلا خلاصه ای از آن آورده میشود:

۱. هلیت وجود امام: در این بحث از ضرورت یا عدم ضرورت وجود امام بحث می شود و با قاعده عقلی لطف، وجود امام اثبات میگردد.

۲. لمیت وجود امام: در این بخش از هدف و چرایی وجود امام بحث می شود.

۳. کیف الإمام: در این بخش از صفات

امام بحث به میان می آید.

۴. من الإمام: این بخش که آخرین بحث عقلی امامت است، به اثبات امامت خاصه پرداخته میشود و در باب تعیین شخص امام سخن به میان می آید (ر.ک؛ بحرانی، ۱۳۵۵: ۱۷۴)

(۱) هَلِ الْإِمَامُ ضَرُورِيُّ الْوُجُودِ؟

ملاک حکم عقل در باب نصب امام از جانب خداوند، همان ملاک نصب پیامبر است. به باور شیعه دوازده امامی سبب و انگیزه نصب پیامبر و بعثت او، لطف نامتناهی الهی به جامعه بشری می باشد. چه خداوند حکیم قادر، طبق رحمت و لطف رحمانی به همه ممکنات و در رأس آنها به آدمیان، هستی بخشید و طبق رحمت رحیمی و لطف خاص الهی، جهت هدایت و ارشاد بشر پیامبران را برانگیخت. بدیهی است که نیاز بشر به هدایت و ارشاد، دائمی و لطف خداوندی نیز همیشگی و مستمر است. پس وجود امام، استمرار لطف خداوند به جامعه بشری می باشد. به بیان دیگر، علت محدثه، علت مبقیه نیز هست.

با توجه بدین نکته، شیخ طوسی در آغاز تلخیص الشافی می فرماید: «الْكَلَامُ فِي وُجُودِ الْإِمَامِ عَقْلًا وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ سَمْعٌ، وَ الَّذِي يَدُلُّ عَلَى ذَلِكَ مَا تَبَيَّنَ مِنْ كَوْنِهِ لُطْفًا، فَجَزَى مَجْرَى سَائِرِ الْأَلْطَافِ فِي أَنَّهُ لَا يُحْسِنُ التَّكْلِيفُ مِنْ دُونِهِ: سخن در وجوب وجود امام به حکم عقل است، گرچه به فرض سمع (آیات و احادیث) در کار نباشد. دلیل این مطلب، لطف بودن امامت به سان سایر الطاف، الهی می باشد، (به سان وجود پیامبر «صلی الله علیه و آله») که بدون آن تکلیف از جانب حق تعالی مورد قبول عقول نخواهد بود» طوسی، ج ۱: ۵۹) ملا عبدالرزاق لاهیجی نیز می فرماید: «هر که نبوت را دانسته باشد و سبب حاجت به نبی را شناخته باشد، شک نکند در بقای حاجت به وجود چنین شخصی در هر زمانی از ازمه، بقای تکلیف حاجت ناس به وجود مرشد هادی امر ناهی که از

او فراگیرند و به او رجوع نمایند، معلوم است. پس امامت جز خلیفگی و نیابت از پیامبر نباشد» (فیاض لاهیجی، بی تا: ۳۳۴). باز همو فرماید: «نشاید و روا تَبَوَّدَ که پیغمبر «صلی الله علیه و آله» شخصی را به جهت قیام به امور مکلفین تعیین نکند و حال آنکه بیان کرده باشد امور غیر ضروریّه را. عصمت در چنین شخصی شرط باشد و عقول بشری راهی به شناخت عصمت نباشد. پس واجب باشد ورود نصّ بر او از جانب خدای تعالی» (فیاض لاهیجی، بی تا: ۳۳۴) خواجه نصیر طوسی نیز در باب وجوب وجود امام با استناد به قاعده عقلی لطف می فرماید: «انحصار اللطف فیهِ معلومٌ للعقل، ووجوده لطفٌ وَ تَصَيَّرُهُ لُطْفٌ آخِرٌ: انحصار لطف به نصب و تعیین امام (بعد از پیامبر «صلی الله علیه و آله» برای عاقلان جهان روشن است، چه وجود امام در میان جامعه بشری لطف و تصرف او در امور دینی و دنیایی لطفی دیگر است» (حلی، ۱۳۶۴: ۳۶۲) علامه حلی در این باب می فرماید: «هِيَ وَاجِبَةٌ عَقْلًا لِأَنَّ الْإِمَامَةَ لُطْفٌ، لِأَنَّا نَعْلَمُ إِذَا كَانَ لِلنَّاسِ رَئِيسٌ مُطَاعٌ مُرْتَدًّا، كَانُوا إِلَى الصَّلَاحِ أَقْرَبُ وَ مِنَ الْفَسَادِ أَبْعَدُ: به حکم عقل نصب امام از جانب خداوند واجب باشد، چون ما می دانیم که اگر برای مردمان رئیس مفترض الطّاعه و راهنمای معصوم در کار باشد، به صلاح نزدیک و از فساد دورتر خواهند بود» (حلی، ۱۳۸۵: ۶۶) ابن میثم نیز می فرماید: «إِنَّ نَصَبَ الْإِمَامِ لُطْفٌ مِنَ فِعْلِ اللَّهِ، وَكُلُّ لُطْفٍ وَاجِبٌ فِي حِكْمَةِ اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَهُ، فَنَصَبُ الْإِمَامِ وَاجِبٌ مِنَ اللَّهِ فِي كُلِّ زَمَانٍ: همانا امام لطفی از افعال خداوندی باشد و در حکمت الهی جمیع لطف ها واجب است. پس نصب امام از جانب خداوند در جمیع ازمنه بقای تکلیف واجب است» (بحرانی، ۱۳۵۵: ۱۷۵) شایان ذکر آنکه ریشه حکم عقلی قاعده لطف در قرآن مجید است که خداوند عقول

سالم بشری را بدان حکم ارشاد فرمود و در آیات بسیاری بدان اشارت فرموده است: «...كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ...: پروردگارتان رحمت را بر خود فرض کرده...» (الأنعام / ۵۴) در این آیه دو نکته قابل دقت است: یکی آنکه هیچ نیرویی لطف را بر خدا واجب نکرده، چون خدا بالادست ندارد، بلکه خود، لطف را بر ذات خود واجب کرده است. دو دیگر آنکه چون خداوند حکیم و قادر مطلق است، محال است که بخل در ذات او راه یابد و رحمتی را دریغ نماید. با توجه بدین نکته، خداوند بارها وجود پیامبر و قرآن را به عنوان رحمت و لطف معرفی کرده است و به عنوان نمونه می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ: ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم» (الأنبياء / ۱۰۷): «وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ...: و از قرآن آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان نازل میکنیم...» (الإسراء / ۸۲) بدیهی است که وجود امام نیز در راستای وجود پیامبر و قرآن است و با نصب امام، لطف بی کران الهی استمرار می یابد.

۲) علت غایی نصب امام

شیعه دوازده امامی بعد از آنکه به حکم قاعده عقلی، لطف وجود و وجوب نصب امام را اثبات کردند، علت غایی و هدف از نصب و تعیین امام را مورد بحث قرار دادند. بدیهی است که بحث از هدف و غایت، مترتب بر بحث وجود امام است. دو نکته در این باب از نظر امامیه بسیار مهم است: یکی آنکه جامعه بشری بدون امام، به سر منزل سعادت و کمال نخواهد رسید. دو دیگر آنکه امام حافظ شریعت است و شریعت بدون او نماند.

ابن میثم در بیان هدف از نصب امام فرموده است: «هدف و غایت از نصب امام در دو چیز خلاصه می شود: یکی آنکه امام جامعه بشری را به اذن الله به جهت کمال ممکن

سوق می دهد. دو دیگر آنکه حافظ شریعت حقّه الهی می باشد و بدون وجود امام شریعت الهی نپاید، چون مدّعیان ناشایسته با اعمال نابایسته خود دین را تحریف نمایند. امام «علیه السلام» در شرایط گوناگون دین خدا را از خطرات حفظ فرماید که او مقوم دین و دین متقوم به اوست (بحرانی، ۱۳۵۵: ۱۷۷). لاهیجی در این باب فرموده است: «برای دو جهت نصب امام واجب است: یکی حاجت شریعت باقیه الی یوم القیامه به حافظی معصوم، چنان که محتاج است در ابتدا به مبلغی معصوم. حاجت شریعت در بقا به حافظ، شبیه به حاجت وجود ممکن به علت در بقاء باشد. دوم حاجت مکلفین به رئیس مطاع مأمون از خطا و جور که با وجود او نزدیک شوند به فعل تکلیف» (فتاوی لاهیجی، بی تا: ۳۳۹) فاضل مقداد در این باب گفته است: «هر که قواعد سیاست داند، شک نکند که وقتی رئیسی هدایتگر در کار باشد که جلوی ستمگران ایستد و آنان را از ستم منع نماید و مردمان را به دین داری وادارد، این جامعه به صلاح و قرب الهی نزدیک، و از فساد و تباهی دور ماند. پس مقصود و هدف از لطف الهی در نصب امام معصوم جز این نباشد» (حلی ۱۳۶۵: ۶۸)

۳) کیف الإمام (صفات امام)

این بخش در حقیقت برجسته ترین مبحث امامت است. عصمت، در رأس جمیع صفات والای امامت می باشد که با وجود عصمت سایر کمالات نیز به تبع آن وجود دارد. به باور شیعه، امام باید معصوم باشد، یعنی در اندیشه و گفتار و کردار خطا نداشته باشد. امام از این جهت شباهت تامّ به پیامبر «صلی الله علیه و آله» دارد، چه او نیز باید معصوم باشد. بدیهی است که معنی این سخن، تساوی امام با پیامبر «صلی الله علیه و آله» نیست، چه پیامبر، آورنده و گیرنده شریعت است، لیکن امام، حافظ و مبین شریعت پیامبر است.

برخی از

ص: ۳۴۲

عالمان اهل سنت به سان قاضی عبدالجبار معتزلی، به شیعه خرده گرفته اند و گفته اند که به باور شیعه، پیامبر «صلی الله علیه و آله» و امام مساوی هستند، چون هر دو معصوم اند. سید مرتضی نخست سخنان وی را به طور تفصیل آورده، سپس پاسخ بسیار عالمانه ای بدو داده است و چنین فرموده: «إِنَّ مَنْ جَعَلَ بَعْضَ صِفَاتِ النَّبِيِّ أَوْ أَكْثَرَهَا لِلْإِمَامِ وَ جَعَلَ بَيْنَهُمَا مَرِيَّةً مَعْقُولَةً، أَلْفَ خُصُومَةٍ فِي صِفَاتِ الْإِمَامِ: هر که برخی یا اکثر صفات پیامبر را برای امام اثبات نماید و میان آن دو فرقی معقول قائل شود (و بگوید که أخذ شریعت ویژه پیامبر است)، با معاندان خود در باب صفات امام مخالفت ورزیده، نه آنکه امام را با پیامبر یکسان دانسته باشد» (سید مرتضی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۶) اینکه جمیع علمای اهل سنت منکر عصمت امام هستند، بدان جهت است که می دانند اگر عصمت شرط شود، باید از باور خود دست بردارند، چون به قول خودشان هیچ یک از خلفا معصوم نبوده اند. بدیهی است که تعصب، مانع قبول حقیقت است.

اینک ذیلاً دیدگاه های عالمان نام آور شیعه دوازده امامی در این باب ذکر میشود:

شیخ طوسی فرموده است: امامت با قاعده عقلی لطف اثبات شد. وقتی امام لطف است که معصوم باشد، چه بدون عصمت، وی مصون از خطا در اندیشه، گفتار و کردار نخواهد بود. اگر بنا باشد که امام عمداً یا حتی سهواً مرتکب خطا شود، با وجوب تبعیت از او متناقض خواهد بود. مضاف بر آنکه چنین وجوبی اغراء به جهل است. با این فرض، وجود امام نه تنها لطف نیست، بلکه بدترین شر است، چون سبب دوری مردم از خدا و گرفتار آمدنشان در عذاب نامحدود آخری میشود. فی الجمله، عصمت امام به سان عصمت انبیاء می باشد، چون هر دو حافظ و مبین شریعت هستند.

لاصه سخنان شیخ چنین است: «فَالْعِصْمَةُ شَرْطُ آسَاسِ لِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَئِمَّةِ، سِوَاءَ فِي الذُّنُوبِ الْكَبِيرَةِ أَوْ الصَّغِيرَةِ وَ سِوَاءَ قَبْلِ التُّبُوهُوَ الْإِمَامَةِ وَ بَعْدُهَا عَلَى سَبِيلِ الْعَمْدِ وَالنَّسْيَانِ» (طوسی، ۱۳۵۱، ج ۱: ۶۲). سخن شیخ طوسی در باب عصمت امام، کامل ترین سخن می باشد که بیانگر باور شیعه دوازده امامی است.

اگر کسی بگوید و بپرسد که عصمت بعد از امامت معقول است، لیکن عصمت پیش از امامت چه لزومی دارد؟ پاسخ این است که برای برخی از مقامات معنوی سابقه درخشان لازم است تا پذیرش مردمی را داشته باشد؛ مثلاً اگر کسی سابقه بد داشته باشد و بعد توبه نماید، مردم او را به عنوان مرجع دینی و رهبر دینی نمی پذیرند. همچنان که در نظام جمهوری اسلامی هیچ یک از اعضای ساواک، شاه، وزیر یا حتی مدیر کل نشد، گرچه ممکن بود توبه کرده باشد.

خداوند در قرآن بدین نکته اشاره فرموده است که «...لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ: پیمان من به ستمکاران نمی رسد» (البقره/۱۲۴) کلمه «ظالمین»، عموم و اطلاق دارد، یعنی هیچ یک از ستمگران بدون هیچ قید و شرطی شایستگی امامت ندارند. طبق این آیه اگر کسی مرتکب هر نوع ستمی در هر مرحله‌ای از زندگی خود شده باشد، شایستگی این مقام شامخ الهی را ندارد. اگر کسی در نوجوانی مرتکب گناهی شده باشد و بعد توبه نموده باشد نیز مشمول این آیه میگردد. چون گناه، ظلم به نفس یا ظلم به غیر است که بارها خداوند در قرآن گناهکار را ظالم معزفی کرده است؛ مثلاً- در سوره کهف آیه ۳۵ در باب کسی که از دین برگشته و منکر آخرت شده بود، می فرماید: «وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا».

بدیهی است که این آیه خود دلیل واضحی بر عصمت امام نیز هست که در

بحث قرآنی بدان اشاره خواهد شد. خواجه نصیرطوسی با عباراتی کوتاه با پنج برهان عصمت امام را اثبات فرموده است و چنین گفته است: «وَ امْتِنَاعُ التَّسْلِسِ يُوجِبُ عِصْمَتَهُ؛ وَ لَأَنَّهُ حَافِظٌ لِلشَّرْعِ؛ وَ لَوْ جُوبِ الإِنكَارِ عَلَيْهِ لَوْ أَقْدَمَ عَلَى المَعْصِيَةِ، فَيُضَادُّ أَمْرَ الطَّاعَةِ؛ وَ يَفُوتُ العَرَضُ مِنَ نَصْبِهِ؛ وَ لِإِنْ حَطَّ دَرَجَتِهِ عَنِ أَقْلِ العَوَامِّ؛ إِنْ كَانَ إماماً، مَعْصُومٌ نَبِشَدُ تَسْلِسِ لَازِمٌ آيِدُ، وَ چُونِ إمامِ حَافِظِ شَرِيعَتِ اسْتِ، بَايِدُ مَعْصُومٌ بَاشَدُ. نَبِشَدُ إِنْ كَانَ إماماً مَعْصُومٌ نَبِشَدُ، نَقْضُ غَرَضِ شُودِ (چُونِ هَدَفِ اَز نَصْبِ إمامِ هِدَايَتِ اسْتِ وَ دَرِ صُورَتِ عَدَمِ عِصْمَتِ، سَبَبِ ضَلَالَتِ اُمَّتِ شُودِ). هَمِچُنِينِ إِنْ كَانَ مَعْصُومٌ نَبِشَدُ، لَازِمٌ آيِدُ كِه اَز تُوْدِه مَرْدَمِ هَمِ پَسْتِ تَرِ شُودِ، چُونِ آگَاهانِه مَرْتَكَبِ گَناهِ مِی شُودِ (طُوسِی، ۱۳۶۴: ۳۶۴) عَلَامَه حَلِّی بِه نَحْوِ مَبسُوطِ اِينِ بَراهِينِ پَنجگَانه رَا شَرَحِ كَرْدِه كِه جِهتِ رِعايَتِ اِختِصارِ اَز بَيانِ آنِ مَعذُورِیْمِ. فِی الجَمَلِه، بَا تَوَجُّه بِه هَدَفِ نَصْبِ إمامِ، اِگَرِ بِنَا بَاشَدِ كِه او خَطَا كَندِ، بِه إمامِ دِیگَرِ بَايِدُ رِجُوعِ شُودِ وَ هَكَذا كِه بِه تَسْلِسِ اِنجَامِدِ وَ چُونِ تَسْلِسِ باطلِ بَاشَدِ، پَسِ إمامِ بَايِدُ مَعْصُومٌ بَاشَدِ وَ نَبِشَدُ إمامِ كِه حَافِظِ شَرِيعَتِ اسْتِ، نَبِايِدُ خَطَا كَندِ وَ گَرَنِه مَبِينِ وَ حَافِظِ شَرِيعِ نَبِاشَدِ. خُداوندِ فَرمودِه اسْتِ كِه حَافِظِ شَرِيعَتِ بَايِدُ بَدُونِ خَطَا شَرِيعَتِ رَا بَيانِ نَمَايِدُ: «...وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...» وَ ما اِينِ ذِكْرُ (= قرآن) رَا بَرِ تُو نَازِلِ كَرْدِیْمِ تا آنچِه بِه سَویِ مَرْدَمِ نَازِلِ شُدِه اسْتِ، بَرايِ آنها رُوشَنِ سَازِیِ «النَّحْلِ/ ۴۴) وَ نَبِشَدُ اَز نَصْبِ إمامِ، ارشادِ جَاهلانِ وَ خَطَاكارانِ اسْتِ وَ اِگَرِ خُودِ خَطَاكارِ بَاشَدِ، هَمِ مَتناقِضِ بَا وَجُوبِ اطاعَتِ إمامِ اسْتِ، هَمِ غَرَضِ حَاصِلِ نَشُدِه اسْتِ وَ نَبِشَدُ اِگَرِ إمامِ خَطَا كَندِ، بَا تَوَجُّه بِه اِينكِه او آگَاهِ

تر از دیگران است و گناه عالم بدتر از گناه جاهل است، پس لازم آید که بدتر از مردم عادی باشد.

فتیاض لاهیجی نیز با براهین استوار عصمت امام را اثبات نمود که ذیلاً بخشهایی از سخنان وی آورده میشود:

جمهور اهل سنت برآنند که امامت از فروع دین است، بنابراین که بقای دین را موقوف ندارند به وجود امام، بل نظام امور مسلمین را منوط به او دانند. لیکن جمهور امامیه امامت را از اصول دین دانند، بنابراین که بقای شریعت را به وجود امام موقوف دانند، چنان که ابتدای شریعت به وجود نبی موقوف است. دیگر از مواضع اختلاف، عصمت امام است. امامیه عصمت امام را واجب دانند، چون امام نزد ایشان از مقومات دین باشد و با عدم عصمت امام، دین مأمون از تغییر و تبدیل نتواند بود. نزد غیر امامیه عصمت شرط نباشد. امام الحرمین که از اعظام علمای ایشان است، گفته که چون ظلم و جور امام ظاهر شود و به منع قولی منجز نشود، هر آینه اهل حل و عقد را رسد که اتفاق کنند بر منع فعلی، اگرچه محتاج به تشهیر اسلحه و حروب باشد (ر.ک؛ فتیاض، لاهیجی، بی تا: ۳۳۳) در پایان این بخش، شایان ذکر آن که شیعه دوازده امامی با اثبات عصمت امام، جمیع کمالات ممکن را نیز برای امام اثبات کرده اند. ابن میثم در این باب گفته است: «إِنَّا لَمَّا قُلْنَا يَجِبُ أَنْ يَكُونَ الْإِمَامُ مَعْصُومًا، وَجَبَ أَنْ يَكُونَ مُسْتَجْمِعًا لِجَمِيعِ الْكَمَالَاتِ النَّفْسَانِيَّةِ مِثْلَ الْعِلْمِ وَالشَّجَاعَةِ وَالْعَدَالَةِ» (۱۳۵۵: ۱۷۹)

(۴) مَنْ الْإِمَامُ؟ (شخص امام بعد از پیامبر کیست؟)

این بخش مربوط به امامت خاصه است. سه بخش پیشین در حقیقت به عنوان مقدمه بر این بخش بود. چون بعد از اثبات وجوب وجود امام و هدف از نصب امام و بیان عصمت برای امام، حال سخن این است

که چه کسی بعد از پیامبر «صلی الله علیه و آله» حائز این مقام شامخ می باشد. بدیهی است که اهل سنت با توجه به اینکه عصمت را در امام شرط نمی دانند و او را مدیر امت میبندارند، در انتخاب او نیز به رأی مردم بسنده می کنند. لیکن جمیع فرقه های شیعه مخصوصاً شیعه دوازده امامی، اتفاق دارند که مردم امام معصوم را نتوانند انتخاب نمایند، چون معصوم را فقط خدا و رسول «صلی الله علیه و آله» شناسند و بنابراین، باید امام از جانب خدا و رسول «صلی الله علیه و آله» تعیین شود. این همان منصوص بودن امام است. شیعه دوازده امامی قائل به نصّ جلیّ میباشد، گرچه برخی از فرقه های شیعه به سان زیدیه قائل به نصّ خفیّ هستند.

فی الجمله به حکم عقل، بعد از پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» هیچ کس جز علی، «علیه السلام»، معصوم نیست. پس علی «علیه السلام» امام بعد از رسول «صلی الله علیه و آله» شیخ طوسی در این باب می فرماید: «ما از دو راه منصوص بودن حضرت علی «علیه السلام» را اثبات می نمایم؛ یکی از راه براهین عقلی، دو دیگر با تمسّک به ادلّه نقلی. امّا دلیل عقلی ما آن است که ما امامت را با قاعده عقلی لطف اثبات نمودیم و گفتیم که لطف الهی وقتی محقق میشود که امام معصوم باشد. اینک میگوییم که بعد از پیامبر «صلی الله علیه و آله»، سه کس در مظانّ احراز مقام امامت بودند. عباس عموی پیامبر «صلی الله علیه و آله»، ابوبکر و علی «علیه السلام» با برهان تفصیل و تردید، اثبات می شود که فقط علی «علیهم السلام»، شایسته مقام امامت است، چون عباس اساساً نسبت به احکام اسلامی آگاهی کامل نداشت و ابوبکر نیز خود اقرار به عدم عصمت خویش کرد و طبق نقل علمای نام آور اهل سنت مثل امام دینوری «در کتاب الامامه و السیاسه، ج ۱: ۱۶»، تاریخ

طبری (ج ۳: ۲۱۰) و مسند احمد حنبل (ج ۱: ۱۴) و... ابوبکر گفت: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» كَانَ مَعْصُومًا بِالْوَحْيِ وَكَانَ مَعَهُ مَلَكٌ وَإِنَّ لِي شَيْطَانًا قَدْ يَعْتَرِينِي، أَلَا فَرَاغُونِي فَإِنِ اسْتَقَمْتُ فَأَعِينُونِي وَإِنِ زَغْتُ فَقُومُونِي: همانا پیامبر خدا «صلی الله علیه و آله» به واسطه وحی معصوم بود و پیوسته فرشته ای همراهش بود، لیکن شیطانی همراه من است که گاه بر من غلبه میکند. به هوش باشید و مرا تحت نظر بگیرید. اگر راه درست برگزیدم، کمکم نمایید و گرنه مرا از انحراف بازدارید. بنابراین، معلوم شد که جز علی «علیهم السلام»، هیچ کس از یاران پیامبر «صلی الله علیه و آله» معصوم نبود. چه علی «علیه السلام» بارها از عصمت و علم غیب خود سخن گفته است و هیچ گاه نفرموده که من گناهکارم یا ممکن است گناه کنم. پس فقط علی «علیه السلام» شایستگی مقام امامت بعد از پیامبر «صلی الله علیه و آله» دارد. اما از طریق نقل نیز آیات و روایات بسیار در باب تعیین حضرت علی «علیه السلام» به مقام امامت وجود دارد که جداگانه و ارسسی میشود (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۵۱، ج ۲: ۱۰-۵) بدیهی است سخنان شیخ طوسی در این باب کامل و برهانش استوار می باشد، لذا جهت رعایت اختصار در این باب، به همین مقدار اکتفا میشود. شایان توجه است که آنچه در این چهار بخش گفته آمد، اثبات امامت با استفاده از براهین عقلی بود. اینک ذیلا به اختصار این مطلب مهم را از طریق نقل نیز پی میگیریم.

امامت در آینه آیات و روایات

در قرآن مجید بارها به مسأله امامت پرداخته شده که جهت رعایت اختصار به عنوان نمونه فقط به برخی از آنها ذیلا اشاره می شود:

نخستین نکته قابل توجه آنکه خداوند در قرآن مجید میان امام «علیه السلام» و پیروانش سنخیت برقرار کرده است و فرموده: «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ...» (به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با

پیشوایشان میخوانیم...» (الاسراء/۷۱) خداوند متعال در بیان دیگر فرموده است: «وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النُّارِ...» و آنان (فرعونیان) را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش (دوزخ) دعوت میکنند...» (القصص/۴۱). در باب امامان هدایت نیز می فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا...» و از آنان امامان (پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما (مردم) را هدایت می کردند، چون شکیبایی نمودند...» (السجده/۲۴) در بیانی دیگر امامت هدایت را به عنوان پیمان الهی معرفی فرموده است و می فرماید: «...لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ: پیمان من، به ستمکاران نمیرسد» (البقره/۱۲۴) فی الجمله، چنان که از آیات مذکور لایح و روشن است، امامت در قرآن دو قسم است: یکی امامت شیاطین و طاغوت که امت و پیروانشان را به سوی جهنم سوق میدهند. دو دیگر، امامت الهی که پیروان خودشان را به طرف کمال و سعادت و بهشت جاودان هدایت می نمایند. خداوند این دو قسم رهبری را در آیه ۲۵۷ از سوره بقره بیان فرموده است: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ: خداوند ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند. آنها را از ظلمت ها به سوی نور بیرون میبرد. (اما) کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوت ها هستند که آنها را از نور به سوی ظلمت ها بیرون میبرند. آنها اهل آتشند و همیشه در آن خواهند ماند».

خداوند در قرآن مجید مسأله تبعیت از رهبر آگاه و هادی به حق را به عقل و انذار کرده است و می فرماید: «...أَفَمَن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ: آیا کسی که هدایت به سوی حق میکند، برای پیرویشایسته تر است یا آن کس که خود هدایت نمی شود، مگر او را هدایت کنند؟ شما را چه

میشود؟ چگونه داوری میکنید؟!» (یونس/۳۵) علامه طباطبائی ذیل آیات «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا...» (الشعراء/۲۴)، و «وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ...» (الأنبياء/۷۳)، می فرماید: «مقصود آن است که خداوند برخی از انبیای بنی اسرائیل را با توجه به صفات ویژه ایشان، به مقام امامت نیز نصب فرمود. ظاهراً «يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» در این دو آیه جاری مجرای معنی امامت است؛ یعنی امام کسی باشد که هدایت به امر نماید. بنابراین، «هدایت به امر» در این آیات از شئون امامت است و معنایش آن است که امام علاوه بر ارائه طریق، دارای نوعی تصرف تکوینی است که خداوند فقط به امامان الهی عطا فرموده است. البته برخی از پیامبران نیز مقام امامت هم داشتند، از چنین موهبتی برخوردار بودند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴ : ۳۰۴ و ج ۱۶ : ۲۶۶) خداوند باز هم بدین نکته اشارت فرموده است چنان که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر را...» (النساء/۵۹) نکته قابل توجه در این آیه آن است که اطاعت رسول خدا «صلی الله علیه وآله» و اولی الامر با اطاعت خداوند متفاوت آمده، چه فعل «الرَّسُولَ» بعد از «أَطِيعُوا» تکرار از این بیان معلوم می شود که «أُولِي الْأَمْرِ» باید به سان نبی در هدایت گری و بیان احکام شریعت معصوم باشد که اطاعت از اولی الامر همان اطاعت از «رسول» خداست. لیکن اطاعت از خدا به گونه های دیگر است، چون خداوند جاعل شریعت است، لیکن پیامبر «صلی الله علیه وآله» و امام «علیه السلام»، مبین و شارح شریعت هستند. بدین جهت، میان اطاعت خدا و غیر خدا (یعنی رسول و اولی الامر) از این جهت فرق گذاشته شده است و گرنه سخن خدا و رسول خدا «صلی الله علیه وآله» و حتی اطاعت ایشان غیر هم نیست. لذا خداوند در آیه ای دیگر می فرماید: «مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ

اللّه... کسی که از پیامبر «صلی الله علیه وآله» اطاعت کند خدا را اطاعت کرده» (النساء/ ۸۰).

احادیث در باب امامت عامه

احادیث در این باب بیش از آن است که در این جستار مختصر آورده شود. ذیلاً به عنوان نمونه به برخی از آنها اشاره میشود.

امام صادق «علیه السلام» در حدیث مفصّلی بعد از اثبات وجود پیامبر «صلی الله علیه وآله» می فرماید: «همان سان که پیامبر «صلی الله علیه وآله» و مقوم دین است و دین مقوم به اوست، امام «علیه السلام» نیز چنین است. با این تفاوت که پیامبر «صلی الله علیه وآله» از طریق وحی، شریعت را از جانب خداوند آخذ می کند، ولی امام شارح و مبین شریعت بعد از پیامبر اکرم «صلی الله علیه وآله» است و وجودش تا قیامت مستمر میباشد. بخشی از این حدیث شریف چنین است: «لَکَيْلًا تَخْلُو أَرْضَ اللَّهِ مِنْ حُجَّهِ يَكُونُ مَعَهُ عِلْمٌ يَدُلُّ عَلَى صِدْقِ مَقَالَتِهِ» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۹۵) امام رضا «علیه السلام» نیز در حدیث مفصّلی همین مضمون را بیان فرموده که بخشی از سخنان آن حضرت چنین است: «أَمْرُ الْإِمَامَةِ مِنْ تَمَامِ الدِّينِ.. فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يُكْمِلْ دِينَهُ فَقَدْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ وَ مَنْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ كَافِرٌ بِهِ: امر امامت تکمیل دین باشد. پس هر که پندارد که خداوند دین خود را کامل نکرده، کتاب خدا را رد نموده است و چنین کسی کافر می باشد» (کلینی، ج ۱: ۱۱۴) باز هم امام صادق «علیه السلام» در این باب می فرماید: «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ: اگر زمین لحظه ای بدون امام ماند، نابود شود» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۰۲)

امامت خاصه در اصول کافی

اشاره

شایان ذکر آنکه کتاب الحجّه اصول کافی شامل یک دوره کامل اصول عقاید به خصوص مبحث امامت عامه و خاصه می باشد که دانشمندان اسلامی چنانکه باید بدان توجه نمیکنند. ما در این جستار با توجه به ضیق مجال به

چند حدیث در باب عصمت و علم ائمه اطهار، به عنوان نمونه ذیلا اشاره میکنیم:

(۱) عصمت امامان در اصول کافی

در باب عصمت امامان، «علیهم السّلام»، در این کتاب شریف احادیث بسیاری وارد شده که عصمت امام را لطف خداوند بر مردم معرفی کرده اند. اینگونه احادیث ارشاد عقل به قاعده عقلی لطف است که متکلمان امامیه در اثبات امام منصوص بدان استدلال می کنند.

امام باقر «علیه السلام» می فرماید: «نَحْنُ الْمَثَانِي الَّذِي أَعْطَاهُ اللَّهُ نَبِيَّنَا مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» وَ نَحْنُ وَجْهُ اللَّهِ تَقَلَّبُ فِي الْأَرْضِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ وَ نَحْنُ عَيْنُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ يَدُهُ الْمُبْسُوطَةُ بِالرَّحْمَةِ عَلَى عِبَادِهِ، عَرَفْنَا مَنْ عَرَفْنَا وَ جَهَلْنَا مَنْ جَهَلْنَا: ما ثانی قرآن هستیم که خداوند به پیامبرمان حضرت محمد «صلی الله علیه و آله» عطا فرمود. ما وجه الله هستیم که میان شما حرکت میکنیم. ما چشم خداوند در میان مردمان هستیم و دست خداییم که جهت ایصال رحمت به مردمان گشوده شده است. هر که ما را شناخت، حقیقت را یافت و هر که ما را نشناخت، بی بهره ماند «(کلبی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۸۳) امام صادق «علیه السلام» در این باب فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا فَأَحْسَنَ خَلْقَنَا وَ صَوَّرَنَا فَأَحْسَنَ صُورَنَا وَ جَعَلَنَا عَيْنَهُ فِي عِبَادِهِ وَ لِسَانَهُ النَّاطِقَ فِي خَلْقِهِ وَ يَدَهُ الْمُبْسُوطَةَ عَلَى عِبَادِهِ بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ وَجْهَهُ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ وَ بَابَهُ الَّذِي يَدُلُّ عَلَيْهِ وَ خُرَّانَهُ فِي سَمَائِهِ وَأَرْضِهِ، بِنَا أَثْمَرَتِ الْأَشْجَارُ وَ أُيْنَعَتِ الثَّمَارُ وَ جَرَتِ الْأَنْهَارُ... وَ بَعِبَادَتِنَا عَبْدَ اللَّهِ وَ لَوْ لَا نَحْنُ مَا عَبْدَ اللَّهُ: خداوند ما را آفرید و آفرینش ما را بهترین آفریده ها قرار داد و ما را چشم و زبان و دست گشوده خود در میان مردمان قرار داد. خداوند ما را وجه الله و باب الله قرار داد که آدمیان از طریق

ما به جانب خداوند روند. خداوند وجود ما را خازنان خود در آسمان و زمین خود قرار داد. به وساطت ما درختان بار دهند و جویبارها جریان یابند. اگر ما نبودیم، خداوند پرستش نمی شد» (همان). باز هم آن جناب فرموده است: «لَعَمْرِي مَا فِي السَّمَاءِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ وَلِيٌّ لِلَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ إِلَّا وَ هُوَ مُؤَيَّدٌ وَ مَنْ أُيِّدَ لَمْ يُخْطَ: به جانم قسم که هیچ ولی خدایی در آسمان و زمین یافت نشود، جز آنکه از جانب خداوند مؤید باشد و هر که مؤید از جانب خداوند باشد، هیچ نوع خطایی مرتکب نشود» (همان: ۱۳۹) حضرت علی «عليهم السلام»، فرموده است: «أَنَا عَيْنُ اللَّهِ وَ أَنَا يَدُ اللَّهِ وَ أَنَا جَنْبُ اللَّهِ وَ أَنَا بَابُ اللَّهِ: من چشم خدایم، من دست خدایم، من جنب الله و باب الله هستم» (همان: ۸۴) فی الجملة، بدیهی است که وقتی امام زبان و چشم و دست خدا باشد، یعنی اراده او در گفتن و نگریستن و کار انجام دادن، به اراده خدا متصل شده است و محال است که مرتکب خطا شود. معنی عصمت جز این نباشد.

۲) علم امامان در اصول کافی

یکی از مسائل مورد اختلاف شیعه با اهل سنت، مسأله علم مطلق امام است که اهل سنت علم خلیفه را محدود میدانند، لیکن شیعه دوازده امامی علم امام را مطلق میدانند. شیعه با استناد به آیات و روایات، جمیع امامان را عالم به علم غیب و شهادت میدانند. این مسأله در کتب معتبر شیعه آمده است که در رأس جمیع کتب حدیثی شیعه، کتاب اصول کافی می باشد که به جهت ضیق مجال فقط به چند حدیث به عنوان نمونه ذیلا اشاره میشود:

هشام بن حکم گوید: با فردی نصرانی به نام بُرید خدمت امام کاظم «علیه السلام» رسیدیم و او از امام در باب انجیل پرسشهایی کرد که امام بخشهای مهمی از

انجیل را بخواند و معنی کرد. مرد نصرانی با همسرش مسلمان شدند. خدمت امام صادق «علیه السلام» رسیدیم و قصه را به حضورشان عرض نمودیم. امام خوشحال شد و فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَجْعَلُ حُجَّهَ فِي أَرْضِهِ يُسْأَلُ عَنْ شَيْءٍ فَيَقُولُ لَا أَدْرِي: خداوند در روی زمین حجتی قرار ندهد که چیزی از او پرسند و در پاسخ گوید نمیدانم» (همان ۱۱۰) باز هم امام صادق «علیه السلام» می فرماید: «نَحْنُ وُلاةُ أَمْرِ اللَّهِ وَخَزَنَةُ عِلْمِ اللَّهِ وَعَيْبُهُ وَحِي اللَّهِ: ما امامان به حق رهبران الهی و خازنان علم خداوندی و صندوق وحی خدا هستیم» (همان ۱۱۰) برید بن معاویه گوید: یکی از دو امام (امام باقر یا امام صادق، «علیهم السلام»)، در تفسیر آیه «... وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ...» در حالی که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم، نمیدانند...» (آل عمران/۷) فرموده است: (رسول الله «صلی الله علیه و آله» أَفْضَلُ الرَّاسِخِينَ فِي الْعِلْمِ قَدْ عَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جَمِيعَ مَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مِنَ التَّنْزِيلِ وَالتَّأْوِيلِ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُنْزِلَ عَلَيْهِ شَيْئًا لَمْ يَعْلَمْهُ تَأْوِيلَهُ وَ أَوْصِيَاءُؤُهُ مِنْ بَعْدِهِ يَعْلَمُونَهُ كُلَّهُ: پیامبر «صلی الله علیه و آله» برترین فرد از راسخون در علم بود که خداوند تنزیل و تأویل جمیع همان: (« آیات قرآن را بدو آموخته بود و اوصیای بعد از او «امامان» نیز به همه آنها علم کامل دارند (همان: ۱۲۲) «امام صادق «علیه السلام» در تفسیر آیه «...اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ...» عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را میبینند...» (التوبه/۱۰۵)، می فرماید: «مقصود از «مؤمنون» در این آیه ما امامان هستیم که بعد از خدا و رسول خدا به جمیع اعمال بندگان خدا علم و آگاهی داریم» (همان: ۱۲۶) همچنین، روزی امام صادق «علیه السلام» به ابوبصیر فرمود: «يَا أَبَا مُحَمَّدٍ عَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيْنَا «علينا «علیه السلام» أَلْفَ بَابٍ يُفْتَحُ مِنْ كُلِّ بَابٍ أَلْفُ بَابٍ. فَنَكَتَ

سِاعَهُ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ قَالَ إِنَّهُ لَعَلَّمَهُ وَمَا هُوَ بِذَكَكَ، ثُمَّ قَالَ وَ إِنَّ عِنْدَنَا الْجَامِعَةَ وَمَا يُدْرِيهِمْ مَا الْجَامِعَةُ؛.. فِيهَا كُلُّ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ وَ كُلُّ شَيْءٍ يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ حَتَّى الْأَرْضُ فِي الْخَدَشِ... ثُمَّ سَكَتَ سِاعَهُ ثُمَّ قَالَ وَ إِنَّ عِنْدَنَا الْجَفْرَ وَمَا يُدْرِيهِمْ مَا الْجَفْرُ؛ وَعَاءٌ فِيهِ عِلْمُ النَّبِيِّنَ وَ الْوَصِيِّينَ وَ عِلْمُ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ مَضَوْا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ ثُمَّ قَالَ: وَ لَيْسَ بِذَكَكَ. ثُمَّ سَكَتَ سِاعَهُ فَقَالَ: وَ إِنَّ عِنْدَنَا لِمُصَيِّحَةَ فَاطِمَةَ (عليه السلام) وَ مَا يُدْرِيهِمْ مَا مُصَيِّحَةُ فَاطِمَةَ «سلام الله عليها» ثُمَّ قَالَ: إِنَّ عِنْدَنَا عِلْمَ مَا كَانَ وَ عِلْمَ مَا هُوَ وَ كَائِنٌ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ وَ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ الْأَمْرُ مِنْ بَعْدِ الْأَمْرِ وَ الشَّيْءُ بَعْدَ الشَّيْءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ: ای ابو محمّد! رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» هزار باب علم به علی «علیه السلام» آموخت که از هر باب آن هزار باب دیگر گشوده شود. سپس ساعتی تأمل کرد و فرمود: آنچه گفتم نهایت علم نبود. سپس فرمود: به یقین علم جامعه نزد ماست. مردم چه دانند که علم جامعه چیست؟ آن علمی باشد که جمیع احکام حلال و حرام، حتی خراش روی پوست در آن آمده است. پس اندکی سکوت کرد و پس از آن فرمود: علم جفر نزد ماست و مردم چه دانند که علم جفر چه باشد؟ جفر ظرفی است که در آن علم جمیع انبیای پیشین و جانشینان و همه دانایان بنی اسرائیل در آن موجود است. آنگاه فرمود: این علم نیز نهایت دانش نیست. سپس ساعتی سکوت کرد و فرمود: همانا مُصَحِّفِ فَاطِمَةَ زَهْرًا «سلام الله علیها» نزد ماست و مردم چه دانند که مُصَحِّفِ فَاطِمَةَ «سلام الله علیها» چه باشد. سپس فرمود: علم جمیع حوادث گذشته تا حال و نیز از حال تا قیام قیامت پیش ماست. هر چه هر روز

و شب اتفاق افتد و هر امری و چیزی که یکی بعد از دیگری تا قیامت واقع شود، ما به جمیع آن امور علم و آگاهی داریم» (همان: ۱۳۶) امام صادق «علیه السلام» در حدیث دیگری می فرماید: «زنادقه به سال ۱۲۸ هجری ظاهر خواهند شد. راوی پرسید: شما چگونه از این امر مطلع شدید؟ فرمود: این مطلب را در مصحف فاطمه «سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا» مشاهده نمودم. راوی پرسید: مصحف فاطمه «سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا» چیست؟ امام فرمود:

خداوند بعد از وفات پیامبر اکرم «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» فرشته ای جهت دلداری فاطمه «سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا» خدمت ایشان فرستاد که آن فرشته به اذن الله جمیع اسرار عالم را به فاطمه «سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا» الهام کرد و فاطمه «سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا» آن را بر حضرت علی «علیه السلام» املاء نمود و حضرت علی «علیه السلام» آن را بنگاشت. جمیع آن نوشته ها همان مصحف فاطمه «سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا» است. آنگاه فرمود: «أَمَّا إِنَّهُ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ لَكِنْ فِيهِ عِلْمٌ مِمَّا يَكُونُ: بدانید! که مصحف فاطمه «سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا» کتاب احکام حلال و حرام نیست، بلکه در آن علم همه چیز تا روز قیامت موجود است» (همان: ۱۳۷) جمیع احادیث فوق، جزء محکومات هستند و اگر جایی حدیثی به چشم بخورد که غیر اینها باشد، باید به این احادیث ارجاع شود. چه ممکن است امام در مقام تقیه سخنی دیگر به زبان راند و یا با توجه به ظرفیت ذهنی شنوندگان چیزی غیر اینها بگوید.

امام سجاد «علیه السلام» می فرماید: «نَحْنُ وَ اللَّهُ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ مَعْدِنُ الْعِلْمِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ: به خدا سوگند ما درخت نبوت و کان علم الهی و محل آمد و شد فرشتگانیم» (همان: ۱۲۷) طبق فرموده امام باقر، امام صادق و امام هادی، «عليهم السَّلَامُ اجمعين»، هفتاد و دو حرف از هفتاد و سه حرف اسم اعظم نزد پیامبر اکرم «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» و دوازده امام «عليهم السَّلَامُ اجمعين» است. امام باقر «علیه السلام» فرمود: «نَحْنُ عِنْدَنَا مِنَ الْأَسْمِ الْأَعْظَمِ

اثنانِ وَ سَبْعُونَ حَرْفًا وَ حَرْفٌ وَاحِدٌ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى اشْتِئَاثٌ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَهُ: از اسم اعظم، هفتاد و دو حرف نزد ماست و تنها به یک حرف آن ما دست نداریم. خداوند آن یک حرف را برای خود اختصاص داده است» (همان: ۱۳۱) این که اسم اعظم چیست، کسی را به آن آگاهی نیست. مسلم علم همراه قدرت در صاحب اسم اعظم جمع است که کمالی بالا-تراز صاحب آن برای بشر فرض ندارد. لذا در دنبال همان حدیث، امام باقر «علیه السلام» فرموده است: «فقط یک حرف از اسم اعظم در دست وزیر سلیمان بود که در مدتی کمتر از چشم هم زدن تخت بلقیس را از یمن تا فلسطین نزد سلیمان احضار کرد» (همان)

امامت خاصه در قرآن و سایر کتب روایی

اشاره

مطالب این بند در دو بخش در کوتاه سخن بیان خواهد شد:

الف) ده ها آیه در قرآن مجید در مدح و ستایش حضرت علی «علیه السلام» و اهل بیت «علیهم السلام» وارد شده است. سید هاشم بحرانی در غایه المرام صد و سی و شش آیه در مدح حضرت علی «علیه السلام» آورده است. (ر.ک؛ بحرانی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۴۹۲ ۳۲۳ و ج ۲: ۶۸-۷) نکته قابل توجه آن که علامه بحرانی جمیع آیات را با ذکر احادیث فراوان از طریق کتب معتبر اهل سنت آورده است. این آیات مضاف بر سوره دهر «هَلْ أَتَى» و سوره کوثر میباشد که در این مقاله برای نمونه فقط به سه آیه در باب امامت حضرت علی «علیه السلام» استناد میشود:

۱) آیه مباهله

خداوند در این آیه فرموده است: «فَمَنْ حَبَّكُ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا حَبَّ كَ مِنْ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَلْهُمْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ: هرگاه بعد از علم و دانشی که «در باره مسیح» به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیایید ما فرزندان

خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود. آنگاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.» (آل عمران/۶) مباحله، یعنی «علیه یکدیگر نفرین کردن» تا خداوند باطل را نابود سازد که نوعی مبارزه معنوی است. پیامبر «صلی الله علیه و آله» برای چنین کار عظیمی فقط فاطمه، علی، حسن و حسین، «علیهم السّلام»، را همراه خودشان انتخاب فرمودند. معلوم میشود که در میان صحابه و خویشاوندان پیامبر «صلی الله علیه و آله»، هیچ کس معنویتی چون آنان نداشته است. البته نصارای نجران که آن شکوه و معنویت را دیدند، از مباحله دست برداشتند و تسلیم خواست پیغمبر اکرم «صلی الله علیه و آله» شدند.

در این آیه به اتفاق شیعه و سنی مقصود از «أَنْفُسِنَا» حضرت علی «علیه السّلام» می باشد که به عنوان نفس پیامبر مطرح شده است. فخر رازی گوید، مقصود از «أَنْفُسِنَا» وحدت صفات و کمالات علی «علیه السّلام» و پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» است که علی «علیه السّلام» جمیع صفات و کمالات پیامبر را جز نبوت دارا میباشد (رازی، ۱۳۵۸، ج ۸: ۲۴۷). به هر روی، طبق نصّ این آیه، علی «علیه السّلام» دارای جمیع صفات پیامبر «صلی الله علیه و آله» مثل علم و عصمت می باشد. با توجه به اطلاق آیه، فقط نبوت را ندارد، چون در سایر آیات و احادیث، نبوت استثنا شده است. از جمله صفات پیامبر «صلی الله علیه و آله» آنکه آن حضرت مبین شریعت و امام امت بودند. پس علی «علیه السّلام» نیز صفت امامت و بیانگری شریعت را دارد. شیخ طوسی با توجه بدین نکته فرموده است: «طبق این آیه، علی «علیه السّلام» امام مسلمانان بعد از پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» است، چون این آیه مساوی بودن کمالات علی «علیه السّلام» با پیامبر «صلی الله علیه و آله» (جز پیامبری) را اعلام می فرماید و طبق قیاس مساوات علی «علیه السّلام» معصوم و اعلم امت اسلامی است و فقط چنین کسی

۲) آیات ۳ و ۶۷ سوره مائده

خداوند در آیه ۶۷ این سوره، نخست به پیامبر «صلی الله علیه و آله» فرمان داد تا حضرت علی «علیه السلام» را به عنوان امام بعد از خود معرفی نماید. سپس در آیه ۳ از همین سوره بعد از معرفی شدن علی «علیه السلام» به عنوان جانشین پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» اکمال دین را اعلام فرمود. این دو آیه به ترتیب به «آیه تبلیغ و اکمال دین» معروف هستند. خداوند در آیه تبلیغ میفرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ...» ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای. خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم نگاه میدارد...» (الماعده/۶۷). در آیه اکمال نیز خداوند متعال میفرماید: «...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...» امروز (روز نصب علی «علیه السلام» بر امامت)، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم» (الماعده/۳). در حقیقت آیه تبلیغ مقدمه آیه اکمال دین است و از جهت ترتیب نزول نیز نخست آیه تبلیغ، سپس آیه اکمال نازل گردیده است. روایات در شأن نزول این دو آیه از طریق شیعه، اجماعی و از ناحیه اهل سنت نیز به نحو مستفیض میباشند. جای تردید نیست که این دو آیه روز هجدهم ذی حجه سال دهم هجری (روز عید غدیر) یکی بعد از دیگری نازل شده است. ذیلا به نمونه هایی از احادیث از طریق اهل سنت و شیعه اشارت میشود.

ابوسعید خدری از پیامبر «صلی الله علیه و آله» نقل کرد که آیه ولایت روز هجدهم ذی حجه سال دهم هجری در باب نصب حضرت علی «علیه السلام» به امامت نازل گردید (ر.ک؛ ذکاوتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۰۷) و امام باقر «علیه السلام» می

فرماید: (آخِرُ فَرِيضَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ الْوَلَايَةَ: مسأله ولایت و نصب حضرت علی «علیه السلام» به امامت، آخرین فریضه ای بود که خداوند نازل فرمود) «بحرانی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۲۳». امام رضا «علیم السلام» نیز میفرماید: «أَنْزَلَ اللَّهُ فِي حَجَّةِ الْوِدَاعِ آيَةَ الْيَوْمِ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي»: «أَمْرُ الْإِمَامَةِ مِنَ تَمَامِ الدِّينِ، لَمْ يُمَضَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» حَتَّى بَيَّنَّ لِأُمَّتِهِ مَعَالِمَ دِينِهِمْ وَأَقَامَ لَهُمْ عَلِيًّا عَلِمًا وَإِمَامًا: خداوند آیه «اليوم أكملت...» را در حجهالوداع بر پیامبر «صلی الله علیه وآله» نازل فرمود. امر امامت اکمال دین است. پیامبر اکرم «صلی الله علیه وآله» پیش از رحلت خود جمیع احکام دین اسلام را برای امت خود بیان فرمود و علی «علیه السلام» را به عنوان راهنما و امام بعد از خود نصب نمود «همان ۲۴۴» در بحث دلالتی آیه تبلیغ، با اندک توجه به فضای زمان نزول آیه معلوم می شود که اعلام امامت تا چه حد مشکل آفرین بوده که خداوند حفظ جان پیامبرش را در برابر خطرات منافقان مسلمان نما به عهده گرفته است و با تأکید تمام به پیامبر اکرم «صلی الله علیه وآله» دستور اعلام این امر مهم را داده است و در آیه اکمال فرمود: (الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ: امروز، کافران از زوال آیین شما، مأیوس شدند؛ بنابراین این، از آنها نترسید و از «مخالفت» من بترسید. امروز، دین شما را کامل کردم.) با توجه به اینکه این دو آیه یکی بعد از دیگری در روز هجدهم ذی حجه سال دهم هجری نازل شده است و معرفی حضرت علی «علیه السلام» به دست پیامبر اکرم «صلی الله علیه وآله» یقیناً انجام گرفته (در بحث حدیث غدیر خواهد آمد)، به آسانی معلوم می شود که تبلیغ امر مهم در آیه تبلیغ ممکن نیست تبلیغ قرآن و دین اسلام باشد، چون به اتفاق شیعه و سنی سوره مائده آخرین سوره‌های بود که بر پیامبر «صلی الله

علیه وآله» نازل گردید. و پیامبر اکرم «صلی الله علیه وآله» مدت اندکی بعد از نزول این سوره در قید حیات بودند. با این حال، چنین تأکیدی معنی ندارد. اگر مقصود تبلیغ احکام دین باشد که اکثر احکام وارد شده در سوره مائده به سان صوم و صلاه، در سوره بقره و مانند آن سالها پیش از نزول سوره مائده نازل شده بود. پس مقصود اعلام امامت حضرت علی «علیه السلام» است و نیز مقصود از گفته «الْیَوْم» در آیه اکمال نیز، جز روز انتصاب علی «علیه السلام» به امامت چیزی دیگر نتواند بود. با توجه بدین نکته، صاحب تفسیر «الامثل» گفته است: (اگر مقصود از «الْیَوْم» که دو بار در آیه اکمال تکرار شده، فتح مکه یا روز اعلام برائت از مشرکین (که در بخشی از سوره است) و یا روز آغاز بعثت باشد، با نزول سوره مائده همخوانی نخواهد داشت، چون هر سه حادثه مدت‌ها پیش از نزول سوره مائده اتفاق افتاده اند؛ مثلاً بین آغاز بعثت و نزول سوره مائده حدود ۲۳ سال فاصله زمانی در کار است و فتح مکه حدود دو سال و اعلام برائت حدود یک سال و آندی پیش از نزول سوره مائده است. بنابراین، مقصود روز انتصاب حضرت امیرالمؤمنین علی «علیه السلام» به سیمت امامت است) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۵۹۱) برخی از مفسران منصف اهل سنت، همین مطلب را کاملاً پذیرفته اند؛ مثلاً سیوطی گفته است: «طبق نقل بسیاری از صحابه پیامبر «صلی الله علیه وآله»، به سان ابوسعید خدری و دیگران، این دو آیه در باب معرفی حضرت علی «علیه السلام» به امامت مسلمانان نازل شده است که پیامبر اکرم «صلی الله علیه وآله» روز هجدهم ذی حجه سال دهم هجری در غدیر خم این کار را به فرمان خدا انجام داد» (سیوطی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۹۸) علامه طباطبائی نیز بعد از بحثهای مفصل در ذیل این دو آیه می فرماید: «این دو آیه هیچ تفسیر و توجیه دیگری

احادیث ویژه در اثبات امامت خاصه (امامت اهل بیت، علیهم السلام)

اشاره

در این بخش فقط در وسع مقاله به سه حدیث در باب منصوب بودن علی «علیهم السلام» به مقام امامت استناد میشود:

(۱) حدیث غدیر

هیچ عالم بی تعصب اسلامی، منکر سند این حدیث نیست. اسناد این حدیث به تفصیل در کتاب های عبقات الأنوار، غایه المرام و به خصوص در کتاب الغدیر و ... آمده است. بحرانی این حدیث شریف را از ۸۹ طریق نقل فرموده است «ر.ک؛ بحرانی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۶۵ ۱۳۵» علامه امینی در الغدیر میفرماید: (پیامبر اکرم «صلی الله علیه وآله» حضرت علی «علیه السلام» را در حضور بیش از صد و بیست هزارتن از یاران خود، اعم از اهل مدینه و دیگر بلاد اسلامی، به عنوان ولی امر امت اسلامی در روز هجدهم ذی حجه سال دهم هجری در سرزمین غدیر معرفی فرمود. بنابراین، بیش از این در باب سند این حدیث نیاز به توضیح نیست، چون این حدیث متواتر است.) «امینی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۹» اینک خلاصه ای از این حدیث را از کتاب الغدیر نقل، سپس در دلالت آن به اختصار سخن گفته میشود.

پیامبر اکرم «صلی الله علیه وآله» آن روز فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. فَقَالَ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ، وَأَنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَأَنَا أَوْلَى بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ؛ يَقُولُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَوْ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ: أَيُّ مَرْدَمٍ! چَه كَسِي نَسَبْت بَه جَان وَ مَال مُؤْمِنَان بِيَش از خودشان ولایت دارد؟ گفتند: خدا و رسول او «صلی الله علیه وآله» دانایتر است. آنگاه فرمود: همانا خدا مولاى من و من مولاى مؤمنان هستم كه بيش از خودشان به جانشان ولایت دارم. پس من مولاى هر كه بودم، بى تردید علی «علیه السلام» هم مولاى اوست. این جمله را سه یا چهار بار تکرار کردند. (همان: ۱۱) در بحث دلالت حدیث، سخن از

معنی کلمه «مولى» است. در زبان عربی «مولى» را معانی بسیار است که سه معنی آن شایع تر است: «برده، دوست، صاحب امر و امام مردم.» با توجه به صدر حدیث که پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» از ولایت مطلق خود، با استناد به آیه ۶ از سوره احزاب «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»، سخن میگوید و مردم را به آن آیه و ولایتمداری پیامبر توجه میدهد، و آنگاه میگوید: «آن ولایت و مولویت من، عینا به علی «علیه السلام» منتقل میشود» معلوم میگردد که کلمه «مولى» در این حدیث فقط به معنی «امامت و ولایت» است، نه چیز دیگر. در این حدیث دو تا «فاء تفریع» به کار رفته است: «فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» که فاء نخستین ولایت و مولویت پیامبر «صلی الله علیه و آله» را با توجه به مضمون آیه ۶ از سوره احزاب بیان می دارد و فاء دوم «فَهَذَا عَلِيٌّ» بیانگر آن است که همان ولایت و مولویت پیامبر «صلی الله علیه و آله» به حضرت علی «علیه السلام» منتقل گردیده است. بنابراین، اگر در صدر و ذیل حدیث دقت شود، در دلالت حدیث ابهامی نمی ماند. پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» حدیث را با بیان ولایت مطلق خود آغاز فرمود و همان را با فاء تفریع به علی «علیه السلام» منتقل نمود. سپس در ذیل حدیث فرمود: «فَلْيَبَاغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ» حاضران باید این مطلب مهم «اکمال دین» را به غایبان برسانند.

۲) حدیث ثقلین

این حدیث متواتر معنوی است. سید هاشم بحرانی این حدیث شریف را از ۳۹ طریق اهل سنت نقل کرده است (ر.ک؛ بحرانی، ۱۳۸۸: ۲۹۸) علمای شیعی علاوه بر اینکه این حدیث را در کتب کلامی و تفسیری خویش نقل کرده اند، کتابهای مستقلاً نیز به همین نام تدوین نموده اند؛ مثل کتاب حدیث ثقلین از سید علی میلانی و... ذیلاً این حدیث از غایه المرام به نقل از احمد بن حنبل نقل میگردد، سپس به طور خلاصه در دلالت آن بحث میشود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»: «إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ

مِنَ الْآخِرِ: كِتَابُ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي، مَا إِنَّ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي، أَلَا إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ: پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» فرمود: همانا من میان شما دو چیز گرانها به جا گذاشتم که یکی بزرگتر از دیگری میباشد: کتاب خدا و عترت و اهل بیت من. مادام که به آن دو تمسک جویند، هرگز گمراه نشوید.

آنگاه باشید که آن دو تا روز قیامت هرگز از هم جدا نشوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد آیند» (همان: ۲۹۹) در بحث دلالتی این حدیث به سه نکته باید توجه نمود: یکی آنکه پیامبر، کتاب خدا و اهل بیت را عدل یکدیگر قرار داد. دو دیگر آنکه این دو «ثقلین» تا قیامت از هم جدا نشوند. سوم وجوب تمسک و پیروی از هر دو. نکته اول و دوم بدون توضیح روشن است، به خصوص با توجه به اینکه پیامبر «صلی الله علیه و آله» حین بیان حدیث دو انگشت سبابه دو دست خود را کنار هم قرار داد و فرمود: «یعنی قرآن و حدیث به سان این دو انگشت عدل همند. نیز در متن حدیث فرمود: تا روز قیامت از هم جدا نشوند.

امریا نکته سوم یعنی وجوب تمسک به اهل بیت «علیهم السلام» که این مقاله دنبال اثبات آن است، این حدیث هم از حیث دلالت منطوقی، هم از جهت دلالت مفهوم مخالف «مفهوم شرط» دال بر وجوب تمسک به اهل بیت پیامبر «صلی الله علیه و آله» امامان معصوم «علیهم السلام» میباشد و معنی امامت چیزی جز این نباشد. اما دلالت منطوقی یا دلالت مطابقه که انشاء در لباس اخبار آمده است، روشن و بدیهی است، چون به اتفاق شیعه و سنی پیروی از قرآن واجب است. پس پیروی از عدل قرآن یعنی اهل بیت نیز واجب است. این وجوب به سان وجوب

روزه است که در آیه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» (البقره/۱۸۳) با جمله خبری وارد شده که به معنی «صومُوا: روزه بگیرید» می باشد. در زبان قرآن و حدیث از این گونه کاربردها فراوان است و علت آن این است که انشاء در لباس اخبار از تأکید بیشتری برخوردار است.

بنابراین، در این حدیث نیز جمله «مَا إِنْ تَمَسَّكُمُ بِهِمَا» به معنی «تَمَسَّكُوا بِهِمَا» می باشد. طبق این حدیث اهل بیت (امامان «علیهم السلام») همان قرآن ناطق می باشند که مبین قرآن صامت هستند. مفهوم مخالف آن نیز حجت است؛ یعنی اگر شما امت اسلامی به قرآن و اهل بیت تمسک نجوید، گمراه میشوید. به بیان دیگر، عدم اطاعت از قرآن و اهل بیت حرام است.

۳) حدیث منزلت

به قول سید هاشم بحرانی، این حدیث از صد طریق اهل سنت نقل شده و جمیع فرقه های شیعه نیز آن را در کتب کلامی و تفسیری خود آورده اند. ر.ک؛ بحرانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ۱۷۵: «بنابراین، این حدیث شریف از حیث سند در حد متواتر است و در این باب بیش از این نیاز به بحث نیست. اینک ذیلا این حدیث از طریق ابوسعید خدری به روایت احمد بن حنبل می آورده میشود.

سپس در باب دلالت آن به نحو اختصار بحث میشود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ لَعَلِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ»: «يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنْنِي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي: پیامبر فرمودند: ای علی! تو نسبت به من به سان هارون به موسی هستی، جز آنکه پیامبری بعد از من نخواهد بود» (همان) بحث دلالتی حدیث: فی الجملة، این حدیث شریف در حقیقت تفسیرگر آیه مباهله است که خداوند از زبان پیامبرش، علی «علیه السلام» رانفس پیامبر «صلی الله علیه وآله» معرفی نمود: «أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ» (آل عمران/۶۱) در بحث دلالتی این آیه پیش تر گفته آمد که طبق این آیه، حضرت علی «علیه السلام» جمیع صفات پیامبر را «جز نبوت» دارا میباشد. از جمله صفات پیامبر

اکرم «صلی الله علیه وآله» امامت آن بزرگوار و ولایت مطلق اوست.

پس حضرت علی «علیه السلام» حائز این صفت نیز هست و حضرت علی «علیه السلام» بعد از پیامبر «صلی الله علیه وآله»، امام امت اسلامی میباشد. در این حدیث نیز استدلال از همین سنخ است که به چند نکته باید دقت کرد.

نخست آنکه اضافه کلمه «منزلت» به اسم معرفه «هارون» افاده عموم می کند. طبق این دلالت جمیع مشترکات هارون با موسی «علیه السلام» برای حضرت علی «علیه السلام» با پیامبر اکرم «صلی الله علیه وآله» نیز اثبات میشود «جز نبوت که در خود حدیث نیز استثنا شده است». دو دیگر آنکه باید دید چه صفاتی جز نبوت، میان هارون و موسی مشترک بود که جمیع آن صفات برای حضرت علی «علیه السلام» نیز اثبات میشود.

خداوند این صفات مشترک را بر شمرده و از زبان موسی «علیه السلام» فرمود: «وَاجْعَلْ لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِ هَارُونَ أَجِي اشدُّ بِهِ أَرْزِي وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي: و وزیر برای من قرار ده... برادرم هارون را! با او پشتم را محکم کن و او را در کارم شریک ساز» (طه/۳۲-۲۹) بنابراین، جمیع این صفات که مسأله وزارت و بیان شریعت و هدایت امت از جمله آنهاست، برای حضرت علی «علیه السلام» نیز اثبات میشود؛ یعنی طبق این حدیث، علی «علیه السلام» عهده دار حکومت بعد از پیامبر «صلی الله علیه وآله» و مبین شریعت بعد از آن بزرگوار است. معنی امامت که ما در پی اثبات آن هستیم، جز همین نباشد. «وزیر» یا به معنی «پناهگاه» است که خداوند فرمود: «كَلَّا لَا وَزَرَ: هرگز چنین نیست، راه فرار و پناهگاهی وجود ندارد!» (القیامه/۱۱) و یاب به معنی «حامل بار سنگین اداره حکومت و بیان احکام دین» است که از «وَزَرَ» گرفته شده باشد که با توجه بدین معنی خداوند بارها در قرآن میفرماید: کسی بار دیگری بر ندارد: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ» (الانعام/۱۶۴) که حضرت علی «علیه السلام» بعد از پیامبر اکرم «صلی الله علیه وآله» وزیر به هر دو معنی بود؛ یعنی هم بار سنگین رهبری امت

وهم بیان احکام شریعت را به عهده داشت و از این جهت، محلّ رجوع و پناه امت اسلامی بودند.

به طور کلی دو نتیجه مهم حاصل آید:

۱- امامت از دیدگاه شیعه اثنا عشری با دیدگاه اهل سنت تفاوت جوهری دارد. چه اهل سنت اساساً به عصمت امام باور ندارند و به دنبال این دیدگاه، به منصوص بودن امام از جانب خدا و رسول «صلی الله علیه و آله» نیز معتقد نیستند. شیعه اثنا عشری، امامت را از راه قاعده عقلی لطف اثبات مینمایند و به دنبال این استدلال به عصمت و منصوص بودن امام نیز معتقد هستند و آن را با استناد به عقل و نقل به اثبات میرسانند. البته شیعه دوازدهامامی با سایر فرقه‌های شیعه، به سان کیسانیه و به خصوص زیدیه و اسماعیلیه نیز اختلافهایی در باب امامت دارند. از جمله آنکه مثلاً زیدیه به نصّ خفّی باور دارند و نیز عصمت را در امام شرط ندانند، لیکن شیعه دوازدهامامی به نصّ صریح و عصمت عقیده راسخ دارند.

۲- شیعه اثنا عشری امام معصوم منصوص را در دو مرحله امامت خاصّه و عامّه نخست از طریق براهین عقلی، سپس از طریق استناد به آیاتی مثل آیه ۳۵ از سوره یونس، آیه ۶۱ از سوره آل عمران و آیات ۶۷ و ۳ از سوره مائده و... به اثبات میرسانند.

همچنین این دیدگاه را با استناد به احادیث متواتر و مستفیض که در کُتب معتبر شیعه و سنّی وارد شده، اثبات مینمایند.

حدیث غدیر، ثقلین، منزلت و بسیاری از احادیث کتاب الحجّه اصول کافی، از آن جمله میباشند که برخی از آنها در متن مقاله گفته آمد.

جایگاه امام زمان در قرآن و روایات

در قرآن:

اشاره

مسئله امام زمان «عج» و ظهور منجی آخرالزمان به صراحت در قرآن نیامده، اما مفسرین شیعه آیات بسیاری را در قرآن

ص: ۳۶۷

مربوط به امام زمان دانسته و بعضی تا ۲۵۰ آیه را مرتبط با امام زمان تلقی کرده‌اند.^(۱) مفسرین از دو دسته آیات قرآن برای وجود امام مهدی و مسئله ظهور استفاده میکنند:

آیاتی که بر ضرورت وجود امام تأکید دارد:

بر اساس آیات قرآن کریم، خداوند برای هر امتی فردی را انتخاب کرده تا آنها را هدایت کند: «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»؛ «و برای جامعه راهنمایی هست.» (رعد/۷) پس همواره در زندگی بشر یک هدایت‌گر برگزیده وجود دارد. امام صادق «علیه السلام» در تفسیر آیه فوق فرمود: «در هر زمانی امامی از خاندان ما وجود دارد که مردم را به آنچه رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آورده هدایت می‌کند.»^(۲) فوق فرمود: دلیل دیگری که مفسرین بر ضرورت وجود امام می‌آورند این است که قرآن، به مبین و مفسر نیاز دارد و به جز امام کسی به تمام معانی و خصوصیات آیات قرآن آگاه نیست. پس به حکم عقل پس از پیامبر حضور امام لازم است.^(۳) شیعه معتقد است امام مایه آرامش و امنیت هستی و واسطه فیض الهی است و نعمات و برکات خداوند متعال به واسطه آنها به انسان داده میشود. و اگر لحظهای زمین خالی از حضور امام شود اهلش را فرو میرد.^(۴)

آیاتی که بشارت به حکومت صالحان و مؤمنان بر روی زمین میدهد:

مفسرین شیعه بر اساس ده آیه از قرآن کریم، موضوع ظهور امام زمان «عج» را قابل استناد می‌دانند؛ آیاتی که بر بشارت به بندگان صالح و مستضعف برای بازستاندن حق خود و رسیدن به قدرت و ایجاد یک حکومت واحد جهانی مبتنی بر حق و عدل و غلبه اسلام بر تمامی مکاتب و ادیان متمرکز است. در بیان قرآن، این بشارت در بعضی کتب آسمانی دیگر هم آمده: «وهمانادرزبور بعد از ذکر «تورات» نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من به ارث خواهند برد.» («وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادٌ بِالصَّالِحِينَ، انبیاء ۱۰۵) این بشارت در قرآن به اراده

ص: ۳۶۸

۱- جمعی از محققین، معجم احادیث امام مهدی، جلد ۵

۲- ۱ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۵

۳- سیده نصرت امین، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۳، ص ۳۹، توضیح آیه ۴۴، نحل

۴- مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۵۵

خداوند استناد داده شده است: «وخواستیم مستضعفان روی زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان گردانیم» (قصص/۵). این آیات بر اساس روایات فراوان، به مسئله ظهور نسبت داده شده است.

در آیه ای دیگر خداوند حکومت و جانشینی مؤمنان و صالحان را به عنوان وعده الهی برای بندگان مؤمن خود بیان میکند و خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که: «امنیت و آرامش را مژده می‌دهد:» حتماً آنان را در این زمین جانشین «خود» قرار دهد و آن دینی را که بر ایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و نور» بایشان را به امنیت مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند ۵۵ (روایات صادر شده از امامان شیعه، این آیه را بر امام زمان و اصحاب او منطبق کرده اند (۱)).

در روایات:

اشاره

موضوع امام زمان «عج» از بحث های ریشه‌دار در اسلام است. با توجه به اینکه وعده ظهور امام زمان توسط پیامبر «صلی الله علیه و آله» داده شده، از همان ابتدای نام «مهدی» بر سر زبانها بوده و ده ها کتاب قبل از تولد وی در میان شیعه نوشته شد و بعد از تولد امام زمان هم این رویکرد ادامه یافت و هزاران کتاب در موضوعات مختلف مرتبط با امام دوازدهم شیعیان تألیف شد. برخی از معتبرترین این کتاب ها، عبارتند از:

کمال الدین و تمام النعمه، الغیبه، الفُصُولُ العشره فی الغیبه، أربع رسالات فی الغیبه، الغیبه للْحَجَّه، الْمُعْجَمُ الأحادیث الامام المهدی، بحار الانوار «جلدهای ۵۱، ۵۲، ۵۳» و منتخب الاثر.

روایتی از نصّ خداوند تعالی درباره قائم «علیه السلام»

امیر المؤمنین علی «علیه السّلام» از رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلّم» روایت کند که فرمود: «چون مرا به آسمانها بردند، خدایم به من وحی کرد که ای محمد! من بر زمین نظری افکنم و تو را از آن میان برگزیدم و تو را پیامبر «صلی الله علیه و آله» ساختم و از اسم خود

ص: ۳۶۹

برای تو اسمی برگرفتم که من محمود و تو محمدی! سپس دوم بار بر زمین نظری افکندم و از آن میان علی «علیه السلام» را برگزیدم و او را وصی و خلیفه تو قرار دادم و همسر دختر و پدر فرزندان ساختم و برای او اسمی از اسماء خود برگرفتم که من علی اعلی هستم و او علی «علیه السلام» است و فاطمه و حسن و حسین «علیهم السلام» را از نور شما دو تن آفریدم، سپس ولایت ایشان را بر ملائکه عرضه داشتم و کسی که آن را پذیرفت نزد من از مقرّبین است، ای محمد «صلی الله علیه و آله»! اگر بندهای مرا عبادت کند تا آنکه منقطع شود و مانند مشک کهنه پوسیده گردد و در حالی که منکر ولایت ایشان است به نزد من آید او را در بهشت خود جای نمیدهم و تحت سایه عرشم در نیاورم، ای محمد! آیا دوست میداری که ایشان را ببینی؟ گفتم آری ای پروردگار من گفت: سرت را بلند کن سرم را بلند کردم و بناگاه انوار علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و محمد بن الحسن «علیهم السلام اجمعین» را دیدم و قائم در وسط آنان مانند ستارهای درخشان بود.

گفتم: پروردگارا آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان ائمه هستند و این قائم کسی است که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام میکند و به توسط او از دشمنانم انتقام خواهم گرفت و او راحت دوستان من است و او کسی است که دل شیعیان را از ظالمان و منکران

و کافران شفا می‌دهد، و لات و عزّی را با طراوت بیرون می‌آورد و آنها را آتش می‌زند و فتنه مردم به آن دو در آن روز از فتنه عجل و سامری سخت‌تر است (۱).

روایتی از پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله»

امام صادق «علیه السلام» از پدرانش از رسول خدا «صلوات الله علیهم اجمعین» روایت کند که فرمود: پس از من دوازده امامند که اول آنها علی بن ابی طالب «علیه السلام» و آخر ایشان قائم است آنان جانشینان و اوصیاء و اولیای من و حجّتهای الهی بر امتم پس از من میباشند کسی که مقرّ به ایشان باشد مؤمن است و کسی که منکر ایشان باشد کافر است (۲).

اخبار پیامبر اکرم از وقوع غیبت قائم «علیه السلام»

۱- جابر بن عبد الله انصاری از رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلّم» روایت کند که فرمود: مهدی از فرزندان من است اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است، از نظر خلق و خلق شبیه ترین مردم به من است، برای او غیبت و حیرتی است که امتها در آن گمراه شوند، سپس مانند شهاب ثاقب پیش آید و زمین را پر از عدل و داد نماید همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد (۳).

۲- امام باقر علیه السلام از رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلّم» روایت کند که فرمود: خوشا بر احوال کسی که قائم اهل بیت «علیهم السلام» مرا ادراک کرده و در غیبت و پیش از قیامش پیرو او باشد، دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد، چنین کسی در روز قیامت از رفقا و دوستان من و گرامیترین امت من خواهد بود (۴).

۳- علی «علیه السلام» از رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلّم» روایت کند که فرمود: برترین عبادت انتظار فرج است (۵).

۴- امام صادق «علیه السلام» از پدران بزرگوارشان از علی بن ابی طالب «صلوات الله علیهم اجمعین» در ضمن

ص: ۳۷۱

۱- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین / ترجمه پهلوان ۱: ص ۴۷۳ - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ش.

۲- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین / ترجمه پهلوان ۱: ص ۴۸۷ - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ش

۳- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین / ترجمه پهلوان ۱: ص ۵۳۴ - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ش

۴- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین / ترجمه پهلوان ۱: ص ۵۳۵ - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ش

۵- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین / ترجمه پهلوان ۱: ص ۵۳۷ - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ش

حدیثی طولانی که وصیت پیامبر «اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» را ذکر میکند-چنین روایت کرده است که رسول خدا «صلی الله علیه و آله» به علی «علیه السلام» فرمود: ای علی! بدان که شگفت انگیزترین مردم از جهت ایمان و عظیمترین آنها از روی یقین، مردمی هستند که در آخر الزمان خواهند بود پیامبر «صلی الله علیه و آله» را ندیده اند و از امام نیز محجوبند، اما به سوادى که بر بیاضی رقم خورده است ایمان دارند (۱).

روایات فاطمه زهرا «علیهم السلام» از حدیث صحیفه اینکه دوازدهمین آنها قائم «علیهم السلام» است

ابو نصره گوید: وقتی امام باقر «علیه السلام» محتضر شد فرزندش امام صادق «علیه السلام» را خواند و بدو وصیتی کرد، آنگاه برادرش زید بن علی بن الحسین به او گفت: اگر تمثال حسن و حسین «علیهم السلام» را در باره خودت و من تصویر میکردی امیدوار بودم که منکری را مرتکب نشوی، امام باقر «علیه السلام» فرمود: ای ابو الحسن! امانات به تمثال نیست و عهد و پیمانها به تصویر و تمثال نیست، بلکه آنها اموری هستند که بر حجتهای الهی سبقت دارد، سپس جابر بن عبد الله را خواند و به او فرمود: ای جابر! آنچه را که در آن صحیفه دیدی برای ما بازگو، جابر گفت: ای ابا جعفر! به روی چشم، بر مولای خود فاطمه زهرا «علیهم السلام» وارد شدم تا ولادت حسین «علیه السلام» را تهنیت گویم که بناگاه صحیفهای در دست آن حضرت دیدم که از درّه بیضا بود، گفتم: ای سرور زنان! این صحیفهای که در دست شما میبینم چیست؟ فرمود:

اسامی ائمه از فرزندان من در آن است، گفتم: آن را به من بدهید تا در آن بنگرم، فرمود: ای جابر! اگر منهی نبود چنین میکردم، ولی نهی شده است که جز پیامبر «صلی الله علیه و آله» و یا وصی پیامبر «صلی الله علیه و آله» و یا اهل بیت پیامبر «صلی الله علیه و آله» به آن دست بزنند، ولی به تو اجازه داده میشود که از رویش آن را بنگری و بدانی.

جابر گوید: آن

ص: ۳۷۲

را خواندم و در آن نوشته بود: ابو القاسم محمد بن عبد الله المصطفی، مادرش آمنه بنت وهب؛ ابو الحسن علی بن ابی طالب المرتضی، مادرش فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبد مناف؛ ابو محمد حسن بن علی البرّ و ابو عبد الله حسین بن علی التّقی و مادر هر دو فاطمه بنت محمد «صلی الله علیه و آله و سلّم»؛ ابو محمد علی بن حسین عدل و مادرش شهربانو دختر یزدگرد بن شاهنشاه؛ ابو جعفر محمد بن علی الباقر، مادرش امّ عبد الله بنت حسن بن علی بن - ابی طالب؛ ابو عبد الله جعفر بن محمد الصادق، مادرش امّ فروه بنت قاسم بن محمد بن - ابی بکر.

ابو ابراهیم موسی بن جعفر الثّقه مادرش جاریهای به نام حمیده.

ابو الحسن علی بن موسی الرضا مادرش جاریهای به نام نجمه.

ابو جعفر محمد بن علی الزّکی مادرش جاریهای به نام خیزران.

ابو الحسن علی بن محمد الامین مادرش جاریهای به نام سوسن.

ابو محمد حسن بن علی الرّقیق مادرش جاریهای به نام سمانه و کنیه اش امّ الحسن.

ابو القاسم محمد بن حسن القائم و او حجّت خدا بر خلقش میباشد مادرش جاریهای بنام نرگس، «صلوات الله علیهم اجمعین» (۱).

روایات امام عسکری «علیه السلام» در باره امام دوازدهم «علیه السلام» و غیبت او

احمد بن اسحاق گوید: بر امام عسکری «علیه السلام» وارد شدم و میخواستم از جانشین پس از وی پرسش کنم او آغاز سخن کرد و فرمود: ای احمد بن اسحاق خدای تعالی از زمان آدم «علیه السلام» زمین را خالی از حجّت نگذاشته است و تا روز قیامت نیز خالی از حجّت نخواهد گذاشت، به واسطه اوست که بلا را از اهل زمین دفع میکند و به خاطر اوست که باران میفرستد و برکات زمین را بیرون می آورد. گوید: گفتم: ای فرزند رسول خدا امام و جانشین پس از شما

ص: ۳۷۳

کیست؟ حضرت شتابان برخاست و داخل خانه شد و سپس برگشت در حالی که بر شانه‌اش کودکی سه ساله بود که صورتش مانند ماه شب چهارده میدرخشید، فرمود: ای احمد بن اسحاق اگر نزد خدای تعالی و حجّتهای او گرامی نبودی این فرزندم را به تونمی نمودم، او همانم و همکنیه رسول خدا «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» است، کسی است که زمین را پر از عدل و داد میکند همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد.

ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت مثل خضر و ذوالقرنین است، او غیبی طولانی خواهد داشت که هیچ کس در آن نجات نمیابد مگر کسی که خدای تعالی او را در اعتقاد به امامت ثابت بدارد و در دعاء به تعجیل فرج موفق سازد.

احمد بن اسحاق گوید: گفتم: ای مولای من آیا نشانهای هست که قلبم بدان مطمئن شود؟ آن کودک به زبان عربی فصیح به سخن درآمد و فرمود: «أنا بقيه الله في أرضه و المنتقم من أعدائه.» ای احمد بن اسحاق! پس از مشاهده جستجوی نشانه مکن! احمد بن اسحاق گوید: من شاد و خرم بیرون آمدم و فردای آن روز به نزد امام عسکری «علیه السّلام» باز گشتم و گفتم: ای فرزند رسول خدا! «صلى الله عليه وآله» شادی من به واسطه منتی که بر من نهادید بسیار است، بفرمائید آن سنتی که از خضر و ذوالقرنین دارد چیست؟ فرمود: ای احمد! غیبت طولانی، گفتم: ای فرزند رسول خدا! «صلى الله عليه وآله» آیا غیبت او به طول خواهد انجامید؟ فرمود: به خدا سوگند چنین است تا به غایتی که اکثر معتقدین به او بازگردند و باقی نماند مگر کسی که خدای تعالی عهد و پیمان ولایت ما را از او گرفته و ایمان را

در دلش نگاشته و با روحی از جانب خود مؤید کرده باشد.

ای احمد بن اسحاق! این امری از امر الهی و سزای از سر ربوبی و غیبی از غیب پروردگار است، آنچه به تو عطا کردم بگیر و پنهان کن و از شاکرین باش تا فردا با ما در علّین باشی (۱).

امام زمان علیه السلام وارث غدیر

مهدی «عج» ادامه دهنده راه امیرالمومنین «علیه السلام»:

امام صادق «علیه السلام» در حدیثی زیبا در مورد حضرت مهدی «عج» اینچنین می فرمایند:

(وقتی قائم ما قیام کند، لباس علی «علیه السلام» را در بر می کند و روش او را پیش می برد (۲).

عاقبت عدم شناخت امام زمان «عج»

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ هِ ص مَنْ مَاتَ لَمَّا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ جَاهِلِيَّةٍ جَهْلَاءَ أَوْ جَاهِلِيَّةٍ لَأ يَعْرِفُ إِمَامَهُ قَالَ جَاهِلِيَّةٍ كُفْرٍ وَ نِفَاقٍ وَ ضَلَالٍ (۳).

حارث بن مغیره گوید: به امام صادق «علیه السلام» عرض کردم: پیغمبر فرموده است: هر که بمیرد و پیشوایش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است؟ فرمود: آری. عرض کردم: جاهلیت کامل یا جاهلیتی که امامش را نشناسد فرمود: جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی.

ص: ۳۷۵

۱- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین/ترجمه پهلوان ۲: ص ۸۰-ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۸۰ش

۲- وسائل الشیعه، ج ۳ ص ۳۴۸

۳- الکافی «ط-الإسلامیه»؛ ج ۱؛ ص ۳۷۷

امام زمان «عج» فرمودند: اگر شیعیان ما که خداوند آنها را به طاعت و بندگی خویش موفّق بدارد در وفای به عهد و پیمان الهی اتّحاد و اتّفاق میداشتند و عهد و پیمان را محترم می‌شمردند، سعادت دیدار ما به تأخیر نمیافتاد و زودتر به سعادت دیدار ما نائل میشدند.

ظهور بغته محقق می شود

مطابق آنچه از ائمه اطهار «علیه السلام» نقل شده است، ظهور امام زمان «عج» به صورت دفعی و بدون زمینه قبلی واقع خواهد شد. حضرت ولی عصر «عج» در توفیق مبارک به جناب شیخ مفید فرموده اند: «فَإِنَّ أَمْرَنَا يَبْعَثُهُ فَجْأَةً: «خداوند» کار ما را به طور ناگهانی برمی انگیزد.» در حدیث دیگری امام علی بن موسی الرضا «علیه السلام» نقل فرموده اند که وقتی از پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» پرسیدند که قیام کننده از فرزندان شما چه وقت ظهور می کند، حضرت در پاسخ فرمودند:

«مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يُجَلِّيهَا لَوْ قَتَبَتْهَا إِلَّا هُوَ... لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْتَهُ: (۱)» ظهور همچون قیامت است که آن را در زمان خاصّ خودش فقط خداوند ظاهر می سازد... جز این نیست که به طور ناگهانی برایتان رخ می دهد.» تعبیر «فَجْأَةً» و «بَعْتَهُ» این دو حدیث شریف بر یک معنای صریح دلالت می کنند و آن این است که ظهور حضرت هنگامی تعبیر واقع می شود که به حساب ظاهری و روی قرینه ها مشهود، انتظار وقوع آن نمی رود و انسان ها عموماً آمادگی و انتظارش را ندارند. دفعی و ناگهانی بودن، نقطه مقابل تدریجی بودن است. چیزی که تدریجاً واقع می شود، ابتدا زمینه ها و مقدماتش فراهم می گردد، بعد آرام آرام شرایط برای رسیدن به آن آماده تر می شود و افراد کم کم آمادگی وقوع آن را پیدا می کنند؛ ولی ظهور امام زمان «عج» این گونه نیست. ایشان بدون مقدمه و زمینه قبلی خروج می فرمایند و جز افراد بسیار بسیار اندک که انتظار ظهور ایشان را دارند، وضعیت اکثر مردم و شرایط عمومی به گونه ای نیست که بتوان نزدیکی وقوع آن را از قبل پیش بینی کرد.

ص: ۳۷۶

این، معنای ناگهانی و دفعی بودن فرج امام عصر «عج» است. حال که چنین است، اگر عموم مردم و اوضاع و احوال عادی بشر در غفلت و یأس از فرج الهی باشند، آیا مؤمن واقعی انتظار فرجش را از دست می دهد؟ آیا در هیچ شرایطی مجاز هستیم که از ظهور مولای غایب از دیدگانمان ناامید باشیم؟ این مطلب تأکید دیگری است بر همان قاعده کلی «کن لما لا ترجو أرجی منك لما ترجو» که در ناامیدی بسی امید است. نکته دیگری که از ناگهانی بودن ظهور حضرت مهدی «عج» فهمیده می شود این است که: ما نمی توانیم به چیزی به نام «ظهور صغری» قائل شویم؛ آن چنان که اخیراً در بعضی از نوشته ها به چشم می خورد. می گویند: «لازمه تشبیه وجود مقدس حضرت بقیه الله «ارواحنا فداه» به خورشید که در روایات متعددی آمده، این است که: چنان که، خورشید بعد از غروب تا یکی دو ساعت نورش باقی می ماند و یک دفعه جهان را تاریک نمی کند و نمی گذارد فسادهایی که ناشی از یک مرتبه تاریک شدن است، ایجاد شود، در موقع طلوع هم یک دفعه روشن نمی شود؛ بلکه با یکی دو ساعت طول کشیدن، کم کم نورش ظاهر می شود و نمی گذارد ضررهایی که ناشی از روشن شدن ناگهانی است، به وجود آید. همچنین حضرت بقیه الله (روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء) هم وقتی می خواهد از میان مردم، غایب شود باید غیبت صغری داشته باشد، که داشته و باید ظهور صغری نیز داشته باشد که مدعای ماست (۱).

امام باقر «علیه السلام» فرمودند: (يُظْهَرُ كَالشَّهَابِ الثَّقَابِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ؛ (۲) امام عصر «عج» همچون سنگ آسمانی شکافته در شب تاریک ظاهر می شوند.) «ثاقب» در زبان عربی، به معنای سوراخ کننده و شکافته می باشد. «شهاب ثاقب» به سنگ آسمانی ای گفته می شود که به طور ناگهانی تاریکی شب را می شکافد. صفت بارز و شاخص آن همین است که در تاریکی مطلق که هیچ روشنائی در آن نیست به صورت ناگهانی نورافشانی می کند. پس ظهور امام عصر «عج» هم که به شهاب ثاقب تشبیه شده اند، به همین صورت خواهد بود. ایشان در تاریکی محض، ظهور می کنند و به صورت دفعی و ناگهانی آشکار می شوند. این تشبیه، به روشنی نظریه هایی از قبیل «ظهور صغری» را رد می کند. اگر کسی به قصد ایجاد سوز انتظار فرج بخواهد خدمتی در حق دیگران انجام دهد، به جای طرح نظریه های بی دلیل، بهتر است آنچه را خود اهل بیت «علیهم السلام» به این منظور فرموده اند، به خوبی بیان و تشریح کند و لازم نیست سخنی بگوید که با مبانی صحیح دینی در تعارض باشد. علاوه بر همه اینها، چون وقت ظهور حضرت مهدی «عج» تحقق پیدا کند، قابل بداء است، به فرض هم که چیزی تحت عنوان «ظهور صغری» تحقق پیدا کند، هیچ ضرورتی براینکه پس از آن، ظهور کامل انجام شود، وجود ندارد. این موضوع راهمان نویسنده ای که نظریه «ظهور صغری» را مطرح کرده است، در انتهای سخنانش پذیرفته است: «شاید این تجلیات و این علائم و این نور که از افق سرزده «خدای ناکرده» باز منتهی به تاریکی مطلق شود. زیرا اینها تمام تحت اراده الهی است و می دانیم که خدا دستش باز است و هرچه بخواهد می کند و کسی نمی تواند ایرادی داشته باشد یا از او سؤالی بکند (۳).

ص: ۳۷۷

۱- آیا ظهور نزدیک است، ص ۱۴۲

۲- بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۷۸

۳- آیا ظهور نزدیک است، ص ۱۴۲

اگر آن علامت ها قطعا واقع می شوند، پس ظهور نمی تواند ناگهانی باشد؛ بلکه ابتدا باید نشانه های آن ظاهر شود و تا وقتی آن نشانه ها واقع نشده اند، امید به ظهور نمی توان داشت. اگر هم نشانه های حتمی آشکار شوند، خود مقدمه ای برای ظهور خواهند بود و دیگر نمی توان ظهور را یک امر ناگهانی دانست. این اشکال را نویسنده بزرگوار کتاب ارزشمند «مکیال المکارم» مطرح فرموده اند و در پاسخ به آن دو جواب داده اند. (۱) ما با الهام از فرمایش های ایشان و با استفاده از بحث بداء پذیری علائم ظهور به پاسخ از اشکال می پردازیم. در این مورد دو احتمال می توان داد:

احتمال اول: چه بسا در وقوع این علائم، بداء صورت پذیرد و محتوم نامیدن آنها، منافاتی با ظهور بداء در مورد آنها نداشته باشد.

احتمال دوم: بدون قائل شدن به بداء، در مورد آن علائم نیز می توانیم ناگهانی بودن ظهور حضرت را بپذیریم. راه حل مسئله این است که ظهور حضرت را همراه با وقوع علائم آن، دفعی و ناگهانی بدانیم؛ این احتمال را حتی اگر قائل به بداء در مورد علائم ظهور بشویم، نمی توانیم مردود بدانیم؛ زیرا وقتی چیزی بداء پذیر باشد، نمی توان گفت که لزوماً واقع نمی شود. امکان بداء غیر از وقوع بداء است. ما در بحث از علائم ظهور، امکان بداء را در مورد آن اثبات می کنیم نه ضرورت وقوع آن را. بنابراین چه بسا در برخی از علائم چه حتمی و چه غیر حتمی بداء صورت نگیرد؛ ولی در عین حال، ظهور حضرت دفعی و ناگهانی باشد. رمز مطلب این است که نشانه های ظهور را بسیار نزدیک و بلکه مقارن با خود ظهور بدانیم. در این صورت هم می توانیم قائل به وقوع بعضی از علائم ظهور بشویم و هم اصل ظهور را تدریجی ندانیم.

ممکن است گفته شود که: در روایت ها برای بعضی علائم ظهور مدّت زمانی معین شده است که با وجود آن زمان، نمی توانیم وقوعش را نزدیک و بلکه مقارن با خود ظهور بدانیم. مثلا در مورد خروج سفیانی، مدّتی که در بعضی روایت ها معین شده است، پانزده ماه می باشد و این زمان با نزدیکی و مقارنت آن با اصل ظهور سازگاری ندارد. به این سؤال می توان چنین پاسخ داد: بنا بر احتمالی که از مرحوم علامه مجلسی در نقل شده است، چه بسا در اصل خروج سفیانی بداء نشود، ولی در مدّت زمان خروجش، بداء صورت بگیرد و اینکه در حدیث فرموده اند: در امر محتوم هم امکان بداء وجود دارد، می تواند اشاره به بداء در خصوصیات نشانه ای، مانند خروج سفیانی باشد. به هر حال اگر وقوع علامتی از علائم بسیار نزدیک به اصل ظهور باشد، به ناگهانی بودن آن لطمه وارد نمی سازد. مثلا در باره کشته شدن «نفس زکیه» که جزو علائم حتمی ظهور دانسته شده، (۲) از امام صادق «علیه السلام» چنین نقل شده است:

ص: ۳۷۸

۱- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۶۱، ۱۶۰

۲- اثبات الهداه، ج ۷، ص ۴۲۲، ح ۹۹، از امام صادق «علیه السلام»: والنداء من المحتوم... وقتل النفس الزکیه من المحتوم.

لَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبَيْنَ قَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ إِلَّا خَمْسَةٌ عَشْرَ لَيْلَةً،^(۱) فاصله میان قیام قائم آل محمد «صلی الله علیه و آله» و کشته شدن نفس زکیه فقط پانزده شب است.» این مقدار فاصله زمانی با ظهور حضرت، لطمه ای به ناگهانی بودن آن نمی زند. اگر واقعا چنین شود، عرفا این دو حادثه را مقارن یکدیگر می شمارند. علاوه بر اینکه چه بسا در باره این پانزده شب هم بداء صورت بگیرد، بدون آنکه در اصل کشته شدن نفس زکیه بداء شود.

همچنین است در مورد «ندا» یا «صیحه» که آن هم از علائم حتمی به شمار آمده،^(۲) ولی ممکن است در زمان وقوعش بداء شود. مثلا اینکه فرموده اند ندا در شب بیست و سوم ماه رمضان است و قیام حضرت در روز عاشورا، که فاصله این دو با یکدیگر بیش از سه ماه می باشد، چه بسا در اصل، ندا و صیحه آسمانی بدائی صورت نگیرد؛ ولی در فاصله آن با ظهور بداء حاصل شود.

پس می توان گفت: همه اینها امکان پذیر است و وقوع همه علائم یا بعضی از آنها با ناگهانی بودن ظهور قابل جمع می باشد.

ص: ۳۷۹

۱- کمال الدین باب ۵۷، ح ۲.

۲- کمال الدین باب ۵۷، ح ۲

نتیجه بسیار مهمی که از اعتقاد به بداء پذیر بودن وقت ظهور و ناگهانی بودن آن به دست می آید این است که: امر فرج امام زمان «عج» متوقف بر حصول زمینه و مقدمه ای که با دفعی بودن آن منافات داشته باشد، نیست. این معنا با تعبیر مختلف در احادیث ذکر شده است.

امام هادی «علیه السلام» چنین فرموده اند: إِذَا رُفِعَ عَلْمُكُمْ مِنْ بَيْنِ أَظْهُرِكُمْ، فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِكُمْ؛ (۱) هر گاه نشانه شما از میان شما برداشته شود، از زیر پاهایتان منتظر فرج باشید. انتظار فرج از زیر پا مطابق توضیح مرحوم «علامة مجلسی» ممکن است کنایه از ظهور ناگهانی باشد. چون وقتی می گویند از زیر پاها، یعنی همانجا که ایستاده ای منتظر فرج باش نه اینکه از آنجا بگذری تا فرج فرا برسد، همانجا که هستی بدون آنکه قدم برداری آماده ظهور باش. پس این حدیث شریف دلالت بر وجوب انتظار فرج در هر زمان و هر مکان می کند.

ص: ۳۸۰

«إِذَا اشْتَدَّتْ الْحَاجَةُ وَالْفَاقَةُ وَانْكَرَ النَّاسُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فَعِنْدَ ذَلِكَ تَوَقَّعُوا هَذَا الْأَمْرَ صَبَاحًا وَمَسَاءً: حَدِيثٌ دِيْغَرُ از حضرت باقرالعلوم «عليه السلام» است که می فرمایند؛ وقتی که فقر و نیازمندی شدت یابد و مردم یکدیگر را انکار کنند، در آن زمان صبح و شام منتظر ظهور باشید.» انتظار شب و روز به این معناست که اگر در یک شب حضرت ظهور نفرمودند، فردای آن شب در روز باید منتظر بود، و اگر در روز ظهور نکردند، همان شب احتمال فرج وجود دارد. این طور نیست که اگر شبی ظهور واقع نشد، دیگر تا شب بعد بتوان از آن ناامید بود و نیز اگر در روزی ظهور واقع نشد، نمی توان گفت که همان شب یعنی قبل از آنکه روز بعد بیاید احتمال فرج وجود ندارد (۱).^(۱) راوی می گوید: فقر و نیازمندی را فهمیدیم که چیست. اینکه مردم یکدیگر را انکار کنند، یعنی چه؟ حضرت فرمودند: «يَأْتِي الرَّجُلُ أَخَاهُ فِي حَاجَةٍ فَيَلْقَاهُ بِغَيْرِ الْوَجْهِ الَّذِي كَانَ يَلْقَاهُ فِيهِ وَيُكَلِّمُهُ بِغَيْرِ الْكَلَامِ الَّذِي كَانَ يُكَلِّمُهُ.» (۲). کسی برای رفع نیازی به برادر دینی اش مراجعه می کند ولی او آن طور که قبلا با او برخورد می کرد «وقتی حاجتی نداشت» با او برخورد نمی کند و آن طور که قبلا با او حرف می زد، حرف نمی زند.» منظور این است که روابط بین مؤمنان طوری سرد می شود که وقتی یکی از آنها احتیاجی به دیگری پیدا می کند، او برخورد خوبی از خود نشان نمی دهد و آن طور که قبلا او را تحویل می گرفت، تحویل نمی گیرد. این نشان می دهد که مسائل مادی ارزش بیشتری از رابطه دینی و ایمانی پیدا می کند. در چنین شرایطی باید صبح و شام منتظر فرج بود. تعبیر صبح و شام هم نظیر تعبیر شب و روز، همیشگی بودن انتظار فرج را می رساند. خلاصه اینکه یأس از فرج الهی و ظهور امام زمان «عج» از بزرگترین گناهان کبیره است که نه به صورت دائمی و کلی و نه به شکل موقت و جزئی، حتی برای یک ساعت و لحظه هم از مؤمن پذیرفته نیست. علاوه بر این ادله، احادیثی که تعیین کردن وقت برای ظهور را حرام دانسته اند نیز بر این مقصود دلالت می کنند؛ زیرا به تعبیر مرحوم صاحب مکیال: (۳).^(۳) اگر کسی ظهور حضرت را در مدت زمان معینی نفی کند، مثلا بگوید تا چند سال آینده یا چند ماه بعد، ظهور واقع نمی شود، در حقیقت به همین مقدار برای آن تعیین وقت کرده است و مقتضای ناامیدی از ظهور حضرت در یک زمان خاص، همین است.

ص: ۳۸۱

۱- زیارت جامعه کبیره «بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۲۸»

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۵ ح ۹

۳- ۱۲ مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۵۸

مطابق روایات شیعه و سنی، خداوند متعال امر حضرت مهدی «علیه السلام» را در یک شب اصلاح خواهد کرد؛ از ابوبصیر از امام صادق «علیه السلام» نقل کرده که فرمود: «خداوند (عَزَّوَجَلَّ) امر او را در یک شب اصلاح خواهد نمود.» مقصود به اصلاح امر حضرت در یک شب آن است که مقدمات نصر و پیروزی را در اسرع وقت، و در یک شب فراهم کرده و او را مأمور به ظهور خواهد نمود. و اولین اقدامی که برای او خواهد نمود اجتماع اصحاب خاص آن حضرت است. ولی چیزی که باقی می ماند این که چگونه امر حضرت در یک شب اصلاح و آماده می شود در حالی که مطابق روایات، گروهی همانند جیش سفیانی و دجال و دیگران به مبارزه با او خواهند پرداخت؟ پاسخ: اولاً: ممکن است مقصود از «یک شب» که در روایات آمده کنایه از سرعت اصلاح امر امام زمان «علیه السلام» باشد.

ثانیاً: ممکن است مقصود از اصلاح امر حضرت «علیه السلام» پیروزی در یک شب باشد.

ثالثاً: ممکن است مقصود از اصلاح امر حضرت، تنها مقدمه سازی برای اعلان ظهور باشد، گر چه پیروزی نهایی به طول انجامد.

رابعاً: از آنجا که معارضه با مخالفان به سرعت و با اعجاز انجام می گیرد، لذا تعبیر به یک شب شده است.

اشاره

(پیاده شده بیانات جناب آقای دکتر قندهاری) بسم الله الرحمن الرحيم و صلى الله على محمد و آله الطاهرين، سَيِّمًا مولانا بقیه الله فی الأرضین

ص: ۳۸۳

از آن جهت که مخاطبین ما افراد متعدد و از طبقات مختلف و با نیازهای گوناگون هستند، بنابراین، سخنرانی ما باید ابعاد مختلفی را در بر بگیرد.

یک سخنرانی ایده آل، سخنرانی است که...

اولاً، ابعاد معرفتی و نظری داشته باشد با این هدف که یقین افراد را نسبت به امام زمان «علیه السلام» افزایش دهد و سؤالات و شبهات موجود در جامعه که در اذهان افراد اثر کرده است پاسخ دهد و ثانیاً، باید بعد عملی در تمسک و پیوند با امام زمان علیه السلام و انتظار ظهور و وظیفه شناسی نسبت به ایشان را در برگیرد و ثالثاً، هم موضوع و هم ادبیات باید متناسب با شنوندگان باشد. گوینده‌ی باتجربه و پخته کسی است که طرح‌های مختلف سخنرانی را در ذهن دارد، هنگامی که در مجلس وارد می‌شود و مخاطبین را می‌بیند - هر چند از قبل هم با برگزارکنندگان مجلس صحبت داشته و شناختی از مخاطبین را از آنها گرفته است خود در مواجهه با مخاطبین، طرح دقیق و ادبیات مناسب با جمع را برمی‌گزیند.

البته ما به این مسئله قائلیم که اگر گوینده‌ای برای خدا صحبت کند و اخلاص داشته باشد و با وضو باشد و به امام زمان «علیه السلام» متوسل باشد و ثواب این کار را هم تماماً به خود ایشان هدیه کند و از ایشان در کارهای خود نیابت نماید، این کار برکت و اثر بیشتری خواهد داشت و از آن جهت که از قلب‌ها برمی‌خیزد، بر قلب‌ها هم خواهد نشست آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند. هفت طرح سخنرانی از میان طرح‌های مختلف که در عمل تجربه شده و مفید بودن آنها امتحان شده است، به عنوان پیشنهاد معرفی می‌شود.

موضوع این هفت طرح چنین است:

۱. وجوب معرفت امام زمان «علیه السلام» ۲. ظهور امام زمان علیه السلام شرط برپایی قیامت ۳. مدینه فاضله ۴. مفهوم انتظار ۵. دست آوردهای ظهور امام زمان «علیه السلام» ۶. مفهوم غیبت امام زمان «علیه السلام» ۷. مهمان سفره‌ی صاحب الزمان «علیه السلام» هستیم.

اشاره

بخش اول: روایت معرفت امام زمان «علیه السلام» ذکر این روایت به همراه سند: «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة». وجود این روایت در مسند احمد حنبل با «من مات ولا بیعه له» یا «من مات ولا إمام له». - از جهت مفهومی، آیین روایات در شیعه و سنتی به یک معنایند.

بخش دوم: مفهوم روایت

در عبارت «کسی که بمیرد» آیا منظور از این کس مسلمان است یا غیرمسلمان؟ - مسلمان منظور فرد مسلمان است.

- منظور کسی است که معتقد به خدا، معاد، دین و... است و عامل به احکام است.

- چرا که اگر در این موارد نقص داشته باشد ولو امامش را بشناسد، «مات میتة جاهلیة» - این فرد، باید در مبانی ایمانی و اعتقادیش کامل باشد.

- بنابراین، مسلمانی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد، یا به او یقین نداشته باشد و در مقامات او شک داشته باشد، به مرگ جاهلی و نا مسلمان مرده است.

بخش سوم، بیان اشتراک اعتقاد به امام مهدی علیه السلام در بین مذاهب اسلامی

- اهل سنی علی رغم تفاوتی که با ما در بحث امامت و ولایت دارند، اما در اصل انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام با ما مشترکند.
 - اگر ما ۳۰۰ آیه در حوزه مهدویت داریم، آنها ۱۰۰ آیه دارند.
 - اگر ما ۲۰۰۰ روایت در این حوزه داریم، آنها بیش از ۶۰۰ روایت دارند.
 - بنابراین اعتقاد به مهدویت، از ضروریات اعتقادات شیعه و سنی است.
- در روایات اهل سنت است که: «من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد» صلی الله علیه و آله»

بخش چهارم: امام زمان «عج» و کیست؟

- گفتگو درباره نام ایشان که نام و کنیه ایشان مشابه نام و کنیه پیامبر «صلی الله علیه و آله» است.
- بعضی از دانشمندان ما به اعتبار بعضی از روایت نهی از تسمیه، نام ایشان را در هنگام نقل به صورت مقطع «م ح م د» نقل می کنند.
- مهدی لقب مشهور ایشان است.
- به تلفظ درست مهدی هم اشاره شود.
- این نام ایشان نشانگر مقام عصمت و علم الهی ایشان است.
- بیان اجمالی میلاد ایشان.
- شبهت ولادت ایشان در مخفی بودن به خاطر شرایط ترس و تقیه روزگار، به ولادت حضرت ابراهیم و حضرت موسی «علیه السلام».
- اشاره به امامت ایشان در خردسالی.
- مانند نبوت حضرت یحیی «علیه السلام» در کودکی آغاز شده است «یا یحیی خذ الكتاب بقوه و آتیناه الحکم صبیا». مانند آغاز امامت اجدادشان امام جواد ع و امام هادی «علیه السلام» در عوان کودکی.
- سزش این است که کمالات حجج الهی اکتسابی نیست که نیازمند گذر ایام و کسب تجارب باشد.
- کمالات امام ع به اعطای خداوند و وهبی است.

هر زمان که خداوند اراده فرماید، در هر سن و سالی از همه ی کمالات امامت بهره مندند.

-درباره غیبت ایشان.

غیبت ایشان شبیه به حضرت یوسف است.

معنای صحیح غیبت.

از حساس ترین مباحثی که باید در این سخنرانی ها به آن پرداخته شود.

امام «علیه السلام» در جامعه چهره ای ناشناسند.

مردم ایشان را می بینند ولی ایشان را نمی شناسند.

-عمر طولانی.

ایشان شبیه به حضرت نوح «علیه السلام» و حضرت خضر «علیه السلام» است.

گفتگو درباره عمر این دو پیامبر.

امام زمان «عج» من هنوز به نیمی از عمر حضرت نوح «علیه السلام» و ثلث عمر حضرت خضر «علیه السلام» نرسیده است.

لذا پیروان ادیان که به این دو پیامبر و عمر طولانی ایشان معتقدند، نمی توانند منکر عمر طولانی امام مهدی «عج» شوند.

-فوائد وجودی ایشان در زمان غیبت مانند فوائد خورشید پس ابر است.

-وظایف ما درقبال امام زمان «عج»

ص: ۳۸۷

بخش اول مهدویت: اعتقاد مهم اهل سنت

- اهل سنت به امام زمان «عج» و ظهور ایشان اعتقاد راسخ دارند.
- دانشمندان آنها حدود ۳۰۰ کتاب مستقل درباره ی مهدویت تألیف کرده اند.
- بعضی از ایشان اشعری، معتزلی و یا سلفی و حنفی و مالکی هستند و به مذاهب گوناگون اهل سنت هستند.
- همه، اجماع در این قضیه یعنی امام زمان «عج» دارند.

بخش دوم: روایت ابن مسعود درباره ظهور امام زمان «عج»

- روایتی را ابن مسعود به چهل طریق از پیامبر ص نقل کرده اند: «لو لم یبق من الدنیا إلا یوم واحد لطول الله عزّ و جلّ ذلک یبعث الله رجلا من اهل بیتی یواطی اسمہ إسمی یملاً الأرض قسطا وعدلا کما ملئت ظلما وجورا.» - این روایت شریف به تنهایی با توجه به نقل های فراوانی که دارد مشهورترین روایات اهل سنت در حوزه مهدویت است.
- نشان می دهد که معاد، بدون ظهور امام زمان «عج» نخواهد بود و قیامت بعد از حکومت ایشان است.
- اهل سنت ۲۰ یا ۳۰ کتاب در ملاحم الآخره نوشته اند.
- در همه ی این کتب، بیان می کنند که از نشانه های قیامت، ظهور حضرت مهدی «عج» است.

بخش سوم: چرا قیامت بدون ایشان نخواهد بود؟

-چرا که هدف آفرینش «وماخلقت الجن والانس الا ليعبدون.» -از ۷ میلیارد مردم دنیا، بیش از نصف آنها بت پرستند یعنی از هدف آفرینش منحرفند.

-در نصف باقیمانده اکثرا مسیحی و اهل تثلیث اند.

-مسلمانان، حدود ۸۵ درصدشان از ولایت حجج الاهی محرومند.

-پس ایشان به هدف الاهی نمی رسند.

-خداوند خلق کرده بود که مردم در مسیر بندگی و تسلیم امر خدا قرار بگیرند.

-این هدف توسط حاکمیت امام زمان ع و ظهور ایشان تحقق پیدا خواهد کرد: «يعبدونني لا يشركون بي شيئا.» -در آن زمان است که شرک از بین خواهد رفت، بت پرستی و غیر خداپرستی جمع می شود.

-عیسی پرستی و خورشید پرستی و ستاره پرستی و آتش پرستی از بین می رود.

-همه بر پرستش خدای واحد مجتمع می شوند.

-لذا، ایشان قبل از قیامت ظهور خواهند کرد و وعده ی الاهی را تحقق خواهند داد و بعد قیامت برپا خواهد شد.

طرح سوم: مدینه ی فاضله

بخش اول: اعتقاد منجی در ادیان غیر وحیانی

-افلاطون فیلسوف بزرگ قرن ۵ قبل از میلاد در کتاب جمهوریت خود گفتگویی از یوتوپیا یا آرمان شهر یا مدینه فاضله کرده است «چند کلامی در این زمینه گفتگو کنید.» -این آرمان شهر در ادیان غیر الاهی به صورت اعتقاد به منجی تجلی می کند.

-ادیان بت پرستی مانند بودایی، هندو، شینتو و آیین تائو علی رغم اینکه ادیان وحیانی نیستند، اما تحت تأثیر فطرت بشر و عدالت خواهی که در نهاد بشر است همگی به منجی آخر الزمان معتقدند.

-این منجی در آیین هندو نامش کالکی است که جلوه ی خدای برهمن است که در صورت منجی ظاهر می شود و در آخر الزمان سوار بر اسب سفیدی ظاهر می شود و عدالت و نور را در دنیا اجرا خواهد کرد.

بخش دوم: اعتقاد منجی در ادیان الاهی

-ادیان آسمانی همگی به منجی معتقدند.

-و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر أنَّ الأرض یرثها عبادی الصالحون.

-این آیه را اجمالاً براساس تفاسیر توضیح دهید.

-یکی دو نمونه از بشارات زبور و تورات و اوستا را درباره ی منجی موعود بخوانید.

-این منجی در آیین یهود اسمش ماشیه است که در زبان لاتین به آن تعبیر به میسیا می کنند.

-بزرگواری از نسل داوود «علیه السلام» است.

-در آیین مسیحیت حضرت عیسی «علیه السلام» است.

-در آیین پدران گذشته ی ایرانی ما، شخصیتی است به نام سوشینانس که از نسل حضرت زرتشت است و این منجی ظهور خواهد کرد و جهانی پر از عدل و داد خواهد ساخت.

ص: ۳۹۱

بخش سوم: فصل مشترک همه ی ادیان

-لذا اگر نمایندگان همه ی ادیان به جای شما در این مجلس حضور داشتند و من گوینده بی توجه به این، مسئله، اعتقادات شیعی را در بحث مهدویت بیان می کردم به ۸۰ درصد حرف های من هندوها، مسیحیان، یهودیان، زرتشتی ها، سنی ها و سلفی ها متعقد بودند.

-اصل میسیناسم از مشترکات بین ادیان است.

-از اصول مسلم جامعه شناسی ادیان اصل فتورسیم است و اینکه اعتقاد به آینده ی درخشان در همه ی مکاتب و مذاهب وجود داشته است.

-میسیناسم اسلامی، اعتقاد به حضرت مهدی «عج» است.

بخش چهارم: برتری اعتقاد به منجی در تشیع

-مزیت اعتقاد شیعه بر همه ادیان قبل و حتی مذاهب اسلامی غیر شیعی در این مسئله است که آن منجی الان در جامعه موجود است.

مدیریت جامعه بشریت در حال حاضر در دست آن منجی است و لو قبل از ظهورش است.

-او در دسترس مردم است آن منجی قابل تمسک و پیوند است.

ص: ۳۹۲

بخش پنجم: وصف امام زمان ع و وظائف مردم نسبت به ایشان

- بیان صفات و ویژگی هایی از امام زمان «علیه السلام» و بیان آیات و روایاتی در بحث مهدویت برای مردم.
و سرانجام در بحث پیوند با ایشان و وظیفه شناسی نسبت به ایشان و بحث انتظار سخن بگویید.

طرح چهارم: مفهوم انتظار

بخش اول: انتظار منجی در همه ی ادیان و مذاهب وجود دارد.

- انتظار مهدی «علیه السلام» مخصوص ما نیست.

- همه ادیان منتظر منجی هستند، همه مذاهب اسلامی معتقد به حضرت مهدی «عج» هستند.

- نور الدین عبد الرحمان جامی دانشمند حنفی مذهب و عارف بزرگ اهل سنت در اشعارش خطاب به حضرت مهدی «عج» می گوید: بیا ای امام هدایت شعار / که بگذشت از حد غم انتظار ...

- شعرای مسلمانان در اشعار خودشان، ولو در مذاهب غیر شیعی اشعار نغز و زیبایی خطاب و درباره ایشان سروده و ترویج کرده اند.

بخش دوم: انتظار در مذهب شیعه

- انتظار در روایات ما بالاترین عبادت و بالاترین جهاد است.

- روایات بحث انتظار را بخوانید.

فرمودند: منتظر، مقام اصحاب پیامبر «صلی الله علیه و آله» در جنگ بدر و احد را دریافت خواهد کرد.

منتظر مانند کسی است که در خون خود، در راه خدا غوطه می زند.

منتظر مانند کسی است که در لشکرگاه امام زمان «عج» قرار دارد ولو به ظهور ایشان نرسد و مرگ بین او و ظهور فاصله بیندازد.

بخش سوم: حقیقت این انتظار چیست؟

- بعضی از دانشمندان بین مفهوم و آثار انتظار خلط کرده اند.

- انتظار مذهب اعتراض، اعتراض یکی از آثار انتظار در بعضی شرایط اجتماعی و تاریخی است، مفهوم انتظار نیست.

- قیام و مبارزه، مفهوم انتظار نیست.

- انتظار چیست؟ عبارت است از ترقب و بی صبری انسان برای وقوع حادثه ای.

- خود کلمه روشن تر از آن است که توضیحی بخواهد.

- می توان مثالی زد: وارد منزل کسی به صورت سرزده می شویم و می بینیم لباس رسمی پوشیده، مرتب و منظم نشسته، اتاق را آماده کرده، چراغ ها را روشن کرده، وسایل پذیرایی را آماده کرده. از او می پرسیم، منتظر کسی هستید؟ یا مثال دیگر: اگر کسی را در خیابان ببینید که همین طور این طرف و آن طرف می رود و به ساعتش نگاه می کند، از او می پرسیم آیا منتظر کسی هستی؟ - انتظار را از این حالت بی صبری او استنباط می کنیم.

- انتظار معنایی جز این ندارد.

پس مقاماتی که برای منتظر در برترین عبادات، در برترین جهات در مقام شهدای بدر و احد بیان کرده اند برای کسی است که:

اعتقاد به امام زمان «عج» داشته باشد.

این اعتقاد او را به بی صبری و لحظه شماری برای ظهور آن حضرت بدارد.

بخش چهارم: عوامل انتظار

-دو چیز منشأ انتظار نسبت به امام زمان ع است: معرفت و محبت نسبت به ایشان.

-گفتگو درباره محبت و معرفت به ایشان.

بخش پنجم: آثار انتظار

-دعا کردن -شوق ظهور ایشان -آمادگی برای ظهور ایشان -تلاش جهت معرفی ایشان به دیگران -انتظاری که به ما دستور داده اند، انشتغفار هر صبح و شب است. نه هفته ای یک بار! نه ماهی یک بار! نه سالی یکبار! بلکه گفته اند هر روز و شب منتظر ظهور ایشان باشید.

-فرموده اند منتظر حق باشید نه منتظر راحتی و آسایش خودتان.

-انتظار شما ناظر به امام زمان «عج» باشد.

ص: ۳۹۵

بخش اول: معرفی سرانجام صالحان از قرآن

آغاز سخن این آیه: «وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض كما استخلف الذين من قبلهم وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من بعد خوفهم أمنا يعبدونني لا يشركون بي شيئا و من كفر بعد ذلك فأولئك هم الفاسقون» (نور، ۵۵)

بخش دوم: بیان اهدافی که این آیه برای حاکمیت امام زمان «ع» برشمرده است:

۱- خلافت جهانی: آن خلافتی که حضرت داوود «عج» و حضرت سلیمان «علیه السلام» در منطقه کنعان «اورشلیم کنونی» برپا کردند، امام زمان «عج» در تمام عالم برپا خواهد کرد.

۲- حاکمیت اسلام و تشیع - چراکه می فرماید خداوند می خواهد مُکنت و قدرت عطا کند به آن دینی که مورد خشنودی خدا برای مردم است.

کدام دین چنین است؟ «اليوم أكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الإسلام دينا.» - پس دین غدیر در دنیا حاکم خواهد شد، فقه جعفری در دنیا غالب خواهد شد، شهادت ثلاث تمام دنیا را در بر خواهد گرفت.

-لذا تقیه از بین می رود، اسلام آیین همه مردم دنیا خواهد شد.

-ولایت و آیین و معارف اهل بیت «علیهم السلام» حاکم بر مردم دنیا خواهد شد.

۳- امنیت جهانی - همه ی خوف و ترس ها تبدیل به امنیت می شود.

-جنگ و بی قانونی از بین خواهد رفت.

-ترس و واهمه ای برای مردم باقی نخواهد ماند و ظلم و جور از دنیا می رود.

-چرا؟ چون یک حاکمیت خواهد بود و قانون اجرا می شود و عوامل فساد و جرم که نیاز و جهل است به صفر خواهد رسید.

-یعنی بی نیازی و غنی مردم را سرشار می کنند.

-زکات ها را شهر به شهر می چرخانند، نیازمندی پیدا نمی شود که بخواد از آنها استفاده کند.

-بانوان در پشت پرده فتوا می دهند، با حقایق دینی آشنا هستند.

۴- توحید و بندگی خدا همه ی دنیا را آکنده خواهد کرد و شرک از بین می رود.

بخش سوم: وظیفه ما در اجرایی شدن و تقریب به این اهداف چگونه است؟

-دعای برای ایشان. روایت امام صادق «علیه السلام» را تخفیف خداوند در کم کردن عذاب بنی اسرائیل خوانده شود.

-ایشان در انتها فرمود: «هكذا انتم لو فعلتم لفرج الله عنا فأمرًا اذ لم تكونوا فإن الأمر ينتهي إلى منتهاه، اگر شما هم طالب ظهور و فرج باشید، خداوند عذاب غیبت را از سر شما بر خواهد داشت.

-بر عنصر دعا و دعوت مردم به امام زمان ع و ترویج امر ایشان گفتگو کنید تا بعد اجرایی و عملی و وظیفه شناسی افراد هم معلوم شود.

طرح ششم: مفهوم غیبت

بخش اول: بیان اهداف

-از مشکل ترین مباحث مهدوی، مفهوم غیبت است.

-از موضوعاتی که در بین اغشار مختلف جامعه خصوصاً در میان اهل سنتی که می خواهند تبلیغات منفی علیه تشیع کنند که باعث بدفهمی شده است، مسئله امام غایب است.

-ما باید مفهوم غیبت امام زمان «عج» را بدانیم.

-مفاهیم صحیح را از مسائل بی پایه و خرافه جدا کنیم.

بخش دوم: مفهوم نیست در آیات و روایات

غیبت امام زمان «عج» یک اصل قرآنی است: «الذین يؤمنون بالغیب». -از مصادیق ایمان به غیب که قرآن در صفات مؤمنین مکرر بیان می فرماید، ایمان به امام غایب است.

-ایمان به امامی که او را ندیده ایم ولی به وجود آن امام اعتقاد راسخ داریم.

-در کتاب «عقد الدرر» که از کتب بزرگ اهل سنت است نویسنده ی شافعی آن روایتی را نقل می کند که دیگران مانند متقی هندی حنفی، محدث بزرگ اهل سنت در قرن دهم هم آن را در کتاب خود بیان می کند: «إنَّ لصاحب هذا الأمر غیبتان إحداهما نطول». - بنابراین، غیبت در قرآن هست، در روایات اهل سنت هم هست.

-کیسانی ها و واقفی ها، فوت محمد حنفیه و یا شهادت حضرت موسی بن جعفر «علیه السلام» را تعبیر به غیبت کرده اند.

-یعنی مسلمانان صدر اسلام مفهوم غیبت را می شناخته اند و این نشانگر اصالت این اعتقاد در فرهنگ اسلامی است.

- اگر کسی غیبت ایشان را به معنای زندگی در آسمان ها، لای ابرها بداند، قطعاً نادرست است.

- چرا که زمین از حجت الاهی خالی نخواهد بود: «بنفسی أنت من مغیب لم یخل منّا» یا «لیت شعری، این استقرت بک التوی، بل ائی أرض ثقلک او ثری.» - بنابراین، گرچه امام زمان «عج» را امام کونین می دانیم، محل سکناى ایشان را روی زمین می دانیم.

- پس جای ایشان در آسمان ها، لای ابرهای در کرات دیگر، در جهان ها و عوالم دیگر نیست.

- غیبت یقیناً به معنای امام چاه نشین، امام سرداب نشین، امام پشت کوه قاف نیست.

- این گونه مطالب را بد خواهان ما بدون سند و دلیل به اسم ما نوشته اند و ما را به این اعتقاداتی که نداریم می خواهند محاکمه کنند.

- بیان یک نمونه اینکه گنجی شافعی دانشمند بزرگ اهل سنت در قرن ششم، کتابی دارد با عنوان (البیان فی أخبار صاحب الزمان «عج»).

- جناب اربلی دانشمند شیعه در کتاب تاریخ خودش می گوید: من با گنجی شافعی در سفر حج برخورد کردم. کتاب البیان را به من ارائه کرده من از او کسب اجازه کردم و از روی کتاب استنساخ کردم.

- اربلی این کتاب را در فصل مهدویت کتاب تاریخش نقل می کند تا نشان دهد که اعتقاد به مهدویت خاص شیعه نیست.

- تا اینکه می رسد به فصل ۲۵ کتاب که شافعی در کتاب خود اثبات کرده است که مهدی در هنگام غیبت در چاه است و این استبعادی هم ندارد و به هنگام ظهور از چاه بیرون می آید.

- تذکر:

- پس امام چاه نشین مال ما نیست مال گنجی شافعی است. از تراوش های ذهنی او است.

- حدیث و آیه ای هم بر این مبنا ارائه نداده است.

- در اینجا سنی اثبات کننده این عقیده است و اربلی شیعه تنها جایی است که به این مطلب پاورقی می زند که جناب گنجی شافعی از کجا آوردی که امام زمان «عج» در چاه است؟! - دانشمندان شیعه بر این عقیده معترض هستند.

- امام زمان «عج» مالک منزل خودشان و سرداب سامرا هستند ولی ساکن آنجا نیستند.

- در گوشه و کنار سرداب دنبال امام زمان «عج» نمی گردیم.

- معنای صحیح غیبت این است: دیدن و نشناختن.

- در اینجا داستان حضرت یوسف ع را به تفصیل بیان کنید.

- برادران ایشان دو سفر از کنعان به مصر برای یاری گرفتن از ایشان آمدند و با این پادشاه خیرخواه و سخاوتمند، گفتگو و مراوده داشتند، معامله کردند اما او را نشناختند.

- امام صادق «علیه السلام» می فرماید: مهدی «عج» هم همین طور است. ایشان را در مساجد، کاروان حج، در مجامع دینی، در کوچه و خیابان می بینند اما نمی شناسند.

- این معنای صحیح غیبت ایشان است.

- امام غائب یعنی امام ناشناس نه امام ابر یا چاه نشین.

- تشریف مرحوم شیخ محسن علی اصفهانی نخودکی را که راوی آن مرحوم حاج آقا است برای مردم بیان کنید.

اللهم أرنا وجه وليك « : - ایشان مکرر خدمت حضرت متوسل می شود و از خداوند در نمازها و عبادات تقاضا می کند که . « الیمون فی حیاتنا و بعد المنون - دعایی که اگر ما هم الحاح و اصرار بر آن داشته باشیم دور از استجابت نخواهد بود.

- تا اینکه برای ایشان این تشریف حاصل می شود. هنگامی که وارد می شود بر مغازه ای که حضرت آدرس داده بودند می بینند امام زمان «عج» روی چهار پایه در نزدیکی بیگ صاحب مغازه نشسته اند.

مردم هم که برای خرید وارد آنجا می شوند تا نزدیک ایشان می آیند اما ایشان را نمی شناسند. درباره تشبیه حضرت به خورشید پس ابر و وجوه این تشه گفتگو کنید

بخش چهارم: بیان فوائد امام غایب

- درباره تشبیه حضرت به خورشید پس ابر و وجوه این تشبیه گفتگو کنید.

طرح هفتم: مهمان سفره صاحب الزمان «عج» هستیم.

بخش اول: خصوصیات امام زمان «عج» از نگاه شیعه

- از تفاوت های اعتقاد ما به امام زمان «عج» و دیگر ادیان و حتی دیگر مذاهب اسلامی این است که ما امام زمان «عج» را متولد و حاضر و امام حی می دانیم. - اهل سنت با اینکه بشارت و ظهور امام زمان «عج» را در صحاح سته نقل کرده اند «مانند ابن ماجه، ابن داوود، ترمذی، احمد بن حنبل متعدد نقل کرده است.» امام می گویند: «سیولد فی آخر الزمان» یعنی به امام وحی و زنده معتقد نیستند.

- امام زمان «عج» واسطه زمین و آسمان و محل نزول ملائکه و موضوع شب قدر است.

- امام «عج» واسطه ی فیض و ید الله است «یعنی واسطه گرفتن و دادن عطای خداوند» - فیوضات و برکات و نعمات را امام «عج» از خداوند دریافت می کند و به مردم می دهد.

ص: ۴۰۰

حضرت «علیه السلام» با او بر سر یک سفره غذا می خوردند. بعد فرمودند: «الحمد لله رب العالمین اللهم هذا منك و من رسولک.» - ابوحنیفه گفت: یا بن رسول الله مشرک شدی! چون پیامبر را شریک رزاقیت خدا معرفی کردی.

- حضرت فرمود مگر این آیات را نخوانده ای؟ «و ما نقموا إلا- أن أغناهم الله و رسوله من فضله و يقول فی موضع آخر» «و لو أنهم رضوا ما آتاهم الله و رسوله و قالوا حسبنا الله سیؤتینا الله من فضله و رسوله.» که با اینکه خداوند فضل را از جانب خداوند می داند، اما پیامبر «صلی الله علیه و آله» را واسطه ی این فضل معرفی می فرماید.

- ابوحنیفه گفت: گویا تا به حال به این دو آیه برخورد نکردم! - حضرت فرمود: برخورد کرده بودی اما از آن جهت که ختم بر قلب تو شده است متوجه منظور آنها نشده بودی.

بخش سوم: داستان ملاقاسم علی رشتی و تشریف او در قبرستان تخت فولاد

-ملاقاسم علی در کنار قبر بزرگان خدمت حضرت می رسد.

-متوجه می شود که ایشان فرد بزرگواری است اما ایشان را نمی شناسد.

-از ایشان درخواست یک زاد السفر می کند که دست خالی به تهران نروم.

-حضرت می فرمایند که بنویس: در معضلات خودات این عبارت را بگو: یا الله یا محمد یا علی یا فاطمه یا صاحب الزمان «أدرکنی».

-ملاقاسم علی به اینجا که رسید قلمش را نگه داشت گفت: «ادرکونی» باید باشد، منادا جمع است «پیش قاضی و ملق بازی!!» حضرت فرمود: خیر، «ادرکنی» بنویس! -آنها را می خوانی ولی از دست صاحب الزمان «عج» می گیری.

ص: ۴۰۲

- پس ما مهمان سفره صاحب الزمانیم «عج».

- عنایتی که از خداوند به ما می شود که مادی و خانوادگی و اجتماعی و معنوی و توفیقاتی که خداوند نصیب حال ما می کند از دست امام زمان «عج» می گیریم.

- هر چه داریم به دعا و به واسطه عنایت آن حضرت است.

- لذا باید شکر ولی نعمت خود را به جا آوریم: «ان اشکرلی ولوالدیک» - در عین اینکه خدا را به خاطر نعمت ها شکر می گزاریم، باید شکر واسطه ی نعمت را هم انجام دهیم.

- برای ظهور ایشان دعا کنیم در مشکلات به ایشان مراجعه کنیم.

سؤال اول: اینکه در توقیع امام زمان «علیه السلام» نوشته شده است: کسیکه ادعای مشاهده کند کذاب است؛ به چه معنا می باشد؟ پاسخ: این توقیع در روز نهم نیمه شعبان سال ۳۲۹ از طرف امام زمان «علیه السلام» به چهارمین نائب حضرت، جناب علی بن محمد سَی مری وارد شد (۱) در ابتدا حضرت به او میفرمایند: ای علی بن محمد تو تا شش روز دیگر خواهی مرد. چون ایشان در نیمه شعبان ۳۲۹ از دنیا رفته است، پس تاریخ توقیع باید ۹ شعبان ۳۲۹ باشد. در ادامه میفرمایند: برای بعد از خودت به کسی وصیت نکن چراکه بعد از تو، غیبت کامل آغاز خواهد شد.

غیبت کبری: یعنی غیبتی که حضرت در آن همچون غیبت صغری، نمایندگان که در بین مردم باشند، ندارند.

ادامه روایت: «وَسَيَأْتِي شِيعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ» با اینکه دوران غیبت کامل است، ما نائبی در میان مردم نداریم، ولی به زودی از میان پیروان من کسانی یافت میشوند که ادعای مشاهده ی من را میکنند.

ص: ۴۰۴

«ألا فمن ادّعى المشاهده قبل خروج السّيفياني و الصّيححه فهو كذّاب مفتر» بدانند قبل از صيحه که لحظه ظهور است و قبل از سفياني: او معاصر با ظهور امام زمان «عليه السلام» قيام ميكند و تشنه خون مردم شيعه است و لشكرش به دست امام زمان «عليه السلام» جبرئيل هم با پاى خود ضربتى به زمين ميزند (۱) و يا در زمين فروميروند (۲) صيحه آسمانى هم در لحظه ظهور است (۳).

از اين عبارت روايت چون فرموده اند: هر كس ادعاى مشاهده مرا كند دروغ ميگويد؛ بعضى از افراد خواسته‌اند سوءاستفاده كنند، كه منظور از اين روايت، عدم امكان تشرف خدمت امام زمان «عليه السلام» است و همه تشرفات هر چند تشرفات معجزه آسا، هر چند تشرفاتي كه توسط عارفين و علماي بزرگ ما مثل جناب سيد بن طاووس، جناب علامه بحر العلوم و مانند آنها انجام شده است، ميخواهند همه آنها را زير سؤال ببرند.

لذا اين بحث در كتابهاي شيعه مطرح شده و اينجا هم سؤالش آمده است، اگر انكار مشاهده در اينجا به معني عدم امكان تشرف خدمت امام زمان «عليه السلام» نيست! به چه معنا است؟ توجه كنيد از ابتدا تا پايان آن توقيح يك موضوع بيشتر مورد گفتگو نيست، آن موضوع هم اين است كه تا كنون من در ميان مردم نائِب، وكييل و واسطه داشتم كه نامه هاي مردم را ميگرفت به من رسانده و جواب ميگرفت و براي مردم ميبرد. پولها و نذورات مردم را ميگرفت و به دست حضرت ميرساند، رسيد ميگرفت و ميداد. تقاضاهای مردم، التماس دعای مردم و بقیه مشکلات مردم را به امام منتقل ميكرد، جواب ميگرفت و جواب را به مردم ميرساند.

ای علی بن محمد، کسیکه بعد از تو در این مقامات جانشین تو باشد و واسطه میان مردم و من پس از مرگ تو باشد، از این پس چنین کسی وجود نخواهد داشت. اصلاً موضوع توقيح غير از اين نيست و اصلاً بحث از تشرف نميباشد، چه امكانش و چه عدم امكانش. لذا چون موضوع بحث، مسئله واسطه بين مردم و امام است، بنا بر اين مشاهده بايد مشاهدات باشد كه نائِب با امام دارد.

يعني از اين پس، آن افرادی كه در ميان جامعه شيعه كه شأن نواب اربعه را داشته باشند، هر وقت دلشان بخواهد بتوانند اختيار خدمت امام مشرف شوند، كارهايشان را انجام بدهند و برگردند، چنين کسی و چنان شأنی در بين مردم وجود ندارد. حتى در ميان علمای تقليد، يعني الان آيت الله سيستاني چنين مقامی را ندارد يا آيت الله وحيد خراسانی چنين امكاني را ندارد. اينان فقيه هستند، مرجع تقليد هستند، اما نائِب خاص آنگونه كه نواب اربعه «جناب عثمان بن سعيد، جناب محمد بن عثمان، جناب حسين بن روح و جناب علي بن محمد سمري» بودند كه براي اينها غيبتی وجود نداشت و اختيارا ميتوانستند به حضرت مراجعه كنند و از محل حضور حضرت باخبر بودند، کسیکه این شأن را داشته باشد، بعد از سال ۳۲۹ تا زمان ظهور وجود نخواهد داشت.

لذا بزرگان محدثين ما در ذيل اين روايت، همچون مرحوم علامه مجلسی رضوان الله عليه، محدث نوری و بسياری از دانشمندان، اين عبارت را به معنای عدم امكان تشرف نگرفتند. بلكه اين روايت را به معنای عدم وجود کسی كه بتواند همچون نواب، تشرف عمدي و اختياری به انتخاب خودش خدمت حضرت داشته باشد و از جا و مكان آن حضرت باخبر باشد، گرفته‌اند. پس در ايام غيبت كبرى چنين کسی وجود نخواهد داشت.

به ویژه كه كلمه مُشَاهِدَة از باب مُفَاعَلَة است، مثل مُكَاتَبَة، يعني من به شما نامه بنويسم شما هم به من پاسخ بدهيد، پس فعل طرفين را نشان ميدهد.

يعني کسی كه ادعا كند بالاختيار خدمت امام مشرف شود. لذا اين معنا از كلمه مُشَاهِدَة، «فمن ادّعى المشاهده»: اينجا فرموده اند كاملاً قابل استنباط است.

به نظر شما چه تفاوتی است بين نائِب خاص و مراجع تقليد كه نائِب عام هستند؟ افتخار ما ايرانيها اين است كه نائِب سوم حضرت، جناب حسين بن روح نوبختی ايرانی بوده است.

١- بحار الأنوار «ط بيروت» ٥٢: ١٨٦

٢- الخرائج و الجرائح ٢: ٩٢٦،

٣- كمال الدين و تمام ١: ٣٣٠، ح ١٦

بین حسین بن روح نوبختی و آیت الله سیستانی چه تفاوتی وجود دارد؟ حسین بن روح نایب خاص بود، آیت الله سیستانی نایب عام است.

تفاوت اول: جناب حسین بن روح، غیبتی از امام زمان بر او نبود، او دائم الحضور بود و هر زمان که میخواست، میتواند مکان حضرت را پیدا کند و خدمتشان مشرف شود و کارش را انجام بدهد؛ اما آیت الله سیستانی علی رغم بلندی مقامش چنین شأنی را ندارد. امام از او هم غایب است. همانطوری که اگر خدا، تاج کرامت را بر سر همه ما بگذارد، امکان این هست که خدا لطف کند و چشم ما را به جمال آن حضرت روشن کند. این امکان برای آیت الله سیستانی نیز میباشد. در غیبت امام، فرق بین شما با آیت الله سیستانی وجود ندارد، درحالیکه بر نایب خاص غیبتی نیست.

تفاوت دوم: نایب خاص را امام زمان «علیه السلام» منصوب کرده است و نایب عام را حوزه علمیه تأیید میکند. بعد از فوت مرحوم آیت الله خویی، بزرگان حوزه دور هم جمع شدند، افراد مضمون به اعلمیت را در حوزه معین کردند تا کار تقلید مردم سهل باشد، بنابراین نایب عام را امام زمان «علیه السلام» معین نمیکنند، بلکه علمای حوزه علمیه معین میکنند.

تفاوت سوم: نایب خاص از پیش خود حرفی نمیزند، پستیچی صاحب الزمان «علیه السلام» است.

گاهی از نواب خاص سئوالاتی کرده اند، که اگر این سئوالات را از من میپرسیدند، فوراً جواب میدادم. نواب خاص اصلاً دخالتی نداشتند، سوال را می گرفتند و به نزد حضرت می بردند، جواب را می آوردند، اصلاً تصرّفی در پاسخ نداشتند. درحالی که نواب عام، رساله ی عملیه، فتواها و پاسخهایی که به مردم میدهند، همه استنباطهای خودشان است. گرچه از روایات است اما عین کلام امام زمان «علیه السلام» نیست. اما نایب خاص، استنباط از خود ندارد، آنچه را که برای مردم نقل میکند، عبارات صاحب الزمان «علیه السلام» است.

سؤال دوم: چند کتاب در بحث مهدویت معرفی بفرمایید.

پاسخ: خوشبختانه در حوزه مهدویت کتاب خوب زیاد هست. از کتابهای ساده، کتابی هست به نام «آفتاب زندگی»، یک دوردرسنامه درباره امام زمان «علیه السلام» است که تنظیم شده، برای اینکه در این قبیل مجامع تدریس شود.

ترجمهی کتاب «مکیال المکارم»، این کتاب را مرحوم آیت الله اصفهانی در رویای صادقه ای که خدمت حضرت مشرف شد، حضرت دستور دادند کتابی را در مورد دعای بر امر فرج بنویسد و ایشان امتثال امر مولایشان در بیداری انجام دادند.

از مرحوم محدث نوری رضوان الله علیه است، که این کتاب را به زبان فارسی تألیف کرده اند که بسیار «نجم الثاقب» کتاب دیگر پربار و ارزشمند است و خواندن این کتاب نیز معادل با خواندن پنجاه کتاب است.

کتابنامه امام مهدی «علیه السلام» که استاد معاصر جناب آقای مهدیپور از علمای قم نوشته اند. کتابنامه ی که در آنجا بیش از ۲۱۰۰ کتاب مهدوی را معرفی کرده اند.

سؤال سوم: چند دعا و زیارت در مورد امام زمان «علیه السلام» را که بیشتر مورد تأکید است، معرفی بفرمایید.

پاسخ: در سفر اولی که به عتبات عالیات مشرف شدم، زمان صدام بود و مسیر ایران به عراق بسته شده بود. لذا ما از سوریه رفتیم و حدود یک ماه در سوریه معطل بودیم تا بتوانیم ویزا بگیریم. مرجع تقلید مرحوم آیت الله سید تقی قمی هم در این سفر تشریف داشتند که در همان سفر بود که در بازگشت از عتبات عالیات همسرشان از دنیا رفتند. در آنجا ما گاهی به خدمت ایشان میرفتیم و سؤالهای خود را میپرسیدیم. من همین سؤال را در گفت و گوی با ایشان پرسیدم.

ایشان گفتند: من به امر بعضی از بزرگان هفتههای دوبار زیارت آلیاسین را تلاوت میکنم، برای اینکه مشمول عنایات امام زمان «علیه السلام» قرار بگیرم. آن هم روزهای دوشنبه و پنجشنبه که اعمال ما خدمت حضرت ارسال میشود (۱).

ص: ۴۰۷

یکی از علمای تهران از مرحوم آیت الله خویی نقل میکردند که ایشان فرمودند: من چهل سال است در قنوت نمازم دعای فرج را ترک نکردم. یعنی بزرگان از علما به این نکته توجه داشتند، در مقدمه این دعا هم آمده که نه فقط شب ۲۳ ماه رمضان، هر زمان که به خاطرتان می آید این دعا را بخوانید (۱). در فرمایش امام صادق «علیه السلام» در مقدمه دعای عهد است که هر کس دعای عهد را ۴۰ روز بخواند، اگر مرگ او قبل از ظهور امام زمان «علیه السلام» اتفاق بیفتد، هنگام ظهور حضرت او را زنده میکنند و بازگشت به این دنیا را بر او عرضه میکنند، تا بر یاری امام زمان «علیه السلام» موفق شود (۲).

هر زمان گرفتاریها شما را اذیت میکند، مراجعه کنید به مفاتیح و زیارت «سلام الله الکامل التام الشامل العام...» خطاب به امام زمان «علیه السلام» را بخوانید (۳). تصور نکنید در جهت دعا بر امام زمان «علیه السلام»، در حال زیاده روی هستید. انجام وظیفه نسبت به صاحب الزمان «علیهم السلام» هر چه انجام بشود باز هم کم است، لذا در این جهت تا میتوانید دقت و کوشایی لازم را به خرج بدهید.

سؤال چهارم: لطفاً با دلایل عقلی ثابت نمایید چطور بعد از ۱۴۰۰ سال، شخصی بدون اینکه نزد اطرافیان، همسر و فرزند شناخته بشود، بتواند زندگی کند؟ پاسخ: در روایات مربوط به مهدویت که جناب شیخ صدوق در کتاب کمال الدین نقل کرده است، طول عمر امام زمان «علیهم السلام» را به طول عمر دو پیامبر تشبیه کرده است، حضرت نوح «علیهم السلام» و حضرت خضر «علیهم السلام» (۴).

حضرت نوح به تصریح قرآن، ثبوتشان تا طوفان، ۹۵۰ سال طول کشید، خدا در سوره عنکبوت میفرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا (۵)».

ص: ۴۰۸

۱- مصباح المتعبد و سلاح المتعبد ۲: ۶۳۰

۲- المزار الکبیر «لابن المشهدی» ۶۶۳

۳- المزار الکبیر لابن المشهدی ۶۷۰، الباب ۷

۴- کمال الدین و تمام النعمه ۲: ۳۵۴

۵- وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَ هُمْ ظَالِمُونَ. العنکبوت «۲۹» ۱۴

در روایات فرمودند: کل عمر حضرت نوح ۲۴۵۰ سال یا ۲۵۰۰ سال بوده است (۱)، عمر حضرت امام زمان علیهم سلام هنوز نصف عمر حضرت نوح «علیهم سلام» هم نشده است.

عمر طولانی حضرت نوح «علیهم سلام» را یهودی ها، مسیحی ها و سنی ها قبول دارند. لذا نمیتوانند به عمر تقریباً ۱۲۰۰ سال امام عصر «علیهم سلام» ایراد بگیرند.

پس عمر حضرت نوح «علیه السلام»، سند امکان عمری دو برابر این مقدار برای امام زمان «علیه لسلام» در طول تاریخ است.

ما از عمر حضرت خضر اطلاعی نداریم. حضرت خضر، پیامبر زنده خدا در روی زمین است که سنی و شیعه این را قبول دارند.

قرآن داستان حضرت خضر را که از آب حیات خورد را ذکر کرده است. امام زمان «عج» از دنیا می‌رود و حضرت خضر از دنیا نمی‌رود.

حضرت خضر به برپایی قیامت از دنیا می‌رود (۲). ما فقط تخمینی از عمر حضرت خضر میتوانیم داشته باشیم. ایشان به تصریح قرآن در آیات سوره کهف با حضرت موسی «علیه السلام» قرار ملاقات داشت (۳). از زمان حضرت موسی تا به حال ۳۵۰۰ سال می‌گذرد، اگر حضرت خضر در ملاقات با حضرت موسی ۵۰ ساله بوده باشد، الان حدوداً ۳۵۵۰ سال سن دارند. عمر حضرت بقیه الله هنوز ثلث عمر حضرت خضر هم نشده است.

امام صادق «علیه السلام» در روایت می‌فرماید: اگر خدا چنین عمر طولانی را برای حضرت خضر تدارک کرد، نه به این دلیل بود که امتی داشت که در آن امت مشغول تبلیغ شود. خداوند به دو جهت به حضرت خضر این عمر طولانی را داد: ۱- ایشان مونس امام غیبت و تنهایی امام زمان علیهم السلام باشد (۴).

۲- عمر طولانی حضرت خضر سند زنده‌های برای امکان عمر طولانی باشد (۵).

استاد بعضی از ما! بلیس، جد ما حضرت آدم را فریب داد. از زمان حضرت آدم تا به حال، بنا بر نقل تورات، حدود ۸ الی ۱۰ هزار سال می‌گذرد، به تعبیر امیرالمؤمنین «علیهم سلام» در خطبه ی قاصعه، قبل از حضرت آدم، شیطان شش هزار سال بندگی خدا رامی کرد (۶) حضرت می‌فرماید: لَا يُدْرِي أَمِنْ سَيِّئِي الدُّنْيَا أَمْ مِنْ سَيِّئِي الْآخِرِ هِيَ عَنِّي مَعْلُومٌ نَيْسَتْ أَيْنَ شَشْ هَزَارَ سَالٍ، سَالِهَائِي، دُنْيَوِي أَسْتِ يَا أُخْرَوِي؟ اگر اخروی باشد که او ایلا است. ما فرض می‌گیریم سال دنیوی است، تخمیناً عمر شیطان، شانزده هزار

ص: ۴۰۹

۱- الامالی «للصدوق» ۵۱۲

۲- کمال الدین و تمام النعمه ۲: ۳۹۰، باب ۳۸،

۳- فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا * قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَني مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا . الكهف (۱۸ : ۶۵ - ۶۶ . وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْرِخَ جَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَ مَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا . الكهف (۱۸ : ۸۲ .

۴- کمال الدین و تمام النعمه ۲: ۳۹۰، ح ۴

۵- کمال الدین و تمام النعمه ۲: ۳۵۷

۶- نهج البلاغه «للصباحی صالح» ۲۸۷

سال است، عمر صاحب الزمان «علیهم السلام» هنوز یکدهم عمر شیطان هم نشده است. شیطان به اذن خدا این عمر طولانی را دارد، پس امکان عمر طولانی برای حضرت بقیه الله «علیهم السلام» امر غیرممکنی نیست. خداوند در قرآن در داستان حضرت یونس «علیه السلام» که به عنوان مجازات در شکم ماهی افتاد، میفرماید: «يَعْنِفُلُوْا لَا اِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِيْنَ * لَلَيْتَ فِيْ بَطْنِهٖ اِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُوْنَ» (۱)، اگر حضرت یونس در شکم ماهی تسیح خدا نمیگفت، ما یونس را در آن فضای تنگ و سخت درون شکم ماهی، تا قیامت زنده نگه میداشتیم.

کسی که به این مطالب معتقد باشد و به ویژه بگوید: «ان الله على كل شيء قدير»، شبهه ای برای او در امکان عمر طولانی برای امام زمان «علیهم السلام» پیش نمی آید.

در مورد اینکه حضرت چطور این عمر و ویژگی را از اطرافیان نزدیک خود مخفی میکنند، این را توجه داشته باشید که اولاً حضرت خضر چگونه مخفی می کند؟ ثانیاً ما در روایات داریم که امام زمان «علیهم السلام» علیرغم کهنسالی، چهرهای جوان دارند و جالب اینجاست که چهره ی جوان و مزاج جوان ایشان بعد از ظهور هم تا زمان وفات ادامه پیدا میکند. به گونه ای که هر کس به ایشان بنگرد، تخمینش از سن ایشان حدود ۳۰ سال (۲) و حداکثر ۴۰ سال است (۳). پس قوای ایشان، قوای جوان است و سن ایشان زیاد و کهنسال است. لذا این قوای جوان مشکلی از نظر ایجاد تردید در اطرافیان ایجاد نمیکند، به ویژه که ما آن حضرت را به امر خدا در غیبت میدانیم.

پس دلیل اینکه این همه از بزرگان و غیره ایشان را ملاقات میکنند اما متوجه نمیشوند، این است که خداوند اجازه نمیدهد که آن لحظه متوجه شوند. موضوع غیبت و عدم توجه اطرافیان به ویژگیهای امام زمان «علیهم السلام»، مربوط به غیبت امام زمان «علیهم السلام» است.

سؤال پنجم: نشانه های قطعی ظهور و وظایف ما در مواجهه با آنها چیست؟ آیا حتماً باید علائم اتفاق بیفتد تا ظهور محقق شود یا خیر؟ پاسخ: این علائم در روایات ما تخمیناً سیصد علامت است. البته گاهی علائم ظهور با علائم برای قیامت مخلوط شده است که ما کاری به آن نداریم. از بین این سیصد تا، هفت الی هشت تا را با عنوان حتمی یا محتوم توصیف کرده اند، که از آنها به علائم حتمی ظهور تعبیر میکنند. بقیه ای که عنوان حتمی به آن نداده اند، طبیعتاً علائم غیر حتمی خواهند بود (۴).

مهمترین این علائم که در روایات خیلی بر آن تأکید شده است، خروج سفیانی است. سفیانی خبیثی است «از نسل ابیسفیان» که در شام در اواخر دوران غیبت حضرت قیام میکند و بعضی از بلاد اسلامی را تسخیر میکند و حدود نُه ماه بر پنج کشور حکومت میکند (۵). بعد از ظهور به جنگ حضرت برمیخیزد که لشکرش دچار رانش زمین میشوند و در زمین فرو میروند.

ص: ۴۱۰

۱- فَالْتَفَمَهُ الْحُوْتُ وَ هُوَ مُلِيْمٌ * فَلَوْ لَا اِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِيْنَ * لَلَيْتَ فِيْ بَطْنِهٖ اِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُوْنَ. الصافات «۳۷» ۱۴۲-۱۴۴

۲- الغیبه «للطوسی» کتاب الغیبه للحجه: ۴۲۰

۳- کمال الدین و تمام النعمه ۲: ۶۵۲، ح ۱۲

۴- الغیبه «للنعمانی» ۳۰۰، ح ۲

۵- الغیبه «للنعمانی» ۲۹۹، ح ۱

دومین علامت حتمی، صیحه‌ی آسمانی است که حضرت جبرئیل با فریادی در لحظه ظهور از بام خانه کعبه، ظهور حضرت را اعلام میکند.

سومین علامت حتمی، عبارت است از خروج یمانی (۱). شما گول بعضی از فریب دهندگان معاصر مانند احمد بن اسماعیل بصری را نخورید، که اخیراً ادعا کرده من یمانی هستم و حتی یک عده از ارباب عمائم را در عراق، خوزستان، ایران و از طلبان حوزه علمیه را به خود مشغول کرده است. یک عده پای علمش سینه میزنند، اینها حقه باز هستند. دولت امارات قصد دارد در ممالک شیعه، تفرقه داخلی راه بیندازد. به هر صورت یمانی از یمن ظاهر میشود نه بصره، احمد بن اسماعیل بصری در حال حاضر کشته شده است.

توضیح این است که یکی از شیعیان خالص اهل بیت «علیهم السلام» از یمن برای یاری صاحب‌الزمان «علیهم السلام» قیام میکند که از او تعبیر به یمانی میکنند. یمانی هم مانند سفیانی اسم نیست، بلکه لقب است.

علامت بعدی، قتل نفس زکیه است، مردی پاکدامن، بیگناه در مسجد الحرام کشته میشود (۲). و پانزده روز بعد از آن ظهور انجام خواهد شد (۳).

از علائم دیگر، فرموده اند: اختلاف دولت بنی العباس و تفرقه و ضعف دولت آنها است (۴). آیا منظور بنی عباسی است که در قرن ششم از بین رفت؟ یا آنطوریکه بعضی احتمال میدهند، یکبار دیگر اینها بر سر قدرت می‌آیند و تفرقه دولت آنها از علائم ظهور است؟ به طور مشخص معلوم نیست.

یکی دیگر از این علائم، طلوع خورشید از مغرب است. خورشیدی که همیشه از مشرق طلوع میکند، از مغرب طلوع میکند (۵).

یکی دیگر، ظهور کفِ دستی در آسمان است، مردم کف دستی در آسمان می‌بینند (۶). علامت دیگر «خسف بیداء» است که توضیح آن در هلاکت لشکر سفیانی داده شد. اینها را علائم حتمی فرموده اند و بقیه علائمی که در این لیست نیست مثل خروج خراسانی، خروج دجال، زلزله ها، خسوف ها، کسوف ها، تشبه رجال به نساء و بالعکس، افزایش ظلم، زیبا شدن مسجدها و مناره ها... غیر حتمی هستند (۷).

ص: ۴۱۱

۱- الغیبه «للطوسی»، کتاب الغیبه للحجه: ۴۶۴

۲- کمال الدین و تمام النعمه ۲: ۶۴۹، باب ۵۷، ح ۲

۳- الخصال ۱: ۳۰۳، ح ۸۲

۴- کشف الغمه فی معرفه الأئمه «ط القدیمه» ۲: ۴۵۷

۵- الخرائج و الجرائح ۳: ۱۱۴۸، ح ۵۷

۶- بحار الأنوار «ط بیروت» ۵۲: ۲۳۳، ح ۹۷

۷- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ۱۲: ۳۳۵، باب ۳۹، ح ۱۴۲۱۹

توجه داشته باشید برخلاف تصور بعضی از دانشمندان ما، علائم حتمی، قطعی الصدور نیستند که ما دائما آنها را چک کنیم.

ظهور امام زمان «علیهم السلام» دائر مدار هیچ علامتی نیست، متوقف و مشروط به هیچ علامتی نیست، حتی علامات حتمی.

حدیث در غیبت نعمانی هست که شخصی آمد به خدمت امام جواد «علیهم السلام» و گفت: خروج سفیانی حتمی است؟ امام فرمود:

حتمی است. شخص گفت: میتوانیم بگوییم تا سفیانی نیاید، ظهور امام زمان «علیهم السلام» نخواهد بود؟ امام فرمودند: نه اینطور نیست! شاید خدا بیداء کند و تغییر بدهد (۱). بنابراین همه ی علائم، حتی علائم حتمی ظهور، اینها قابلیت تغییر دارند. اگر میفرمایند حتمی، تقدیر قبلی را بیان میکنند.

به دعای شما مؤمنین شاید این علائم انجام نشود و شاید زودتر انجام بشود و خداوند ظهور امام زمان «علیهم السلام» را تعجیل کند.

امام صادق «علیهم السلام» فرمودند: یک اشتباهی جناب ساره همسر حضرت ابراهیم «علیهم السلام» انجام داد که خداوند ۴۰۰ سال ذلت تحت حکومت فرعون را بر اولاد او مقدر کرد (۲).

توجه داشته باشید این عذاب ساره است نه عذاب اولاد. گاهی رفتار ما در اولاد ما مؤثر است. الان خیلی از خیراتی که به شما میرسد، نتیجه اخلاص پدر بزرگهای شما و دعای آنها در حق نسلشان است و هکذا بعضی مشکلات.

به هر صورت، چهارصد سال عذاب را بر نسل او تحت حاکمیت فرعون مقدر کرد. از این چهارصد سال، ۲۳۰ سالش گذشت و جان یهودیان به لب رسید و دیگر تحمل نداشتند. دورهم جمع شدند و به دعا و تضرع پرداختند و از خدا طلب رحم کردند. «یذبحون ابنائهم و یستحیون نسائهم» (۳). خداوند دعایشان را مستجاب کرد، ۱۷۰ سال باقیمانده ی این تقدیر را خداوند بر آنها بخشود و امر به خروج حضرت موسی «علیهم السلام» برای نجات آنها از شر فرعون کرد. بعد از پایان این داستان امام صادق «علیهم السلام» به من و شما می فرماید: «هكذا أنتم لو فعلتم لفرج الله عنا». وضع شما مسلمانان هم همین است، اگر شما هم مثل بنی اسرائیل خالصانه دعا کنید و تضرع کنید، از خدا تقاضا کنید، خداوند فرج ما را نزدیک میکند.

سؤال ششم: آیا این درست است که در زمان غیبت، راه هدایت بسته نیست و هدایت مشخص است و نزد خدا هیچ حاجتی نداریم که امامان در غیبت بوده و هدایت نشدیم؟ پاسخ: این تشبیهی که پیغمبر خدا «صلی الله علیه و آله» در مورد امام زمان «علیهم السلام» بیان فرمودند را اهل تسنن هم بیان کرده اند.

هنگامی که آیه ی «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» نازل شد، جابر ابن عبدالله انصاری پرسید: ای پیغمبر خدا «صلی الله علیه و آله»، ما خدا و رسول او «صلی الله علیه و آله» را می شناسیم. اولی الامری که موظف به اطاعت آنها هستیم چه کسانی هستند؟ پیامبر خدا «صلی الله علیه و آله»: اسمی از ابوبکر و عمر و عثمان نبردند. اول از همه فرمودند علی ابن ابیطالب «علیه السلام» بعد از او فرزندش حسن «علیه السلام» بعد برادرش حسین «علیه السلام» بعد فرزندش علی «علیه السلام» بعد فرزندش محمد «علیهم السلام» (که لقبش در تورات باقر یعنی شکافنده ی علم است)، و ای جابر! تو او را مبینی سلام مرا به او برسان. بعد از او امام صادق «علیه السلام»، امام کاظم «علیه السلام»، امام رضا «علیه السلام»، امام جواد «علیه السلام»، امام هادی «علیه السلام»، حضرت عسکری «علیه السلام» و بعد از او مهدی «علیه السلام» که غیبتی طولانی به امر خدا خواهد داشت و خداوند به دست او شرق و غرب عالم را فتح خواهد کرد. جابرا ایستاد و گفت: یا رسول الله «صلی الله علیه و آله»، آیا مردم در زمان غیبت او از او سود میبرند؟ پیغمبر «صلی الله علیه و آله» فرمودند: قسم به خدایی که مرا به نبوت برانگیخت مردم در ایام غیبت از او استفاده میکنند آنگونه که در روز ابری از خورشید پشت ابر استفاده میکنند (۴).

مرحوم علامه مجلسی در بحار جلد پنجاه و دو بعد از اینکه این روایت را نقل میکند، هشت وجه برای این تمثیل بیان میکند که چرا امام

۱- الغیبه «للنعمانی» ۳۰۳، باب ۱۸،

۲- بحار الأنوار «ط بیروت» ۴: ۱۱۸، باب ۳

۳- وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ. البقره «۲» ۴۹:

۴- كفايه الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر: ۵۳، باب ما جاء عن جابر بن عبد الله الأنصاري.

۵- بحار الأنوار «ط بیروت» ۵۲: ۹۲،

یکی از روشنترین وجوه این تمثیل این است که مردم از نور آن خورشید استفاده میکنند و راه را پیدا میکنند. پس امام غایب است اما علم امام غایب نیست، هدایت امام غایب نیست.

روایتی است از مرحوم نعمانی «شاگرد جناب کلینی» در کتاب «الغیبه» که اولین تکنگاری مهدویت است که موجود است. کتاب های مهدویت قبل از او «که کل کتاب در بحث مهدویت بوده» متأسفانه مفقود شده است. گرچه روایاتش هست ولی خود کتاب موجود نیست.

وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُوءُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيَدَّبُّونَ آثَاءَكُمْ وَيَسْتَبْخِثُونَ نِسَاءَكُمْ وَ فِي ذَلِكَ لَكُمْ بَلَاءٌ مِمَّنْ رَّبُّكُمْ عَظِيمٌ. إبراهيم (۱۴): ۶ در فصل غیبت امام زمان «علیهم السلام» در این کتاب از ابواسحاق سبعی نقل میکند که امیرالمؤمنین «علیهم السلام» بر فراز منبر کوفه فرمودند: زمین از حجت خدا خالی نمیماند.

حجت های خدا دو گروه اند بعضیهایشان ظاهرند ولی مردم قدرشان را نمیدانند «یعنی امام اول تا امام یازدهم» بعضی دیگرشان غایب و مخفی هستند و مردم آنها را نمیشناسند «شهرتی در جامعه ندارند». بعد امیرالمؤمنین «علیه السلام»: ان غاب عن الناس شخصهم فی حال هدنتهم فی دوله الباطل فلن یغیب عنهم مبیث علمهم و آدابهم فی القلوب مثبته. (۱) اگر شخص امام «علیه السلام» به دلیل ضعف مؤمنین و حاکمیت ظلمه بر جامعه از مردم غایب باشد یکی از جنبه های فرعی غیبت را بیان میکنند «علم منتشر امام «علیه السلام» از مردم غایب نیست. شخص امام از مردم غایب است اما علم و هدایت امام از مردم غایب نیست.

جمع شدن شما در اینجا بدون نور و هدایت و دستگیری امام زمان «علیهم السلام» نیست و علم حضرت شما را بر این اعتقاد باقی نگه داشته است. سپس میفرماید: آداب امام زمان «علیه السلام» و سنتهای ایشان در قلبها جای گیر است و مؤمنین به آن عمل میکنند.

بنابراین غیبت مانع هدایت و دست گیری حضرت نیست. در زیارت آل یاسین می گوئیم: «السلام علیک حین تقرأ و تبین (۲)» ای صاحب الزمان سلام بر تو آن زمانیکه قرآن را میخوانی و بر مردم تفسیر میکنی. یعنی عنایات علمی امام زمان علیه السلام علی رغم غیبت آن حضرت در روزگاران جاری است و مؤمنین به آن عمل میکنند، هر کس بهمقدار توفیق و پیوندش. هر کس به حضرت پیوند بیشتری داشته باشد، از عنایات آن حضرت بیشتر بهره مند میگردد.

به انتظار نشستن خطاست در انتظارش باید دوید کاری باید... دعایی باید اللهم عجل لولیک الفرج بحق علی بن ابی طالب علیه السلام

ص: ۴۱۳

۱- الغیبه «للعنمانی»: ۱۳۶، ح ۲

۲- المزار الکبیر «لابن المشهدی»: ۵۶۹، زیاره مولانا الخلف الصالح صاحب الزمان علیه و علی آبائه السلام... السَّلَامُ عَلَیْكَ حِینَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ حِینَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ حِینَ تَقْرَأُ وَ تُبَیِّنُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ حِیْنَ نَ تَصَلِّی وَ تَقْنُتُ.

نواب خاص امام زمان «عج»

بامروزی بر کتاب «الغیبه» شیخ طوسی به معرفی چهار نایب حضرت: «عثمان بن سعید، ابوجعفر محمد، ابوالقاسم حسین بن روح، ابوالحسن علی بن محمد سمری» می پردازیم: نوابی که در طول غیبت صغری هدایت شیعیان را برعهده داشتند.

ابوعمر و عثمان بن سعید عمروی

عثمان بن سعید از یاران امامان پاک: علی النقی و حسن عسکری «علیه السلام» بود. از طرف آن دو مورد تایید قرار گرفت و به شیعیان معرفی شد.

«احمد بن علی بن نوح»، به نقل از «محمد بن اسماعیل»، می نویسد: در سامرا به حضور امام عسکری «علیه السلام» رفتم. گروهی از شیعیان در حضورش بودند. خادم حضرت وارد شد و گفت: ای آقا گروهی «مسافر» گردآلود به خانه آمدند.

حضرت فرمود: آنها گروهی از شیعیان یمنی هستند. برو، عثمان بن سعید عمروی را بیاور.

وقتی عثمان آمد، حضرت به او فرمود: ای عثمان، بی تردید تو وکیل و مورد اعتماد من هستی و در مال خدا امانت داری. برو و مالی را که یمنی ها آورده اند، بگیر. گفتم: سوگند به خدا، عثمان از شیعیان و برگزیده های شماسست و شما به آگاهی ما، در این باره که او امین بر اموال الهی و وکیل و مورد اعتماد شماسست، افزودید.

فرمود: آری، چنین است. شاهد باشید که عثمان بن سعید عمروی وکیل من و فرزندش محمد وکیل فرزندم مهدی است (۱). مالک بن فزاری نیز به نقل گروهی از شیعیان، می گوید: امام عسکری «علیه السلام»، در مجلسی که چهل تن از شیعیان برای کسب اطلاع در باره امام بعد از وی به حضورش رسیده بودند، حضرت حجت را، که کودکی ماه سیما و شبیه پدر بود، نشان داد و فرمود:

شما پس از این او را نمی بینید. بنابراین، آنچه عثمان می گوید، بپذیرید که او جانشین امام شماسست و نیابت به او سپرده می شود (۲).

دلیل دیگر بر نیابت عثمان بن سعید این است که نامه و توقیعات حضرت صاحب الامر که به وسیله عثمان بن سعید و پسرش محمد به شیعیان می رسید، به همان خطی بود که در زمان حیات امام عسکری (علیه السلام) نوشته می شد و مردم با آن آشنا بودند. به همین سبب، شیعیان در عدالت و امانت پدر و پسر تردید روا نمی دارند (۳).

عثمان بن سعید در حدود سال ۲۶۵ ه. ق وفات یافت و آرامگاهش در «سمت غربی مدینه السلام» «بغداد» در خیابان میدان واقع است (۴). شیخ طوسی در «الغیبه» می نویسد: من قبرش را در مکان یادشده دیده ام.

ص: ۴۱۴

۱- الغیبه، ص ۲۱۴

۲- الغیبه، ص ۲۱۷. «باتلخیص»

۳- الغیبه، ص ۲۱۶

وی دومین نایب حضرت حجت «عج» است. و پس از وفات پدرش، بر اساس بیان آشکار امام عسکری «علیه السلام» به این مقام منصوب شد. نامه و توقیعات بسیار بر صدق و امانت و درستی ادعاهای او دلالت می کنند. از جمله می توان به روایت عبدالله بن جعفر «محمد» حمیری اشاره کرد. عبدالله می گوید: از طرف امام زمان «عج» به مناسبت وفات عثمان بن سعید، نامه ای برای فرزندش «محمد» ظاهر شد که در آن آمده بود: «انالله و انا الیه راجعون». پدیرت سعادت مندانه زندگی کرد و با افتخار وفات یافت. خدایش رحمت کند و به اولیاء و سرورانش ملحق گرداند. او همیشه در اطاعت از امرشان کوشا بود و در آنچه او را به خدا نزدیک می کرد، می کوشید. خدا روحش را تازه و شاداب کند و از لغزشهایش درگذرد. خدا تو را کمک کند، نیرو بخشد، یاری ات کند، توفیق دهد، ولی، حافظ، مواظب و کفایت کننده ات باشد (۱). روزی اسحاق بن یعقوب به او نامه ای داد و گفت: پرسشهای دشواری دارم که در این نامه درج کرده ام، آنها را به حضور امام برسانید.

محمد نامه را به حضرت رساند و جوابش را به خط خود حضرت برگرداند. در بخشی از آن نامه آمده بود: «محمد بن عثمان عمروی» که خدا از او و پدرش راضی باشد مورد اطمینان من است و نوشته اش نوشته من است (۲). یکی از دلایل راستگویی و صحت نیابت محمد این بود که توقیع ها در زمان او به همان خطی بود که در زمان پدرش می آمد.

همچنین معجزات امام «علیه السلام» به وسیله او برای مردم آشکار می شد که عامل دیگری در تحکیم اعتقاد مردم بود. شیعیان همه بر امانت و عدالت او اتفاق دارند: زیرا گذشته از آنکه در زمان امام حسن «علیه السلام» و پس از آن ضمن توقیعات امام عصر مامور و نایب شده بود: پارسایی و درست کرداری اش، در طول چهل سال، جای تردید برای کسی باقی نگذارد تا آنجا که علمای شیعه در عصرهای بعد بر نیابت وی اجماع کردند. خبری که «ابوالحسن علی بن احمد» نقل کرده است، پرده از پارسایی، این مرد بزرگ برمی دارد. او می گوید: روزی نزد محمد بن عثمان رفتم، به او سلام کردم و دیدم لوحی در برابرش جای دارد و نقاشی بر آن نقش می کند، آیاتی از قرآن بر آن می نویسد و نامهای ائمه «علیهم السلام» را بر کناره هایش ثبت می کند.

پرسیدم: سرور من، این لوح چیست؟ فرمود: این برای داخل قبرم است. مرا روی آن می گذارند. «یا تکیه می دهند» هر روز به قبر خود می روم، یک جزء قرآن می خوانم و بیرون می آیم.

آنگاه روز، ماه و سال دقیق وفاتش را به من گفت و اضافه کرد که در این قبر دفن می شوم.

چون از نزد او بیرون آمدم، تاریخی که گفته بود، نگاشتم. مدتی بعد، او بیمار شد و سرانجام در دهمان تاریخ وفات یافت.

محمد در آخر جمادی الاول سال ۳۰۵ یا ۳۰۴ درگذشت و کنار قبر مادرش در بغداد به خاک سپرده شد. بر مرقدهش بنایی ساختند که به گفته شیخ طوسی «در عصر وی» مردم به زیارت آن می شتافتند (۳).

ص: ۴۱۵

۱- الغیبه، ص ۲۱۹-۲۲۰

۲- الغیبه، ص ۲۲۰

۳- همان، ص ۲۳۲

وی، که از صحابه مخصوص امام عسکری «علیه السلام» و کیل و کار گزار محمد بن عثمان بود، در سال ۳۰۵ ه. ق به امر امام عصر «عج»، به نیابت برگزیده شد.

حسین ایرانی نژاد و از خاندان «نوبخت» بود. هنگام عیادت نایب دوم از سوی حضرت انتخاب شد. وقتی محمد بن عثمان وفات یافت، حسین بن روح بقیه روز را در خانه او ماند. خادم محمد بن عثمان عصا، صندوقچه و کتابی را، که از محمد مانده بود، به وی سپرد. حسین بن روح وقتی آنها را دید، گفت: این عصا از آن مولایم امام عسکری است: (۱) بود. هنگام عیادت نایب دوم از سوی حضرت انتخاب شد.

امامان است و قنوت ائمه در کتاب ثبت شده است (۲).

ص: ۴۱۶

۱- صندوقچه حاوی انگشتر

۲- بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۱۱

پس از مدتی، اولین نامه در یکشنبه پنجم شوال سیصد و پنج هجری قمری، از ناحیه مقدس امام عصر «عج» به وی رسید. در آن نامه چنین نوشته شده بود: «ماوی» حسین بن روح را می شناسیم. خداوند تمام خوبیها و خشنودیهای خود را به او بشناساند و با عنایات خود او را خوشحال کند. از نامه او آگاه شدیم و به او در مسولیتی که به او واگذار کرده ایم، اطمینان داریم. او نزد ما مقامی دارد که سبب خشنودی او است. خداوند احسانش را به او افزونتر کند (۱).

حسین بن روح، که بیست و یک سال نیابت امام را بر عهده داشت، از مقام علمی والایی برخوردار بود. او کتابی در فقه به نام «التادیب» (۲) نوشت که علمای آن روز حوزه علمیه قم محتوایش را تایید کرده بودند. فقهای بزرگ شهر قم در آن عصر با تمام * * * * * علم و فقاہت از وی پیروی می کردند. «علی بن بابویه»: محدث نامدار قم، برای دیدار با حسین بن روح به بغداد رفت، و پاسخ پرسشهایش را از وی دریافت کرد و به قم بازگشت (۳).

حسین بن روح پایگاه اجتماعی و موقعیت دینی والایی کسب کرد تا آنجا که همه مخالفان و موافقانش او را خردمندترین مرد زمانه می دانستند. البته این امر همان فقاہت، دانش و تقوای او بود. او در برابر متعصبان و قدرتمندان روزگارش مامور به تقیه بود. با این همه، از سال ۳۱۲ - ۳۱۷ ه. ق گرفتار زندان خلیفه مقتدر عباسی شد. اما در این مدت هم به وسیله چند وکیل کارهای شیعیان را سر و سامان داد (۴).

از نکات مهمی که در زمان وی روی داد، موضوع برخورد با کتابهای گمراه کننده بود. ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی معروف که از علمای صاحب تالیف بود، به خاطر جاه طلبی و حسادت ادعای نیابت کرد و آرای فاسد دیگری، که «ابن ابی العزافر» به حلول و تناسخ را تایید می کرد، بر زبان راند. مدتی بعد، بر دست حسین بن روح نامه ای از امام زمان در لعن وی صادر شد (۵).

در پی این واقعه، مردم نزد حسین بن روح آمدند و از تکلیفشان در مقابل کتابهای شلمغانی که خانه هایشان را پر کرده بود پرسیدند؟ او پاسخ داد: همان را می گویم که ابو محمد حسن بن علی عسکری «علیه السلام» فرموده است. وقتی درباره کتابهای بنی فصال از امام حسن عسکری «علیه السلام» پرسیدند، حضرت فرمود: آنچه از ما روایت کرده اند، بپذیرید و هر چه از خود گفته اند، ترک کنید (۶).

ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی سرانجام در ۱۸ شعبان سال ۳۲۶ وفات یافت و در محله نوبختیه بغداد به خاک سپرده شد.

شیخ عباس قمی می نویسد: این مزار در یک خانه شخصی واقع شده که اگر کسی بخواهد وارد آن شود، نخست باید از صاحبخانه اجازه بگیرد. آن وقت داخل شود، هنوز اهل خیری پیدا نشده تا این خانه را بخرد و صحن مناسبی همراه با چند ایوان و حوض در اطراف آن بسازد. این کار، علاوه بر تعظیم صاحب بزرگوار آن، محل اجتماع و پناهگاه شیعیان در شهر بغداد خواهد شد. تتمه الممتهی، ص ۳۰۳: (۷)

ص: ۴۱۷

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۷۲ و ۳۵۶

۲- معجم المؤلفین، عمر رضا کحاله، ج ۴، ص ۸

۳- رجال نجاشی، ص ۲۶۱

۴- خاندان نوبختی، ص ۲۱۸

۵- الغیبه، ص ۲۵۲

۶- الغیبه، ص ۲۳۹

۷- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، سفیر سوم، ص ۱۲۹

علی بن محمد سمري «حسین بن روح پس از بیست و یک سال تلاش، به دستور امام عصر، شخصیت گرانقدر بغداد به نام را به نیابت معرفی کرد(۱).

علی بن محمد از شعبان ۳۲۶ تا نیمه شعبان ۳۲۹ ه. ق نیابت امام را بر عهده گرفت. ولی هنگام مرگ کسی را، به عنوان جانشین خود معرفی نکرد. شیخ طوسی به نقل از احمد بن محمد صفوانی، می نویسد: ابوالقاسم، حسین بن روح به ابوالحسن:

ص: ۴۱۸

محمد سمري امر نيابت را وصيت كرد. سمري هم همان كارهايي كه نوبختي مي كرد، انجام داد. وقتي زمان مرگ علي بن محمد فرا رسيد، شيعيان به حضور من آمدند و از وكيل و نايبش پرسيدند: او گفت: مامور نيستم، به عنوان نايب، كسي را معرفي كنم! (۱) شيخ صدوق نيز مي نويسد: هنگام وفات، از او خواستند جانشيني معرفي كند، گفت: خدا را امري است كه خود به انجام مي رساند (۲).

از علي بي محمد كرامات بسيار ديده شد كه هر يك كمال ايمانش را نشان مي دهد. از جمله خبري است كه صدوق ده سال بعد از شروع غيبت از صالح بن شعيب طالقاني نقل مي كند. صالح مي گويد: «احمد بن ابراهيم بن محلد» به من گفت: در بغداد نزد مشايخ و علما رسيدم. در آن مجلس «علي بن محمد سمري» بدون مقدمه گفت: خدا «علي بن حسين بن بابويه» (پدر صدوق) را رحمت كند. مشايخ تاريخ اين روز را يادداشت كردند. بعد خبري رسيد كه علي بن حسين بن بابويه در همان روز در گذشت. (۳).

همچنين «ابو جعفر محمد بن علي حسين بن بابويه» به نقل از «احمد بن حسن» مي گويد: در همان سالي كه ابوالحسن سمري رحلت كرد، در بغداد بودم. چند روز پيش از وفات نزدش رفتم و توقيعي را به مردم نشان داد كه در آن نوشته بود:

اي علي بن محمد سمري، خداوند پاداش برادرانت را در سوگ تو بيشتر كند. تو تا شش روز ديگر خواهي مرد. پس امور خود را سامان بده و به هيچ كس وصيت نكن. زيرا غيبت كامل واقع شده ظهوري نخواهد بود: مگر به اجازه خدای تعالی: و اين پس از مدت درازي خواهد بود كه دلها را سختي و قساوت فرا گيرد و زمين از جور و ستم پر شود.

ص: ۴۱۹

۱- الغيبه، ص ۲۴۲

۲- الغيبه، ص ۲۴۲

۳- الغيبه، ص ۲۴۲

توقیعات امام زمان «عج» نامه ها و نوشته های حضرت مهدی است که گاه در مورد سخنان غیر مکتوب ایشان نیز به کار رفته است.

توقیعات امام زمان که در حدود ۸۰ مورد است، غالباً در دوره غیبت صغرا در موضوعات گوناگون اعتقادی، فقهی، مالی و... صادر شده است.

توقیعات امام زمان «عج» اصطلاحی در فرهنگ شیعی است به معنای مکاتبات و منشورهای امام زمان «عج» این واژه درباره احادیث غیر مکتوب آن حضرت نیز به کار رفته است چنانچه شیخ صدوق برخی از سخنان حضرت را در بخش توقیعات آورده است (۱).

علاوه بر آن، برخی سخنان خاص نایبان آن حضرت همچون اخبار به غیب و نیز اظهار نظر درباره مسائل دینی نیز، در محدوده توقیعات ذکر شده است (۲). دلیل کاربرد اخیر، احتمالاً سخنی از حسین بن روح نوبختی بوده که در آن تأکید کرده که در امر دین امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شنیده است. « اصل » از خود سخن نمیگوید، بلکه همه را از «اصل» امام زمان «عج» شنیده است (۳).

در روایات بسیاری، تصریح شده که مکاتبات امامان به خط خود آنان بوده (۴) و درباره توقیعات امام مهدی «عج» گاهی تأکید شده است که اثر مُهر امام نیز در نوشته موجود بوده (۵) و حتی گاه خود امام در ذیل نامه بر نگارش نامه به خط خویش تصریح کرده است.

ص: ۴۲۰

-
- ۱- صدوق، کمال الدین «تصحیح غفاری»، ج ۲، ص ۵۰۵؛ طوسی، الغیبه، ۱۴۱۱ق، ۳۰۹
 - ۲- صدوق، کمال الدین «تصحیح غفاری»، ج ۲، ص ۵۰۲ - ۵۰۴؛ طوسی، الغیبه، ۱۴۱۱ق، ص ۲۹۴، ۲۹۸، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۲۱؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۳۱۶
 - ۳- صدوق، کمال الدین «تصحیح غفاری»، ج ۲، ص ۵۰۸، ۵۰۹؛ کلینی، ج ۱، ص ۳۳۰
 - ۴- کلینی، ج ۱، ص ۹۶ - ۱۰۲ و ۱۰۳ - ۱۰۷ - ۵۱۰؛ ابن بابویه، ۱۳۹۲ش، ج ۲، ص ۳۸، ۴۴
 - ۵- کلینی، ج ۷، ص ۱۶۳؛ طوسی، ۱۴۰۱ق، ج ۹، ص ۳۱

در عصر غیبت صغری، مهمترین واسطه تحویل نامه‌های شیعیان به امام زمان «عج»، سفیران ناحیه مقدسه بودند. البته در مواردی نیز نامه یا درخواست، به واسطه برخی از خادمان یا کسانی که به خانه حضرت رفت و آمد میکردند، به امام رسانده میشد. به عنوان نمونه، محمد بن یوسف شاشی، نامه‌ای را به وسیله زنی که به خانه امام «عج» رفت و آمد میکرد؛ به نزد آن حضرت فرستاد و پاسخ گرفت (۱). گاه نیز توقیعات شکل عمومی داشت، که به وسیله افراد مختلف استنساخ میشد.

توقیعات پس از صدور، توسط پیکی مخصوص، با ارائه نشانه، فرستاده میشد. بنابر ملاحظات امنیتی و جهات تقیها آمیز، هویت این پیکها در گزارشهای موجود ذکر نشده و با تعابیر مبهمی همچون: امرأه، غلام، غلام اسود، الرسول من عند الحسین بن روح، رسول الخلف و... از آنان یاد شده است (۲).

توقیعات امام زمان «عج» بیشتر مربوط به غیبت صغری «۲۶۰-۳۲۹ق» است که به واسطه نواب اربعه در جواب سؤالات و شبهات صادر میشد. در عصر غیبت کبرا تنها دو توقیع خطاب به شیخ مفید در اواخر عمر او گزارش شده که در انتساب آنها تردیدهایی شده است.

ص: ۴۲۱

۱- الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۶۹۵، ح ۹

۲- صدوق، کمال الدین «غفاری»، ج ۲، ص ۴۸۷ و ۴۹۱ و ۴۹۵ و ۴۹۷ و ۵۰۵

هر چند اصطلاح توقیع به معنای مکتوبات امامان بویژه امام زمان «عج» است، ولی این اصطلاح در مورد سخنان غیر مکتوب امام زمان «عج» نیز به کار رفته و در منابعی که توقیعات امام دوازدهم گردآوری شده «از جمله کمال الدین صدوق و معجم احادیث الامام المهدي»، سخنان غیر مکتوب وی و حتی سخنان نایبان خاص هم در ضمن توقیعات آورده شده است (۱).

موضوع بندی توقیعات:

توقیعات امام زمان که در حدود ۸۰ مورد است، غالباً در دوره غیبت صغرا در موضوعات گوناگون اعتقادی، فقهی، مالی و... صادر شده است.

اعتقادی

شماری از توقیعات صادر شده از سوی امام زمان «عج» در پاسخ به پرسشهای مربوط به مسائل عقیدتی مانند صفات خدا، نبوت و امامت است. حضرت مهدی «عج» در پاسخ به پرسشهای مربوط به امامت، با تأکید بر این که زمین هیچ گاه خالی از حجت نبوده است و این سنت الهی تا قیامت ادامه پیدا میکند، به وظیفه امام در تعیین امام بعد از خود پرداخته و خاطر نشان ساخته که امام حسن عسکری «علیه السلام»، ایشان را به امامت معرفی نموده است. ایشان از امامت به طور کلی و از امامت خویش در برابر افرادی مثل جعفر کذاب، دفاع نموده، شیعیان را از تعیین وقت ظهور، معرفی، جانمایی و جستجوی از خود، نهی کرده و در عوض، وکیلان متعدّد و قابل اعتمادی را به جای خود نصب نموده است (۲).

ص: ۴۲۲

۱- صدوق، کمال الدین «تصحیح غفاری»، ج ۲، ص ۵۰۲-۵۰۵؛ معجم احادیث الامام المهدي، ج ۴، ص ۳۱۶

۲- برای مشاهده این توقیعات مراجعه کنید به: زی شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۴، ص ۱۳۰-۱۶۵

بخش گسترده و قابل اعتنایی از محتوای توقیعات، پاسخ به سؤالات فقهی است. در این توقیعات، به پرسشهای متعدد شیعیان درباره طهارت، نماز، روزه، حج، شهادت، قضا، وقف، معاملات، خمس، صدقه، نکاح، مُسکرات، زیارت قبور ائمه «ح» و... جواب داده شده است (۱).

اموال رسیده به امام

بخشی از توقیعات درباره اموالی است که شیعیان به عنوان خمس و دیگر وجوه شرعی توسط وکلا یا نمایان خاص به حضور امام زمان «عج» میفرستادند. برای نمونه محمد بن شاذان نیشابوری گوید: نزد من پانصد درهم که «بیست درهم کسر داشت» جمع شده بود. دوست نداشتم پولی که برای حضرت میفرستم کمتر از پانصد درهم باشد. از این رو بیست درهم از مال خودم وزن کردم به آن افزودم و به اسدی وکیل امام «دادم» اما درباره مبلغی که افزوده بودم، چیزی ننوشتم. جواب نامه رسید: «پانصد درهم که بیست درهم آن برای تو بود، به ما رسید...» (۲).

ص: ۴۲۳

۱- برای مشاهده این توقیعات مراجعه کنید به: ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۴، ص ۱۸۰-۲۳۹.

۲- کمال الدین (ترجمه)، ج ۲، ص ۲۴۰

پنهان زیستی امام زمان «عج» بهانه و ابزاری برای مدعیان دروغگو بود تا عقاید دینی مردم ناآگاه را وسیله سودجویی و ریاستطلبی خود قرار دهند. در چنین موقعیتی برای اینکه حقیقت پوشیده نماند و مردم دچار اشتباه نشوند، امام «علیه السلام»، توسط سفیران چهارگانه «به خصوص حسین بن روح» تویعاتی در مذمت، تکذیب و لعن آن دروغگویان صادر میکرد. برای نمونه شیخ طوسی در مورد ابومحمد حسن شریعی به عنوان نخستین مدعی بابت «واسطه بودن بین امام و مردم» میگوید: او از مصاحبان امام هادی و امام عسکری علیه السلام بود، اما بر خدا و حجت‌های الهی دروغ بست و تویعی از سوی امام زمان در لعن و بیزاری از وی صادر شد (۱).

کرامتها و دعاها

بخش دیگری از تویعات در بردارنده اموری است که به گونه‌های، کرامتهای امام مهدی «عج» را نشان میدهد، از جمله: دعا‌های امام در پی درخواستهای متعدد شیعیان و نیز خبر دادن امام از برخی حقوق مالی پنهان و دیگر امور نهانی (۲).

*فرازی از تویع امام زمان «عج» ناظر به اختلاف در جانشین امام عسکری «علیه السلام»: وقتی خداوند، او امام حسن عسکری «علیه السلام» را به سوی خود برد گمان کردید که خداوند متعال، دین خود را باطل ساخته و سبب میان خود و خلق خود را قطع کرده است. هرگز چنین نبوده و تا زمانی که قیامت برپا شود و امر خداوند سبحان آشکار گردد نیز این گونه نخواهد شد. امام پیشین در حالی در گذشت که سعادت‌مند بود و کاملاً به روش پدران‌ش عمل کرد و وصیت او و دانش او و جانشین او در ماست و کسی جز ستمگر گنهکار بر سر مقام او با ما نزاع نمیکنند (۳).

ص: ۴۲۴

۱- طوسی، کتاب الغیبه (ترجمه)، ص ۲۸۴

۲- برای مشاهده این تویعات مراجعه کنید به: ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۴، ص ۳۲۲-۴۲۵.

۳- شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۸۶

تو تاشش روز دیگر وفات خواهی کرد پس خود را آماده ساز و به کسی برای جانشینی پس از خودت وصیت نکن چرا که غیبت دوم آغاز گردیده است و مرا ظهوری نخواهد بود، مگر به اذن خداوند. ظهور، پس از گذشت زمانی دراز و سخت شدن دلها و پر شدن زمین از جور و ستم خواهد بود. بزودی کسانی از شیعیانم می آیند و ادعای دیدن مرا میکنند. آگاه باشید که هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه، ادعای دیدن مرا نماید، دروغگو و افترا زننده است (۱).

ص: ۴۲۵

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
 ۲. ارتباط با مراکز هم سو
 ۳. پرهیز از موازی کاری
 ۴. صرفا ارائه محتوای علمی
 ۵. ذکر منابع نشر
- بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و ...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

